

صاحب امتیاز: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

مدیر مسئول: محمد قاسمی

سر دبیر: حسن سبحانی

مدیر داخلی: سید محمد خونی

اعضای هیئت تحریریه:

محسن اسماعیلی (استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)
حسین افشین (دانشیار دانشکده مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی شریف)
ابراهیم بیگ‌زاده (استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی)
فریدین تقی‌زاده (دانشیار دانشکده علوم پایه دانشگاه یاسوج)
کاظم جلالی (صاحب‌نظر سیاسی و استادیار دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی)
کرم‌اله دانشفرد (استاد دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی دانشگاه علوم و تحقیقات)
حسن سبحانی (استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران)
محمد حسن صادقی مقدم (استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)
علیرضا صدرا (استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)
محمد قاسمی (صاحب‌نظر اقتصادی و استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)
ایروان مسعودی اصل (دانشیار مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)
الیاس نادران (دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران)

داوران این شماره: اصغر افتخاری، محمد امینی‌زاده، حمید انصاری، عباس بازرگان هرندی، صادق برزگر، قدسی بیات، مهربان پارسامهر، محمد حسن حسنی، ابوالفتح خالقی، حسین راغفر، منصور زراءنژاد، عادل ساریخانی، سمیه شاه‌حسینی، محسن شریفی، محمد خلیل صالحی، محمدرضا عبداللہی، قهرمان عبدلی، محمد باقر عزیززاده اقدم، محمد حسن فطرس، محمد قاسمی، اکبر کیانی، فرید محسنی، سید هادی مرجانی، علی حسین نجفی ابرندآبادی، حسین نظم‌فر، محمدرضا نیلی احمدآبادی، محمدرضا یوسفی شیخ‌رباط

این فصلنامه به استناد نامه شماره ۹۵۸-۳/۲۷ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۴ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارای درجه علمی پژوهشی است.

این فصلنامه در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام

مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

بانک اطلاعات نشریات کشور

پایگاه مجلات تخصصی نور

ویراستار: ناهید عطاردی

مترجم و ویراستار انگلیسی: سارا قاسمی تراقی

صفحه‌آرا: اکرم جدیدی

www.isc.gov.ir (ISC)

www.sid.ir

www.magiran.com

www.noormags.ir

تهران، خیابان پاسداران، روپروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی)، پلاک ۸۰۲

صندوق پستی: ۵۸۵۵-۱۵۸۷۵

دفتر فصلنامه (زینب احمدی):

۰۲۱-۷۵۱۸۳۲۸۳

۰۲۱-۷۵۱۸۳۱۸۶

۰۲۱-۷۵۱۸۳۱۴۹

دورنگان

امور مشترکین:

nashr.majles.ir

mrcmag@majlis.ir

rc.majlis.ir

ویژگی های یک مقاله راهبردی علمی

از منظر هیئت تحریریه فصلنامه مجلس و راهبرد، مقاله راهبردی علمی حداقل یکی از ویژگی های ذیل را دارد:

۱. حاوی یافته های جدید علمی حاصل از طرح های پژوهشی، رساله های تحقیقاتی و سایر تولیدات پژوهشی اعم از پژوهش های بنیادی، کاربردی، توسعه ای، تحلیلی، انتقادی، نقد و بررسی علمی کتاب، همراه با ارائه نظریه یا روش جدید در راستای حل مسائل کشور با دو ویژگی اصالت و ابداع.

۲. در بردارنده تحلیل علمی از موضوع مورد تحقیق و ارائه راهکارهایی برای فائق آمدن بر مشکلات و کاهش آسیب ها و تهدیدهای ناشی از معضلات جامعه.

۳. دارای توصیه سیاستی روشن و دقیق درباره خلائها، ابهامات و تعارضات در حوزه های سیاست گذاری عمومی کشور و چالش های کلان فراروی آن و همچنین آینده نگاری برای تصمیم سازان ذی ربط.

۴. دارای مضامین و محتوای عمدتاً بین رشته ای با عنایت به مرتبط بودن وجوه متعدد مسائل و مشکلات با عرصه های مختلف داخلی و بین المللی حیات سیاسی کشور.

فهرست مطالب

- سخن سردبیر..... ۵
- مفهوم پردازی عدالت در نظام آموزشی ایران: مطالعه موردی کتاب‌های درسی پیش از دانشگاه..... ۷
قدسی بیات و مرضیه قاسمی
- کاربرد از مدل جاذبه تعمیم‌یافته پویا در تحلیل تأثیر بی‌ثباتی سیاسی بر همگرایی تجاری
کشورهای جهان اسلام ۴۷
حمید عزیزمحمدلو
- راهبردهای توسعه کارآفرینی شهری در بستر اجتماعی شهر تهران ۸۷
مجتبی بابایی هزه جان، علی پیران‌نژاد، بهمن خداپناه و سیدریحانه لاجوردی
- نارسایی‌های تقنینی هیئت‌منصفه کارآمد در نظام حقوقی ایران ۱۱۹
محسن شریفی
- پایش توزیع فضایی فقر در استان‌های کشور ۱۴۹
حسین نظم‌فر، علی عشقی چهاربرج و سعیده علوی
- تحلیل رفتار بازیکنان در بازی تحریم‌های آمریکا علیه ایران: رویکرد مبتنی بر عامل ۱۷۷
کبری سنگری مهذب، حسین راغفرو میرحسین موسوی
- تأملی بر خوانش فیلسوفان اصالت فایده از بازدارندگی کیفر مرگ ۲۱۵
عبدالرضا جوان‌جعفری بجنوردی و زهرا فرهادی آلاشتی
- کاربست روش تلفیقی SWOT-DEMATEL در مدیریت یکپارچه حریم شهر تهران ۲۴۳
نوبخت سبحانی، مریم بیرانوندزاده، سینا سلمان‌زاده و احدالله احمدی پرگو
- تحول فقر در استان ایلام طی برنامه‌های دوم تا پنجم توسعه: با تأکید بر آثار سیاست
هدفمندی یارانه‌ها ۲۷۳
باقر درویشی و فرشته محمدیان
- گفتمان سیاست جنایی در رساله حقوق امام سجاد (ع)؛ بازشناسی گفتمان کیفری شریعت ۳۰۷
سیدمحمدجواد ساداتی
- قماربازی در فضای مجازی از نظر حقوق کیفری ۳۳۱
مهدی چگتی و سیداحمد موسوی
- تبیین جامعه‌شناختی قانون‌گریزی در بین شهروندان ایرانی (فراتحلیل پژوهش‌های موجود) ۳۵۹
طاها عشایری و فاطمه نامیان

سخن سردبیر

با تأییدات الهی انتشار یکصدمین شماره فصلنامه مجلس و راهبرد را در نخستین گام‌های دومین ربع قرن حیات پربار آن در حالی آغاز می‌کنیم که این فصلنامه به پشتوانه توجه و همکاری پژوهشگران و محققان دانشگاهی، دوران تکامل چگونگی‌های ارتقا و بالندگی خود را تجربه می‌کند و به‌عنوان مجله‌ای «علمی» در قالب تمهیدات دستگاه‌های ذی‌ربط سیاست‌گذاری و مسمی به فصلنامه‌ای «بین‌رشته‌ای» همچنان از دریافت انبوهی از مقالات عالمانه در زمینه‌های گوناگون مسائل کشور برخوردار و به انتشار از داوری جدی و مقبول گذشته آنها مستظهر و مفتخر است.

از سوی دیگر برای ما که متعهد شده‌ایم شرایطی را فراهم آوریم تا به‌موجب آن انوار کنج‌کاوی‌های نظری و کنکاش‌های ترویجی جستجوگران طریق معرفت و آگاهی را از طریق انتشار مقالات عمیق و تعمیق‌شده آنان برزوا یای تاریک و ابهامات پدیده‌های متنوع حیات اجتماعی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، اقتصادی و مدیریتی کشور بیفکنیم، به این مقصود که پیچیدگی‌های حکمرانی دینی در جهان متعصب به غرور یافته‌های زاویه‌دار از این مبانی را به کرنش سازگاری توحیدی و تمکین به رستگاری و حیانی استحاله کنیم. استمرار و گسترش بهره‌مندی از نتایج تحقیقات و پژوهش‌های پشتیبان سیاست‌گذاری امور کشور همچنان از مناسب‌ترین شیوه‌های قابل تصور است. مقوله‌ای که خوشبختانه استعداد و ظرفیت آن به‌وفور در کشور یافت می‌شود و متناسب کردن آنها با نیازهای دستگاه‌های حاکمیتی هم با صعوبت و سختی قابل اعتنایی مواجه نیست. از این‌رو منطقی است تا بر ادامه هرچه دقیق‌تر و متناسب‌تر فعالیت‌مان در این مسیر بیفزاییم.

از خداوند علیم می‌خواهم مجلس و راهبرد را آوردگاه حضور اندیشه‌ها و تجلی‌گاه ظهور تجربه‌هایی قرار دهد که دانشمندان، مدیران و محققان جوان این مرزوبوم، در جای جای این جهان پهناور به زایش و رویش آنها دل‌مشغولی دارند و سیاست‌گذاران و مجریان امور کشور را آن ویژگی عنایت کند که به پشتوانه ذخایر ارزشمند منتشره در آن؛ لحظه به لحظه بر کارایی رویکردها، تصمیمات و مصوبات خویش در تمشیت امور متنوع ملتی بزرگ بیفزایند. باشد به این وسیله مشروعیت یک نظام سیاسی مستظهر به آرمان‌های بلند را از مجاری ادراک عمیق پیچیدگی‌های پدیده‌های اجتماعی و اتخاذ تمهیدات بایسته به منصفانه ظهور برسانند.

حسن سبحانی

مفهوم‌پردازی عدالت در نظام آموزشی ایران: مطالعه موردی کتاب‌های درسی پیش از دانشگاه

قدسی بیات* و مرضیه قاسمی**

نوع مقاله: علمی پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۱۷	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۳	شماره صفحه: ۴۶-۷
------------------------	-------------------------	-----------------------	------------------

پژوهش حاضر با بررسی جایگاه عدالت به‌عنوان یکی از اصطلاحات مبنایی و چالش‌برانگیز سیاست و اخلاق و درعین‌حال مورد توجه فلاسفه، اندیشمندان علوم اجتماعی و سیاست‌گذاران، همچنین با در نظر داشتن نقش حیاتی و تقریباً بی‌بدیل محتوای درسی نظام آموزشی مکاتب مختلف در شکل‌دهی به الگوهای ذهنی، باورها و ارزش‌های نسل جوان جامعه؛ شناخت چگونگی مفهوم‌پردازی عدالت در نظام آموزشی ایران را با استمداد از روش تحلیل کیفی متن هدف قرار داده است. جامعه‌آماری این مقاله شامل همه کتاب‌های درسی مقاطع تحصیلی قبل از دانشگاه است و جمله به‌عنوان واحد تحلیل مدنظر قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد متون درسی در قالب هشت مضمون فراگیر (دین‌مداری، تاریخ بنیان، تمایز و تفاوت، پیام‌اندیشی، نسبت قدرت و عدالت، زیباشناختی و اخلاقی، چاره‌اندیشی و الگودهی) در کتاب‌های تاریخ، دین و زندگی و ادبیات فارسی مقطع ابتدایی و کتاب‌های اقتصاد و جامعه‌شناسی و تعلیمات اجتماعی مقاطع متوسطه دوم و تعلیمات اجتماعی، تعلیمات دینی، ادبیات فارسی و عربی دوره متوسطه اول به تبیین مقوله عدالت پرداخته‌اند. مضامین فراگیر از حیث گستردگی حجم مطالب، مبتنی بر ابعاد دینی و تاریخی است ضمن آنکه ارتباط منطقی چندانی بین گفتمان‌های عدالت در مقطع‌های آموزشی متوسطه با قبل از آن مشاهده نمی‌شود. بنابراین نویسندگان مقاله حاضر نظر به اهمیت مفاهیمی چون عدالت که ریشه در مبانی ارزشی، مکتبی و قانونی ما دارند؛ بازنگری محتوای درسی را به منظور حفظ انسجام و تمرکز محتوای درسی در تطابق با اهداف چشم‌انداز بیست‌ساله نظام جمهوری اسلامی، برنامه‌های توسعه و سند تحول نظام آموزشی پیشنهاد می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: مفهوم عدالت؛ نظام آموزشی؛ تحلیل کیفی؛ کتاب‌های درسی مقاطع متوسطه و ابتدایی

* استادیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)؛

Email: bayatghodsi@atu.ac.ir

** دانش‌آموخته مدیریت رسانه، دانشگاه صدا و سیما؛

Email: marziyehghasemi6@gmail.com

مقدمه

تعقل ارزشی مبتنی بر کرامت انسانی در قالب مقوله‌های عدالت و برابری به موازات تطور اندیشه‌ها و دیدگاه‌های مکاتب و صاحب‌نظران و نیز تجربیات نظام‌های سیاسی - اقتصادی و دگرگونی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با تفسیرها و بیان‌های متفاوتی مورد توجه بوده است. برداشت‌های متعددی نیز از آن صورت گرفته به گونه‌ای که اشکال آن در طول قرن‌ها طی چالش و اختلاف نظر در محافل علمی دچار تغییر، عمق و پیچیدگی بیشتری شده است و امروز مفهوم عدالت نه فقط از بُعد مبانی فلسفی و اخلاقی محض بلکه از بُعد حوزه‌های مختلف علوم سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی قابلیت بحث و بررسی می‌یابد. در این راستا چگونگی ارائه این آمال بزرگ انسانی در محتوای کتب درسی که جزء جدایی‌ناپذیر فرایند یاددهی - یادگیری و از مهمترین عناصر مؤثر فرهنگ‌سازی هر کشور است و رسالت انتقال بین‌نسلی تاریخ، دین، تجربیات و هنرهای یک جامعه را عهده‌دار است، اهمیت دارد و می‌بایست در راستای اهداف و چشم‌اندازهای کلان هر کشور تدوین و تنظیم شود. چنانچه در سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش ایران نیز در بخش‌های مختلف^۱ این مفهوم مورد تأکید قرار گرفته است. به عبارت دیگر نظام

-
۱. الف) مقدمه: «تحقق آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی ایران مانند ... کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو تربیت انسان‌های عالم، متقی و آزاده و اخلاقی است» (سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش، ۱۳۹۲: ۷).
 ب) فصل دوم، بیانیه ارزش‌ها: گزاره‌های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی عبارتند از:
 بند «۹»: «کرامت ذاتی و اکتسابی انسان و کسب فضایل اخلاقی از جمله: ایمان، تقوا، توفی و تبری، عمل صالح، خودباوری، روحیه مجاهدت، ظلم‌ستیزی، علم، حکمت، عفت، شجاعت، عدالت، صداقت، ایثار و فداکاری» (همان: ۱۷).
 بند «۱۱»: «تکوین و تعالی جنبه‌های انسانی هویت دانش‌آموزان برای تقویت روابط حق‌محور، عدالت‌گستر و مهرورزانه با همه انسان‌ها در سراسر جهان».
 بند «۱۶»: «کرامت ذاتی و اکتسابی انسان و کسب فضایل اخلاقی از جمله: ایمان، تقوا، توفی و تبری، عمل صالح، خودباوری، روحیه مجاهدت، ظلم‌ستیزی، علم، حکمت، عفت، شجاعت، عدالت، صداقت، ایثار و فداکاری» (همان).
 بند «۲۸»: «تقویت شش حاکمیتی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در ابعاد سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، پشتیبانی و نظارت و ارزیابی ضمن مشارکت‌پذیری و کاهش تصدیگری غیرضروری در بُعد اجرا با رعایت اصل عدالت» (همان: ۱۹-۱۸).
 ج) فصل چهارم، چشم‌انداز: «نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در افق ۱۴۰۴ ... شکل‌گیری هویت یکپارچه اسلامی، انقلابی ایرانی دانش‌آموزان با توجه به هویت اختصاصی آنان؛ کارآمد، اثربخش، یادگیرنده، عدالت‌محور و مشارکت‌جو، ...» (همان: ۲۱).
 د) فصل پنجم، هدف‌های کلان، هدف ۱: «تربیت انسانی موحد، مؤمن و معتقد به معاد و آشنا و متعهد به مسئولیت‌ها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت، حقیقت‌جو و عاقل، عدالت‌خواه و صلح‌جو، ...» (همان: ۲۴).
 هدف ۳: «گسترش و تأمین همه‌جانبه عدالت آموزشی و تربیتی» (همان). ←

آموزش رسمی یکی از فرایندهای انتقال معنی محسوب می‌شود و کتاب‌های درسی با طرح‌گفتن‌های مختلف به‌طور مستقیم و غیرمستقیم جامعه‌پذیری افراد، وحدت فکری وایدئولوژیکی آنها را تقویت یا تضعیف می‌کند. از سوی دیگر عدالت و مسئله عدالت و گفتن عدالت به یک معنا، امروزیک گفتن اصلی با توجه به جامعه در حال گذار است (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۹۲: ۵) و در مراحل گوناگون رشد و توسعه نظام ج.ا.ا. و سه دهه عمر آن تاکنون نیز ظهور ویژه داشته و با روی کار آمدن دولتمردان گوناگون و استقرار گفتن‌های سیاسی و اجتماعی متعدد از جمله گفتن انقلاب اسلامی، سازندگی، اصلاحات، عدالت محور و تدبیر و امید در حدامکان مورد اهتمام بوده است (قریشی، علیزاده اقدم و رحیم زائر، ۱۳۹۶: ۴). بنابراین تحلیل محتوای کتاب‌های درسی می‌تواند به آگاهی و استنباط از شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه زمان تولید کتاب‌های درسی بیانجامد. همچنین استنتاج‌هایی از فلسفه رایج و ارزش‌های حاکم اجتماعی چون خودباوری ملی، گرایش‌های سیاسی، توجه به فرهنگ ملی، فرهنگ غیرملی، فرهنگ مصرف‌گرایی، فرهنگ تولید، دمکراسی، آزادی، دین محوری، بی‌دینی و مواردی از این قبیل و نیز مطالعات تطبیقی کتاب‌های درسی یک کشور در دوره‌های زمانی مختلف یا مقایسه ارائه یک مفهوم در کتب دو کشور را می‌توان با تحلیل محتوای کتاب‌های درسی انجام داد. به‌عنوان مثال کیمر با بررسی کتاب‌های درسی آموزش زبان در مدارس عالی تایوان، چگونگی تثبیت و تغییر ارزش‌ها را در این کشور تحلیل می‌کند (Kaemmer, 2004). گرویس و توبین نیز با هم‌بین روش، نگرش به دیگران و صلح را در کتاب‌های درسی و راهنمای معلم مدارس ایران بررسی کرده‌اند (Groiss and Toobian, 2006). مقایسه تصویر اعراب و مسلمانان در کتاب‌های درسی آمریکا (Al-Banyan, 2005)، انگلستان (Al-Aqeeli, 2005) و رژیم صهیونیستی (Al-khabti, 2005) نمونه‌های پژوهشی درخور توجهی است که نشان می‌دهد تحلیل محتوا به شناخت و پیش‌بینی رفتارهای پیش‌بینی نشده‌ای که می‌تواند با

→ هدف ۴: «توسعه و نهادینه کردن عدالت آموزشی و تربیتی در مناطق مختلف کشور و...» (همان: ۲۶).
 (ه) فصل هفتم، هدف‌های عملیاتی و راهکارها، راهکار ۱، تربیت پرورش‌یافتگانی که: «... با درک مفاهیم اقتصادی در چارچوب نظام معیار اسلامی از طریق کار و تلاش و روحیه انقلابی و جهادی، ... عدالت و انصاف در روابط با دیگران در فعالیت‌های اقتصادی در مقیاس خانوادگی، ملی و جهانی مشارکت می‌کنند» (همان: ۳۲-۳۱).
 (و) فصل هفتم، هدف‌های عملیاتی و راهکارها، راهکار ۵: «تأمین و بسط عدالت در برخورداری از فرصت‌های تعلیم و تربیت با کیفیت مناسب با توجه به تفاوت‌ها و ویژگی‌های دختران و پسران و مناطق مختلف کشور» (همان: ۳۸).

استفاده از کتاب درسی حاصل شود کمک می‌کند. از جمله مطالعات محدود داخلی نیز تحقیق شاه‌سنی (۱۳۸۶) است که به تبیین سازوکارهای جامعه‌پذیری در کتاب‌های دوره ابتدایی پرداخته است. همچنین حکیم‌زاده، کیامنش و عطاران (۱۳۸۶) کتاب‌های درسی دوره راهنمایی را با توجه به مسائل و مباحث روز جهانی از قبیل آموزش توسعه، آموزش محیطی، حقوق بشر، صلح، برابری، سلامت، چندفرهنگی، رسانه‌ها و فناوری اطلاعات مورد کنکاش، مقایسه و تحلیل قرار داده‌اند. ایزدی و همکارانش (۱۳۸۹) نیز مؤلفه‌های آموزش سلامت همچون بهداشت پوست، دهان و دندان، تحرک بدنی، تغذیه، توجه به بیماری‌ها، سیگار و مواد مخدر را در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی بررسی کرده‌اند. مرور تحقیقات داخلی متمرکز بر محتوای کتاب‌های درسی حاکی از آن است که تحلیل استنباطی متون درسی با رویکرد اجتماعی کمتر مورد توجه واقع شده است که در این مقاله به جهت عدم تشابه با موضوع تحقیق حاضر (عدالت) معرفی آنها کمکی به درک مسئله نمی‌کند. از این رو پژوهش حاضر چگونگی ارائه مفهوم عدالت در متن کتاب‌های درسی قبل از دانشگاه را به‌عنوان مسئله اصلی تحقیق با طرح سؤال‌های ذیل مدنظر قرار داده است:

۱. محتوای نظام آموزشی در سه مقطع تحصیلی مورد بررسی چه تصویری از عدالت را

ارائه می‌کنند؟

۲. محتوای کتاب‌های هر مقطع تحصیلی در قالب چه محورهایی، ابعاد و ویژگی‌های

گوناگون مفهوم عدالت را تصویر و تبیین می‌کنند؟

۳. در هر یک از مقاطع تحصیلی، محورهای مفهومی فراگیر (غالب) در خصوص عدالت

کدام است؟

۴. به‌طور کلی مفهوم‌پردازی عدالت در محتوای درسی نظام آموزشی چه شباهت‌ها و

تفاوت‌هایی دارند؟

پیش از بررسی کتاب‌های درسی، تدارک نظری لازم از بحث عدالت و دیدگاه‌های مرتبط با آن در تاریخ اندیشه سیاسی انجام می‌شود. ابتدا مقوله عدالت به‌طور کلی و در ادامه دامنه، گستره نظری آن و سپس روش تحلیل محتوای کتب درسی تشریح می‌شوند.

۱. تشریح مفهوم و شقوق عدالت

عدل در لغت به معنای با چیزی برابر آمدن و هم‌وزن کردن است بنابراین مفهوم عدل و عدالت به نحوی معانی برابری و توزیع را نمایان می‌کنند (یعقوبی، ۱۳۸۸: ۲۰). عدالت از زیباترین، مقدس‌ترین و عالی‌ترین واژه‌ها در قاموس تمدن بشری محسوب شده و رعایت آن از دیدگاه هر انسان پاک سرشتی از ضروری‌ترین امور به شمار می‌آید. به طوری که هیچ انسانی - هرچند خود ستمکار باشد - این موضوع را انکار نمی‌کند (دهقان، ۱۳۸۱: ۸۶). در تشریح آن، کمپبل^۱ معتقد است که عدالت، یکی از اصطلاحات مبنایی سیاست و اخلاق است که با اهمیتی عالم‌گیر در همه نظریه‌های سیاسی و اجتماعی، نقش محوری دارد. اعتبار جهانی آن به توسعه مجموعه متنوعی از تحلیل‌ها و طرح‌های کاربردی انجامیده که دستیابی به تعریف واضح و دقیق درباره آن را دشوارتر کرده است. فرهنگ آکسفورد نیز عدالت را به منزله حفظ اصول قانونی، اجتماعی و اخلاقی به وسیله اعمال اقتدار یا قدرت تعریف کرده است (Taylor, 2003: 3). عدالت، محور بسیاری از مباحث زیباشناختی مبتنی بر ادراک تقارن و تعادل در نظام هستی است؛ ضمن اینکه موضوعی فلسفی است که از حیث مرتبه ذهنیت، در سطح بسیار بالایی مطرح می‌شود و اذهان فلسفی را در تلاش برای ادراک چیستی و ماهیت خود فعال می‌کند و در تسری یافته‌های فلسفی به حوزه علوم سیاسی، آموزه‌های متنوع فلسفی - سیاسی را به چالش می‌کشد، از سوی دیگر، مبحثی سیاسی است که مورد توجه احزاب و گروه‌های سیاسی واقع شده، منازعات دنباله‌داری را پیرامون رابطه قدرت و عدالت سبب می‌شود؛ از نظر اقتصادی نیز مقوله‌ای مهم است که در مباحث توزیع ثروت، توسعه اقتصادی و فقرزدایی انعکاس می‌یابد؛ از نظر مصلحان فرهنگی، تحقق آن لازمه ثبات و انسجام فرهنگی و حفظ هویت ملی تلقی می‌شود؛ و از دیدگاه مذهبی استقرار آن با تأکید بر واژه قسط، علت بعثت انبیا و به تعبیری، حد کمال نظام‌های اجتماعی تلقی می‌شود که در مذاهب گوناگون در آینده موعود وعده داده شده است؛ از این رو پرداختن به همه وجوه و جوانب آن کاری بسیار دشوار است (پورعزت، ۱۳۸۲: ۲۱). چنانچه از مباحث مربوط به عدالت در تاریخ اندیشه

سیاسی برمی‌آید، مهمترین مسئله در بحث عدالت، توجیه‌پذیری روابط نابرابر در جامعه است. نابرابری در ثروت، قدرت و شئن اجتماعی، به‌رغم شباهت در استعدادهای افراد، واقعیت انکارناپذیر همه جوامع بوده است. گذشته از آن هیچ‌گونه رابطه معناداری، میان نابرابری در ثروت، قدرت و استعدادها، طبیعی وجود نداشته است. بنابراین دفاع از این نابرابری‌ها یا نفی آنها موضوع اصلی بحث عدالت است. به‌عبارت‌دیگر، عدالت در فلسفه سیاسی، مسئله‌ای است که در سطح نهادهای اجتماعی مطرح شده است. از بُعد حقوقی، عدالت در تصمیم‌گیری‌های عادلانه جستجو می‌شود: تصمیمی عادلانه است که مطابق قانون باشد. اما از حیث فلسفه سیاسی، بلافاصله مسئله عادلانه بودن خود قانون پیش می‌آید. پرسش این است که قانون عادلانه چیست و چگونه به دست می‌آید؟ در سطحی وسیع‌تر، باید پرسید که آیا نهادها و ساخت‌های جامعه عادلانه است یا خیر؟ بنابراین از دیدگاه فلسفه سیاسی؛ عدالت، صفت نهادهای اجتماعی است نه صفت انسان و اعمال او. منظور از عادلانه بودن نهاد اجتماعی این است که حقوق و مسئولیت‌ها، قدرت و اختیارات، مزایا و فرصت‌های وابسته به خود را عادلانه توزیع کند، اما باز مسئله‌ای اصلی باقی می‌ماند و آن اینکه عادلانه بودن در چیست؟ به این پرسش در فلسفه سیاسی غرب، دو پاسخ اصلی داده‌اند: اول، عدالت به معنای کسب منافع متقابل براساس توافق و قرارداد است که در آن انگیزه عمل عادلانه، تأمین منفعت درازمدت فرد است. دوم، عدالت به منزله بی‌طرفی است، به این معنا که بتوانیم از رفتار خودمان، بدون رجوع به منافع مان دفاع کنیم (بشیریه، ۱۳۷۹: ۱۱۵). بنابراین میزان اختلاف نظرها درباره عدالت، در موقع رویارویی نظریه‌های فلسفی سیاسی، تشدید می‌شود. «استربا، با در نظر گرفتن ۶ مکتب فلسفی - سیاسی مفاهیم عدالت را طبقه‌بندی کرده است. براساس این طبقه‌بندی، آرمان سیاسی نهایی مفهوم لیبرالی عدالت؛ آزادی است و همه حقوق و تکالیف، در نهایت بر مبنای آن توجیه می‌شوند؛ درحالی‌که در مفهوم سوسیالیستی عدالت، برابری به مثابه آرمان سیاسی نهایی و مبنای توجیه حقوق و تکالیف مدنظر قرار می‌گیرد؛ و در مفهوم لیبرال دمکراتیک، عدالت آمیزه‌ای از آزادی و برابری، آرمان سیاسی نهایی و مبنای توجیه حقوق و تکالیف، تلقی می‌شود؛ اجتماع‌گرایان، نفع عمومی را به مثابه آرمان سیاسی نهایی خود در نظر می‌گیرند و ادعا می‌کنند چنین آرمانی به حمایت

از شکوفایی فضایل انسانی می‌انجامد؛ فمنیست‌ها نیز مفهومی از عدالت را تأیید می‌کنند که حقوق و تکالیف را بر مبنای آرمان دوجنسیتی و مبتنی بر برابری زن و مرد توجیه کند؛ در حالی که مفهوم فرانودگرای عدالت، با تأکید بر ضرورت رد همه فراروایت‌ها و نظریه‌های کلان، توجیه حقوق و تکالیف را محلی و محدود دانسته، بر آن است که این توجیه نباید جهان‌شمول باشد» (پورعزت، ۱۳۸۰: ۸۷).

۲. عدالت و حوزه‌های آن در نظریات برخی اندیشمندان دوران کلاسیک و مدرن

در میان اندیشمندان دوران کلاسیک و مدرن نیز نظرهای متفاوتی درباره مفهوم عدالت، بیان شده است. از نظر افلاطون عدل جزئی از فضیلت انسانی است. وی ضمن ارائه ویژگی‌های کلی برای جامعه مطلوب یا مدینه فاضله از عدالت بحث کرده است. او معتقد است که مدینه فاضله، چهار صفت حکمت، شجاعت، خویشتن‌داری و عدالت را در خود دارد که عدالت در عرض سه صفت دیگر نیست بلکه به وجودآورنده و ضامن بقای آنهاست (کریمی، ۱۳۷۸: ۳۲). به زعم افلاطون، عدالت این است که هریک از افراد جامعه به وضع و موقعیتی که در اجتماع دارد، خشنود باشد و آن را قبول کند و وظایف مربوط به آن را به حد کمال انجام دهد (جمشیدی، ۱۳۵۸: ۶۲). ارسطو، شاگرد افلاطون نیز، سعادت راستین آدمی را در فضیلت می‌داند که در بالاترین وجه خود در عدالت متجلی می‌شود (عالم، ۱۳۷۶: ۳۱). در فلسفه ارسطو از دو نوع عدالت اجتماعی سخن رفته است: عدالت تنبیهی که هدفش مجازات تمام کسانی است که قوانین و مقررات را رعایت نمی‌کنند و در این حال مجازات باید با جرمی که مجرم مرتکب شده متناسب باشد و عدالت توزیعی که به مفهوم رعایت تناسب میان مسئولیت‌ها، افتخارات یا شایستگی‌ها و کوشش‌هایی است که هر فرد انجام می‌دهد. از نظر وی عدالت توزیعی در روابط میان انسان‌ها مهمتر است زیرا عدل نه در برابری بلکه در تناسب تجلی می‌یابد و پایگاه، حقوق و امتیازات هر فرد در جامعه باید به اندازه شایستگی و دانایی او باشد (کریمی، ۱۳۷۸: ۳۴).

در دوران مدرن که منافع و آزادی فردی محور اندیشه غرب قرار گرفته هر جا سخنی از عدالت به میان آمده به دلیل آزادی و منافع فردی بوده است؛ بنابراین در فلسفه سیاسی جدید که لیبرالیسم نام گرفته است عدالت، غایت مطلوب نبوده بلکه خود وسیله‌ای

برای دستیابی به غایت مطلوب یعنی آزادی، منفعت طلبی و لذت جویی فردی به شمار می‌رود (همان: ۳۶). به نظر هابز که خود از بنیانگذاران لیبرالیسم بوده، عدالت عبارت است از عمل به تعهداتی که فرد از سر نفع طلبی به آنها رضایت داده است. پس اساس عدالت، قرارداد است. هیوم نیز که متأثر از اندیشه هابز و الهام بخش مکتب اصالت فایده بود، عدالت را در تأمین منافع متقابل می‌دید. مکتب مطلوبیت‌گرایی بر آثار هیوم و سپس بنتام، جان استوارت میل و در دهه‌های اخیر هارسانی بنا شده و بنیاد آن بر فلسفه‌ای به نام لذت‌گرایی استوار است. طبق این فلسفه، لذت و یا رفع درد هدف زندگی است. اپیکور که او را بنیانگذار فلسفه لذت می‌دانند می‌گوید: لذت مبدأ و غایت زندگی سعادت‌مندان است و با توجه به آن است که به هرانتخابی مبادرت می‌ورزیم (شجاعی، ۱۳۷۸: ۵). در این دیدگاه مسئله عدالت، در جایی پدید می‌آید که منافع و اختلاف آن در کار باشد. از این رو مردم می‌توانند، درباره عمل عادلانه به توافق و وضع قرارداد برسند؛ چنین قراردادی باید، با توجه به نفع فردی، عادلانه تلقی شود (بشیریه، ۱۳۷۹: ۱۱۶). عدالت مطرح در نظریه امانوئل کانت، فیلسوف خردگرای قرن هجدهم نیز عدالتی در حوزه حقوق سیاسی است و هیچ‌گاه به حوزه اجتماعی و اقتصادی باز نمی‌گردد و نشانی از عدالت توزیعی که مبتنی بر حق شهروندی افراد باشد نداشته و در این حوزه به توصیه‌های عام اخلاقی بسنده کرده است (کریمی، ۱۳۷۸: ۴۲). اما جان رالز این ایده را که بهترین روایت از عدالت لیبرال این است که آن را برداشتی سیاسی بدانیم در مهمترین اثرش به نام *نظریه‌ای در باب عدالت*^۱ در سال ۱۹۷۱ بسط داد و آن را عدالت به مثابه انصاف می‌خواند. برداشتی سیاسی از عدالت با ارجاع به ارزش‌های سیاسی توجیه می‌شود و نباید آن را قسمتی از آموزه‌های اخلاقی، دینی یا فلسفی بدانیم (همان: ۵۵ به نقل از رالز، ۱۳۸۴: ۱۱) رالز نخست دو اصل عدالت را مطرح می‌کند: اولاً، هرکس در هر نهادی یا تحت تأثیر آن باشد، حقی مساوی با آزادی در وسیع‌ترین معنای آن دارد، که در عین حال با آزادی مشابه برای همگان سازگار باشد؛ ثانیاً، نابرابری‌هایی که ساختار نهادها را تأمین و حفظ می‌کنند، سلیقه‌ای و خودسرانه است، مگر

آنکه عقلاً بتوان انتظار داشت که به نفع همگان باشد و مناصب وابسته به آنها یا مصدر آنها به روی همگان باز باشد (Taylor, 2003: 3). بنابراین اصل اول از آزادی برابر و فرصت‌های برابر دفاع می‌کند؛ و اصل دوم ناظر بدان است که در چه وضعی می‌توان گفت نابرابری‌ها موجه و عادلانه است (بشیریه، ۱۳۷۹: ۱۲۱).

با رویکردی متفاوت، آمارتیا سن برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۹۸، برقراری عدالت را وابسته به وجود آزادی می‌داند چراکه غایت بنیادین توسعه یعنی افزایش قابلیت‌ها و توانمندی‌ها تنها در بستر آزادی حاصل می‌شود. وی معتقد است توسعه و آزادی رابطه‌ای دوسویه دارند. از یک سو توسعه اقتصادی موجبات بهره‌مندی هرچه بیشتر را برای افراد به ارمغان می‌آورد (امکانات رفاهی، آموزشی، بهداشتی و...) و از سوی دیگر آزادی از رهگذر مشارکت در فرایند توسعه، زمینه بسط عدالت اجتماعی و برخورداری برابر افراد از امکانات و فرصت‌ها را فراهم آورده و همچنین مسئولان را پاسخگو و از شیوع فساد اقتصادی ممانعت می‌کند. منظور از آزادی، انواعی از آن مانند حقوق مدنی، آزادی اقتصادی، مبادله و دادوستد، مشارکت و تبادل نظر اجتماعی، آزادی در گزینش اهداف، آزادی‌های سیاسی و احترام به آرای عمومی است. در این میان نقش دولت ایجاد قابلیت در افراد از طریق کاهش نابرابری و ایجاد قابلیت در افراد برای حضور ثمربخش در فعالیت‌های آزادانه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و رشد آزادی‌های بنیادین در جامعه است (کریمی، ۱۳۷۸: ۶۲).

در میان متفکران اسلامی نیز، آرای متفاوتی درباره عدالت بیان شده است. به‌عنوان نمونه استاد شهید مطهری، عدالت را چنین معنا کرده است: معنای عدالت این نیست که افراد هیچ تفاوتی با یکدیگر نداشته باشند و هیچ کس، نسبت به دیگری، رتبه و درجه و امتیازی نداشته باشد؛ معنای عدالت این است که امتیازاتی که نصیب افراد می‌شود بر مبنای صلاحیت و استحقاق باشد (بیات، ۱۳۶۹: ۲۴۶). نگرش ایشان به عدالت اجتماعی به نظریه حقوق طبیعی و فطری نزدیک است. براساس این مفهوم، عدالت عبارت است از: تأمین و تضمین حقوق متقابل ارکان اجتماع. منظور از «حقوق متقابل»، حقوق فرد، جامعه و دولت نسبت به یکدیگر است. استاد مطهری همچنین در تشریح تفاوت بین عدالت در مقابل عدم تناسب و عدالت در مقابل ظلم می‌نویسد: «بحث عدل به معنای تناسب در

مقابل بی‌تناسبی از نظر کل و مجموع نظام عالم است ولی بحث عدل در مقابل ظلم از نظر هر فرد و هر جزء مجزا از اجزای دیگر است. در عدل به معنای اول مصلحت کل مطرح است و در عدل به معنای دوم مسئله حق هر فرد مطرح است» (مطهری، ۱۳۸۸: ۵۹). همچنین شهید سید محمد باقر صدر نیز در کتاب *اقتصاد ما* ضمن تشریح اصول اساسی نظام اقتصادی اسلام بر عدالت اجتماعی به عنوان یکی از این اصول تأکید می‌کند. وی عدالت اجتماعی را دارای شاخص‌ها و معیارهایی چون وجود اعتقاد و ایمان به خدا در تمامی زمینه‌ها، تقوای فردی پایدار، پرهیز از محرّمات اجتماعی، نظیر رشوه، ربا، سرقت، خیانت، نفاق و دروغ‌گویی در جامعه، فرهنگ مبتنی بر اخلاق ایثار و فداکاری در جامعه، فقدان شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی در جامعه، عدم وابستگی افراد جامعه به تعلقات دنیایی صرف، رفاه اقتصادی و اجتماعی در جامعه، وجود حکومت مردمی، ثبات و برابری سیاسی و... می‌داند که در صورت تحقق آنها عدالت در جامعه وجود خواهد داشت (صدر، ۱۳۵۷).

چنانچه از مرور کلی و مختصر مطالب ذکر شده برمی‌آید در ادبیات مربوط به عدالت، مفهوم عدالت با توجه به ملاک توزیع، روش اجرا و نحوه مرادده در جامعه به واسطه نظریات و دیدگاه‌های مطرح به عدالت توزیعی، رویه‌ای و مرادده‌ای تفکیک شده است که در ذیل به آنها می‌پردازیم (Reithel, Baltes and Buddhavharapu, 2007).

۱-۲. عدالت توزیعی^۱

عدالت توزیعی با ادراک انصاف از پیامدها سرو کار دارد؛ یعنی شامل ارزیابی فرد از انصافی است که با توجه به داده‌ها و آورده‌های خود از پاداش‌های دریافتی ادراک می‌کند. عدالت توزیعی بر مبنای اصل مبادله قرار می‌گیرد. افراد به آنچه با خود آورده‌اند به منزله مبادله‌ای در قبال آنچه دریافت کرده‌اند، می‌نگرند (Lambert, 2003: 4). به عبارت دیگر احساس عدالت توزیعی می‌تواند ناشی از احساس رضایت از نتیجه و برایندها باشد (Vermunt and Tornblom, 2007). البته عدالت توزیعی، تنبیه را نیز در برمی‌گیرد؛ زیرا اقدامات تنبیهی باید در مقایسه

با رفتار اشتباه افراد، عادلانه باشد. بنابراین عدالت توزیعی بر درجه انصاف درک شده در توزیع و تخصیص امکانات مادی و معنوی در مقایسه با عملکرد و آورده‌های افراد دلالت دارد (Ibid). در یک سطح کلی نظریه‌های عدالت توزیعی می‌خواهند اعتقاداتی را که درباره توزیع مناسب همه دارایی‌های اجتماعی وجود دارد شرح دهند. این نظریه‌ها همچنین تمایل دارند که نتایج باورهای مذکور را در ایجاد یا حل و فصل کشمکش‌ها و تضادهای اجتماعی توضیح دهند. به عبارت دیگر این تئوری‌ها بر شیوه توزیع و عوامل مؤثر بر آن تأکید کرده و با توضیح اینکه به طور مطلق عدالت باید چگونه باشد؛ وضعیت موجود را تحلیل و آن را عادلانه یا نا عادلانه توصیف می‌کنند (یعقوبی، ۱۳۸۸: ۲۳). هنگامی که افراد درباره میزان تخصیص امکانات مناسب، درست و اخلاقی قضاوت می‌کنند در واقع میزان رعایت عدالت توزیعی را مورد داوری قرار می‌دهند (Folger and Cropanzano, 1998: xx). رونالد دورکین^۱ به دفاع از مساوات طلبی در امکانات بیان می‌کند دولت باید نه رفاه، بلکه منابع و امکانات را برابر کند. این مسئله صرفاً به همین سادگی نیست که به هر کس مقدار یکسانی از منابع و امکانات داده شود و دولت آنچنان نقل و انتقال منابع و امکانات را زیر نظر داشته باشد که اطمینان حاصل شود این برابری حفظ خواهد شد. آنچه دورکین می‌گوید نحوه‌ای از توزیع منابع و امکانات است که در عین حال که به همگان دقیقاً یک مقدار از منابع و امکانات را نمی‌دهد، همگان را نیز از سهم خویش راضی نگه می‌دارد. در ادامه دورکین به دولت‌ها توصیه می‌کند سهمی تقریباً برابر و نه دقیقاً برابر از منابع و امکانات به مردم بدهند تا قادر شوند طرح و نقشه‌های زندگی خود را تعقیب کنند (همپتن، ۱۳۸۰: ۲۷۶-۲۶۶). در این ارتباط که کدام دارایی‌ها قابلیت توزیع عمومی می‌یابند نیز محققان مطالعه کرده و مواردی را مورد تأکید قرار داده‌اند که در ذیل به اهم آنها اشاره می‌شود.

۱-۲. منابع و دارایی‌های قابل توزیع

تساوی طلبی برخلاف ظاهر ساده خود موضوع بسیار دشواری است. عدالت، برخورداری

مردم از تساوی در موقعیت‌های اولیه است یا فرصت برابر یا حقوق برابر و یا ... که در دیدگاه صاحب‌نظران، دارایی‌ها و منابع مورد توزیع معمولاً شامل موارد ذیل می‌شوند:

۱. **امکانات مادی، خدماتی و رفاهی:** این امکانات با گسترش روزافزون تکنولوژی و هم‌زمان با نیازآفرینی فزاینده در جوامع هر روز از کمیت و کیفیت بیشتری برخوردار می‌شود مانند خوراک، مسکن، خدمات بهداشتی، آموزشی، اجتماعی، زیست‌محیطی، کالاهای مصرفی، ارتباطات، اوقات فراغت و ...

۲. **درآمد:** میزان پولی که افراد در ازای فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خود از نظام توزیع دریافت می‌کنند بیشترین اهمیت را در بین منابع و دارایی‌های قابل توزیع دارد زیرا درآمد علاوه بر اینکه قابل تبدیل به امکانات و منابع دیگر است قابلیت انباشتگی و انتقال به نسل بعد را هم دارد.

۳. **قدرت:** این منبع به‌زعم نظریه‌پردازان مختلف از امتیازات مهم اجتماعی در عصر حاضر است و باید به نحو مناسبی بین گروه‌های اجتماعی توزیع شود. در خصوص تعریف ملوین تامین از قدرت، اجماع بیشتری وجود دارد: قدرت یعنی توانایی رسیدن به هدف خود در زندگی به‌رغم مخالفت‌های اجتماعی (یعقوبی، ۱۳۸۸: ۲۵ به نقل از تامین، ۱۳۷۳).

۴. **پاداش‌های روانی:** همه عایدات و پاداش‌های غیرمادی که افراد از فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی به‌دست می‌آورند و موجب رضایت خاطر آنها می‌شود مانند منزلت، افتخار، امنیت، آزادی عمل و فکر در کار، آزادی بیان و ... در این راستا مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهد که رضایت از زندگی با احساس عدالت ارتباط دارد (Calton and Cattaneo, 2014; Lambert and Hogan, 2011).

۵. **فرصت‌ها:** منظور از توزیع فرصت‌ها ایجاد احتمال و امکانات عملی و کاهش موانع اجتماعی برای دستیابی افراد و گروه‌ها به منابع ارزشمند و امتیازات مشروع اجتماعی است. بیشترین بحث عدالت جنسیتی در برخورداری شرایط یکسان برای دسترسی به منابع و فرصت‌هاست، بنابراین در این بخش نابرابری بین زن و مرد وجود دارد و معمولاً نتایج نشان می‌دهد که مهمترین شاخص‌های برابری؛ در حوزه اجتماعی و اقتصادی است به‌طوری‌که در جامعه، شرایط و موقعیت‌ها برای مردان در دسترسی به فرصت‌ها و منابع اقتصادی و اجتماعی بیشتر از زنان است (صفری‌شالی، ۱۳۹۴: ۶).

۶. اطلاعات: امروزه نقش وسیع اطلاعات برای دستیابی به درآمد، منابع و موقعیت‌های اجتماعی برکسی پوشیده نیست، بنابراین توزیع آن نیز می‌تواند به‌عنوان یک امتیاز مهم دارای اهمیت باشد. مبنای مفهوم عدالت توزیعی در نظریه برابری و تساوی‌گرایی آدامز و مدل قضاوت عادلانه لوندال نیز تشریح شده است که به‌طور مختصر به شرح این دو مبنا پرداخته می‌شود: الف) نظریه برابری: اجزای ساختاری اصلی نظریه برابری درون‌دادها^۱ و پیامدها^۲ هستند. درون‌دادها شامل مواردی می‌شوند که شخص به‌مثابه کمک‌های خود به جامعه در نظر می‌گیرد، و پیامدها، پاداش‌هایی را دربرمی‌گیرد که یک فرد از جامعه دریافت می‌کند. در نظریه برابری چنین بحث می‌شود که افراد وقتی که نسبت درون‌دادها به پیامدهای خودشان در مقایسه با نسبت درون‌دادها به پیامدهای دیگران مساوی باشد، احساس رضایت می‌کنند. اگر عدم تساوی، ادراک شود باعث احساس ناخوشایندی می‌شود و افراد برای رفع این احساس ناخوشایند، برانگیخته می‌شوند و قدرت این انگیزش به‌طور مستقیم با اندازه عدم تساوی ادراک شده تغییر می‌کند. به‌طور خلاصه نظریه برابری بر عکس‌العمل‌ها نسبت به پیامدهای غیرمنصفانه متمرکز می‌شود. اگر یک فرد متوجه شود که پیامدی که او درک کرده، نسبت به بعضی استانداردها نامناسب است آن فرد عدم رعایت عدالت توزیعی را تجربه می‌کند (Lee, 2000: 24).

ب) مدل قضاوت عادلانه: عدالت توزیعی، غالباً از دیدگاه افرادی که پیامدها را دریافت می‌کنند، مورد بحث قرار گرفته است. اما لوندال (۱۹۷۶) عدالت توزیعی را از دیدگاه افرادی که عمل تخصیص را انجام می‌دهند مورد بحث قرار داده است. مدل قضاوت عادلانه لوندال، نگرش فعالانه‌تری را نسبت به نظریه برابری در نظر می‌گیرد. این نظریه بیان می‌کند که افراد در مورد میزان استحقاقشان با استفاده از چندین قانون عدالت مختلف، قضاوت می‌کنند. او معتقد است که اساساً سه قانون عدالت توزیعی وجود دارد که عبارتند از: قانون کمک، قانون تساوی و قانون نیازها. مدل قضاوت عادلانه یک توالی چهارمرحله‌ای را که فرد طی آن عدالت پیامدها را ارزیابی می‌کند، در نظر می‌گیرد. به این ترتیب که:

1. Inputs
2. Outcomes

۱. فرد تصمیم می‌گیرد که کدام یک از قوانین عدالت را استفاده کند و چگونه به آن وزن بدهد؛
 ۲. فرد بر مبنای قانون عدالتی که در نظر گرفته است در مورد میزان و انواع پیامدهایی که استحقاق آن را دارد، تخمین می‌زند؛
 ۳. فرد پیامدهایی که مستحق آن بوده است را با توجه به قانون مورد نظر، درون یک تخمین نهایی ترکیب می‌کند؛
 ۴. فرد انصاف رعایت شده در پیامدهای واقعی دریافت شده را در مقایسه با آنچه واقعاً استحقاق آن را داشته، ارزیابی می‌کند (Ibid.: 25).
- بنابراین، مدل قضاوت عادلانه فرض می‌کند که قضاوت‌های فرد در مورد انصاف، فقط بر مبنای قانون کمک‌هایش نیست بلکه قانون برابری و قانون نیازها نیز نقش مهمی در این قضاوت‌ها ایفا می‌کنند. بر طبق این مدل، افراد رویه‌های استفاده شده توسط تصمیم‌گیرندگان برای انجام تخصیص را بر مبنای موقعیت، مورد قضاوت قرار داده و هنجارهای عدالتی متفاوتی از قبیل برابری، نیازها و تساوی را به کار می‌گیرند (Ibid.: 24). دو فرد که پیامدهای مشابهی دریافت کرده‌اند اگر از یک چارچوب مرجع استفاده کنند، ممکن است سطوح متفاوتی از عدالت را ادراک کنند. بنابراین بدون تصمیم‌گیری‌های مهم اخلاقی مبتنی بر اینکه چه چیزی افراد و گروه‌ها را در مورد منابع، امکانات و امتیازات جامعه‌ای که در آن فعالیت و زندگی می‌کنند محق می‌سازد نمی‌توان مبنایی برای توزیع عادلانه پیدا کرد.

۲-۱-۲. معیارها و شاخص‌های توزیع منابع و موهبت‌ها در جامعه

هاروی چندین ملاک را معرفی می‌کند که ممکن است بعضی با یکدیگر همپوشانی معنایی داشته باشند اما ذکر آنها لازم است (یعقوبی، ۱۳۸۸: ۲۷ به نقل از هاروی، ۱۳۷۶):

الف) برابری ذاتی: صرف نظر از میزان مشارکت افراد در تولید، همه حق دارند از درآمد جامعه سهم برابر بخواهند.

ب) ارزشیابی خدمات بر حسب عرضه و تقاضا: بر اساس این معیار افرادی که بر منابع نایاب و ضروری تسلط دارند بیش از دیگران حق ادعا دارند. تسلط بر منابع نایاب هم ممکن است طبیعی مثل نیروی فکری و یا مصنوعی مانند قوانین ارث باشد.

ج) نیاز: طبق اصل نیاز، افراد در بهره‌مندی از منابع و امتیازات حقوق مساوی دارند ولی نیاز افراد مشابه نیست. به این ترتیب تساوی در بهره‌مندی از منابع به صورت تخصیص نابرابر منافع جلوه‌گر می‌شود.

د) حقوق موروثی: براساس این معیار، افراد به دلیل حقوق مالکیت که از نسل قبلی به ارث برده‌اند حق ادعا بر منابع دارند.

ه) استحقاق: ادعای افراد در خصوص منابع و پاداش‌ها ممکن است به دلیل سختی فرایند تولید کالا و خدمات بیش از سایرین باشد مانند معدنچیان که کارهای خطرناک انجام می‌دهند یا جراحان که مدت بیشتری آموزش می‌بینند.

و) شرکت در منفعت عمومی: براساس این معیار افرادی که فعالیت‌شان به نفع عده بیشتری است باید به نسبت کسانی که نتیجه فعالیت آنها به نفع عده کمتری است، سهم بیشتری ادعا کنند.

ز) مشارکت، کوشش و فداکاری در تولید: براساس این معیار افرادی که در روند تولید بازده بیشتری دارند از کسانی که بازده کمتری دارند حق ادعای بیشتری دارند و همچنین افرادی که کوشش بیشتری می‌کنند و یا ذاتاً قادر به تحمل فداکاری بیشتری هستند باید بیش از دیگران پاداش بگیرند.

۲-۲. عدالت رویه‌ای^۱

این دیدگاه بر اصول رویه‌ای متمرکز است و سعی دارد جریان‌های منصفانه^۲ یا رویه‌های منصفانه^۳ را مشخص کند. موضوعات دیگر به خصوص آنهایی که به جریان شناخت و واکنش‌های احساسی مربوط می‌شوند در این دیدگاه کمتر از رویکرد عدالت توزیعی توسعه یافته‌اند. عقیده اصلی دیدگاه این است که جریان منصفانه و بی‌طرفانه به وسیله کدام تصمیم ایجاد می‌شود؟ یا اینکه عایدات تخصیص یافته (بدون توجه به آنچه افراد به طور مطلق یا نسبی دریافت می‌کنند) چگونه بر قضاوت‌هایی که درباره عدالت صورت می‌گیرد

1. Procedural Justice
2. Fair Processes
3. Fair Procedures

تأثیر می‌گذارد؟ (یعقوبی، ۱۳۸۸: ۵۶). لیند و تیلر^۱ (۱۹۸۸) عدالت رویه‌ای را به منزله رعایت عدالت در فراگردهایی که توسط آنها، پیامدها تخصیص می‌یابند، تعریف می‌کنند (Cohen-charash and Spector, 2001: 280). همچنین بارون و گرین برگ معتقدند که دو جنبه ساختاری و اجتماعی برای عدالت رویه‌ای وجود دارد. جنبه ساختاری به این امر می‌پردازد که تصمیم‌ها چگونه باید اتخاذ شوند تا منصفانه به نظر برسند. این جنبه به این امر که تصمیم‌ها چه باشند، نمی‌پردازد بلکه بررسی می‌کند که تصمیمات چگونه اتخاذ شوند. اما به زعم گرین برگ جنبه ساختاری با وجود اهمیت زیاد، همه مباحث عدالت رویه‌ای را دربر نمی‌گیرد؛ به عبارت دیگر هنگام قضاوت در مورد میزان رعایت، جنبه اجتماعی عدالت در رویه‌ها، یعنی کیفیت رفتار بین فردی تصمیم‌گیرندگان، با مشمولان تصمیم به منزله یک فاکتور کلیدی در نظر گرفته می‌شود. گرین برگ این بُعد عدالت رویه‌ای را «عدالت مرادده‌ای» می‌نامد و دو فاکتور اصلی را تعیین‌کننده عدالت در رفتارهای بین افراد می‌داند: **الف) عدالت اطلاعاتی**:^۲ به صحت و درستی اطلاعاتی که به افراد در مورد یک تصمیم داده می‌شود، می‌پردازد (Greenberg and Baron, 2000: 147) و اینکه به چه میزان در مورد چرایی استفاده رویه‌ها به طریق خاص یا چرایی توزیع پیامدها به شیوه‌ای خاص اطلاعات به افراد داده می‌شود (Colquitt and etal., 2001: 427).

ب) حساسیت اجتماعی:^۳ بیان‌کننده میزان احترام و منزلت داده شده به هنگام ارائه پیامد نامطلوب است. پاسخ افراد به این پیامدهای نامطلوب با ارائه درست، آموزنده و با میزان زیاد حساسیت بین فردی، مطلوب‌تر از زمان ارائه با حساسیت کمتر و شیوه غیرآموزنده‌تر خواهد بود (Greenberg and Baron, 2000: 147).

درواقع ادراک غیرمنصفانه بودن رویه‌ها، حتی می‌تواند بیشتر از پیامدهای غیرعادلانه به رنجش و خشم منجر شود. (Lambert, 2003: 5) درحالی‌که رویه‌های منصفانه باعث می‌شود که افراد هنگام مواجهه با پیامدهای نامطلوب، احساس رضایت بیشتری کنند (Ambrose, 2002: 1). همچنین

1. Lind and Tyler
2. Informtion Justice
3. Social Sensitivity

افراد تمایل بیشتری خواهند داشت تا منافع فردی کوتاه‌مدت خود را تابع منافع گروه کنند (Lind and Tyler, 1988: 191). ارزیابی افراد از میزان رعایت عدالت در فراگردهای تصمیم‌گیری، یک عامل تعیین‌کننده عکس‌العمل به پیامد فراگردهاست. تیبات و والکر^۱ (۱۹۷۵) معتقدند که عادلانه بودن فراگردهای تصمیم‌گیری به میزان کنترلی که رویه‌ها امکان اعمال آن را برای افراد فراهم می‌آورند، بستگی دارد. این نگرش، مدل کنترلی عدالت رویه‌ای نامیده شده و بر جنبه‌های ساختاری و رسمی فراگرد تصمیم‌گیری تأکید می‌کند (Blader and Tyler, 2002: 5). در معرفی نظریه‌های عدالت رویه‌ای به اختصار سه دیدگاه مطرح است:

۱. **مدل ابزاری:** محققین معتقدند چگونگی درک کنشگران از کنترل، متغیری کلیدی است که بر عدالت رویه‌ای تأثیر می‌گذارد. این مدل فرض می‌کند که افراد در اصل نگران عایدات خودشان هستند و می‌خواهند عایدات و جریان تصمیم‌گیری تعیین‌کننده عایدات را کنترل کنند. به این ترتیب که وقتی تضاد طرفین مبادله بر روی منافع آنها را وادار می‌کند که از طرف‌های سوم کمک بگیرند؛ چگونگی توزیع کنترل بین طرفین دعوا و طرف سوم به عنوان میانجی و تصمیم‌گیرنده خود یک موضوع می‌شود (یعقوبی، ۱۳۸۸: ۵۷).

۲. **مدل ارزش‌های گروهی:** این دیدگاه بر روی گروه‌های اجتماعی و روابط تشکیل‌دهنده آنها به ویژه روابط بین اعضای گروه و صاحبان اقتدار متمرکز می‌شود و ادعا می‌کند که تعیین هویت با گروه باعث می‌شود افراد سودجویی خود را کنار بگذارند و بر حفظ پیوندهای اجتماعی متمرکز شوند؛ به ویژه حفظ روابط با اولیای امور یا صاحبان اقتدار و طرف‌های سومی که درباره تخصیص منابع تصمیم می‌گیرند. رویه‌ها و رفتارهای مسئولان به عنوان سمبل ارزش‌های گروهی، اطلاعاتی را بیان می‌کنند که بر اساس آن افراد درمی‌یابند تا چه حد توسط گروهشان محترم شمرده می‌شوند (همان به نقل از تیلر، ۱۳۸۸: ۵۷).

۳. **دیدگاه مولم و همکاران:** در این مدل فرض می‌شود که معیار مناسب برای عدالت، عمل متقابل است زیرا کنشگران انتظار دارند بین آنچه هزینه می‌کنند (می‌دهند) و آنچه به دست می‌آورند تناسب وجود داشته باشد و شرایط غیر از این، کنشگر را برای اعاده احساس عدالت برمی‌انگیزد.

۳-۲. پیامدهای رعایت عدالت و بی‌عدالتی در جامعه

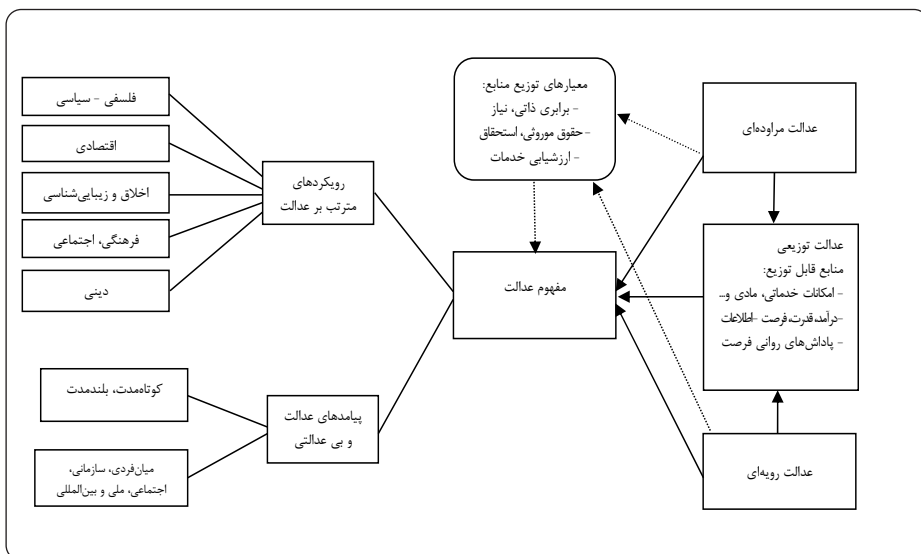
تحقیقات گسترده مبحث عدالت نشان می‌دهد که افراد به شدت، نسبت به رعایت عدالت در تخصیص پیامدها، رویه‌هایی که به موجب آنها پیامدها تخصیص می‌یابند و رفتارهایی که نسبت به آنها انجام می‌شود، حساس هستند (Ambrose, 2002: 806). تحقیقات انجام شده بیانگر این است که انصاف ادراک شده از تخصیص پیامدها، رویه‌ها و رفتارهای بین شخصی، هر کدام با رفتارها و نگرش‌های مهمی همراه است (Ibid); به‌گونه‌ای که براساس بحث عدالت توزیعی هنگامی که فرد در توزیع پیامدها در جامعه احساس بی‌عدالتی کند، نسبت به آن پیامد خاص واکنش منفی نشان داده و هنگامی که بی‌عدالتی در رویه‌هایی باشد که به موجب آنها پیامدها تخصیص یافته‌اند، مشاهده رفتارهای ناعادلانه از سرپرست یا سایر افراد صاحب اختیار و قدرت باعث می‌شود تا فرد نسبت به سرپرست یا مسئولی که شاهد رفتار ناعادلانه او بوده است، عکس‌العمل منفی نشان دهد (Cohen-charash and Spector, 2001: 284). در واقع قضاوت‌های افراد از میزان رعایت عدالت در جامعه، بر نگرش‌هایی از قبیل تعهد و قضاوت افراد در مورد میزان مشروعیت صاحبان اختیار مؤثر است. این ادعا وجود دارد که هر اندازه جامعه‌ای منابع مادی و پاداش‌های معنوی را نابرابر توزیع کند متناسب با این نابرابری، ارزش‌های اساسی آن جامعه کمتر توسط افرادش پذیرفته شده و مورد احترام قرار می‌گیرد. در نتیجه در چنین شرایطی افراد کمتر حاضر می‌شوند در راه آرمان‌های جامعه فداکاری کنند. طبیعی است مدیریت در جامعه‌ای که اعضایش حاضر به فداکاری در راه دستیابی به اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت آن نباشند چقدر دشوار و پرهزینه خواهد بود (یعقوبی، ۱۳۸۸: ۱۵). یافته‌های پیامدهای رفتاری ادراکات عدالت، نشان‌دهنده این است که اگر افراد احساس کنند که پیامدها و رویه‌ها غیرمنصفانه هستند؛ عملکرد بدتری خواهند داشت، در انجام رفتارهای تبعی شکست می‌خورند، احتمال اینکه از تصمیمات افراد صاحب‌اختیار اطاعت کرده کمتر است و رفتارهای اعتراض‌آمیز بیشتری از خود نشان می‌دهند (Lind, Kray and Thomposon, 1998: 2) که این رفتارها نیز به نوبه خود، به ایجاد و حفظ سرمایه اجتماعی لطمه بزرگی وارد می‌آورد. به‌طور کلی، شواهد پژوهشی اخیر نشان می‌دهد قضاوت‌های حاکی از وجود انصاف، به‌عنوان جایگزین اعتماد در روابط میان فردی به‌کار می‌رود (رضائیان، ۱۳۸۱: ۱۱۷). آدامز (۱۹۶۵) در نظریه برابری، آثار عدالت

توزیعی بر عملکرد را به خوبی تبیین کرده است (Cohen-charash and Spector, 2001: 286) اما محققان اثبات کرده‌اند که ارتباط بین عدالت رویه‌ای و رفتارهای تبعی اجتماعی، قوی‌تر از ارتباط بین عدالت توزیعی و رفتارهای تبعی است (Colquitt, 2001: 430). در مجموع رواج رفتارهای غیرمنصفانه در جامعه، روحیه کاری افراد را کاهش می‌دهد و افراد را علیه نظام اجتماعی برمی‌انگیزاند، درحالی‌که رفتارهای عادلانه با افراد، تعهد آنها را افزایش داده و به تلاش‌های داوطلبانه‌شان برای نیل به اهداف اجتماعی کمک می‌کند. به‌طورکلی می‌توان گفت عدالت افراد را در کنار یکدیگر منسجم نگاه می‌دارد و بی‌عدالتی آنها را از هم جدا، پراکنده و متفرق می‌کند (Folger and Cropanzano, 1998: xii).

۳. مدل مفهومی تحقیق

از مرور مبحث نظری مقاله حاضر پیرامون مقوله عدالت، چارچوب مفهومی زیر به دست آمده است.

مدل ۱. مدل مفهومی تحقیق



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۴. روش پژوهش

در تحقیق حاضر از روش «تحلیل مضمون»^۱ استفاده شده که از جمله روش‌های تحلیل کیفی متن است. از دیدگاه بویاتزیس^۲ تحلیل مضمون روشی است برای شناسایی، تحلیل الگوهای مضامین و گزارش‌دهی در خصوص داده‌های متن. این روش به‌طور مفصل و جزئی داده‌ها را توصیف و سازمان‌دهی کرده و غالباً به تفسیر ابعاد مختلف موضوع تحقیق نیز می‌پردازد (Braun and Clarke, 2006: 6). در موضوعات رویکرد تفسیری مهمترین هدف تحقیق اجتماعی، مشخص کردن این نکته است که چگونه بشر حقیقت اجتماعی خود را بنیان می‌نهد (استربرگ، ۱۳۸۴: ۱۶). مضمون چیزی درباره داده و در ارتباط با سؤال تحقیق ارائه می‌دهد که در داده‌های مورد نظر یافت می‌شود. در تحلیل مضمونی، یک مضمون از یک مقوله کدگذاری می‌تواند به محتوای آشکار یا پنهان داده‌ها اشاره کند (Joffe and Yardley, 2003: 57). این روش حداقل خود داده‌ها را سازمان‌دهی و در قالب جزئیات توصیف می‌کند، اما می‌تواند از این فراتر رفته و جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش را نیز تفسیر کند (Braun and Clarke, 2006: 76).

۴-۱. گردآوری، پردازش و تحلیل داده‌ها

در ابتدا سی عنوان کتاب درسی مقاطع متوسطه و ابتدایی مورد بررسی قرار گرفتند. واحد تحلیل در این تحقیق جمله در نظر گرفته شد. همه مطالب مرتبط با موضوع عدالت از محتوای کتاب‌ها استخراج شدند. براساس روش تحلیل مضمون و به‌منظور رسیدن به محورهای اصلی (تم) تحقیق مراحل طی شده که به این شرح است: به محض گردآوری داده‌ها پس از استخراج واحدهای تحلیل مرتبط با موضوع تحقیق، واحدهایی که به لحاظ مفهومی به یکدیگر نزدیک‌تر بودند با عنوان‌های مشخص از یکدیگر تفکیک و مطالب غیرمرتبط حذف شد، سپس به طبقه‌بندی و کدگذاری داده‌ها پرداخته و سعی شد از مضامین ظاهری به سمت مضامین انتزاعی جهت‌گیری شود و کدهای اولیه استخراج و

1. Thematic Analysis

2. Boyatzis

طبقه‌بندی شوند. متناسب با سؤالات و هدف تحقیق، کدهای توصیفی برحسب هر کتاب و دوره تحصیلی به صورت جداگانه تنظیم و یادداشت شد. فرایند مرور، تفکیک مفهومی، برچسب‌زنی و طبقه‌بندی مطالب چندین و چند بار تکرار و عنوان‌های نزدیک به هم با یکدیگر ادغام شده و با دریافت برچسب جدید با محورهای فرعی مجزا شناسایی شدند تا امکان بررسی، تحلیل و مقایسه محورها با یکدیگر فراهم و در قالب محور اصلی شناسایی و در نهایت هشت محور فراگیر حاصل شد که برای نام‌گذاری آنها از ایده محققان و متون نظری استفاده شد. گفتنی است در برخی موارد تا حد زیادی تشابه گفتمانی وجود داشت به این معنا که مثلاً مطلب ارائه شده هم در محور الگودهی و هم در محور تاریخی عدالت قابل طرح بوده است. بنابراین با توجه به زمینه متن، تحت هر محوری که به نظر نگارندگان نمود پررنگ‌تر و قرابت مفهومی بیشتری داشته، قرار داده شده است.

۴-۲. اعتبار و پایایی تحقیق

بررسی اعتبار داده‌ها به منظور افزایش اعتبار درونی داده در تحقیقات کیفی دربرگیرنده کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی، این فرایند تا زمانی ادامه می‌یابد که دیگر نتوان هیچ موضوعی را از آن استنباط کرد. این فرایند زمانی پایان می‌یابد که اشباع نظری به دست آید و اعتبار درونی آزمون شود (Jaruwana, Nigel and Keith, 2006). در پژوهش حاضر در مرحله کدگذاری آزاد (توصیفی) تعداد پنجاه مفهوم شناسایی شد. در فاز دوم با قرار دادن مفاهیم مشابه در یک گروه، به مقوله‌سازی پرداخته شد و تعداد کدهای توصیفی به ۲۵ کد تفسیری تقلیل یافت. در فاز سوم تلاش شد محورهای اصلی شناسایی شوند، به عبارت دیگر مفاهیمی که ویژگی تکرار شونده و متمایز در متن داشته و همه اطلاعات چند مقوله را دربرمی‌گرفت ذیل یک کد تلفیق شدند و این فرایند تا مرحله‌ای که دیگر امکان افزایش کدها وجود نداشت یعنی احصای هشت مضمون فراگیر تداوم یافت.^۱ اما در بررسی پایایی داده‌ها به عنوان یکی از عوامل کلیدی مطالعات کیفی، باید محقق به

دنبال راهکارهای حصول اطمینان از یافته‌های تحقیق است (Rao and Perry, 2003: 240). به‌عنوان مثال به عقیده استراس و کوربین (۱۳۸۵: ۹۷)، محقق دیگری نیز باید با در نظر گرفتن نگرش نظری مشابه همان محقق قبلی و تعقیب کلی گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل به‌علاوه سایر شرایط مشابه قادر باشد، درباره همان پدیده به توضیحات نظری یکسان برسد و اگر تعارض‌هایی پیش آمد، می‌توان آنها را از طریق بازنگری داده‌ها و شناسایی شرایط گوناگونی که ممکن است در هرکدام از موارد عمل کند، حل کرد. در تحقیق حاضر نیز پایایی تحقیق با کمک کدگذار همراه میسر شد.

۵. یافته‌های تحقیق

با تحلیل کیفی محتوای سی عنوان کتاب درسی مقاطع متوسطه و ابتدایی در ارتباط با موضوع عدالت، هشت مضمون فراگیر^۱ به شیوه‌های مختلف در کمیت و کیفیت‌های متمایز شناسایی شدند. این محورها در ذیل به ترتیب گستردگی مطلب، به‌طور جداگانه تشریح می‌شوند. برای اجتناب از طولانی شدن مقاله درخصوص هر محور به چند مورد نمونه بسنده می‌شود.

۵-۱. دین‌مداری

این محور حجیم‌ترین مضمون فراگیر نظام آموزشی درخصوص مقوله عدالت است که با رویکرد معنوی و اخلاقی مبتنی بر آموزه‌ها و تعالیم مذهبی سعی در جلب توجه دانش‌آموزان نسبت به ضرورت حفظ روحیه عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی و تلاش در جهت برقراری عدالت و توزیع عادلانه منابع و رفاه اجتماعی دارد و بیشتر متمرکز بر کتب دین و زندگی، عربی و آموزش قرآن است. عمده مطالب این محور در متون مقطع متوسطه دوم عرضه شده و در مقطع متوسطه اول، نمود کمی دارد و در مقطع ابتدایی تقریباً ارائه نشده است. با وجود رشد قدرت تحلیل و استدلال دانش‌آموزان در مقطع متوسطه دوم مطالب مرتبط

۱. مضمون‌های فراگیر، کدهای تفسیری و توصیفی در جدول ۱ آمده است.

با این محور بسیار ساده تدوین شده است و اهمیت مفهوم چالش برانگیز عدالت را به لحاظ نیاز اجتناب ناپذیر جوامع به ذهن متبادر نمی‌کند. در ادامه به نمونه‌هایی از محتوای کتب درسی که در ذیل آن قرار می‌گیرند اشاره می‌شود:

- به عقیده بسیاری از جامعه‌شناسان، پویایی جامعه شیعی در طول تاریخ به دو عامل وابسته بوده است:

● **گذشته سرخ:** اعتقاد به عاشورا و آمادگی برای ایثار و شهادت در راه عدالت خواهی و آرمان‌گرایی،

● **آینده سبز:** باور به مهدویت و نپذیرفتن حکومت‌های طاغوتی و تلاش برای گسترش عدالت و انسانیت در سراسر جهان (دین و زندگی، سوم دبیرستان، ۱۳۸۹: ۱۵۲).

- خدا را خدا را در خصوص طبقات محروم... برای خدا پاسدار حقی باش که خدا برای آنان معین کرده است... مبادا دل مشغولی‌های حکومت تو را از رسیدگی به آنان بازدارد... پس برای رفع مشکلات آنها به‌گونه‌ای عمل کن که در پیشگاه خدا معذور باشی زیرا این گروه از شهروندان بیشتر از دیگران به عدالت نیاز دارند (دین و زندگی، سوم دبیرستان، ۱۳۸۹: ۱۷۸).

۲-۵. تاریخ بنیان

این محور حجیم که علل شکل‌گیری برخی جنبش‌های عدالت‌خواهانه در طول تاریخ و تلاش مردمی برای حذف نابرابری‌ها و برقراری عدالت را متذکر می‌شود بیشتر در محتوای درسی کتاب‌های تاریخ، جامعه‌شناسی، دین و زندگی، *تعلیمات اجتماعی و ادبیات فارسی* دیده می‌شود. این محور به‌طور خاص در محتوای کتاب‌های متوسطه دوم و به‌صورت ضعیف در کتاب‌های دوره متوسطه اول و ابتدایی ارائه شده است. در ادامه به نمونه‌هایی از محتوای کتب درسی که در ذیل آن قرار می‌گیرند اشاره می‌شود:

- داستان کاوه آهنگر یعنی تلاش ملت به‌منظور طرد ظلم و ستم و تباهی نابکاران جورپیشه و استقرار عدالت و حمایت از مردم زحمتکش و محروم (*زبان و ادبیات فارسی*، پیش‌دانشگاهی، ۱۳۸۹: ۲۰).

- در طول ده‌ها سال مزایا و خدمات اجتماعی چون سینماها، پارک‌ها، کتابخانه‌ها، استخرها،

سواحل دریا و حتی گورستان‌ها تحت مقررات آپارتاید بود و سیاهان حق نداشتند در مناطق سفیدپوستان زمین داشته باشند یا به فعالیت اقتصادی بپردازند (جغرافیا، سوم انسانی، ۱۳۸۹: ۱۵۷).
 - زنان ایلامی نسبت به زنان میان‌دورود از جایگاه و منزلت بالاتری برخوردار بودند. اعتقاد به نوعی جاودانگی برای زن که قابل احترام و حافظ نسب خانواده بود... از نشانه‌های منزلت اجتماعی زنان در جامعه ایلامی است (تاریخ/ایران و جهان، دوم دبیرستان، ۱۳۸۹: ۴۴).

۳-۵. روایت تمایز و تفاوت

این محور گسترده به تبیین مفهوم عدالت با تأکید بر تمایزها و تفاوت‌های پدیدار. به طور کلی به مقولات برابری، عدل و الزامات آن در جامعه اشاره دارد و بیشتر مباحث عدالت اجتماعی در کتاب‌های جامعه‌شناسی، دین و زندگی و گاهی تاریخ به اشکال مختلف مورد تأکید قرار گرفته است. به رغم اینکه برای تبیین یک مفهوم اگر از سنین پایه آغاز شود و سلسله‌وار و تدریجی در مراحل بالاتر به تقویت و تحکیم آن اهتمام شود نتیجه موفق‌تری حاصل خواهد شد، این محور به طور خاص در مقطع متوسطه عرضه شده و در دوران ابتدایی اصلاً نمودی نداشته است در حالی که به نظر می‌رسد این محور می‌تواند مقدمه و پایه‌ای برای بسط و توسعه مفهومی و نظری دیگر مضمون‌ها باشد. از سوی دیگر تأکید بر وجود تفاوت‌های خدادادی و فیزیولوژیکی میان زن و مرد در عین برابری از لحاظ کمالات انسانی و تأیید لزوم اصلاح رفتارهای ناعادلانه جنسیتی^۱، قومیتی مبتنی بر تفاوت‌های خدادادی یا قوانین ناعادلانه بشری در جوامع انسانی بیشتر در کتاب‌های مقطع متوسطه دوم تمرکز یافته است. بنابراین در راستای تفکیک مقوله تفاوت‌های محیطی، طبیعی و نقصان‌های قوانین اجتماعی مبتنی بر مفهوم عدالت و بی‌عدالتی بر اساس شرایط سنی و آگاهی‌های دانش‌آموزان این مقطع؛ محتوای ارائه شده می‌توانست غنی‌تر و به لحاظ اطلاعات در سطح بالاتری ارائه شود. همچنین این محور با نگاهی کلی شیوه توزیع فرصت‌ها، منابع مادی و معنوی و عوامل مؤثر بر آن را در جامعه مدنظر قرار داده و وضعیت موجود را عادلانه

۱. نتایج تحقیق خانی نشان می‌دهد که منابع منتشر شده در جهان وجود نابرابری‌های جنسیتی را تأیید می‌کنند و عوامل اجتماعی کلید اصلی آنهاست (Khani, 2009).

یا ناعادلانه توصیف می‌کند. هرچند این نگاه توزیعی به عدالت به‌ویژه جنبه زیست‌محیطی آن کم‌حجم اما با رویکردی مثبت و ضرورت‌مدارانه به برقراری عدالت زیست‌محیطی و برابری در بهره‌برداری از منابع خدادادی و لزوم ارتقای حساسیت و توجه افراد به زیست‌بوم خود نیز معطوف به دوره متوسطه دوم و اول بوده و عمده محتوای آن در کتاب‌های جغرافیا و اندکی نیز در متون جامعه‌شناسی تمرکز یافته است. در ادامه به نمونه‌هایی از محتوای کتب درسی که در ذیل این محور قرار می‌گیرند اشاره می‌شود:

- خداوند زنان را بیش از مردان از نعمت زیبایی بهره‌مند کرده است (دین و زندگی، دوم دبیرستان، ۱۳۸۸: ۱۴۹).

- علاوه بر نابرابری‌های اقتصادی، نابرابری‌های رفاهی نیز بین شهر و روستا وجود دارد. روستاییان به‌ویژه کشاورزان به‌طور متوسط از نظر آموزش امکانات کمتری در اختیار دارند و دستیابی آنها به سطوح بالاتر تحصیلی کمتر امکان‌پذیر است. به همین نسبت امکان دسترسی به آب سالم، بهداشت و خدمات پزشکی و راه‌های ارتباطی در روستاها کمتر است و میزان مرگ‌ومیر نوزادان در روستاها بیشتر از شهرهاست (جغرافیا، سوم انسانی، ۱۳۸۹: ۱۱۷).

- کسانی که در بالای شهر زندگی می‌کنند معمولاً نسبت به افراد پایین شهر از مزایای بیشتری برخوردارند. در چنین شرایطی امکانات آموزشی به تدریج در مناطق زندگی یک جامعه نابرابر می‌شود و این امر به نوبه خود برای تحرک اجتماعی مناطق محروم محدودیت ایجاد می‌کند (جامعه‌شناسی، سوم دبیرستان، ۱۳۸۹: ۱۱۵).

- همه مناطق کشور ما نتوانسته‌اند متناسب با قابلیت‌های طبیعی و انسانی خود توسعه پیدا کنند و چون به نقش توان‌های محیطی مناطق کشور توجه چندانی نشده الگوهای توسعه یکسان نیست (جغرافیا، پیش‌دانشگاهی، ۱۳۸۸: ۱۰۹).

۴-۵. پیامداندیشی

این محور به نسبت حجم در نظام آموزشی با رویکرد اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی مبتنی بر آموزه‌های علمی، تاریخی و مذهبی به تدقیق پیامدها و مزایای مختلف برقراری عدالت و تأثیرات آن در نظم اجتماعی می‌پردازد. همچنین مضرات بی‌عدالتی را ذکر کرده و بیشتر متمرکز

بر کتب اقتصاد، جامعه‌شناسی و دین و زندگی است. با آنکه این محور پیچیده نبوده و معنای آن به راحتی قابل درک است نزدیک به کل محتوای آن به دوره متوسطه دوم اختصاص یافته، در متون درسی مقطع ابتدایی جایی نداشته و در دوره متوسطه اول نیز در حد بسیار ناچیزی به آن پرداخته شده است. در مقطع متوسطه دوم کتاب‌های اقتصاد و جامعه‌شناسی عمده مباحث مربوط را پوشش داده‌اند و بقیه در کتاب‌های دین و زندگی و تاریخ دیده می‌شود. در ادامه به نمونه‌هایی از محتوای کتب درسی که در ذیل این محور قرار می‌گیرند اشاره می‌شود:

- رفاه اجتماعی به معنای ایجاد سلامت در جسم و روح افراد جامعه، ترویج دانش و کاهش نابهنجاری‌های اجتماعی است و این امر فقط در صورت از بین رفتن فقر و کاهش نابرابری تحقق می‌یابد (اقتصاد، دوم دبیرستان، ۱۳۸۹: ۹۹).

- در شرایط توزیع ناعادلانه درآمد و وجود فقر گسترده هرگونه برنامه‌ریزی برای ارتقای جامعه و رشد اقتصادی با سدی نفوذناپذیر روبه‌رو خواهد شد. در مقابل توزیع عادلانه درآمدها و کاهش فقر می‌تواند انگیزه قدرتمندی برای همکاری و مشارکت عموم افراد جامعه در فرایند توسعه سالم اقتصادی باشد (اقتصاد، دوم دبیرستان، ۱۳۸۹: ۱۰۲).

۵-۵. نسبت قدرت و عدالت

این محور توزیع قدرت و رابطه آن با برقراری عدالت یا رعایت نشدن آن را مدنظر داشته و به توزیع نابرابر امکانات در جوامع می‌پردازد. همچنین برای ایجاد بستر عادلانه برای رشد و شکوفایی همگان تأکید می‌کند و عدالت‌محوری را با توجه به اهمیتی که قدرت در محدوده شبکه پایگاه‌های اجتماعی و امتیازات و موقعیت خاصی که برای کشورها و افراد ایجاد می‌کند صرفاً در کتاب‌های جامعه‌شناسی، علوم اجتماعی و دین و زندگی مورد تأکید قرار داده است. همچنین جنبه‌های مختلف عدالت اقتصادی همچون برابری فرصت‌ها و منابع درآمدی، فساد مالی، رانت، انحصار و فقر در جامعه را شامل می‌شود که به‌رغم آنکه انتظار می‌رود در کتاب‌های علم اقتصاد نیز به آن پرداخته شده باشد به غیر از مواردی اندک، محدود به دوره متوسطه دوم در کتاب‌های یاد شده است. در ادامه به نمونه‌هایی از محتوای کتب درسی که در ذیل این محور قرار می‌گیرند اشاره می‌شود:

- ادغام اقتصاد کشورها به معنای آن نیست که همه مردم جهان به یک اندازه در

آن سهیم‌اند، بلکه کشورها و شرکت‌های بزرگ هستند که سرنوشت مردم جهان را تعیین می‌کنند (علوم/اجتماعی، پیش‌دانشگاهی، ۱۳۸۹: ۴۹).

- در منشور ملل متحد برای پنج کشور قدرتمند (چین، آمریکا، انگلیس، فرانسه و روسیه) به رغم تأکید بر برابری اعضا، حق و تو تصویب شده است و آنها می‌توانند از تصویب هر تصمیمی که مخالف منافع و نظر آنها باشد جلوگیری کنند (علوم/اجتماعی، پیش‌دانشگاهی، ۱۳۸۹: ۷۴).

- کشورهای مرکز با به انحصار درآوردن رسانه‌ها این امکان را فراهم می‌کنند تا به رفتار خود در جهان مشروعیت بخشند و از این طریق در جهت حفظ مزایای خود عمل می‌کنند (علوم/اجتماعی، پیش‌دانشگاهی، ۱۳۸۹: ۸۵).

- امروزه برخی از کشورهای پیشرفته صنعتی با دانش و فناوری جدید در هر گوشه از جهان دست به بهره‌برداری شدید از محیط زده و سودجویانه در حال برهم زدن تعادل محیط زیست انسان‌ها هستند (جغرافیا، دوم دبیرستان، ۱۳۸۸: ۴).

۵-۶. زیباشناختی و اخلاقی

این محور متمرکز بر کتب درسی تاریخ و ادبیات فارسی در راستای تقویت حس عدالت‌خواهی و انتقال مفاهیم مرتبط با آن در قالب مضامین ادبی و حکایات آموزنده ارائه شده است. غالب محتوای آن به دوره متوسطه دوم معطوف می‌شود، اما در دوران قبل از آن نیز نمود متوسطی داشته است. از آنجاکه آموزش در قالب حکایات و نظم هم فرایند یادگیری را با لذت همراه می‌کند و هم تأثیرگذاری و ماندگاری در ذهن آموزش‌پذیران را به همراه دارد به نظر می‌رسد امکان استفاده از این محور در مقاطع ابتدایی و متوسطه اول مورد غفلت واقع شده است. در ادامه به نمونه‌هایی از محتوای کتب درسی که در ذیل این محور قرار می‌گیرند اشاره می‌شود:

همی بر خروشید و فریاد داد جهان را سراسر سوی داد خواند

(زبان و ادبیات فارسی، پیش‌دانشگاهی، ۱۳۸۹: ۲۶).

فریدون فرخ فرشته نبود زمشک و زعنبر سرشته نبود

به داد و دهش یافت آن نیکویی تو داد و دهش کن فریدون تویی

(تاریخ ادبیات ایران و جهان، دوم دبیرستان، ۱۳۸۸: ۵۷).

۷-۵. چاره‌اندیشی

این محور سعی در ترغیب و انگیزش دانش‌آموزان به ارائه راهکار برای رفع نابرابری‌های موجود در جامعه، بهره‌گیری مطلوب از انواع منابع و توزیع عادلانه آنها به‌ویژه با تأکید بر فراگرد اتخاذ تصمیمات، تدوین و اجرای قوانین عادلانه دارد. با تمرکز در متون درسی مقطع متوسطه دوم به‌ترتیب در کتاب‌های اقتصاد، جامعه‌شناسی، جغرافیا، دین و زندگی و تعلیمات اجتماعی به الزامات و عوامل تسهیل‌کننده برقراری عدالت همچون نقش نهادهای اجتماعی و اجرایی اشاره دارد و ضمن آن، رویکرد عاملیت‌محور و عقلانی جوامع و گروه‌های انسانی را در راستای حذف نابرابری‌ها تا جایی که زیان‌ها به حداقل برسد به اشکال مختلف مورد تأکید قرار داده است و به عبارتی جلوه عملی عدالت را آشکار می‌کند. در ادامه به نمونه‌هایی از محتوای کتب درسی که در ذیل آن قرار می‌گیرند اشاره می‌شود:

- برقراری یک نظام مناسب و کارآمد مالیاتی از مهمترین ابزارهای مقابله با نابرابری توزیع درآمد است (اقتصاد، دوم دبیرستان، ۱۳۸۹: ۱۰۲).
- در جامعه مردم‌سالار... اگر افرادی بر این باور باشند که توزیع مزایا یا بخشی از هنجارها و قوانین، ناعادلانه است می‌توانند عقیده خویش را منتشر و دیگران را با خود همراه کنند و از طریق تشکل‌های مدنی و سیاسی در جهت احقاق حقوق خویش فعالیت کنند (جامعه‌شناسی، سوم دبیرستان، ۱۳۸۹: ۱۲۵).
- در قانون اجرای اصل (۴۸) قانون اساسی ایران دولت مکلف است تا دو سال پس از تصویب این قانون و در اجرای آن به‌منظور: ۱. رفع هرگونه تبعیض در استفاده مناطق مختلف کشور از منابع طبیعی و سرمایه‌های ملی، ۲. فراهم کردن زمینه رشد همه مناطق متناسب با استعدادها و حفظ رقابت سازنده، ۳. توزیع مناسب فعالیت‌های اقتصادی در مناطق مختلف کشور، ۴. استفاده بهتر از قابلیت‌ها و مزیت‌های نسبی در راستای نقش منطقه‌ای و بین‌المللی کشور اقدام کند (جغرافیا، پیش‌دانشگاهی، ۱۳۸۸: ۱۱۸).
- قانون اساسی در اصل (۴۳) به تأمین نیازهای اساسی برای همه با تأمین شرایط و امکانات کار برای همه و... تأکید کرده است (اقتصاد، دوم دبیرستان ۱۳۸۹: ۶۹).

۸-۵. الگودهی

این محور به بازنمایی چگونگی فرایند اجرای عدالت در منش و رفتار بزرگان و نیز ارائه نمونه‌های عینی مبارزه با بی‌عدالتی در کتب تاریخ، ادبیات فارسی و دین و زندگی نظام آموزشی می‌پردازد و به‌طور نسبتاً همسانی در همه مقاطع آموزشی نمود یافته است. این محور به‌ویژه بر نحوه رفتار اولیای امور، مسئولان و دولتمردان با سایر افراد تمرکز کرده و نمونه‌هایی از فرایند ارتباطات مؤثر انسانی از قبیل ادب، صداقت و احترام بین منبع و دریافت‌کننده را دربرمی‌گیرد. در ادامه به نمونه‌هایی از محتوای کتب درسی که در ذیل آن قرار می‌گیرند اشاره می‌شود:

- آنچه آن حضرت (رسول خدا) برای تحقق آن تلاش کرد برپا ساختن جامعه‌ای عدالت‌محور بود که مظلوم به آسانی حق خود را از ظالم بستاند و امکان رشد برای همه انسان‌ها فراهم باشد نه اینکه نعمت‌ها و ثروت‌های زمین در انحصار گروهی محدود باشد. ایشان از هر فرصتی برای رفع تبعیض‌های طبقاتی حاکم بر نظام جاهلی و فرهنگ مربوط به آن از زندگی مردم و برقراری فرهنگ برابری و مساوات در جامعه کمال استفاده را کرد. یکی از جنبه‌های عدالت‌خواهی رسول خدا مبارزه با تبعیض نژادی و امتیازات اشرافی بود که در همه نقاط جهان به‌خصوص در امپراتوری‌های آن روز رواج داشت. ایشان همه امتیازات اشرافی را لغو کرد و هیچ قومی را بر قوم دیگر برتر ندانست. (دین و زندگی، پیش‌دانشگاهی، ۱۳۸۹: ۹۸).

- رسیدگی به طبقات محروم جامعه و اهتمام برای برخورداری آنها از امکانات زندگی، رفع هرگونه تبعیض اجتماعی و اقتصادی و تلاش برای توسعه عدالت و امنیت برای همه اعم از مسلمانان باسابقه، موالی و... از جلوه‌های حکومت کم‌نظیر امام علی بود (تاریخ ایران و جهان، دوم دبیرستان، ۱۳۸۹: ۱۱۴).

- امیرالمؤمنین (ع) هنگام تقسیم بیت‌المال همه چیز را به‌طور دقیق تقسیم می‌کرد و وقتی که همه اموال به صاحبانش می‌رسید دستور می‌داد که گوشه و کنار را ببینند که مبادا چیزی مانده باشد و هنگامی که مطمئن می‌شد که دیگر چیزی مانده است خدا را شکر می‌کرد (فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی، سوم متوسطه دوم، ۱۳۸۶: ۶۵).

جدول ۱. خلاصه یافته‌های تحقیق

ردیف	مضمون فراگیر	کدهای تفسیری	کدهای توصیفی ^۱	دوره‌های تحصیلی به ترتیب حجم مطالب	عنوان کتاب‌ها به ترتیب حجم مطالب
۱	دین‌مداری	آموزه‌های مذهبی، تعالیم اخلاقی، ستایش ظلم‌ستیزی	دادخواهی در قیامت، اعتقاد به عاشورا، آرمان‌گرایی دینی، اعتقاد به عدل الهی، باور به مهدویت، ترغیب روحیه عدالت‌خواهی و بسط انسانیت	متوسطه دوم، متوسطه اول، ابتدایی	دین و زندگی، عربی، آموزش قرآن
۲	تاریخ بنیان	تبارشناسی جنبش‌های عدالت‌خواهانه، روایت مبارزات مردمی	دلایل تاریخی نابرابری، زمینه‌های ایجاد نظام‌های کمونیستی، اعتقادات نظام آباتاید، مؤلفه‌های نظام‌های پادشاهی، خاستگاه‌های اجتماعی	متوسطه دوم، متوسطه اول، ابتدایی	تاریخ، جامعه‌شناسی، دین و زندگی، تعلیمات اجتماعی، ادبیات فارسی
۳	روایت تمایز و تفاوت	بی‌عدالتی جنسیتی، نابرابری فیزیولوژیک، نقصان قوانین بشری، شیوه توزیع منابع	فاصله اجتماعی تحمیلی، تبعیض زیست‌محیطی، قوانین ناعادلانه، تنوع مواهب خدادادی، کاستی‌های توزیع منابع مادی و معنوی	متوسطه دوم، متوسطه اول	جامعه‌شناسی، دین و زندگی، جغرافیا، تاریخ
۴	پیامداندیشی	نتایج بی‌عدالت	گسترش احساس بی‌عدالتی، شیوع ناراضیاتی، افزایش بدبینی، فراگیری بی‌اعتمادی	متوسطه دوم، متوسطه اول	اقتصاد جامعه‌شناسی/ دین و زندگی
۵	نسبت قدرت و عدالت	انتظار اصلاح از منابع قدرت، پذیرش رابطه قدرت و بی‌عدالتی	نفع قدرت‌ها در اعمال بی‌عدالتی، تصویب قوانین ناعادلانه، ضرورت اصلاح رفتارهای ناعادلانه جنسیتی، قومیتی و... در قوانین بشری	متوسطه دوم	جامعه‌شناسی، تاریخ، دین و زندگی، علوم اجتماعی
۶	زیباشناختی و اخلاقی	یادگیری توأم بالذت، اخلاق محوری در ادبیات	آموزه‌های دینی در نظم و نثر فارسی، انتقال مفاهیم اجتماعی در قالب لطایف ادبی	متوسطه دوم، متوسط اول، ابتدایی	ادبیات فارسی
۷	چاره‌اندیشی	زمینه‌سازی ذهنی - عینی، عاملیت مردم، قوانین الهی - بشری	ارائه سازوکارهای مدنی - قانونی برای رفع نابرابری، تشکیل انجمن‌های صنفی و مدنی، ایجاد تشکل‌های سیاسی، کارآمد کردن نظام مالیاتی، نقش مردم در احقاق حقوق خود، صورت‌بندی عملی و اجرایی عدالت، قانون اساسی، قوانین بین‌المللی مصوب، قوانین دینی (خمس، زکات، دبه، نفه و...)	متوسطه دوم	اقتصاد، جامعه‌شناسی، جغرافیا، دین و زندگی، تعلیمات اجتماعی
۸	الگودهی	معرفی نمونه‌ها و مصدق‌ها	تدقیق در منش اولیای امور، تأیید سلوک حاکمان عادل	متوسطه دوم، متوسطه اول، ابتدایی	تاریخ، ادبیات فارسی، دین و زندگی

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۱. برای پرهیز از شلوغی جدول فقط به درج نمونه‌هایی از کدهای توصیفی اکتفا شده است.

۶. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در طول تاریخ همواره عدالت یکی از آرمان‌های مورد نظر بشر بوده و نظام‌های سیاسی هر یک برای تبیین و تجلی این ارزش و آمال اصیل انسانی؛ رویکردها و راهبردهایی را ناظر به تفهیم، تعمیق، تفسیر و گسترش در بخش‌های مختلف از جمله حوزه فرهنگ و نهادهای آموزشی به‌عنوان بخشی از فرهنگ حاکم بر هر کشور در پیش گرفته‌اند. از این رو، مقاله حاضر تلاش کرده چگونگی تبیین مفهوم عدالت در کتب درسی مقاطع آموزشی ابتدایی و متوسطه نظام جمهوری اسلامی را ذیل چهار سؤال بررسی کند. پس از مرور مباحث نظری کلاسیک و جدید مربوط به عدالت و شکل‌گیری پایه‌های مفهومی تحقیق، متون درسی با کمک روش تحلیل مضمون از جهت تصویر عدالت (سؤال اول)، ویژگی‌ها، ابعاد و گستره مفهومی (سؤال دوم و سوم) و نیز از بُعد شباهت‌ها و تفاوت‌های مفهوم‌پردازی عدالت (سؤال چهارم) مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه پس از مرور یافته‌های تحقیق در پاسخ به سؤالات مذکور؛ پیرامون آنها بحث و سپس پیشنهادهایی ارائه می‌شود.

نتایج پژوهش در پاسخ به سؤال اول پیرامون نحوه تصویرسازی عدالت در محتوای نظام آموزشی مشخص کرد که محتوای درسی سه دوره آموزشی در قالب هشت مضمون فراگیر به تبیین مقوله عدالت پرداخته‌اند. این مضمون‌ها به‌ترتیب حجم عبارتند از: دین‌مداری، تاریخ بنیان، روایت تفاوت و تمایز، پیامداندیشی، نسبت قدرت و عدالت، زیباشناختی و اخلاقی، چاره‌اندیشی و الگودهی. در پاسخ به سؤال دوم مشخص شد، تبیین مضامین یاد شده به‌ترتیب حجم در دوره متوسطه دوم در کتاب‌های تاریخ، جامعه‌شناسی، دین و زندگی، اقتصاد و در دوره متوسطه اول در کتاب‌های تعلیمات دینی، تاریخ و جغرافیا و در مقطع ابتدایی در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی، ادبیات فارسی، دین و زندگی و آموزش قرآن صورت پذیرفته است.

همچنین یافته‌های تحقیق درباره سؤال سوم یعنی شناسایی محورهای فراگیر عدالت در نظام آموزشی در هر یک از مقاطع تحصیلی نشان داد که محورهای دینی و تاریخی عدالت به‌عنوان محورهای فراگیر، بیش از دیگر محورها در محتوای سه دوره نظام آموزشی قابل رؤیت هستند. ضمن آنکه تبیین مفهوم عدالت در متون درسی مقطع ابتدایی در قالب

محورهای دینی، تاریخی، زیبایی‌شناسی و الگودهی با محتوای اندکی در قالب جملات پراکنده و برخلاف انتظار با کمترین مصداق و مثال صورت پذیرفته است. در دوره متوسطه اول هم هرچند متناسب با تنوع محتوای درسی، محورهای عدالت از حیث ابعاد ارائه شده تنوع یافته‌اند، اما همچنان در میان گستره مضامین مورد اشاره در این مقطع آموزشی (محورهای دینی، تاریخی، تمایز، زیباشناختی و الگودهی) محور دینی عدالت، غالب است. همچنین مطابق یافته‌های پژوهش، محور مفهومی خاص در مقطع ابتدایی و نیز متوسطه اول شناسایی نشد. در دوره متوسطه دوم نیز به‌رغم مدنظر قرار گرفتن مضامین فراگیر هشت‌گانه؛ مضمون تمایزمحوری پس از دو محور دین‌مداری و تاریخ بنیان، در گستره بیشتری به ارائه موارد متعدد و متنوعی از مفاهیم مربوطه پرداخته است؛ ضمن آنکه محورهای نسبت قدرت و عدالت و چاره‌اندیشی صرفاً در این مقطع به چشم می‌خورند. در نهایت مطابق یافته‌های پژوهش حاضر، رویکرد همگونی از بُعد نظری در سه مقطع آموزشی در خصوص مقوله عدالت مشاهده نشد و از میان هشت مضمون فراگیر شناسایی شده فقط چهار محور دین‌مداری، تاریخ بنیان، الگودهی و زیباشناختی در هر سه مقطع آموزشی حضور دارند. همچنین اشتراک محتوای دو مقطع متوسطه دوم و اول در دو محور چاره‌اندیشی و نسبت قدرت و عدالت دیده نمی‌شود. از این رو در خصوص نقاط قوت و ضعف مفهوم‌پردازی عدالت در نظام آموزشی (سؤال چهارم) می‌توان گفت با تدقیق در محورهای فراگیر، نوع و رویکرد مباحث مطرح شده در کتاب‌ها و مقاطع تحصیلی به‌ویژه از عدم تنوع در مفهوم‌پردازی عدالت در مقطع ابتدایی و متوسطه اول تا جبران آن به‌صورت ارائه محورهای هشت‌گانه در متوسطه دوم در کنار اینکه محورها بیشتر با نگاه تاریخی-دینی مطرح شده‌اند و از ارائه نمونه‌های عینی، موفق معاصر و امروز جامعه جهانی و حتی ایران غفلت شده است چنین استنباط می‌شود که ناپیوستگی و عدم تمرکز در ارائه محتوا، ضعف اصلی محتوای آموزشی مورد نظر است. هرچند با تأمل در محورهای مقطع متوسطه به‌ویژه محور روایت تمایزها و تفاوت‌ها چنین درک می‌شود که محورهای حاکم بر نظام آموزشی به دنبال اشاعه دیدگاه مساوات‌گرایانه در سیاست اجتماعی بوده و در مرحله اول برابری را در دسترسی برابر به منابع و امکانات، فرصت‌ها، رفاه اقتصادی و... تبیین کرده و

در مرحله بعد برخورداری بیشتر از امکانات را به تلاش فردی و سختکوشی منوط می‌کند، اما بُعد فردی آن چندان مطرح و تقویت نشده است. از سوی دیگر به لحاظ رویکرد نظری قابل احصا صرفاً در مقطع متوسطه دوم محورهایی که عدالت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را در ارتباط متقابل با یکدیگر و در رابطه با قدرت تعبیر می‌کنند و مداخله و حمایت‌های دولت را در برقراری این ارتباط و ایجاد توانمندی فعالیت‌های آزادانه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و آزادی‌های بنیادین در جامعه را مثبت بازنمایی کرده‌اند به نوعی تداعی‌گر دیدگاه آمارتیا سن پیرامون نقش دولت هستند. آنجا که می‌گویند نبود آزادی اقتصادی به شکل فقر حاد می‌تواند فرد را در شرایط نقض انواع دیگر آزادی تبدیل به یک طعمه بی‌پناه کند... نبود آزادی اقتصادی می‌تواند به فقدان آزادی اجتماعی منجر شود همان‌طور که فقدان آزادی اجتماعی یا سیاسی می‌تواند منتهی به فقدان آزادی اقتصادی شود (سن، ۱۳۸۱: ۲۴). در واقع وی استدلال می‌کند وجود تعالی حتی در بستر عدالت تضمین شده نیست (Sen, 2008: 334).

در مجموع با آنکه تجلی عدالت در بستر فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی به‌عنوان یکی از مهمترین آرمان‌های انقلاب اسلامی که ریشه در باورها و تعالیم دین اسلام دارد و همواره طی سه دهه انقلاب در اولویت دغدغه‌های سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشور بوده است، به نظر می‌رسد فقدان راهبردی مشخص جهت تعمیق مفاهیم مربوط به عدالت در محتوای آموزشی سبب شده تا برخی اقدامات ضروری همچون مفهوم‌پردازی عدالت در دوران ابتدایی و متوسطه اول به حاشیه رانده شده و یا در کل حذف شده و یا دچار تقلیل‌گرایی شوند. همچنین از محتوای درسی دوره متوسطه با توجه به شرایط سنی و میزان دانش، آگاهی و بصیرت دانش‌آموزان انتظار می‌رفت که در کتاب‌های علوم/اجتماعی و اقتصاد مباحث جدی‌تری ناظر به شرایط روز، مبتنی بر حل مسئله و کمتر تاریخی ارائه شود که چنین ترسیمی از موضوع مورد نظر به دست نیامد. به‌طور کلی به نظر می‌رسد رویکرد نظام آموزشی به مسئله عدالت به‌عنوان یکی از مبانی قانونی و ارزشی ما یک دغدغه مهم قانون اساسی و سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه به‌ویژه در موضوع عدالت اجتماعی و محو فقر در کتب درسی پرداخته نشده و در تفهیم این موضوع انتزاعی پیچیده و عوامل مترتب بر آن به دانش‌آموزان ابتدایی تا پایان متوسطه سیر فکری مشخصی اتخاذ نشده

است. از این رو به جهت تجهیز فکری منابع انسانی در راستای نیل به اهداف توسعه‌ای عدالت محور سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام جمهوری اسلامی و نیز سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش کشور کلیه متون درسی نه فقط در ارتباط با مقوله عدالت بلکه همه مفاهیمی که سرلوحه عرصه‌های تقنین، اجرایی و قضایی کشورند با دیدگاهی جامع و منسجم و نه پراکنده و بی‌ارتباط با هم در تمامی مقاطع تحصیلی، با تکیه بیشتر بر استدلال عقلی، راهکارها و الگوهای معاصر مبتنی بر شرایط معاصر و با نگاه به برنامه‌های آتی کشور در محتوای درسی گنجانده و عرضه شوند.

پیشنهادها

- کتاب‌های درسی به‌ویژه در مقاطع ابتدایی و متوسطه اول شایسته است در کنار مفهوم‌شناسی جامع و مانع از عدالت، مباحث حقوق و تکالیف فرد در خانواده و اجتماع را ارائه کنند تا دانش‌آموزان هرگونه نابرابری را بی‌عدالتی محسوب نکنند.

- با توجه به اینکه یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد به برخی مفاهیم بیش از حد انتظار و به برخی کمتر از حد انتظار توجه شده است؛ توصیه می‌شود در بازنگری متون درسی حوزه‌هایی چون عدالت زیست‌محیطی، عدالت فرهنگی - آموزشی، عدالت جنسیتی و نیز رویکرد جهانی عدالت به‌ویژه در مقاطع متوسطه اول و دوم به‌طور خاص مدنظر قرار گیرند.

- با توجه به یافته‌های این تحقیق پیشنهاد می‌شود در پژوهش دیگری با روش تحلیل محتوای کمی، میزان توجه به مؤلفه‌های عدالت در متون آموزشی مورد سنجش قرار گیرد. همچنین انجام مطالعه‌ای به روش تحلیل گفتمان می‌تواند در شناسایی کاستی‌های محتوای آموزشی در بستر نیازهای جامعه امروز و عدم تناسب متن با اهداف کتاب کارگشا باشد.

- در بازنگری محتوای کتب درسی تأمل و تدقیق بیشتری لازم است تا ضمن تنظیم و توزیع منطقی مطالب در مقاطع تحصیلی، همسویی محتوا با اهداف نظام، سازگاری با باورها و ارزش‌های دینی، ملی و فرهنگی کشور، قابلیت درک و پذیرش مطلب از نظر هماهنگی با شرایط سنی دانش‌آموزان و قابلیت اجرا با توجه به شرایط و محدودیت‌های موجود جامعه لحاظ شود.

- ارائه مقایسه‌های تطبیقی جوامع مختلف و پیامدهای عدالت و بی‌عدالتی در حوزه‌های متفاوت متمرکز بر شرایط کشورها مبتنی بر وقایع دو دهه اخیر جهان جهت تبیین دقیق‌تر مفاهیمی چون عدالت به‌ویژه در دوره متوسطه دوم می‌تواند کمک کند تا نحوه مفهوم‌پردازی عدالت متنوع شده و از تمرکز بر محورهای تاریخی و دین‌مداری، زیباشناختی و الگودهی خارج شود.

منابع و مآخذ

۱. استربرگ، کریستین جی. (۱۳۸۴). روش‌های تحقیق کیفی در علوم اجتماعی، ترجمه احمد محمدپور و علی سمعی، یزد، دانشگاه یزد.
۲. استراس، آنسلم و کوربین جولیت (۱۳۸۵). اصول روش تحقیق کیفی؛ نظریه‌های مبنایی؛ رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳. ایزدی، صمد، ابراهیم صالحی عمران، کوروش فتحی واجارگاه و میمنت عابدینی بلترک (۱۳۸۹). «تجزیه و تحلیل محتوای کتاب‌های آموزشی دوره ابتدایی براساس مؤلفه‌های آموزش سلامت»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ش ۳۳.
۴. بشیریه، حسین (۱۳۷۹). تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، لیبرالیسم و محافظه‌کاری، تهران، نشر نی.
۵. بیات، اسدالله (۱۳۶۹). نظام اقتصاد اسلامی، چاپ اول، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
۶. پاین، مایکل (۱۳۷۹). بارت، فوکو، آلتوسر، تهران، نشر مرکز.
۷. پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۲). «طراحی سیستم خط‌مشی‌گذاری، برای تحقق عدالت اجتماعی برمبنای حکومت حق مدار علوی»، رساله دکتری چاپ نشده دانشگاه تربیت مدرس.
۸. — (۱۳۸۰). «مدیریت دولتی و عدالت اجتماعی»، دانش مدیریت، ش ۵۵.
۹. تامپسون، جان (۱۳۷۸). ایدئولوژی و فرهنگ مدرن، ترجمه مسعود اوحدی، تهران، مؤسسه فرهنگی آینده‌یویان.
۱۰. جمشیدی، محمدحسین (۱۳۵۸). نظریه عدالت از دیدگاه فارابی، امام خمینی و شهید صدر، چاپ اول، معاونت پژوهشی انتشارات پژوهشگاه امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۱۱. حکیم‌زاده، رضوان، علیرضا کیامنش و محمد عطاران (۱۳۸۶). «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره متوسطه اول با توجه به مسائل و مباحث روز جهانی در حوزه برنامه‌های درسی»، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، سال اول، ش ۵.
۱۲. دهقان، بمانعلی (۱۳۸۱). «عدالت و برابری در سیره علوی»، مجموعه مقالات همایش رفتارشناسی علوی درگستره مدیریت، تهران، دانشگاه شاهد.
۱۳. راولز، جان (۱۳۸۴). عدالت به مثابه انصاف، ترجمه عرفان ثابتی، تهران، ققنوس.
۱۴. رضائیان، علی (۱۳۸۱). «راهبردهای نهادینه کردن رفتار علوی در سازمان»، مجموعه مقالات همایش رفتارشناسی علوی درگستره مدیریت، تهران، دانشگاه شاهد.

۱۵. ریاحی، محمداسماعیل، سمانه اسکندری و بهزاد حکیمی‌نیا (۱۳۹۷). «رسانه و میزان احساس عدالت در میان دانشجویان دانشگاه مازندران»، *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، دوره ۲۹، ش ۳، شماره پیاپی ۷۱.
۱۶. سن، آمارتیا (۱۳۸۱). *توسعه به‌مثابه آزادی*، ترجمه حسین راغفر، نشر کویر.
۱۷. سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش ج.ا.ا. (۱۳۹۲). www.sccr.ir.
۱۸. شاه‌سنی، شهرزاد (۱۳۸۶). «تبیین سازوکارهای مؤلفه‌های جامعه‌پذیری کتاب‌های علوم انسانی دوره ابتدایی در چارچوب تحلیل انتقادی گفتمان»، رساله دکترا، دانشگاه شیراز.
۱۹. صدر، محمدباقر (۱۳۵۷). *اقتصاد ما*، ترجمه عبدالعلی اسپهبدی، ج ۲، تهران، نشر اسلامی.
۲۰. صفری‌شالی، رضا (۱۳۹۴). بررسی گفتمان عدالت اجتماعی در دولت‌های پس از انقلاب اسلامی، رساله دکترا، دانشگاه علامه طباطبائی.
۲۱. _____ (۱۳۹۴). «تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی در لوایح و برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج.ا.ا.»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی*، دوره ۲۲، ش ۲.
۲۲. عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۶). *تاریخ فلسفه سیاسی غرب، از آغاز تا پایان سده‌های میانی*، جلد ۱، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه.
۲۳. قریشی، فرین، محمدباقر عزیززاده اقدم و کعبه رحیم زائر (۱۳۹۶). «تحلیل گفتمان عدالت در ایران: مطالعه موردی دولت‌های محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی»، *دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی* و توسعه، دوره ۶، ش ۲.
۲۴. کریمی، حسین (۱۳۷۸). *جرم‌ها و مجازات‌ها*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۵. کتب درسی دوره‌های ابتدایی، متوسطه اول و متوسطه دوم.
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۸). *عدل الهی*، تهران، نشر صدرا.
۲۷. همپتن، جین (۱۳۸۰). *فلسفه سیاسی*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران، انتشارات طرح نو.
۲۸. هزارجریبی، جعفر و رضا صفری‌شالی (۱۳۹۲). «گفتمان عدالت در لوایح برنامه‌های توسعه پس از انقلاب (با تأکید بر کاهش فقر و محرومیت)»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، ش ۶.
۲۹. هاروی، دیوید (۱۳۷۶). *عدالت اجتماعی و شهر*، ترجمه فرخ حسامیان و دیگران، تهران، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری شهرداری تهران.
۳۰. یعقوبی، داریوش (۱۳۸۸). *درک ایرانیان از عدالت*، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.

31. Adams, J. (1965). Inequity in Social Exchange, In L. Berkowitz (Ed.), *Advances in Experimental Socialpsychology*, Vol. 2.
32. Al-Aqeeli, Abdul Muhsin S. (2005). Arab and Muslim Image in the Public Education Textbooks of Britain, *Educational Research*, Ministry of Education, Kingdom of Saudi Arabia [http://www.islamonline.net/ English/ art culture](http://www.islamonline.net/English/art%20culture).
33. Al- Banyan, Ahmed. (2005). Arab and Muslim Image in the Public Education Textbooks of the United States of America, *Educational Research*, Ministry of Education, Kingdom of Saudi Arabia [http://www.islamonline.net/ English/ art culture](http://www.islamonline.net/English/art%20culture).
34. Al-Khabti, S. Ali (2005). Arab and Muslim Image in the Public Education Textbooks of Israel, *Educational Research*, Ministry of Education, Kingdom of Saudi Arabia [http://www.islamonline.net/ English/ art culture](http://www.islamonline.net/English/art%20culture).
35. Ambrose, L. Maureen (2002). Contemporary Justice Research: A New Look at a Familiar Questions, *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, Vol. 89, Issue 1.
36. Blader, Steven L and Tom.R Tyler (2002). What Constitutes Fairness in Work Settings? A Four-component Model of Procedural Justice, *Human Resource Management Review*.
37. Braun, V and V. Clarke (2006). Using Thematic Analysis in Psychology, *Qualitative Research in Psychology*, 3 (2).
38. Calton, J. and L. B. Cattaneo (2014). The Effects of Procedural and Distributive Justice on Intimate Partner Violence Victims' Mental Health and Likelihood of Future Help-Seeking, *American Journal of Orthopsychiatry*, 84 (4).
39. Cohen- charash, Yochi and Paul E. Spector (2001). The Role of Justice in Organizations: A meta – Analysis; *Organizational Behavior and human Decision Processes*, Vol. 86, No. 2.

40. Colquitt, Jason. A, Donald E. Conlon, K. Yee Ng, Michael J. Wesson and Christopher O.L.H Porter (2001). Justice at the Millennium: A Meta – Analytic Review of 25 Years of Organizational Justice Research; *Journal of Applied psychology*, Vol. 86, No. 3.
41. Folger, Robert and Kussel Cropanzano (1998). *Organizational Justice and Human Resource Management*, Sage Publications.
42. Groiss, Arnon and Nethanel Toobian (Nahid) (2006). The Attitude to the Other and to Peace in Iranian School Book and Teachers Guides", Center for Monitoring the Impact of Peace, <http://www.Edume.org>.
43. Greenberg, Jerald and Rbert A. Baron (2000). *Behavior in Organizations*; Prentice- Hall, Inc.
44. Joffe, Helene and Lucy Yardley (2003). "Content and Thematic Analysis", In D. Marks and L. Yardley (Eds.), *Research Methods in clinical and Health Psychology*, London: Sage Publication.
45. Jaruwan Daengbuppha, Nigel Hemmington, Keith Wilkes (2006). "Using Grounded Theory to Model Visitor Experiences at Heritage Sites, Qualitative Market Research", *An International Journal*, Vol. 9.
46. Kaemmer, Christine (2004). Continuity and Change of Values, European Association of Taiwan Studies Conference, <http://www.Hellok.org>.
47. Khani, F. (2009). Analytical Framework for the Study of Gender Inequality in the World. *Journal of Women in Development and Policy*, 8 (14).
48. Lambert, Eric (2003). The Impact of Organizational Justice on Correctional Staff; *Journal of Criminal Justice*, Vol. 31, Issue. 2.
49. Lambert, E. G. and N. L. Hogan (2011). Association Between Distributive and Procedural Justice and Life Satisfaction Among Correctional Staff, *Professional Issues in Criminal Justice*, 6 (3 and 4).
50. Lee, Hyung-Ryong (2000). An Emprical Study of Organizational Justice as

- a Mediator of a Relationship Among Leader- Member Exchange and Job Satisfaction, Organizational Commitment and Turnover Intentions in Lodging Industry (Unpublished Doctoral Dissertation), Polytechnic Institute and State University, Virginia. USA.
51. Lind, E. A. and T.R. Tyler (1988). *The Social Psychology of Procedural Justice*; NewYork, Plenum Press
52. Lind, E. Allan and Laura Kray and Leigh Thompson (1998). "The Social Construction of Injustice: Fairness Judgments in Response to Own and Others' Unfaire Treatment by Authorities", *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, Vol. 75, No. 1.
53. Rao, Sally and Chad Perry (2003). "Convergent Interviewing to Build a Theory in Under-researched Areas: Principles and an Example Investigation of Internet usage in Inter-firm relationships", *Qualitative Market Research: An International Journal*, Vol. 6, No. 4.
54. Reithel, S. M, B. B. Baltes and S. Buddhavharapu (2007). "Cultural Differences in Distributive and Procedural Justice: Does A Two-factor Model Fit for Hong Kong Employees?", *International Journal of Cross Cultural Management*, 7 (1).
55. Sen, A. (2008). "The Idea of Justice", *Journal of Human Development*, 9 (3).
56. Taylor, A. J. W (2003). Justice as a Basic Human Need, *New Ideas In Psychology*, Vol. 21, Issue. L.
57. Vermunt, R. and K. Y. Tornblom (2007). *Distributive and Procedural Justice: Research and Social Applications*, London, Ashgate Publishing Ltd. Foa, U.G.

کاربردی از مدل جاذبه تعمیم‌یافته پویا در تحلیل تأثیری ثباتی سیاسی بر همگرایی تجاری کشورهای جهان اسلام

حمید عزیزمحمدلو*

نوع مقاله: علمی پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۸	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۳	شماره صفحه: ۸۵-۴۷
------------------------	------------------------	-----------------------	-------------------

کشورهای اسلامی در عصر کنونی با چالش‌های بسیاری در عرصه‌های مختلف از جمله در عرصه اقتصادی مواجه‌اند که ریشه بسیاری از آنها در مسائل سیاسی نهفته است. یکی از مصادیق چنین امری همگرایی تجاری بین این کشورهاست که با وجود وجوه اشتراک متعدد، دوام لازم را ندارند. در این مقاله تأثیری ثباتی سیاسی بر همگرایی تجاری کشورهای جهان اسلام در قالب الگوی جاذبه تعمیم‌یافته پویا و با استفاده از داده‌های منتخبی از شانزده کشور مسلمان آسیایی از جمله ایران طی دوره زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۵ مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های حاصل از برآورد مدل جاذبه تعمیم‌یافته پویا که با روش پانل پویا و گشتاورهای تعمیم‌یافته انجام شده است، مبین آن است که تولید ناخالص داخلی، میزان جمعیت، مشابهت ساختار اقتصادی و زبان مشترک بین کشورها تأثیر مثبت و فاصله جغرافیایی تأثیر منفی معنادار بر همگرایی تجاری کشورهای مورد مطالعه دارد. ضریب متغیر بی‌ثباتی سیاسی در مدل جاذبه پویا منفی برآورد شده است که با توجه به معنادار بودن آن این‌گونه استنباط می‌شود که افزایش بی‌ثباتی سیاسی نقش مخربی در همگرایی تجاری کشورهای مسلمان در دوره مورد بررسی داشته است. با توجه به اثرگذاری قابل ملاحظه این عامل بر همگرایی تجاری، پیشنهاد می‌شود کشورهای مسلمان و همچنین سازمان کنفرانس اسلامی، برنامه‌ها و تمهیدات ویژه‌ای را برای افزایش ثبات سیاسی در این کشورها به‌کار گیرد تا از این طریق یکی از پیش‌نیازهای اصلی افزایش همکاری‌های تجاری میان آنها فراهم شود.

کلیدواژه‌ها: همگرایی تجاری؛ بی‌ثباتی سیاسی؛ مدل جاذبه تعمیم‌یافته پویا؛ کشورهای اسلامی

* استادیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)؛

Email: azizmohammadlou@soc.ikiu.ac.ir

مقدمه

گرایش به همگرایی^۱ از ویژگی‌های بارز سده بیستم به‌ویژه نیم‌قرن اخیر محسوب می‌شود. رقابت اقتصادی و فنی یکی از وجوه بارز دنیای معاصر است و هیچ کشوری نمی‌تواند خود را از تأثیرات آن دور نگاه دارد. در چارچوب همین رقابت است که همکاری و همگرایی معنا و مفهوم پیدا می‌کند (ولایتی و سعیدمحمدی، ۱۳۸۹: ۱۵۲). در واقع، جهان در حال گذر به مرحله جدید مبادلات همه‌جانبه و مشارکت همگانی در فعالیت‌های اقتصادی است. از این‌رو دولت‌های ملی به منطقه‌گرایی و تشکیل ترتیبات منطقه‌ای روی آورده‌اند تا از این طریق اقتصاد خود را در مقابل مشکلات جهانی حفظ کنند و ارتقای سرمایه‌گذاری و رشد را در درون منطقه میسر کنند (شکیبایی و بطا، ۱۳۸۸: ۲۴). به عبارت دیگر امروزه دور جدیدی در اقتصاد جهانی آغاز شده و اقتصاد جهانی روندی را در پیش گرفته که بیش از پیش اقتصاد کشورهای مختلف را به هم نزدیک و وابسته می‌کند (اکبری و فرهمند، ۱۳۸۴: ۳).

با این حال، مطالعه تجارب همگرایی در بین کشورهای اسلامی بیانگر آن است که روند همگرایی در میان این کشورها از توفیق چندانی برخوردار نبوده و تلاش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته یا متوقف شده و یا به امید دستیابی به موفقیت‌های آینده ادامه یافته است. در واقع از زمان شکل‌گیری اتحادیه اروپا، دولت‌های اسلامی با الگوبرداری از این اتحادیه تلاش کرده‌اند تا در سایه نظریه‌های همگرایی در مسیر اتحاد و همبستگی گام بردارند. اما طرح‌های ارائه شده برای همگرایی، توفیق چندانی به دست نیاورده است (ولایتی و سعیدمحمدی، ۱۳۸۹: ۱۷۶-۱۶۸).

ساختار سیاسی کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی از زوایای قبیله‌گرایی و یا ملی‌گرایی، سکولاریسم و یا دیانت محوری، پادشاهی، خلافت، سلطان‌نشینی، شخص و رهبر محوری و یا دمکراتیک، حاکمیت حزب واحد و یا احزاب متعدد، میزان نفوذ نیروهای نظامی، مقامات روحانی و یا قطب‌های ثروتمند اقتصادی در سیاست‌گذاری و همچنین درصد واقعی مشارکت سیاسی شهروندان با یکدیگر متفاوت هستند که این تفاوت ساختار،

همسویی را با مشکل روبه‌رو می‌کند. در دهه اخیر بخش مهمی از منازعات کشوری و منطقه‌ای به حوزه خاورمیانه و کشورهای اسلامی کشانده شده است. شدت این منازعات که هر یک ماهیت، ابعاد و ویژگی‌های خاص خود را دارد، زمینه تضعیف جدی استخوان‌بندی کشورهای اسلامی را دامن زده است (بزرگمهری، محمدخانی و نعمتی، ۱۳۹۵: ۳۱).

بررسی‌های مرکز آموزش و پژوهش مسائل اجتماعی، اقتصادی و آماری سازمان همکاری اسلامی (SESRIC, 2015: 29) حاکی از آن است که ثبات سیاسی در کشورهای جهان اسلام طی دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ نه تنها روند نزولی را تجربه کرده است، بلکه در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته و همچنین در مقایسه با میانگین جهانی شاخص ثبات سیاسی در حد پایین‌تری قرار دارد. به‌طور بدیهی می‌توان انتظار داشت که افزایش بی‌ثباتی سیاسی در دهه‌های اخیر زمینه‌های همگرایی تجاری کشورهای جهان اسلام را تضعیف کند. در این مقاله سعی می‌شود تا در چارچوب مدل جاذبه تعمیم‌یافته پویا، نقش بی‌ثباتی سیاسی در همگرایی تجاری کشورهای جهان اسلام با استفاده از شواهد مرتبط با شانزده کشور مسلمان آسیایی در دوره زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۵ مورد مطالعه قرار گیرد. از این‌رو در ادامه مبانی نظری پژوهش بررسی شده و به دنبال مروری بر پیشینه موضوع، ارائه مدل و روش تخمین، چگونگی تأثیر ابعاد مختلف بی‌ثباتی سیاسی بر همگرایی تجاری این کشورها برآورد و تحلیل شده است.

۱. چارچوب نظری و مدل

۱-۱. همگرایی تجاری

همگرایی تجاری، در ساده‌ترین مفهوم به توسعه حجم و شدت تجارت دوجانبه بین دو کشور یا مجموعه‌ای از کشورها اشاره دارد. فرانکل و رز، کلارک و دیگران و کالدرون و دیگران به‌منظور بررسی شدت تجارت دوجانبه از شاخص‌های متفاوتی برای اندازه‌گیری شدت تجارت استفاده کرده‌اند (Frankel and Rose, 1998; Clark and et al., 2004; Calderón and et al., 2002).

این شاخص‌ها شدت تجارت بین‌المللی دوجانبه بین کشورهای i و j را با استفاده از متغیرهای صادرات و واردات در زمان t نشان می‌دهند و با رابطه زیر اندازه‌گیری می‌شوند:

$$T_{ijt} = \frac{1}{N} \sum_{i=1}^N \frac{T_{ijt}}{T_{it} + T_{jt}} \quad (1)$$

در رابطه (۱)؛ T_{ijt} جریان تجارت دوجانبه (مجموع صادرات و واردات) بین دو کشور i و j را نشان می‌دهد. T_{jt} و T_{it} به ترتیب جریان‌های تجارت کل کشورهای i و j یعنی مجموع صادرات کل و واردات کل این کشورها را نشان می‌دهد. در برخی مواقع به جای مجموع صادرات و واردات کل، از مجموع تولید ناخالص داخلی استفاده شده است. در این صورت شاخص شدت تجارت به صورت رابطه (۲) تغییر می‌یابد.

$$T_{ijt} = \frac{1}{N} \sum_{i=1}^T \frac{T_{ijt}}{GDP_{it} + GDP_{jt}} \quad (2)$$

در رابطه (۲)؛ GDP_{jt} و GDP_{it} به ترتیب تولید ناخالص داخلی کشورهای i و j را نشان می‌دهد. البته برخی از محققین از جمله شین و وانگ در رابطه (۱) به جای استفاده از حجم کلی تجارت، از آمار صادرات و واردات استفاده کرده‌اند و روابط (۳) و (۴) را برای محاسبه شدت تجارت دوجانبه بین کشورها پیشنهاد داده‌اند (Shin and Wang, 2004).

$$T_{ijt} = \frac{X_{ijt}}{X_{it} + X_{jt}} \quad (3)$$

در رابطه (۳)؛ X_{ijt} کل صادرات از کشور i به کشور j در زمان t را نشان می‌دهد. X_{jt} به ترتیب کل صادرات کشورهای i و j در زمان t است. با جایگزین کردن واردات به جای صادرات در رابطه (۳) شاخص دیگری از شدت تجارت دوجانبه به صورت زیر ارائه شده است.

$$T_{ijt} = \frac{M_{ijt}}{M_{it} + M_{jt}} \quad (4)$$

در رابطه (۴)؛ M_{jt} کل واردات کشور i از کشور j در زمان t را نشان می‌دهد. M_{it} و M_{jt} به ترتیب حاکی از کل واردات کشورهای i و j در زمان t است. شاخص‌های فوق تحت تأثیر اندازه فعالیت‌های اقتصادی کشورهای طرف تجاری قرار می‌گیرد و نمی‌توان از طریق آنها شدت و عمق مبادلات کشورها را مورد مقایسه قرار داد. از این رو با توجه به تفاوت اندازه بازار

کشورها از لحاظ جمعیت و تولید ناخالص داخلی و به منظور تحلیل دقیق تر از یکپارچگی تجاری شاخص دیگری در مطالعاتی چون درایسدل و گارنات مطرح شده است که در رابطه (۵) آمده است (Drysdel and Garnaut, 1993).

$$T_{ijt} = \frac{X_{ijt} / X_{iwt}}{M_{jw} / M_{wt}} \quad (5)$$

در رابطه (۵)؛ X_{ijt} صادرات کشور i به کشور j در دوره t ، X_{iwt} صادرات کل کشور i به کشورهای جهان در دوره t ، M_{iwt} کل واردات کشور i در زمان t و M_{jw} کل واردات جهان را در زمان t نشان می دهد. شاخص فوق هر اندازه بزرگتر از یک باشد نشان می دهد که تجارت بین دو کشور از سهم مشارکت آنها در تجارت جهانی بیشتر است. برای بررسی دقیق تر، رابطه (۵) به صورت زیر بازنویسی شده است.

$$T_{ijt} = \frac{X_{ijt}}{X_{iwt} (M_{jw} / M_{wt})} \quad (6)$$

مخرج کسر رابطه (۶)؛ صادرات مورد انتظار کشور i به کشور j را نشان می دهد. اگر عبارت مخرج کسر را به عنوان وزن در نظر گرفته و صورت \bar{X}_{ijt} نشان دهیم، آنگاه رابطه (۶) را می توان به صورت ذیل نشان داد.

$$T_{ijt} = \frac{X_{ijt}}{\bar{X}_{ijt}} \quad (7)$$

درواقع شاخص نشان داده شده در رابطه (۷)؛ سهم صادرات بالفعل کشور i به کشور j را از کل صادرات مورد انتظار آن کشور به بازار کشور j نشان می دهد. اگر این شاخص بزرگتر از یک باشد، حاکی از شدت جریان تجاری است و کوچکتر بودن آن نیز نشان دهنده پایین بودن جریان تجاری بین دو کشور است (کریمی و طیبی، ۱۳۸۹: ۱۳۵).

هاماناکا در تحلیلی جامع به مقایسه انواع روش های محاسبه شدت همگرایی تجاری پرداخته و این شاخص ها را در چهار گروه تقسیم بندی کرده است که عبارت اند از: (Hamanaka, 2015).

الف) سهم تجارت^۱: این شاخص سهم یک کشور یا یک منطقه را از کل تجارت یک کشور یا منطقه دیگر نشان داده و با رابطه زیر محاسبه می‌شود.

$$TI_{ijt} = \frac{T_{ijt}}{T_{it}} = \frac{(X_{ij} + X_{ji}) + (M_{ij} + M_{ji})}{X_{iw} + M_{iw}} \quad (۸)$$

این شاخص با اینکه بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما درخصوص ارباب جهت تجارت^۲ و قوت روابط تجاری^۳ مطلبی را بیان نمی‌کند. این نقایص با به‌کارگیری شاخص شدت تجارت قابل رفع است.

ب) شدت تجارت^۴: این شاخص، تجارت جهانی را به‌عنوان یک معیار مقایسه‌ای در نظر گرفته و از طریق رابطه زیر محاسبه می‌شود.

$$TI_{ijt} = \frac{T_{ijt} / T_{jt}}{T_{it} / T_{wt}} = \frac{(X_{ijt} + X_{jit}) + (M_{ijt} + M_{jit})}{X_{iwt} + M_{iwt}} / \frac{(X_{jwt} + M_{jwt})}{X_{wt} + M_{wt}} \quad (۹)$$

شاخص شدت تجارت تحلیل‌های دقیق‌تری نسبت به شاخص سهم تجارت ارائه می‌دهد، اما به دو دلیل معیار مناسبی برای مقایسه نیست. مشکل اول برخاسته از اندازه^۵ تجارت کشور مورد بررسی است. زمانی که اندازه کشور بسیار بزرگ است این امر کل تجارت جهانی و در نتیجه معیار مقایسه را متأثر می‌کند. دیگری مشکل تغییرپذیری دامنه شاخص^۶ است. زیرا تغییرپذیری دامنه این شاخص، به اندازه کشور طرف تجاری بستگی دارد. شاخص شدت همگنی که در ذیل به آن اشاره می‌شود، این معضل را برطرف می‌کند.

ج) شدت همگنی تجارت^۷: برای محاسبه شاخص شدت همگنی تجارت بین دو کشور، کل تجارت جهانی به استثنای میزان تجارت کشور مدنظر قرار می‌گیرد. این شاخص با استفاده از رابطه زیر محاسبه می‌شود.

1. Share Indicator
2. Bias of Trade Direction
3. Strength of Trade Linkage
4. Intensity Indicator
5. Giant Problem
6. Range Variability
7. Homogeneous Intensity Indicator

$$HI_{ijt} = \left(\frac{T_{ijt}}{T_{iwt}} \bigg/ \frac{T_{ijt}}{T_{it}} \right) = \left(\frac{(X_{ijt} + M_{ijt})}{(X_{iwt} + M_{iwt})} \bigg/ \frac{(X_{ijt} + M_{ijt})}{(X_{it} + M_{it})} \right) \quad (10)$$

اندیس r به صادرات و واردات تمامی کشورهای جهان به استثنای کشور مورد بررسی اشاره دارد. در محاسبه شاخص شدت همگنی، کل جهان به غیر از کشور مورد بررسی به عنوان معیار مقایسه در نظر گرفته می شود. این شاخص معیار مناسب تری برای مقایسه های منطقه ای است. اما در عین حال دارای دو ضعف است: یکی عدم تقارن دامنه شاخص^۱ و ضعف دیگر این است که گرایش به سمت یک کشور و گرایش به سمت سایر کشورهای جهان به استثنای آن کشور می تواند هم راستا باشد. برای رفع این مشکل می توان از شاخص گرایش تجاری بهره برد.

د) **گرایش تجاری:**^۲ برای محاسبه شاخص گرایش تجاری بین کشور i و j ، به دو شاخص نیاز است. اول، شدت همگنی تجارت بین دو کشور i و j است (H_{ij}) که پیشتر مورد بحث قرار گرفت و دوم شدت همگنی تجارت کشور i و سایر کشورها به استثنای کشور j است که به صورت زیر قابل محاسبه است.

$$HE_{ijt} = \left(\left(1 - \frac{T_{ijt}}{T_{iwt}} \right) \bigg/ \left(1 - \frac{T_{ijt}}{T_{it}} \right) \right) = \left(\left(1 - \frac{(X_{ijt} + M_{ijt})}{(X_{iwt} + M_{iwt})} \right) \bigg/ \left(1 - \frac{(X_{ijt} + M_{ijt})}{(X_{it} + M_{it})} \right) \right) \quad (11)$$

حال شاخص گرایش تجاری بین دو کشور i و j از طریق رابطه زیر محاسبه می شود.

$$TI_{ijt} = \frac{(HI_{ijt} - HE_{ijt})}{(HI_{ijt} + HE_{ijt})} = \frac{\left(\frac{T_{ijt}}{T_{it}} \bigg/ \frac{T_{ijt}}{T_{it}} \right) - \left(\left(1 - \frac{T_{ijt}}{T_{it}} \right) \bigg/ \left(1 - \frac{T_{ijt}}{T_{it}} \right) \right)}{\left(\frac{T_{ijt}}{T_{it}} \bigg/ \frac{T_{ijt}}{T_{it}} \right) + \left(\left(1 - \frac{T_{ijt}}{T_{it}} \right) \bigg/ \left(1 - \frac{T_{ijt}}{T_{it}} \right) \right)} \quad (12)$$

$$TI_{ijt} = \frac{(HI_{ijt} - HE_{ijt})}{(HI_{ijt} + HE_{ijt})} = \frac{\left(\frac{(X_{ijt} + M_{ijt})}{(X_{iwt} + M_{iwt})} \bigg/ \frac{(X_{ijt} + M_{ijt})}{(X_{it} + M_{it})} \right) - \left(\left(1 - \frac{(X_{ijt} + M_{ijt})}{(X_{iwt} + M_{iwt})} \right) \bigg/ \left(1 - \frac{(X_{ijt} + M_{ijt})}{(X_{it} + M_{it})} \right) \right)}{\left(\frac{(X_{ijt} + M_{ijt})}{(X_{iwt} + M_{iwt})} \bigg/ \frac{(X_{ijt} + M_{ijt})}{(X_{it} + M_{it})} \right) + \left(\left(1 - \frac{(X_{ijt} + M_{ijt})}{(X_{iwt} + M_{iwt})} \right) \bigg/ \left(1 - \frac{(X_{ijt} + M_{ijt})}{(X_{it} + M_{it})} \right) \right)}$$

این شاخص، مشکلات شاخص‌های قبلی را ندارد از این رو معیار مناسب‌تری برای مقایسه شدت گرایش تجارت بین کشورها محسوب می‌شود. در مطالعات اخیر نیز این شاخص برای مقایسه میزان همگرایی تجاری پیشنهاد شده است (Plummer, Cheong, and Hamanaka, 2010; Iapadre and Plummer, 2011; Iapadre and Tajoli, 2014).

۱-۲. بی‌ثباتی سیاسی و سازوکار تأثیر آن بر همگرایی تجاری

مفهوم بی‌ثباتی سیاسی^۱ در علوم سیاسی و اجتماعی فاقد یک تعریف قطعی و مورد اتفاق همگان است (زرقانی، اعظمی و احمدی، ۱۳۹۳: ۷۹). آلسینا و دیگران بی‌ثباتی سیاسی را مترادف با فروپاشی و سقوط دولت تعریف کرده و آن را براساس استیضاح و عزل وزیران از سوی پارلمان تعریف می‌کنند (Alesina and etal., 1992). بارو بی‌ثباتی سیاسی را به صورت رفتار خشونت‌باری که در رویدادهایی نظیر کودتای نظامی و یا شورش‌ها و انقلاب‌ها تعریف می‌کند (Barro, 1991). جانگ و پین نیز اعتراضات شهری، حرکت‌های اجتماعی سیاسی، بی‌ثباتی رژیم سیاسی و بی‌ثباتی درون رژیم سیاسی را به عنوان مصادیق بی‌ثباتی سیاسی مورد تأکید قرار می‌دهند (Jong and Pin, 2006). کاواسی فوسو هم کودتا و سرنگونی حکومت را به عنوان بی‌ثباتی سیاسی تعریف می‌کند (Kwasi Fosu, 2002).

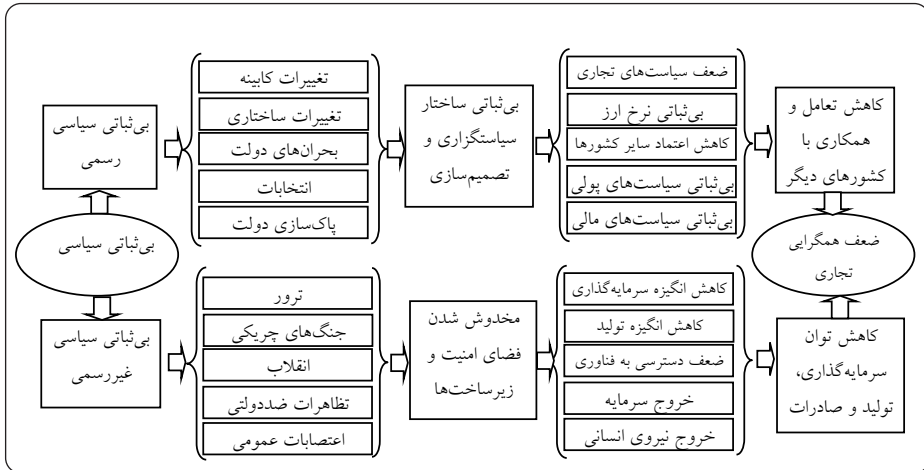
بی‌ثباتی سیاسی به دلیل تأثیرات متعددی که بر حوزه‌های مختلف کشورها برجای می‌گذارد، به روش‌های مختلفی در فرایند همگرایی تأثیرگذار است. کامپوس، کاراناسوس و تن بی‌ثباتی سیاسی را در دو بُعد بی‌ثباتی سیاسی رسمی^۲ و بی‌ثباتی سیاسی غیررسمی^۳ تقسیم‌بندی کرده‌اند که به واسطه آن می‌توان تحلیل دقیق‌تری از سازوکار تأثیر بی‌ثباتی سیاسی بر همگرایی تجاری ارائه داد (Campos, Karanasos and Tan, 2012). این سازوکار در شکل ۱ نمایش داده شده است.

1. Political Instability

2. Formal Political Instability (FPI)

3. Informal Political Instability (IPI)

شکل ۱. چگونگی نقش آفرینی بی‌ثباتی سیاسی در همگرایی اقتصادی



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

الف) سازوکار تأثیر بی‌ثباتی سیاسی غیررسمی بر همگرایی تجاری: بی‌ثباتی سیاسی غیررسمی به شاخص‌هایی اطلاق می‌شود که خارج از ساختار سیاسی، نظام حاکم را تحت فشار قرار می‌دهد. ترور، جنگ‌های چریکی، انقلاب، تظاهرات ضد دولتی و اعتصابات از مصادیق بارز بی‌ثباتی سیاسی غیررسمی به‌شمار می‌روند که بسته به نوع واکنش نظام سیاسی حتی می‌تواند به اعمال تغییرات در عرصه حاکمیت منجر شود (Campos, Karanasos and Tan, 2012). نتیجه چنین رخدادهایی باعث سست شدن فضای امنیت و اطمینان اقتصادی در جامعه و همچنین در برخی موارد به نابودی ظرفیت‌ها و زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی منجر می‌شود (زارع‌شاهی، ۱۳۷۹). در نتیجه چنین شرایطی فضا برای انجام فعالیت‌های اقتصادی تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. کاهش سرمایه‌گذاری (Williams, 2017)، کاهش تولید و رشد اقتصادی (Alesina and et al., 1992) و اصغرپور، احمدیان و منیعی، ۱۳۹۲)، محدودیت در توسعه فناوری (Waguespack, Bimir and Schroeder, 2005)، ضعف در تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی و حتی خروج سرمایه انسانی و فرار مغزها از تبعات چنین شرایطی هستند که خود باعث کاهش توان تولید جهت تعامل و مشارکت در عرصه تجارت جهانی می‌شود و از این مسیر زمینه همگرایی تجاری را تضعیف می‌کند.

ب) سازوکار تأثیر بی‌ثباتی سیاسی رسمی بر همگرایی تجاری: این سازوکار بیشتر آن دسته از شاخص‌های بی‌ثباتی را شامل می‌شود که از ماهیت درونی در نظام سیاسی برخوردارند که گاه سرچشمه این تغییرات فشار افکار عمومی یا مسائل درون‌جناحی و حزبی است. این نوع بی‌ثباتی که در قالب پدیده‌هایی مانند تغییرات مکرر در اعضای کابینه، تغییرات متعدد ساختاری، بحران‌های مختلف اقتصادی و سیاسی، انتخابات بحث‌برانگیز و شکننده و سرکوب مخالفان سیاسی در یک کشور خود را نشان می‌دهد (کامپوس و دیگران، ۲۰۰۹)، می‌تواند به بی‌ثباتی شدید در ساختار سیاستگذاری در زمینه اقتصادی منجر شود. بی‌ثباتی ساختار سیاستگذاری خود موجب نوسان‌های متعدد در سیاست‌های مرتبط با تجارت خارجی، نسبت برابری ارزش پول ملی در برابر ارزهای خارجی، سیاست‌های پولی و سیاست‌های مالی شده و از این طریق شرایط همکاری تجاری با سایر کشورها را تضعیف می‌کند.

البته مطالعات حاکی از آن است که علاوه بر بی‌ثباتی سیاسی؛ عوامل متعددی چون استبداد داخلی، ملی‌گرایی افراطی، رقابت‌های منطقه‌ای، استعمار خارجی و صهیونیسم همواره مانع از رشد همگرایی در جهان اسلام بوده‌اند (ولایتی و سعیدمحمدی، ۱۳۸۹: ۱۷۶). همچنین موانع سیاسی از قبیل تفاوت ساختارهای سیاسی، منازعات درونی و بیرونی، جایگاه دیانت اسلامی در نظام سیاسی، نامطلوب بودن شاخص‌های حکومت‌گردانی خوب و تفاوت دیدگاه و تفسیر از اسلام؛ موانع اقتصادی از قبیل ناهمگونی اقتصادی، تفاوت در نرخ رشد جمعیت، تفاوت درآمد سرانه، فقر و بی‌سوادی؛ و موانع اداری و سازمانی از قبیل عدم ضمانت‌های اجرایی برای مصوبات و قطعنامه‌های سازمان و فقدان روزآمدی ساختار و اهداف سازمان همکاری‌های اسلامی نیز از مهمترین عوامل تضعیف‌کننده همگرایی کشورهای جهان اسلام یاد شده‌اند (بزرگمهری، محمدخانی و نعمتی، ۱۳۹۵: ۴۹-۳۱).

۲. پیشینه موضوع

مطالعات متعددی در خصوص ابعاد مختلف همگرایی تجاری از جمله سنجش آن در بین کشورهای مختلف، اثرات آن و همچنین عوامل مؤثر بر آن با روش‌های متعدد و در نظر

گرفتن جوامع آماری مختلف در سطح داخلی و خارجی انجام شده است که در این قسمت به طور خلاصه به برخی از به روزترین و مرتبط ترین آنها اشاره شده است.

غلامی (۱۳۹۴) با بررسی عوامل اثرگذار بر هم زمانی چرخه های تجاری نشان داده است که شدت تجارت، تجارت درون صنعت و تجارت درون صنعت عمودی در اتحادیه اروپا و کشورهای جنوب شرق آسیا، اثر مثبتی بر هم زمانی چرخه های تجاری دارد. همچنین در کشورهای در حال توسعه اسلامی اثر شدت تجارت و تجارت درون صنعت بر هم زمانی چرخه های تجاری معنادار و مثبت هستند.

سوری (۱۳۹۳) ضمن بررسی تجارت متقابل بین ایران و کشورهای طرف تجاری نشان داده است که جریان تجاری ایران از فرضیه لیندر^۱ مبنی بر وجود رابطه مثبت بین تجارت متقابل و همگرایی درآمدها پیروی می کند. همچنین اندازه اقتصادی، درآمد سرانه و سرمایه گذاری مستقیم خارجی آثار مثبت و معناداری بر جریان تجاری ایران با بلوک های منطقه ای مورد بررسی دارد.

صادقی (۱۳۹۳) و راسخی، جعفری صمیمی و صادقی (۱۳۹۲) با بررسی اثر تجارت و تخصص گرایی بر هم زمانی ادوار تجاری نشان داده اند که گسترش روابط تجاری سبب تقویت هم زمانی ادوار تجاری اعضای اکو می شوند. همچنین هرچه تشابه ساختار اقتصادی بین این کشورها بیشتر باشد، هم زمانی قوی تر است.

اسدزاده و عبدالله زاده نوبریان (۱۳۹۲) با بررسی نقش منطقه آزاد تجاری - صنعتی ارس در ایجاد همگرایی تجاری با کشورهای عضو اتحادیه کشورهای مشترک المنافع^۲، چین و ترکیه، نشان داده اند که کشورهای گرجستان، آذربایجان و قزاقستان دارای بالاترین درجه اکمال صادرات منطقه و کشورهای چین، ترکیه و بلاروس دارای بالاترین درجه اکمال واردات از منطقه اند.

دولتی و بوری اوراکویچ (۱۳۹۱) با تجزیه و تحلیل توان و ظرفیت تجاری ایران با کشورهای آسیای مرکزی نشان داده اند که ایران و کشورهای مذکور در تمامی بخش های تجاری، از اکمال تجاری بهره مند نبوده و درجه تشابه در کالاهای وارداتی و نیازهای وارداتی دو طرف از یکدیگر

1. Linder

2. Commonwealth of Independent States (CIS)

بسیار کم است. شکیبایی و سعید (۱۳۹۱) اثر بحران مالی دوره ۲۰۰۹-۲۰۰۷ را بر همگرایی تجاری کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی مورد بررسی و مطالعه قرار داده و ضریب اثرگذاری بحران مالی بر همگرایی تجاری کشورهای مورد مطالعه را ۷۵ درصد برآورد کرده‌اند. کریمی و طیبی (۱۳۸۹) ضمن بررسی تأثیر یکپارچگی تجاری و افزایش حجم تجارت بین ۵۷ کشور اسلامی بر سیکل‌های تجاری؛ دریافتند که عضویت در بلوک‌بندی‌های منطقه‌ای بر هم‌زمانی سیکل‌های تجاری و افزایش شدت تجارت دوجانبه در کشورهای عضو تأثیر مثبت داشته است. آذربایجانی و رمضانی (۱۳۸۹) با بررسی تأثیر بحران مالی اخیر بر جریان تجاری فولاد در بین هفت تولیدکننده برتر آسیا از جمله چین، ژاپن، روسیه، هند، کره جنوبی، ایران و تایلند دریافتند که یکپارچگی تجاری از آثار منفی بحران کاسته و روابط تجاری بین این کشورها را افزایش می‌دهد. حسن‌پور (۱۳۸۹) ضمن بررسی موانع و مشکلات همگرایی اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی نشان داده است که شکاف عمیقی میان کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی از حیث فضا و امکان یکپارچگی اقتصادی وجود دارد.

جلایی و سلیمانی (۱۳۸۵) دریافتند که ایران با کشورهای عضو اکو همگرایی بیشتری نسبت به کشورهای عضو یورو دارد که علت آن هم یکسان بودن ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و مذهبی این کشورهاست. یاوری و اشرف‌زاده (۱۳۸۴) یکپارچگی اقتصادی را در کشورهای در حال توسعه مورد بررسی قرار داده و نشان داده‌اند که کشش بلندمدت صادرات بزرگتر از واردات است و در بلندمدت پس از یکپارچگی تراز تجاری مثبت خواهد شد. کشش واردات نسبت به ذخایر ارزی و نرخ ارز واقعی کم است و این نشان می‌دهد که تنها رشد بهره‌وری به مثبت شدن تراز تجاری کمک می‌کند. نجارزاده، یاوری و شقاقی شهری (۱۳۸۴) نقش همگرایی اقتصادی را در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی کشورهای عضو منا بررسی کرده‌اند و آثار مثبت همگرایی اقتصادی را بر این دو متغیر نشان داده‌اند. اکبری و فرهمند (۱۳۸۴) همگرایی اقتصادی کشورهای اسلامی را با تأکید بر کشورهای حوزه خلیج فارس مورد بررسی قرار داده و دریافتند که وابستگی فضایی مثبت میان نرخ رشد کشورهای اسلامی وجود دارد.

رحمانی و دیگران^۱ (۲۰۰۶) نشان داده‌اند که ایجاد بلوک منطقه‌ای مشتمل بر کشورهای هند، ایران، پاکستان، سریلانکا، بنگلادش، افغانستان و نپال تجارت دوجانبه این کشورها را افزایش می‌دهد. کرر^۲ (۲۰۰۶) با ارزیابی تأثیر موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای بر تجارت دوجانبه بین کشورها نشان داده است که توافق‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای به افزایش تجارت بین اعضای بلوک منجر می‌شود.

پرادومنا^۳ (۲۰۰۷) همگرایی اقتصادی و هم‌زمانی سیکل‌های تجاری در شرق آسیا را بررسی کرده و دریافته است که همگرایی مالی و تجاری در این منطقه با وسعت کمتری افزایش یافته است. سرلینگا و شین^۴ (۲۰۰۷) عوامل مؤثر بر تجارت متقابل کشورهای عضو اتحادیه اروپا را مورد بررسی قرار داده و وجود رابطه مثبت بین تجارت متقابل و درآمد سرانه را نتیجه گرفته‌اند.

بوگانمی^۵ (۲۰۰۸) با بررسی تجارت دوجانبه کشورهای منا با شرکای تجاری نشان داده است که تأثیرگذاری اتحادیه گمرکی شکل گرفته تأثیر مثبتی بر افزایش فرصت‌های تجارت متقابل بین کشورهای مورد مطالعه دارد. بادینگر و بریوس^۶ (۲۰۰۸) با بررسی جریان‌های تجاری متقابل چهارده کشور عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی نشان داده‌اند که بهره‌وری اثر مثبت بر صادرات و حجم تجارت دارد.

کبیر و سلیم^۷ (۲۰۱۰) با بررسی عوامل مؤثر بر تجارت متقابل کشورهای خلیج بنگال نشان داده‌اند که جریان تجاری میان این کشورها از فرضیه لیندر پیروی می‌کند. لیتائو، فوستینو و یوشیدا نشان داده‌اند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و مرز مشترک اثر مثبتی بر تجارت متقابل پرتغال و اتحادیه اروپا دارند (Leitão, Faustino and Yoshida, 2010).

-
1. Rahmani
 2. Carrere
 3. Pradumna
 4. Serlenga and Shin
 5. Boughanmi
 6. Badinger and Breuss
 7. Kabir and Salim

کرینگز، کارپنتیر و دلونه^۱ (۲۰۱۴) با بررسی همگرایی تجاری و عدم توازن تجاری کشورهای عضو اتحادیه اروپا، نشان دادند که همگرایی تجاری برای برخی از کشورها از جمله یونان و پرتغال در حال کاهش بوده است. این امر نشان می‌دهد که این کشورها تا اندازه‌ای با کشورهای تجاری می‌کنند که در شبکه اتحادیه اروپا نقش محوری دارند. فبر^۲ (۲۰۱۴) تأثیر سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های حمل‌ونقل، در تقویت روابط تجاری بین بنگاه‌های بزرگ فعال در مرکز و بنگاه‌های کوچک فعال در مناطق پیرامونی را بررسی و نشان داده است که گسترش روابط شبکه‌ای و حمل‌ونقل باعث می‌شود که در سطح تولیدات بنگاه‌هایی که به این شبکه متصل نشده‌اند کاهش معناداری رخ دهد.

دیسدیر، فونتاگنه و میمونی^۳ (۲۰۱۵) با مطالعه تأثیر آزادسازی تعرفه‌ها بر همگرایی تجاری و صادرات در کشورهای در حال توسعه دریافتند که کاهش تعرفه‌ها باعث تعمیق همگرایی تجاری از طریق تسهیل فرایند شکل‌گیری روابط تجاری جدید و تعمیق روابط تجاری موجود بین کشورهای در حال توسعه می‌شود. آنوالیز^۴ (۲۰۱۷) نشان داده است که همگرایی تجاری اثر مستقیمی بر محیط زیست ندارد و فقط از طریق غیرمستقیم منجر به افزایش آلودگی در محیط زیست می‌شود. با این حال، شدت این تأثیر منفی و آلودگی در سطح محلی کمتری در سطح بین‌المللی بیشتر است.

مرور مطالعات داخلی و خارجی انجام شده نشان می‌دهد که با آنکه نقش و تأثیر عوامل مختلف در این مطالعات مدنظر قرار گرفته است، اما همچنان مطالعه‌ای که به طور تجربی تأثیر متغیری ثباتی سیاسی را بر همگرایی تجاری آن هم در مورد کشورهای جهان اسلام که عمدتاً از این مسئله رنج می‌برند، بررسی کرده باشد، وجود ندارد. این مطالعه بر آن است تا حد امکان در پر کردن این خلأ نقش‌آفرین باشد. برخلاف مطالعات قبلی که بیشتر از مدل جاذبه ایستا بهره برده‌اند، در این مقاله از مدل جاذبه تعمیم‌یافته پویا استفاده شده است.

-
1. Krings, Carpentier and Delvenne
 2. Faber
 3. Disdier, Fontagné and Mimouni
 4. Anouliès

۳. مدل اقتصادسنجی و روش تخمین

۳-۱. مدل جاذبه تعمیم یافته پویا

مدل های جاذبه^۱، روشی برای مطالعه طرح های یکپارچگی تجاری است که توسط لینمان و تین برگن از فیزیک به حیطه اقتصاد کشانده شد و اقتصاددانان تجربی به کرات از آن برای مطالعه قابلیت یکپارچگی تجاری کشورها، ارزیابی توان بالقوه تجاری، اندازه گیری آثار انحراف و ایجاد تجارت، اندازه گیری آثار فاصله بر حجم تجارت و متعاقب آن قضاوت در مورد خصوصیات شرکای تجاری براساس فاصله آنها از یکدیگر یا قرار گرفتن در یک قاره یا ناحیه ای از یک قاره استفاده کرده اند (یاوری و اشرف زاده، ۱۳۸۴: ۲). در ساده ترین حالت وقتی که هیچ مانع و تشویقی وجود ندارد جریان های تجاری دوجانبه را می توان با استفاده از الگوی جاذبه به صورت تابعی مستقیم از اندازه اقتصادی دو کشور و تابعی معکوس از فاصله جغرافیایی بین دو کشور در نظر گرفت. این امر را می توان به صورت رابطه (۱۳) نشان داد.

$$T_{ij} = \frac{C(GDP_i - GDP_j)}{D_{ij}^2} \quad (13)$$

در این رابطه؛ T_{ij} نشان دهنده تجارت دوجانبه بین کشور i و کشور j است. GDP_i و GDP_j به ترتیب نشان دهنده تولید ناخالص داخلی کشور i و کشور j هستند که به عنوان متغیرهای جرم در رابطه نیوتون تلقی می شوند. D_{ij} نیز فاصله یا مسافت بین دو کشور i و کشور j است. اندرسون با استفاده از سیستم مخارج کاپ - داگلاس^۲ یک بنیان اقتصادی را برای معادلات جاذبه طرح ریزی کرد (Anderson, 1979). در حالت رقابت انحصاری، فرض می شود که هر کشور در کالاهای خاص و متفاوتی تخصص می یابد. همچنین فرض می شود که در هر دوره تراز تجاری صفر برقرار است. در این صورت حجم تعادلی صادرات (X_{ij}^*) از کشور i به j در هر دوره از زمان می تواند به صورت ذیل بیان شود.

1. Gravity Model

2. Cobb-Douglas Expenditure System

$$X_{ij}^* = \theta_i GDP_j \quad (14)$$

در رابطه فوق θ_i نشان دهنده نسبتی از درآمد کشور Z است که صرف خرید کالاهای کشور i می‌شود. GDP_j نیز نشان دهنده تولید ناخالص داخلی کشور Z است. از آنجا که تولید در کشور i باید با جمع صادرات و مصرف داخلی کالاها یکسان باشد، تولید ناخالص داخلی کشور i را می‌توان به صورت زیر بیان کرد.

$$GDP_i = \sum_{j=1}^N X_{ij}^* = \sum_{j=1}^N \theta_i GDP_j = \theta_i \left(\sum_{j=1}^N GDP_j \right) \quad (15)$$

که این رابطه θ_i را می‌توان به صورت زیر نوشت.

$$\theta_i = \frac{GDP_i}{\left(\sum_{j=1}^N GDP_j \right)} = \frac{GDP_i}{GDP_w} \quad (16)$$

در رابطه (۱۶) GDP_w نشان دهنده تولید ناخالص داخلی مجموع کشورهای جهان است. رابطه فوق را می‌توان به صورت زیر بازنویسی کرد.

$$X_{ij}^* = \frac{GDP_i * GDP_j}{\left(\sum_{j=1}^N GDP_j \right)} = \frac{GDP_i * GDP_j}{GDP_w} \quad (17)$$

بنابراین معادله ساده جاذبه بر جمع محدودیت‌های سیستم مخارج کاب - داگلاس مبتنی است با این فرض که ترجیحات هموتتیک یکسان بوده و هر کشور در تولید یک کالا تخصص دارد. معادله پایه و تجربی جاذبه از طریق لگاریتم‌گیری از هر دو طرف رابطه (۱۷) و به صورت ذیل به دست می‌آید.

$$\ln X_{ij}^* = \alpha + \beta \ln GDP_i + \gamma \ln GDP_j + \delta \ln W_{ij} + \varphi \ln Z_{ij} \quad (18)$$

در این رابطه $\alpha = -\ln GDP_w$ و W_{ij} برداری از سایر متغیرهاست که هم در زمان و هم

بین کشورها تغییر می‌کند؛ از قبیل میزان جمعیت و میزان مشابهت ساختار اقتصادی. Z_{ij} نیز برداری از سایر متغیرهای اثرگذار بر رابطه تجاری بین دو کشور است که بین کشورها تغییر می‌کند؛ اما در طول زمان ثابت‌اند از قبیل فاصله، مرز مشترک، زبان مشترک و... معادله جاذبه نشان داده شده در رابطه (۱۶) یک معادله ایستا بوده و بر این فرض متکی است که در هر زمان معینی دو کشور مبادله‌کننده؛ کالاهایشان را مبادله می‌کنند و تراز تجاری بین این دو کشور نیز همیشه برابر صفر است. اما در واقعیت، از آنجا که حجم تعادلی صادرات همیشه در یک زمان معین حاصل نمی‌شود، ممکن است کشورها هم با کسری تراز تجاری مواجه باشند و هم با مازاد آن. در این صورت معادله ایستای جاذبه قادر به توضیح دقیق تجارت بین دو کشور نخواهد بود. بنابراین لازم است این معادله در چارچوب یک مسئله انتخاب پویا اصلاح شود. از این رو با استفاده از سازوکار تعدیل جزئی که توسط هوتاکر و تیلور ارائه شده است، فرض تراز تجاری صفر کنار گذاشته می‌شود (Taylor and Houthakker, 1970). در این صورت صادرات به صورت زیر نشان داده می‌شود.

$$(\ln X_{ijt} - \ln X_{ijt-1}) = \lambda (\ln X_{ijt}^* - \ln X_{ijt-1}) + U_{ijt} \quad (19)$$

U_{ijt} عبارت خطا و X_{ijt}^* سطح مطلوب صادرات تعادلی است که در زمان t به تراز تجاری صفر می‌رسد. X_{ijt} نیز سطح واقعی صادرات است. با فرض اینکه سطح تعادلی صادرات X_{ijt}^* از طریق رابطه (۱۴) تعیین می‌شود، با جایگذاری رابطه (۱۸) در رابطه (۱۹) خواهیم داشت.

$$\ln X_{ijt} = \alpha\lambda + (1-\lambda)\ln X_{ijt-1} + \beta\lambda \ln GDP_{it} + \gamma\lambda \ln GDP_{jt} + \delta\lambda W_{ijt} + \phi\lambda Z_{ij} + U_{ijt} \quad (20)$$

یا

$$\ln X_{ijt} = \alpha^* + \lambda^* \ln X_{ijt-1} + \beta^* \ln GDP_{it} + \gamma^* \ln GDP_{jt} + \delta^* W_{ijt} + \phi^* Z_{ij} + U_{ijt} \quad (21)$$

روابط (۲۰ و ۲۱) مدل جاذبه را به شکل یک مدل تعدیل جزئی و در حالت پویا نشان می‌دهد. β^* ، γ^* ، δ^* و ϕ^* مبین اثرات کوتاه‌مدت و β ، γ ، δ و ϕ نشان‌دهنده اثرات بلندمدت‌اند.

ضریب λ نشان دهنده سرعت تعدیل است که بین صفر و یک قرار می‌گیرد. در صورتی که $\lambda = 1$ یا $\lambda^* = 0$ باشد تعدیل کامل طی یک دوره زمانی انجام می‌شود. روابط (۲۰ و ۲۱) به صورت پویا تأثیر متغیرهای اثرگذار بر روابط تجاری بین دو کشور را نشان می‌دهند. همچنان که اشاره شد، بردار W_{ijt} و Z_{ijt} نشان دهنده تمامی متغیرهایی است (به غیر از تولید ناخالص داخلی دو کشور) که به لحاظ نظری می‌توانند تجارت متقابل بین دو کشور را تحت تأثیر قرار دهند. در اغلب مطالعات مختلف متغیرهایی چون فاصله جغرافیایی، میزان مشابهت ساختار اقتصادی کشورها، مرز مشترک، زبان مشترک، عضویت در پیمان‌های منطقه‌ای در بردارهای W_{ijt} و Z_{ijt} لحاظ شده‌اند. در این مطالعه که درصدد بررسی نقش بی‌ثباتی سیاسی بر همگرایی تجاری بین کشورهاست، با اتکا به تبیین نظری انجام شده در مقاله، متغیر بی‌ثباتی سیاسی در کنار سایر متغیرها در نظر گرفته شده و بردار W_{ijt} که مشتمل بر متغیر بی‌ثباتی سیاسی است به صورت زیر در نظر گرفته شده‌اند.

$$W_{ijt} = [\ln POP_{it}, \ln POP_{jt}, \ln SS_{ij}, \ln PI_{it}, \ln PI_{jt}] \quad (22)$$

بردار W_{ijt} در بردارنده $(\ln POP_{it})$ لگاریتم میزان جمعیت کشور i ، $(\ln POP_{jt})$ لگاریتم میزان جمعیت کشور j ، $(\ln SS_{ij})$ لگاریتم میزان مشابهت ساختاری دو کشور i و $(\ln PI_{it})$ ، لگاریتم بی‌ثباتی سیاسی در کشور i و $(\ln PI_{jt})$ لگاریتم بی‌ثباتی سیاسی در کشور j است. این متغیرها هم در زمان و هم بین کشورها تغییر می‌کنند. همچنین برای افزایش قدرت تبیین الگو، بردار Z_{ijt} را نیز به صورت زیر در نظر می‌گیریم.

$$Z_{ijt} = [DIS_{ij}, LAN_{ij}] \quad (23)$$

بردار Z_{ijt} در بردارنده (DIS_{ij}) متغیر فاصله جغرافیایی بین کشورهای i و j و (LAN_{ij}) متغیر زبان مشترک بین کشورهای i و j است. این متغیرها بین کشورها تغییر می‌کنند اما عموماً در طول زمان ثابت‌اند.

با در نظر گرفتن روابط (۲۲ و ۲۳)، مدل جاذبه تعمیم‌یافته پویا برای بررسی تأثیر بی‌ثباتی سیاسی بر همگرایی تجاری کشورهای جهان اسلام به صورت زیر به دست می‌آید.

$$\ln X_{ijt} = \alpha\lambda + (1-\lambda)\ln X_{ijt-1} + \beta\lambda \ln GDP_{it} + \gamma\lambda \ln GDP_{jt} + \delta_1\lambda \ln POP_{it} + \delta_2\lambda \ln POP_{jt} + \delta_3\lambda \ln PI_{it} + \delta_4\lambda \ln PI_{jt} + \delta_5 \ln SS_{ij} + \phi_1\lambda \ln DIS_{ij} + \phi_2\lambda \ln LAN_{ij} + U_{ijt} \quad (24)$$

یا

$$\ln X_{ijt} = \alpha^* + \lambda^* \ln X_{ijt-1} + \beta^* \ln GDP_{it} + \gamma^* \ln GDP_{jt} + \delta_1^* \ln POP_{it} + \delta_2^* \ln POP_{jt} + \delta_3^* \ln PI_{it} + \delta_4^* \ln PI_{jt} + \delta_5 \ln SS_{ij} + \phi_1^* \ln DIS_{ij} + \phi_2^* \ln LAN_{ij} + U_{ijt} \quad (25)$$

در روابط فوق δ_4^* نشان دهنده اثر کوتاه مدت بی ثباتی سیاسی بر همگرایی تجاری بین دو کشور و δ_4 نشان دهنده اثر بلندمدت بی ثباتی سیاسی بر همگرایی تجاری بین دو کشور است.

۳-۲. تعریف عملیاتی متغیرها و منابع داده ها

همگرایی تجاری (X_{ijt}): براساس بیشتر مطالعات صورت گرفته در حوزه همگرایی تجاری و مدل های جاذبه، میزان صادرات انجام شده از کشور i به کشور j به عنوان متغیری برای نشان دادن میزان همگرایی تجاری در نظر گرفته شده است. برای در نظر گرفتن اندازه اقتصادی کشورها از شاخص تولید ناخالص داخلی (GDP_{it} , GDP_{jt}) استفاده شده است. اندازه جمعیت با متغیر تعداد جمعیت دو کشور (POP_{it} , POP_{jt}) در مدل لحاظ شده است. برای اندازه گیری مشابهت ساختار اقتصادی از شاخص لیندر استفاده شده است که از لگاریتم مجذور انحرافات درآمد سرانه کشورهای طرف تجاری و از رابطه زیر قابل محاسبه است:

$$\log(SS_{ijt}) = \log\left(\left(\frac{GDP_{it}}{POP_{it}} - \frac{GDP_{jt}}{POP_{jt}}\right)^2\right)$$

برای سنجش بی ثباتی سیاسی (P_{it} , P_{jt}) از معیار ارائه شده در پایگاه اقتصاد جهانی^۱

استفاده شده است. در این پایگاه میزان ثبات سیاسی کشورها در بازه $(+۲/۵)$ تا $(-۲/۵)$ اندازه‌گیری و ارائه شده است. هر اندازه شاخص کشوری به عدد $(-۲/۵)$ نزدیک تر باشد، از نظر سیاسی بی‌ثبات تر است. در مقابل هر اندازه شاخص به عدد $(+۲/۵)$ متمایل تر باشد، ثبات سیاسی بیشتری دارد. طیف این شاخص به گونه‌ای است که افزایش آن حاکی از ثبات سیاسی بیشتر و کاهش آن حاکی از بی‌ثباتی سیاسی بیشتر است. در این تحقیق، شاخص ذکر شده در یک علامت منفی ضرب شده است تا افزایش آن نشان دهنده بی‌ثباتی سیاسی بیشتر باشد.

فاصله جغرافیایی (DIS_{ijt}): فاصله جغرافیایی بین پایتخت کشورهای مورد مطالعه در مقیاس کیلومتر برای سنجش این متغیر مورد استفاده قرار گرفته است.

زبان مشترک (DIS_{ijt}): در صورت رایج بودن زبان مشترک بین دو کشور ارزش یک و در غیر این صورت ارزش صفر برای این متغیر منظور شده است.

داده‌ها و اطلاعات مربوط به متغیرها از پایگاه اطلاعات بانک جهانی^۱، بانک داده‌های سری زمانی کشورها^۲، سازمان کنفرانس اسلامی^۳ و مرکز تجاری بین‌المللی^۴ برای دوره زمانی ۲۰۱۵-۲۰۰۱ و برای شانزده کشور آسیایی عضو سازمان کنفرانس اسلامی شامل ایران، آذربایجان، بحرین، بنگلادش، برونی، اندونزی، اردن، قزاقستان، کویت، قرقیزستان، مالزی، مالدیو، عمان، پاکستان، عربستان و ترکیه گردآوری شده است (باید گفت تعداد کل کشورهای آسیایی عضو سازمان کنفرانس اسلامی ۲۷ کشور است و علت محدود شدن نمونه به شانزده کشور، محدودیت در دسترسی به داده‌های تجارت متقابل سایر کشورها در دوره مورد بررسی است).

۴. یافته‌ها و بحث

قبل از بررسی و آزمون تأثیر بی‌ثباتی سیاسی بر همگرایی تجاری کشورهای جهان اسلام،

-
1. World Bank Report (WBR)
 2. Cross-National Time-Series Data -Archive (CNTS-D-A)
 3. Organization for Islamic Cooperation (OIC)
 4. International Trade Center (ITC)

ذکر این نکته لازم است که طیف ناهمگون کشورهای مورد مطالعه از نظر ساختارهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی باعث شکل‌گیری و پیدایش زمینه‌ها و عوامل مختلفی شده است که هر یک می‌تواند به‌گونه‌ای در تقویت و تشدید شرایط همگرایی تجاری در کشورهای اسلامی نقش آفرین باشد. به‌عنوان مثال ولایتی و سعیدمحمدی (۱۳۸۹) با مرور مطالعات انجام یافته مواردی چون بی‌ثباتی سیاسی، استبداد داخلی، ملی‌گرایی افراطی، رقابت‌های منطقه‌ای و استعمار خارجی را به‌عنوان موانع همگرایی کشورهای جهان اسلام معرفی کرده‌اند. همچنین بزرگمهری، محمدخانی و نعمتی (۱۳۹۵) مواردی چون تفاوت ساختارهای سیاسی، منازعات درونی و بیرونی و جایگاه دین در نظام سیاسی را به‌عنوان موانع سیاسی همگرایی کشورهای جهان اسلام برشمرده‌اند. از نظر این محققان، در کنار این موانع سیاسی، موانع اقتصادی از جمله عدم مشابهت ساختار اقتصادی کشورها، نرخ رشد جمعیتی متفاوت، درآمد سرانه متفاوت کشورها، بالا بودن فقر، بی‌سوادی و مسائل و مشکلات اداری نیز در کند کردن و تضعیف همگرایی کشورهای جهان اسلام مؤثرند. بنابراین یافته‌های حاصل از تحلیل‌های نظری انجام شده، از یک طرف نشان‌دهنده طیف متنوع و متعدد عواملی است که بر شرایط همگرایی تجاری در کشورهای جهان اسلام نقش آفرین هستند و از طرف دیگر همواره ابعاد سیاسی و به‌طور ویژه ثبات و بی‌ثباتی سیاسی را به‌عنوان یکی از عوامل مهم مؤثر بر همگرایی تجاری این کشورها لحاظ کرده‌اند. در ادامه فرایند بررسی و آزمون این امر ارائه شده است.

۱-۴. آزمون مانایی متغیرها

در جدول ۱ نتیجه محاسبات حاصل از انجام آزمون‌های مانایی تحت دو فرض ریشه واحد مشترک (با استفاده از آماره آزمون لوین، لین و چو)^۱ و ریشه واحد انفرادی (با استفاده از آماره آزمون ایم، پسران و شین)^۲ ارائه شده است.

1. Levin, Lin and Chu Test
2. Im, Pesaran and Shin Test

جدول ۱. آزمون مانایی متغیرها

نتیجه آزمون مانایی متغیر	ریشه واحد انفرادی (آزمون ایم، پسران و شین)				ریشه واحد مشترک (آزمون لوین، لین و چو)				نماد	متغیر
	با روند		بدون روند		با روند		بدون روند			
	آماره	احتمال	آماره	احتمال	آماره	احتمال	آماره	احتمال		
مانا	-	-	۰/۰۰۰۰	-۵/۲۰۵۹	-	-	۰/۰۰۰۰	-۱۶/۰۵۸۸	X_{ij}	همگرایی تجاری
مانا	-	-	۰/۰۰۲۷	-۵/۵۲۰۹	-	-	۰/۰۰۰۰	-۱۱/۹۶۷۷	GDP_{it}	اندازه اقتصادی کشور i
مانا	-	-	۰/۰۰۰۰	-۶/۱۲۴۴	-	-	۰/۰۰۰۰	-۱۸/۷۱۰۸	GDP_{jt}	اندازه اقتصادی کشور j
روند مانا	۰/۰۰۰۰	-۲۸/۰۱۱	۱/۰۰۰۰	۶/۲۳۴۸	۰/۰۰۰۰	-۴۲/۷۵۳	۰/۶۳۹۲	۰/۳۵۶۲	POP_{it}	اندازه جمعیت کشور i
روند مانا	۰/۰۰۰۰	-۲۷/۲۸۴	۱/۰۰۰۰	۸/۲۹۷۴	۰/۰۰۰۰	-۳۴/۲۸۳	۰/۸۸۶۱	۱/۲۰۶۳	POP_{jt}	اندازه جمعیت کشور j
مانا	-	-	۰/۰۰۰۰	-۵/۷۸۲۰	-	-	۰/۰۰۰۰	-۱۴/۷۶۸۸	S_{ij}	مشابهت ساختار اقتصادی
مانا	-	-	۰/۰۰۰۸	-۳/۱۶۳۸	-	-	۰/۰۰۰۰	-۵/۷۳۶۲	P_{it}	بی‌ثباتی سیاسی در کشور i
مانا	-	-	۰/۰۶۸۶	-۱/۴۸۶۵	-	-	۰/۰۰۰۱	-۳/۸۵۳۴	P_{jt}	بی‌ثباتی سیاسی در کشور j

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود تحت هر دو فرض ریشه واحد مشترک و ریشه واحد انفرادی و در حالت بدون لحاظ روند آماره آزمون مربوط به متغیرهای همگرایی تجاری، اندازه اقتصادی کشور i ، اندازه اقتصادی کشور j ، مشابهت ساختار اقتصادی، بی‌ثباتی سیاسی در کشور i و بی‌ثباتی سیاسی در کشور j از نظر آماری معنادار بوده و فرض صفر مبنی بر وجود ریشه واحد رد می‌شود. بنابراین این متغیرها مانا هستند. متغیرهای اندازه جمعیت کشور i و اندازه جمعیت کشور j نیز در حالت با در نظر گرفتن روند، تحت هر دو فرض ریشه واحد انفرادی و مشترک، مانا بوده و از این رو این متغیرها، روندمانا هستند. با توجه به اینکه اندازه جمعیت کشور i و اندازه جمعیت کشور j روندمانا هستند، به منظور احتیاط بیشتر برای جلوگیری از بروز رگرسیون کاذب، آزمون هم‌انباشتگی جهت تضمین رابطه همجمعی در قسمت بعد انجام شده است.

۴-۲. آزمون هم‌انباشتگی

در این تحقیق آزمون هم‌انباشتگی با استفاده از روش کائو (۱۹۹۹) انجام شده است که نتیجه آن در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. نتایج آزمون هم‌انباشتگی کائو

احتمال	آماره آزمون
۰/۰۰۰۰	-۴/۷۸۶۰

مأخذ: همان.

با توجه به اینکه آماره محاسباتی در آزمون هم‌انباشتگی کائو از نظر آماری معنادار است، فرض صفر مبنی بر عدم وجود هم‌جمعی بین متغیرهای الگورد می‌شود.

۴-۳. برآورد مدل جاذبه ایستا

با توجه به نوع داده‌ها، ابتدا تفاوت در عرض از مبدأ مدل برای مقاطع مختلف بررسی شده است. از این رو فرض یکسان بودن عرض از مبدأ مدل در مقابل تفاوت عرض از مبدأها به صورت زیر در نظر گرفته می‌شود.

$$\begin{cases} H_0 : \alpha_{01}^* = \alpha_{02}^* = \dots = \alpha_{0k}^* \\ H_1 : \alpha_{01}^* \neq \alpha_{02}^* \neq \dots \neq \alpha_{0k}^* \end{cases}$$

برای انجام آزمون فوق آماره آزمون F لیمر محاسبه و نتیجه آن در جدول ۳ منعکس شده است. با توجه به معنادار بودن آماره آزمون F فرض صفر مبنی بر یکسان بودن عرض از مبدأ رد و بنابراین رویکرد پانل پذیرفته می‌شود. به منظور انتخاب میان اثرات ثابت و اثرات تصادفی در مدل پانل، از آزمون هاسمن استفاده شده است. فرض صفر و رقیب این آزمون به صورت ذیل در نظر گرفته شده است:

$$\begin{cases} H_0 : E(u_{it} / x_{it}) = 0 \\ H_1 : E(u_{it} / x_{it}) \neq 0 \end{cases}$$

فرض صفر نشان‌دهنده اثرات تصادفی و فرض رقیب نشان‌دهنده اثرات ثابت است. نتیجه آزمون هاسمن نیز در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. آزمون F لیمر و آزمون هاسمن برای انتخاب شکل مناسب مدل‌ها

آزمون F لیمر		آماره	۳/۲۶۵۲
احتمال		احتمال	۰/۰۰۰۰
آزمون هاسمن		آماره	۴۵/۴۰۵۹
احتمال		احتمال	۰/۰۰۰۰
نوع مدل		اثرات ثابت	

مأخذ: همان.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود مقدار آماره آزمون هاسمن از نظر آماری معنادار بوده و از این رو روش اثرات تصادفی رد می‌شود. بنابراین مدل در حالت پانل با اثرات ثابت برآورد و نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. برآورد مدل جاذبه ایستا (متغیر وابسته: همگرایی تجاری $(\log(X_{ij}))$)

متغیر	ضریب	آماره t	احتمال
C	-۷۴/۹۹۱۶	-۲۵/۵۰۹۹	۰/۰۰۰۰
$\log(GDP_i)$	۲/۴۷۵۱	۱۸/۶۷۳۵	۰/۰۰۰۰
$\log(GDP_j)$	۰/۸۳۴۷	۶/۵۸۵۴	۰/۰۰۰۰
$\log(POP_i)$	۰/۱۹۴۰	۱/۵۶۱۷	۰/۱۱۸۵
$\log(POP_j)$	۰/۸۱۰۶	۵/۴۲۴۴	۰/۰۰۰۰

متغیر	ضریب	آماره t	احتمال
$\log(P_i)$	۰/۴۲۲۱	۱/۰۳۱۶	۰/۳۰۲۴
$\log(P_j)$	-۰/۳۶۳۰	-۱/۲۰۵۲	۰/۲۲۸۳
$\log(S_{ij})$	۰/۰۱۴۲	۰/۳۱۶۹	۰/۷۲۱۳
$\log(DIS_{ij})$	-۱/۲۷۷۱	-۷/۳۴۳۳	۰/۰۰۰۰
<i>LAN</i>	۵/۵۳۵۵	۱۳/۳۸۹۴	۰/۰۰۰۰
R^2	۰/۵۹		
<i>D.W</i>	۰/۵۲۵۹		
<i>F</i>	معنادار ۱۱۴/۱۱۲۰		

مأخذ: همان.

براساس آماره R^2 ، قدرت توضیح دهنده مدل ۵۹ درصد است و مؤید این امر است که معادل ۵۹ درصد از تغییرات تجارت بین این کشورها توسط متغیرهای لحاظ شده در این مدل ها توضیح داده می شود. همچنین آماره F مبین معنادار بودن کلی ضرایب رگرسیون مدل است. اما براساس آماره $D.W$ مدل برآورد شده به شدت از مشکل خودهمبستگی بین اجزای اخلاص برخوردار است و با توجه به اینکه یکی از فروض اصلی رگرسیون کلاسیک یعنی فرض عدم وجود خودهمبستگی بین اجزای اخلاص تأمین نمی شود، بنابراین استنتاج آماری مبتنی بر ضرایب تخمین زده شده برای مدل جاذبه به شکل فوق ممکن است به نتیجه گیری اشتباه منجر شود. از این رو لازم است مشکل خودهمبستگی از مدل مرتفع شود. یکی از این راه ها وارد کردن وقفه یا وقفه هایی از متغیر وابسته به عنوان متغیر مستقل در مدل است. این امر به شکل گیری نسخه پویایی از مدل جاذبه منجر می شود. در قسمت بعد نتایج تخمین این مدل ارائه شده است.

۴-۴. برآورد مدل جاذبه پویا

در این قسمت سعی بر آن است تا با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته، مدل جاذبه پویا با استفاده از رویکرد تفاضل مرتبه اول برآورد شود. با توجه به اینکه قبل از تخمین مدل لازم است

مشخص بودن معادله و همچنین معتبر بودن متغیر ابزاری مورد استفاده در تخمین معادله مورد آزمون قرار گیرد، آماره آزمون سازگان محاسبه و نتایج آن در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. آزمون سازگان برای معتبر بودن متغیرهای ابزاری

آماره سازگان	احتمال
۹۸/۶۲۴۷	۰/۰۸۹۰

مأخذ: همان.

با توجه اینکه سطح معناداری مرتبط با آماره سازگان بالاتر از ۵ درصد است، فرض صفر مبنی بر مشخص بودن معادله در این سطح معناداری رد نمی‌شود. به عبارت دیگر ابزارهای استفاده شده در مدل دارای اعتبار بوده و استفاده از متغیرهای ابزاری برای کنترل همبستگی بین متغیرهای توضیحی و جملات اخلاقی ضروری است. همچنین برای تعیین مرتبه خودهمبستگی بین جملات اخلاقی در رویکرد تفاضل مرتبه اول، آماره آزمون آرلانو و باند برآورد شده و نتیجه آن در جدول ۶ منعکس شده است.

جدول ۶. آزمون همبستگی سریالی آرلانو و باند

مرتبه آزمون	آماره آزمون	احتمال
AR(1)	-۴/۶۳۳۰	۰/۰۰۰۰
AR(2)	۰/۴۳۳۶	۰/۶۶۴۵

مأخذ: همان.

با توجه به معنادار بودن آماره آزمون متناظر با وقفه اول و معنادار نبودن آماره آزمون متناظر با وقفه دوم، جملات اخلاقی خودرگرسیون از مرتبه اول بوده و روش آرلانو و باند در تخمین مدل می‌تواند به تخمین زنده‌های سازگار منجر شود. نتیجه حاصل از برآورد مدل در جدول ۷ منعکس شده است.

جدول ۷. نتایج تخمین مدل جاذبه تعمیم یافته پویا

آمارهها / متغیرها	ضرایب	آماره t	احتمال
$\log(X_{ij}(-1))$	۰/۰۷۲۴	۵۱/۸۶۴۸	۰/۰۰۰۰
$\log(GDP_i)$	۱/۱۱۴۷	۲۱/۴۴۶۲	۰/۰۰۰۰
$\log(GDP_j)$	۳/۳۷۸۸	۴۲/۸۵۴۰	۰/۰۰۰۰
$\log(POP_i)$	۵/۹۷۴۳	۱۴/۳۹۹۱	۰/۰۰۰۰
$\log(POP_j)$	۲/۰۰۷۹	۹/۲۲۴۲	۰/۰۰۰۰
$\log(P_i)$	-۰/۲۳۰۷	-۲/۶۸۱۹	۰/۰۰۷۴
$\log(P_j)$	-۰/۶۸۸۳	-۱۱/۱۳۴۷	۰/۰۰۰۰
$\log(S_{ij})$	-۰/۱۶۵۹	-۴/۴۱۸۰	۰/۰۰۰۰
$\log(DIS_{ij})$	-۴/۰۵۶۸	-۴/۸۸۹۷	۰/۰۰۰۰
LAN	۷/۰۱۷۱	۲/۳۴۴۲	۰/۰۱۹۳

مأخذ: همان.

نتایج به دست آمده از تخمین مدل جاذبه تعمیم یافته پویا حاکی از آن است که ضرایب برآورد شده دارای علامت‌های متناسب با انتظارات نظری بوده و ضرایب تمامی متغیرها از جمله تولید ناخالص داخلی کشورها، جمعیت، مشابهت ساختار اقتصادی، بی ثباتی سیاسی، فاصله جغرافیایی و زبان مشترک از نظر آماری معنادار است. البته ضرایب به دست آمده در جدول ۷، ضرایب کوتاه مدت مدل جاذبه را نشان می دهد. با توجه به اینکه ضریب متغیر $\log(X(-1))$ همان $(1 - \lambda)$ بوده، میزان λ (سرعت تعدیل) در حدود ۰/۹۲ برآورد شده است. با توجه به ضریب λ ، ضرایب کوتاه مدت و بلند مدت مدل جاذبه پویا به صورت جدول ۸ قابل ارائه است.

جدول ۸. ضرایب کوتاه مدت و بلندمدت مدل جاذبه تعمیم یافته پویا

متغیرها	ضرایب کوتاه مدت		ضرایب بلندمدت	
	تخمین زن	کمیت برآورد شده	تخمین زن	کمیت برآورد شده
$\log(X_{ij}(-1))$	$1-\lambda$	۰/۰۷۲۴	λ	۰/۹۲۷۶
$\log(GDP_i)$	$\beta\lambda$	۱/۱۱۴۷	β	۱/۲۰۱۷
$\log(GDP_j)$	$\gamma\lambda$	۳/۳۷۸۸	γ	۳/۶۴۲۵
$\log(POP_i)$	$\delta_1\lambda$	۵/۹۷۴۳	δ_1	۶/۴۴۰۵
$\log(POP_j)$	$\delta_2\lambda$	۲/۰۰۷۹	δ_2	۲/۱۶۴۶
$\log(P_i)$	$\delta_3\lambda$	-۰/۲۳۰۷	δ_3	-۰/۲۴۸۷
$\log(P_j)$	$\delta_4\lambda$	-۰/۶۸۸۳	δ_4	-۰/۷۴۲۰
$\log(S_{ij})$	$\delta_5\lambda$	-۰/۱۶۵۹	δ_5	-۰/۱۷۸۸
$\log(DIS_{ij})$	$\phi_1\lambda$	-۴/۰۵۶۸	ϕ_1	-۴/۳۷۳۴
LAN	$\phi_2\lambda$	۷/۰۱۷۱	ϕ_2	۷/۵۶۴۷

مأخذ: همان.

ضرایب به دست آمده در ارتباط با تأثیر کوتاه مدت و بلندمدت عوامل اثرگذار بر همگرایی تجاری بین کشورهای اسلامی مورد بررسی علائمی مطابق با انتظارات نظری داشته و اغلب همسو با یافته‌های تجربی حاصل شده در مطالعات تجربی قبلی است.

از میان متغیرهای متعدد اثرگذار بر همگرایی تجاری، آن‌گونه که در بخش مبانی نظری تحلیل شد، بی‌ثباتی سیاسی مبتنی بر نتایج تجربی حاصل از برآورد مدل جاذبه پویا، در زمره عواملی است که نقش تعیین‌کننده‌ای در همگرایی تجاری کشورهای اسلامی مورد مطالعه دارد. ضرایب کوتاه مدت و بلندمدت به دست آمده برای متغیر بی‌ثباتی سیاسی در کشورهای مبدأ ($\log(P_i)$) به ترتیب $-۰/۲۳۰۷$ و $-۰/۲۴۸۷$ حاصل شده که از تأثیر منفی بی‌ثباتی سیاسی بر همگرایی تجاری کشورهای اسلامی حکایت دارد. به عبارت دیگر، وجود زمینه‌ها و شرایطی از قبیل جنگ‌های چریکی، انقلاب، شورش‌ها و تظاهرات علیه دولت در کشورهای جهان اسلام، به بی‌ثباتی سیاسی بیشتر دامن زده و این امر، باعث ایجاد التهاب

در فضای اقتصادی، تضعیف فضای امنیت اقتصادی و همچنین در برخی موارد به نابودی ظرفیت‌ها و زیرساخت‌های اقتصادی منجر می‌شود بنابراین فضای کسب‌وکار را برای انجام فعالیت‌های اقتصادی در این کشورها متأثر کرده و توانمندی آنها را برای مشارکت در عرصه رقابت و اقتصاد بین‌الملل و به تبع آن همگرایی‌ها و همکاری‌های اقتصادی کاهش می‌دهد. علاوه بر این، ضرایب کوتاه‌مدت و بلندمدت به‌دست آمده برای متغیر بی‌ثباتی سیاسی در کشورهای مقصد ($\log(P_r)$) نیز که به ترتیب $-0/2307$ و $-0/2487$ حاصل شده است، حاکی از تأثیر منفی بی‌ثباتی سیاسی کشورهای مقصد بر همگرایی تجاری کشورهای اسلامی است. در واقع افزایش تنش‌های سیاسی در کشورهای مسلمان، باعث افزایش ریسک تجارت با این کشورها شده و انگیزه سایر کشورها را برای برقراری تعامل و ارتباط تجاری و اقتصادی با این کشورها کاهش می‌دهد. افزایش تنش‌ها و بی‌ثباتی سیاسی در کشورهای جهان اسلام که به دلیل بروز شرایط و حوادثی از جمله تغییرات متعدد در ساختارهای اقتصادی و سیاسی، تغییر و تحول مداوم اعضای کابینه، بحران‌های مختلف در حوزه مسائل اقتصادی و اجتماعی و نحوه رفتار با مخالفان سیاسی شکل می‌گیرد؛ به تشدید بی‌ثباتی و تنش در فضا و ساختار سیاستگذاری اقتصادی منجر می‌شود. در چنین شرایطی ثبات، تداوم و سازگاری برنامه‌ها و سیاست‌های مرتبط با حوزه تجارت و بازرگانی خارجی، سیاست‌های پولی و سیاست‌های مالی مخدوش شده و نسبت برابری ارزش پول ملی در برابر ارزهای خارجی دچار نوسانات شدید شده و اغلب تضعیف می‌شوند. این امر شرایط و مناسبات همکاری و مشارکت اقتصادی را بین کشورهای اسلامی تضعیف می‌کند. بنابراین در کنار عوامل متعدد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی؛ بی‌ثباتی سیاسی در سال‌های اخیر تأثیری مخرب بر شکل‌گیری همگرایی اقتصادی بین کشورهای جهان اسلام داشته است. از این رو در قسمت بعد سعی شده است به منظور تقویت نتایج و یافته‌های به‌دست آمده، مصادیقی از چگونگی تأثیر بی‌ثباتی سیاسی در همگرایی اقتصادی کشورهای عضو ارائه شود.

به‌عنوان مثال عراق، یمن و سومالی که هر سه از اعضای قدیمی اتحادیه عرب‌اند و یا افغانستان و پاکستان که هر دو از اعضای سازمان همکاری اقتصادی (اگو) هستند، به دلیل بی‌ثباتی سیاسی نمی‌توانند در مسیر همگرایی این دو اتحادیه گام بردارند (ولایتی و سعیدمحمدی، ۱۳۸۹: ۱۷۴).

همچنین بی‌ثباتی در روابط سیاسی نیز عامل مهمی در کند کردن فرایند همگرایی بین کشورهای جهان اسلام بوده است. شکست طرح‌های پیشنهادی در سازمان کنفرانس اسلامی و شورای همکاری خلیج فارس ناشی از وجود همین عامل بازدارنده در میان کشورهای عضو است. اختلاف عربستان و امارات متحده عربی بر مسائل مرزی و کنسولی و همچنین، محل استقرار دبیرخانه پول واحد شورای همکاری خلیج فارس، از جمله اختلافات سیاسی میان اعضای این شورا به‌شمار می‌رود (همان: ۱۷۰). به‌عبارت‌دیگر، وجود مناقشات و اختلافات مرزی میان کشورهای اسلامی دارای مرز مشترک، و رفع نشدن آنها زمینه‌های بروز تنش در روابط بین این کشورها را تقویت می‌کند. در این باره، مشکلات مرزی میان ایران و عراق، عراق و کویت، عراق و عربستان سعودی، قطر و بحرین، ایران و امارات و همچنین عراق و ترکیه، به‌عنوان مصادیق و شواهدی از این امر به‌شمار می‌روند (بزرگمهری، محمدخانی و نعمتی، ۱۳۹۵: ۳۱). این امر به بروز بی‌ثباتی سیاسی در روابط بین کشورها منجر شده و تأثیر بازدارنده‌ای بر روابط اقتصادی بر جای می‌گذارد و به‌این ترتیب شرایط حصول به همگرایی و همکاری اقتصادی بین این کشورها را کاهش می‌دهد.

براساس نتایج به‌دست آمده از برآورد مدل، تولید ناخالص داخلی کشورهای جهان اسلام نیز تأثیر مثبت و معناداری بر حجم تجارت میان آنها دارد. یعنی هر اندازه میزان تولید ناخالص داخلی هر یک از این کشورها افزایش یابد، شرایط حصول به همگرایی تجاری بین آنها بیشتر می‌شود. ضریب کوتاه‌مدت و بلندمدت متغیر تولید ناخالص داخلی کشورهای مبدأ $(\log(GDP_i))$ که به ترتیب ۱/۱۱۴۷ و ۱/۲۰۱۷ به‌دست آمده نشان می‌دهد هم در کوتاه‌مدت و هم بلندمدت بزرگتر شدن اندازه اقتصادی کشورهای مبدأ (صادرکننده) تأثیر مثبتی بر جریان تجاری از آن کشورها به سمت کشورهای مقابل دارد. همچنین با توجه به اینکه ضرایب کوتاه‌مدت و بلندمدت متغیر تولید ناخالص داخلی کشورهای مقصد $(\log(GDP_j))$ به ترتیب ۳/۳۷۸۸ و ۳/۶۴۲۵ به‌دست آمده مؤید آن است که افزایش اندازه اقتصادی کشورهای مقابل نیز تأثیر مثبتی بر جریان تجاری از سایر کشورها به آن کشورها دارد.

ضرایب مرتبط با متغیر اندازه جمعیت در مدل جاذبه، حاکی از آن است که اندازه

جمعیت کشورهای مسلمان مورد مطالعه نیز تأثیر مثبت و معناداری بر حجم تجارت بین آنها دارد به طوری که هرچه تعداد جمعیت هر یک از این کشورها افزایش یابد شرایط حصول به همگرایی تجاری بین آنها بیشتر می شود. ضریب کوتاه مدت و بلندمدت متغیر اندازه جمعیت کشورهای مبدأ ($\log(POP_i)$) به ترتیب ۵/۹۷ و ۶/۴۴ به دست آمده است و نشان می دهد که هم در کوتاه مدت و هم در بلندمدت افزایش جمعیت کشورهای مبدأ (صادرکننده) تأثیر مثبتی بر جریان تجاری از آن کشورها به سمت کشورهای مقابل دارد. به عبارت دیگر افزایش جمعیت و به خصوص جمعیت فعال به افزایش ظرفیت های تولید در کشورها منجر شده و شرایط عرضه و صادرات محصول به دیگر کشورها را تقویت و جریان تجاری را بین این کشورها تقویت می کند. همچنین با توجه به اینکه ضرایب کوتاه مدت و بلندمدت متغیر اندازه جمعیت کشورهای مقصد ($\log(POP_j)$) به ترتیب ۲/۰۰ و ۲/۱۶ به دست آمده، مؤید آن است که افزایش جمعیت در کشورهای مقابل نیز تأثیر مثبتی بر جریان تجاری از سایر کشورها به آن کشورها دارد. در واقع افزایش جمعیت میزان تقاضا برای محصولات کشورهای دیگر را (به ویژه در شرایطی که امکان تولید داخلی آنها محدود باشد) را افزایش داده و به تقویت جریان تجارت بین کشورها منجر می شود.

متغیر دیگری که تأثیر قابل توجهی در افزایش همگرایی تجاری بین کشورهای اسلامی دارد، مشابهت ساختار اقتصادی این کشورهاست. با توجه به نوع تعریف این متغیر، هر اندازه این متغیر کاهش یابد (که خود نشان دهنده افزایش مشابهت ساختاری کشورهای طرف تجاری است) همگرایی تجاری بین دو کشور تقویت می شود. به عبارت دقیق تر یک واحد افزایش در شاخص مشابهت ساختار اقتصادی در کشورهای طرف تجاری ($\log(S_{ij})$) باعث ۰/۱۶ واحد افزایش در همگرایی تجاری این کشورها می شود. این نتیجه گیری فرضیه لیندر را مبنی بر رابطه مثبت بین تجارت متقابل و همگرایی درآمدها در کشورهای مسلمان تأیید می کند.

فاصله جغرافیایی مطابق با انتظارات نظری اثر منفی معنادار با میزان همگرایی تجاری کشورهای مسلمان مورد مطالعه دارد. تأثیر این متغیر بر همگرایی تجاری نه تنها معنادار؛ بلکه از نظر اندازه و اهمیت نیز قابل توجه است، به گونه ای که یک واحد افزایش در متغیر فاصله

جغرافیایی ($\log(DIS_{ij})$) می‌تواند زمینه‌ساز ۴/۰۵ واحد کاهش در شدت همگرایی تجاری کشورهای طرف تجاری شود. همچنین وجود زبان مشترک بین کشورهای مسلمان مورد مطالعه نیز تأثیری مثبت و معنادار بر همگرایی تجاری این کشورها دارد. در واقع زبان مشترک که به‌عنوان یکی از مصادیق شباهت‌های فرهنگی و اجتماعی بین کشورها مطرح می‌شود، پتانسیل و ظرفیت همکاری اقتصادی و تجاری بین کشورهای مسلمان را تقویت می‌کند.

۵. نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

نتایج تخمین مدل جاذبه پویا مؤید آن است که ضرایب تمامی متغیرهای ملحوظ در مدل همانند نتایج بسیاری از مطالعات مورد اشاره در پیشینه تحقیق، مطابق با انتظارات نظری به‌دست‌آمده است. اندازه تولید ناخالص داخلی، میزان جمعیت، مشابهت ساختار اقتصادی و زبان مشترک بین کشورها تأثیر مثبت و بی‌ثباتی سیاسی و فاصله جغرافیایی تأثیر منفی معنادار بر همگرایی تجاری کشورهای مورد مطالعه دارند. ضریب بلندمدت متغیر بی‌ثباتی سیاسی برای کشورهای طرف تجاری در مدل جاذبه پویا منفی برآورد شده است که با توجه به معنادار بودن آنها، استنباط می‌شود افزایش بی‌ثباتی سیاسی نقش مخربی در همگرایی تجاری کشورهای اسلامی در دوره مورد بررسی داشته است. همچنین مقایسه ضریب کوتاه‌مدت با ضریب بلندمدت حاکی از آن است که شدت تأثیر مخرب در بلندمدت بیشتر از کوتاه‌مدت است.

دلالت سیاست‌گذاری یافته‌های به‌دست‌آمده از مقاله حاضر این است که هرچند براساس مدل جاذبه مؤلفه‌های مرسوم توضیح‌دهنده پدیده همگرایی تجاری از جمله حجم تولید ناخالص داخلی کشورهای طرف تجاری، اندازه جمعیت آنها، فاصله جغرافیایی، مشابهت ساختار اقتصادی و زبان مشترک در تبیین و تقویت همگرایی تجاری بین این کشورها دارای اهمیت است، اما با توجه به وضعیت نظام‌های سیاسی و فرهنگی حاکم بر این کشورها، متغیر بی‌ثباتی سیاسی نیز نقش تضعیف‌کننده‌ای را در روند شکل‌گیری و تقویت همگرایی تجاری بین این کشورها ایفا می‌کند. این امر ضرورت توجه جدی‌تر به مقوله ایجاد ثبات سیاسی را در سیاست‌ها و استراتژی‌های معطوف به سیاست‌های تجارت

خارجی این کشورها، برجسته‌تر می‌کند. در این راستا کشورهای اسلامی باید تلاش‌های مناسبی را در جهت استقرار ثبات سیاسی (جلوگیری از شکل‌گیری ترورها، جنگ‌های چریکی، انقلاب، تظاهرات ضددولتی و اعتصابات، تغییرات مکرر در اعضای کابینه، تغییرات متعدد ساختاری، بحران‌های مختلف اقتصادی و سیاسی، انتخابات بحث‌برانگیز و شکننده و سرکوب مخالفان سیاسی) به‌عمل آورند تا از این طریق زمینه‌های بهبود فضای امنیت و اطمینان، تقویت ظرفیت‌ها و زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی و تثبیت ساختار سیاستگذاری و تصمیم‌سازی فراهم شود و توان آنها برای مشارکت در اقتصاد بین‌الملل و در نتیجه همگرایی‌ها و همکاری‌های اقتصادی بهبود یابد. البته در این میان نقش سازمان‌های متولی از جمله سازمان کنفرانس اسلامی به‌عنوان تسهیل‌کننده روابط این کشورها و تنظیم‌کننده نقشه راه همکاری‌های متقابل، می‌تواند بسیار تعیین‌کننده باشد.

منابع و مآخذ

۱. آذربایجانی، کریم و فریبا رضانی (۱۳۸۹). «بحران مالی اخیر و یکپارچگی تجاری فولادی در آسیا با به‌کارگیری یک مدل جاذبه تجاری»، سمپوزیوم فولاد ۱۳۸۹، اصفهان، انجمن آهن و فولاد ایران.
۲. آذربایجانی، کریم (۱۳۸۱). «همگرایی اقتصادی - منطقه‌ای و تأثیر آن بر رشد کشورهای حوزه دریای خزر و جمهوری‌های قفقاز»، مجله تحقیقات اقتصادی، ۶۱.
۳. اسدزاده، احمد و فاطمه عبدالله‌زاده نوبریان (۱۳۹۲). «بررسی نقش منطقه آزاد تجاری - صنعتی ارس در ایجاد همگرایی تجاری با کشورهای حوزه CIS، چین و ترکیه»، فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد، دوره ۱، ش ۴.
۴. اشمیت، هلموت (۱۳۶۷). *استراتژی بزرگ*، ترجمه هرمز همایون‌پور، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۵. اصغرپور، حسین، کسرا احمدیان و امید منیعی (۱۳۹۲). «اثر بی‌ثباتی سیاسی بر رشد اقتصادی ایران: رهیافت غیرخطی APARCH»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ش ۶۸.
۶. اکبری، نعمت‌اله و شکوفه فرهنگد (۱۳۸۴). «همگرایی اقتصادی کشورهای اسلامی و بررسی سرریزهای منطقه‌ای با تأکید بر نقش منتخبی از کشورهای حوزه خلیج فارس: مطالعه‌ای بر مبنای اقتصادسنجی فضایی»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ۳۴.
۷. اکبری، نعمت‌اله و مژگان معلمی (۱۳۸۳). «یکپارچگی اقتصادی در کشورهای حوزه خلیج فارس (استفاده از یک روش اقتصادسنجی فضایی)»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۷(۲۵).
۸. بزرگمهری، مجید، علیرضا محمدخانی و فاطمه نعمتی (۱۳۹۵). «علل واگرایی در سازمان همکاری اسلامی»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۱۸.
۹. جلایی، سیدعبدالمجید و سعید سلیمانی (۱۳۸۵). «یکپارچگی تجاری ایران با کشورهای عضو اکو (ECO): کاربرد یک مدل جاذبه»، مجله پژوهش‌های اقتصادی، دوره ۶، ش ۴.
۱۰. حسن‌پور، یوسف (۱۳۸۹). «بررسی موانع و مشکلات کشورهای عضو سکا در ایجاد و ارتقای مراحل یکپارچگی اقتصادی»، مجله بررسی‌های بازرگانی، ۴۲.
۱۱. خورشیدی، غلامحسین (۱۳۶۹). *بازار مشترک اسلامی*، تهران، چاپخانه سپهر.
۱۲. دولتی، بهزاد و شکوروف بوری اوراکویچ (۱۳۹۱). «بررسی فرصت‌های همگرایی تجاری ایران با کشورهای آسیای مرکزی»، پژوهش‌های اقتصادی ایران، دوره ۱۷، ش ۵۳.

۱۳. راسخی، سعید، احمد جعفری صمیمی و سمیه صادقی (۱۳۹۲). «یکپارچگی تجاری، تخصص‌گرایی و هم‌زمانی ادوار تجاری در اکو: شواهدی از یک شاخص همبستگی پویا»، *مدل‌سازی اقتصادی*، دوره ۷، ش ۲۱.
۱۴. زارعشاهی، احمدعلی (۱۳۷۹). «بی‌ثباتی سیاسی و امنیت اقتصادی؛ و تأثیر آن بر عوامل تولید در ایران»، *مطالعات راهبری*، ش ۷ و ۸.
۱۵. زرقانی، سیدهدادی، هادی اعظمی و راحله احمدی (۱۳۹۳). «بررسی و شناسایی متغیرهای مؤثر بر بی‌ثباتی نظام سیاسی»، *فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک*، دوره ۱۰، ش ۳۵.
۱۶. سوری، امیررضا (۱۳۹۳). «تحلیل عوامل مؤثر بر همگرایی تجاری ایران با بلوک‌های منطقه‌ای منتخب (کاربرد یک مدل جاذبه)»، *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی*، دوره چهاردهم، ش ۵۳.
۱۷. شکیبایی، علیرضا و فاطمه کبری بطا (۱۳۸۸). «همگرایی اقتصادی در منطقه آسیای جنوب غربی»، *پژوهشنامه بازرگانی*، ش ۵۳.
۱۸. شکیبایی، علیرضا و مریم سعید (۱۳۹۱). «اثر بحران مالی ۲۰۰۹-۲۰۰۷ بر همگرایی تجاری کشورهای توسعه یافته (مطالعه موردی: OECD)»، *مجله اقتصاد و توسعه منطقه‌ای*، ش ۴.
۱۹. صادقی، سمیه (۱۳۹۳). «اثر یکپارچگی‌های تجاری و مالی بر هم‌زمانی ادوار تجاری در اکو: شواهدی از یک شاخص همبستگی پویا»، *فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه*، دوره ۱۹، ش ۲.
۲۰. غلامی، امین (۱۳۹۴). «ارزیابی هم‌زمانی چرخه‌های تجاری و یکپارچگی تجاری عمودی: مقایسه کشورهای D8، اتحادیه اروپا و جنوب شرق آسیا»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۱. کریمی، فرزاد و سیدکامیل طیبی (۱۳۸۹). «یکپارچگی تجاری و هم‌زمانی سیکل‌های تجاری در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی برحسب ترتیبات منطقه‌ای»، *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، سال ۱۸، ش ۵۴.
۲۲. نجارزاده، رضا، کاظم یاوری و وحید شقاقی شهری (۱۳۸۴). «همگرایی اقتصادی - منطقه‌ای و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، ۵ (۳).
۲۳. ولایتی، علی‌اکبر و رضا سعیدمحمدی (۱۳۸۹). «تحلیل تجارب همگرایی در جهان اسلام»، *دانش سیاسی*، ش ۱.
۲۴. یاوری، کاظم و سیدحمیدرضا اشرف‌زاده (۱۳۸۴). «یکپارچگی اقتصادی کشورهای در حال توسعه: کاربرد مدل جاذبه با داده‌های تلفیقی به روش GMM و همگرایی»، *پژوهشنامه بازرگانی*، ۹ (۳۶).

25. Aisen, A. and Francisco José, Veiga (2010). *How Does Political Instability Affect Economic Growth?* IMF Working Paper.
26. Alesina, A, S., Ozler, N. Roubini and P. Swagel (1992). Political Instability and Economic Growth, NBER, Working Paper, No. 4173.
27. Anderson, J.E. (1979). "A Theoretical Foundation for the Gravity Equation", *American Economic Review*, 69.
28. Anouliès, L. (2017). «Are Trade Integration and the Environment in Conflict? The Decisive Role of Countries' Strategic Interactions», *International Economics*, 148.
29. Badinger, H. and F. Breuss (2008). "Trade and Productivity: an Industry Perspective", *Empirica*, 35.
30. Barro, Robert (1991). "Economic Growth in a Crass Section of Countries", *Quarterly Journal of Economics*, Vol. 106, No. 2.
31. Boughanmi, H. (2008). "The Trade Potential of the Arab Gulf Cooperation Countries (GCC): A Gravity Model Approach", *Journal of Economic Integration*, Vol. 23, No.1.
32. Calderón, C., A. Chong and E. Stein (2002). "Trade Intensity and Business Cycle Synchronization: Are Developing Countries any Different?", *Central Bank of Chile Working Paper*, No. 195.
33. Campos, N. F., M. G. Karanasos and T. Tan (2012). "Two to Tangle: Financial Development, Political Instability and Economic Growth in Argentina", *Journal of Banking and Finance*, Vol. 36, No. 1.
34. Carrere, C. (2006). "Revisiting the Effects of Regional Trade Agreements on Trade Flows with Proper Specification of the Gravity Model", *European Economic Review*, 50.
35. Clark, P., N. Tamirisa, Sh. J. Wei, A. Sadikov and Z. Li (2004). "A New Look at Exchange Rate Volatility and Trade Flows", *IMF Occasional Paper*, No. 235.

36. Disdier, A-C., L. Fontagné and M. Mimouni (2015). "Tariff Liberalization and Trade Integration of Emerging Countries", *Review of International Economics*, Vol. 23, Issue. 5.
37. Drysdale, P. and R. Garnaut (1993). *The Pacific: An Application of General Theory of Economic Integration*, In F. Bergsten and M. Noland (Editors), Pacific Dynamism and International Economic System, Institute for International Economics, Washington: Economics of Common Currencies, Allen and Unwin.
38. Faber, B. (2014). Trade Integration, Market Size and Industrialization: Evidence from China's National Trunk Highway System, Search for Other Works by this Author on, *The Review of Economic Studies*, Vol. 81, Issue. 3, 1.
39. Frankel, J. A and A. K. Rose (1998). "The Endogeneity of the Optimum Currency Area Criteria", *The Economic Journal*, Vol. 108.
40. Hamanaka, S. (2015). The Selection of Trade Integration Indicators: Intraregional Share, Intensity, Homogeneous Intensity and Introversion Index, adb Economics, Working Paper Series, No. 455.
41. Houthakker, H.S. and D. Taylor (1970). *Consumer Demand in the United States: Analyses and Projections*, Harvard University Press, Cambridge. MA.
42. Iapadre, L. and L. Tajoli (2014). "Emerging Countries and Trade Regionalization, A network Analysis", *Journal of Policy Modeling*, 36 (1).
43. Iapadre, L. and M. Plummer (2011). Statistical Measures of Regional Trade Integration, pp. 98–123, In P. De Lombaerde, R. Flôres, L. Iapadre and M. Schulz, eds. *The Regional Integration Manual, Quantitative and Qualitative Methods*, London, Routledge.
44. Im, K. S., M. H. Pesaran and Y. Shin (2003). "Testing for Unit Roots in Heterogeneous Panels," *Journal of Econometrics*, 115.
45. Jong, A and Richard Pin (2006). On the Measurement of Political Instability and its Impact on Economic Growth, University of Groningen, Working Paper.

46. Kabir, M. and R.Salim (2010). "Can Gravity Model Explain BIMSTEC'S Trade"?, *Journal of Economic Integration*, 25 (1).
47. Kao, Chinwa D. (1999). "Spurious Regression and Residual-Based Tests for Cointegration in Panel Data," *Journal of Econometrics*, 90.
48. Kaur, S. and P. Nanda (2010). "India's Export Potential to Other SAARC Countries: A Gravity Model Analysis", *Journal of Global Economy*, 6 (3).
49. Krings, G.M., J.F. Carpentier and J.C. Delvenne (2014). "Trade Integration and Trade Imbalances in the European Union: A Network Perspective", *PLOS ONE*, 9(1): e83448. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0083448>.
50. Kwasi Fosu, Augustin (2002). "Political Instability of Economic Growth: Implications of Coup Events in Sub-Saharan Africa", *American Journal of Economics and Sociology*, Vol. 61, No. 1.
51. Leitão, N.C., H. Faustino and Y. Yoshida (2010). "Fragmentation Vertical Intra-Industry Trade and Automobile Components", *Economics Bulletin*, 30 (2).
52. Levin, A., C. F. Lin and C. Chu (2002). "Unit Root Tests in Panel Data: Asymptotic and Finite-Sample Properties", *Journal of Econometrics*, 108.
53. Miljkovic, D. and A. Rimal (2008). "The Impact of Socio-Economic Factors on Political Instability: A Cross-Country Analysis", *The Journal of Socio-Economics*, Vol. 37, No. 6.
54. Plummer, M., D. Cheong and S. Hamanaka (2010). *Methodology for Impact Assessment of Free Trade Agreements*, Manila: ADB.
55. Pradumna. B. Rana, (2007). "Economic Integration and Synchronalization of Business Cycles in East Asia", *Journal of Asian Economics*, Vol. 18, Issue. 5.
56. Rahmani, Mitra, Mansoor Asgari and Mohamad Reza Abedin (2006). "Formation of Regional Trade Bloc Gains in Ccentral Asia", *Journal of Business Research*, No 38.

57. Serlenga, L. and Y. Shin (2007). "Gravity Models of Intra-EU Trade: Application of the CCEP-HT Estimation in Heterogeneous Panels with Unobserved Common Time- Specific Factors, *Journal of Applied, Econometrics*, 22.
58. SESRIC (2015). Measurement of Poverty on OIC Member Countries. The Statistical, Economic and Social Research and Training Centre for Islamic Countries (SESRIC), Kudüs Cad. No: 9, Diplomatik Site, 06450 Oran, Ankara –Turkey.
59. Shin, K. and Y. Wang (2004). "Trade Integration and Business Cycle Synchronization in East Asia", *Paper Provided by East Asian Bureau of Economic Research in its Series Trade Working Papers*, No. 360.
60. Waguespack, D.M., J. K. Birnir and J. Schroeder (2005). "Technological Development and Political Stability: Patenting in Latin America and the Caribbean", *Research Policy*, 34.
61. Williams, K. (2017). "Foreign Direct Investment, Economic Growth and Political Instability", *Journal Of Economic Development* 17, Vol. 42, No. 2.

راهبردهای توسعه کارآفرینی شهری در بستر اجتماعی شهر تهران

مجتبی بابایی هزه جان،* علی پیران نژاد،** بهمن خدایانه*** و سیده ریحانه لاجوردی****

نوع مقاله: علمی پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۳	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۴	شماره صفحه: ۱۱۷-۸۷
------------------------	------------------------	-----------------------	--------------------

شهرهای توسعه یافته با روش‌های نوین مدیریتی از پدیده شهرنشینی نه به عنوان چالش و بحران، بلکه به عنوان مسیر پیشرفت و ترقی بهره می‌برند. در این راه، کارآفرینی شهری با تبدیل چالش‌ها و مسائل جامعه شهری به فرصت‌هایی چون افزایش نرخ اشتغال، درآمد شهروندان، کاهش جرائم ناشی از بیکاری و فقر، افزایش خودکفایی شهروندان... به تأثیرگذاری در جوامع شهری می‌پردازد. از این رو نویسندگان در این مقاله با بهره‌گیری از روش پژوهش کیفی و استراتژی تحلیل تم و با هدف تحقق بستر اجتماعی مناسب برای توسعه پدیده کارآفرینی شهری، به شناسایی عوامل و موانع اجتماعی مؤثر بر این پدیده در شهر تهران پرداخته‌اند. بعد از انجام هجده مصاحبه عمیق با خبرگان و متخصصان حوزه جامعه‌شناسی و اقتصاد، در مرحله کدگذاری باز ۴۵ کد شناسایی شده و در مرحله کدگذاری محوری هفت دسته اصلی شامل تحمل‌پذیری اجتماعی، نقش‌پذیری اجتماعی، تصویرسازی اجتماعی، حساس‌شدگی اجتماعی، نظم‌دهی اجتماعی، هویت‌دهی محلی و صریح‌سازی دانش شناسایی و سپس با توجه به یافته‌های پژوهش، راهکارهایی در قالب توانمندسازی و جریان‌سازی اجتماعی در راستای تحقق راهبردهای توسعه کارآفرینی شهری در بستر اجتماعی شهر تهران ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: کارآفرینی شهری؛ جامعه شهری؛ شهرنشینی؛ شهر خلاق؛ توانمندسازی؛ جریان‌سازی

* کارشناسی ارشد مدیریت امور شهری، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛

Email: mojtabababaei@ut.ac.ir

** دانشیار دانشکده مدیریت، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه تهران؛

Email: pirannejad@ut.ac.ir

*** دانشجوی دکتری کارآفرینی، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران؛

Email: khodapanah@ut.ac.ir

**** کارشناسی ارشد مدیریت امور شهری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران؛

Email: r.lajevardi@ut.ac.ir

مقدمه

با افزایش جمعیت شهرهای جهان، اقتصاد جهانی نیز روزبه‌روز به شهرها وابسته‌تر می‌شود. شهرها با دستاوردهای بی‌سابقه‌ای که در زمینه رقابت و بهره‌وری ارائه می‌دهند تبدیل به مراکز دانش، نوآوری، تولیدات و خدمات خاصی می‌شوند که تفکر خلاقانه و نوآوری را تسهیل می‌کنند (UN-HABITAT, 2011). روند شهرنشینی در دهه‌های اخیر رشد چشمگیری را تجربه کرده است به طوری که در حال حاضر ۷۱ شهر بالای پنج میلیون در جهان وجود دارد (United-Nations, 2014). مناطق شهری توانایی تنوع‌پذیری طیف وسیعی از تخصص‌ها را دارند؛ همچنین و نیروی اصلی محرکه اقتصاد ملی و تولیدکننده بیش از ۸۰ درصد تولید ناخالص داخلی^۱ جهان هستند. در عصر حاضر صد شهر بزرگ جهان توان تولید ۳۵ درصد تولید ناخالص داخلی و ۲۰۰۰ شهر بزرگ جهان تولیدکننده ۷۵ درصد تولید ناخالص داخلی هستند. اما سؤال این است که چرا شهرها در کشورهای توسعه‌یافته با داشتن جمعیتی متراکم، نه تنها به‌عنوان یکی از معضلات مدیریتی مطرح نمی‌شوند، بلکه خود به‌عنوان موتور محرکه اقتصادی و اجتماعی عمل می‌کنند؟. تحقیقات نشان می‌دهند در عصر حاضر، کارآفرینی و توسعه اقتصادی بیش از هر زمان دیگری دارای ارتباط و پیوستگی تنگاتنگ و قوی هستند. (Toma, Grigore and Marines, 2014: 461). توسعه کارآفرینی شهری با زمینه‌سازی شرایط مساعد اقتصادی همچون اشتغال و خودکفایی مالی شهروندان دارای آثار مثبتی بر اجتماع و فرهنگ شهروندی نیز است و عدم ترویج آن به افزایش مشکلات اقتصادی چون نرخ بیکاری منجر می‌شود که دارای تأثیرات مخرب اجتماعی در بین شهروندان است. از این رو نتایج مطالعه‌ای که به مقایسه میزان و شدت آسیب‌های روانی بین مردان جوان شاغل و بیکار شهر تهران پرداخته است نشان می‌دهد که میانگین شاخص شدت کلی آسیب‌های روانی در گروه بیکار ۸۹ درصد و در گروه شاغل ۶۸ درصد است و شاخص شدت علائم آسیب‌شناسی روانی در افراد بیکار ۳۲ درصد و در افراد شاغل ۲۷ درصد است (فدایی و علی‌بیگی، ۱۳۹۰: ۹۷). بنابراین رابطه مستقیمی بین بیکاری و

1. Gross Domestic Product (GDP)

آسیب‌های اجتماعی همچون قتل عمد، سرقت و خودکشی وجود دارد، اما معمولاً این متغیر با وقفه‌های یک یا دودوره‌ای اثرگذاری خود را آشکار و نمایان می‌کنند از این رو آثار تخریبی پدیده بیکاری بسیار زیان‌بارتر از تورم است (عباسی‌نژاد، رضانی و صادقی، ۱۳۹۱: ۶۶). همان‌طور که بیان شد کارآفرینی شهری آثار اقتصادی و اجتماعی وافر دارد اما سؤالاتی که مطرح می‌شوند این است که کارآفرینی شهری در کجا و تحت چه شرایطی ظهور و نمود پیدا می‌کند؟ شرایط خانوادگی چه تأثیری بر روی تحقق کارآفرینی می‌گذارند؟ نظام آموزشی چه نقشی در توسعه کارآفرینی اجتماعی ایفا می‌کند؟ چه رابطه‌ای بین میزان مهاجرت به شهرها و توسعه کارآفرینی وجود دارد؟ و آیا مشکلات و چالش‌های اجتماعی فعلی شهرها در سراسر جهان منابع غنی و سرشاری از فرصت‌ها را برای کارآفرینی ارائه می‌کنند؟ (Munoz and Cohen, 2016: 87).

شهر تهران به‌عنوان بزرگترین کلان‌شهر ایران با جمعیت ۸۶۹۳۷۰۶ نفر (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) هنوز نتوانسته است در بهبود نرخ اشتغال، به‌عنوان یکی از شاخص‌های اندازه‌گیری کارآفرینی، خوب عمل کند. از این رو، نقاط شهری استان تهران با وجود نرخ بیکاری ۱۳/۸ درصدی در رتبه پازدهم نرخ اشتغال قرار دارد در حالی که نقاط روستایی همین استان با نرخ بیکاری ۴/۸ درصدی رتبه ششم نرخ اشتغال را در سطح ملی به خود اختصاص داده است. سهم بخش خصوصی از همین میزان نرخ اشتغال در نقاط شهری استان تهران، ۷۹ درصد است که پایین‌تر از میانگین کشوری بوده و رتبه شانزدهم را به این شهر اختصاص داده است (همان). این کلان‌شهر به‌عنوان پایتخت ایران که دارای اهمیت ملی - منطقه‌ای است برای رسیدن به رشد و توسعه پایدار، بایستی بیش از پیش به سوی ایجاد زمینه‌های مناسب کارآفرینی حرکت کند. آمارهای نشانگر وجود فرصت‌های بی‌شمار کارآفرینی هستند که نادیده گرفته می‌شوند. ۴۵ درصد از شرکت‌های بزرگ کشور در تهران قرار دارند در حالی که این شهر فقط ۱۲ درصد از نیروی کار کشور را در خود جای داده است، که از این میزان ۲۱ درصد متخصصان، ۲۳ درصد تکنسین‌ها و ۱۷ درصد فروشندگان و کارکنان خدماتی را شامل می‌شود و بقیه افراد در حوزه‌های اداری و کارمندی و نهادهای بوروکراتیک مشغول به کار بوده که فاقد روحیه کارآفرینی هستند (همان). به‌رغم اهمیت فوق‌العاده مسائل مطرح شده باید گفت تاکنون تحقیقی هم‌وزن اهمیت موضوع انجام نشده و این خلأ تحقیقاتی، حوزه عملیاتی را نیز تحت

تأثیر قرار داده و باعث عدم اجرای برنامه‌های هدفمند شده است. از این رو نویسندگان در مقاله حاضر بر آن شدند تا به شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر بر کارآفرینی شهری در شهر تهران بپردازند و با شناسایی این عوامل بسترها و زمینه‌های ظهور و توسعه هدفمند کارآفرینی شهری را فراهم کنند. قسمت اول مقاله به بررسی مبانی نظری و پیشینه تحقیق اختصاص داده شده است، در قسمت دوم مقاله روش تحقیق مورد بررسی قرار خواهد گرفت، در قسمت سوم نیز یافته‌های پژوهش را مورد بحث قرار خواهیم داد و در نهایت در قسمت چهارم نتیجه‌گیری کرده و پیشنهادهایی را از منظر سیاست‌گذاری ارائه کرده‌ایم.

۱. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

ارسطو منطق زیربنایی ساخت و اداره شهرها را تأمین امنیت و خوشبختی ساکنانش دانسته است (Hiraskar, 1989). افلاطون نیز شهر را مکانی می‌داند که انسان‌ها برای نیل به عاقبتی شرافت‌مندانه به‌طور مشترک در آن زندگی می‌کنند (Ibid.). این در حالی است که در عصر حاضر نیز تجدید و احیای جوامع بدون توسعه کسب‌وکارها امکان‌پذیر نیست (Robinson, 2008: 8). اکنون بیش از هر زمان دیگری در تاریخ، توسعه اقتصادی و کارآفرینی دارای ارتباط تنگاتنگ و قوی هستند (Galindo and Méndez, 2014: 826). به‌گونه‌ای که در اقتصادهای مدرنی که نوآوری و ایده‌پردازی راهبر اصلی آنهاست، با خلق ایده‌های محلی پیوند دارند. به‌طور تجربی، توزیع فضایی سرمایه انسانی پیامدهایی را برای ارتقای بهره‌وری دارد (Davis and Dingel, 2019).

شومپیتر کارآفرینی را به‌عنوان پدیده‌ای ناشی از عدم تعادل می‌بیند. او برای اینکه پویایی دنیای واقعی را در نظر بگیرد، مدل‌های تعادل منقطع را مطرح کرد. در این مدل‌ها، فرصت‌ها به‌صورت دوره‌ای و خارج از یک محدوده اقتصادی در اثر عواملی مانند ارائه منابع جدید، پیشرفت‌های تکنولوژیک و توسعه بازارها به‌وجود می‌آیند. شومپیتر معتقد است که تغییرات در تکنولوژی، نیروهای سیاسی، قوانین، عوامل اقتصاد کلان و روندهای اجتماعی، اطلاعات جدیدی را خلق می‌کند که کارآفرینان می‌توانند با استفاده از آنها منابع را به روش جدیدی به‌وجود آورند و ترکیبات ارزشمندی را از آنها خلق کنند (Schumpeter, 1942) وی این تحولات را شوک‌های برون‌زا می‌نامد.

به‌زعم دیوید هاروی، ترسیم شهر کارآفرین سه عامل اصلی را دربرمی‌گیرد؛ اول آنکه به نقش سیاست‌های دولت محلی در توسعه اقتصادی توجه شده است؛ به‌گونه‌ای که فهم تفاوت‌های فضایی و جغرافیایی در هنگام تدوین سیاست‌های توسعه کارآفرینی شهری به احتمال زیاد تأثیر قابل توجهی در خلق کسب‌وکارهای جدید و تقویت کسب‌وکارهای موجود شهری ایفا می‌کند (Davis and Dingel, 2019). دوم آنکه؛ بر ورود بازیگران خصوصی و راه‌های جدید در سازمان‌دهی اداره عمومی تأکید شده است و سوم آنکه؛ جهانی شدن اقتصاد، معمولاً متمایل به توسعه شهر کارآفرین دارد (بابایی هزه‌جان و دیگران، ۱۳۹۷؛ Sriram, Mersha and Herron, 2007). سیاستگذاران نیز در مقیاس محلی و ایالتی، کارآفرینی را کلید ساخت و حفظ رشد اقتصادی دانسته و به مرور زمان اقتصاد محلی، منطقه‌ای و ایالتی بر کارآفرینی متمرکز شده است. براساس تحقیقات قبلی، تأثیر سیاست‌های کارآفرینانه در سطح محلی بالاتر از سطح ملی است (Toma, Grigore and Marines, 2014: 461). سوک لی پیدا کردن منشأ خارجی کارآفرینی را چالش برانگیز عنوان می‌کند (Suk Lee, 2005: 8). کارآفرینی رویدادی شهری است که شایسته رویکردی متنوع است (Bosma and Sternberg, 2014: 8). در انجام تحقیقات کارآفرینی نباید فقط به آمار و ارقام اکتفا کرد، زیرا این پدیده همان‌گونه که یک پدیده اقتصادی است به همان میزان نیز یک پدیده اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شود و از آنان متأثر است (Shane, 2009). ماستر و گریستای (۲۰۱۰) بیان می‌کنند که پایتخت‌هایی با عملکرد سیاسی در سطح منطقه‌ای، اغلب انگیزه‌های قوی‌تری نسبت به پایتخت‌های سطح ملی در جهت رشد پویا و فعالیت‌های کارآفرینانه دارند (Bosma and Sternberg, 2014: 11). مؤسسات و نهادهای فعال در حوزه کارآفرینی در ابتدا تأکید کمی بر عامل محیطی داشتند و بیشتر ویژگی‌های فردی را مورد تأکید قرار می‌دادند، اما در سال‌های اخیر بر عوامل محیطی و اجتماعی تأکید بیشتری شد؛ به‌گونه‌ای که در آخرین مدل ارائه شده توسط دیده‌بان جهانی کارآفرینی^۱ محیط‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی اولین اثر را بر چرخه کارآفرینی می‌گذارد. در سال‌های اخیر محققان به این باور رسیده‌اند که فعالیت‌های کارآفرینانه به‌صورت اتفاقی در فضا و بین اماکن توزیع نشده‌اند (Suk Lee, 2005: 6) و کارآفرینی و نوآوری از لحاظ جغرافیایی

متمرکز شده‌اند (Glaeseri and Kerr, 2009: 365). در تحقیقات، کارآفرینی شهری یا تعبیری کارآفرینی تلقی می‌شود و یا به کسب‌وکارهای کوچک ارجاع داده می‌شوند که در مناطق دارای رکود اقتصادی، عملیاتی شده یا به ارائه خدمات می‌پردازند (Jones, 2007: 78). تامپسون بیان می‌کند که کارآفرینی شهری از تعریف واحد و خاصی برخوردار نیست، اما گاهی اوقات به معنای اقلیت و برخی زمان‌ها به معنای کسب‌وکارهای کوچک و یا ارائه‌دهنده خدمات در نواحی دارای رکود اقتصادی به کار برده می‌شود (Thompson, 2012: 132). به غیر از از تعاریف ارائه شده؛ محیط شهری به عنوان پیچیده‌ترین محیط در جهان کنونی، شامل عوامل مختلفی است که بر شخصیت افراد در دستیابی به موفقیت‌ها یا شکست‌ها تأثیر می‌گذارد (بابایی هزه‌جان، پیران‌نژاد، محمدپورزند و امیری، ۱۳۹۵). جامعه‌شناسان معتقدند کارآفرینان بر اطلاعات و خدمات حاصل از ارتباطاتشان تکیه می‌کنند و در مورد کارآفرینان مهاجر می‌توان گفت هرچند آنان سرمایه اجتماعی خود را در کشور مقصد از دست می‌دهند، اما تجارب فرامرزی آنان، امکان کارآفرینی را توسط آن افراد افزایش می‌دهد (Wahba and Zenou, 2012: 496). به عقیده ویلیامز، هاگینس و تامپسون روش‌های فضایی برای ارزیابی کارآفرینی به صورت گسترده بر روی نظریه‌های سرمایه اجتماعی ساخته شده‌اند. گرچه ماهیت و دامنه سرمایه اجتماعی محلی در جوامع محروم هنوز در حال تحقیق بوده و کمتر درک شده است، اما براساس یافته‌های محققان در محلات شهر لیدز، سرمایه اجتماعی رابطه‌ای قوی با الگوی کارآفرینی در مناطق محروم دارد. شکل‌های سرمایه اجتماعی در این محلات، متفاوت از محله‌های ثروتمندتر است که با ترویج تضمین سرمایه اجتماعی به عنوان تسهیلگر کلیدی کارآفرینی عمل می‌کنند. البته ممکن است در مراحل اولیه توسعه سرمایه؛ عاملی کمکی باشد اما با گذشت زمان به عاملی محدودکننده تبدیل شود. همچنین فقدان سرمایه اجتماعی متناظر با موفقیت کارآفرینی در این مناطق یافت می‌شود. از منظر سیاستگذاری، توصیه می‌شود سیاستگذاران و مسئولان کارآفرینی در محله‌های محروم شهری تلاش کنند تا ابتکارات را برای توسعه سرمایه اجتماعی اعم از کسب‌وکارهای محلی، ساکنان و سازمان‌های دولتی محلی افزایش دهند (Williams, Huggins and Thompson, 2018). تحقیقات انجام شده در زمینه کارآفرینی شهری عوامل اجتماعی زیر را مؤثر می‌دانند که به تشریح آنان می‌پردازیم.

۱-۱. میزان آموزش و تحصیلات شهروندان

آموزش تأثیر متوسطی بر شرکت‌های بزرگ دارد اما اثر بیشتری بر شرکت‌های کوچک و کارآفرین دارد. هرچه آموزش افزایش می‌یابد اندازه شرکت‌ها کاهش می‌یابد بنابراین ارتباطی مثبت بین آموزش، سطح تحصیلات و فعالیت‌های کارآفرینی وجود دارد. (Kauffman Foundation, 2008) به عقیده گلیسر در سطح فردی نیز دو عامل سن و تحصیل پیش‌بینی‌کننده کارآفرینی هستند (Glaeser, 2007). شهرهایی که سهم بیشتری از افراد تحصیل کرده را به خود اختصاص داده‌اند سهم بیشتری از کارآفرینان بالقوه را دارند (Acs, Bosma and Sternberg, 2008).

کارآفرینی و توسعه آن در مناطق مختلف ایران نیز از جمله مواردی است که به دلایل گفته شده مورد غفلت واقع شده یا اصلاً توجهی به آن نشده و یا اینکه برنامه‌ریزی دقیقی برای پیشبرد اهداف تعیین شده و اجرا نشده و عقب‌افتادگی مناطق در زمینه کارآفرینی منجر به ناکارآمدی زیست‌بوم کارآفرینی در کل کشور شده است. مراجعه به آمار و اطلاعات ارائه شده در مقیاس بین‌المللی شاهدهی بر این ادعاست. در سال‌های اخیر مؤسسات بین‌المللی همچون بانک جهانی؛ شاخص‌هایی را به منظور درک کیفیت محیط نهادی که ارتباط مستقیمی با اقتصاد کشورها دارد تدوین کرده‌اند؛ از جمله این شاخص‌ها عبارتند از: حکمرانی جهانی، سهولت انجام کسب‌وکار و... براساس آخرین گزارش سهولت انجام کسب‌وکار بانک جهانی^۱ برای سال ۲۰۱۹؛ ایران با کسب امتیاز ۵۶/۹۸ در رتبه ۱۲۸ قرار گرفته است. در این بررسی امتیاز ایران نسبت به گزارش سال گذشته بهبود یافته اما در عین حال با چهار پله تنزل از رتبه ۱۲۴ به ۱۲۸ رسیده است.

۱-۲. مجاورت و دسترسی شهروندان به منابع دانش

شواهدی در آمریکا و اروپا یافت شده است که نشان می‌دهد جریان‌های دانش، درون یک محدوده کوچک جغرافیایی محصور شده‌اند و نزدیکی فضایی یک عامل مهم در نوآوری

به شمار می‌رود (Ibid.). به‌زعم فلوریدا (۲۰۰۲) «جنگ بر سر استعدادها» به دلیل کمبود روزافزون کارگران ماهر در همه کشورها، مناطق صنعتی شده و شرکت‌ها شروع شده است. مطالعات بر روی فعالیت‌های کارآفرینانه افراد حاضر در کلاس خلاقیت فلوریدا نشان داد که آنها در ادراک فضایی، بسیار سیال و هنگام انتخاب مکان بسیار بصیر بوده و از پتانسیل بالای کارآفرینانه برخوردار هستند (Ibid.).

۱-۳. میزان جرائم و بزهکاری‌های شهری

خصوصیات ارزشی کارآفرینان به نواحی بالاتر شهری که دارای نرخ جرم کمتری هستند متمایل هستند، در نیویورک، این مورد، یکی از دلایل اصلی است که این نواحی شهری را به سکونتگاه‌های جذاب برای کارآفرینان موفق تبدیل کرده است (Kauffman Foundation, 2008). در شهر تهران، بیشترین آمار قتل به ترتیب مربوط به مناطق ۴، ۱۷ و ۱۲؛ نزاع‌های فردی و جمعی مناطق ۴، ۶ و ۱۶؛ گزارش سرقت در مناطق ۳، ۴ و ۱۲؛ جرم علیه اموال و مالکیت مناطق ۱۲، ۳ و ۷ و مفاسد اجتماعی نیز مناطق ۴، ۶ و ۱۴ بیشترین میزان را دارند. مرکز ثقل کانون‌های جرم خیز در قسمت‌های مرکزی و شمال شرقی بخش مرکزی شهر تهران شکل گرفته است (بارانی، کلانتری و جباری، ۱۳۸۹: ۲۷). اما تاکنون تحقیقی مبنی بر ارتباط مکان‌های جرم خیز با فعالیت‌های کارآفرینی در شهر تهران انجام نشده است.

۱-۴. وجود شبکه‌ها و نهادهای اجتماعی و محلی

برخی تحقیقات نشان می‌دهد کارآفرینان از طبقات اجتماعی - اقتصادی بالاتر و شبکه‌ها اجتماعی بودند که از دسترسی بیشتری به سرمایه انسانی برخوردار هستند (Sriram, Mersha and Herron, 2007: 236). در این میان کارآفرینان محلی سطح بالایی از دانش محلی را نسبت به افراد خارجی دارا هستند که این دانش محلی اغلب توسط مؤسسان شرکت‌ها و نهادها نادیده گرفته می‌شود زیرا مدل‌های اقتصادی نمی‌توانند ارزش دانش محلی را ارزیابی کنند (Robinson, 2008: 5) و بدون وجود دانشی قوی از ساختارهای محلی، فرصت‌های کسب و کار نادیده گرفته شده و از این رو در جوامع محلی، موفقیت کارآفرینان بومی در کسب و کارهای جدید از غیربومیان بیشتر است (Ibid.: 8).

۱-۵. میزان تراکم شهری

تحقیقات نشان می‌دهد که تراکم، کارآفرینی را و کارآفرینی، تراکم را تشویق می‌کند (Lazezar, 2004: 209). شهر تهران نیز به عنوان پایتخت ایران، سیر رشد جمعیت چشمگیری را پشت سر نهاده است و جمعیت آن از ۱/۵ میلیون نفر در سال ۱۹۵۶ به بیش از ۸/۵ میلیون نفر در سال ۲۰۱۶ رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) و اکنون پرجمعیت‌ترین شهر ایران و بیست و هفتمین شهر پرجمعیت جهان است (همان، ۱۳۹۰).

۱-۶. میزان تنوع شهری

درجه بالای تنوع فرهنگی و اقتصادی در مناطق شهری در مقایسه با سایر نقاط کشور، به عنوان عاملی مؤثر در افزایش رشد شهری مطرح است (Lee, Florida and Acs, 2004: 882). شهرهای بزرگ دسترسی به بازارهای کارگری ناهمگون و سرریز اطلاعاتی را به کارآفرینان بالقوه ارائه می‌دهند (Rosenthal and Strange, 2004: 2163). نواحی شهری بزرگ در اروپا که کاملاً ناهمگون هستند، به عنوان پیشگامان نوآوری، کارآفرینی و تغییر نقش ایفا می‌کنند (Bosma and Sternberg, 2014). در تهران، تنوع در حوزه‌های مختلف همچون حوزه کسب و کار دارای طیف وسیعی از حوزه‌های فعالیتی است، ۱۷ درصد شاغلان شهر تهران را کارکنان خدماتی و بازاریان، ۱۶ درصد را متخصصان، ۱۶ درصد را صنعتگران، ۱۱ درصد را تکنسین‌ها، ۱۰ درصد در حوزه حمل و نقل و مونتاز، ۸ درصد کارمندان اداری، ۷ درصد قانونگذاران و مدیران و ۷ درصد شامل کارگران ساده می‌شود. بیشتر قانونگذاران، مقامات عالی‌رتبه، مدیران و متخصصان در قسمت شمالی شهر تهران و در مناطق ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶ مستقر هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

۱-۷. نرخ مهاجرت

در مناطق شهری، رابطه پیچیده‌ای میان تنوع زیاد، مهاجرت و فعالیت‌های کارآفرینانه به وسیله مهاجران در بسیاری از شهرهای بزرگ اروپا وجود دارد (Sepulved, Syrett and Lyon, 2011: 483). در آلمان تعداد افراد خلاق در یک منطقه با میزان بالای مهاجرت دارای ارتباط مثبتی

است (Fritsch and Stützer, 2007: 23) و یا موفقیت آمریکایی - آفریقایی ها از نظر شاخص خوداشتغالی بالاتر از گروه های مهاجر آسیایی است (Bates, 1999: 174). در بین جمعیت مهاجرانی که طی دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ وارد شهر تهران شده اند، بیشترین تعداد مهاجر از خود استان تهران با جمعیت ۱۳۲۳۷۰ نفر بوده است و بعد از آن استان های البرز (۱۷۳۸۸)، خراسان رضوی (۱۷۰۱۲)، اصفهان (۱۴۵۴۰)، مازندران (۱۰۸۹۷)، همدان (۱۰۸۰۵) و آذربایجان شرقی (۱۰۷۱۶) نیز بیشتر از ۱۰ هزار مهاجر به شهر تهران فرستاده اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). اما اینکه نرخ کارآفرینی در بین دسته های افراد مهاجر به تهران به چه میزانی است اطلاعاتی در دست نیست.

جدول ۱. عوامل مؤثر بر نرخ کارآفرینی مهاجران

عامل مؤثر	سال	پژوهشگر (ان)
آموزش تجربی سرمایه انسانی مهاجران	۲۰۱۰	Sahin, Nijkamp and Stough
مهارت های زبانی مهاجران	۲۰۱۰	Sahin, Nijkamp and Stough
تلقی صرفه جویی به عنوان ارزش و عامل تسریع بازگشت به وطن	۱۹۷۳	Bonacick
روابط نزدیک خانوادگی، همیاری و خویشاوندی	۱۹۷۳	Bonacick
سختکوشی به عنوان عامل تسریع بازگشت به وطن	۱۹۷۳	Bonacick
دسترسی ارزان به کارگران	۱۹۸۳	Ward
فرصت های موجود در شرکت های قومی و همیاری در ارائه خدمات به مشتریان	۱۹۸۳	Ward
دسترسی به شبکه های غیر رسمی برای تأمین مالی	۲۰۰۷	Sriram, Mersha and Herron
کارگران بدون مزد خانواده ها	۲۰۰۷	Sriram, Mersha and Herron

مأخذ: یافته های تحقیق.

۸-۱. وجود گروه های قومی و اقلیتی

نرخ های کارآفرینی، در وهله اول به مهاجرت نژادی و اقلیت های قومی ارجاع داده می شوند و تفاوت های قابل توجهی درون خود اقلیت های بومی و همچنین بین اقلیت های بومی و اکثریت

مردم وجود دارد. برای مثال، احتمال خوداشتغالی سیاه‌پوستان سه برابر سفیدپوستان است (Basu and Werbner, 2001: 239) و میزان علاقه به کارآفرینی در دختران آفریقایی - آمریکایی و اسپانیایی از دختران سفیدپوست بیشتر است (Sriram, Mersha and Herron, 2007: 237). در آمریکا تعداد شرکت‌های اقلیت‌ها از ۸۲۴۹۵۱ در سال ۱۹۸۲ به ۲۷۸۶۰۹۸ در سال ۱۹۹۷ رسید (Sahin, Nijkamp and Stough, 2010: 673). ۸۰ درصد کارآفرینان قومی - اقلیتی از پشتیبانی گروه‌های خانوادگی همچون پشتیبانی‌های مالی، همکاری، شراکت، فنی، بازاریابی، خرید، نگهداری کودکان و... بهره‌مند بوده‌اند که از میان انواع حمایت‌ها، بیشترین آنها به نگهداری از کودکان کارآفرین (۳۱ درصد)، بازاریابی (فرستادن مشتری) (۲۹ درصد)، همکاری و شراکت در کارآفرینی مربوط می‌شود و زنان کارآفرین قومیتی؛ حمایت‌های خانوادگی را به میزان ۱۲ درصد در موفقیت‌های خود دخیل دانسته‌اند (Baycan Levent, Masurel and Nijkamp, 2003: 1143). اکثر کسب‌وکارهای اقلیت‌های قومی در شرایط سخت شهری و اقتصادی رشد کرده‌اند (Sriram, Mersha and Herron, 2007: 239) و استفاده از کارگران بدون مزد خانواده‌ها در بخش خرده‌فروشی، هزینه‌های ورودی و عملیاتی را برای این دسته از افراد کاهش می‌دهد (Ibid.: 241). البته در بعضی اوقات تعلق به گروه‌های قومی خاص می‌تواند مانعی برای رسیدن به موفقیت کارآفرینان و افراد شود، اکثر اقلیت‌ها در برخی از کشورها با تبعیض، عدم دسترسی به بازارهای کار، مشکل شرکت در جلسات مورد نیاز آموزشی و گذراندن دوره‌های تحصیلی و محدود بودن فرصت‌ها برای پیشرفت‌های شغلی روبه‌رو هستند و این ممکن است خوداشتغالی را به عنوان جایگزینی مناسب برای کارمند حقوق‌بگیر مطرح کند (Basu and Altinay, 2002: 378).

۹-۱. ترکیب جمعیتی

تحقیقات در ایالات متحده آمریکا نشان می‌دهد ترکیب سنی جمعیت شهری رابطه معناداری با کارآفرینی شهری دارد. افراد مسن بیشتر به خوداشتغالی تمایل دارند و افرادی که در سن ۶۵ سالگی کار می‌کنند ۹ درصد بیشتر از شاغلان ۲۵ ساله تا ۳۴ ساله به خوداشتغالی تمایل دارند (Kauffman Foundation, 2008). متغیرهای جمعیتی در مطالعه ادوارد گلیسر نشانگر این مهم بودند که در شهرهای

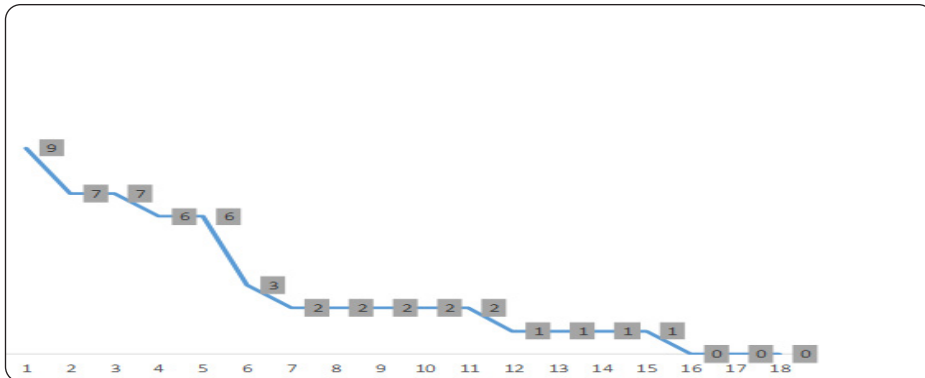
آمریکا فراوانی جمعیت زیر چهل سال پیش بینی کننده وجود شرکت های کوچک است (Glaeser, 2007).

۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از منظر شیوه گردآوری داده ها در رده تحقیقات توصیفی قرار می گیرد. بعد از مطالعات کتابخانه ای، داده ها و اطلاعات از طریق مصاحبه های نیمه ساختاریافته به دست آمده و به شیوه تحلیل تم و در دو سطح کدگذاری باز و محوری انجام و تجزیه و تحلیل شده اند. جامعه پژوهش در این تحقیق با توجه به میان رشته ای بودن موضوع شامل مجموع افراد خبره و متخصص در زمینه کارآفرینی شهری است. نمونه آماری انتخاب شده پژوهشگران کارآفرینی و مدیریت شهری (هفت نفر)، مدیران شهرداری تهران (۶ نفر) و کارآفرینان برتر شهر تهران (پنج نفر) هستند که برای انتخاب آنان از روش گلوله برفی استفاده شده است. به زعم کاول (۱۹۹۶) تعداد نمونه های مورد نیاز برای انجام مصاحبه، بستگی به هدف مطالعه دارد و با توجه به زمان و منابع قابل دسترس، تعداد 10 ± 15 نمونه برای انجام مصاحبه کافی خواهد بود (شاهی، ۱۳۹۲). اما در پژوهش حاضر برای تعیین حجم نمونه از اشباع نظری استفاده شده است. برخلاف روش های نمونه گیری احتمالی که در آنها هدف تعمیم نتایج از یک نمونه معرف به کل جامعه مورد پژوهش است در روش های کیفی چنین هدفی مدنظر نیست و معیار توصیف یا تبیین یک پدیده به مشروح ترین شکل ممکن است. بنابراین معیاری معرفی می شود که رسیدن به حداکثر اطلاعات در مورد پدیده به عنوان نقطه پایان در نظر گرفته می شود. این معیار در زمینه پژوهش های کیفی، اشباع نامیده می شود. استفاده از روش اشباع داده در پژوهش های کیفی به عنوان استاندارد طلایی پایان نمونه گیری در نظر گرفته می شود.

فرایند اشباع نظری به صورت خلاصه در نمودار زیر مشاهده می شود. در این نمودار، محور عمودی نشان دهنده تعداد مفاهیم جدیدی است که در مصاحبه شناسایی شده است و محور افقی نشان دهنده شماره مصاحبه هاست.

نمودار ۱. فرایند اشباع نظری



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

در این پژوهش، محققان از پایایی بازآزمون و روش توافق درون موضوعی برای محاسبه پایایی مصاحبه‌های صورت گرفته، استفاده کرده‌اند و برای ارزیابی ثبات کدگذاری پژوهشگران، محاسبه پایایی بازآزمون (شاخص ثبات) انجام شد. به عبارتی بعد از مرور چندین باره مصاحبه‌ها، چهار مصاحبه به عنوان نمونه، انتخاب و کدگذاری شدند و سپس کدهای مشخص شده در دو فاصله زمانی برای هر کدام از مصاحبه‌ها با هم مقایسه و در نهایت درصد پایایی بازآزمون چهار مصاحبه انتخاب شده به ترتیب ۹۰، ۹۲، ۸۰، ۸۴ درصد به دست آمد که بیانگر تأییدپذیری این آزمون است. همچنین علاوه بر انجام پایایی بازآزمون توسط مصاحبه‌کننده، سه مورد از مصاحبه‌ها نیز توسط سه نفر از خبرگان، کدگذاری و مقایسه شدند و نتایج نشان دادند که بین دو کدگذار و کدگذار اصلی، ۸۶ درصد توافق وجود دارد. محققان در این تحقیق با ارسال یافته‌های مصاحبه‌ها به افراد مصاحبه‌شونده و اخذ نظرات اعم از انتقادات و پیشنهادها به انجام آزمون گوبا و لینکلن پرداختند. در این تحقیق به زعم افراد مصاحبه‌شونده، یافته‌های پژوهش تا حد بسیار زیادی، بازتاب عوامل اجتماعی مؤثر بر کارآفرینی شهری است.

۳. یافته‌های پژوهش

پس از تحلیل مصاحبه‌های انجام شده، در مرحله کدگذاری باز حدود ۷۳ کد اولیه

شناسایی شدند که با ادغام کدهای مشابه و حذف موارد زائد ۴۵ کد نهایی احصا شد. کدهای شناسایی شده در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۲. کدهای باز احصا شده از متن مصاحبه‌ها

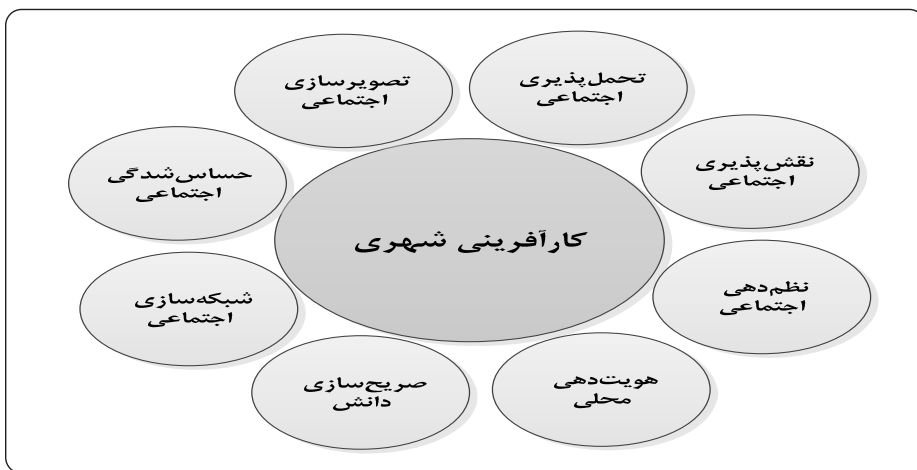
ردیف	کد باز	برخی از منابع
۱	مستندسازی و انتشار تجارب کارآفرینان	I1-I2-I3
۲	ایجاد فضای خلاقانه آموزشی	I2-I5-I12-I18
۳	کاربردی و عملی کردن دوره های آموزشی	I18-I16
۴	توسعه آموزش های ضمن خدمت	I5-I13
۵	ارتقای محتوای مطالب آموزشی	I4-I6-I7-I9
۶	استفاده از کارآفرینان در نظام آموزشی	I9-I11
۷	تقویت حس تعلق مکانی شهروندان	I2-I3-I17
۸	تقویت اصالت های محلی	I3-I6
۹	تقویت پتانسیل های محلی	I5-I6-I8-I9
۱۰	اصلاح و توسعه سرای محلات	I2-I5-I7-I14
۱۱	ارتقای امنیت عمومی شهروندان	I4-I8-I10-I12
۱۲	توسعه هدفمند مهاجرت بین شهری	I3-I6-I8-I15
۱۳	افزایش ثبات و کاهش تنش زندگی شهروندان	I6-I9-I11-I13
۱۴	افزایش نظارت عمومی شهروندان	I5-I7-I9-I10
۱۵	توسعه عدالت اجتماعی در شهر	I2-I6-I8-I18
۱۶	توسعه راه های ارتباطی مردم با کارآفرینان	I7-I8-I10-I13
۱۷	ایجاد و تقویت تشکل های خرد و مردم نهاد	I4-I6-I8-I9
۱۸	ایجاد اتاق فکر برای کارآفرینان	I5-I6-I7-I12
۱۹	توسعه فعالیت های گروهی در شهر	I2-I6-I8-I10
۲۰	توسعه شبکه های اجتماعی مجازی	I5-I6-I7-I17
۲۱	ایجاد شبکه های کارآفرینی در سطح شهر	I3-I5-I7-I14
۲۲	معرفی کارآفرینان و محصولاتشان در سطح جامعه	I2-I9-I11-I17

ردیف	کد باز	برخی از منابع
۲۳		ارتقای دیدگاه اطرافیان نسبت به کارآفرینان
۲۴		تکریم و تشویق کارآفرینان
۲۵		برگزاری نمایشگاه‌های کارآفرینی
۲۶		ارتقای جایگاه کارآفرینان در رسانه‌ها
۲۷		توسعه ارتباط بین کارآفرینان موفق و نوپا
۲۸		افزایش آگاهی عمومی شهروندان
۲۹		گفتمان‌سازی فراگیر کارآفرینی در سطح جامعه
۳۰		جهت‌دهی به اوقات فراغت شهروندان
۳۱		برگزاری تورهای کارآفرینی برای شهروندان
۳۲		آگاه‌سازی دانش‌آموزان از فعالیت کسب‌وکارها
۳۳		توسعه آگاهی شهروندان از روند توسعه کشورهای پیشرفته
۳۴		حمایت از شهروندان آسیب‌پذیر
۳۵		بهبود دیدگاه شهروندان نسبت به سرمایه‌گذاری
۳۶		افزایش ریسک‌پذیری شهروندان
۳۷		ارتقای اعتماد اجتماعی شهروندان
۳۸		کاهش تعصبات فرهنگی و مذهبی شهروندان
۳۹		افزایش روحیه غیرپذیری شهروندان
۴۰		ارتقا و توسعه فعالیت‌های خیرخواهانه و بشردوستانه
۴۱		ایجاد نشست‌های عمومی در تصویب طرح‌های مهم شهری
۴۲		اصلاح فرهنگ جنسیت‌سالاری
۴۳		کاهش وابستگی فرزندان به خانواده
۴۴		کاهش تمایل به کار در سیستم‌های دولتی
۴۵		تعدیل روحیه قناعت‌پیشگی شهروندان

توضیح: در این قسمت مصاحبه‌شونده‌هایی که کدهایی مشابه کدهای ارائه شده توسط دیگران را ارائه کرده‌اند نیز ذکر شده است. برای مثال مصاحبه‌شونده شماره ۱۸ کد جدیدی را برای تحقیق به ارائه نداده و در مصاحبه به مواردی اشاره کرده که در مصاحبه‌های قبلی به آنها اشاره شده است. باین‌حال به رسم امانت‌داری و احترام به حقوق مصاحبه‌شونده آن را نیز جز منابع کدها ذکر کرده‌ایم.
 مأخذ: همان.

به عنوان مثال تعدادی از نمونه های سندی که کدها از آنها احصا شده اند در پاورقی آمده است^۱. در تحقیق حاضر نویسندگان بعد از شناسایی ۴۵ کد، هر یک را در دسته های فرعی مرتبط قرار دادند و دسته های فرعی نیز به تناسب در دو دسته اصلی توانمندسازی اجتماعی و جریان سازی اجتماعی جای گرفتند.

شکل ۱. عوامل اجتماعی مؤثر بر کارآفرینی شهری در تهران



مأخذ: یافته های تحقیق.

- ۱ - ببینید تعداد کم فرزندان و توجه بسیار زیاد والدین به آنان باعث شده که فرزندان نتوانند مستقل بار بیایند.
- سوم اینکه خیلی مهمه اون تولورانس هست این خیلی کلیدیة حالا ایشون یه شاخص هایی رو برای تولورانس توی جامعه غربی برمی شمرد شاید اون جامعه درست هم هست توی ایران قابل سنجش نیست ولی به نظر من یکی از شاخص های مهم تولورانس نقش تعصب هست میزان تعصب به یه چیزی، در واقع این تولورانس معنی تسامح و غیرپذیری و پذیرش دیگران به عبارتی ایجاد ظرفیتی که جامعه ای می تونه آدم های غریبه رو بپذیره.
- معمولاً وقتی به یه نقطه ای ما می رسیدیم که دیگه واقعاً چاره ای نداشتیم توکل به خدای کردیم این مشکلی که اتفاق افتاده رو چه جوری حل کنیم... اعمال مذهبی که یکی از اساسی ترینشونه چون دیگه خیلی موقع ها هست که دیگه هیچ راهی نیست.
- یعنی بدون دردسر بدون ریسک می خوان کاری رو شروع کنیم بعد یعنی به خاطر همین هم که اکثراً یعنی به حداقل ها راضی هستیم و زود قانع می شیم.
- جامعه ما یه جامعه محتاط و محافظه کاریه... معمولاً افرادی مثل ما که محافظه کار هستن اینها هستن که توی محیط های اداری و متأسفانه غالب جامعه این طوره به این شکل پیش رفته.
- ولی به نظر من اگر این اصالت های محلی شناسایی بشن و تقویت بشه و الگوسازی و مدل سازی بشه می تونه توی هدف گذاری و هدایت یه سری سیاست هایی که حالا به دنبالش هستیم...

۳-۱. توانمندسازی اجتماعی

دسته اصلی توانمندسازی اجتماعی شهروندان از ۲۱ کد تشکیل شده است که در چهار دسته فرعی جای گرفته‌اند و عبارت‌اند از: صریح‌سازی دانش هویت‌دهی محلی، نظم‌دهی اجتماعی و شبکه‌سازی اجتماعی.

جدول ۳. کدها و دسته‌های فرعی توانمندسازی اجتماعی

استفاده از کارآفرینان در نظام آموزشی	ارتقای محتوای مطالب آموزشی	توسعه آموزش‌های ضمن خدمت	کاربردی و عملی کردن دوره‌های آموزشی	ایجاد فضای خلاقانه آموزشی	مستندسازی و انتشار تجارب کارآفرینان	صریح‌سازی دانش
-	-	اصلاح و توسعه سرای محلات	تقویت پتانسیل‌های محلی	تقویت اصالت‌های محلی	تقویت حس تعلق مکانی شهروندان	هویت‌دهی محلی
-	توسعه عدالت اجتماعی در شهر	افزایش نظارت عمومی شهروندان	افزایش ثبات و کاهش تنش زندگی شهروندان	توسعه هدفمند مهاجرت بین شهری	ارتقای امنیت عمومی شهروندان	نظم‌دهی اجتماعی
ایجاد شبکه‌های کارآفرینی در سطح شهر	توسعه شبکه‌های اجتماعی مجازی	توسعه فعالیت‌های گروهی در شهر	ایجاد اتاق فکر برای کارآفرینان	ایجاد و تقویت تشکل‌های خردو مردم‌نهاد	توسعه راه‌های ارتباطی مردم با کارآفرینان	شبکه‌سازی اجتماعی

مأخذ: همان.

صریح‌سازی دانش در بین دسته‌های فرعی توانمندسازی اجتماعی، بیشترین تأکید را در بین افراد مصاحبه‌شونده به خود اختصاص داد. افراد مصاحبه‌شونده نبود سرفصل‌های مناسب درسی و تأکید بیش از حد بر مفاهیم و تئوری‌ها را از عوامل کاهش خلاقیت کودکان و دلزدگی آنان از آموزش دانستند که تأثیر این ضعف نیز با عدم به‌کارگیری کارآفرینان در فضای آموزشی دوچندان می‌شود. دیکنه‌ای بودن نظام آموزشی در مراحل اولیه نیز باعث کاهش قدرت خلاقیت و نوآوری دانش‌آموزان شده و در آینده با کاهش روحیه نوآوری؛

امکان و احتمال کارآفرین شدن آنان را کاهش می‌دهد. عدم گردآوری تجارب کارآفرینان موفق و ناموفق و در نهایت در دسترس نبودن این تجارب باعث شده است که کارآفرینان نوپا در مراحل اولیه اشتباهات متداولی را مرتکب و بعد از مدتی دلسرد شوند و دست از کار بکشند. خبرگان و کارآفرینان عدم فضا و روحیه فعالیت‌های گروهی را یکی از مشکلات و موانع کارآفرینی شهری تلقی کرده‌اند و با توجه بر اینکه شهر در مقابل روستا به‌عنوان فضای غربت شناخته می‌شود فعالیت‌های گروهی از اقبال اندکی برخوردار هستند. از این رو می‌توان با احداث شبکه‌های مجازی، سرعت ارتباطات و در نهایت سرعت گردش اطلاعات را افزایش داد. همچنین با راه‌اندازی تشکل‌های مردم‌نهاد، می‌توان مشارکت مردم را در فعالیت‌های اقتصادی همچون کارآفرینی شهری افزایش داد. با افزایش دسترسی شهروندان به کارآفرینان، که می‌تواند در قالب فعالیت‌های گروهی تحقق یابد، شهروندان می‌توانند از مشاوره‌های آنان بهره ببرند. خبرگان مصاحبه‌شونده، تقویت هویت محلی را باعث افزایش تعهد خاطر کارآفرینان به شهر و محل خود دانسته‌اند که به نوبه خود باعث ماندگاری آنان در شهر خویش با وجود مشکلات متعدد می‌شود. بهتر است سرای محلات از لحاظ ساختاری اصلاح شده و فعالیت افراد محلی در اداره آنها افزایش یابد. در این راه سرای محلات هرکدام باید متناسب با هویت محلی و نیازهای ساکنان خویش به اجرای برنامه و انجام فعالیت‌ها پردازند و از برنامه‌ریزی بالا به پایین توسط شهرداری خودداری شود. همچنین با احداث هیئت‌ها، صندوق‌ها و انجمن‌های محلی به افرادی که دارای مشکلات اشتغال و مالی هستند کمک مالی یا فکری کرد که این کار باعث افزایش دلگرمی، ریسک‌پذیری و توسعه فعالیت افراد می‌شود. به‌زعم مصاحبه‌شوندگان تعدادی از گروه‌های جمعیتی و محلی در برخی از فعالیت‌ها و مشاغل دارای مزیت نسبی هستند که حکمرانی شهری باید به شناسایی و تقویت آنها پردازد و نظم‌دهی اجتماعی نیز از طریق ارتقای امنیت عمومی، عدالت اجتماعی، نظارت عمومی، ثبات و مهاجرت هدفمند حاصل شود. کارآفرینی در شهر تهران بیشتر از نوع کارآفرینی اجباری بوده و فرصت‌محور نیست و افراد به ناچار به کارآفرینی روی می‌آورند. افزایش موارد بالا باید باعث ارتقای حس تعلق مکانی کارآفرینان در شهر شود. برنامه‌ریزان شهری نیز باید به دنبال جذب هدفمند مهاجران

باشند تا با اعطای امتیاز به افراد متخصص و کارآفرین هم آنها را جذب شهر کرده و هم به صورت غیرمستقیم باعث دلسردی مهاجران بدون تخصص شده و در نهایت بهره‌وری شهر را افزایش دهند.

۳-۲. جریان سازی اجتماعی

دسته اصلی جریان سازی اجتماعی در نظر مصاحبه‌شوندگان نسبت به دسته توانمندسازی بیشتر مورد تأکید قرار گرفت که نشانگر جهت‌دهی به افکار و اعمال شهروندان در جهت توسعه کارآفرینی شهری است.

جدول ۴. کدها و دسته‌های فرعی جریان سازی اجتماعی

توسعه ارتباط بین کارآفرینان موفق و نوپا	ارتقای جایگاه کارآفرینان در رسانه‌ها	برگزاری نمایشگاه‌های کارآفرینی	تکریم و تشویق کارآفرینان	ارتقای دیدگاه اطرافیان نسبت به کارآفرینان	معرفی کارآفرینان و محصولاتشان در سطح جامعه	تصویرسازی اجتماعی
توسعه آگاهی شهروندان از روند توسعه کشورهای پیشرفته	آگاه‌سازی دانش‌آموزان از فعالیت کسب‌وکارها	برگزاری تورهای کارآفرینی برای شهروندان	جهت‌دهی به اوقات فراغت شهروندان	گفتمان‌سازی فراگیر کارآفرینی در سطح جامعه	افزایش آگاهی عمومی شهروندان	حساس‌شدگی اجتماعی
افزایش روحیه غیرپذیری شهروندان	کاهش تعصبات فرهنگی و مذهبی شهروندان	ارتقای اعتماد اجتماعی شهروندان	افزایش ریسک‌پذیری شهروندان	بهبود دیدگاه شهروندان نسبت به سرمایه‌گذاری	حمایت از شهروندان آسیب‌پذیر	تحمل‌پذیری اجتماعی
تعدیل روحیه قناعت‌پیشگی شهروندان	کاهش تمایل به کار در سیستم‌های دولتی	کاهش وابستگی فرزندان به خانواده	اصلاح فرهنگ جنسیت‌سالاری	ایجاد نشست‌های عمومی در تصویب طرح‌های مهم شهری	ارتقا و توسعه فعالیت‌های خیرخواهانه و بشردوستانه	نقش‌پذیری اجتماعی

مأخذ: همان.

در بین دسته‌های فوق، دسته تصویرسازی اجتماعی مورد تأکید بیشتری قرار گرفت که شامل فرایندهایی است که به وسیله آن می‌توان دیدگاه‌های شهروندان را نسبت به

کارآفرینان ارتقا داد، در شرایط فعلی دیدگاه مطلوبی نسبت به کارآفرینان در جامعه ایران وجود ندارد. براساس داده‌های دیده‌بان جهانی کارآفرینی (۲۰۱۴) ایران در توجه رسانه‌ای به کارآفرینان رتبه ۴۳ جهان را دارد (دفتر دیده‌بان جهانی کارآفرینی در ایران، ۱۳۹۳). برگزاری نمایشگاه‌های کارآفرینی و معرفی کارآفرینان موفق و محصولات‌شان و تجلیل از آنان علاوه بر منافع مالی و معنوی که نصیب کارآفرینان می‌کند، می‌تواند اذهان عمومی را به انجام فعالیت‌های کارآفرینانه ترغیب کند و به عنوان یک پل ارتباطی بین کارآفرینان و مردم تلقی شود. شهروندان نیز بیشتر به دنبال ایفای نقش‌های کاذب دارای ریسک کمتر هستند و در حین ایفای نقش به دنبال فرافکنی و شانه خالی کردن از مسئولیت‌ها هستند. افراط در قناعت‌پیشگی و تفسیر نادرست این مهم باعث شده است که افراد از ریسک‌های شغلی دوری کرده و به حقوق ناشی از کارمندی راضی باشند و با وجود فرصت‌های کارآفرینی به سمت مشاغل دولتی و کارمندی رغبت پیدا کنند. روحیه پدرسالاری در خانواده‌ها نیز باعث شده است که تمام اعضای خانواده به درآمد و فعالیت‌های مرد خانواده متکی شوند، به عبارتی نهاد خانواده و مدیریت امور آن قائم به فرد بوده و در درازمدت باعث کاهش تمایل فرزندان به فعالیت و اشتغال می‌شود. از سوی دیگر کاهش تعداد فرزندان و در نتیجه توجه بیش از حد والدین به آنان و همچنین حمایت بی‌حد و حصر در رفع نیازهای کودک و فراهم کردن رفاه بیش از حد باعث تن‌آسایی فرزندان در جامعه کنونی شهر تهران شده است که روحیه ریسک‌پذیری و اقدام به عمل را در نسل‌های فعلی و آتی کاهش داده است. عامل تحمل‌پذیری اجتماعی نیز به دلیل وجود برخی تعصبات کورکورانه فرهنگی و مذهبی ناشی از برداشت‌های نادرست باعث کاهش روحیه غیرپذیری و کاهش ورود کارآفرینان به شهر تهران یا مهاجرت کارآفرینان شهر تهران به خارج از کشور شده است. برخورد چندگانه مردم و سازمان‌ها با پدیده سرمایه‌گذار خود نمود بارز این مهم است. با توجه به محیط مصنوع و غریب شهری، سطح اعتماد نیز بین شهروندان اندک بوده و و این عدم اعتماد به همراه روحیه ریسک‌گریزی در سطح اداری باعث گسترش بروکراسی زائد شده است که با دلسرد کردن کارآفرینان، مانع ورود آنان به فعالیت کارآفرینانه می‌شود. دسته حساس‌شدگی اجتماعی بیشتر به گفتمان‌سازی و حساس کردن اذهان و افکار عمومی به پدیده کارآفرینی اشاره دارد که می‌تواند با آگاه‌سازی شهروندان انجام گیرد. براساس نظر مصاحبه‌شوندگان گفتمان‌های انجام شده در

معرفی کشورهای توسعه یافته صرفاً به ارائه تصویری سطحی از پیشرفت این کشورها اکتفا کرده و افکار شهروندان را با چگونگی و سختی های مسیر پیشرفت و ترقی این کشورها آشنا نکرده است.

۴. جمع بندی، نتیجه گیری و ارائه پیشنهادها

هدف از انجام تحقیق حاضر شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر بر کارآفرینی شهری در شهر تهران بود. از این رو با استفاده از روش تحقیق کیفی به مصاحبه هدفمند با خبرگان و متخصصین حوزه کارآفرینی شهری پرداخته شد. تجزیه و تحلیل داده های تحقیق منتج به احصا شدن ۴۵ کد باز در مرحله نخست کدگذاری (باز) شد. در مرحله دوم کدگذاری نیز هفت طبقه شامل تحمل پذیری اجتماعی، نقش پذیری اجتماعی، تصویرسازی اجتماعی، حساس شدن اجتماعی، نظم دهی اجتماعی، هویت دهی محلی و صریح سازی دانش شناسایی شدند.

شهر تهران به رغم پتانسل های موجود تاکنون نتوانسته است در توسعه پدیده نوظهور «کارآفرینی شهری» گام های مؤثری بردارد و از همین روی خبرگان مصاحبه شونده نه بر پتانسل ها که بر استفاده صحیح و مطلوب و کارآمد از آنان تأکید داشته اند و معتقدند عوامل شناسایی شده در ادبیات تحقیق به مثابه مواد خامی هستند که در چرخه تولید وجود دارد اما در تبدیل این مواد خام به مصالح کاربردی بایستی تغییر رویه داد. در این راستا باید تمامی عوامل دخیل همچون شهروندان، مدیریت شهری، مراکز علمی و... دست به دست هم داده و در گام نخست از طریق سرمایه سازی و توانمندسازی به ظهور پدیده کارآفرینی شهری کمک کرده و در گام بعدی به وسیله جریان سازی آن را توسعه و جهت دهند. عوامل مؤثر بر پدیده کارآفرینی شهری همچون عوامل اقتصادی نظیر پرداخت مالیات، تحقق درآمد پایدار، کاهش تخلفات اداری و... خود تحت تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی قرار می گیرند. سوک لی، فلوریدا و آکس بیان می کنند که بین شکل گیری شرکت های جدید، مشخصات اجتماعی مناطق و سرمایه انسانی ارتباط وجود دارد و تنوع اجتماعی و خلاقیت ارتباط مثبتی با شکل گیری شرکت ها دارند و در نهایت تنوع اجتماعی و سرمایه انسانی تأثیر بسزایی بر نوآوری های منطقه ای می گذارد (Suc Lee, Florida and Acs, 2004: 885).

در بین تحقیقات انجام شده، یافته های ریچارد فلوریدا در مباحث شهر خلاق با عناوین

مداراگری، تکنولوژی و استعداد با یافته‌های تحقیق حاضر همپوشانی دارد (Florida, 2005). در تهران بسیاری از مهاجران و قومیت‌ها از لحاظ جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی به حاشیه شهری کشیده شده و از ارتباطات اجتماعی فراگیر محروم مانده‌اند و با ظهور پیامدهای مخربی همچون تشکیل کلنی‌های^۱ فرهنگی و اجتماعی؛ ارتباطات فراگیر اجتماعی و فرهنگی آنان کاهش و گاهی بسته شده است و زمینه را برای افزایش تعصب‌های قومی و قبیله‌ای این قشر از جامعه فراهم کرده است. این امر به نوبه خود باعث کاهش خلاقیت، نوآوری و در نهایت کارآفرینی ناشی از تنوع ارتباطات اجتماعی شده است. در حوزه استعداد و تحصیلات و وجود مراکز دانش با اینکه شهر تهران در رتبه اول کشوری قرار گرفته است، اما به دلیل عدم تخصص‌گرایی و استفاده نکردن از استعدادهای علمی، بسیاری از دانشجویان و چهره‌های علمی بعد از اتمام دوران تحصیلات در صورت مهاجرت نکردن به کشوری دیگر، به شهرهای بومی خویش برمی‌گردند و شهر تهران با اینکه بیشترین هزینه و بودجه دانشگاهی را صرف تربیت و تعلیم قشر دانشگاهی می‌کند (سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۳۹۵) به دلیل ایجاد نشدن فرصت‌های شغلی مناسب - حتی در زمان تحصیل - امکان بهره‌برداری از این هزینه‌کردها را پیدا نمی‌کند. به رغم سایر تحقیقات عوامل نظم‌دهی اجتماعی و هویت‌دهی محلی به عنوان عوامل مؤثر بر کارآفرینی شهری در شهر تهران نادیده گرفته شده است. طبق یافته‌های تحقیق؛ تقویت هویت محلی باعث بروز افزایش تعلق مکانی کارآفرینان یا حمایت از کارآفرینان نوپای محلی توسط ساکنان محله و... می‌شود که این امر به نوبه خود باعث تقویت حضور کارآفرینان در سطح جامعه می‌شود. البته براساس نتایج تحقیق، بسیاری از چالش‌های موجود در سطح شهر با اجرای برنامه‌های مناسب امکان تبدیل شدن به فرصت‌های بی‌بدیل کارآفرینانه را دارند. برای مثال رجبی و فرتوک‌زاده (۱۳۸۸) در تحقیق خود به الگوسازی پویای فرصت کارآفرینی نهفته در ترافیک کلانشهرها پرداخته‌اند. به عقیده آنان در دل ترافیک تهران، فرصت کارآفرینی نهفته و این فرصت بزرگ، فرصت کارآفرینی در حوزه توزیع فیزیکی کالای درون شهر است؛

اما این حوزه از کسب و کار هنوز در سطح کلان جامعه به رسمیت شناخته نشده، نهادهای پشتیبانی‌کننده و توسعه‌دهنده آن شکل نگرفته‌اند و ظرفیت بالقوه این کسب و کار با آنچه امروز شاهد آن هستیم فاصله زیادی دارد.

براساس یافته‌های پژوهش حاضر پیشنهادهای زیر برای توسعه کارآفرینی شهری در بستر اجتماعی شهر تهران ارائه می‌شود:

- بسیاری از توانمندی‌های شهروندان تهران به خصوص بانوان به دلیل عدم وجود فرصت‌های مناسب از حضور در جامعه بازمانده‌اند، بنابراین توصیه می‌شود با شناسایی توانمندی‌های زنان راه را برای بهره‌برداری از این توانایی‌ها هموار کرد. همچنین با تغییر رویکرد می‌توان کاربری‌های مسکونی را به سمت فعالیت‌های تجاری - اقتصادی سوق داد.

- فعالیت انجمن‌ها و هیئت‌های مردمی در سطح محله از جمله اقدامات پایه‌ای است که با افزایش حس تعلق مکانی و افزایش تعهد افراد نسبت به سایر ساکنان محله، باعث افزایش روحیه همیاری بین ساکنان محله می‌شود. بنابراین با ترویج این انجمن‌ها و هیئت‌ها می‌توان راه را برای توسعه همکاری‌های تجاری و تولیدی برای تأسیس کسب و کارهای کوچک و متوسط افزایش داد.

- از سوی دیگر برای توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط، با جذب هدفمند مهاجران متخصص و کارآمد می‌توان بهره‌وری شهر تهران را افزایش داد. همچنین می‌توان با برگزاری جلسات و دوره‌های آشنایی، با وجوه مشترک خرده‌فرهنگ‌های جمعیتی - قومی - مذهبی شهروندان توافق پیدا کرده و راه را برای افزایش درک شهروندان از خصوصیات متنوع اقلیت‌های مختلف هموار کرد. با افزایش ارتباطات اقشار مختلف جامعه اعم از شهروندان مرفه با قشر آسیب‌پذیر، قومیت‌ها و مهاجران با ساکنان بومی در قالب انجمن‌ها و نشست‌ها نیز می‌توان علاوه بر افزایش تحمل‌پذیری شهروندان به عنوان یکی از شاخص‌های شهرهای خلاق، راه را برای تبادل افکار و عقاید متنوع شهروندان و خلق ایده‌های نوین برخاسته از این ارتباطات فراهم کرد.

- گسترش جلسات عمومی^۱ برای شهروندان در تصویب طرح‌های شهری نیز می‌تواند

با افزایش مشارکت اجتماعی راه را برای بروز کارآفرینی شهری فراهم کند. مدیریت شهری نیز می‌تواند با جهت‌دهی به اوقات فراغت شهروندان و افزایش خودنظارتی در راستای توسعه فعالیت‌های اجتماعی و کارآفرینی گام بردارد.

- طبق تحقیقات انجام شده، کارآفرینان موفق اکثراً در محیط‌هایی رشد و پرورش یافته‌اند که سابقه حضور افراد کارآفرین در آن محیط وجود داشته است. برای پر کردن چنین خلأ ارتباطی توصیه می‌شود با تدوین و مستندسازی تجارب کارآفرینان موفق و ناموفق و نشر آن در بین شهروندان و به‌ویژه کارآفرینان نوپا راه را برای موفق شدن کارآفرینان و شهروندان مشتاق به کارآفرینی افزایش داد.

- از دیگر راهکارهای رفع این خلأ ارتباطی، برگزاری نمایشگاه‌ها و برنامه‌های حامی کارآفرینی در سطح شهر است که در این راه باید موضوع نمایشگاه‌ها را با ماهیت، کاربری غالب و نیازهای ساکنان منطقه هدف هم‌راستا کرد. همچنین استفاده از کارآفرینان در مدارس، دانشگاه‌ها و سایر مراکز علمی و ارائه واحد درسی خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی نیز از راهکارهای دیگری هستند که می‌تواند تسهیلگر ارتباطی پایدار و مؤثر باشد.

- راه‌اندازی و توسعه انجمن کارآفرینی در شهر تهران و برگزاری جلسات هم‌اندیشی بین کارآفرینان نوپا و موفق و از سوی دیگر راه‌اندازی واحدهای کارآفرینی در سرای محلات و واگذاری مدیریت این واحدها به کارآفرینان محله با توسعه راه‌های ارتباطی بین شهروندان و کارآفرینان، تأثیر سازنده‌ای در رفع خلأهای ارتباطی ایفا می‌کند. استفاده از رسانه‌ها برای افزایش ارتباط بین کارآفرینان و شهروندان یکی از فرصت‌های موجود در عصر کنونی است که متأسفانه در جامعه ما با ارائه تصاویر و نگاه‌های کلیشه‌ای نسبت به کارآفرینان باعث کاهش اثربخشی این راه ارتباطی شده‌اند. با افزایش واحدهای عملی در نظام آموزشی و عملیاتی کردن مباحث تئوریک در نظام آموزشی به خصوص در سطوح ابتدایی راه را برای کارآفرین شدن و افزایش روحیه خلاقیت و نوآوری و ریسک‌پذیری نسل‌های آینده هموار کرد.

- براساس یافته‌های تحقیق یکی از موانع تحقق روحیه نوآوری و ریسک‌پذیری، کاهش تعداد فرزندان است زیرا توجه بیش از حد والدین به فرزندان باعث شده است که نوعی

وابستگی عاطفی و مالی به والدین در بین آنان به وجود بیاید که با تعدیل توجه و حمایت افراطی خانواده‌ها از فرزندان و کاهش وابستگی و اتکای فرزندان به والدین، می‌توان روحیه ریسک‌پذیری و خلاقیت نسل آتی را فراهم آورد.

- از دیگر موانع افزایش روحیه ریسک‌پذیری؛ وجود روحیه قناعت‌پیشگی افراطی در بین برخی از اقشار جامعه شهری است که ناشی از تفسیر نادرست متون مذهبی و دینی است. وجود چنین روحیه‌ای مانعی بر سر راه تحرک اجتماعی و اقتصادی شهروندان است که باید با تفسیر درست متون دینی و آگاهی بخشی به شهروندان آن را برطرف کرد.

منابع و مآخذ

۱. بابایی هزه جان، مجتبی، علی پیران نژاد، حسین محمدپورزندی و مجتبی امیری (۱۳۹۵). «شناسایی عوامل اقتصادی مؤثر بر کارآفرینی شهری (مطالعه موردی: شهر تهران)»، فصلنامه علمی - پژوهشی / اقتصاد و مدیریت شهری، دوره پنجم، ش ۱.
۲. بابایی هزه جان، مجتبی، علی پیران نژاد، بهمن خداپناه و جواد صادقی (۱۳۹۷). «مؤلفه‌های تحقق حکمرانی کارآفرینانه شهری»، فصلنامه علمی - پژوهشی توسعه کارآفرینی، دوره دهم، ش ۴.
۳. بارانی، محمد، محسن کلانتری و کاظم جباری (۱۳۸۹). «تحلیل الگوهای مکانی - زمانی بزهکاری در مناطق شهری (مطالعه موردی: جرائم سرقت به عنف و شرارت و باجگیری در بخش مرکزی شهر تهران)»، فصلنامه علمی - پژوهشی / انتظام اجتماعی، سال دوم، ش ۱.
۴. خواستار، حمزه (۱۳۸۷). «بررسی عوامل مؤثر بر خودکارآمدی ملی در زمینه علم و فناوری برای تحقق اهداف چشم انداز»، تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۵. دفتر توسعه کارآفرینی و بهره‌وری نیروی کار (۱۳۹۰). نقشه توسعه کارآفرینی کشور، تهران، وزارت کار، رفاه و امور اجتماعی.
۶. دفتر دیده بان جهانی کارآفرینی در ایران (۱۳۹۳). «گزارش هفتمین برنامه پژوهشی ارزیابی شاخص‌های کارآفرینی در ایران براساس مدل دیده بان جهانی کارآفرینی»، تهران، دیده بان جهانی کارآفرینی GEM.
۷. رجبی نهوجی، میثم و حمیدرضا فرتوک زاده (۱۳۸۸). «الگوسازی پویای فرصت کارآفرینی توزیع فیزیکی درون شهری نهفته در ترافیک کلانشهرها»، فصلنامه علمی و پژوهشی توسعه کارآفرینی، سال دوم، ش ۶.
۸. سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۹۵). لایحه بودجه سال ۱۳۹۶ کل کشور ماده واحده و جداول کلان منابع و مصارف بودجه، تهران، سازمان برنامه و بودجه کشور.
۹. شاهی، نسیم (۱۳۹۲). «بررسی چالش‌های ارزیابی عملکرد کارکنان خودشیفته»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۱۰. شمعی، علی، علی اصغر قنبری و محمد عین شاهی میرزا (۱۳۹۲). «تحلیل فضایی جرائم شهری در مناطق ۲۲گانه کلانشهر تهران»، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال دوم، ش ۲.
۱۱. عبادتی، ناصر و علی اخلاقی (۱۳۸۷). نگاهی به تجربیات توسعه کارآفرینی کشورهای مختلف در حوزه مدیریت شهری، تهران، فن آور تصویر آریا.
۱۲. عباسی نژاد، حسین، هادی رضانی و مینا صادقی (۱۳۹۱). «بررسی رابطه بین بیکاری و جرم در ایران:

- رهیافت داده‌های تلفیقی بین استانی»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیستم، ش ۶۴.
۱۳. فدایی، فرید و ندا علی‌بیگی (۱۳۹۰). «مقایسه میزان و شدت آسیب‌های روانی بین مردان جوان شاغل و بیکار»، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، ش ۴۳.
۱۴. فقیهی، ابوالحسن و محسن علیزاده (۱۳۸۴). «روایی در تحقیقات کیفی»، نشریه مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره ۳، ش ۲.
۱۵. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). بررسی مقایسه‌ای شاخص‌های رفاه اجتماعی خانوارها در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران، تهران، درگاه ملی آمار.
۱۶. --- (۱۳۹۰). نتایج تفصیلی استان تهران، تهران، مرکز آمار ایران.
۱۷. --- (۱۳۹۵). نتایج آماری نیروی کار تابستان ۱۳۹۵، تهران، سازمان برنامه و بودجه کشور.
۱۸. --- (۱۳۹۵). نتایج تفصیلی استان تهران، تهران، مرکز آمار ایران.
۱۹. هومن، حیدرعلی (۱۳۸۵). راهنمای عملی پژوهش کیفی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین.
20. Acs, Z., N. Bosma and R. Sternberg (2008). The Entrepreneurial Advantage of World Cities, Evidence from Global Entrepreneurship Monitor Data, *Jena Economic Research Papers*.
21. Basu, A. and E. Altinay (2002). "The Interaction Between Culture and Entrepreneurship in London's Immigrant Businesses", *International Small Business Journal*, Vol. 20, No. 4.
22. Basu, D. and P. Werbner (2001). "Bootstrap Capitalism and the Culture Industries: a Critique of Invidious Comparisons in the Study of Ethnic Entrepreneurship", *Ethnic and Racial Studies*, Vol. 24, No. 2.
23. Bates, T. (1999). "Exiting Self-employment: an Analysis of Asian Immigrant-owned Small Business", *Small Business Economics*, Vol. 13.
24. Baycan Levent, T., E. Masurel and P. Nijkamp (2003). Diversity in Entrepreneurship: Ethnic and Female Roles in Urban Economic Life, *International Journal of Social Economics*, Vol. 30, Iss, 11.

25. Bonacick, E. (1973). "A Theory of Middleman Minorities", *American Sociological Review*, Vol. 38, No. 5.
26. Bosma, N. and R. Sternberg (2014). Entrepreneurship as an Urban Event? Empirical Evidence from European Cities, *Journal of the Regional Studies Association*.
27. Brücker, H., G. Epstein, B. McCormick, G. Saint-Paul, A. Venturini and K. Zimmermann (2002). Managing Migration in the European Welfare State. In T. Boeri, G. Hanson and B. McCormick, *Immigration Policy and the Welfare System*, Oxford: Oxford University Press.
28. Bull, I. and G. Willard (1993). Towards a Theory of Entrepreneurship, *Journal of Business Venturing*.
29. Davis, D. and J. Dingel (2019). A Spatial Knowledge Economy, *American Economic Review*, 109(1).
30. Florida, R. (2005). *Cities and the Creative Class*, Routledge.
31. Fritsch, M. and M. Stützer (2007). Die Geographie der Kreativen Klasse. *Raumforschung und Raumordnung*, 65.
32. Galindo, M.-Á. and M. Méndez (2014). Entrepreneurship, Economic Growth and Innovation: Are Feedback Effects at Work?, *Journal of Business Research*.
33. Glaeser, E. (2007). Entrepreneurship and the City, *National Bureau of Economic Research*.
34. Glaeseri, E. and R. Kerr (2009). Local Industrial Conditions and Entrepreneurship: How Much of the Spatial Distribution Can We Explain?, *Journal of Economics and Management Strategy*.
35. Hiraskar, G. K (1989). *Fundamentals of Town Planning*, Delhi, Dhanpat Rai.
36. Helsley, R. and W. Strange (2011). Entrepreneurs and Cities: Complexity, Thickness and Balance, *Regional Science and Urban Economics*.

37. Kauffman Foundation (2008). *Entrepreneurship and Urban Success: Toward a Policy Consensus*. Kauffman Foundation.
38. Lazear, E. (2004). Balanced Skills and Entrepreneurship, *The American Economic Review*.
39. Lee, S., R. Florida and Z. Acs (2004). Creativity and Entrepreneurship: A Regional Analysis of New Firm Formation, *Regional Studies*, 38(8).
40. --- (2008). Creativity and Entrepreneurship: A Regional Analysis of New Firm Formation, *Regional Studies*.
41. Munoz, P. and B. Cohen (2016). The Making of the Urban Entrepreneur, *California Management Review*.
42. Oort, F. and O. Atzema (2004). On the Conceptualization of Agglomeration Economies, The Case of New Firm Formation in the Dutch ICT Sector, *The Annals of Regional Science*.
43. Jones, S. (2007). Supporting Urban Entrepreneurs: Law, Policy and the Role of Lawyers in Small Business Development. *Western New England Law Review*.
44. Reynolds, P. and S. White (1997). *The Entrepreneurial Process: Economic Growth, Men, Women and Minorities*, Quorum Books, Westport, CT. Quorum Books.
45. Robinson, J. (2008). Urban Entrepreneurship Patterns, *Western New England Law Review*.
46. Rosenthal, S. and W. Strange (2004). Evidence on the Nature and Sources of Agglomeration Economies, In J.-F. Henderson, *Handbook of Urban and Regional Economics*, New York, Elsevier.
47. Sahin, M., P. Nijkamp and R. Stough (2010). Impact of Urban Conditions on Firm Performance of Migrant Entrepreneurs: a Comparative Dutch–US Study, *The Annals of Regional Science*.

48. Sanders, J. and V. Nee (1996). Immigrant Self Employment: the Family as Social Capital and the Value of Human Capital, *Am SociolRev*, 61.
49. Schumpeter, J. (1942). Creative Destruction, *Capitalism, Socialism and Democracy*, 825.
50. Sepulved, L., S. Syrett and F. Lyon (2011). Population Superdiversity and New Migrant Enterprise: the Case of London, *Entrepreneurship and Regional Development*, 23.
51. Shane, S. (2009). Why Encouraging More People to become Entrepreneurs is Bad Public Policy, *Small Business Economics*.
52. Sriram, V., T. Mersha and L. Herron (2007). Drivers of Urban Entrepreneurship: an Integrative Model, *International Journal of Entrepreneurial Behavior and Research*.
53. Suk Lee, Y. (2005). Entrepreneurship, Small Businesses and Economic Growth in Cities: An Empirical Analysis. *Freeman Spogli Institute for International Studies*.
54. Tanaka, S. and A. Krishnan (2006). Migration-migrant Entrepreneurship, Cities, Magnets of Hope, Habitat Debate, *World Habitat Day*.
55. Thompson, D. (2012). L9CS: An Innovative Choice for Urban Entrepreneurs and Urban Revitalization, *American University Business Law Review*.
56. Toma, S.-G., A.-M Grigore and P. Marines (2014). Economic Development and Entrepreneurship, *Procedia Economics and Finance*, Vol. 8.
57. Torres, D. (1988). Success and the Mexican-American Business Person, *Res Sociol Organ*, 6.
58. UN-HABITAT (2011). *The Economic Role of Cities* Nairobi: UN-HABITAT.
59. United-Nations (2014). *World Urbanization Prospects*, New York, United Nations.
60. Wahba, J. and Y. Zenou (2012). Out of Sight, out of Mind: Migration,

- Entrepreneurship and Social Capital, *Regional Science and Urban Economics*, 42.
61. Ward, R. (1983). "Ethnic Communities and Ethnic Business: an Overview", *New Community*, Vol. 11, No. 1-2.
62. Williams, N., R. Huggins and P. Thompson (2018). Entrepreneurship and Social Capital: Examining the Association in Deprived Urban Neighbourhoods, *International Journal of Urban and Regional Research*.
63. Zorlu, A. and T. Traag (2005). Opleidingsniveau en Taalvaardigheid [Educational Level and Language Proficiency], *Jaarrapport Integratie*.

نارسیایی‌های تقنینی هیئت‌منصفه کارآمد در نظام حقوقی ایران

محسن شریفی*

نوع مقاله: علمی پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۹	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۱۸	شماره صفحه: ۱۴۷-۱۱۹
------------------------	------------------------	------------------------	---------------------

هیئت منصفه در نظام حقوقی ایران، به‌رغم داشتن سابقه بیش از یک‌صد و ده سال کم‌فروغ ظاهر شده است. چراکه، گستره مداخله آن به ورای جرم‌های سیاسی و مطبوعاتی نرسیده است؛ صلاحیت تصمیم‌گیری آن درباره جرم سیاسی منفی - جرم حکومت یا کارگزاران آن علیه حقوق اساسی شهروندان - با توجه به رویکرد قانون دیر هنگام تصویب شده جرم سیاسی مصوب سال ۱۳۹۵، در حاله‌ای از ابهام قرار دارد؛ گزینش اعضای تشکیل دهنده آن بیشتر محصول مداخله دولت است تا اراده مردم؛ خط‌مشی مقررهای دوره‌های مختلف نیز نسبت به مشورتی یا الزام‌آور بودن نظراین هیئت متغیر و مشوش است. هرچند، قانون هیئت منصفه مصوب ۱۳۸۲ با گامی رو به جلو، به بخش‌هایی از نابسامانی‌های مقررهای پیشین در زمینه نحوه انتخاب، تعداد و ترکیب اعضای هیئت منصفه پایان داد، اما به موجب قانون تعیین تکلیف هیئت منصفه مطبوعات مصوب ۱۳۸۷ لغو و کنار گذاشته شد. این نوشتار، ضمن نقد برخی از مصوبه‌های راجع به هیئت منصفه، معلوم خواهد کرد که میراث به‌جای مانده از چنین سیاست جنایی سرگردانی، نهادی با نارسیایی‌های قابل تأمل است. آنچه می‌ماند، ارائه راهکارهای برون‌رفت یا کاهش معضل‌های گیران‌گیر است که از نظر دور نخواهد ماند.

کلیدواژه‌ها: هیئت منصفه؛ جرم سیاسی؛ جرم مطبوعاتی؛ دادرسی کیفی

*استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز؛

Email: mohsen.sharifi@shirazu.ac.ir

مقدمه

سهام مردم در تعیین سرنوشت خویش و تنظیم مناسبات اجتماعی امروزین بیش از هر زمان دیگری برجسته شده است. جلوه‌ای از این حضور را می‌توان در کسوت هیئت‌منصفه^۱ به‌عنوان جلوه‌ای از سیاست جنایی مشارکتی مشاهده کرد. این هیئت متشکل از افراد مختلف جامعه از طرف مقام‌های قضایی دعوت می‌شوند تا با شرکت در محاکمه و استماع جریان دادرسی، براساس دلیل‌های ارائه شده، درباره تقصیر یا عدم تقصیر متهم و در صورت تقصیر، برشایستگی یا ناشایستگی او در برخورداری از تخفیف مجازات نظر دهند (خالقی، ۱۳۹۶: ۸۴)، اما دیدگاه‌ها در مورد مرجع مزبور همسو نیست. ایجاد خلل در روند دادرسی، مغایرت با اصل تخصص، عوام‌زدگی و تبعیت از احساسات و بی‌تجربگی از جمله دلیل‌های تاریخی مخالفت با آن به‌شمار می‌رود و استقلال، حجیت علم و عدالت قاضی و نیز نداشتن پیشینه فقهی، موردهای دیگر مورد اشاره برخی از فقهای اسلامی است (صوفی‌آبادی، ۱۳۸۳: ۱۸۶-۱۸۵؛ نجفی توانا و میلکی، ۱۳۹۳: ۱۲۰-۱۱۶).

در مقابل متقدمین معتقدند که با حضور هیئت‌منصفه، نه تنها جریان دادرسی دچار اطاله نخواهد شد، بلکه به‌سبب احراز موضوع و تشحیذ ذهن قاضی، کوتاه‌تر هم می‌شود. همچنین کشف واقع، به‌عنوان غایت هر دادرسی عادلانه، ازسوی یک جمع ممکن‌تر می‌شود. عدم وابستگی به نهادهای قدرت، وجه مثبت دیگر هیئت‌منصفه در حفظ بی‌طرفی موقع اخذ تصمیم خواهد بود. به‌علاوه اقتضای نظام‌های مردم‌سالاران است که در پرتو سیاست جنایی مشارکتی از ظرفیت افکار عمومی برای کنترل جرم و برخورد با مجرمین استفاده کند (شاملو، ۱۳۹۰: ۶۹۸-۶۹۳؛ جلالیان و رحیم‌نیا، ۱۳۹۲: ۶۲-۶۱). علاوه‌براین، نداشتن سابقه فقهی، دلالتی بر نفی هیئت‌منصفه ندارد. آنچه مهم است، عدم مبیانت این پدیده اجتماعی با آموزه‌های شرعی است. با این همه راهکارهای دینی چون حضور خبرگان در جلسه دادگاه برای جلوگیری از انحراف قاضی (حلی، ۱۳۸۵ ه.ق: ۳۹۸؛ نجفی، ۱۳۶۲ ه.ق: ۷۷-۷۷)، توسل به اصل شورا و مشورت برای رتق و فتق امور (شورا: ۳۸) و رجوع به داوری در دعوی طلاق (نساء: ۳۵) مؤید هیئت‌منصفه‌اند.

به‌هرجهت، نظام حقوقی انگلستان بیش از همه (سال ۱۲۱۵)، از نهاد هیئت منصفه استقبال و با فائق آمدن بر نقص‌های آن در بستر زمان، از طریق‌هایی چون اصلاح رویه قضایی و وضع مقرره‌های متعدد از جمله قانون معاضدت حقوقی سال‌های ۱۹۴۹ و ۱۹۶۴، قانون عدالت کیفری ۱۹۶۷^۲، قانون مشاوره و مساعدت حقوقی ۱۹۷۲^۳، قانون معاضدت حقوقی ۱۹۷۴^۴، قانون معاضدت حقوقی ۱۹۷۹ و اصلاحی ۱۹۸۵^۵ و قانون معاضدت حقوقی ۱۹۸۸^۶، به انسجام رساند. اکنون این هیئت به سبب داشتن ترکیب مردمی، گزینش تصادفی و سه‌مرحله‌ای اعضایش و نیز لازم‌الاتباع بودن تصمیم او برای دادگاه، به نماینده واقعی وجدان عمومی بدل شده است (هیئت پژوهشگران کاوندیش، ۱۳۹۴: ۲۱۲).

نظام حقوقی ایران نیز بیش از صد سال است که به این نهاد توجه و درباره مقرره‌های معتنا بهی مانند اصل (۷۹) متمم قانون اساسی مشروطیت مصوب ۱۲۸۶، قانون موقت هیئت منصفه مصوب ۱۳۰۱، قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ (ماده‌های (۱۶۲ تا ۱۶۷))، قانون محاکمه وزرا و هیئت منصفه مصوب ۱۳۰۷ (ماده‌های (۹ و ۱۰))، قانون هیئت منصفه مصوب ۱۳۱۰، لایحه قانون مطبوعات مصوب آذر ۱۳۳۱ (ماده‌های (۳۸ تا ۴۲))، لایحه قانونی مطبوعات مصوب بهمن ۱۳۳۱ (ماده‌های (۳۷ تا ۴۱))، لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۳۴ (ماده‌های (۳۴ تا ۴۴))، اصل (۱۶۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی سال ۱۳۵۷، لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۵۸ (ماده‌های (۲۸ تا ۳۰))، لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ (ماده (۳۴))، طرح اصلاح قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹ (ماده‌های (۳۶ تا ۴۲))، قانون هیئت منصفه مصوب سال ۱۳۸۲، قانون تعیین تکلیف هیئت منصفه مطبوعات مصوب سال ۱۳۸۷، قانون آیین دادرسی کیفری سال مصوب ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴ (ماده (۳۰۵)) و قانون جرم سیاسی مصوب سال ۱۳۹۵ (ماده (۴)) به تصویب رسانده است.

-
1. Legal aid Act 1949 and 1964
 2. Legal Criminal Justice 1967
 3. Legal aid and assistance Act 1972
 4. Legal aid Act 1974
 5. Legal aid Act 1979 (as amend 1985)
 6. Legal aid Act 1988

پرسش‌های متعددی که در این باره به ذهن متبادر می‌شود عبارتند از: قانون‌های پیاپی، هیئت‌منصفه در نظام حقوقی ایران به چه جایگاهی دست یافته است؟ آیا نهادهای حقوقی مشابه مانند دادسرا یا جایگزین‌های حبس، از توسعه متوازن برخوردار و سکنی‌گزینی مطلوبی داشته است؟ آیا صلاحیت اظهار نظر هیئت‌منصفه، همچنان محدود به جرم‌های سیاسی و مطبوعاتی مورد تصریح اصل (۷۹) متمم قانون اساسی مشروطیت است یا در گذر زمان بسط یافته است؟ آیا قانون با تأخیر وضع شده سال ۱۳۹۵، این مرجع را به بررسی هر دو جنبه جرم‌های سیاسی مثبت - آنچه علیه اساس حکومت و نظام سیاسی صورت می‌گیرد - و جرم‌های سیاسی منفی - آنچه حکومت یا کارگزاران آن علیه حقوق اساسی شهروندان مرتکب می‌شوند - ملزم دانسته است؟ آیا ترکیب اعضای هیئت‌منصفه نتیجه مداخله دولت است یا محصول انتخاب مردم؟ معیار اکثریت مطلق آرا برای اخذ تصمیم از سوی هیئت‌منصفه حسب مقرره‌های فعلی تا چه حد قابل دفاع است؟ فرجام رویکردهای متضاد مقرره‌های دوره‌های مختلف از حیث مشورتی یا الزام‌آور بودن نظر هیئت‌منصفه چه بوده است؟

در این پژوهش بناست که با روش توصیفی - تحلیلی و رجوع به منبع‌های کتابخانه‌ای به پرسش‌های بالا پاسخ و برای رفع کاستی‌های موجود ارائه طریق شود.^۱

۱. ضوابط تشکیل هیئت‌منصفه

در این قسمت، دگرگونی‌های راجع به تشکیل هیئت‌منصفه مشتمل بر ضوابط تعیین اعضا، شرایط گزینش آنها و میزان اهتمام به خصیصه دموکراتیک این نهاد مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

۱. پیشینه تحقیق برمی‌گردد به مطلب‌های مندرج در کتاب‌های آیین دادرسی کیفری محققانی چون محمد آشوری و علی خالقی که به دلیل اختصارشان، پاسخگوی بسیاری از پرسش‌های مزبور از جمله ضرورت یا عدم ضرورت حضور هیئت‌منصفه در رسیدگی به جرم سیاسی منفی نیستند. کتاب هیئت‌منصفه، اثر نورمحمد صبری، با وجود طرح بایسته مبانی نظری موضوع و بررسی تطبیقی امر، به‌رغم چاپ مجدد، در خصوص فرازونشیب‌های بعدی موضع قانونگذار ویراست نشده است. همچنین، مقاله‌های پژوهشگرانی مانند غلامحسین الهام و باقر شاملو، از تبیین قانون هیئت‌منصفه مصوب ۱۳۸۲ و قانون تعیین تکلیف هیئت‌منصفه مصوب ۱۳۸۷، خروج موضوعی ندارد.

۱-۱. ضوابط تعیین اعضا

نخستین قانون موقت هیئت منصفه مصوب آذر سال ۱۳۰۱ (دائمی شده در اسفند همان سال)، اعضای اصلی و علی‌البدل این نهاد را به ترتیب، پنج و سه نفر از میان صد نفر از حائزان اکثریت نسبی شرکت‌کننده در انتخابات مجلس شورای ملی و به قید قرعه تعیین کرده بود. با این توضیح که پنج نفر اصلی باید در تمام جلسه‌های دادرسی حضور داشته باشند، وگرنه اعضای علی‌البدل به قید قرعه، جایگزین می‌شوند (ماده (۱)). قانون محاکمه وزرا و هیئت منصفه مصوب ۱۳۰۷، با ایجاد تغییراتی، به قاضی دادگاه این اختیار را محول کرد، تا از بین دارندگان اکثریت نسبی آخرین دوره مجلس شورای ملی، سه برابر اعضای محکمه را به قید قرعه مشخص و از این میان، برابر اعضای محکمه را با قرعه بعدی به عنوان اعضای اصلی و نصف آن را به عنوان اعضای علی‌البدل انتخاب کند (ماده (۹)). برحسب ماده‌های مورد اشاره نمایندگان مجلس، وزرا و معاونان آنها به صراحت از ورود به این عرصه منع شده بودند.

در مجموع می‌توان مردمی بودن فرایند انتخاب، توسل به قرعه‌کشی و غیرقابل پیش‌بینی بودن ترکیب اعضای هیئت منصفه را نقطه قوت و عدم تصریح به لزوم سهیم بودن همه طبقه‌های جامعه در ترکیب این نهاد را نقطه ضعف این قانون دانست. در ادامه قانون هیئت منصفه مصوب سال ۱۳۱۰ در گامی رو به عقب، از شیوه مردمی انتخاب هیئت منصفه عدول و آن را به هیئتی متشکل از رئیس محکمه استیناف، رئیس محکمه، رئیس محکمه بدایت، رئیس انجمن بلدی و رئیس اتاق تجارت - در جایی که این اتاق وجود داشت - واگذار کرد. مصوبه دیگر، لایحه قانونی مطبوعات آذر سال ۱۳۳۱ بود؛ زیرا به لزوم انتخاب اعضای هیئت منصفه از میان طبقه‌های هشت‌گانه علما، دانشمندان و نویسندگان، وکلای دادگستری، سردفتران، بازرگانان، دبیران، مالکان و کشاورزان، کارگران، اصناف و پیشه‌وران و نیز سه مرحله‌ای کردن انتخاب اعضای هیئت منصفه اشاره کرد. به‌گونه‌ای که در مرحله نخست، در تهران از هر طبقه، ۲۵ نفر و در مجموع دویست نفر و در مرکز استان‌ها از هر طبقه دوازده نفر و در مجموع ۹۶ نفر از افراد مقیم دادگاه و واجد شرایط انتخاب شدن برای نمایندگی مجلس شورای ملی از سوی هیئت موصوف برگزیده شدند.

در مرحله دوم، در تهران و مرکز استان‌ها به ترتیب، از هر طبقه، ۱۲ و ۶ نفر و در مجموع، ۹۶ و ۴۶ نفر انتخاب شدند. در مرحله سوم، این محکمه مطبوعاتی (دادگاه جنایی) است که در جلسه علنی و با حضور دادستان از این تعداد به قید قرعه پنج نفر را به عنوان عضو اصلی و پنج نفر دیگر را نیز به عنوان عضو علی‌البدل انتخاب می‌کند.

این شیوه تاحدی با نظام حقوقی انگلستان به عنوان خاستگاه هیئت منصفه همسو بود؛ زیرا در این نظام، اعضای این هیئت به صورت اتفاقی و در سه مرحله انتخاب می‌شدند به این ترتیب که در مرحله نخست، واجدان شرایط که از ثبت نام‌کنندگان انتخابات پارلمان یا دولت محلی بودند مشخص می‌شدند. در مرحله دوم، از این تعداد نفراتی به قید قرعه مشخص می‌شدند. در مرحله آخر، برای هر پرونده خاص، از بین لیست مزبور، دوازده نفر که همگی عضو اصلی بودند، به قید قرعه برگزیده می‌شدند (Darbyshire, 2014: 13-15). این رویه که همچنان وجود دارد و از اقبال خوبی برخوردار است، به هدف اصلی حضور این نهاد در دادگاه یعنی مشارکت افراد عادی در دادرسی کیفری، رنگ تحقق بخشیده است (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۰ الف: ۴۷).

در نظام حقوقی ایران (بهمن ماه ۱۳۳۱)، لایحه دیگری تصویب و با ادغام اصناف و پیشه‌وران، تعداد طبقه‌های اجتماعی هیئت منصفه به عدد هفت تقلیل یافت. به همین نسبت، از تعداد اعضای کل کاسته و به ۱۷۵ نفر در تهران و ۸۴ نفر در مرکز استان‌ها می‌رسد. در حالی که تعداد اعضای هر دادگاه به هفت نفر اصلی و به همین تعداد نیز؛ اعضای علی‌البدل افزایش پیدا کرد. دیگر اینکه رئیس دادگستری را از هیئت انتخاب‌کننده کنار می‌نهد، اما لایحه قانون مطبوعات مصوب مرداد ۱۳۳۴ در اقدامی قابل نقد، نه تنها این تعداد بلکه طبقه‌ها را به عدد سه تقلیل می‌دهد. نتیجه این امر، کاهش کل اعضا به ۷۵ نفر در تهران و ۳۶ نفر در مرکز استان‌ها بود.

لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۵۸ اما به گونه‌ای دیگر ظاهر و تعیین اعضای هیئت منصفه را مشتمل بر هفت نفر اصلی و هفت نفر علی‌البدل از میان روحانیون، اساتید دانشگاه، پزشکان، نویسندگان، روزنامه‌نگاران، وکلای دادگستری، دبیران، آموزگاران، سردفتران، اصناف، پیشه‌وران، کارگران و کشاورزان را در تهران به گروهی متشکل از وزیر ارشاد، رئیس دادگاه‌های شهرستان و رئیس انجمن شهر یا شهردار و در مرکز استان‌ها به

جمعی مرکب از استاندار رئیس دادگستری، نماینده وزارت ارشاد ملی و رئیس انجمن شهر یا شهردار برای هر دو سال یک‌بار در مهرماه سپرد (ماده ۳۱). حسن این مصوبه، امکان حضور قشرهای متفاوت جامعه در ترکیب چنین نهادی و ضعف آن در انتصابی و سلیقه‌ای کردن گزینش اعضا بود. این شیوه ناصواب به نوعی، با سکوت قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴ در موضوع هیئت منصفه و در عمل، ارجاع امر به لایحه مذکور به دلیل عدم مغایرتش با آن و با تصریح طرح اصلاحی سال ۱۳۷۹ ادامه و تعیین ترکیب هیئت منصفه همچنان در انحصار مقام‌هایی باقی ماند که به جز رئیس شورای شهر، همگی انتصابی بودند. گذشته از اینکه، سنت قرعه‌کشی و برگزیدن اتفاقی اعضای هیئت منصفه هر دادگاه هم به بوته فراموشی سپرده شد (خالقی، ۱۳۹۷: ۸۸؛ علی‌بخشی و رضوی فرد، ۱۳۹۰: ۱۷۴-۱۶۹).

بنیادی بودن اشکال‌های مذکور و ضرورت رفع یا دست‌کم کاهش آنها، موجبات تصویب قانون هیئت منصفه را در سال ۱۳۸۲ فراهم کرد. این بار، قانونگذار به منظور خارج شدن از این تنگناها، به نوآوری‌هایی از جمله سه مرحله‌ای کردن انتخاب اعضای هیئت منصفه دست زد. به‌گونه‌ای که باید ابتدا زیر نظر رئیس قوه قضائیه یا نماینده او و با حضور رئیس شورای اسلامی شهر و دو نفر از نمایندگان استان به انتخاب مجلس شورای اسلامی متعاقب انتشار آگهی، از قشرهای مختلف مردم و علاقه‌مندان عضویت در هیئت منصفه، در مرداد ماه ثبت نام انجام شود. در مرحله دوم، مراسم قرعه‌کشی در یکی از سالن‌های عمومی شهر برگزار شود و از میان لیست تهیه شده، پانصد نفر برای تهران و ۲۵۰ نفر برای استان‌های بیش از یک میلیون نفر جمعیت و ۱۵۰ نفر برای استان‌های با جمعیت کمتر تخصیص و از این میان، دوسوم آنها اصلی و یک‌سوم دیگر علی‌البدل باشند. در مرحله سوم، حسب قرعه‌کشی، ۲۱ نفر برای تهران و چهارده نفر برای مرکز استان‌ها برگزیده شود؛ به طوری که از هر طبقه اجتماعی، بیش از دو نفر جذب نشود. این مهم می‌بایست پانزده روز پیش از تشکیل جلسه دادگاه - که با حضور یازده نفر در تهران و ۹ نفر در مرکز استان‌ها رسمیت خواهد داشت - در حضور نمایندگان دادگستری و شورای شهر مرکز استان و وکیل یا نماینده متهم انجام شود (ماده‌های (۲، ۳، ۵ و ۶)).

در ادامه، به جای رفع موانع موجود، مقرره دیگری در تیر ماه سال ۱۳۸۴ با عنوان

قانون «فعال کردن هیئت منصفه» تصویب و قانون مصوب ۱۳۷۹ را با تغییری اندک - حضور رئیس قوه قضائیه یا نماینده‌اش به جای رئیس کل دادگستری - به مدت یک سال احیا کرد. همچنین، در تیر ماه سال ۱۳۸۷، قانون تعیین تکلیف هیئت منصفه تصویب شد و با لازم‌الاجرا خواندن دائمی قانون اصلاح مطبوعات مصوب ۱۳۷۹، قانون هیئت منصفه موصوب ۱۳۸۲ را برای همیشه از گردونه اعتبار خارج و دادگاه‌ها را به اجرای رویکرد اخیر ناگزیر کرد. کما اینکه به دنبال شکایت معاونت حقوقی سپاه پاسداران و پیگیری دادستان در سال ۱۳۹۵، روزنامه‌ای به اتهام نشر مطالب خلاف واقع به قصد تشویش اذهان عمومی با حضور هیئت منصفه انتصابی، محاکمه و به استناد قانون سال ۱۳۷۹ به ۶ ماه تعطیلی محکوم و مدیر مسئول روزنامه نیز به مدت دو سال از فعالیت مطبوعاتی محروم شد.^۱

۱-۲. شرایط گزینش

در گذشته، ماده (۱) قانون هیئت منصفه مصوب ۱۳۰۱ و ماده (۹) قانون محاکمه وزرا و هیئت منصفه مصوب ۱۳۰۷ در بیان ضابطه‌های امر، موضوع را به قانون انتخابات مجلس شورای ملی موصوب ۱۳۲۹ احاله، و بر شرط‌هایی چون تدبیر به دین اسلام (به استثنای نمایندگان مسیحی، زرتشتی و کلیمی)، تابعیت ایران، داشتن سواد نوشتن و خواندن، معروفیت در محل، معروفیت به امانت‌داری، داشتن حداقل سی و حداکثر هفتاد سال (ماده (۶) قانون مزبور) تأکید کردند. شیوه‌ای که نه به هر فردی اجازه الحاق به هیئت منصفه را داد و نه راه را برای ورود واجدان حداقل شرایط بست (صبری، ۱۳۹۳: ۱۱۷). باین حال، اشاره نکردن به مواردی همچون نداشتن محکومیت کیفری مؤثر، مدت سکونت در محل دادگاه (به عنوان مثال برای پنج سال) از ضعف‌های آن بود.

برای نخستین بار، قانون هیئت منصفه سال ۱۳۱۰، قضیه را به طور مستقل دنبال و در بیان شرایط عضویت، به لزوم ایرانی بودن، داشتن سواد کافی خواندن و نوشتن، معروفیت در محل تشکیل هیئت، داشتن حداقل سی سال سن، نداشتن سابقه محکومیت به جنحه

۱. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۱۲۶۰۰۶۳۹ و دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۲۰۶۳۱۰۰۹، مورخ ۱۳۹۵/۶/۱۳، دادگاه کیفری یک استان مازندران.

یا جنایات، نبودن در استخدام دولت، شهرداری یا اداره‌های مجلس، تأکید کرد (ماده ۴). به دلیل نمایندگی عموم مردم از طرف هیئت‌منصفه، درج شرط اخیر به منظور بستن راه هرگونه وابستگی اعضا به حکومت از هر حیث منطقی بود. در عوض، حذف حداکثر سن، عدم اشاره به مدت سکونت در محل دادگاه، از قوت آن تا حدی کاست. اما لایحه‌های قانونی مطبوعات مصوب بهمن ماه ۱۳۳۱ و دی ماه ۱۳۳۴، با احاله دوباره امر به قانون انتخابات مجلس شورای ملی، از شرایط مذکور تبعیت کردند.

لایحه مطبوعاتی سال ۱۳۵۸ نیز داشتن حداقل سی سال سن، عدم سابقه محکومیت مؤثر کیفری، معروفیت به امانت، صداقت و حسن شهرت را شرط‌های عضویت دانست (ماده ۳۲). به این ترتیب، ضابطه‌هایی چون سقف سنی، تبعه ایرانی بودن، سکونت در مکان دادگاه، توانایی خواندن و نوشتن و نبودن در خدمت دولت مدنظر قرار نگرفتند. همچنین به گمان برخی، داشتن دانش کافی در امور کیفری به منظور دادن رأی شایسته الزامی است (آشوری، ۱۳۹۵: ۱۷۷). قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴، اصلاحی ۱۳۷۹، با ملزم کردن اعضای هیئت‌منصفه به داشتن حداقل سی سال سن، تأهل، نداشتن سابقه محکومیت کیفری مؤثر، حسن شهرت و برخورداری از صداقت و امانت، صلاحیت علمی و آشنایی با مسائل فرهنگی و مطبوعاتی (ماده ۳۷) در مواردی مورد انتقاد قرار گرفت؛ زیرا قید تأهل، حامل این پیام بود که از این پس در ترکیب هیئت‌منصفه افراد مجرد فاقد جایگاه هستند. از نظر اصولی نیز صحیح نبود که این نهاد را به این شکل از داشتن نمایندگی بخش اعظمی از جامعه جوان کشور محروم و از فلسفه وجودی آن دور کرد. اجبار به داشتن صلاحیت علمی نیز به همین ترتیب، از ورود قشروسیعی از افراد عامی کشور به جمع این هیئت جلوگیری کرد و به رسالتش صدمه زد. سرانجام قانون هیئت‌منصفه مصوب ۱۳۸۲، اعضای هیئت‌منصفه را به داشتن تابعیت ایران، مسلمان بودن، التزام عملی به قانون اساسی، داشتن حداقل سی سال سن، عدم محرومیت از فعالیت اجتماعی و داشتن حداقل مدرک دیپلم یا معادل آن در علوم حوزوی مکلف کرد (ماده ۴). به رغم رویکرد عقلانی حذف شرط تأهل از یک سو، و تصریح بر ضرورت ایرانی بودن اعضای هیئت‌منصفه از سوی دیگر، اصرار بر لزوم مسلمان بودن اعضا و محروم کردن شهروندان مسیحی، کلیمی و زرتشتی از داشتن نماینده‌ای در هیئت‌منصفه از

منطق به دور و با حکمت این نهاد همسو نبود. به علاوه، عدم اکتفا به داشتن سواد خواندن و نوشتن کافی و تأکید بر ضرورت داشتن دیپلم یا مدرک حوزوی معادل به دلیل عدم سنخیت با مقتضای وجودی هیئت منصفه مبنی بر ضرورت داشتن ترکیبی از افراد مختلف و طیف‌های گوناگون اجتماع، قابل دفاع نبود. نظام‌های حقوقی انگلستان (رحیمی، ۱۳۹۴: ۱۲۱) و فرانسه (جلالیان و رحیم‌نیا، ۱۳۹۲: ۴۶)، برای احتراز از چنین تالی فاسدی، اعضای این نهاد را از تکلفی بیش از سواد خواندن و نوشتن معاف کرده است. گفتنی است، شرط‌های ضرورت برخورداری از تابعیت کشور محل خدمت و لزوم اقامت در مکان ایفای وظیفه، در نظام‌های حقوقی همچون انگلستان نیز مورد تأکید است (Merder, 2015: 145). اهمیت شرط اول به این دلیل است که اعضای هیئت منصفه در کنار قضات، در امر رسیدگی کیفری به‌عنوان جلوه‌ای از اعمال حاکمیت دخالت می‌کنند. بدیهی است که این اعمال را نمی‌توان به بیگانگان تفویض و بر امور حاکم‌شان کرد. اعتبار شرط دوم نیز از آن جهت است که صرف نظر از کمک به دادگاه برای دسترسی آسان‌تر به اعضا و دعوت‌شان به جلسه‌های بعدی، معرفت جامعه‌شناختی است که از رهگذر بودن مستمر در محیط جرم‌زا و اشراف بر اوضاع و احوال هر قضیه کسب و در تصمیم‌گیری لحاظ خواهند کرد.

۲. گستره مداخله هیئت منصفه

وسعت جرم‌های تحت بررسی هیئت منصفه، تأثیر این نهاد در سرنوشت متهم از حیث بزه‌کار شناختن یا نشناختن او، تشخیص استحقاق یا عدم استحقاق نسبت به تخفیف مجازات در حالت اول، حدنصاب لازم اعضا برای مقصر یا غیرمقصر معرفی کردن متهم و نقد سیاست پرافت‌وخیر قانونگذار در این چارچوب از دیگر موضوع‌های قابل بحث این قسمت‌اند.

۲-۱. جرم‌های موضوع دادرسی

قانون‌ها و رویه‌های قضایی کشورهای مختلف در تعیین مصداق‌های مجرمانه‌ای که رسیدگی به آنها بدون حضور هیئت منصفه ممکن نیست، سویه واحدی ندارند. نظام‌های حقوقی صاحب قدمت در این حوزه، قائل به مداخله حداکثری در این باره هستند.

چنانکه به موجب اصلاحیه ششم قانون اساسی آمریکا و تفسیر انجام شده از آن توسط دادگاه عالی، متهم در همه دادرسی‌های جنایی، حق برخورداری از حضور هیئت منصفه بی‌طرف را خواهد داشت (Ibid.: 134-135). در حقوق کیفری انگلستان نیز براساس قانون هیئت منصفه مصوب ۱۹۷۴ و اصلاحات بعدی، به جز جرم‌های کوچک^۱ که رسیدگی به آنها به عهده دادگاه مجستریت^۲ و در غیاب هیئت منصفه است، جرم‌های بزرگ جنایی^۳ با حضور این نهاد قابل قضاوت است (Ethan, 2007: 636). با این حال برخی جرم‌های مهم نظیر اخلال در روند دادرسی همچنان از حوزه صلاحیت هیئت منصفه مورد رسیدگی خارج است. تلاش‌هایی هم درباره خارج کردن کلاهبرداری‌های پیچیده توسط کمیته روسکیل انجام شد که در سال ۱۹۸۱ به شکست انجامید (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۰ الف: ۵۲). نظام حقوقی ایران از پیشتر تاکنون، با اتخاذ و استمرار رویکردی حداقلی، به مداخله هیئت منصفه ورای جرم‌های سیاسی و مطبوعاتی رضایت نداده است. این موضوع به اصل (۷۹) متمم قانون اساسی سال ۱۲۸۶ که مأخذ آن قانون اساسی بلژیک بود، بازمی‌گردد (هاشمی، ۱۳۹۵: ۱۲۴). اگرچه این تضییق با توجه به شرایط آن برهه که آزادی خواهان به سختی براستبداد سیاسی و قضایی حاکم فائق آمدند و انقلاب مشروطیت را به بار نشانند، می‌تواند قابل درک باشد (شاملو، ۱۳۹۰: ۶۸۶)، اما عدم توسعه گستره صلاحیت این نهاد، آن هم پس از گذشت بیش از یک قرن از زمان پیدایش، بسط فرهنگ مردم‌سالاری در همه بُعدها، رشد نهادهای مدنی و توسعه سیاست جنایی مشارکتی در امر کنترل جرم، پذیرفتنی نیست (مشهدی، انصاری و قورچی‌بیگی، ۱۳۹۰: ۴۸) در پاسخ به این پرسش اساسی که آیا چنین نگرشی با اصول دادرسی افتراقی ویژه رسیدگی به جرم‌های سیاسی و مطبوعاتی در تقابل قرار نخواهد گرفت، باید گفت به نظر این چنین نیست زیرا هدف، شرکت دادن هیئت منصفه به‌عنوان نماینده افکار عمومی در تشخیص گناهکار بودن یا نبودن متهم در رسیدگی به جرم‌هایی است که در کنار جرم‌های مذکور (موضوع ماده (۳۰۲) قانون آیین دادرسی کیفری) از

1. Petty Offences

2. Magistrate Court

3. Criminal Offences

حساسیت‌های جامعه‌ی بالایی برخوردارند. بدیهی است که در تحقق جرم‌های سیاسی و مطبوعاتی، به سبب عجین بودن رفتار شهروندان با انگیزه اصلاح امور ملت، حمایت قانونگذار با هدف صیانت از آزادی بیان با شدت بیشتری همراه است؛ چندان که دادرسی آنها برخلاف عموم جرم‌ها، همواره علنی برگزار و مقید به هیچ استثنایی مانند منافی با عفت یا مغایرت با نظم عمومی بودن نیست. تخصیص اصل (۱۶۸) قانون اساسی به این امر - با بیانی مطلق - پس از اصل (۱۶۵) - با بیانی مشروط - جز این نبوده است.

این برداشت البته مخالفانی نیز دارد که وجود نمایندگان وجدان جمعی را در محکمه‌های کیفری مفید به فایده نمی‌دانند. به عقیده آنها، رسیدگی به دیگر جرم‌ها مستلزم داشتن اطلاعات حقوقی صرف بوده و تنها کسانی می‌توانند به چنین حوزه فنی ورود پیدا کنند که اشراف کاملی بر محیط داشته باشند. سپردن سرنوشت متهمان به دست عده‌ای غیرمتخصص که به جای تکیه بر اصول حقوق کیفری و وقوف نسبت به مؤلفه‌های عمومی و تخصصی جرم و مسائل مرتبط؛ متأثر از احساسات شخصی، القائات رسانه‌ای و التهاب‌های جامعه‌ای هستند، دادرسی را به انحراف خواهند کشاند (علی‌بخشی و رضوی‌فرد، ۱۳۹۰: ۱۶۸ به نقل از صبری، ۱۳۹۳: ۸۴؛ بوشهری، ۱۳۷۶: ۵۲). این دغدغه به‌رغم در خور تأمل بودن، به دلیل امکان تفکیک امور موضوعی - تلقی عمومی از شریانه بودن یا نبودن رفتار متهم - و حکمی - تشخیص عنوان مجرمانه و انطباق آن با نص قانون - و محدود کردن دخالت هیئت منصفه به مورد اول، قابل رفع است.

طبق اصل (۲۴) قانون اساسی، جرم مطبوعاتی اقدامی است که مبتنی بر انتشار مطالب مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی به وسیله مطبوعات باشد. بر این اساس، ماده‌های (۶ و ۷) لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ اصلاحی ۱۳۷۹؛ به مصداق‌هایی چون توهین، افترا، نشر اکاذیب، سرقت ادبی، تقلید نام یا علامت نشریه دیگر، تهدید توسط مطبوعات، افشای اسرار شخصی در قلمروی حقوق فردی، انتشار اسناد مجرمانه و سری دولتی، انتشار مذاکره‌های جلسه‌های غیرعلنی محاکم دادگستری و مجلس شورای اسلامی، توهین به مقامات و مقدسات و تحریک به جرائم علیه امنیت اشاره کرده است. به این ترتیب، نمی‌توان هر جرمی که با ابزار مطبوعات به منصفه ظهور می‌رسد را لزوماً مطبوعاتی دانست. مانند حالتی که شخصی از نشریه‌ای به عنوان وسیله متقابلانه استفاده

و مال دیگری را تصاحب کند (ساولانی، ۱۳۹۶: ۳۷-۳۶). با توجه به گسترش فضای سایبری و تبادل دیجیتالی اطلاعات، همه مقرره‌های کیفی شکلی و ماهوی ناظر به مطبوعات سنتی، مستنبت از تبصره «۳» ماده (۱) قانون مطبوعات^۱ و قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸، در مورد نشریه‌های الکترونیکی نیز مجری و جرم‌های انجام شده از این طریق با حضور هیئت منصفه رسیدگی خواهند شد (مؤذن‌زادگان و علی‌بخشی، ۱۳۹۲: ۶۳-۶۱).

جرم سیاسی را نیز می‌توان فعل یا ترک فعل مجرمانه توأم با انگیزه بهبود امور کشور و مردم، علیه حاکمیت مستقر و منافع آن دانست. ماده (۱) قانون دیرهنگام تصویب شده جرم سیاسی (۱۳۹۵/۲/۲)، تحقق جرم مزبور را در قالب یکی از مصداق‌های مذکور در ماده (۲) این قانون^۲ با شرط داشتن انگیزه اصلاح امور کشور و نداشتن قصد ضربه به نظام ازسوی مرتکب ممکن دانسته است. ماده (۵) نیز تشخیص سیاسی بودن یا نبودن جرم را به دادسرا یا دادگاه رسیدگی‌کننده تفویض کرده است. البته متهم می‌تواند در هر مرحله از رسیدگی در دادسرا و تا پایان جلسه اول دادرسی، نسبت به غیرسیاسی بودن اتهام خود ایراد داشته باشد، تا مرجع رسیدگی‌کننده طی قراری در این مورد اظهار نظر کند. بر شیوه صدور و اعتراض به این قرار نیز مقررات قانون آیین دادرسی کیفری حاکم خواهد بود. این در حالی است که تبصره ماده (۶) طرح پیشنهادی پیشین، برای هیئت منصفه نقش تعیین‌کننده‌تری قائل و دادگاه را به تمکین از نظر آن مکلف کرده بود (کرمی و کرامتی معز، ۱۳۹۵: ۲۱۵-۲۱۴).

بُعد دیگر موضوع، جرم سیاسی منفی یا جرم سیاسی حکومت^۳ یا همان اقدام‌های

۱. به‌موجب این تبصره: «کلیه نشریات الکترونیکی، مشمول این قانون است».

۲. الف) توهین یا افترا به رؤسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس‌جمهور، وزرا، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به واسطه مسئولیت آنان؛

ب) توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی که در قلمروی جمهوری اسلامی ایران وارد شده است با رعایت مفاد ماده (۵۱۷) قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات؛

پ) جرائم مندرج در بندهای «د و ه» ماده (۱۶) قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده مصوب ۷/۶/۱۳۶۰؛

ت) جرائم مقرر در قوانین انتخابات خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا به استثنای مجریان و ناظران انتخابات؛

ث) نشر اکاذیب.

غیرقانونی دولت یا کارگزاران آن علیه حقوق بشر، آزادی‌های اساسی شهروندان و به‌طورکلی، همه حق‌ادعاهایی^۱ است که نمونه‌هایی از آن را می‌توان در نقض دادرسی عادلانه، توقیف خودسرانه، تبعیض نژادی، منع مشارکت سیاسی و استراق سمع مشاهده کرد (Campbell, 2006: 36). در بیان وجه تمایز این عنوان با جرم دولتی، می‌توان گفت اولی، واجد و دومی، فاقد وصف سیاسی است. هرچند، گفتمان راجع به جرم سیاسی مثبت به‌رغم تعلق در تصویب قانون آن، در ادبیات جنایی ایران سابقه دیرینه دارد، اما ایده جرم سیاسی منفی این‌گونه نبوده و نوظهور است (توسلی نائینی و قاسمی، ۱۳۹۵: ۷۴-۷۳؛ حائری، قبولی درافشان و موسوی مشهدی، ۱۳۹۱: ۵۱). اینکه آیا نوع جرم از همان مزیت‌های جرم سیاسی مثبت از جمله حضور هیئت منصفه در هنگامه رسیدگی بهره‌مند خواهد بود یا خیر، به شناسایی آن توسط قانونگذار مربوط می‌شود. بند «۵» از ماده (۲) لایحه قانونی تعریف جرم سیاسی و نحوه رسیدگی به آن در محاکم دادگستری - تهیه توسط کمیسیون حقوق بشر اسلامی - سلب آزادی شخصی افراد ملت برخلاف قانون یا محروم کردن آنها از حقوق مقرر در قانون اساسی موضوع ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی را در صورت انطباق با شرایط ماده (۱) - انگیزه سیاسی یا اثر سیاسی - مصداق‌هایی از جرم سیاسی دانسته بود.

همه جرم‌های انتخاباتی مرتبط با مجلس شورای اسلامی، ریاست‌جمهوری و مجلس خبرگان و جرم‌های مندرج در قانون احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده نیز دارای چنین حکمی است. بند «۴» از ماده (۱) طرح جرم سیاسی اعلام وصول شده در مجلس در تاریخ ۱۳۹۶/۶/۳۱ هم با همین تلقی، به تقصیرهای مقام‌ها و مأموران دولتی موضوع فصل دهم از باب پنجم قانون مجازات اسلامی اشاره می‌کند که حسب ماده (۵۷۰)، نقض حقوق اساسی ملت از جمله آنهاست (توسلی نائینی و قاسمی، ۱۳۹۵: ۹۶) اما به دلیل عدم انعکاس هیچ‌یک از این عبارات و نگرش‌ها در قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵/۲/۲، استنباط جرم سیاسی منفی از آن، غیرممکن و یا دست‌کم بعید است. به‌هرحال ترسیم بایسته قلمرو جرم سیاسی

و سپردن سرنوشت دادرسی متهمان به تصمیم نمایندگان جامعه، از تضييع حقوق آنها به سبب برداشت‌های گوناگون احتمالی از قضیه جلوگیری و عرف را فصل‌الخطام قرار خواهد داد. همچنین در مورد جرم مطبوعاتی نیز مانند آنچه گفته شد مصداق دارد.

گفتنی است که هیئت منصفه همچون قاضی پرونده، موظف به حضور در تمامی جلسه‌های دادرسی و استماع اظهارهای شاکی، متهم، دادستان و شاهدان به منظور احراز واقع و ابراز نظر شایسته است. این مهم در مصوبه‌های دوره‌های مختلف از جمله قانون هیئت منصفه مصوب ۱۳۱۰ (ماده ۷)؛ لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۳۴ (بند «ب» ماده (۳۴))؛ لایحه قانونی مطبوعات سال ۱۳۵۸ (ماده (۳۴))؛ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحیه‌های بعدی (ماده (۳۸)) و قانون منسوخ هیئت منصفه مصوب ۱۳۸۲ (ماده (۷)) مورد تأکید قرار گرفته است. البته، به منظور عدم وقفه در روند کار هیئت، عضو علی‌البدل جای عضو غایب اعم معذور یا غیرمعذور را پر و به ایفای نقش خواهد پرداخت. همچنین، ضمانت اجرای استعفا یا کناره‌گیری غیرموجه هر یک از اعضا، حسب ماده (۳۹) قانون مطبوعات، دو جلسه متوالی یا پنج جلسه متناوب^۱ - محرومیت از دو سال عضویت در هیئت منصفه به حکم دادگاه است. مشابه این حکم را ماده (۹) قانون هیئت منصفه مصوب ۱۳۸۲ و ماده (۲۹) آیین نامه اجرایی آن (منسوخ)، با تغییری جزئی - محرومیت مزبور به واسطه غیبت غیرموجه برای چهار جلسه متوالی یا ۶ جلسه متناوب - پیش‌بینی کرده بود.

۲-۲. کارکرد هیئت منصفه

نقش هیئت منصفه و آثار مترتب بر آن، در دو حوزه قابل تعمق است: اول، اعلام بزهکار بودن یا نبودن متهم که خود به احراز موضوع منوط است و دوم، تشخیص شایستگی یا عدم شایستگی او بر تخفیف مجازات در صورت بزهکار شناختن.

۱. ماده (۹) قانون هیئت منصفه مصوب ۱۳۸۲ (منسوخ) به چهار جلسه متوالی یا ۶ جلسه متناوب اشاره کرده بود.

۱-۲-۲. احراز بزهکار بودن یا نبودن متهم

به‌طور کلی، پس از اعلام ختم رسیدگی از جانب دادگاه، هیئت منصفه بدون فاصله و به‌صورت محرمانه وارد شور شده و با توجه به دلیل‌های استنادی، کیفرخواست دادستان و در صورت لزوم اخذ نظر قاضی؛ نظر کتبی خود را در خصوص بزهکاری یا عدم بزهکاری متهم اعلام می‌کند. همچنین، مصوبه حاکم - قانون مطبوعات اصلاحی ۱۳۷۹ (ماده (۴۳)) - شور اعضا را مقید به محرمانه بودن نکرده است و از این حیث تکلیفی بر آنها بار نیست. با این حال، بهتر بود برای حفظ استقلال و عدم تأثیری‌پذیری از هر شخص و جریانی، به آن توجه می‌شد. با اینکه ماده (۳۳) آیین‌نامه اجرایی قانون هیئت منصفه مصوب ۱۳۸۲ (منسوخ) با لحاظ این مهم مقرر کرده بود: «بلافاصله، پس از ختم دادرسی توسط دادگاه، اعضای هیئت به‌صورت محرمانه وارد شور شده و در خصوص بزهکاری یا عدم بزهکاری و استحقاق یا عدم استحقاق تخفیف در مجازات متهم تصمیم اتخاذ کرده و...». این رویه، از سوی نظام کیفری انگلستان نیز دنبال و مدنظر قرار گرفته است (Obilo, 2009:179-184). گفتنی است قانونگذار هیئت منصفه را در انعکاس نظرهایش پیرامون رفتار مرتکب؛ به ارائه دلیل مکلف نکرده است. آنچه مربوط به آنهاست، اعلام بزهکار بودن یا نبودن متهم در پایان محاکمه و پس از شور است. استدلال و توجیه قانونی و حقوقی، رسالتی است که به عهده قاضی واگذار، تا به هنگام صدور حکم آن را بیان کند. حقوقدان نبودن اکثریت اعضای هیئت و تکیه آنها بر وجدان عمومی برای اخذ تصمیم، نمی‌تواند در اتخاذ چنین سیاستی بی‌تأثیر بوده باشد. نظام‌های حقوقی همانند انگلستان نیز به‌طرز معناداری همین موضع را اختیار و بر آن اصرار کردند؛ با این تفاوت که هیئت منصفه برای رسیدن به اقتناع وجدان، حق دعوت از قاضی و استفاده از راهنمایی او را به جلسه شور دارد. مقام مزبور نیز حق عدم اجابت این خواسته را ندارد (Ibid.: 41).

قانون مطبوعات اصلاحی ۱۳۷۹ در مورد لزوم تفکیک نظرهای موافقان و مخالفان در اعلام نظر اکثریت فاقد نص است. با این حال دلالت تبصره «۱» ماده‌های (۳۷ و ۴۳) نسبت به این امر، که به ترتیب بر حصول اکثریت آرا و انعکاس مکتوب آن به دادگاه اشعار دارند قابل استنباط است. در این باره، قسم اخیر تبصره ماده (۳۳) آیین‌نامه اجرایی قانون هیئت منصفه

مصوب ۱۳۸۲ (منسوخ) از وضوح بیشتری برخوردار بود. در نظام کیفری انگلستان نیز سخنگوی هیئت منصفه موظف به مشخص کردن اعضای موافق و مخالف با گناهکار یا بی‌گناهی متهم و اعلام آن به دادگاه شده است (جلالیان و رحیم‌نیا، ۱۳۹۲: ۵۹). گفتنی است در ماده (۴۲) قانون مطبوعات اصلاحی ۱۳۷۹، برای کارآمدی هرچه بهتر هیئت منصفه و تبدیل آن به کنشگری فعال؛ به اعضای آن حق طرح پرسش از طریق دادگاه داده شده است. اما اینکه بتوان از این بیان برای آنها حق تحقیق و تفحص در ماهیت دعوا و کسب اطلاعات راجع به آن، پیش از جلسه دادگاه و اخذ هرگونه صمیم متصور شد، با توجه به حکم ماده (۴۳) و تصریح به لزوم شور بلافاصله اعضا و اعلام نظر کتبی بعید به نظر می‌رسد. در این صورت نظام حقوقی با خلأ روبه‌رو و نهاد مزبور را در انجام رسالت خود با چالش مواجه خواهد کرد.

با گذر از این مرحله، دادگاه موضوع تشخیصی را با قانون تطبیق و به صدور حکم مبادرت می‌کند. بنابراین از هیئت منصفه به‌عنوان جویندگان واقعیت - امور موضوعی - و از قضات با عنوان جویندگان قانون - امور حکمی - یاد می‌شود (Devine, 2012: 31). در امور موضوعی، هیئت منصفه در مورد انتساب یا عدم انتساب رفتار مجرمانه به متهم و نیز ابتنا یا عدم ابتنای آن بر تقصیر، مذاقه و اظهار نظر می‌کند. امور حکمی نیز در ارتباط با تشخیص مطابقت این رفتار با عنوان جزایی و استخراج مقرر قانونی و ماده‌های مربوط برعهده قاضی گذاشته شده است. اینکه رأی هیئت منصفه از چه حدنصابی برخوردار و بین نحوه احراز بزهکاری و عدم بزهکاری متهم فرق است یا خیر، رویه واحدی بر نظام‌های حقوقی حاکم نیست. قانونگذار فرانسه از سال ۱۹۴۱ به بعد قائل به حصول اکثریت نسبی اعضا برای تبرئه و اکثریت دوسوم آنها برای محکومیت متهم شده است (افتخار جهرمی، ۱۳۸۰: ۲۹۹). در انگلستان نیز اکثریت نسبی آرای هیئت منصفه برای تبرئه متهم از سوی دادگاه کافی دانسته شده است. اما برای محکومیت متهم، تا اوایل قرن بیستم بنا بر اتفاق آرا بود؛ تا اینکه قانون عدالت جزایی در سال ۱۹۶۷ و قانون هیئت منصفه در سال ۱۹۷۴ این موضع را تعدیل و

حدنصاب کمتر را تحت شرایطی - مانند توافق ۱۰ نفر از دوازده نفر در دادگاه شاهی - مورد پذیرش قرار دادند (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۰ ب: ۱۶۵).

نظام حقوقی ایران نیز به رغم وضع قانون‌های متعدد در دوره‌های متوالی روند همگونی را دنبال کرده است. به طوری که ماده (۳) قانون موقت هیئت منصفه مصوب ۱۳۰۱، ماده (۱۰) قانون محاکمه وزرا مصوب ۱۳۰۷، ماده (۱۱) قانون هیئت منصفه مصوب ۱۳۱۰، ماده (۳۸) قانون‌های مطبوعات مصوب ۱۳۳۱ و ماده (۳۴) قانون مطبوعات مصوب ۱۳۳۴ در هر دو مورد تشخیص مجرمیت یا عدم مجرمیت، جز در حالت تساوی آرای اعضای هیئت و حمل آن به نفع متهم، اکثریت مطلق را ملاک اعتبار قرار داده‌اند. ماده (۳۸) لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۵۸ نیز وام‌دار همین شیوه بدون تعیین حکم در مورد تعبیر تساوی آرا به نفع متهم بود. قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴، اصلاحی ۱۳۷۹ نیز گرچه سکوت درخور انتقادی را در همه بُعدها پیشه کرد، استناد دادگاه‌ها به حدنصاب مندرج قانون پیشین، به دلیل عدم مغایرت با آن با مانعی مواجه نشد. در نهایت قسم اخیر ماده (۷) قانون هیئت منصفه مصوب ۱۳۸۲ فعال‌تر ظاهر و ملاک تصمیم‌گیری هیئت منصفه را همچون مصوبه‌های پیشین، حصول اکثریت مطلق آرا دانست.

مسئله اساسی دیگر، نحوه تعامل هیئت منصفه با قاضی است. از نگاه بعضی، تشخیص این نهاد راجع به بزهکار بودن یا نبودن متهم، از ماهیتی تصمیم‌گیرانه برخوردار و اساس حکم دادگاه قرار خواهد گرفت. به اعتقاد دیگران، پیچیده بودن امر قضا مانع از آن است که بتوان برای هیئت منصفه جایگاهی بیش از مشاور یا کارشناس قائل؛ و متخصص امر قضا را ملزم به تبعیت از نظر آن کرد (پیوندی، ۱۳۸۸: ۲۳۳). نظام‌های حقوقی انگلستان (Barker and Colin, 1998: 64) و آمریکا (Morrison, 2011: 1631) از نگرش اول پیروی و قاضی، به تبعیت از تشخیص هیئت منصفه مبنی بر بزهکار بودن یا نبودن ملتزم شده‌اند. در فرانسه وضع این‌گونه است که از قانون ۱۹۳۲ به این سو، اعضای هیئت منصفه و قضات در رأی‌گیری مشارکت و در مورد مجرم شناختن و یا نشناختن متهم تصمیم می‌گیرند (استفانی، لواسور و بلوک، ۱۳۷۸: ۵۶۶-۵۶۴).

در نظام حقوقی ایران اولین قانون هیئت منصفه مصوب ۱۳۰۱ (ماده ۳)، به مشورتی بودن نظر این نهاد رأی داد. برعکس، قانون محاکمه وزرا و هیئت منصفه مصوب ۱۳۰۷،

قاضی را موظف به صدور حکم براساس تشخیص این هیئت کرد (ماده ۱۰). مدتی بعد، قانون هیئت منصفه مصوب ۱۳۱۰ زمان ایفای نقش هیئت منصفه را به پس از حکم دادگاه محول کرد. به این ترتیب که اگر تشخیص قاضی بر مجرمیت و نظر متأخر هیئت منصفه بر بی‌گناهی متهم باشد، متعاقب درخواست وزیر عدلیه، دادرسی اعاده می‌شود. با این حال معلوم نشده است که در صورت تبرئه توسط قاضی و ارائه نظر مغایر توسط هیئت چه باید کرد؟ همچنین، مشخص نکرده که در صورت حدوث اختلاف بین مرجع‌های مزبور بعد از اعاده دادرسی راه علاج چیست؟ بر این اساس، لایحه قانونی مطبوعات آذر ماه ۱۳۳۱ (ماده ۳۸) با رجعت به شیوه قانون هیئت منصفه سال ۱۳۰۷؛ هم، زمان اظهار نظر هیئت منصفه را به پیش از تصمیم دادگاه بازگرداند و هم، قاضی را به متابعت از تشخیص این نهاد واداشت.

اما تبصره «۱» طرح اصلاحی قانونی مطبوعات ۱۳۷۹ با اتخاذ رویکردی دیگر عنوان کرد: «پس از اعلام نظر هیئت منصفه، دادگاه در خصوص مجرمیت یا برائت متهم اتخاذ تصمیم کرده و طبق قانون مبادرت به صدور رأی می‌کند». همچنین طبق تبصره «۲»: «در صورتی که تصمیم هیئت منصفه بر بزهکاری باشد دادگاه می‌تواند پس از رسیدگی، رأی بر برائت صادر کند». اینکه بتوان از مفهوم مخالف این تبصره استفاده و تصمیم هیئت منصفه را بر عدم بزهکاری متهم برای دادگاه الزام‌آور دانست یا خیر، با توجه به اطلاق تبصره پیش دشوار به نظر می‌رسد. قانون هیئت منصفه مصوب ۱۳۸۲ نیز نه تنها دادگاه را به تبعیت از رأی هیئت منصفه ملزم نکرد، که برای جلوگیری از بروز هر نوع سوء تفاهم، از درج متن مشابهی مانند تبصره «۲» قانون پیش‌گفته امتناع کرد. اما قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ بدون ارائه راه حل مستقلی، قانون آیین دادرسی کیفری را حاکم بر قضیه کرد (ماده ۴). قانون آیین دادرسی نیز به جای شرح موضوع به احاله دیگر متوسل و معیارهای مندرج در قانون مطبوعات ۱۳۷۹ را ملاک قرار داده است (تبصره ماده (۳۰۵)). برای برون رفت از این تنگنا، تلفیق اعضای هیئت منصفه با قاضی دادگاه و اتخاذ تصمیم مشترک می‌تواند گزینه‌ای قابل تأمل باشد. چندان که نظام حقوقی فرانسه با چنین رهیافتی، در صدد تعمیق تعامل این دو مرجع مردمی و قضایی برآمده است. در این نظام، اعضای هیئت موصوف با حضور مقام قضایی، نه فقط در نفی و اثبات مجرمیت متهم (ماده (۳۵۶) قانون آیین دادرسی کیفری)

که در مورد اعمال مجازات بر او (همان ماده قانونی) نظر می‌دهند. همچنین تصمیم‌های نامناسب به ضرر متهم، جز با اکثریت بالای هشت در برابر چهار رأی قابل اعتبار نیست (صبری، ۱۳۹۳: ۱۵۴). اگر قانونگذار ایران به هر دلیلی از جمله محذورهای فقهی یا ایدئولوژیک موافق گسترش دامنه اختیارات هیئت‌منصفه تا این حد نیست؛ دست‌کم می‌تواند به لحاظ همسویی بیش از پیش نظرهای این نهاد و دادگاه، با اندک اصلاحاتی قاضی را موظف به حضور در جلسه مشورتی مشترک کند. در این صورت، سطح احاطه قاضی به موضوع و ابعاد آن افزایش و تصمیم درباره متهم، علاوه بر قوت و صحت حقوقی، افکار عمومی را نیز بازتاب خواهد داد (آقابابایی، ۱۳۸۲: ۱۷۶). این اشکال احتمالی نیز که قاضی در نهایت دیدگاهی غیر از نظر هیئت‌منصفه داشته باشد، با پیش‌بینی منع قضاوت او از سوی قانونگذار و ارجاع پرونده به قاضی دیگر رفع‌شدنی است.

به هر شکل گذشته از مشورتی بودن نظر هیئت‌منصفه، جایگاه نهاد مزبور در رویه قضایی با عدم انعکاس نظر آنها در برخی از آرای دادگاه‌ها بیش از پیش رو به تضعیف گذارده است.^۱

۲-۲-۲. تشخیص شایستگی یا عدم شایستگی متهم نسبت به تخفیف مجازات

به تدریج و با افزایش اختیارات، هیئت‌منصفه این فرصت را یافت تا راجع به استحقاق یا عدم استحقاق متهم بر تخفیف مجازات نیز اعلام موضع کند. این تغییر در رویه قضایی انگلستان از سال ۱۶۷۰ (Roberts and Hough, 2009: 7) و در روند قانونگذاری فرانسه (استفانی، لواسور و بلوک، ۱۳۷۸: ۵۶۶) از سال ۱۸۳۲ پدیدار شد. در نظام حقوقی ایران نیز به جز قانون هیئت‌منصفه مصوب ۱۳۰۱، بقیه قانون‌ها به این مهم توجه و آن را مورد لحاظ قرار دادند. از

۱. به‌عنوان مثال در دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۷۲۰۶۳۱۰۱۰۹ شعبه اول دادگاه کیفری یک استان مازندران، روزنامه‌نگاری به اتهام توهین به مقام‌ها و مأمورین، به‌استناد ماده (۶۰۹) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) و ماده‌های (۱، ۳ و ۶) و تبصره «۴» ماده (۲۳) لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ اصلاحی ۱۳۷۹، به یک میلیون جزای نقدی در حق دولت محکوم شده است. اینکه در رأی سه‌صفحه‌ای، هیچ اشاره‌ای به حضور هیئت‌منصفه و اظهار نظرش در مورد مجرمیت یا بی‌گناهی متهم در پایان دادرسی نشده موجب تعجب است. نمونه دیگر را می‌توان در دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۲۰۶۳۱۰۱۰۴۲ از پرونده کلاسه ۹۶۰۰۶۳ که محاکمه مرتکب به اتهام نشر اکاذیب به محکومیت او به جزای نقدی بیست میلیون ریالی (بدل از حبس) انجامید، مشاهده کرد.

جمله ماده (۴۳) اصلاحیه قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹ که مقرر کرد: «پس از اعلام ختم رسیدگی، بلافاصله اعضای هیئت منصفه به شور پرداخته و نظر کتبی خود را در دو مورد زیر به دادگاه اعلام می‌دارند: ... ب) در صورت بزهکاری، آیا مستحق تخفیف است یا خیر؟».

در برابر این سؤال که پذیرش تشخیص هیئت منصفه در زمینه استحقاق بزهکار نسبت به تخفیف برای دادگاه اختیاری است یا الزام‌آور، برخی به دو دلیل قائل به اختیار قاضی در این باره شده‌اند: اول اینکه اطلاق تبصره «۱» ماده (۴۳) اصلاحیه قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹ در اعطای استقلال کامل به قاضی؛ نه تنها شامل محکومیت مرتکب در صورت بزهکاری، بلکه شامل تخفیف مجازات او نیز می‌شود. دوم اینکه ماده (۳۸) قانون مجازات اسلامی احراز جهت‌های تخفیف را وظیفه و اعمال تخفیف را از اختیارات قاضی دانسته است. این حکم، شامل نظر هیئت منصفه نیز به عنوان یکی از سبب‌های تخفیف می‌شود (شاکری و کرمی‌گلباگی، ۱۳۸۹: ۹۶) اما با توجه به تمرکز تبصره مورد اشاره بر موضوع‌های چهارگانه مجرمیت، بی‌گناهی، محکومیت و تبرئه مرتکب و عدم تعرض به چیزی دیگر و نظر به تفسیر نصوص جزایی به نفع متهم، به نظر می‌رسد که قاضی در پیروی از منویات هیئت منصفه و اعمال تخفیف ناگزیر باشد. ناگفته نماند که هیئت منصفه در مورد معافیت یا تشدید مجازات متهم شایستگی اظهار نظر ندارد. این در حالی است که نظام حقوقی فرانسه مدت‌هاست - از زمان قانون سال ۱۸۳۲ به بعد - در این موارد نیز به نهاد مزبور مجال اظهار نظر داده است (افتخار جهرمی، ۱۳۸۰: ۲۹۹).

۳-۲-۲. نقش هیئت منصفه در مرحله تجدیدنظر

این مسئله که در صورت اعتراض به رأی دادگاه، دادرسی در مرحله تجدیدنظر با حضور هیئت منصفه خواهد بود یا بدون آن، درخور تأمل است؟ عده‌ای با این توضیح که چون صدور رأی در مرحله تجدیدنظر متوقف بر رسیدگی ماهوی به موضوع است و با استناد به اینکه اصل (۱۶۸) قانون اساسی حضور هیئت منصفه در دادگاه را مقید به مقطع خاصی نکرده و نیز با اتکا به قاعده تفسیر به نفع متهم در فرض شبهه، به پرسش مزبور پاسخ مثبت داده‌اند (صبری، ۱۳۹۳: ۱۴۸-۱۴۶). این استدلال، مغایر با تبصره «۳» ماده (۴۳) اصلاحیه

قانون مطبوعات موصوب ۱۳۷۹ است که اشعار می‌دارد: «... در رسیدگی به تجدیدنظر، حضور هیئت منصفه لازم نیست»؛ پیشتر اگر قانونگذار نسبت به حضور هیئت منصفه در مرحله بالاتر موافقت صریحی نداشت، آشکارا هم مخالف نبود. همین امر کافی بود تا اغلب حقوقدانان با توجه به استدلال‌ها و معیارهای مذکور و با تأکید بر اینکه دادگاه متشکل از دو رکن قاضی و هیئت منصفه است، دعوت از این نهاد را برای شرکت در مرحله تجدیدنظر ضروری بدانند (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۲). اداره حقوقی قوه قضائیه نیز بر این مبنا عنوان داشت: «... تعیین جلسه در هر مرحله‌ای از رسیدگی، باید با حضور هیئت منصفه باشد؛ زیرا در ماده مذکور - ماده (۳۴) قانون مطبوعات ۱۳۶۴ - حضور این هیئت به طور مطلق ذکر شده و شامل مرحله تجدیدنظر هم می‌شود» (نظریه مشورتی شماره ۷/۲۸۹۵، مورخ ۱۳۷۷/۴/۲۷).

پس از آن، قانون هیئت منصفه موصوب ۱۳۸۲، از استعمال هر نوع عبارت منع‌کننده حضور هیئت منصفه در مرحله تجدیدنظر پرهیز و درعین حال موافقت صریحی هم نکرد. این پیشرفت هرچند نسبی به جای آنکه رو به تکامل باشد، با نسخ این مصوبه توسط قانون تعیین تکلیف هیئت منصفه موصوب ۱۳۸۷ و احیای دوباره قانون مطبوعات موصوب ۱۳۷۹ متوقف شد ضمن آنکه قانون آیین دادرسی کیفری موصوب ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴ نیز مشکل را حل نکرد. در وضعیت کنونی، به موجب بند «ث» ماده (۳۰۲) قانون آیین دادرسی کیفری، رسیدگی به جرم‌های سیاسی و مطبوعاتی در صلاحیت دادگاه کیفری یک و مرجع اعتراض به آرای این دادگاه برابر با ماده (۴۲۸) این قانون دیوان عالی کشور است. دیوان نیز به دلیل شکلی بودن جنبه رسیدگی‌اش، دلیلی برای دعوت از هیئت منصفه نخواهد داشت. البته هیچ چیز مانع حضور هیئت منصفه در دادگاه هم‌عرض رسیدگی‌کننده ماهوی، پس از نقض رأی توسط دیوان نخواهد بود. این گفته‌ها، در مورد اعاده دادرسی نیز جاری است؛ با این تفکیک که هیئت منصفه در اعاده دادرسی عادی (موضوع ماده (۴۷۴))، نه در دیوان بلکه در دادگاه هم‌عرض و در اعاده دادرسی فوق‌العاده (موضوع ماده (۴۷۷)) - صرف نظر از ایرادهای وارد بر این شیوه - در خود دیوان به دلیل صلاحیتش در رسیدگی ماهوی، حضور خواهد داشت.

در پاسخ به این پرسش که در مرحله دوم از هیئت منصفه جدید استفاده خواهد شد یا همان هیئت منصفه پیشین باید گفت: چون همه موردها و موجبات رد دادرسی مندرج در

ماده (۴۲۱) قانون آیین دادرسی کیفری، از جمله اظهار نظر ماهوی قبلی به موجب ماده (۴۱) اصلاحیه قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹ در مورد هیئت‌منصفه نیز صادق است، دیگر مجالی برای به‌کارگیری هیئت‌منصفه پیشین باقی نخواهد بود. بدیهی است در صورت حضور هر یک از اعضای سابق هیئت‌منصفه، این حق برای طرف‌های دعوا یا وکلای آنها محفوظ است که مراتب رد را به نظر قاضی برسانند. این مقام نیز پس از احراز امر، ضمن اعلام مراتب به هیئت، نسبت به دعوت از افراد جایگزین اقدام خواهد کرد.

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هیئت‌منصفه از سابقه و مداخله معناداری در نظام حقوقی ایران در رسیدگی به جرم‌های سیاسی برخوردار است. با این حال، برای یک هیئت‌منصفه کارآمد نارسایی‌هایی در قانون وجود دارد. این در حالی است که در نظام‌های حقوقی دیگر از جمله انگلستان، فرانسه و بلژیک، به موازات گسترش مردم‌سالاری و اهمیت یافتن سیاست جنایی مشارکتی؛ نقش این نهاد همواره پررنگ‌تر و از ظرفیت آن به شکلی مطلوب برای کنترل جرم و تجلی افکار عمومی در دستگاه عدالت استفاده شده است. تصویب قانون‌های مغایر با هم در دوره‌های مختلف، سیاست جنایی ایران را در این زمینه به شدت سردرگم کرده است. در حالی که لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۵۸، رأی این هیئت را برای قاضی الزام‌آور دانست، طرح اصلاحی سال ۱۳۷۹، آن را تغییر و به آن خصیصه مشورتی داد. همچنین، برخلاف هیئت‌منصفه مصوب ۱۳۸۲ که انتخاب اعضای این مرجع را به سوی سه‌مرحله‌ای و مردمی شدن هدایت کرد، قانون تعیین تکلیف سال ۱۳۸۷، با رجعت به قانون ۱۳۷۹، آن را در اختیار کارگزاران دولت قرار داد. از همه ناصواب‌تر، نسخ قانون هیئت‌منصفه مصوب ۱۳۸۲ است که با رویکردی منطقی نسبت به موضوع مانند افزایش چشمگیر اعضای هیئت‌منصفه، انتخاب همه اعضا از میان قشرهای مختلف جامعه و توسل به قرعه‌کشی؛ جایگاه هیئت‌منصفه را تا حد زیادی ارتقا داده و بر بسیاری از معضله‌های پیشین فائق آمده بود.

اکنون هیئت‌منصفه در پرتو قانون‌های جاری مانند طرح اصلاحیه قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹، قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب

۱۳۹۲ از جایگاهی که باید باشد، برخوردار نیست؛ زیرا مرزهای صلاحیتش در کرانه دو جرم سیاسی و مطبوعاتی پایان می‌پذیرد؛ رأی آن برای دادگاه الزام‌آور نبوده و چه بسا نادیده انگاشته شود و حضورش در مرحله تجدیدنظر در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. در مورد جرم سیاسی منفی که ناظر به رفتار مجرمانه کارگزاران حکومت علیه حقوق اساسی شهروندان است، محلی از اعراب ندارد؛ درخصوص تعیین حدنصاب آرای اعضای این مرجع برای تصمیم‌گیری، به جای پیش‌بینی اکثریت قاطع یا دوسوم برای بزهکار شناختن و اکثریت نسبی برای بی‌گناه اعلام کردن متهم، برای هر دو حالت، اکثریت نصف به علاوه یک در نظر گرفته شده است. از ورود حقوقدانان به ترکیب هیئت‌منصفه برای عدم خدشه به جنبه مردمی آن ممانعت نشده است؛ اندک بودن تعداد اعضای آن - در تهران ۲۱ نفر و مرکز استان‌ها چهارده نفر- به غیرقابل پیش‌بینی بودن ترکیب‌شان برای حضور در دادگاه لطمه وارد کرده است. در بیان شرایط عضویت، به حداکثر سن اشاره نشده است و با گذاشتن ضابطه تأهل، از ورود نماینده بخش قابل توجهی از جامعه به این نهاد جلوگیری شده است. آنچه برای برون‌رفت از نقص‌های این‌چنینی به ذهن خطور می‌کند عبارتند از:

۱. گستره مداخله هیئت‌منصفه درباره تشخیص موضوع، به همه جرم‌های مهم تعزیری توسعه یابد؛
۲. انتخاب اعضای هیئت‌منصفه از طریق فراخوان عمومی و توسل به قرعه انجام شود؛
۳. تعداد افراد هیئت‌منصفه تهران و سایر استان‌ها به منظور متغیر و غیرقابل پیش‌بینی بودن اعضای هر دادگاه، همچون قانون سال ۱۳۸۲ به پانصد نفر برای تهران و ۲۵۰ نفر و ۱۵۰ نفر به ترتیب برای استان‌های بیشتر و کمتر از یک میلیون جمعیت افزایش یابد؛
۴. به حضور هیئت‌منصفه پس از اعتراض به رأی در دادگاهی که رسیدگی ماهوی می‌کند و قعی نهاده شود؛
۵. به منظور عرفی بودن هیئت‌منصفه، از عضویت حقوقدانان در آن جلوگیری شود؛
۶. حداکثر سن عضویت در هیئت‌منصفه - مثلاً هفتاد سال - معلوم شود؛
۷. بر الزام‌آور بودن تشخیص هیئت‌منصفه برای قاضی نسبت به استحقاق متهم به تخفیف مجازات تصریح شود؛

۸. بر ممنوعیت گفت‌وگو و مرادده اعضای هیئت‌منصفه با اشخاص خارج از هیئت، تا پایان دادرسی تأکید شود؛

۹. به منظور افزایش ضریب دقت نظر هیئت‌منصفه، حداقل مدت معقولی برای شور اعضا - مثلاً دو ساعت - لحاظ شود؛

۱۰. برای مشارکت حداکثری قشرهای مختلف جامعه در هیئت‌منصفه از بین شرایط عضویت، قید تأهل حذف شود؛

۱۱. مانند سال‌های ۱۳۰۱، ۱۳۱۰ و ۱۳۸۲، به نحو مستقل، به تصویب قانون هیئت‌منصفه و آیین‌نامه اجرایی آن اقدام و جزئیات امر، از جمله نکته‌های مذکور در آنها منعکس شود.

منابع و مأخذ

۱. آشوری، محمد (۱۳۹۵). *آیین دادرسی کیفری*، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
۲. آقابابایی، بنی اسماعیل (۱۳۸۲). «جایگاه هیئت منصفه در حقوق ایران (با نگاهی به مبانی فقهی)»، *نامه مفید*، دوره ۹، ش ۳۷.
۳. استفانی، گاستون، ژرژ لواسور و برنار بلوک (۱۳۷۸). *آیین دادرسی کیفری*، ترجمه حسن دادبان، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
۴. افتخارجهرمی، گودرز (۱۳۸۰). *هیئت منصفه*، همایش هیئت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی.
۵. بوشهری، جعفر (۱۳۷۶). *حقوق اساسی*، جلد اول، چاپ دهم، تهران، گنج دانش.
۶. پورسرتیپ، فرج الله (۱۳۵۲). «هیئت منصفه»، *مجله حقوقی وزارت دادگستری*، دوره جدید، سال ۲۰، ش ۷.
۷. پیوندی، غلامرضا (۱۳۸۸). *جرم سیاسی*، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۸. توسلی نائینی، منوچهر و آروین قاسمی (۱۳۹۵). «جرم سیاسی منفی؛ درآمدی بر نگرشی نو به معنای جرم سیاسی»، *پژوهش حقوق کیفری*، ش ۲۰.
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۴). *ترمینولوژی حقوق*، چاپ بیست و هفتم، تهران، کتابخانه گنج دانش.
۱۰. جلالیان، عسکر و سمیه رحیم نیا (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی ساختار و وظایف هیئت منصفه در حقوق ایران، فرانسه و انگلیس»، *پژوهش های علوم انسانی*، سال پنجم، ش ۲۵.
۱۱. حائری، محمدحسین، سیدمحمدتقی قبولی درافشان و سیده قدسیه موسوی مشهدی (۱۳۹۱). «نگرشی نو در رابطه با مفاهیم محاربه، افساد فی الارض و بغی در فقه و حقوق موضوعه»، *آموزه های حقوق کیفری*، ش ۳.
۱۲. حلی، ابومنصور حسن بن یوسف بن علی بن مطهر (۵۱۳۸۵ ق). *قواعد الاحکام مسائل الحلال و الحرام*، کتاب القضا و الشهادات، جلد ۳۳، قم، جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۳. خالقی، علی (۱۳۹۶). *نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری*، چاپ نهم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
۱۴. --- (۱۳۹۷). *آیین دادرسی کیفری*، جلد دوم، چاپ سی و پنجم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
۱۵. رحیمی، خجسته (۱۳۹۴). *متون دانشگاهی*، چاپ هفتم، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد.

۱۶. زیدان، عبدالکریم (۱۳۷۰). *نظام القضا فی الشریعه الاسلامیه*، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الرساله.
۱۷. ساولانی، اسماعیل (۱۳۹۶). *آیین دادرسی کیفری*، جلد اول، چاپ هفتم، تهران، مؤسسه مشاهیر دادآفرین.
۱۸. شاکری، ابوالحسن و داوود کرمی‌گل‌باغی (۱۳۸۹). «ارزیابی اظهارنظر هیئت منصفه»، *مجله مطالعات حقوقی*، دوره دوم، ش ۲.
۱۹. شاملو، باقر (۱۳۷۵). «معرفی و نقد بر جایگاه هیئت منصفه در نظام حقوقی ایران»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، ش ۳.
۲۰. --- (۱۳۹۰). «ماهیت و نقش هیئت منصفه در نظام عدالت کیفری ایران از ظهور تا افول»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ضمیمه ش ۵۶.
۲۱. شیخ‌الاسلامی، عباس (۱۳۸۰ الف). «مقایسه اجمالی هیئت منصفه در حقوق ایران و انگلستان»، *الهیات و حقوق*، ش ۲.
۲۲. --- (۱۳۸۰ ب). *جرائم مطبوعاتی، بررسی تطبیقی سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران و انگلستان*، مشهد، جهاد دانشگاهی.
۲۳. صبری، نورمحمد (۱۳۹۳). *هیئت منصفه (مطالعه تطبیقی)*، چاپ دوم، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۲۴. صوفی‌آبادی، محمود (۱۳۸۳). «بررسی و مقایسه قانون جدید هیئت منصفه»، *مجله کانون سردفتران*، ش ۳۱.
۲۵. عبدالحلیم، محمدابوشاری (۱۹۸۰). *نظام المحلفین فی الشرایع الجنایی المقارن*، اسکندریه، منشأ المعارف.
۲۶. علی‌بخشی، زهرا و بهزاد رضوی فرد (۱۳۹۰). «سیر تطور جایگاه حقوقی - فرهنگی هیئت منصفه در جرائم مطبوعاتی در حقوق ایران»، *مطالعات فرهنگ و ارتباطات*، سال دوازدهم، ش ۱۶.
۲۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). «مصاحبه در مورد حضور هیئت منصفه در مرحله تجدیدنظر»، *روزنامه جامعه*، ش ۱۰۲.
۲۸. کرمی، داوود و هادی کرامتی معز (۱۳۹۵). «قانون جرم سیاسی در بوته نقد»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ش ۳۷.
۲۹. مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۹۴). *آیین دادرسی کیفری*، چاپ ششم، تهران، انتشارات پایدار.
۳۰. مشهدی، علی، اسماعیل انصاری و مجید قورچی‌بیگی (۱۳۹۰). «مطالعه تطبیقی جایگاه هیئت منصفه در حقوق ایران و سایر کشورها: حقوق شهروندی»، *مجموعه مقالات (۱)*، تهران.
۳۱. مؤذن‌زادگان، حسین‌علی و زهرا علی‌بخشی (۱۳۹۲). «بررسی اجمالی مقررات کیفری ماهوی و شکلی حاکم بر نشریات الکترونیکی در حقوق ایران»، *آموزه‌های حقوق کیفری*، ش ۵.

۳۲. نجفی توانا، علی و ایوب میلکی (۱۳۹۳). *حقوق جزای عمومی*، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات جنگل.
 ۳۳. نجفی، محمدحسین (۱۳۶۲.ق)، *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام*، جلد چهارم، بیروت، دارالأحیاء التراث العربی.

۳۴. هاشمی، سیدمحمد (۱۳۹۵). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، جلد دوم، چاپ بیست و هفتم، تهران، بنیاد حقوقی میزان.

۳۵. هیئت پژوهشگران کاوندیش (۱۳۹۴). *نظام حقوقی انگلستان*، ترجمه نسرین مهرا، چاپ سوم، تهران، بنیاد حقوقی میزان.

36. Bailey, S. H. and M. J. Gunn (1996). *Smit and Bailey on the Modern English Legal System*, Third Edition, London, Sweet and Maxwell.

37. Barker, David and Padfield Colin (1998). *Law Made Symple*, Oxford.

38. Brown, W. j (1989). *GCSE*, London, Sweet and Maxwell.

39. Campell, Tom (2006). *Right, Critical Introduction*, London, Routledge.

40. Devine, Dennis (2012). *Jury Decision Making*, New York University Press.

41. Ethan, J. Leib (2007). "A Comparison of Criminal Jury Decision Rules Democratic Countris", available at: http://ir.lawnet.fordham.edu/fa_culty_scholarship.

42. Joankait, Randolph N (2003). *The American Jury System*, Yale University Press.

43. Langbein, John. H (1987). "The England Criminal Trial Jury on the Eve of the French Revolution", *The Jury in England, France, Jermany, 1700-1900*, Antonio, padoa Schioppa.

44. Merder, Nancy. S (2015). "Jurors and Juries", *The Handbook of Law and Society*, Edited by Austin Sarat and Patricia Ewic, This edition first published 2015.

45. Morrison, C. M (2011). Jury 2. 0. *Hastings Law Journal* 62 (6): 1579–1632. St. Eve et al, (2014), More from the #ury box: The Latest on Juries and Social Media, *Duke Law and Technology Review* 12(1).

46. Oblio, Betel Erastus (2009). "Reason Curvye Jury Competence and the English

Criminal Justice System, the Case for 21st Century Approach", available in: www.universal-publisher.com.

47. Roberts, Julian V and Mik Hough (2009). "Public Opinion and the Jury: An International Literature Review", available at: www.justice.gov.uk/publications/research.htm.
48. St. Eve and et al (2014). More from the #jury box: The Latest on Juries and Social Media, *Duke Law and Technology Review* 12(1).

پایش توزیع فضایی فقر در استان های کشور

حسین نظم فر،* علی عشقی چهاربرج** و سعیده علوی***

نوع مقاله: علمی پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۱۷	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۱۵	شماره صفحه: ۱۷۵-۱۴۹
------------------------	-------------------------	------------------------	---------------------

هدف اساسی توسعه، محو فقر در هر جامعه و برنامه ریزی برای از بین بردن آن است. تحقق این مهم نیازمند شناخت وضعیت موجود و انتخاب شاخص مناسب برای اندازه گیری فقر است. در همین راستا پژوهش حاضر به سنجش توزیع فضایی فقر در استان های کشور پرداخته است تا با آگاهی از وضعیت موجود فقر در استان های کشور، برنامه ریزی واقع بینانه تری برای از بین بردن فقر انجام شود. روش تحقیق مقاله حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی با هدف کاربردی است. با توجه به اینکه فقر پدیده ای چندبعدی است در این پژوهش از هجده شاخص اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی برای تحلیل فقر استفاده شده است. برای بیان اهمیت نسبی هر یک از شاخص ها از مدل تحلیل شبکه و جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از مدل پرومته و تحلیل گایا استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می دهد که استان های زنجان، یزد، آذربایجان شرقی، مازندران، خراسان جنوبی جزء استان های خیلی مرفه و استان های کرمان، خوزستان، کرمانشاه، لرستان، سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد جزء استان های خیلی فقیر کشور هستند. پراکنش فضایی فقر در پهنه سرزمین ایران حاکی از آن است که بیشتر استان های فقیر در قسمت جنوب شرقی و غرب کشور واقع شده اند.

کلیدواژه ها: فقر؛ توزیع فضایی؛ پرومته؛ استان های ایران

* دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی؛

Email: nazmfar@uma.ac.ir

** دانش آموخته دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی؛

Email: aeshghei@gmail.com

*** دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول)؛

Email: alavi.saide.1370@gmail.com

مقدمه

جهان در شرایطی وارد هزاره سوم میلادی شد که فقر به عنوان مهمترین چالش جامعه بشری فراروی جهانیان خودنمایی می‌کرد و جمعیتی بیش از ۱/۲ میلیارد نفر را در برمی‌گرفت (خدادادکاشی و جاویدی، ۱۳۹۱: ۸۴). فقر یکی از مشکلات اساسی و دیرینه جوامع بشری و نشانه بارز توسعه نیافتگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که ثبات سیاسی و همبستگی اجتماعی و سلامت روانی را در اقشار جامعه به خطر می‌اندازد (راغفر، محمدی فرد و سنگری مذهب، ۱۳۹۲: ۲؛ بنی فاطمه و ایرانی، ۱۳۸۹: ۷). یکی از هدف‌های اساسی توسعه، محو فقر در هر جامعه‌ای است (همزه‌ای و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۱۴). موضوع فقر از سوی تمامی کشورهای جهان دارای اهمیت فراوانی است و برای از بین بردن یا کاهش وسعت آن برنامه‌های ویژه‌ای را اجرا می‌کنند. بنابراین سنجش فقر و نیز راه‌های مختلف فقرزدایی در دهه‌های اخیر اهمیت بیشتری در سیاستگذاری‌های اقتصادی کشورهای دنیا به ویژه کشورهای توسعه نیافته پیدا کرده است (ارشدی و کریمی، ۱۳۹۲: ۲۴). با وجود تلاش‌های فراوان برای رفع مشکل فقر، به نظر می‌رسد نمی‌توان این واقعیت را تکذیب کرد که در کشورهای در حال توسعه، غالب سیاست‌هایی که به دنبال افزایش رفاه اقتصادی براساس سازوکار بازار بوده‌اند، هنوز نتوانسته‌اند به نتایج مورد نظر دست یابند (مشهدی احمد، ۱۳۹۱: ۱۵۰). در روند رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی جامعه، توجه به عدالت اجتماعی اجتناب ناپذیر است و مسلماً برای رسیدن به توسعه پایدار چاره‌ای جز فقرزدایی نیست؛ زیرا آسیب‌پذیری فرد در جامعه با پیامدهای اجتماعی و اقتصادی منفی همراه است که بر کل جامعه تأثیرگذار خواهد بود (صامتی و کرمی، ۱۳۸۳: ۲۱۴). برنامه‌های فقرزدایی از اهم سیاست‌های بخش عمومی است. طراحی سیاست‌های اثربخش برای فقرزدایی نیازمند شناخت تحول زمانی ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی خانوارهاست. بررسی و ارزیابی آثار سیاست‌ها و برنامه‌های خاص حمایتی در این حوزه مستلزم سنجش تغییرات فقر در طول زمان است (فطرس و شهبازی، ۱۳۹۴: ۶۸۵). یکی از مهمترین مشکلات برنامه‌های فقرزدایی که مانع از موفقیت آنها در سطوح ملی و بین‌المللی شده، نگاه تک‌بعدی مبتنی بر درآمد به این پدیده است (یوسفی، مهدیان و خلیج، ۱۳۹۴: ۶۹۹). تک‌بعدی دانستن (پایین

بودن سطح درآمد) سبب شده است که دولت‌ها تصویر درستی از این پدیده نداشته باشند و به همین دلیل بسیاری از برنامه‌های فقرزدایی با شکست مواجه شده است. این مسئله توجه بسیاری از اندیشمندان را به خود جلب کرده و آنان را به ایجاد رهیافت جدیدی در این حوزه واداشته است. از جمله این رهیافت‌ها می‌توان به قابلیت انسانی اشاره کرد، که زمینه‌ساز طرح شاخص چندبعدی^۱ دفتر عمران سازمان ملل متحد در گزارش‌های سالیانه توسعه انسانی شد (Alkire and Santos, 2010: 6; Alkire and et al., 2011: 6). بنابراین فقر پدیده‌ای چندبعدی است؛ یعنی نه تنها شامل بُعد اقتصادی برای ارضای نیازهای اساسی می‌شود، بلکه شامل بُعد انسانی، فیزیکی، زیست‌محیطی، اجتماعی و سیاسی نیز هست (محمدی یگانه، چراغی و یزدانی، ۱۳۹۳: ۸۴). همیشه بر این مسئله که منظور از فقر چیست، کشمکش وجود داشته؛ زیرا فقر مفهومی پیچیده و جنجالی است. با این حال، دست‌کم یک تعریف کلی وجود دارد که معتقد است فقر در کانون سلامت و رفاه قرار دارد. چهار رویکرد اصلی درباره فقر وجود دارد که عبارت است از: فقر مطلق، فقر نسبی، وفاق و محرومیت اجتماعی (محمدی و دیگران، ۱۳۹۱: ۸). از دید آمارتیا سن^۲ (۱۹۸۱) فقر نوعی محرومیت از امکانات زندگی است. محرومیت مفهومی نسبی است که در مکان‌ها و زمان‌های مختلف متفاوت است. در یک بررسی مفهومی، فقر به دو نوع فقر درآمدی و فقر قابلیت‌تقسیم می‌شود. فقر درآمدی خود به دو طریق قابل بیان و اندازه‌گیری است: فقر مطلق و فقر نسبی. اما، فقر قابلیت‌مفهومی عام‌تر از فقر درآمدی دارد. نخستین بار آمارتیا سن مفهوم قابلیت را مطرح کرد. به نظر وی، فقر به‌مثابه محرومیت از قابلیت‌هاست (محمدی، ۱۳۸۶). درباره شناخت پدیده فقر، به‌ویژه فقر شهری و مقابله با آن، دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

دیدگاه نئوکلاسیک: از دهه ۱۹۶۰ به بعد، با احیای مکتب نئوکلاسیک و نیز ایجاد مکتب پولی، نظام سرمایه‌داری لیبرال جانی تازه گرفت. در این رویکرد، فرد کانون توجه است و هدف نیز مبتنی بر سود شخصی است و هرکس مسئول اعمال خود خواهد بود (Duclos and Araar, 2006). پیروان

1. Multidimensional Poverty Index (MPI)

2. Amartya Sen

این دیدگاه معتقدند که فقیران باید صبر کنند تا عرضه و تقاضای بازار، آنها را در مفهوم تعادل کلی و در بلندمدت دربرگیرد (رئیس‌دانا، ۱۳۷۹: ۱۷).

دیدگاه دولت رفاه: ایده اصلی دولت رفاه را جان مینارد کینز مطرح کرد. وی معتقد است دولت باید در ایجاد تعادل‌های اقتصادی عمده نقش بیشتر داشته باشد و همچنین با گسترش نظام تأمین اجتماعی، حمایت قابل توجهی از سوی دولت در مواجهه با مسئله فقر و بیکاری و نوسانات اقتصادی انجام شود.

دیدگاه بوم‌شناسی (اکولوژی): این دیدگاه فقر در نواحی شهری نظیر گتوها را به پستی ژن ساکنان آن نواحی نسبت می‌دهد و معتقد است این نواحی همچنان فقیر باقی خواهد ماند (افروغ، ۱۳۷۷).
دیدگاه رادیکالی: در این دیدگاه فقر به طور ریشه‌ای ناشی از اوضاع ساختار اقتصاد سیاسی است که در ارتباط‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی متبلور می‌شود (رئیس‌دانا، ۱۳۷۹: ۳۲).
دیدگاه کارکردی: این دیدگاه در تحلیل آسیب‌های اجتماعی، ضمن پذیرش وضع موجود یا هنجارهای حاکم، دشواری‌ها و آسیب‌های اجتماعی را ناشی از مشکلات افراد قلمداد می‌کند، مثلاً در تحلیلی از تأثیر فقر بر رشد و شیوع بیشتر آسیب‌های اجتماعی، مشکل را عمدتاً متوجه فقر فرهنگی می‌داند (مدنی، ۱۳۷۹: ۲۹۰).

دیدگاه فقر و عدالت اجتماعی: از نظریه پردازان مشهور این دیدگاه دیوید هاروی است. هاروی از جمله نظریه پردازانی است که از حوزه جغرافیا به مطالعات شهری روی آورده است. هاروی معتقد است شهر در نهایت حاصل نوعی نابرابری در توزیع درآمدهاست که آن را نظریه مازاد اقتصادی می‌نامد. به عقیده هاروی مازاد اقتصادی نه فقط محرکی برای شکل‌گیری شهرهاست، بلکه انگیزه و عاملی برای افزایش نابرابری‌ها و در نتیجه، تنش در میان آنهاست. نظریه پردازان این دیدگاه معتقدند شهرها در سیر تحولات خود، گرایشی ناگزیر به سوی ایجاد خشونت و تعارضات درونی دارند. این تعارض، در آن واحد، هم به دلیل نابرابری میان اقشار اجتماعی و هم به دلیل نابرابری میان مناطق مختلف زیستی است که در اثر توسعه و توزیع نابرابر ثروت در این مناطق به وجود می‌آید. به عقیده هاروی، تنها راه چاره، ایجاد عدالت اجتماعی در شهرها از طریق تبیین و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای و توزیع عقلانی و منطقی ثروت است (فکوهی، ۱۳۸۳). بی‌تعادل‌ها و نابرابری‌های بخشی و منطقه‌ای، پیامدهای

نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و سیاسی گوناگونی را به دنبال دارد (Tomul, 2009: 949). اولین پیامدهای گریزناپذیر عدم تعادل منطقه‌ای، مهاجرت‌های غیرطبیعی با نرخ‌های بالا از شهرهای غیربرخوردار به شهرهای بزرگ هستند. نتیجه این امر، رشد سریع شهرنشینی در یک یا چند منطقه و بروز پدیده حاشیه‌نشینی در این مناطق، گسترش بخش غیررسمی اقتصاد و بروز اختلافات عمیق از نظر سطح درآمد و دسترسی به تسهیلات زندگی در مناطق برخوردار در مقایسه با سایر مناطق است. همچنین، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی ایجاد شده در اثر تمرکز فعالیت‌های اقتصادی در یک یا چند منطقه و تشدید پدیده حاشیه‌نشینی می‌تواند التهابات سیاسی جدی ایجاد کند (Shahabadi and SorekhKamal, 2009: 76). از این رو، به منظور کاهش نابرابری و حفظ تعادل در نظام سکونتگاهی کشور، لازم است تا این کار براساس یک اولویت‌بندی علمی انجام شود. بنابراین، تحلیل و مقایسه شاخص‌های فقر در مناطق مختلف کشور و طبقه‌بندی آن می‌تواند زمینه را برای دخالت آگاهانه در امر برنامه‌ریزی کاهش فقر در سطح کشور در راستای حفظ تعادل نظام سکونتگاهی و توسعه پایدار فراهم آورد.

رویکرد اساسی و مطلق در جهت بررسی فقر در ایران، بررسی فقر درآمدی است که براساس هزینه سرانه سنجیده می‌شود؛ اما این رویکرد نمی‌تواند نشان‌دهنده تمامی ابعاد فقر باشد. امروزه کاملاً مشخص شده است که رفاه یک خانوار با مشاهده درآمدش مشخص نمی‌شود و از این رو، محرومیت تنها محدود به محرومیت درآمدی نیست، بلکه عدم سلامت، مسکن و سرپناه مناسب، آموزش، محرومیت منزلتی، اجتماعی و سیاسی از جمله اشکال مختلف محرومیت هستند (راغفر، محمدی‌فرد و سنگری مهذب، ۱۳۹۲: ۲). در این پژوهش براساس آمار و اطلاعات موجود، توزیع فضایی فقر در استان‌های کشور بررسی می‌شود. بنابراین هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی توزیع فضایی فقر در استان‌های کشور براساس شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی است. همچنین این پژوهش درصدد است تا نابرابری‌های فضایی و مکانی در بین استان‌های کشور را نشان دهد تا نتایج حاصل از این پژوهش در برنامه‌های آتی آمایش ملی در راستای فقرزدایی از استان‌های محروم و رفع نابرابری‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

۱. پیشنهاد تحقیق

در زمینه سنجش توزیع فضایی فقر پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است که برخی از آنها در مقاله حاضر بررسی می‌شود. روستایی و دیگران (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان «توزیع فضایی فقر شهری در شهر کرمانشاه» انجام دادند. در پژوهش آنها بنا به نتایج، ضریب اختلاف در عامل اول (اقتصادی، کالبدی، فرهنگی و اجتماعی) ۳۸/۹۵ درصد است که بیشترین نابرابری در توزیع شاخص‌ها را دارد. ضریب اختلاف در عامل‌های دوم (اقتصادی) و سوم (عامل اقتصادی کالبدی) ۳۲/۹۶ درصد است که در مقایسه با شاخص‌های دیگر، متجانس‌تر است. عامل چهارم (کالبدی) نیز از لحاظ نابرابری در توزیع شاخص‌ها با ۳۸/۸۱ درصد در مرتبه دوم قرار دارد. زادولی خواجه، زمانی و زادولی خواجه (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان «سطح‌بندی محلات حاشیه‌نشین براساس شاخص‌های کالبدی - اقتصادی فقر شهری (نمونه موردی: حاشیه‌نشینان شمال شهر تبریز)» را مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌های پژوهش براساس مدل ویکور نشان داد که محله سیلاب با مقدار ویکور صفر در رتبه یک قرار دارد. همچنین در این رتبه‌بندی کوی بهشتی در رتبه چهار قرار دارد، یعنی نسبت به سایر محلات مورد مطالعه دارای وضعیت مطلوب‌تری از نظر فقر است. عزیزی و دیگران (۱۳۹۳) نیز پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر وضعیت فقر شهری (مطالعه موردی: شهر مهاباد)» انجام دادند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پرسشنامه نشان داد معضل بیکاری، ظرفیت‌های محدود تولیدی و ضعف پایه‌های اقتصادی شهر از جمله عواملی است که موجب توزیع ناموزون منابع و افزایش فقر در مهاباد شده و در نتیجه نابرابری‌های اجتماعی را در این شهر افزایش داده است. رضایی، علیان و خاوریان (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان «شناسایی و ارزیابی گستره‌های فضایی فقر شهری در شهر یزد» انجام دادند. نتایج حاصل با استفاده از روش‌های ویکور و آنتروپی شانون نشان داد که ۲/۱۲ درصد از محلات شهر یزد خیلی فقیر، ۵/۱۹ درصد فقیر، ۸/۲۶ درصد متوسط، ۶/۳۶ درصد مرفه و فقط ۹/۴ درصد در سطح خیلی مرفه قرار دارند. خلج و یوسفی (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان «پهنه‌بندی توزیع و شدت فقر چندبعدی در مناطق شهری و روستایی ایران» انجام دادند. نتایج نشان داد که فقر در مناطق روستایی در مقایسه با مناطق شهری شایع‌تر است، به طوری که ۲۱/۴ درصد خانوارهای روستایی و ۵/۸۶ درصد خانوارهای شهری فقیرند. موحد و دیگران (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «تحلیل فضایی فقر

شهری در کلان‌شهر تهران» انجام دادند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که عوامل فقر مسکن، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی مناطق ۱۷، ۱۹، ۱۸ و ۱۶ بالاترین رتبه‌ها را داشته‌اند. صدر موسوی، عابدینی و خضرنژاد (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «تحلیل فضایی و رتبه‌بندی شهرهای استان آذربایجان غربی براساس شاخص‌های فقر شهری» با استفاده از روش تاپسیس^۱ و پراکندگی^۲ انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که در مجموع شهرهای آذربایجان غربی از نظر فقر شهری با سطح توسعه‌یافتگی فاصله دارند و از نظر توسعه‌یافتگی میان آنها عدم تعادل و ناهمگونی و به عبارت دیگر «شکاف طبقاتی» وجود دارد. صلاحی اصفهانی و دیگران (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «تحلیل فضایی فقر روستایی در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان پاکدشت با استفاده از روش‌های خودهمبستگی فضایی» انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که هشت روستا در طیف فقر خیلی زیاد، ۲۱ روستا در طیف زیاد، هشت روستا در طیف متوسط، پنج روستا در طیف کم و پنج روستا در طیف خیلی کم قرار دارند. همچنین نتایج مقاله نشان داد بزرگترین لکه داغ با فقر روستایی بالا در جنوب شهرستان در نزدیکی سمنان و بزرگترین لکه سرد در شمال غرب شهرستان در نزدیکی تهران و ری قرار گرفته است.

تورس و دیگران^۳ (۲۰۱۱) پژوهشی با عنوان «الگوهای فضایی فقر در مناطق روستایی» انجام دادند. نتایج در حوضه رودخانه سائو فرانسیسکو برزیل نشان داد که الگوی فضایی فقر به احتمال زیاد تصادفی نیست. اریف و فاروک^۴ (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «کاهش فقر در پاکستان، درس‌هایی از تجربه چین» به بررسی موفقیت دولت چین و ناکامی دولت پاکستان در زمینه کاهش فقر پرداختند و به این نتیجه رسیدند که اساس موفقیت در چین ریشه در عزم سیاسی دولت مردان و توان سازمانی قوی در چین داشت که در سطح کلان باعث ثبات شرایط اقتصادی و در سطح خرد باعث افزایش رفاه شده است. در پاکستان عمده دلایل ناکامی دولت در کاهش فقر، شکاف‌های سیاسی، اجرای ضعیف برنامه‌ها، نهادهای ضعیف، حاکمیت ضعیف، سرمایه انسانی پایین و فشار جمعیت و درگیری است.

1. TOPSIS

2. Coefficient of Variation (CV)

3. Torres and etal.

4. Arif and Farooq

ساونومی^۱ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «تحلیل فضایی لکه‌های داغ و سرد فقر در نیجریه» به این نتایج دست یافت که متوسط نرخ لکه‌های داغ و سرد فقر به ترتیب ۸۲/۶ درصد و ۳۱/۸ درصد است. پیروالدین، مهدوی و زیاری^۲ (۲۰۱۶) پژوهشی با عنوان «تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر توزیع فضایی از فقر در مناطق روستایی استان همدان» انجام دادند. نتایج نشان داد که متغیرهایی مانند متوسط بُعد خانوار، جنسیت سرپرست خانوار و نسبت خانوار دارای مسکن در شناسایی افراد فقیر در سطح کمتر از ۱ درصد معنادار و نوع شغل در سطح کمتر از ۵ درصد معنادار است. با مطالعه تحقیقات انجام شده پیشین مشخص شد که در سنجش توزیع فضایی فقر از مدل‌های مختلف و روش‌های آماری SPSS استفاده شده است، در حالی که از نوآوری‌های این پژوهش بهره‌گیری از مدل برنامه‌ریزی منطقه‌ای پرومته برای سنجش توزیع فضایی فقر در سطح استان‌های کشور است که تاکنون چنین پژوهشی با این مدل انجام نشده است. انجام پژوهش حاضر می‌تواند این خلأ را پر کند.

۲. محدوده مورد مطالعه

بر اساس آخرین تقسیمات کشور در سال ۱۳۹۳ ایران از ۳۱ استان تشکیل می‌شود. در سال ۱۳۱۶ با تصویب قانون جدید تقسیمات کشوری، ایران به ۱۰ استان و ۴۹ شهرستان تقسیم شد. به مرور زمان با ایجاد استان‌های جدید، تعداد استان‌های ایران افزایش یافت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران همچنان دارای ۲۴ استان بود. در سال ۱۳۷۲ به ترتیب استان‌های اردبیل، قم، قزوین، گلستان تشکیل شد و خراسان به سه استان خراسان جنوبی، خراسان شمالی و خراسان رضوی تقسیم شد. در سال ۱۳۸۹ البرز آخرین استانی بوده که تاکنون تأسیس شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴).

۳. روش تحقیق

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی با هدف کاربردی است. جامعه آماری این پژوهش ۳۱ استان کشور است. آمار و داده‌های شاخص‌های مورد استفاده در پژوهش، از سالنامه آماری سال ۱۳۹۰ استخراج

1. Sowunmi

2. Peirovedin, Mahdavi and Ziyari

شده است. به منظور بررسی و تحلیل داده، ابتدا داده‌های خام با استفاده از روش‌های برنامه‌ریزی و تحلیل منطقه‌ای شاخص‌سازی شدند. در مجموع هجده شاخص اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی جهت تحلیل فقر به کار برده شد. با توجه به اینکه هر کدام از شاخص‌های مورد استفاده در پژوهش از اهمیت یکسانی برخوردار نبودند و برخی از شاخص‌ها نسبت به دیگر شاخص‌ها تأثیرگذاری بیشتری داشتند، از فرایند تحلیل شبکه^۱ برای بیان اهمیت نسبی شاخص‌ها در قالب نرم‌افزار Super Decisions استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل پرومته و تحلیل گایا استفاده شده است. با توجه به نتایج حاصل از تحلیل مدل پرومته، میزان فقر استان‌های ایران در قالب پنج دامنه خیلی مرفه، مرفه، متوسط، فقیر و خیلی فقیر تقسیم‌بندی شد. برای نمایش نتایج خروجی به صورت نقشه از نرم‌افزار ArcGIS 10.1 بهره گرفته شد. در ادامه مراحل اجرای مدل پرومته به صورت خلاصه بیان شده است.

گام اول: تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری و تعیین نوع معیار

اولین مرحله در روش پرومته تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری و مشخص کردن نوع معیار از لحاظ سود و هزینه است. پس از تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری در گام اول باید بر پایه رابطه $d_j = (a, b) = f_j(a) - f_j(b)$ تفاوت هر یک از گزینه‌ها را در هر یک از شاخص‌ها نسبت به یکدیگر به دست آورد. این تفاوت برای شاخص ماکزیمم زمانی معنادار خواهد بود که $f_j(a) > f_j(b)$ باشد. برای شاخص‌های مینیمم این رابطه برعکس است.

گام دوم: تعیین وزن شاخص‌ها

تعیین وزن شاخص‌های مختلف، کاری لازم در تصمیم‌گیری‌های چندشاخصه است که در پژوهش حاضر برای محاسبه اهمیت نسبی مؤلفه‌ها از روش تحلیل شبکه‌ای استفاده شده است. این روش گسترش یافته شبکه تحلیل سلسله‌مراتبی^۲ است که به روابط درونی بین سطوح تصمیم‌گیری اهمیت می‌دهد و هدف آن ساختارمند کردن فرایند تصمیم‌گیری با توجه به سناریوی متأثر از عوامل چندگانه مستقل از هم است (مومنی و شریفی سلیم، ۱۳۹۱: ۸۹؛ آذرورجب‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۶۱).

1. Analytic Network Process (ANP)

2. Analytical Hierarchy Process (AHP)

گام سوم: توابع برتری

در این گام مقدار $P_j = (a, b)$ به دست می‌آید. این مقدار از قرار دادن d_j در تابع برتری مربوط به هر شاخص به دست می‌آید. با توجه به گسسته بودن داده‌ها از تابع عادی استفاده شده است (جدول ۱).

جدول ۱. انواع توابع برتر

نام	پارامتر	رابطه	شکل	شرح
عادی	-	$P(d) = \begin{cases} 0 & d = 0 \\ 1 & d > 0 \end{cases}$		در صورتی که امتیازات دو گزینه برابر باشد، هیچ تفاوتی وجود نخواهد داشت.
بخشی	q	$P(d) = \begin{cases} 0 & d \leq q \\ 1 & d > q \end{cases}$		تا زمانی که امتیازات دو گزینه کمتر از q باشد، هیچ تفاوتی وجود نخواهد داشت.
خطی	p	$P(d) = \begin{cases} \frac{d}{p} & d \leq p \\ 1 & d > p \end{cases}$		با تغییر امتیازات در فاصله صفر تا q میزان اولویت به صورت خطی تغییر می‌کند. اگر تفاوت بیشتر از q باشد گزینه اولویت کامل دارد.
هم سطح	q, p	$P(d) = \begin{cases} 0 & d \leq q \\ \frac{1}{2} & q < d \leq p \\ 1 & d > p \end{cases}$		اگر تفاوت امتیازات دو گزینه کمتر از q باشد، هیچ تفاوتی وجود ندارد. در صورتی که تفاوت بین دو مقدار q و p باشد، یک برتری نسبی وجود دارد. اگر میزان تفاوت بیش از q باشد، گزینه اولویت کامل دارد.
شکل V با ناحیه بی تفاوتی	q, p	$P(d) = \begin{cases} 0 & d \leq q \\ \frac{d-q}{p-q} & q < d \leq p \\ 1 & d > p \end{cases}$		اگر تفاوت امتیازات دو گزینه کمتر از q باشد، هیچ تفاوتی وجود ندارد. با تغییر امتیازات در فاصله q تا p میزان اولویت به صورت خطی تغییر می‌کند. اگر میزان تفاوت بیش از p باشد، گزینه اولویت کامل دارد.
گاوسی	delta	$P(d) = \left\{ 1 - \frac{d^2}{e^{2\delta^2}} \right\}$		با تفاوت میان امتیازات گزینه‌ها، میزان اولویت براساس رابطه افزایش می‌یابد.

Source: Chou and etal., 2004:53; Brans and Mareschal, 2005; Bogdanovic, Nikolic and Ilic, 2012.

گام چهارم: میزان مجموع موزون برتری گزینه

میزان اولویت کل $\pi(a, b)$ برای هر گزینه a بر روی گزینه b محاسبه می‌شود. هرچه میزان $\pi(a, b)$

بیشتر باشد، گزینه a ترجیح بیشتری دارد. $\pi(a,b)$ با استفاده از رابطه (۱) محاسبه می‌شود (Leeneer and Pastijn, 2002):

$$\pi(a, b) = \sum_{j=i}^k w_j p_j(a, b), \sum_{j=i}^k w_j = 1 \quad \text{رابطه (۱)}$$

به‌گونه‌ای که w_j برابر وزن شاخص z ام است. وزن‌ها توسط تصمیم‌گیرنده تعیین و سپس نرمال $\sum w_j = 1$ می‌شوند.

گام پنجم: جریان رتبه‌بندی مثبت، منفی و خالص

اگر تعداد گزینه‌ها (که با Π نشان داده می‌شود) بیشتر از دو تا باشد، رتبه‌بندی پایانی به وسیله مجموع مقادیر مقایسات زوجی به دست می‌آید. برای هر گزینه $a \in A$ و با در نظر گرفتن گزینه‌های دیگر $x \in A$ می‌توان جریان رتبه‌بندی را با استفاده از رابطه‌های (۲ و ۳) به دست آورد:

$$\text{Phi}^+(a) = \frac{1}{n-1} \sum_{x \in A} \pi(a, x) \quad \text{رابطه (۲) جریان رتبه‌بندی مثبت}$$

این جریان نشان می‌دهد که گزینه a چقدر بر گزینه‌های دیگر اولویت دارد. بزرگترین $\text{Phi}^+(a)$ به معنای بهترین گزینه است.

$$\text{Phi}^-(a) = \frac{1}{n-1} \sum_{x \in A} \pi(x, a) \quad \text{رابطه (۳) جریان رتبه‌بندی منفی}$$

این جریان نشان می‌دهد که گزینه‌های دیگر تا چه میزان بر گزینه a اولویت دارند. کوچکترین $\text{Phi}^-(a)$ نشان دهنده بهترین گزینه است. بنابراین، با داشتن و بررسی جداگانه دو جریان Phi^+ و Phi^- می‌توان یک رتبه‌بندی جزئی را انجام داد (رتبه‌بندی PROMETHEE I). اما تصمیم‌گیرنده همیشه خواهان رتبه‌بندی کامل است. برای رتبه‌بندی کامل گزینه‌ها باید جریان خالص رتبه‌بندی را برای هر گزینه تعریف کرد (رتبه‌بندی PROMETHEE II). برای محاسبه جریان خالص رتبه‌بندی از رابطه (۴) استفاده می‌شود:

رابطه (۴) جریان خالص $\Phi(a) = \Phi^+(a) - \Phi^-(a)$

در رابطه بالا، $\Phi(a)$ جریان خالص رتبه بندی است. گزینه ای که بیشترین مقدار $\Phi(a)$ را داشته باشد، رتبه بهتری به خود اختصاص می دهد (Brans and Mareschal, 1994).

۳-۱. معرفی شاخص ها

شناسایی شاخص های مناسب برای سنجش فقر اهمیت فراوانی دارد، زیرا شاخص ها شالوده اصلی یک برنامه جامع و ابزاری ضروری برای سنجش و ارزیابی هستند. با توجه به ادبیات نظری و مطالعات تجربی پژوهش، شاخص های مورد استفاده جهت سنجش فقر در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. شاخص های مورد استفاده در پژوهش

کد	شاخص	نوع	کد	شاخص	نوع
X1	نرخ مشارکت اقتصادی	سود	X10	نرخ باسوادی مردان	سود
X2	نرخ بیکاری	هزینه	X11	نرخ باسوادی زنان	سود
X3	نرخ مشارکت اقتصادی زنان	سود	X12	نسبت سالخوردگی	هزینه
X4	نرخ بیکاری زنان	هزینه	X13	درصد سرباری	هزینه
X5	جمعیت فعال به جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر	سود	X14	بعد خانوار	هزینه
X6	جمعیت شاغل به جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر	سود	X15	بار تکفل	هزینه
X7	جمعیت بیکار (جویای کار) به جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر	هزینه	X16	بار تکفل خالص	هزینه
X8	جمعیت غیرفعال به جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر	هزینه	X17	ضریب فعالیت عمومی	هزینه
X9	جمعیت غیرفعال (محصل) به جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر	هزینه	X18	تراکم جمعیت	هزینه

مأخذ: روستایی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۸؛ یافته های تحقیق.

۴. بحث و یافته های تحقیق

در پژوهش حاضر جهت تحلیل توزیع فضایی فقر در استان های کشور از روش پرومته، که با نرم افزار ویژال پرومته (ورژن V) قابل انجام است، استفاده شده است. برای

تجزیه و تحلیل داده ها، مراحل مدل پرومته اجرا گردید. در مرحله ابتدایی تمامی شاخص های مربوط به مؤلفه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی فقر با توجه به هدف تحقیق از نوع معیارهای هزینه (منفی) و معیار سود (مثبت) در نظر گرفته شده است. معیارهای مورد استفاده در پژوهش به شرح جدول ۳ است، در این جدول X شاخص های پژوهش است.

جدول ۳. داده های مورد استفاده در پژوهش

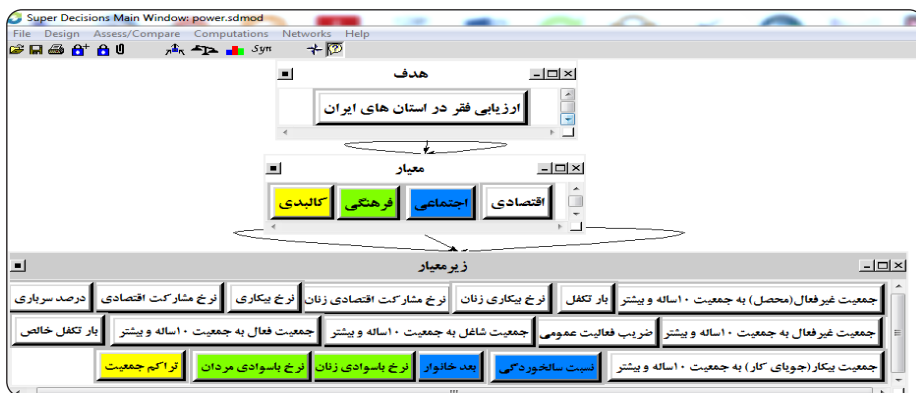
استان	X1	X2	X3	X4	X5	X6	X7	X8	X9	X10	X11	X12	X13	X14	X15	X16	X17	X18
آذربایجان شرقی	۳۹/۸	۸/۸	۱۴/۴	۱۲/۱	۱۲۵۲	۱۱۲۷	۱۲۵	۱۸۸۱	۵۵۳	۸۷/۴	۷۶/۷	۷/۰۶	۴۱/۴	۳/۴	۳/۳۱	۲/۳۱	۲/۹۸	۰/۰۸
آذربایجان غربی	۴۱/۹	۱۳	۱۶/۴	۱۲/۹	۹۵۸	۸۴۱	۱۱۶	۱۵۷۱	۴۷۱	۸۵/۶	۷۱/۹	۵/۴۱	۴۴/۳	۳/۷	۳/۶۶	۲/۶۶	۳/۲۲	۰/۰۸
اردبیل	۴۲/۵	۱۲/۷	۱۸/۳	۱۳/۵	۴۱۶	۳۵۵	۶۱	۶۳۲	۲۰۳	۸۶/۸	۷۴/۶	۶/۱۰	۴۱/۵	۳/۷	۳/۵۲	۲/۵۲	۳	۰/۰۷
اصفهان	۳۹/۶	۳۹/۲	۱۴/۳	۲۴/۱	۱۶۱۲	۱۳۹۷	۲۱۵	۲۵۵۱	۷۸۷	۹۰/۷	۸۴/۸	۶/۵۰	۳۷/۹	۳/۴	۳/۴۹	۲/۴۹	۳/۰۳	۰/۰۵
البرز	۳۸	۱۹/۳	۱۱/۷	۳۶/۴	۷۹۹	۶۶۶	۱۳۴	۱۲۴۳	۳۷۳	۹۲/۱	۸۸/۳	۴/۷۹	۳۵/۱	۳/۴	۳/۶۲	۲/۶۲	۳/۰۲	۰/۴۷
ایلام	۳۶/۹	۱۵/۷	۱۶/۱	۲۷/۵	۱۸۹	۱۴۶	۴۳	۲۷۷	۱۰۳	۸۶/۶	۷۸	۴/۷۱	۳۷/۲	۴/۱	۳/۸۲	۲/۸۲	۲/۰۳	۰/۰۳
بوشهر	۳۴/۱	۱۱	۱۰/۳	۱۲/۶	۳۷۳	۳۳۳	۴۰	۴۷۲	۱۵۵	۸۴/۴	۸۲/۷	۴/۰۶	۴۲/۴	۴/۲	۳/۱۰	۲/۷۷	۲/۰۵	۰/۰۵
تهران	۳۶	۱۱/۳	۱۱	۲۱	۴۰۴۱	۳۵۱۱	۵۳۰	۶۳۷۱	۱۹۲۹	۹۲/۳	۸۸/۶	۶/۲۹	۳۵/۴	۳/۳	۳/۴۷	۲/۴۷	۳/۰۱	۰/۸۹
چهارمحال و بختیاری	۳۶/۷	۱۳/۳	۱۰/۵	۲۰/۴	۲۸۶	۲۴۱	۴۶	۴۴۸	۱۵۴	۸۷/۶	۷۷/۴	۵/۳۱	۴۳/۷	۳/۸	۳/۷۱	۲/۷۱	۳/۱۳	۰/۰۵
خراسان جنوبی	۳۸/۱	۸/۴	۱۸/۲	۱۴/۱	۲۲۴	۲۰۹	۱۵	۳۱۰	۱۱۴	۸۶/۵	۷۸/۴	۷/۲۲	۵۲/۹	۳/۶	۳/۱۷	۲/۱۷	۲/۰۱	۰/۰۱
خراسان رضوی	۳۶/۵	۹/۱	۱۳/۱	۱۲/۹	۱۹۰۹	۱۷۳۰	۱۸۰	۲۹۸۹	۹۰۸	۸۹/۴	۸۳/۲	۵/۷۳	۴۵/۹	۳/۵	۳/۴۶	۲/۴۶	۳/۱۴	۰/۰۵
خراسان شمالی	۳۷/۸	۱۲/۱	۱۶/۷	۱۵/۷	۲۸۶	۲۵۸	۲۹	۴۱۹	۱۴۳	۸۵/۳	۷۵/۳	۵/۳۴	۴۷/۸	۳/۶	۳/۳۶	۲/۳۶	۳/۰۳	۰/۰۳
خوزستان	۳۳/۷	۱۰/۵	۹/۴	۱۹/۴	۱۲۸۴	۹۵۴	۳۳۰	۲۳۸۱	۷۷۵	۸۷/۷	۷۹/۳	۴/۱۲	۴۴	۴/۱	۳/۷۵	۲/۷۵	۳/۰۷	۰/۰۷
زنجان	۴۱/۶	۸/۴	۱۸	۱۱/۴	۳۴۴	۳۰۷	۳۸	۵۰۸	۱۶۴	۸۷/۱	۷۷/۷	۶/۳۰	۴۱/۱	۳/۵	۳/۳۱	۲/۳۱	۲/۹۵	۰/۰۵
سمنان	۳۳/۹	۱۰/۳	۱۰/۱	۱۹/۳	۲۰۱	۱۸۱	۲۰	۳۳۴	۱۱۶	۹۰/۸	۸۵/۹	۶/۵۶	۳۹	۳/۴	۳/۴۹	۲/۴۹	۳/۰۱	۰/۰۱
سیستان و بلوچستان	۲۶/۱	۹/۹	۶/۳	۷/۶	۵۴۵	۳۸۶	۱۵۹	۱۲۸۸	۳۸۳	۷۷/۴	۶۵/۴	۳/۲۴	۶۹	۴/۳	۶/۵۶	۴/۶۵	۴/۰۱	۰/۰۱
فارس	۳۷/۲	۱۸/۵	۱۴/۳	۳۵/۵	۱۴۷۸	۱۲۲۸	۲۵۰	۲۳۹۷	۷۶۵	۸۹/۳	۸۳/۳	۰/۵۶	۲/۹	۳/۷	۳/۷۴	۲/۷۴	۳/۰۴	۰/۰۴
قزوین	۳۹/۸	۱۲/۴	۱۳/۹	۱۸/۳	۳۹۰	۳۴۰	۵۰	۶۲۰	۱۸۲	۸۷/۷	۸۰/۴	۵/۷۵	۳۹/۱	۳/۴	۳/۵۴	۲/۵۴	۳/۰۸	۰/۰۸
قم	۳۴/۵	۹/۸	۹/۱	۲۷/۹	۳۲۲	۲۸۴	۳۷	۶۲۵	۲۱۴	۹۰	۸۳	۴/۷۶	۴۲/۲	۳/۶	۴/۰۶	۳/۰۶	۳/۱۰	۰/۱۰
کردستان	۳۹/۹	۱۴	۱۴/۳	۱۷/۶	۴۹۶	۴۲۰	۷۶	۷۵۴	۲۱۲	۸۴/۴	۷۱/۳	۵/۱۱	۳۹/۵	۳/۷	۳/۵۶	۲/۵۶	۳/۰۱	۰/۰۵

استان	X1	X2	X3	X4	X5	X6	X7	X8	X9	X10	X11	X12	X13	X14	X15	X16	X17	X18
کرمان	۳۴/۳	۱۲/۱	۱۰	۲۹/۵	۹۲۲	۷۵۵	۱۶۷	۱۴۵۶	۵۲۶	۸۴/۴	۷۹/۸	۴۶/۸	۴۹/۳	۳/۷	۳/۸۹	۲/۸۹	۳/۱۹	۰/۰۲
کرمانشاه	۳۳/۲	۱۵/۷	۹/۴	۲۲/۹	۶۲۶	۴۷۲	۱۵۴	۱۰۲۸	۳۱۱	۸۶/۶	۷۶/۸	۵/۷۹	۳۷/۲	۳/۷	۴/۱۲	۳/۱۱	۰/۰۸	
کهگیلویه و بویراحمد	۳۰/۲	۱۴/۱	۷	۴۲/۵	۱۸۹	۱۴۸	۴۰	۳۴۵	۱۳۱	۸۷	۷۶/۹	۴/۲۶	۴۹/۷	۴/۲	۴/۴۵	۳/۴۹	۰/۰۴	
گلستان	۳۸/۶	۸/۷	۱۶/۹	۲۰/۸	۵۶۶	۴۹۳	۷۳	۸۸۵	۲۶۶۷	۸۷/۸	۷۸/۳	۴/۵۲	۴۲/۵	۳/۷	۳/۶۰	۲/۶۰	۳/۱۴	۰/۰۹
گیلان	۳۸/۸	۱۶/۶	۱۷	۲۳/۹	۸۹۵	۷۶۰	۱۳۵	۱۲۷۸	۳۷۶	۸۸/۵	۸۰/۱	۸/۱۰	۳۶/۵	۳/۲	۳/۲۶	۲/۲۶	۲/۷۷	۰/۱۸
لرستان	۳۷	۱۹/۲	۱۳/۷	۲۸	۵۵۹	۴۲۶	۱۳۴	۹۰۲	۳۰۱	۸۴/۹	۷۶	۵/۴۶	۴۰/۷	۳/۸	۴/۱۲	۳/۱۴	۰/۰۶	
مازندران	۳۹/۱	۱۰/۲	۱۳/۸	۲۶/۵	۱۰۷۱	۹۴۹	۱۲۲	۱۵۸۵	۵۰۴	۸۹/۲	۸۲/۱	۶/۷۲	۳۵/۸	۳/۳	۳/۲۴	۲/۲۴	۲/۸۷	۰/۱۳
مرکزی	۳۶/۹	۱۱	۱۰/۴	۱۹/۷	۴۶۵	۴۰۹	۵۵	۷۳۵	۲۱۶	۸۸/۱	۷۹/۵	۷/۴۱	۴۰/۶	۳/۳	۳/۴۶	۲/۴۶	۳/۰۴	۰/۰۵
هرمزگان	۳۲/۸	۱۱	۹/۱	۱۸/۴	۴۷۴	۴۰۲	۷۳	۷۷۱	۲۵۸	۸۶/۸	۸۰/۵	۳/۸۶	۴۸/۹	۴	۳/۹۳	۲/۹۳	۳/۳۳	۰/۰۲
همدان	۳۷/۹	۱۲/۴	۱۲/۴	۱۷/۱	۵۷۳	۴۹۶	۷۷	۹۱۹	۲۷۷	۸۷/۱	۷۸	۶/۸۵	۳۹/۸	۳/۵	۳/۵۴	۲/۵۴	۳/۰۷	۰/۰۹
یزد	۳۵/۶	۶	۱۱/۲	۱۴/۴	۳۶۰	۳۲۲	۳۸	۵۱۶	۱۷۷	۸۵/۴	۹۰	۶/۱۱	۴۴/۸	۳/۵	۳/۳۴	۲/۳۴	۲/۹۸	۰/۰۱

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴.

در این مرحله وزن شاخص های مختلف با استفاده از روش تحلیل شبکه تعیین شد. برای محاسبه هرچه دقیق تر اهمیت نسبی مؤلفه های مورد پژوهش از نرم افزار Super Decisions استفاده شد (شکل ۱). نتایج حاصل از محاسبات در جدول ۴ آورده شده است.

شکل ۱. وزن دهی به شاخص ها در فرایند تحلیل شبکه ای با استفاده از نرم افزار Super Decisions



مأخذ: یافته های تحقیق.

جدول ۴. وزن مؤلفه‌های مورد استفاده در پژوهش

کد	شاخص	نوع	وزن	کد	شاخص	نوع	وزن
X1	نرخ مشارکت اقتصادی	سود	۰/۰۵۱	X10	نرخ باسوادی مردان	سود	۰/۰۷۱
X2	نرخ بیکاری	هزینه	۰/۰۵۱	X11	نرخ باسوادی زنان	سود	۰/۰۷۳
X3	نرخ مشارکت اقتصادی زنان	سود	۰/۰۴۹	X12	نسبت سالخوردگی	هزینه	۰/۰۶۹
X4	نرخ بیکاری زنان	هزینه	۰/۰۵۹	X13	درصد سرباری	هزینه	۰/۰۶۷
X5	جمعیت فعال به جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر	سود	۰/۰۵۲	X14	بعد خانوار	هزینه	۰/۰۵۸
X6	جمعیت شاغل به جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر	سود	۰/۰۵۲	X15	بار تکفل	هزینه	۰/۰۴۴
X7	جمعیت بیکار (جویای کار) به جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر	هزینه	۰/۰۵۳	X16	بار تکفل خالص	هزینه	۰/۰۴۴
X8	جمعیت غیرفعال به جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر	هزینه	۰/۰۵۲	X17	ضریب فعالیت عمومی	هزینه	۰/۰۵۴
X9	جمعیت غیرفعال (محصل) به جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر	هزینه	۰/۰۵۲	X18	تراکم جمعیت	هزینه	۰/۰۵۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

برای به‌دست آوردن مقدار $p_j = (a, b)$ با توجه به گسسته بودن داده‌ها، از تابع عادی استفاده شده است.

$$P(d) = \begin{cases} 0 & d = 0 \\ 1 & d > 0 \end{cases} \quad \text{رابطه (۵)}$$

در این مرحله با استفاده از رابطه (۵)، رتبه‌بندی پایانی یا اولویت گزینه با جمع کردن اولویت همه شاخص‌ها به‌دست می‌آید که به آن مقدار کلی گفته می‌شود. سپس جریان رتبه‌بندی مثبت و منفی از طریق روابط (۲ و ۳) محاسبه می‌شود. جریان مثبت نشانگر مرفه بودن استان‌های کشور و جریان منفی حاکی از وضعیت نامطلوب فقر در استان‌های کشور دارد. در این میان جریان خالص توازن میان جریان رتبه‌بندی مثبت و منفی است. در نهایت رتبه‌بندی نهایی از طریق رابطه ۴ به‌دست می‌آید. جدول ۵ نتایج جریان رتبه‌بندی مثبت، منفی و خالص استان‌های کشور را نشان می‌دهد.

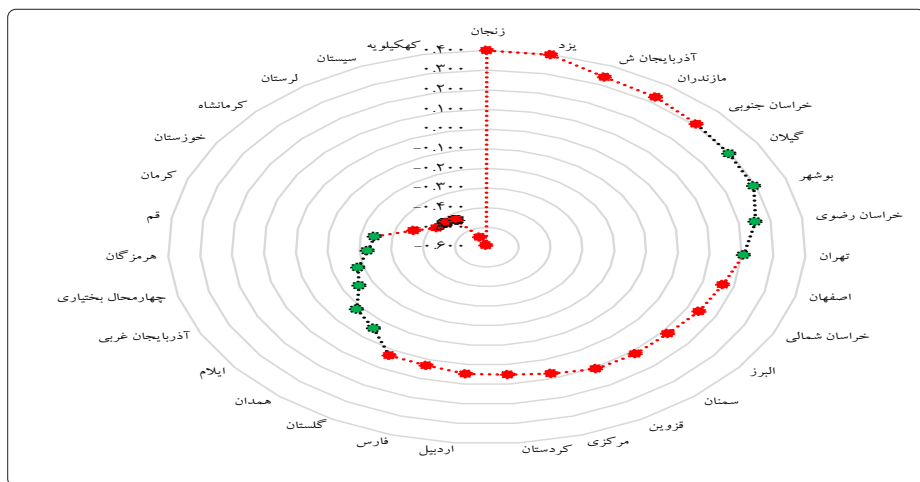
جدول ۵. جریان رتبه بندی مثبت، منفی و خالص

وضعیت	امتیاز	رتبه بندی	رتبه نهایی	Phi	-Phi	+Phi	استان
خیلی مرفه	۰/۳۹۹	زنجان	۱	۰/۳۴۰	۰/۳۰۷	۰/۶۴۷	آذربایجان شرقی
	۰/۳۹۸	یزد	۲	-۰/۱۵۴	۰/۵۴۱	۰/۳۸۷	آذربایجان غربی
	۰/۳۴۰	آذربایجان شرقی	۳	۰/۰۴۸	۰/۴۴۸	۰/۴۹۶	اردبیل
	۰/۳۲۹	مازندران	۴	۰/۱۶۵	۰/۳۷۳	۰/۵۳۸	اصفهان
	۰/۳۰۸	خراسان جنوبی	۵	۰/۱۱۹	۰/۴۱۶	۰/۵۳۵	البرز
مرفه	۰/۲۹۶	گیلان	۶	-۰/۰۸۴	۰/۵۲۰	۰/۴۳۶	ایلام
	۰/۲۹۳	بوشهر	۷	۰/۲۹۳	۰/۳۲۸	۰/۶۲۱	بوشهر
	۰/۲۵۳	خراسان رضوی	۸	۰/۲۰۷	۰/۳۶۲	۰/۵۶۸	تهران
	۰/۲۰۷	تهران	۹	-۰/۱۸۳	۰/۵۶۲	۰/۳۷۹	چهارمحال و بختیاری
متوسط	۰/۱۶۵	اصفهان	۱۰	۰/۳۰۸	۰/۳۳۴	۰/۶۴۲	خراسان جنوبی
	۰/۱۴۲	خراسان شمالی	۱۱	۰/۲۵۳	۰/۳۳۸	۰/۵۹۱	خراسان رضوی
	۰/۱۱۹	البرز	۱۲	۰/۱۴۲	۰/۴۰۷	۰/۵۴۹	خراسان شمالی
	۰/۱۱۶	سمنان	۱۳	-۰/۴۱۶	۰/۶۹۵	۰/۲۷۹	خوزستان
	۰/۱۰۸	قزوین	۱۴	۰/۳۹۹	۰/۲۷۱	۰/۶۷۰	زنجان
	۰/۰۷۴	مرکزی	۱۵	۰/۱۱۶	۰/۴۱۸	۰/۵۳۴	سمنان
	۰/۰۵۲	کردستان	۱۶	-۰/۵۴۶	۰/۷۶۳	۰/۲۱۷	سیستان و بلوچستان
	۰/۰۴۸	اردبیل	۱۷	۰/۰۳۲	۰/۴۵۰	۰/۴۸۱	فارس
	۰/۰۳۲	فارس	۱۸	۰/۱۰۸	۰/۴۰۲	۰/۵۱۰	قزوین
	۰/۰۳۱	گلستان	۱۹	-۰/۲۴۴	۰/۶۱۱	۰/۳۶۷	قم
فقیر	-۰/۰۵۵	همدان	۲۰	۰/۰۵۲	۰/۴۴۰	۰/۴۹۲	کردستان
	-۰/۰۸۴	ایلام	۲۱	-۰/۳۵۶	۰/۶۴۹	۰/۲۹۳	کرمان
	-۰/۱۵۴	آذربایجان غربی	۲۲	-۰/۴۲۰	۰/۶۷۸	۰/۲۵۸	کرمانشاه
	-۰/۱۸۳	چهارمحال و بختیاری	۲۳	-۰/۵۹۲	۰/۷۹۰	۰/۱۹۹	کهگیلویه و بویراحمد
	-۰/۲۲۶	هرمزگان	۲۴	۰/۰۳۱	۰/۴۵۷	۰/۴۸۸	گلستان
خیلی فقیر	-۰/۲۴۴	قم	۲۵	۰/۲۹۶	۰/۳۴۰	۰/۶۳۶	گیلان
	-۰/۳۵۶	کرمان	۲۶	-۰/۴۳۱	۰/۶۸۸	۰/۲۵۸	لرستان
	-۰/۴۱۶	خوزستان	۲۷	۰/۳۲۹	۰/۳۱۵	۰/۶۴۳	مازندران
	-۰/۴۲۰	کرمانشاه	۲۸	۰/۰۷۴	۰/۴۲۰	۰/۴۹۴	مرکزی
	-۰/۴۳۱	لرستان	۲۹	-۰/۲۲۶	۰/۵۸۴	۰/۳۵۸	هرمزگان
	-۰/۵۴۶	سیستان و بلوچستان	۳۰	-۰/۰۵۵	۰/۴۸۶	۰/۴۳۱	همدان
	-۰/۵۹۲	کهگیلویه و بویراحمد	۳۱	۰/۳۹۸	۰/۲۸۰	۰/۶۷۸	یزد

مأخذ: همان.

نتایج جدول ۵ نشان می دهد که استان های زنجان، یزد، آذربایجان شرقی، مازندران و خراسان جنوبی به ترتیب با کسب جریان خالص $۰/۳۹۹$ ، $۰/۳۹۸$ ، $۰/۳۴۰$ ، $۰/۳۲۹$ و $۰/۳۰۸$ رتبه های اول تا پنجم را به خود اختصاص دادند که نسبت به بقیه استان های کشور خیلی مرفه هستند. استان های گیلان، بوشهر، خراسان رضوی و تهران نیز به ترتیب با کسب جریان خالص $۰/۲۹۶$ ، $۰/۲۹۳$ ، $۰/۲۵۳$ و $۰/۲۰۷$ در دامنه استان های مرفه قرار گرفته اند. استان های اصفهان، خراسان شمالی، البرز، سمنان، قزوین، مرکزی، کردستان، اردبیل، فارس و گلستان به ترتیب با کسب جریان خالص $۰/۱۶۵$ ، $۰/۱۴۲$ ، $۰/۱۱۹$ ، $۰/۱۱۶$ ، $۰/۱۰۸$ ، $۰/۰۷۴$ ، $۰/۰۵۲$ ، $۰/۰۴۸$ ، $۰/۰۳۲$ و $۰/۰۳۱$ در دامنه استان های متوسط و استان های همدان، ایلام، آذربایجان غربی، چهارمحال و بختیاری، هرمزگان و قم به ترتیب با کسب جریان خالص $۰/۰۵۵$ ، $۰/۰۸۴$ ، $۰/۱۵۴$ ، $۰/۱۸۳$ ، $۰/۲۲۶$ و $۰/۲۴۴$ در دامنه استان های فقیر قرار گرفته اند. در رتبه های آخر استان های کرمان، خوزستان، کرمانشاه، لرستان، سیستان و بلوچستان و کهگیلویه و بویراحمد به ترتیب با کسب جریان خالص $۰/۳۵۶$ ، $۰/۴۱۶$ ، $۰/۴۲۰$ ، $۰/۴۳۱$ ، $۰/۵۴۶$ و $۰/۵۹۲$ قرار دارند که جزء فقیرترین استان های کشور در مقایسه با دیگر استان های کشورند. نتایج حاصل از مدل پرومته به صورت نمودار زیر نشان داده شده است.

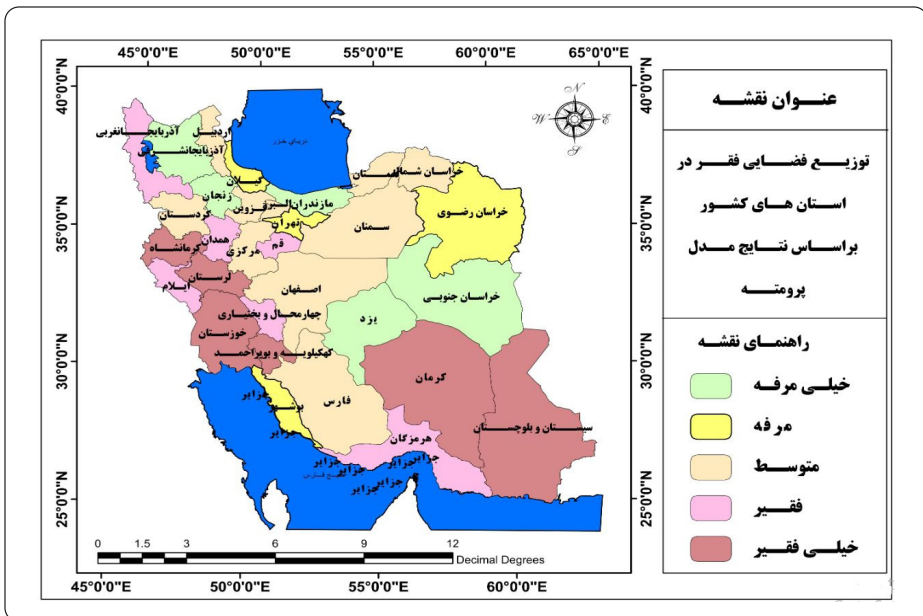
نمودار ۱. نمودار جریان خالص فقر استان های کشور



مأخذ: یافته های تحقیق.

نقشه ۱ توزیع فضایی فقر در استان‌های کشور را با استفاده از نتایج حاصل از مدل پرومته نشان می‌دهد.

نقشه ۱. توزیع فضایی فقر در استان‌های کشور براساس نتایج مدل پرومته



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

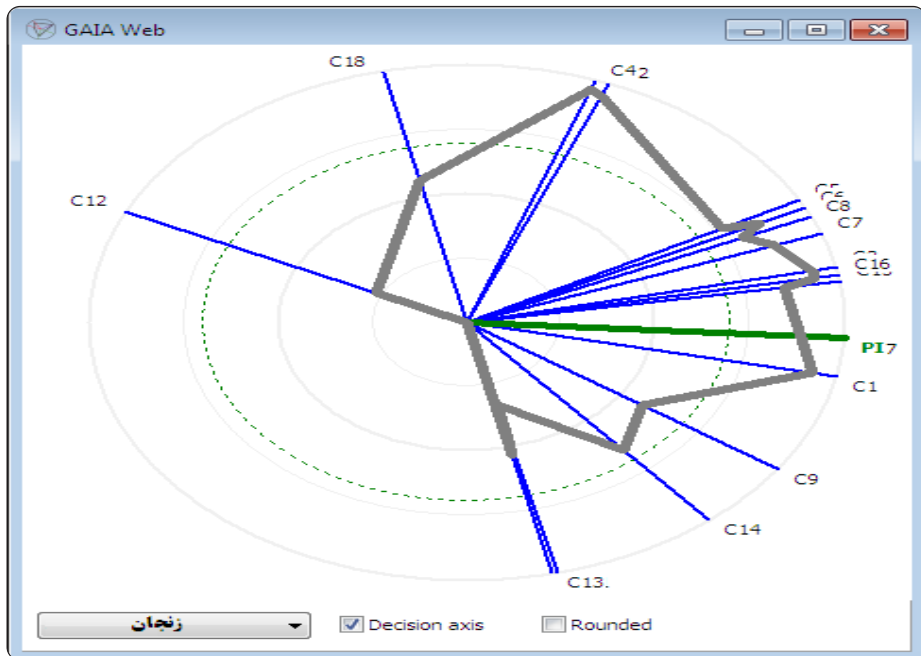
پراکنش فضایی فقر در سطح استان‌های کشور حاکی از آن است که بیشتر استان‌های فقیر در قسمت جنوب شرقی و غرب کشور قرار دارند. استان‌هایی با وضعیت متوسط به لحاظ فقر بیشتر در قسمت‌های مرکزی کشور واقع شده‌اند.

۴-۱. تحلیل گایا

شکل‌های گرافیکی گایا نمایش‌دهنده جریان خالص هر یک از معیارهای منفرد در ارتباط با گزینه‌های مختلف است. شکل حاصل بیانگر تابعی از رابطه بین معیارها

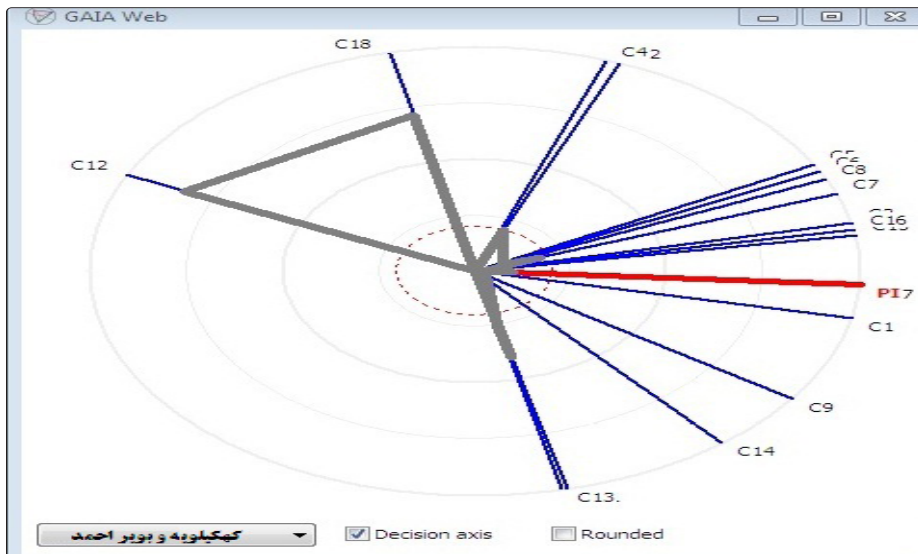
در ارتباط با گزینه انتخابی است. محورهای مربوط به هرکدام از معیارها از مرکز به پیرامون کشیده شده است. از آنجاکه دواير منظم حول مرکز نشانگر مقادير جريان خالص از مرکز تا ۱+ خارجي ترين دایره از مرکز دایره است. هر اندازه محورها به همدیگر نزدیک تر باشند و اختلاف کمتری داشته باشند نشان دهنده مقادير خالص و هر اندازه از همدیگر دور باشند نشان اختلاف بیشتر است. در این شکل‌ها موقعیت محور تصمیم و دایره نقطه چین مربوط به مقادير خالص یک انتخاب هستند، چنانچه دایره نقطه چین سبز رنگ باشد مقادير مثبت و رنگ قرمز نشانگر مقدار منفي مربوط است. برای نمایش جريان خالص هر یک از معیارهای منفرد در ارتباط با گزینه‌ها به صورت شکل‌های گرافیکی در گایا، مرفه‌ترین استان (زنجان) با محروم‌ترین استان (کهگیلویه و بویراحمد) مورد مقایسه قرار گرفته است (شکل ۲ و ۳).

شکل ۲. شکل گرافیکی استان زنجان



مأخذ: همان.

شکل ۳. شکل گرافیکی استان کهگیلویه و بویراحمد

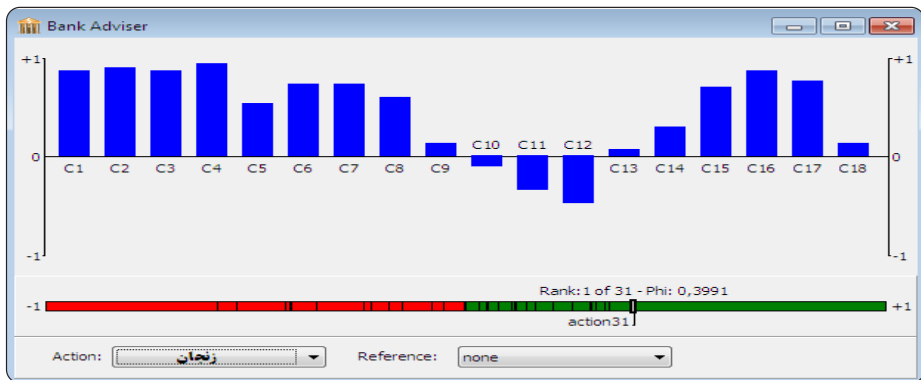


مأخذ: همان.

همان‌طور که در شکل ۲ مشخص است PI مربوط به استان زنجان سبز رنگ است. این امر حاکی از مثبت و مرفه بودن این استان است. وضعیت شاخص‌های استان زنجان در صفحه گایا حاکی از ایدئال بودن در اکثر شاخص‌ها دارد. به طوری که از مجموعه هجده شاخص مورد بررسی فقط در دو شاخص نسبت سالخوردگی (X12) و نسبت سرباری (X13) که هر دو مؤلفه از شاخص‌های اثرگذار در فقر استانی هستند امتیاز زیادی کسب نکرده اما در بقیه شاخص‌ها امتیاز خوبی را کسب کرده است. در مقابل در شکل ۳، PI مربوط به استان کهگیلویه و بویراحمد قرمز رنگ است که نشان از منفی و فقیر بودن این استان نسبت به بقیه استان‌های کشور دارد. نمودار گرافیکی تحلیل گایا در شاخص‌های مورد پژوهش استان کهگیلویه و بویراحمد حاکی از آن است که این استان از مجموع شاخص‌های مورد بررسی؛ در سه شاخص نسبت سالخوردگی (X12)، نسبت سرباری (X13) و تراکم جمعیت (X18) امتیاز بالایی را کسب کرده است در حالی که در شاخص‌های، نرخ مشارکت اقتصادی (X1)، نرخ مشارکت اقتصادی زنان (X3)، جمعیت فعال به جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر (X5)، جمعیت شاغل به جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر (X6)، جمعیت غیرفعال (محصل) به جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر (X9)،

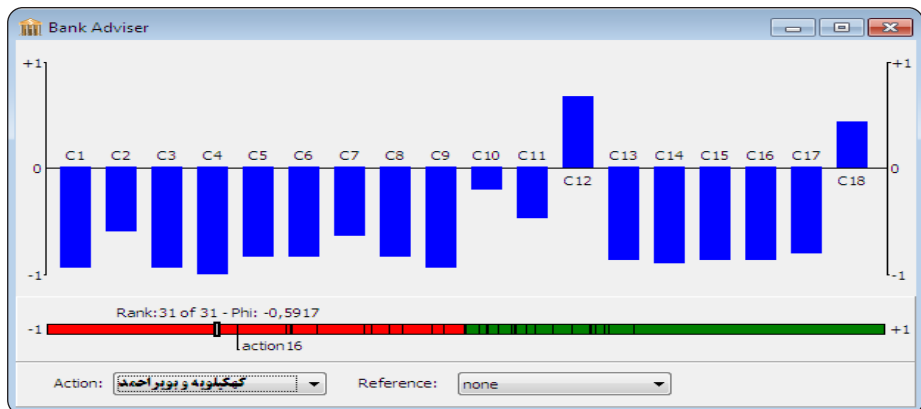
نرخ باسوادی مردان (X10)، نرخ باسوادی زنان (X11)، بعد خانوار (X14) و ضریب فعالیت عمومی (X17) امتیاز مناسبی را کسب نکرده است که منجر به نزول جایگاه این استان در بین استان‌های کشور به لحاظ فقر شده است. شکل‌های (۴ و ۵) وضعیت شاخص‌های مورد پژوهش در مرفه‌ترین استان (زنجان) و محروم‌ترین استان (کهگیلویه و بویراحمد) کشور را نشان می‌دهد.

شکل ۴. گرافیک جریان مثبت و منفی شاخص‌های استان زنجان



مأخذ: همان.

شکل ۵. گرافیک جریان مثبت و منفی شاخص‌های استان کهگیلویه و بویراحمد



مأخذ: همان.

مقایسه نتایج مرفه‌ترین استان (زنجان) با محروم‌ترین استان (کهگیلویه و بویراحمد) در صفحه گایا نشان می‌دهد که در استان زنجان تمامی شاخص‌های مورد پژوهش به جزء شاخص‌های نرخ بی‌سوادی مردان (X10)، نرخ بی‌سوادی زنان (X11) و نسبت سالخوردگی (X12)، با برخورداری از جریان مثبت ۱+ در شرایط ایدئال قرار دارند. در مقابل تمامی شاخص‌های مورد پژوهش در استان کهگیلویه و بویراحمد به جزء شاخص‌های نسبت سالخوردگی (X12) و تراکم جمعیت (X18)، با جریان منفی ۱- مواجه‌اند که حاکی از محرومیت و فقر شدید در این استان است.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

امروزه فقر یکی از مشکلات اساسی جوامع بشری و نشانه بارز توسعه‌نیافتگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که ثبات سیاسی و همبستگی اجتماعی و سلامت روانی را در اقصای فقیر به خطر می‌اندازد. فقر که نمودی از توسعه‌نیافتگی است، مشکلات مختلفی را در ابعاد گوناگون برای جوامع به بار می‌آورد؛ از این رو موضوع فقر در تمامی کشورهای دنیا دارای اهمیت فراوان بوده و برای از بین بردن یا کاهش وسعت آن برنامه‌های ویژه‌ای را اجرا می‌کنند. بنابراین سنجش توزیع فضایی فقر و راه‌های مختلف فقرزدایی در محدوده جغرافیایی مختلف (کشور، استان، شهرستان و بخش) در دهه‌های اخیر اهمیت بیشتری در سیاستگذاری‌های اقتصادی کشورهای جهان به‌ویژه کشورهای توسعه‌نیافته پیدا کرده است. بررسی وضعیت فقر در هر جامعه و آگاهی از آن، اولین قدم در برنامه‌ریزی برای مبارزه با فقر و محرومیت است. در همین راستا با سنجش توزیع فضایی فقر و برآورد میزان و شدت نابرابری در محدوده‌های جغرافیایی مختلف می‌توان اطلاعات مفیدی در این زمینه فراهم آورد. سنجش فقر به درکی از روند تحولات فقر منجر می‌شود و در طول زمان تصویری منسجم از فقر ارائه می‌دهد. در نتیجه، برنامه‌ریزان می‌توانند تصمیمات لازم را اتخاذ کنند و اقدامات لازم را انجام دهند. بر این اساس پژوهش حاضر به سنجش توزیع فضایی فقر در استان‌های کشور پرداخته است تا با آگاهی از وضعیت فقر در استان‌های کشور، برنامه‌ریزی واقع‌بینانه‌تری در آینده برای از بین بردن آن انجام شود. در این پژوهش از هجده شاخص مربوط به فقر برای سنجش توزیع فضایی فقر در استان‌های کشور استفاده شده است. برای تعیین اهمیت نسبی شاخص‌های مورد پژوهش از روش تحلیل شبکه و برای تجزیه و تحلیل

داده‌ها از مدل پرومته بهره استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که استان‌های زنجان، یزد، آذربایجان شرقی، مازندران و خراسان جنوبی به ترتیب با کسب رتبه‌های اول تا پنجم خیلی مرفه هستند. بعد از آن استان‌های گیلان، بوشهر، خراسان رضوی و تهران در دامنه استان‌های مرفه، استان‌های اصفهان، خراسان شمالی، البرز، سمنان، قزوین، مرکزی، کردستان، اردبیل، فارس و گلستان در دامنه استان‌های متوسط و استان‌های همدان، ایلام، آذربایجان غربی، چهارمحال و بختیاری، هرمزگان و قم در دامنه استان‌های فقیر قرار گرفته‌اند. در رتبه‌های آخر نیز استان‌های کرمان، خوزستان، کرمانشاه، لرستان، سیستان و بلوچستان و کهگیلویه و بویراحمد قرار دارند که جزء فقیرترین استان‌های کشور در مقایسه با دیگر استان‌های کشورند که بایستی در برنامه‌ریزی‌های آتی در اولویت برنامه‌ریزی قرار گیرند. همچنین نتایج نمایش جریان خالص هر یک از معیارهای منفرد در ارتباط با گزینه‌های به صورت نمودارهای گرافیکی در گایا، حاکی از آن دارد که PI مربوط به استان زنجان سبزرنگ است. این امر حاکی از مثبت و مرفه بودن این استان در اکثر شاخص‌ها مورد پژوهش است، در مقابل PI مربوط به استان کهگیلویه و بویراحمد قرمز رنگ است که نشان از منفی و فقیر بودن این استان در اکثر شاخص‌های مورد پژوهش دارد. در مجموع پراکنش فضایی فقر در سطح پهنه سرزمینی کشور نشان می‌دهد که بیشتر استان‌های فقیر در قسمت جنوب شرقی و غرب کشور قرار دارند. در راستای یافته‌های پژوهش، اجرای پیشنهاد‌های زیر می‌تواند در فقرزدایی و رفع نابرابری‌های فضایی مؤثر واقع شود:

- شناسایی نوع فقر در هر کدام از استان‌های ایران براساس شاخص‌های فقر و اجرای برنامه‌های لازم در راستای کاهش آن در هر استانی براساس نوع محرومیت؛
- ایجاد تعادل منطقه‌ای از طریق متوازن کردن توزیع امکانات، ثروت و زمینه‌های اشتغال بین استان‌های کشور؛
- ایجاد عدالت اجتماعی در سطح استان‌های کشور با تبیین و اجرای برنامه‌های توسعه؛
- تشکیل پایگاه داده‌های فقر جهت ارزیابی و شناخت وضع موجود برای برنامه‌ریزی‌های آتی؛
- سنجش توزیع فضایی فقر در سطح استان‌های کشور به‌طور مداوم و سالیانه برای تشخیص سطح کارایی برنامه‌های انجام شده.

منابع و مآخذ

۱. آذر، عادل و علی رجب‌زاده (۱۳۹۳). تصمیم‌گیری کاربردی رویکرد *MADM*، انتشارات نگاه دانش، چاپ ششم.
۲. ارشدی، علی و عبدالعلی کریمی (۱۳۹۲). «بررسی وضعیت فقر مطلق در ایران در سال‌های برنامه اول تا چهارم توسعه»، سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره ۱، ش ۱.
۳. افروغ، عماد (۱۳۷۷). *فضا و نابرابری اجتماعی، ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی و پیامدهای آن*، تهران، انتشارات سمت.
۴. بنی‌فاطمه، حسین و سعید ایرانی (۱۳۸۹). «بررسی تطبیقی میزان فقر در مناطق مختلف شهر تبریز» *مطالعات جامعه‌شناختی*، سال دوم، ش ۷.
۵. خدادادکاشی، فرهاد و ابراهیم جاویدی (۱۳۹۱). «اثر آموزش بر جنبه‌های مختلف فقر در مناطق شهری و روستایی ایران»، *رفاه اجتماعی*، سال ۱۲، ش ۴۶.
۶. خلیج، سکینه و علی یوسفی (۱۳۹۳). «پهنه‌بندی توزیع و شدت فقر چندبعدی در مناطق شهری و روستایی ایران»، *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، دوره ۱۸، ش ۴.
۷. راغفر، حسین، زهرا محمدی‌فرد و کبری سنگری مهذب (۱۳۹۲). «اندازه‌گیری فقر چندبعدی در شهر تهران»، *پژوهش‌های اقتصادی*، دوره ۱۳، ش ۲.
۸. رضایی، محمدرضا، مهدی علیان و امیررضا خاوریان (۱۳۹۳). «شناسایی و ارزیابی گستره‌های فضایی فقر شهری در شهر یزد»، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، دوره ۴۶، ش ۳.
۹. روستایی، شهرپور، محسن احدنژاد روشتی، اکبر اصغری زمانی و علیرضا زنگنه (۱۳۹۱). «توزیع فضایی فقر شهری در شهر کرمانشاه»، *رفاه اجتماعی*، دوره ۱۲، ش ۴۵.
۱۰. رئیس‌دانا، فریبرز (۱۳۷۹). «نقد روش در پدیده‌شناسی فقر»، *مجموعه مقالات فقر در ایران*، تهران، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
۱۱. زادولی خواجه، شاهرخ، اکبر اصغری زمانی و فاطمه زادولی خواجه (۱۳۹۳). «سطح‌بندی محلات حاشیه‌نشین براساس شاخص‌های کالبدی اقتصادی فقر شهری (نمونه موردی: حاشیه‌نشینان شمال شهر تبریز)»، *جغرافیا و مطالعات محیطی*، سال سوم، ش ۱۱.
۱۲. سایت مرکز آمار ایران (۱۳۹۴).
۱۳. صامتی، مجید و علیرضا کرمی (۱۳۸۳). «بررسی تأثیر هزینه‌های دولت در بخش کشاورزی بر کاهش فقر روستایی در کشور»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، سال ۱۶، ش ۴.

۱۴. صدرموسوی، میرستار، اصغر عابدینی و بخشان خضرنژاد (۱۳۹۶). «تحلیل فضایی و رتبه‌بندی شهرهای استان آذربایجان غربی براساس شاخص‌های فقر شهری»، *آمایش محیط*، دوره ۱۰، ش ۳۷.
۱۵. صلاحی اصفهانی، گیتی، علی ایرانشاهی، سیدرامین غفاری و مصطفی تالشی (۱۳۹۷). «تحلیل فضایی فقر روستایی در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان پاکدشت با استفاده از روش‌های خودهمبستگی فضایی»، *مدیریت شهری*، ش ۵۱.
۱۶. عزیزی، منصور، علی موحد، فرزانه ساسانیپور و نعمت‌کرده (۱۳۹۳). «تحلیلی بر وضعیت فقر شهری (مطالعه موردی: شهر مهاباد)»، *سپهر*، دوره ۲۳.
۱۷. فطرس، محمدحسن و فاطمه شهبازی (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر تحرک درآمدی بر فقر در ایران، دوره زمانی ۱۳۶۳ - ۱۳۹۲»، *تحقیقات اقتصادی*، دوره ۵۰، ش ۳.
۱۸. فکوهی، ناصر (۱۳۸۳). *انسان‌شناسی شهری*، تهران، نشرنی.
۱۹. محمدی یگانه، بهروز، مهدی چراغی و زهرا یزدانی (۱۳۹۳). «تحلیل عوامل مؤثر بر توزیع فضایی فقر در نواحی روستایی، با تأکید بر ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی (موردشناسی: دهستان محمودآباد، شاهین‌دژ)»، *جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای*، ش ۱۳.
۲۰. محمدی، محمدعلی، ابوعلی ودادهیر، علیرضا سیفی و روشنک مشتاق (۱۳۹۱). «فرا تحلیل مطالعات فقر در ایران»، *رفاه اجتماعی*، دوره ۱۲، ش ۴۵.
۲۱. محمودی، وحید (۱۳۸۶). *اندازه‌گیری فقر و توزیع درآمد در ایران*، تهران، انتشارات سمت.
۲۲. مدنی، سعید (۱۳۷۹). «آسیب‌ها، انحرافات اجتماعی و فقر در ایران»، *مجموعه مقالات فقر در ایران*، تهران، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
۲۳. مشهدی احمد، محمود (۱۳۹۱). «بنیان‌های نهادی فقر از دیدگاه ویلن»، *برنامه‌ریزی و بودجه*، سال ۱۷، ش ۲.
۲۴. موحد، علی، سامان ولی‌نوری، حسین حاتمی‌نژاد، احمد زنگانه و موسی کمانرودی کجوری (۱۳۹۵). «تحلیل فضایی فقر شهری در کلان‌شهر تهران»، *اقتصاد و مدیریت شهری*، دوره ۴، ش ۱۵.
۲۵. مومنی، منصور و علیرضا شریفی سلیم (۱۳۹۱). *مدل‌ها و نرم‌افزارهای تصمیم‌گیری چندشاخصه*، تهران، ناشر مؤلفان با حمایت شرکت داروسازی اکسیر.
۲۶. همزه‌ای، محمدرضا، ایوب شاه‌حسینی، غلامرضا برزو و سارا موسوی مطلوب (۱۳۹۱). «شناخت فرهنگ فقر در روستائیان شهرستان هرسین»، *رفاه اجتماعی*، سال ۱۲، ش ۴۵.

۲۷. یوسفی، علی، شکیبا مهدیان و سکینه خلیج (۱۳۹۴). «شناسایی عوامل تعیین‌کننده فقر چندبعدی در مناطق روستایی ایران»، پژوهش‌های روستایی، دوره ۶، ش ۴.
28. Alkire, S., J. Roche, M.E. Santos and S. Seth (2011). Multidimensional Poverty Index 2011, Brief Methodological Note, *Oxford Poverty and Human Development Initiative (OPHI)*.
29. Alkire, S. and M.E Santos (2010). Acute Multidimensional Poverty: A New Index for Developing Countries, *OPHI Working Papers 38*, University of Oxford.
30. Arif, G. M., S. Farooq (2012). Dynamics of Rural Poverty in Pakistan: Evidence from Three Waves of the Panel Survey, *Pakistan Institute of Development Economics Islamabad*.
31. Babic, Z. and N. Plazibat (1998). "Ranking of Enterprises Based on Multicriterial Analysis", *International Journal of Production Economics*, Vol. 56-57.
32. Bogdanovic, D., D. Nikolic and I. Ilic (2012). "Mining Method Selection by Integrated AHP and PROMETHEE Method", *Anais da Academia Brasileira de Ciências*, Vol. 84.
33. Brans, J. and B. Mareschal (2005). "PROMETHEE Method Cited at: Multiple Criteria Decision Analysis", *State of the Art Surveys*, Springer, NewYork.
34. Brans, J.P. and B. Mareschal (1994). "The PROMCALE- GAIA Decision Support System for Multicriteria Decision aid", *Decision Support Systems*, Vol.12, No 4/5.
35. Chou, T.Y., Lin, W.T., Lin, Ch. Y., Chou, W.Ch. and Huang, P. (2004). "Application of the PROMETHEE Technique to Determine Depression Outlet location and Flow Direction in DEM", *Journal of Hydrology*, 287.
36. Duclos, J. and A. Araar (2006). *Poverty and Equity: Measurement, Policy and Estimation*, Springer.
37. Leeneer, I. and H. Pastijn (2002). "Selecting Land Mine Detection Strategies by Means of Outranking MCDM Techniques", *European Journal Operational*

Research, Vol.139.

38. Peirovedin, M.R., M. Mahdavi and Y. A. Ziyari (2016). "An Analysis of Effective Factors on Spatial Distribution of Poverty in Rural Regions of Hamedan Province", *International Journal of Geography and Geology*, 5(5).
39. Shahabadi, A. and R. Sorehkhkamal (2009). "Evaluation of City Development Ghouchan Using Numerical Taxonomy Analysis", *Journal of Geographical Landscape of Zagros, the First Year*, NO.1.
40. Sowunmi, F. A. (2016). "Spatial Analysis of Hotspots and Coldspots of Poverty in Nigeria", *Journal of Geographic Information System*, Vol. 8.
41. Tomul, E. (2009). "Measuring Regional Inequality of Education in Turkey: An Evaluation by Gini Index", *Procedia Social and Behaviorial Sciences*, Vol. 1.
42. Torres, Marcelo de O., Stephen A. Vosti and Marco P. Maneta (2011). "Spatial Patterns of Rural Poverty: An Exploratory Analysis in the São Francisco River Basin, Brazil", *Nova Economia-Belo Horizonte* _21 (1).

تحلیل رفتار بازیکنان در بازی تحریم‌های آمریکا علیه ایران: رویکرد مبتنی بر عامل^۱

کبری سنگری مهذب*، حسین راغفر** و میرحسین موسوی***

نوع مقاله: علمی پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۱۹	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۳	شماره صفحه: ۲۱۳-۱۷۷
------------------------	-------------------------	-----------------------	---------------------

تحریم‌های اعمال شده بر ایران از سوی کشورهای خارجی و برخی نهادهای بین‌المللی، یکی از مهمترین چالش‌های اقتصادی کشور در سال‌های اخیر بوده است. تحریم مجموعه‌ای از اقدامات برنامه‌ریزی شده یک یا چند دولت برای محدود کردن مناسبات اقتصادی و اعمال فشار بر کشور هدف با مقاصد مختلف اقتصادی و سیاسی است. همراهی سایر بازیگران مهم اقتصادی و سیاسی با کشور تحریم‌کننده نقش مؤثری در موفقیت این کشور برای دستیابی به اهداف خواهد داشت. این همراهی بر پیچیدگی‌های روابط بازیکنان در فضای بین‌المللی تحریم‌ها می‌افزاید. این مطالعه ضمن ارائه یک رویکرد چندرشته‌ای شامل نظریه بازی‌ها، سیستم‌های مبتنی بر عامل، هوش مصنوعی و طراحی سازوکار در تحلیل موضوعات پیچیده‌ای نظیر بازی تحریم ایران توسط ایالات متحده و متحدان آن و همچنین ارائه نتایج حاصل از شبیه‌سازی رفتار بازیکنان، می‌کوشد به معرفی روش نوینی در حوزه مدل‌سازی پدیده‌های اقتصادی سیاسی بپردازد. به این منظور بازیکنان، ویژگی‌های مؤثر آنها در بازی تحریم و طیف راهبرد بازی تعیین و شبیه‌سازی رفتار بازیکنان در چارچوب ذکر شده انجام شده است. نتایج شبیه‌سازی رفتار بازیکنان بر طیف پیشنهادی که شامل دو وضعیت حدی تقابل و سازش است، نشان می‌دهد در وضعیت جاری راهبرد مسلط؛ تأکید بر حفظ توافق برجام است و بازیکنان مؤثر در بازی تحریم ایران در موقعیت چانه‌زنی قرار دارند و نه فضای رویارویی یا تسلیم. این بازی پس از هشت دوره چانه‌زنی در محدوده مذاکره در چارچوب سازوکار برجام به ثبات می‌رسد. جهت‌گیری ایالات متحده آمریکا و طیف حامی او در منطقه خاورمیانه، به سمت جهت‌گیری سایر بازیکنان در محدوده مذاکره در چارچوب سازوکار برجام تغییر می‌کند و جهت‌گیری حدی برخی بازیکنان داخلی را می‌توان به عنوان یک تهدید معتبر در مناقشات ایالات متحده آمریکا علیه ایران در نظر گرفت. کلیدواژه‌ها: تحریم؛ نظریه بازی‌ها؛ طراحی سازوکار؛ رویکرد مدل‌سازی مبتنی بر عامل؛ شبیه‌سازی رایانه‌ای؛ هوش مصنوعی

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری کبری سنگری مهذب به راهنمایی دکتر حسین راغفر با عنوان «طراحی سازوکار اقتصادی سیاسی تحریم‌های هسته‌ای ایران: کاربرد مدل‌سازی مبتنی بر عامل» است.

* دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا (س) (نویسنده مسئول)؛

Email: k.sangari@alzahra.ac.ir

Email: raghfhar@alzahra.ac.ir

** استاد دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا (س)؛

Email: hmousavi@alzahra.ac.ir

*** دانشیار دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا (س)؛

مقدمه

تحریم‌های اقتصادی مجموعه‌ای از اقدامات محدودکننده است که بخش‌هایی از فعالیت کشور هدف را مختل می‌کنند. از این رو تحریم‌ها می‌توانند بسته به اینکه چقدر بر بخش‌های حساس یک کشور متمرکز شده‌اند، هزینه‌های متفاوتی را تحمیل کنند. به تعبیر ریچارد نفیو تحریم‌ها مجموعه‌ای از آرایش‌های قوانین، اختیارات و الزامات هستند که در یک مصوبه یا دستور دولتی یا یک مصوبه سازمان ملل و سندهای دیگر ذکر می‌شوند و هدف از آنها محدود کردن و پیشگیری از یک رفتار غالباً اجتناب‌پذیر است و نتایج آن بررسی می‌شود (Nephew, 2018: 10). به تعبیر ایوانزو و نوام، تحریم امتناعی نظام‌یافته از برقراری روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا نظامی یک دولت یا گروهی خاص از دولت‌ها برای تنبیه یا ایجاد رفتار مورد قبول است. باین حال، کاربرد تحریم بیشتر در روابط اقتصادی بین‌الملل رایج است و کالاها و خدمات تولیدی یک کشور خاص بایکوت می‌شود. تحریم ممکن است عام یعنی شامل همه کالاها و خدمات و یا خاص و محدود به یک نوع یا دسته خاصی از کالاها باشد (Evans and Newnham, 1998). در زرنر در کتاب تناقض تحریم‌ها به ارائه تحریم به عنوان اجبار اقتصادی^۱ می‌پردازد و تحریم را این‌گونه تعریف می‌کند: «من اجبار اقتصادی را تهدید یا اقدامی که توسط یک دولت ملی^۲ یا ائتلاف او - که تحریم‌کننده یا فرستنده^۳ نامیده می‌شود - تعریف می‌کنم. این تهدید یا اقدام مبادلات اقتصادی با دولت دیگر را - که هدف^۴ نامیده می‌شود - مختل می‌کند. هدف از این تهدید یا اقدام این است که کشور هدف به تقاضای سیاسی بیان شده تسلیم شود. این اختلال می‌تواند شامل تحریم‌های تجاری، بایکوت‌ها، تعلیق کمک‌ها، مسدود کردن دارایی‌های مالی یا دست‌کاری در نرخ‌های تعرفه باشد» (Drezner, 1999). کمپفر و لونبرگ معتقدند تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی اغلب اقداماتی است که توسط دولت‌های ملی یا سازمان‌های بین‌المللی انجام می‌شود. این اقدامات به عنوان وسیله‌ای برای تأثیرگذاری بر رفتار دولت‌های دیگر بدون توسل به درگیری‌های نظامی مورد توجه هستند (Kaempfer and Lowenberg, 2007).

-
1. Economic Coercion
 2. Nation-state
 3. Sender
 4. Target

اگرچه تحریم‌ها بر اساس دشواری‌های ناشی از آن به اشکال متفاوتی در متون مربوط به مطالعات تحریم‌ها طبقه‌بندی شده‌اند، اما نکته‌ای که در کتب نگاشته شده در این زمینه توسط متخصصان اعمال و مدیریت تحریم‌ها همواره بر آن تأکید شده، این است که فشار حداکثری بر کشور هدف و وضع تحریم‌ها و وارد آوردن درد به صورت راهبردی مستلزم شناسایی دقیق نقاط آسیب‌پذیر است. استفاده از تحریم‌های اقتصادی به منظور اجرای مقاصد سیاسی روش جدیدی نیست. دولت‌ها به دلایل مختلف در طول تاریخ به تحریم‌های اقتصادی متوسل شده‌اند. به این منظور ترکیبی از روش‌های مختلف از جمله ابزارهای اقتصادی که مخرب‌ترین اثر را بر منافع اقتصادی و سیاسی کشور هدف دارد، استفاده شده است تا اهرمی برای تحقق اهداف سیاسی کشورها در عرصه بین‌الملل باشد. تجربیات منتشر شده توسط طراحان تحریم‌ها نشان می‌دهد برای اعمال فشار حداکثری، تلاش گسترده‌ای برای شناخت نقاط ضعف و آسیب‌پذیر کشور هدف صورت می‌گیرد و تحریم‌های هوشمند و هدفمند با توجه به بسترهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نهادی کشور هدف تنظیم می‌شود.

بدیهی است بخشی از مشکلات اقتصادی ایران در سال‌های اخیر ناشی از تحریم‌هایی است که از سوی ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و شورای امنیت به بهانه‌های مختلف بر کشورمان اعمال شده است. تحریم‌های اقتصادی اعمال شده بر کشور در کنار وضعیت نامناسب اقتصادی کشورمان، تورم قابل توجه گذشته و پیش‌رو، تنگناهای معیشتی، میل به مهاجرت، کاهش ارزش پول و سایر مواردی از این قبیل؛ زمینه آسیب‌پذیری بیشتر کشور را فراهم کرده است. اقتصاد تک‌محصولی و وابستگی ساختار بودجه دولت به درآمدهای نفتی مهمترین مسیر انتقال آسیب‌های ناشی از عوامل خارجی از جمله تحریم‌ها بر اقتصاد ایران است. پیامدهای تحریم در سطح اقتصاد، به سرعت زمینه‌های تشدید رکود تورمی را فراهم و فرصت دستیابی به رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی و دستیابی به دانش و فناوری روز را از کشور سلب می‌کند همچنین رشد و توسعه را که بدون انباشت سرمایه، تولید و اشتغال امکان‌پذیر نخواهد بود، ناممکن و کشور را در دور باطل فقر و توسعه‌نیافتگی گرفتار می‌کند. بی‌تردید بخشی از تحریم‌های اقتصادی کشور ناشی از تحریم‌هایی است که به بهانه برنامه‌های هسته ایران تحمیل شده است. ۶ قطعنامه شورای امنیت قبل از توافق برجام

که با اجماع قدرت‌های جهانی تصویب شد، تحریم‌های بی‌سابقه اقتصادی را به دنبال داشت. اما پس از توافق برجام و خروج ترامپ از برجام شرایط متفاوتی بر روابط اقتصادی ایران در سطح بین‌الملل حاکم شده است. تفاوت اساسی تحریم‌های اخیر ایالات متحده با تحریم‌های قبلی این است که اجماع جهانی بر اعمال تحریم‌ها وجود ندارد، به نحوی که خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام و اعمال تحریم‌های سخت علیه ایران با مخالفت اعضای دائم شورای امنیت و آلمان مواجه شد. این کشورها به استناد تأییدیه‌های قبلی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در خصوص پایبندی ایران به تعهدات خود، اقدام آمریکا را خارج از چارچوب‌های بین‌المللی توصیف کردند. کشورهای اروپایی پس از خروج ترامپ از برجام ضمن اعلام پایبندی خود به توافق برجام، بر عزم جدی برای طراحی سازوکارهای عملی برای کاستن از تبعات منفی تحریم‌ها تأکید کردند.

در چنین شرایطی به‌رغم نبود یک اجماع جهانی علیه ایران، تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا دیگر کشورها را تحت فشار قرار داده تا از میان رابطه اقتصادی با ایران و آمریکا یکی را انتخاب کنند. از این‌رو سیاست‌های ایالات متحده به دنبال تحریم ایران موجب شده است تا منافع اقتصادی ایران از برجام به شدت کاهش یابد و مطابق شواهد موجود آنچه از طرف کشورهای اروپایی رخ داده است با انتظارات ایران از تأمین منافع در برجام فاصله زیادی داشته است.

در این شرایط که ایالات متحده در فضای کنونی تلاش می‌کند تا با استفاده از تفوق خود بر اقتصاد جهان با فشار بر سایر کشورها آنها را از ارتباط با ایران منصرف کند، این کشورها در مواقع لازم از ایران به‌عنوان وجه‌المصلحه منافع خود بهره‌جسته و تلاش می‌کنند از ایران به‌عنوان یک طعمه استفاده کنند که از یک‌سو برای چانه‌زنی در مذاکرات خود با ایالات متحده و اخذ امتیاز از این کشور در مذاکرات هسته‌ای استفاده کنند و از سوی دیگر با ایران برای کسب امتیازهای بیشتر در موقعیت‌هایی که خود تحت فشار ایالات متحده هستند به چانه‌زنی بپردازند. با این توضیحات، راه‌حل منطقی این بازی جستجوی یک تعادل نش بی‌زی کامل به دلیل پویایی این بازی و وجود اطلاعات خصوصی در بین بازیکنان است که تعادل نش تأمین‌کننده وضعیتی است که منافع همه بازیکنان در آن لحاظ شده

است. رویکرد تعادل نش به جای حداکثر کردن منافع تک‌تک اعضای ائتلاف ضروری است؛ چرا که ضمن حفظ امنیت و ثبات منطقه‌ای که تضمین‌کننده تداوم منافع کشورهای عضو ائتلاف به‌ویژه کشورهای غربی است، منافع جمعی این ائتلاف نیز حداکثر می‌شود. نظریه بازی‌ها ابزار مناسبی را برای پیش‌بینی رفتار این ذی‌نفعان فراهم می‌کند و راهبردهای اتخاذ شده توسط این بازیکنان متأثر از تصمیمات ایالات متحده آمریکا و اثرگذار بر تعاملات فی‌مابین است. موضوع منافع جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی و رفتار بازیکنان موجب می‌شود که پیچیدگی‌های زیادی بر مسئله روابط ایران و آمریکا ایجاد شود که متأثر از منافع در حال تغییر کشورهای شرکت‌کننده در این ائتلاف است. ضمن اینکه کشورهای شرکت‌کننده روابط در حال تحولی نیز با یکدیگر دارند و تغییر موضع آمریکا در ادامه، کاهش و یا گسترش تحریم‌های آمریکا علیه روسیه و چین نیز می‌تواند به تغییر موضع نسبی این کشورها علیه جمهوری اسلامی ایران بیانجامد.

در این مطالعه سازوکارهای اقدامات مربوط به تحریم در جامعه بین‌الملل مورد بررسی قرار می‌گیرد تا روابط ایران و آمریکا را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. روابط بین‌المللی به دلیل ماهیت چندجانبه آن از پیچیدگی‌های زیادی برخوردار است. با توجه به این موضوع، به منظور تحلیل مسئله و پیش‌بینی تعادل‌های امکان‌پذیر در این روابط روش سیستم‌های مبتنی بر عامل و نظریه بازی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. شبکه‌ای بودن و گستردگی مسئله تحریم‌ها و جستجوی راه‌حل بهینه در تعاملات گسترده ناشی از رقابت، هماهنگی و مذاکرات موجب می‌شود استفاده از روش‌های طراحی سازوکار مبتنی بر عامل به‌عنوان یک راهکار دنبال شود. این شیوه طراحی، جدیدترین ابزار برای حل انواع تعاملات و فرایندهای متأثر از تصمیمات انسانی شناخته می‌شود. به‌طور معمول یک عامل بیانگر یک شخص است اما می‌تواند یک خانوار، یک بنگاه یا حتی همان‌گونه که نشان خواهیم داد یک کشور باشد. ناهمگنی عوامل یک وجه کلیدی و مهم است. هر عامل می‌تواند یک مجموعه منحصر به فردی از مشخصات و قواعد رفتاری را داشته باشد (Epstein, 2006: 51). هویت معتقد است که مدل‌های اقتصادی مبتنی بر عامل می‌توانند یک نظام اقتصادی را به تصویر بکشند که در آن رفتار نظم‌یافته می‌تواند در نتیجه تعامل بین عوامل ناهمگن باشد که ممکن است با یکدیگر همکاری، هماهنگی، ارتباط،

رقابت یا مذاکره داشته باشند (Howitt, 2012). این مشخصه‌ها ایجادکننده توانایی یادگیری در گروه است. از این رو قابل استفاده در کاربردهایی است که چندین تصمیم‌ساز دارد که به صورت مستقل ولی عقلایی و هوشمند رفتار می‌کنند. با توضیحات فوق و با توجه به پیشرفت‌های چشمگیر سال‌های اخیر در علوم رایانه، استفاده از ابزارهای محاسباتی و شبیه‌سازی رایانه‌ای و هوش مصنوعی مبتنی بر سیستم‌های چندعاملی؛ پیش‌بینی نتایج اقدامات پیچیده‌ای مانند روابط بین‌المللی کشورها در موضوع تحریم‌ها را امکان‌پذیر می‌کند.

این مقاله از ۶ بخش مقدمه، پیشینه پژوهش، مبانی نظری تحقیق، تعیین راهبردهای بازی ایران و آمریکا، اجرای مدل و تحلیل نتایج و جمع‌بندی و ارائه پیشنهاد تشکیل شده است. در بخش پیشینه، به طور خلاصه به پیشینه تحقیق اشاره شده است. در بخش مبانی نظری، متغیرهای مورد نیاز و مدل ریاضی تحقیق ارائه شده است. در مدل ریاضی، ابتدا مدل مطلوبیت انتظاری به عنوان اساس محاسبه پاداش‌ها در بازی، نحوه ارزیابی مطلوبیت انتظاری و الگوریتم اجرای مدل و منطق بازی ارائه شده است. در بخش چهارم نیز به استخراج راهبردهای بازی ایران و آمریکا، بخش پنجم، به فرایند استخراج داده‌های مدل و داده‌های استخراج شده و در بخش ششم به جمع‌بندی نتایج پرداخته شده است.

۱. پیشینه پژوهش

۱-۱. پیشینه خارجی پژوهش

مهمترین مدلی که در متون پژوهشی مرتبط با پیش‌بینی از طریق نظریه بازی وجود دارد، توسط دی مسکیتا^۱ ارائه شد و توجه زیادی را به خود جلب کرد. در سال ۱۹۸۴ دی مسکیتا نظریه‌های مطلوبیت انتظاری، رأی‌دهی و چانه‌زنی را ترکیب کرد. وی با توصیف قواعد تصمیم‌گیری هر یک از ذی‌نفعان و ایجاد یک مدل انتخاب عقلایی مبتنی بر عامل، موضوعات سیاسی را تحلیل کرد. او در سال ۱۹۸۴ به تحلیل سیاسی ایران پرداخت.

مسکیتا مطالعات متعددی در چارچوب این مدل انجام داده که برخی از آنها عبارتند از: توسعه ایران (۱۹۸۴ و ۲۰۰۹)، هنگ‌کنگ (۱۹۸۵) مناقشه عرب - اسرائیل (۱۹۹۰)، تصمیمات اتحادیه اروپا (۱۹۹۴) و تنظیم قیمتگذاری اوپک (۱۹۹۷).

دقت فوق‌العاده پیش‌بینی با استفاده از مدل او به نظر می‌رسد بیش از یک ادعا باشد. این مدل پذیرش فزاینده‌ای را به خود جلب کرده و به پیش‌بینی‌های دقیق در ۹۰ درصد از وضعیت‌هایی که مورد استفاده قرار گرفته، منجر شده است (Eftekhari and Rahimi, 2014). دی مسکیتا بیان می‌کند: «این مدل یک بازی را ترسیم می‌کند که در آن بازیکنان به طور هم‌زمان پیشنهادهایی ارائه می‌کنند و قدرت نفوذ خود را بر یکدیگر اعمال می‌کنند. آنها گزینه‌هایی را ارزیابی می‌کنند و ائتلاف‌هایی را با تغییر موقعیت خود بر روی موضوع مورد سؤال تشکیل می‌دهند. گام‌های فوق به‌طور پی‌درپی تکرار می‌شود تا موضوع حل و فصل شود (De Mesquita, 1997).

دی مسکیتا تا سال ۲۰۰۹ در مقالات مختلف به تکمیل و بسط مدل خود پرداخته است، اما به‌طور دقیق جزئیات مدل خود را افشا نکرده است و از این‌رو مطالعات متعددی برای تبیین جزئیات مدل چانه‌زنی مسکیتا ارائه شده است. به‌عنوان مثال مطالعه افتخاری و رحیمی در سال ۲۰۱۴ برای مشخص کردن الگوریتم دی مسکیتا ارائه شده است. این مدل توانایی پیش‌بینی نتیجه هر موضوعی را که در آن چند بازیکن با منافع متعارض در اقتصاد، مدیریت و سیاست قرار دارند، امکان‌پذیر می‌کند. در این مدل نظریه بازی‌ها، نظریه مطلوبیت مورد انتظار، توزیع احتمالات و یادگیری بازیکنان مورد توجه قرار گرفته است. افتخاری و رحیمی در چارچوب این مدل به پیش‌بینی‌های قیمت نفت، میزان آلاینش خودروهای در اندازه متوسط و نتیجه انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۱۳۹۲ پرداخته‌اند (Eftekhari and Rahimi, 2014).

بلادی و اولادی در مقاله‌ای با عنوان «تحریم‌های هوشمندانه» به بررسی اثرگذاری این نوع تحریم‌ها پرداخته‌اند که به‌موجب آن تحریم‌کننده به اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه اقلیت حاکم (الیگارش‌ها) به‌منظور تغییر رفتار حکومت روی آورده است. این مطالعه در چارچوب نظریه بازی‌ها به مطالعه تأثیر تحریم‌های هوشمند بین‌المللی در اقتصادهای

مبتنی بر حکومت اقلیت حاکم پرداخته است (Beladi and Oladi, 2015). اکسلین در مقاله «هدف قرار دادن خودکامگان: تحریم‌های اقتصادی و تغییر نظام» بزرگترین هدف از برقراری تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی را تغییر نظام و ایجاد دموکراسی می‌داند (Oechslin, 2014). نوینکیرش و نویمایر در مقاله خود با عنوان «تأثیر تحریم‌های سازمان ملل و ایالات متحده آمریکا» با روش پنل با اثرات ثابت به ارزیابی تجربی چگونگی اعمال تحریم‌های چندجانبه سازمان ملل و تحریم‌های یک‌جانبه ایالت متحده آمریکا بر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی کشور تحریم‌شونده پرداخته‌اند (Neuenkirch and Neumeier, 2016). شهبایی و همکاران نیز در مقاله‌ای با عنوان «اثر تحریم‌های اقتصادی بر خدمات درمانی سرطان در ایران» به مطالعه اثر تحریم بر بیماری سرطان پرداخته‌اند (Shahabi and et al., 2015). آفسورگبور و ماهادوان در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر نابرابری درآمد در کشور هدف» با بهره‌گیری از تجزیه و تحلیل‌های تجربی نشان داده‌اند که کدام بخش از جمعیت کشور هدف بیشترین هزینه را در زمان اجرای تحریم‌ها متحمل می‌شود (Afesorgbor and Mahadevan, 2016).

کاتزمن در گزارشی با عنوان «تحریم‌های ایران»، بخش نفت و سرمایه‌گذاری را در ایران مورد بررسی قرار داده و به تحلیل تأثیر تحریم اقتصادی بر این بخش پرداخته و نشان داده است که تحریم در سه دهه گذشته، تأثیر زیادی بر تولید و سرمایه‌گذاری به‌ویژه در حوزه نفت داشته است (Katzman, 2015). تقوی و دیگران در مقاله‌ای با عنوان «آیا مدل جاذبه برای انتخاب شرکای تجاری در میان اعضای سازمان همکاری‌های شانگهای مؤثر است» به تأثیر محدودیت‌ها و موانع تجاری، نظیر تحریم اقتصادی از سوی کشورهای غربی، بر حجم تجارت ایران با کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی شانگهای پرداخته‌اند (Taghavi and et al., 2012). این مطالعه براساس مدل جاذبه انجام شده و نشان می‌دهد محدودیت‌های تجاری نظیر تحریم‌های اقتصادی از سوی کشورهای غربی موجب افزایش معنادار حجم تجارت ایران با کشورهای عضو این سازمان شده است. وانگ در مقاله‌ای با عنوان «برآورد ساختاری تحریم‌های اقتصادی: از آغاز تا برون‌داد»، تحریم‌ها را در قالب یک بازی با اطلاعات خصوصی بررسی کرده است (Whang, 2010). نکته متفاوت این بازی با بازی‌های دیگری که بررسی شد در راهبردهای کشور فرستنده تحریم است؛ فرستنده سه راهبرد دارد: پذیرش وضع موجود و عدم اعمال تحریم، تحریم‌های ضعیف و

تحریم‌های سنگین. این بازی سه نتیجه دارد: توافق، عقب‌نشینی و بن‌بست. در این مقاله تفاوت در عقب‌نشینی و بن‌بست به طول دوره تحریم‌ها بر می‌گردد. اگر تحریم‌ها بیشتر از چهار سال ادامه یابد دو کشور در وضعیت بن‌بست قرار گرفته‌اند. این بازی یک تعادل بی‌زی دارد که مستلزم انتخاب بهینه هر طرف (براساس باورهای منطقی آنها) در واکنش به انتخاب طرف دیگر است. کرومبیرا در مقاله‌ای با عنوان «استفاده از مدل جاذبه بر حجم تجارت کشورهای تحت تحریم: مطالعه موردی کشور زیمبابوه ۲۰۰۶-۱۹۹۸» به بررسی تأثیر تحریم چندجانبه آمریکا و اتحادیه اروپا بر حجم خارجی این کشور در دوره زمانی مدنظر پرداخته است. در این مطالعه تأثیر این تحریم‌ها بر حجم تجارت کشور زیمبابوه منفی و معنادار بوده است (Charumbira, 2008).

۲-۱. پیشینه داخلی پژوهش

در رابطه با تحریم‌های ایران، پژوهش‌های متعددی انجام شده که در آنها ابعاد فنی، حقوقی، سیاسی، اقتصادی و نظامی مسئله، توسط صاحب‌نظران و کارشناسان مورد بررسی قرار گرفته و نظریات مختلفی هم مطرح شده است. اما مقالات و پژوهش‌هایی که مسائل، موضوعات و مناقشات بین‌المللی را در قالب سیستم‌های مبتنی بر عامل و نظریه بازی مطرح کنند و پیش‌بینی‌هایی بر این اساس داشته باشند، تاکنون پژوهشی انجام نشده است و مواردی هم که انجام شده است صرفاً به موضوع تحریم‌ها با استفاده از روش‌های متفاوتی غیر از مدل‌سازی مبتنی بر عامل پرداخته‌اند. بنابراین به دلیل ارتباط کم با موضوع این مطالعه از ذکر آنها خودداری می‌شود.

۲. مدل نظری تحقیق

۲-۱. متغیرهای مورد نیاز

از نقاط قوت مدل مطلوبیت انتظاری این است که فقط سه آرایه ساده را به عنوان نهاده نیاز دارد. این آرایه‌ها به عنوان وضعیت اولیه بازیکنان تعریف می‌شود. مهمترین آرایه «موقعیت» بازیکنان است (x). هر بازیکن یک موقعیت ایدئال دارد که روی طیف راهبردهای محتمل

(که باید توسط محقق احصا شود) تعیین می‌شود. آرایه «اهمیت» یا «اولویت» (s) به این معناست که اولویت و اهمیت موضوع مناقشه برای بازیکنان چقدر است. آرایه «توانایی» یا «قابلیت» (c) تعیین می‌کند که قدرت نفوذ بازیکنان روی موضوع مورد مناقشه چقدر است. این نهاده‌ها که وضعیت اولیه بازی را نشان می‌دهند، توسط خبرگان تعیین و در مدل مطلوبیت مورد انتظار وارد می‌شوند.

۲-۲. مدل مطلوبیت انتظاری

نظریه مطلوبیت این امکان را فراهم می‌کند که ترجیحات بازیکنان برحسب پاداش در مقیاس مطلوبیت بیان شود. این نظریه مشارکت مهم فون نیومن و مورگنشرن است که نظریه حداکثرسازی مطلوبیت مورد انتظار را مطرح و اثبات می‌کنند. در چارچوب یک بازی که عامل‌های متعددی تصمیم‌گیری می‌کنند، پاداش بازیکنان در چارچوب نظریه مطلوبیت مورد انتظار تعیین می‌شود. یک ذی‌نفع، وقتی با یک موضوع پیچیده مواجه می‌شود، باید ارزیابی کند که چگونه دیگر ذی‌نفعان موقعیت او را پشتیبانی می‌کنند و سپس تصمیم می‌گیرد که آیا موقعیت جاری خود را به خطر بیندازد یا خیر؟ در این مدل چانه‌زنی گزینه‌های امکان‌پذیر ذی‌نفعان، راهبردهای بازی هستند که روی یک طیف خطی تعیین شده‌اند و ذی‌نفعان موقعیت جاری خود را روی این طیف خطی بررسی می‌کنند. ذی‌نفعی که روی موقعیت جاری خود وارد چالش می‌شود، باید بررسی کند که کدام یک از ذی‌نفعان با او تعامل می‌کنند و چه پیشنهادهایی، اگر وجود داشته باشد، ارائه می‌کنند. یک ذی‌نفع تصمیم می‌گیرد که با یک ذی‌نفع دیگر وارد چالش شود، اگر مطلوبیت مورد انتظار او از این اقدام بزرگتر از مطلوبیت مورد انتظار او از انجام ندادن آن باشد.

یک ذی‌نفع ارزش‌های مطلوبیت انتظاری EU_{ij}^* را برای تعیین وارد شدن یا وارد نشدن در درگیری با ذی‌نفع مقابل به‌کار می‌گیرد. ذی‌نفع i وقتی اقدامی را در مقابل ذی‌نفع j اتخاذ می‌کند که انتظار داشته باشد مطلوبیت انتظاری او از انجام چنین کاری مثبت باشد.

بازیکن i ، با دانستن مطلوبیت انتظاری اقدام و مطلوبیت انتظاری عدم اتخاذ اقدام

در مقابل بازیکن z می‌تواند موقعیت خود را در مقابل بازیکن z براساس مطلوبیت انتظاری به طور مؤثر ارزیابی کند، EU_{ij}^i ، و مطلوبیت مورد انتظار بازیکن z را در مقابل خودش برآورد کند. همچنین بازیکن z نیز فرایند مشابهی را دنبال می‌کند تا مطلوبیت انتظاری خود را در مقابل بازیکن i یعنی EU_{ij}^j و مطلوبیت انتظاری بازیکن i در مقابل خودش یعنی EU_{ij}^j را ارزیابی کند. بازیکنان ارزش مطلوبیت انتظاری را به کار می‌گیرند و مطلوبیت انتظاری بازیکن مقابل را برآورد می‌کنند و تصمیم می‌گیرند چه رویکردی در تعامل با یکدیگر داشته باشند. مطلوبیت مورد انتظار بازیکن i برای چالش کردن با بازیکن z از طریق رابطه زیر محاسبه می‌شود.

$$E^i(U_{ij}) = S_j \left(P_i^i U_{si}^i + (1 - P_i^i) U_{fi}^i \right) + (1 - S_j) U_{si}^i - Q U_{sq}^i - (1 - Q) \left(T U_{bi}^i + (1 - T) U_{wi}^i \right) \quad (1)$$

در این رابطه:

S_j اهمیت موضوع برای بازیکن z ؛

P_i احتمال موفقیت برای بازیکن i ،

U_{si}^i احتمال موفقیت برای بازیکن i ،

U_{fi}^i مطلوبیت مورد انتظار از شکست برای بازیکن i ،

Q احتمال حفظ وضعیت جاری (برای سادگی $0/5$ در نظر گرفته می‌شود)،

U_{sq}^i مطلوبیت مورد انتظار بازیکن i از باقی ماندن در وضعیت جاری بدون چالش کردن،

T احتمال اینکه وضعیت برای بازیکن i بهبود پیدا کند وقتی با بازیکن z وارد چالش

نمی‌شود (برای سادگی $0/5$ در نظر گرفته می‌شود)،

U_{bi}^i مطلوبیت مورد انتظار در این موقعیت است اگر با چالش نکردن وضعیت او بهبود پیدا کند،

U_{wi}^i مطلوبیت مورد انتظار بازیکن i است در موقعیتی که بازیکن i با بازیکن z چالش

نمی‌کند و نتایج آن وضعیت بازیکن i را بدتر می‌کند.

رابطه (۱) از چهار دیدگاه مختلف برآورد می‌شود: الف) مطلوبیت مورد انتظار بازیکن i

برای چالش از دیدگاه i ، ب) مطلوبیت مورد انتظار z برای چالش i از دیدگاه z ، ج) مطلوبیت

مورد انتظار i برای چالش از دیدگاه z ، د) مطلوبیت مورد انتظار z برای چالش i از دیدگاه i . در

این رابطه برای سادگی مقدار Q معادل $0/5$ در نظر گرفته می‌شود.

مطلوبیت ذی نفع برای یک موقعیت از فاصله موقعیتی بازیکنان به دست می آید. موقعیت جاری بازیکن i ، x_{ai} پیامد ایدئال اوست که می تواند با یک موقعیت دیگر مانند x_{aj} مقایسه شود. مطلوبیت یک ذی نفع در موقعیت خود بالاترین میزان است و همچنان که از موقعیت جاری دور می شود، کاهش می یابد. تابع فاصله نیز به وسیله پارامتر ریسک شکل می گیرد. هر ذی نفع یک درجه تحمل ریسک دارد. شخصیت ریسک یک ذی نفع اطلاعات خصوصی هر بازیکن است، بنابراین برآورد یک ذی نفع از مشخصه ریسک ذی نفع دیگر ممکن است درست نباشد. مشخصه ریسک یک ذی نفع مختص هر موضوع، هر بازیکن و پیش بینی است (r_{ai}^*) . ارزش مطلوبیت ذی نفع i از موقعیت x_j در مورد موضوع (x_{aj}^*) است که با رابطه (۲) محاسبه می شود.

$$u_{ai}^*(x_{aj}) = 1 - |x_{ai} - x_{aj}| r_{ai}^* \quad (2)$$

در این موارد، وقتی بازیکنان تصمیم می گیرند که با یکدیگر درگیر شوند، انتظارات آنها از تعامل همسو نیستند؛ در این موارد، بازیکنان در فرایند چانه زنی برای دستیابی به موقعیت مورد نظر خود روی طیف خطی راهبردها و در تعامل با یکدیگر، ارزش های صحیح مطلوبیت مورد انتظار یکدیگر را فرامی گیرند. وقتی اطلاعات خصوصی وجود نداشته باشد، ارزش های ذهنی بازیکنان از مطلوبیت مورد انتظار بازیکن مقابل یکسان است.

عامل ریسک r_i^* مشخصه ریسک ذی نفع را معین می کند. موقعیت یک ذی نفع به عنوان تراز بین نتیجه مطلوب و اجتناب از منازعه است. این موقعیت با حداکثر حمایت نتیجه پیش بینی شده مدل مقایسه می شود. ذی نفعی که نزدیک به موقعیت حداکثر حمایت موقعیتی را اتخاذ کرده که احتمال اینکه در معرض حمله باشد کمترین است، با این فرض که موقعیت ایدئال او متفاوت از موقعیت مرکزی باشد و بنابراین ذی نفعی که این موقعیت را اتخاذ کرده، ریسک گریزتر از ذی نفعی است که از موقعیت مرکزی دورتر است.

ارزش مطلوبیت انتظاری، یک ارزیابی از درخت تصمیم است. ارزیابی ارزش های مطلوبیت انتظاری دو ذی نفع می تواند پیش بینی کننده مفیدی از تعامل های محتمل آنها

باشد. ذی نفع i تصمیم می‌گیرد که سیاست جاری را قبول یا رد کند. اگر ذی نفع i موقعیت جاری را بپذیرد، تصمیم او به عدم اقدام باعث می‌شود همان سیاست باقی بماند در این صورت ممکن است وضعیت او بدتر یا بهتر شود. اگر ذی نفع i روی وضعیت جاری وارد چالش شود، یک پیشنهاد به ذی نفع ارائه می‌کند، ذی نفع z می‌تواند پیشنهاد را بپذیرد یا رد کند. اگر پیشنهاد پذیرفته شود، هر دو ذی نفع موقعیت خود را با توجه به پیشنهاد جدید اتخاذ می‌کنند، اما اگر پیشنهاد رد شود، ذی نفع i و ذی نفع z باید تصمیم‌گیری کنند که آیا مجدداً وارد مذاکره شوند یا درگیری خصمانه‌ای را آغاز کنند. اگر هر یک از ذی نفعان انتخاب کنند که وارد درگیری خصمانه شوند، نتیجه به وسیله نفوذ نسبی آنها و حمایت همه ذی نفعان درگیر در موضوع تصمیم‌گیری خواهد شد.

درخت تصمیم دو ذی نفع به دلیل درگیر شدن سایر ذی نفعان در بازی پیچیده‌تر می‌شود. اگر ذی نفع z تصمیم بگیرد که پیشنهاد ذی نفع i را رد کند، ذی نفع دیگر، یعنی k ، باید تصمیم بگیرد که آیا وارد بازی شود یا از درگیری امتناع کند. اگر ذی نفع k وارد منازعه شود، باید تصمیم بگیرد که ذی نفع i را حمایت کند یا ذی نفع z را. هنگامی که ذی نفعان دیگر وارد بازی می‌شوند، احتمال برنده شدن یا بازنده شدن ذی نفع i و z براساس حمایت آنها تغییر می‌کند. ذی نفعان با رأی دهی موقعیت حداکثر حمایت را تعیین می‌کنند و این ابزاری است که توسط آن ذی نفعان وقتی با ذی نفعان دیگر وارد چالش می‌شوند، احتمال موفقیتشان را ارزیابی می‌کنند. در رویدادی که دو بازیکن با موقعیت‌های متفاوت وارد منازعه با یکدیگر می‌شوند، هر بازیکن انتظار حمایت از بازیکنان دیگر به نسبت رأی‌هایی که آنها به او داده‌اند را دارد. در این صورت احتمال اینکه موقعیت i در مقابل موقعیت z برنده باشد، را می‌توان با کل آرای داده شده برای i در مقابل z تقسیم بر تعداد کل آرای داده شده بین i و z بیان کرد (Jesse, 2011).

$$p_{ij}^* = \frac{\sum_k |u_k^*(x_i) > u_k^*(x_j)| v_k^*(x_i, x_j)}{\sum_k |v_k^*(x_i, x_j)|} \quad (3)$$

کل حمایت از یک موقعیت، مجموع رأی‌های داده شده به موقعیت x_j در مقابل x_k با رابطه (۴) محاسبه می‌شود.

$$v^*(x_j, x_k) = \sum_{i=1}^n v_i^*(x_j, x_k) \quad (۴)$$

اگر کل حمایت برای موقعیت j در رقابت در مقابل موقعیت k بزرگتر از صفر باشد، $v(x_j, x_k) > 0$ ، آنگاه موقعیت j بر موقعیت k غالب می‌شود، درحالی‌که اگر معکوس آن صحیح باشد، گزینه j در مقابل گزینه k شکست می‌خورد.

۳-۲. انتخاب عمومی

کل حمایت از یک موقعیت تعیین می‌کند که یک موقعیت بر موقعیت دیگر برتری دارد یا خیر. یک موقعیت با حمایت بیشتر بر موقعیت دیگر که حمایت کمتری را به دنبال دارد، غالب می‌شود. موقعیت مرکزی را با یافتن موقعیتی که بیشترین حمایت را به دست می‌آورد، می‌توان شناسایی کرد. این حمایت که توسط ذی‌نفعان مختلف انجام می‌شود، با عنوان رأی به آن موقعیت در نظر گرفته می‌شود. رأی ذی‌نفع i برای موقعیت j وقتی با موقعیت k مقایسه شود، توسط رابطه (۵) تعیین می‌شود.

$$v_i^*(x_j, x_k) = (c_i)(s_i)(u_i^*(x_j) - u_i^*(x_k)) \quad (۵)$$

x_i قابلیت‌های ذی‌نفع i را برای موضوع مورد مناقشه تعیین می‌کند. یک ذی‌نفع بعید است که تمام قابلیت‌های خود را (منابع در اختیار) صرف یک موضوع کند. از این رو S_i اهمیت یک موضوع را برای ذی‌نفع i تعیین می‌کند و حاصلضرب این دو پارامتر قابلیت به‌کار گرفته شده برای موضوع مورد نظر را نشان می‌دهد. $u_i^*(x_j)$ مطلوبیت ذی‌نفع i ناشی از دستیابی احتمالی به موقعیت j است و $u_i^*(x_k)$ مطلوبیت ذی‌نفع i ناشی از دستیابی احتمالی به موقعیت k است. وقتی یک ذی‌نفع مطلوبیت بیشتری را در دستیابی به موقعیت k در مقابل موقعیت j به دست آورد، این ذی‌نفع از موقعیت x_k حمایت می‌کند. در این صورت از موقعیت x_j حمایت نمی‌کند. کل حمایت از یک موقعیت مجموع رأی‌های داده شده از سوی همه ذی‌نفعان به موقعیت x_j وقتی در مقابل x_k است. ذی‌نفعان با رأی دهی، موقعیت دارای حداکثر حمایت را تعیین می‌کنند، همچنین

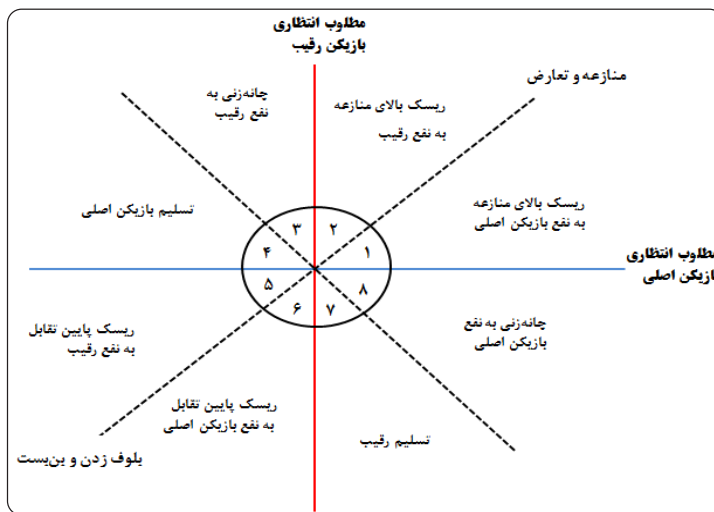
موقعیت دارای حداکثر حمایت ایزاری است که توسط آن ذی‌نفعان احتمال موفقیتشان را - به هنگام چالش با دیگر ذی‌نفعان - ارزیابی می‌کنند. در این صورت احتمال اینکه موقعیت i موقعیت z را ببرد، را می‌توان با کل آرای داده شده برای i در مقابل z تقسیم بر تعداد کل آرای داده شده بین i و z بیان کرد (رابطه ۳).

۴-۲. ارزیابی مطلوبیت مورد انتظار راهبردهای بازی

یک نگاهت گرافیکی از ارزش‌های مطلوبیت انتظاری در فضای دستگاه مختصات دکارتی یک ابزار بصری برای تعاملات احتمالی ذی‌نفعان را ایجاد می‌کند (شکل ۱). در شکل ۱، ذی‌نفع i ذی‌نفع اصلی است و ذی‌نفع z ذی‌نفع رقیب است. وقتی هر دو ذی‌نفع مطلوبیت انتظاری مثبت از چالش، روی سیاست جاری را داشته باشند، آنها در یک هشتم ۱ و ۲ قرار می‌گیرند و انتظار می‌رود تقابل ایجاد شود. در یک هشتم ۱ و ۲ ذی‌نفع با ارزش انتظاری بالاتر علاقه‌مند به این منازعه است، اما اگر هر دو طرف ارزش انتظاری یکسانی داشته باشند، هیچ‌یک مزیتی ندارند. وقتی که ذی‌نفع اصلی ارزش انتظاری مثبت داشته باشد، در حالی که ارزش انتظاری ذی‌نفع رقیب منفی باشد، ذی‌نفعان در منطقه یک هشتم ۷ و ۸ قرار می‌گیرند. در یک هشتم ۷ یا ۸ اقدامات ذی‌نفع اصلی بستگی به تفاوت نسبی بین مقدار مطلق ارزش مطلوبیت انتظاری دو ذی‌نفع دارد. وقتی در یک هشتم شماره ۸ ذی‌نفع اصلی بیشتر از آنچه ذی‌نفع رقیب از دست می‌دهد، منفعت کسب می‌کند، رقیب قادر به چانه‌زنی است. در یک هشتم شماره ۷ بازیکن رقیب بیشتر زیان می‌کند نسبت به آنچه بازیکن اصلی سود می‌کند، بنابراین، بازیکن رقیب تسلیم تقاضای بازیکن اصلی می‌شود. وقتی که میزان مطلوبیت منفی بازیکن رقیب با مطلوبیت مثبت بازیکن اصلی معادل باشند، موقعیت چانه‌زنی رقیب بسیار ضعیف است یا معادل با تسلیم است. وقتی هر دو ذی‌نفع مطلوبیت انتظاری منفی داشته باشند، یعنی در یک هشتم ۵ و ۶ باشند، ذی‌نفعان بلوف خواهند زد و کمتر احتمال تقابل وجود خواهد داشت. حالت آخر در یک هشتم ۳ و ۴ اتفاق می‌افتد که ذی‌نفع رقیب مطلوبیت انتظاری مثبت داشته باشد، در حالی که مطلوبیت انتظاری ذی‌نفع اصلی منفی است. در اینجا ذی‌نفع اصلی بسته به

تفاوت نسبی بین زبان‌های مورد انتظار و سودهای مورد انتظار چانه‌زنی خواهد کرد یا تسلیم خواهد شد.

شکل ۱. سناریوهای تعامل در مدل مطلوبیت انتظاری



Source: Mesquita, 2011.

بازیکنان به دنبال حداکثر کردن مطلوبیت خود هستند و اقدامات خود را تعیین می‌کنند. یک وضعیت با x نشان داده می‌شود که اندیس آن نشان‌دهنده موقعیت بازیکنان است. x_i ، موقعیت i امین بازیکن را نشان می‌دهد.

بازیکنان ارزش تصمیمات سایر بازیکنان را برآورد می‌کنند تا اقدامات آنها را پیش‌بینی کنند و تصمیم بگیرند که چه رویکردی نسبت به موضع بازیکنان داشته باشند. مطلوبیت یک ارزش است که توسط بازیکنان تعیین می‌شود، در نتیجه برآورد یک بازیکن از مطلوبیت مورد انتظار بازیکنان دیگر می‌تواند با خطا همراه باشد. برآوردی که بازیکن i از مطلوبیت فرد j دارد، ممکن است با برآوردی که بازیکن j از مطلوبیت خود دارد، متفاوت باشد.

برآورد مطلوبیت مورد انتظار بازیکن i با توجه به دیگر بازیکنان، ارزش مورد انتظار بازیکن از درگیر شدن با ذی‌نفعان است. درک بازیکن i از مطلوبیت مورد انتظار بازیکن j یک

برآورد است. اقدامات اولیه بازیکن i در مقابل بازیکن j به وسیله دیدگاه او هدایت می‌شود که مبتنی بر ارزش مطلوبیت مورد انتظار خود و برآورد ارزش مطلوبیت مورد انتظار بازیکن j است. در بعضی موارد، وقتی بازیکنان تصمیم می‌گیرند که با یکدیگر درگیر شوند، انتظارات آنها از تعامل همسو نیست؛ در این موارد، بازیکنان در فرایند چانه‌زنی برای دستیابی به موقعیت مورد نظر خود روی طیف خطی راهبردها و در تعامل با یکدیگر، ارزش‌های صحیح مطلوبیت مورد انتظار یکدیگر را فرامی‌گیرند. وقتی اطلاعات خصوصی وجود نداشته باشد، ارزش‌های ذهنی بازیکنان از مطلوبیت مورد انتظار بازیکن مقابل یکسان است.

۵-۲. الگوریتم و منطق بازی تحریم آمریکا علیه ایران

براساس مطالعه راهبردهای ایران و آمریکا طیف منازعه تعیین و به‌عنوان راهبردهای بازی تحریم در نظر گرفته شده است. با این توضیحات پیش‌ازارائه و تحلیل نتایج بازی، الگوریتم و منطق بازی تحریم ایران و آمریکا را به بیان ساده می‌توان به شرح زیر ارائه کرد. مفاهیم ارائه شده در مراحل زیر در بخش‌های قبلی به زبان ریاضی مطرح شده است.

۱. بازیکنان مؤثر در بازی و موقعیت هر بازیکن روی طیف سیاستی در موقعیت اولیه توسط خبرگان تعیین می‌شود.

۲. با استفاده از موقعیت و دو پارامتر توانایی هر بازیکن و اولویت موضوع برای هر بازیکن که براساس دیدگاه خبرگان ارزیابی می‌شود، موقعیت حداکثر حمایت و ریسک بازیکن تعیین می‌شود که متمایزکننده بازیکنان از یکدیگر است.

۳. بازیکنان با چهار متغیر از هم متمایز می‌شوند که عبارتند از: موقعیت اولیه روی طیف سیاستی، تأثیرگذاری آنها بر موضوع مورد بحث (توانایی یا قابلیت‌ها)، اولویت موضوع برای هر بازیکن و ریسک. این متغیرها دامنه‌های حدی پایین و بالای ویژگی هر بازیکن را تعیین می‌کنند. عبور از دامنه‌های حدی دامنه‌های رفتارهای غیرمنطقی را مشخص می‌کنند.

۴. با استفاده از قضیه بیز احتمال واکنش هر بازیکن با توجه به احتمالات واکنش‌های سایر بازیکنان تعیین می‌شود.

۵. با تعیین احتمالات، مطلوبیت مورد انتظار هر بازیکن تعیین می‌شود.

۶. بازیکن i اقدام a_i را از مجموعه اقدامات امکان پذیر A_i انتخاب می کند.

۷. بازیکن j (بازیکنان $(-i)$) را ملاحظه می کند و سپس اقدام a_j (یا a_{-j}) را در واکنش به a_i انتخاب می کند.

۸. در انتخاب a_j ، بازیکن j به شیوه رقابت «ملکه زیبایی»^۱ کینز موقعیت خود را انتخاب می کند.

۹. یکی از مؤلفه های مهم تعیین دامنه های حدی انتخاب اقدام هر بازیکن مفهوم موقعیت حداکثر حمایت است که نشان دهنده بیشترین رأیی است که بازیکنان در هر مرحله از بازی به یک موقعیت اختصاص می دهند. بازیکنان با توجه به موقعیت حداکثر حمایت (رقابت ملکه های زیبایی) واکنش نشان می دهند و گزینه خود را از مجموعه راهبردها انتخاب می کنند.

۱۰. تعیین موقعیت حداکثر حمایت، با استفاده از روش های مختلف رأی دهی^۲ و رویکرد انتخاب عمومی^۳ انجام می شود.

۱۱. هر مرحله از بازی با انتخاب اقدام a_i و واکنش های a_{-i} توسط بازیکنان دیگر انجام می شود و مرحله بعدی از اقدام بعدی بازیکن i به اقدامات a_{-i} صورت می گیرد.

۱۲. مراحل بازی به دفعات انجام می شود تا زمانی که انتخاب های بعدی تغییری در موقعیت بازیکنان ایجاد نکند. این موقعیت، موقعیت تعادل بازی است.

۱۳. تعادل این بازی تعادل بیزی کامل^۴ است و مراحل دوازده گانه فوق به صورت سیال و پویا روی می دهد.

بازی های تجربی رفتاری^۵، شامل استدلال تکرارکننده^۶ است. از میان چنین بازی هایی، یکی از مشهورترین آنها بازی مسابقه ملکه زیبایی جان مینارد کینز است. این بازی موسوم به بازی حدس زدن ذهن^۷ دیگران نیز هست. بازی مسابقه ملکه زیبایی^۸ یک بازی با چندین بازیکن و چندین مرحله است (Keynes, 1936: 156).

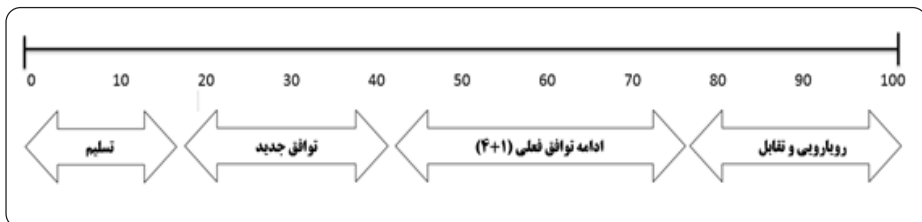
-
1. Beauty Contest
 2. Voting
 3. Public Choice
 4. Bayesian Perfect Equilibrium
 5. Behavioral Experimental Games
 6. Iterative Reasoning
 7. Out-guessing Game
 8. Beauty Contest Game

۳. راهبردهای بازی ایران و آمریکا

مشارکت‌کنندگان در تحریم دیدگاه‌های مختلفی در مورد راه حل ایدئال مسئله دارند. اما جمع‌آوری گزینه‌های مختلف ذی‌نفعان در این زمینه، طیفی از نتایج احتمالی را ایجاد می‌کند، طیفی که تنها یک نتیجه راه حل نهایی آن می‌تواند باشد. با دانستن دامنه وسیعی از گزینه‌های پشتیبانی شده در موضوع، طیف موقعیتی می‌تواند شکل بگیرد. یک طیف سیاستی با در نظر گرفتن طیف وسیعی از موقعیت‌های مورد نظر ذی‌نفعان و مرتب کردن آنها بین مقادیر حدی ایجاد می‌شود و ابزاری برای اندازه‌گیری و تحلیل موقعیت‌های مختلف ذی‌نفعان را فراهم می‌کند.

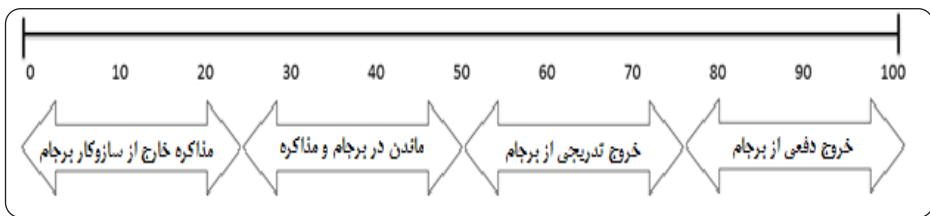
پس از خروج ایالات متحده آمریکا از برجام در اردیبهشت ۱۳۹۷، رئیس‌جمهور آمریکا ترامپ براساس راهبردهای «ایجاد یک توافق جدید» یا «تقابل» می‌خواهد فشار حداکثری بر ایران وارد کند. «توافق» مبنی بر این است که به زعم آمریکا ایران خود دست به تغییراتی در راستای دستیابی به شروط دوازده‌گانه مایک پمپئو بزند. اما راهبرد دیگر ترامپ «تقابل» است که برای پیشبرد آن ابزارهای متفاوتی از جمله انزوای دیپلماتیک، ائتلاف‌سازی سیاسی، شکاف‌های قومی، طبقاتی و مذهبی، تحریم و جنگ در اختیار دارد. اگرچه مقامات آمریکایی نسبت به اقدامات برخی از اعضای کابینه ترامپ مبنی بر تلاش برای جنگ افروزی و ایده‌های افراطی هشدار داده و ابزار نگرانی کرده‌اند، اما برای دستیابی به نتیجه احتمالی این بازی نقش سایر بازیکنان باید در نظر گرفته شود. در مراحل نخست این مطالعه که به اوایل خروج ترامپ از برجام باز می‌گردد، طیف راهبردهای محتمل در این بازی به صورت شکل ۲ نشان داده شده است.

شکل ۲. طیف راهبردهای بازی تحریم و ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۱۸



اما پس از گذشت قریب به یک سال از خروج ایالات متحده از برجام و موضع‌گیری و چانه‌زنی بازیکنان در این بازی، طیف راهبردی بازی مورد بازنگری قرار گرفت. در حال حاضر بررسی رفتار و جهت‌گیری‌های بازیکنان نشان می‌دهد راهبردهای ماندن در برجام، مذاکره در چارچوب برجام و خروج از برجام به صورت دفعی یا تدریجی از راهبردهای دیگری است که از سوی دیگر بازیکنان مطرح می‌شود. در این میان بازیکنان اروپایی معتقدند بقای برجام عاقلانه‌تر از فنای آن است و در این چارچوب گروهی خواستار تجدیدنظر آمریکا و گروهی خواهان مذاکره در چارچوب برجام هستند. زیرا معتقدند خروج آمریکا از برجام نه تنها قید الزام‌آوری برای پایبندی به تعهدات نیست، بلکه اعتبار دیپلماسی چندجانبه را نیز مخدوش می‌کند. از سوی دیگر بازیکنان داخلی به دلیل اعمال تحریم‌های آمریکا و فشارهای اقتصادی ناشی از آن ادامه روند فعلی را مطلوب ندانسته و خروج تدریجی یا دفعی از برجام را برای ضربه زدن به منافع آمریکا و متحدانش در منطقه پیشنهاد می‌کنند. با توجه به توضیحات فوق، شکل ۳ طیف سیاستی حمایت شده توسط بازیکنان را بر موضوع مناقشه نشان می‌دهد که از یک سو راهبرد مذاکره خارج از سازوکار برجام و از سوی دیگر خروج دفعی را نشان می‌دهد.

شکل ۳. طیف راهبردهای بازی تحریم و ایالات متحده آمریکا (در سال ۲۰۱۹)



مأخذ: همان.

در ادامه براساس مدل چانه‌زنی مبتنی بر مطلوبیت مورد انتظار در بازی تحریم‌ها و راهبردهای تبیین شده توسط بازیکنان به پیش‌بینی موقعیت بازیکنان با استفاده از سیستم‌های مبتنی بر عامل و هوش مصنوعی پرداخته می‌شود.

۴. اجرای مدل و تجزیه و تحلیل نتایج

۴-۱. فرایند استخراج داده‌ها، اجرای مدل و تحلیل نتایج

استفاده از دانش و دیدگاه‌های تخصصی مجموعه‌ای از خبرگان در تصمیم‌گیری در خصوص مسائلی که ماهیت کیفی دارند، بسیار راهگشاست. مدل پیش‌گفته به کیفیت اطلاعات مورد استفاده بستگی دارد. داده‌هایی که به رأی دادن و مدل‌های مورد انتظار می‌پردازند، نیازمند قضاوت کارشناسان و خبرگان موضوع^۱ هستند. در اصل سازوکار دقیقی برای شناسایی تعداد افراد حاضر در گروه کارشناسان برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز وجود ندارد (Williams and Webb, 1994). اگرچه در مورد ترکیب و حجم پنل روش دلفی اختلاف نظر وجود دارد اما می‌توان یک الگوی قالب را تشخیص داد. توصیه می‌شود که از گروهی از افراد با تخصص‌های متعدد استفاده شود و گروه‌های نامتجانس بهتر از گروه متجانس است (Powell, 2003; Somerville, 2008). گروهی از پژوهشگران معتقدند که هرچه تعداد شرکت‌کنندگان بیشتر باشد، بهتر است. از نظر آنها همین که تعداد قضاوت‌کنندگان افزایش یابد روایی قضاوت افزایش می‌یابد، اما گروهی معتقدند که شواهد تجربی بسیار کمی از تأثیر تعداد شرکت‌کنندگان بر روایی و اعتبار فرایند اجماع وجود دارد و قرار نیست که گروه‌های تخصصی دلفی معرف جامعه آماری باشند. به نظر می‌رسد که معرف جامعه بودن براساس کیفیت گروه متخصصان بیان می‌شود نه برحسب تعداد آنها (Murphy, 1998).

مدل این مطالعه، مدل مذاکره در یک تصمیم‌گیری چندجانبه است و برای تصمیم‌گیری‌های مهم از جمله تحریم‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. به منظور اجرای مدل، داده‌های مورد نیاز در مرداد ماه ۱۳۹۷ براساس روش دلفی تهیه و اجرای مدل، شبیه‌سازی و پیش‌بینی رفتار بازیکنان در فضای تحریم انجام شد. اما با توجه به گذشت زمان، تحولات اتفاق افتاده در فضای بین‌الملل، تغییر رفتار برخی از بازیکنان و ورود بازیکنان جدید به این فضای تصمیم‌گیری چندجانبه و همچنین با توجه به حساسیت این موضوع برای نظام تصمیم‌گیری کشور، جمع‌آوری داده‌ها مجدداً در خرداد ماه ۱۳۹۸ انجام و اجرای مدل، شبیه‌سازی و پیش‌بینی رفتار بازیکنان با داده‌های به روز شده انجام شد. همچنین در این مرحله از جمع‌آوری داده و اجرای مدل، با توجه

به روش پیشنهادی مسکیتا جمع‌آوری داده‌ها براساس نظر جمعی خبرگان منتخب انجام شد. از این رو به منظور جمع‌آوری داده‌ها، گروهی از خبرگان و متخصصان در حوزه مطالعات خاورمیانه و ایران و آمریکا انتخاب شدند. این گروه از خبرگان ابتدا به تعیین بازیکنان کلیدی مؤثر در بازی تحریم‌های ایران پرداخته و سپس پارامترهای مدل را که شامل موقعیت حمایت شده توسط ذی‌نفعان، توانمندی‌ها و اهمیت موضوع برای آنهاست را به‌طور جمعی تعیین کردند.

فهرست احصا شده از بازیکنان مؤثر در این بازی که براساس دیدگاه جمعی خبرگان به‌دست آمده، به شرح جدول ۱ است که با نمادهای مشخص شده ارائه می‌شود. در اینجا فرض بر این است که نیروهای نظامی و امنیتی براساس رهنمودها و نقطه نظرات رهبری موقعیت خود را اتخاذ و منعکس می‌کند. همچنین نتایج به‌دست آمده موقعیت حمایت شده توسط ذی‌نفعان، توانمندی‌ها و اهمیت موضوع برای آنها در نمودارهای ۱ تا ۳ ارائه شده است.

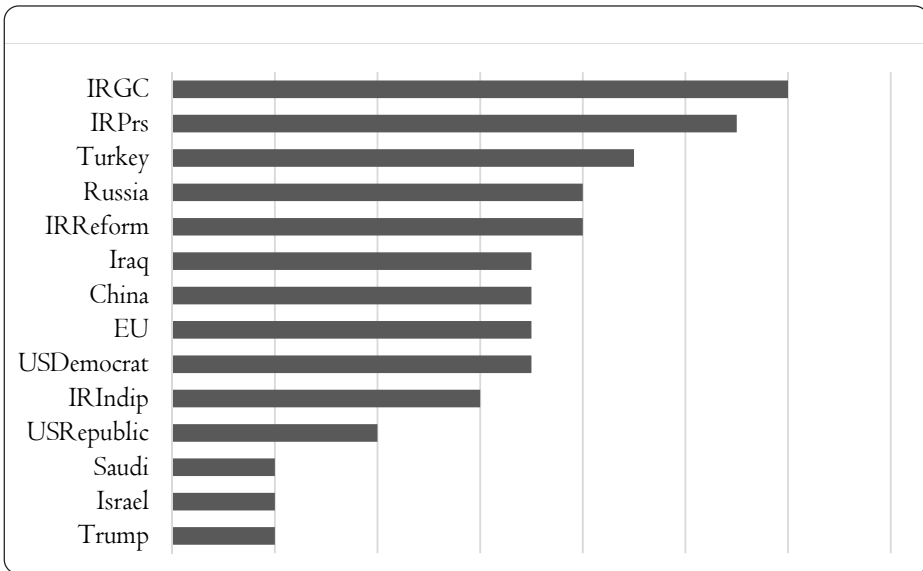
جدول ۱. بازیکنان مؤثر بر بازی تحریم ایالات متحده آمریکا علیه ایران

نماد	بازیکن	گروه
IRGC	نهادهای نظامی و امنیتی	بازیکنان داخلی مؤثر بر بازی تحریم‌ها
IR Prs	دولت و رئیس‌جمهور	
IR Reform	اصلاح‌طلبان	
IRIndip	گروه‌های مستقل	
Trump	رئیس‌جمهور آمریکا و متحدانش	بازیکنان مؤثر ایالات متحده آمریکا بر بازی تحریم‌ها
US Democrat	حزب دمکرات آمریکا	
US Republic	حزب جمهوری خواه آمریکا	
Russia	روسیه	سایر بازیکنان بین‌المللی مؤثر بر بازی تحریم‌ها
China	چین	
Turkey	ترکیه	
Israel	رژیم صهیونیستی	
Saudi	عربستان سعودی	
EU	اتحادیه اروپا	
Iraq	عراق	

- رتبه‌بندی عامل‌ها براساس موقعیت ترجیحی راهبرد اتخاذ شده

هر یک از بازیکنان با توجه به ترجیحات خود از یک نقطه روی این طیف حمایت می‌کنند. طیف راهبردی بازی شامل مذاکره خارج از سازوکار برجام، ماندن در برجام و مذاکره در چارچوب برجام، خروج تدریجی از برجام و خروج دفعی از برجام. نزدیک‌تر شدن به دوسر حدی طیف بیانگر موقعیت‌های حدی این بازی است که از توافق یا سازش آغاز و تا رویارویی و تقابل ادامه می‌یابد. نمودار ذیل نشان‌دهنده عدم توافق‌های اولیه در میان بازیکنان برای موضوع مورد مناقشه است.

نمودار ۱. موقعیت بازیکنان روی طیف راهبردی بازی



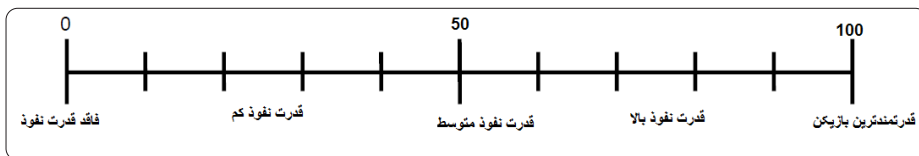
مأخذ: یافته‌های تحقیق.

- رتبه‌بندی عامل‌ها براساس ویژگی توانایی

یک شاخص اساسی برای اینکه عاملی بتواند ترجیحات سیاستی خود را به حقیقت تبدیل کند این است که از توانمندی کافی برای تغییر نتیجه بازی برخوردار باشد. توانایی‌ها به‌عنوان آن

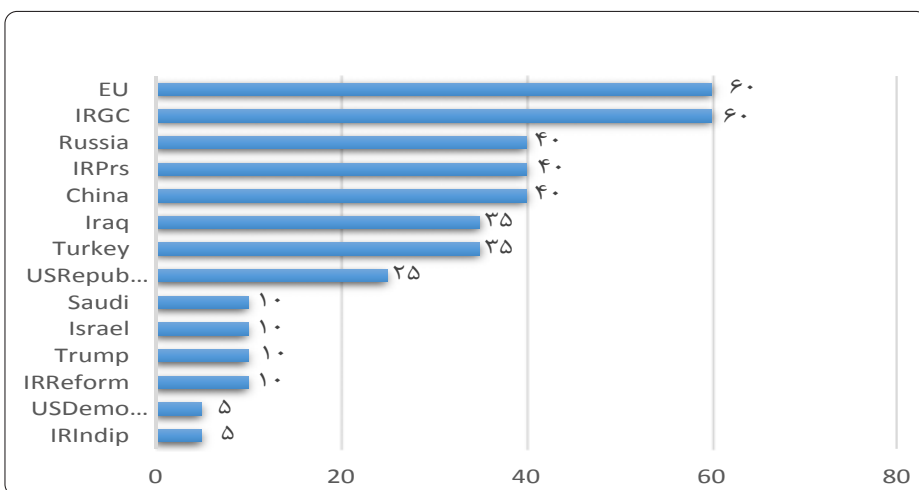
دسته از ویژگی‌های اقتصادی، اطلاعاتی، نظامی و شهرت و اعتبار بین‌المللی تفسیر می‌شوند که می‌خواهند برای تأثیرگذاری بر نتیجه بازی از سوی هر عامل (بازیکن) به‌کار گرفته شوند. بنابراین جزء اساسی در تخصیص توانایی‌ها این است که اولویت موضوع بازی برای هر عامل چقدر باشد؛ در این صورت بازیکنی که بیشترین اولویت را برای موضوع مورد مناقشه قائل است، توانایی بیشتری را به‌کار می‌گیرد. قدرت نفوذ کشورها را بر روی موضوع مناقشه از فاقد قدرت نفوذ (صفر) به قدرتمندترین بازیکن (۱۰۰) تعیین می‌شود. تعیین قدرت نفوذ یک بازیکن برای اثرگذاری بر موضوع مورد مناقشه باید به‌عنوان یک مرحله اساسی در تحلیل بازی در نظر گرفته شود.

شکل ۴. توانایی بازیکن



Source: Mesquita, 2011.

نمودار ۲. رتبه‌بندی توانایی بازیکنان برای اثرگذاری بر موضوع



مأخذ: همان.

- رتبه‌بندی عامل‌ها براساس اولویت موضوع برای آنها

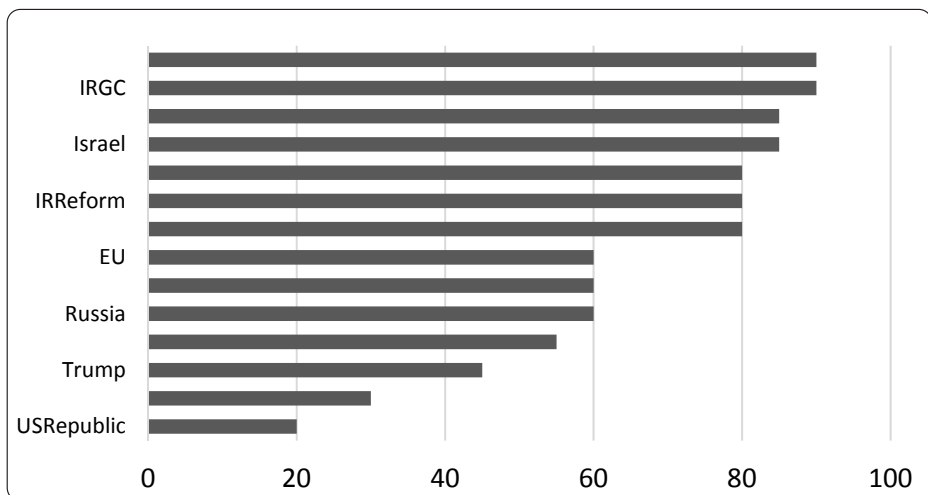
همه عامل‌ها سطح مشخصی از اهمیت را برای موضوع سیاستی مورد بحث در نظر می‌گیرند. این متغیر منعکس‌کننده درصدی از کل توانایی‌های یک عامل است که برای اثرگذاری بر نتیجه موضوع به کار می‌گیرد. اهمیت موضوع برای هر بازیکن بین صفر تا ۱۰۰ رتبه‌بندی می‌شود. هرچه درجه اهمیت موضوع برای بازیکن بیشتر باشد، این شاخص به ۱۰۰ نزدیک تر خواهد بود و هرچه اهمیت موضوع برای بازیکن کمتر باشد، این شاخص به صفر نزدیک می‌شود. شکل ۵ نشان‌دهنده اهمیت موضوع برای بازیکنان است که به عنوان یک مشخصه دیگر از بازیکنان این بازی ارائه می‌شود.

شکل ۵. طیف اولویت موضوع بازیکنان



Source: Ibid.

نمودار ۳. اهمیت موضوع مناقشه برای بازیکنان



مأخذ: همان.

۵. نتایج اجرای مدل

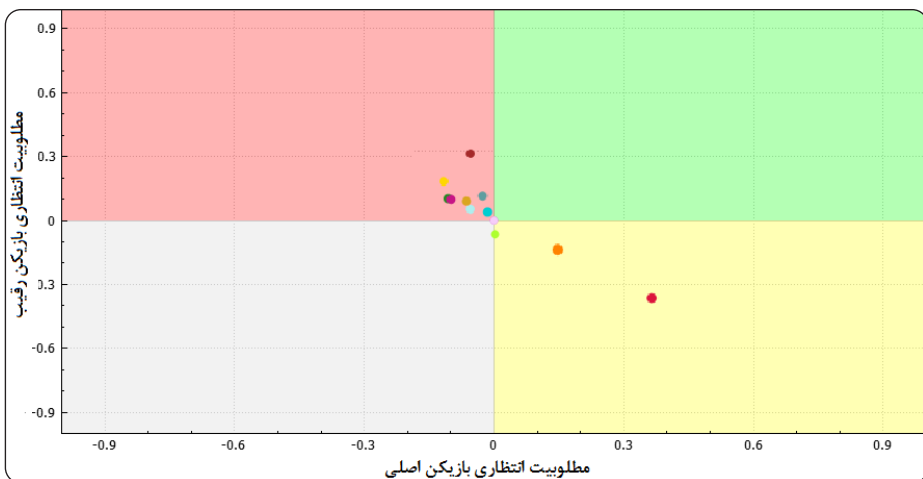
اساساً مدل مطلوبیت انتظاری مبتنی بر نظریه بازی و شبیه‌سازی هوش مصنوعی این امکان را برای تحلیلگر فراهم می‌کند که انگاره‌های درون اختلال‌های ایجاد شده در درون بازی را تشخیص دهد و براساس آن پیش‌بینی‌های قابل اتکا که از تصمیمات اقتصادی سیاسی ناشی می‌شوند، ارائه کند. گام اول اجرای مدل، تعریف راهبردهای بازی و بازیکنان مؤثر بر بازی است. گام دوم تعیین پارامترهای ورودی یا نهاده‌های مدل است. فرایند بازی چانه‌زنی مبتنی بر سه پارامتر موضع بازیکن روی طیف راهبردی بازی، قدرت نفوذ هر بازیکن روی موضوع و اهمیت موضوع برای هر بازیکن یا عامل استوار است. این سه پارامتر در توابع مطلوبیت بازیکنان به عنوان نهاده وارد مدل می‌شود و فرایند چانه‌زنی براساس ارزیابی مطلوبیت انتظاری بازیکنان انجام می‌شود. در فرایند تصمیم‌گیری، بازیکنان تلاش می‌کنند تا از طریق متقاعد کردن بازیکنان دیگر برای تغییر موضع روی طیف راهبردی و نیز تشکیل ائتلاف‌ها مطلوبیت مورد انتظار خود را حداکثر کنند. از آنجاکه انتخاب‌های هر بازیکن در مدل مورد بحث این مطالعه، انواع راهبردها را برای بازیکنان دیگر در نظر می‌گیرد و احتمال وقوع آنها را تعیین و سپس بهترین راهبرد خود را در پاسخ به انتخاب‌های احتمالی سایر بازیکنان انتخاب می‌کند، تعادل این بازی تعادل بی‌زی است. در بازی تحریم ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران مشارکت در مذاکرات برجام با کشورهای ۱+۵ نشان دهنده این بود که ایران انتظار داشته است نتیجه مذاکرات، مطلوبیت ذخیره ایران را تأمین می‌کند. هم‌زمان تصور ایران این بوده است که با رفتار صادقانه خود پاداش مورد انتظار خود را حداکثر کند که تأمین قید سازواری انگیزه‌ای است. در صورتی که پاداش مورد انتظار ایران در صورت پایبندی به تعهدات خود حداکثر نشود، قید سازواری انگیزه‌ای نقض و تعهدی از سوی ایران برای ادامه این قرارداد وجود نخواهد داشت.

نتایج اجرای مدل، رفتار بازیکنان و تغییر جهت آنها را در این بازی نشان می‌دهد. با توجه به موقعیت اولیه بازیکنان بر روی طیف راهبردهای محتمل در این بازی (که براساس نظرهای خبرگان تعیین شد)، بازیکنان وارد چانه‌زنی با یکدیگر می‌شوند. در هر دور بازی بازیکنان بر حسب موقعیتی که نسبت به بازیکنان دیگر دارند، پیشنهادهایی ارائه می‌کنند. منظور از پیشنهاد هرگونه تغییر موقعیت بر روی طیف راهبردی بازی است. به بیان ساده می‌توان گفت هر بازیکن تلاش می‌کند با ابزارهای امکان‌پذیر در فضای مذاکره، بازیکن دیگر را متقاعد کند تا جهت‌گیری مشابه او داشته باشد تا به این ترتیب بتواند او را به موضع خود نزدیک کند و ائتلاف‌هایی را تشکیل دهد. در فرایند بازی پویا هر بازیکن با مجموعه‌ای

از پیشنهادها از سوی بازیکنان مختلف مواجه می‌شود. بازیکنان با ارزیابی مطلوبیت انتظاری این پیشنهادات تصمیم می‌گیرند که کدام موقعیت منافع آنها را تأمین می‌کند. بازیکنان پیشنهادهایی را ارائه می‌کنند که احتمالاً از دیدگاه آنها به منافع و چشم انداز مورد نظر خود نزدیک تر است.

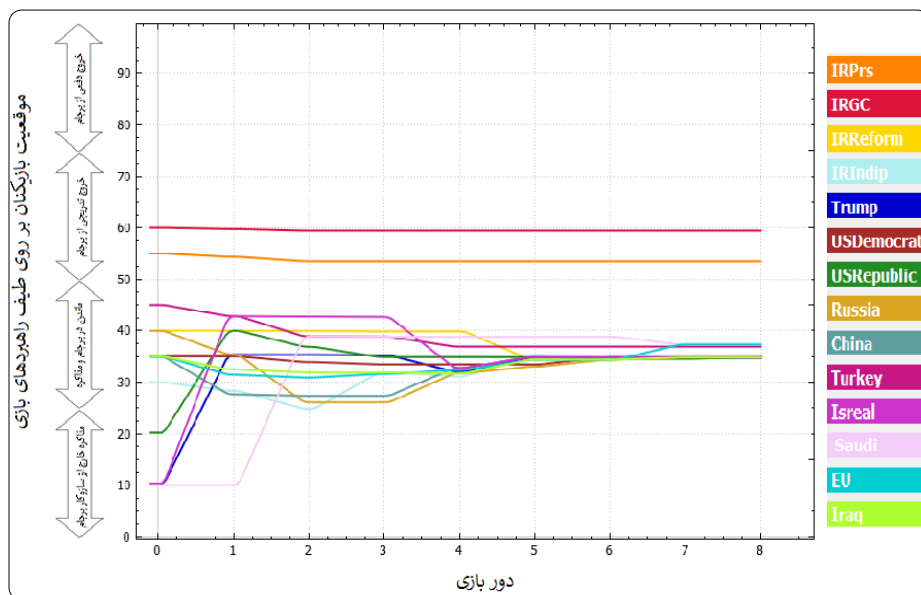
شکل ۱ نشان دهنده موقعیت اولیه بازیکنان در مقابل چالش‌گر اصلی است. همان‌طور که توضیح داده شد ارزش مطلوبیت انتظاری دو بازیکن می‌تواند پیش‌بینی‌کننده خوبی برای تعامل‌های آنها باشد. نمودار ۴، نداشت گرافیکی ارزش‌های مطلوبیت انتظاری بازیکنان است که نشان می‌دهد اغلب بازیکنان در موقعیت چانه‌زنی به نفع بازیکن رقیب (ترامپ) توزیع شده‌اند و دو بازیکن داخلی کشور در موقعیت چانه‌زنی به نفع بازیکن اصلی و به زیان بازیکن رقیب قرار دارند. همان‌طور که در قسمت‌های قبل عنوان شد، در فضای تسلیم، میزان مطلوبیت انتظاری منفی بازیکن از چالش بسیار بالا و موقعیت چانه‌زنی او بسیار ضعیف است و از این‌رو از پذیرش پیشنهاد و تسلیم ناگزیر است. نکته مهم نمودار این است که بازیکنان در فضای تسلیم نسبت به چالش‌گر اصلی که ترامپ است قرار ندارند. حضور برخی بازیکنان داخلی در منطقه چانه‌زنی به نفع بازیکن بازیکن اصلی را می‌توان به عنوان یک تهدید معتبر برای بازیکن چالش‌کننده در نظر گرفت.

نمودار ۴. موقعیت بازیکنان بر روی نقشه هشت‌قسمتی در دور صفر بازی



نمودار ۵ فرایند چانه‌زنی بازیکنان و تغییر موقعیت آنها را روی طیف راهبردی بازی تعیین می‌کند. محور عمودی نشان‌دهنده طیف راهبردی بازی و نقطه شروع هر بازیکن موقعیت اولیه بازیکن است که توسط خبرگان تعیین شده است. تغییر جهت در موقعیت بازیکنان نتیجه ارزیابی مطلوبیت مورد انتظار آنها از موقعیت جدیدی است که در آن قرار گرفته‌اند و مقایسه با موقعیتی است که حداکثر حمایت را از سوی بازیکنان به خود اختصاص داده است.

نمودار ۵. پیش‌بینی رفتار بازیکنان در بازی پویا



مأخذ: همان.

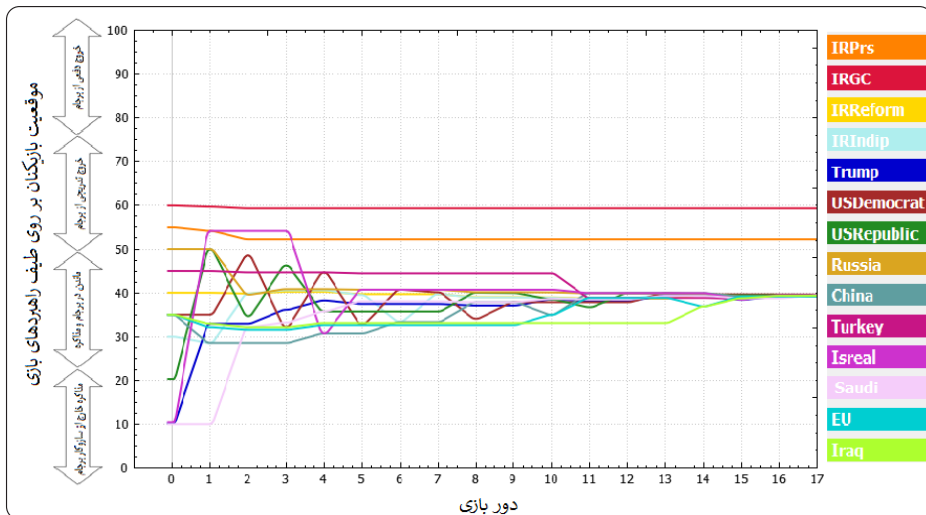
هر یک از خطوط نمودار ۵ نشان‌دهنده رفتار یک بازیکن در دوره‌های مختلف بازی است. به طور مثال بازیکنی که در ابتدای بازی با رنگ آبی پررنگ مشاهده می‌شود، ترامپ است که در ابتدای بازی در موقعیت ۱۰ بر روی طیف سیاستی (حد پایین بخش مذاکره خارج از چارچوب برجام) قرار دارد، اما پس از یک دور بازی موقعیت

خود را به ۳۵ (حد پایین بخش مذاکره در چارچوب برجام) تغییر می‌دهد و پس از تغییر دیگری در دوره‌های چهارم و پنجم بازی، در نهایت به سوی موقعیت اتخاذ شده توسط سایر بازیکنان همگرا شده و در موقعیت ۴۷ قرار می‌گیرد. نکته حائز اهمیت در تحلیل رفتار بازیکنان، شباهت رفتاری برخی بازیکنان با یکدیگر است که در این بازی رفتار ترامپ، جمهوری خواهان آمریکایی، عربستان و اسرائیل رفتار مشابهی بوده است به نحوی که اسرائیل همگام با ترامپ و عربستان یک دور پس از تغییر موقعیت ترامپ موضع‌گیری خود را بر روی طیف سیاستی تغییر می‌دهد. تغییر موقعیت بازیکنان اصلی تحریم‌ها مانند اتحادیه اروپا و چین در طول بازی تغییرات اندکی دارد که از موقعیت اولیه خود پس از تغییر موضع ترامپ و طیف حامی او اندکی با انعطاف به سمت پایین واکنش نشان می‌دهند. اما رفتار روسیه با تغییر قابل توجهی بر روی طیف سیاستی بازی مواجه است؛ به نحوی که از موقعیت اولیه که ۴۰ است پس از دور اول بازی (تغییر موقعیت ترامپ و طیف حامی او) به سمت پایین و حدود ۲۵ (حد واسط مذاکره در چارچوب برجام و مذاکره خارج از برجام) نزدیک می‌شود و در دور چهارم با تغییر موقعیت اتحادیه اروپا اندکی به سمت بالا و در محدوده میانی مذاکره در چارچوب برجام قرار می‌گیرد. نمودار ۵ نشان می‌دهد پس از هشت دور چانه‌زنی، اکثر بازیکنان به موقعیت ۳۵ که حد میانی راهبرد مذاکره در چارچوب برجام است همگرا شده و به ثبات رسیده است.

در بازی پویا بازیکنان تلاش می‌کنند تا بازیکنان دیگر را ترغیب به همسویی با خود به لحاظ موقعیت اتخاذ شده روی طیف سیاستی کنند و نتیجه مذاکره و انتخاب‌های بازیکنان که براساس منافی که از مطلوبیت مورد انتظار آنها حاصل می‌شود، رفتار بازیکنان را در طی بازی نشان می‌دهد. نوسانات، رفتار یک بازیکن در پاسخ به جهت‌گیری‌های بازیکنان دیگر است که در هر دور اتفاق افتاده است.

در اقتصاد محاسباتی مبتنی بر عامل، یکی از روش‌های اعتبارسنجی تحلیل حساسیت است که موجب به دست آوردن بینش بهتری در مورد چگونگی الگوهای تولید شده و بررسی تغییرات نتایج براساس تغییر در پارامترهای مدل می‌شود.

نمودار ۶. پیش‌بینی رفتار بازیکنان در بازی پویا - موقعیت روسیه: خروج تدریجی از برجام (۵۰)

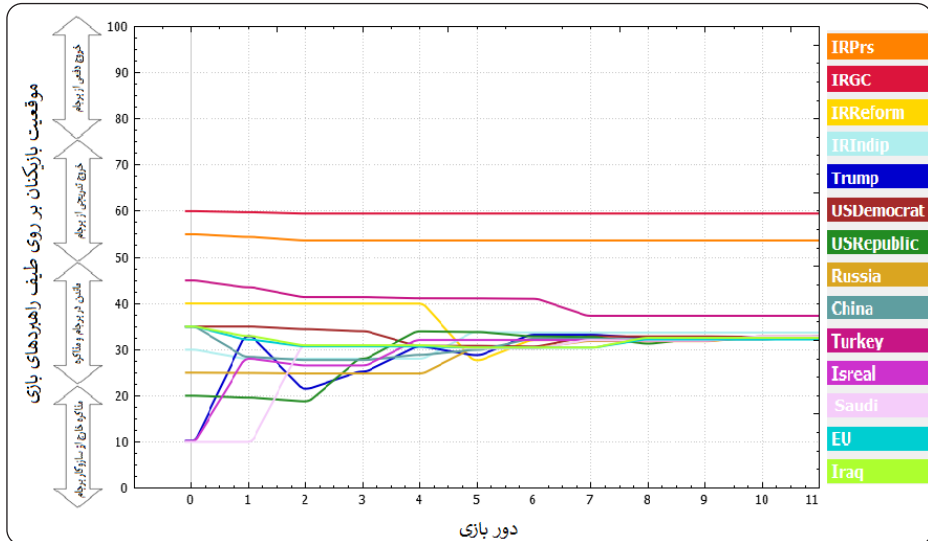


مأخذ: همان.

با توجه به محدودیت مقاله فقط به تحلیل حساسیت انجام شده بر روی موقعیت اولیه روسیه پرداخته می‌شود. نتایج نشان می‌دهد در صورتی که موقعیت اولیه این بازیکن از موقعیت فعلی این بازیکن (۴۰) به مرز خروج تدریجی از برجام (۵۰) تغییر دهیم (تغییر موضع به سمت بازیکنان داخلی ایران)، بازی پویا نشان می‌دهد این بازیکن در دور دوم موقعیت خود را تغییر می‌دهد و بر روی موقعیت ۴۰ قرار می‌گیرد، اما همگرایی بازیکنان پس از شانزده دور اتفاق می‌افتد.

در صورت تغییر موقعیت اولیه این بازیکن به موقعیت ۲۵ یعنی حداقل میان مذاکره در چارچوب برجام و مذاکره خارج از برجام (تغییر موضع به سمت ترامپ و طیف حامی او)، این بازیکن تا دور چهارم بر روی همین موقعیت باقی می‌ماند و در دور پنجم همسو با سایر بازیکنان به موقعیت ۳۵ تغییر موضع می‌دهد. در این بازی که ائتلاف جمعی بازیکنان بر روی موقعیت ۳۵ است، همگرایی بازیکنان و ثبات بازی پس از هشت دور اتفاق می‌افتد.

نمودار ۷. پیش‌بینی رفتار بازیکنان در بازی پویا - موقعیت روسیه: مذاکره خارج از چارچوب برجام (۲۵)



مأخذ: همان.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

فرایندهای تصمیم‌گیری جمعی، فرایندهایی هستند که در آن یک گروه از بازیکنان با یکدیگر تعامل می‌کنند تا به یک راه‌حل منفرد دست یابند. مثال‌های رایج شامل بحث و گفتگوی هیئت‌مدیره یک شرکت است. این فرایندها معمولاً با روش‌های کیفی مورد مطالعه قرار گرفته است، اما پیشرفت‌های فناوری و علوم رایانه امکان ارائه حل مدل‌های ریاضی را فراهم می‌کنند که می‌توانند بینش‌های گسترده‌تری را در تحلیل این موضوعات ارائه دهند. قدرت این مدل‌ها و توانایی آنها برای غلبه بر تورش‌های ناشی از تصمیم‌گیری شهودی موجب شده است که اخیراً در طیف وسیعی از موضوعات در کنار روش‌های کیفی مورد استفاده قرار گیرد. در این روابط بازیکنان عامل‌هایی هستند که با فرض عقلایی بودن با یکدیگر تعامل می‌کنند و تعامل عامل‌ها در هر بازی براساس قواعدی است که براساس ماهیت بازی تعیین می‌شود. در فرایندهای مذاکره جمعی یک گروه از بازیکنان با یکدیگر تعامل می‌کنند تا به یک راه‌حل تعادلی دست یابند. موضوع چانه‌زنی و مذاکره در موضوع

تحریم‌ها را نیز می‌توان به‌عنوان یک فرایند تصمیم‌گیری در نظر گرفت که در سال‌های اخیر عمدتاً به بهانه استفاده ایران از فناوری‌های هسته‌ای اعمال شده است.

فعالیت‌های هسته‌ای ایران در سال‌های اخیر به یک مسئله جهانی تبدیل شده است. به‌وجود تلاش‌های مؤثری که ایران در این سال‌ها و در توافق برجام برای اعتمادسازی و ابهام‌زدایی از برنامه هسته‌ای خود انجام داده است، اما روند پرونده هسته‌ای ایران در شورای امنیت و تمدید تحریم‌ها از سوی ایالات متحده آمریکا، حکایت از آن دارد که بازیگران اصلی عرصه بین‌الملل و به‌خصوص آمریکا به توافقات پایبند نبوده‌اند. اساساً هر دولتی داده‌های سیاست خارجی خود را طوری تنظیم می‌کند که در نهایت خواست‌ها و نیازهای امنیتی، استراتژیک، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی یا نظامی‌اش در کوتاه‌مدت یا بلندمدت تأمین شود. اقدامات حال حاضر کشورها بر موقیعت چانه‌زنی آنها در فعل و انفعالات آینده اثرگذار است. به همین دلیل، اشخاصی که در رأس سیاست خارجی دو کشور هستند نگران توزیع سود و منفعت کشورشان و همچنین نتیجه نهایی و اعتبار و شهرتشان در عرصه چنین مناقشات بین‌المللی‌اند. از این رو به‌منظور تعیین استراتژی‌های مناسب در عرصه بین‌المللی، هدف اصلی این مطالعه بررسی و پیش‌بینی رفتار گروه ۵+۱ به‌عنوان بازیگران اصلی تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران، در دوره جدید ریاست جمهوری آمریکا و راهبردهای احتمالی این کشورهاست. تصمیمات راهبردی ایالات متحده آمریکا و متحدان آن در تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران نه تنها به اقدامات آنها مربوط می‌شود بلکه به تصمیمات سایر بازیکنان درگیر در این مسئله نیز وابسته است. با درک فرایند تصمیم‌گیری و نتایج گزینه‌های تصمیمات هر یک از بازیکنان قادر خواهند بود از ظرفیت‌های خود برای تأثیرگذاری بر نتایج این تصمیمات راهبردی بهره‌گیرند.

موضوع منافع جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی و رفتار بازیکنان باعث می‌شود که پیچیدگی‌ها زیادی بر مسئله تحریم‌های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران ایجاد شود. در چنین فضایی ضمن اینکه کشورهای شرکت‌کننده روابط در حال تحولی با یکدیگر دارند، تغییر موضع آمریکا در ادامه، کاهش و یا گسترش تحریم‌های آمریکا علیه روسیه و چین نیز می‌تواند به تغییر موضع نسبی این کشورها علیه جمهوری اسلامی ایران

بیانجامد. با توجه به این پیچیدگی‌هایی که در تصمیم‌گیری‌های واقعی در فضای تحریم وجود دارد، این نظام تصمیم‌گیری نیازمند مدل‌سازی متفاوتی است. مدل‌سازی مبتنی بر عامل پاسخی است بر چارچوب تصمیم‌گیری در یک محیط پویا با بازیکنان ناهمگن، یادگیرنده در تعامل با بازیکنان دیگر، متأثر از محیط و اثرگذار بر آن. نظریه بازی‌ها با رویکرد مدل‌سازی مبتنی بر عامل ابزار مناسبی است که ابزارهای محاسباتی و شبیه‌سازی رایانه‌ای و مدل‌سازی مبتنی بر هوش مصنوعی به همراه سیستم‌های چندعاملی به عنوان ابزار جدیدی برای حل انواع تعاملات و فرایندهای متأثر از تصمیمات انسانی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

این مطالعه بر اساس جدیدترین مدلی که در متون پژوهشی مرتبط با پیش‌بینی از طریق نظریه بازی و مدل مطلوبیت انتظاری وجود دارد انجام شده است. این مدل یک بازی را ترسیم می‌کند که در آن بازیکنان به طور هم‌زمان پیشنهادهایی مطرح می‌کنند و قدرت نفوذ خود را بر یکدیگر اعمال می‌کنند. آنها گزینه‌هایی را ارزیابی می‌کنند و ائتلاف‌هایی را با تغییر موقعیت خود بر روی موضوع مورد سؤال تشکیل می‌دهند. گام‌های فوق به طور پی‌درپی تکرار می‌شود تا موضوع حل و فصل شود (Mesquita, 1997). این مدل توانایی پیش‌بینی نتیجه هر موضوعی را که در آن چند ذی‌نفع با منافع متعارض در علوم اقتصاد، مدیریت و سیاسی وجود داشته باشند، دارد. با توجه به فضای در حال تحول تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران، پس از مرداد ماه ۱۳۹۷ که با روش دلفی به استخراج داده‌ها و اجرای مدل پرداخته شد، با توجه به گذشت زمان و تغییرات ایجاد شده در موضع‌گیری بازیکنان مجدداً در خرداد ماه ۱۳۹۸ داده‌های مدل براساس روش پیشنهادی مسکیتا مبتنی بر نظر جمعی خبرگان استخراج و به اجرای مدل پرداخته شد. نتایج این مطالعه که به بررسی محیط در حال تغییر بازی ایران و ایالات متحده آمریکا و با حضور سایر کشورهای ذی‌نفوذ جهان پس از خروج ایالات متحده آمریکا از برجام می‌پردازد، نشان می‌دهد که اغلب بازیکنان در موقعیت چانه‌زنی به نفع بازیکن چالش‌گر (ترامپ) توزیع شده‌اند و دو بازیکن داخلی (مسئولان امنیت کشور و دولت) در موقعیت چانه‌زنی به نفع بازیکن خود و به زیان بازیکن چالش‌گر قرار دارند. در فضای تسلیم میزان مطلوبیت انتظاری منفی بازیکن از چالش بسیار بالا و موقعیت چانه‌زنی او بسیار ضعیف است. از این رو ناگزیر از پذیرش پیشنهاد و

تسلیم است. نکته مهم نتایج این است که بازیکنان در فضای تسلیم نسبت به بازیکن چالش‌گر که ترامپ است قرار ندارند. حضور برخی بازیکنان داخلی در منطقه چانه‌زنی به نفع بازیکن بازیکن اصلی را می‌توان به‌عنوان یک تهدید معتبر برای بازیکن چالش‌کننده در نظر گرفت. نتیجه مسلط این بازی که پس از هشت دور چانه‌زنی در محدوده مذاکره در چارچوب برجام به ثبات می‌رسد، به نحوی که پس از آن هیچ‌یک از بازیکنان تغییر موضع نمی‌دهند. لازم به ذکر است در دور قبلی اجرای این مدل در مرداد ماه ۱۳۹۷، بازی در محدوده ادامه توافق فعلی با گروه ۱+۴ به ثبات رسید که این مسئله با توجه به نتایج اجرای مدل در خرداد ماه ۱۳۹۸ مبنی بر مذاکره در چارچوب برجام همسویی نشان می‌دهد. تحلیل حساسیت انجام شده بر روی موقعیت اولیه روسیه نشان داد که در صورت تغییر موقعیت اولیه این بازیکن از موقعیت فعلی به مرز خروج تدریجی از برجام (تغییر موضع به سمت بازیکنان داخلی ایران)، ثبات بازی پس از شانزده دور چانه‌زنی اتفاق می‌افتد و در صورت تغییر موقعیت اولیه این بازیکن به موقعیت ۲۵ یعنی حدفاصل میان مذاکره در چارچوب برجام و مذاکره خارج از برجام (تغییر موضع به سمت ترامپ و طیف حامی او)، همگرایی بازیکنان و ثبات بازی پس از هشت دور اتفاق می‌افتد. تحلیل سناریو بر روی موقعیت روسیه نشان می‌دهد در صورت جهت‌گیری این بازیکن به سمت ترامپ و طیف حامی او نقطه ثبات بازی اندکی به سمت پایین‌تر از حالت عادی بازی و اندکی به سمت موقعیت ترامپ تغییر خواهد کرد؛ اگرچه همواره در محدوده مذاکره در چارچوب برجام واقع خواهد شد.

این مقاله ضمن ارائه یک رویکرد جدید در مدل‌سازی تحریم‌ها و ارائه کاربردی از مدل‌سازی مبتنی بر عامل و پیش‌بینی رفتار بازیکنان در فضای حال حاضر تحریم‌ها، تلاش می‌کند ابزاری را برای تصمیم‌گیری در اختیار سیاستگذاران قرار دهد. از جمله ظرفیت‌های این مدل که در متون مختلف به‌عنوان مدل مرجع معرفی و برای موضوعات مختلف مورد استفاده قرار گرفته این است که سیاستگذاران با درک فرایند تصمیم‌گیری، تحلیل سناریوهای مختلف و نتایج راهبردهای اتخاذ شده توسط هر یک از بازیکنان قادر خواهند بود برای تأثیرگذاری بر نتایج این تصمیمات راهبردی بهره‌گیرند و با تلاش برای متقاعد کردن ذی‌نفع کلیدی برای پیشبرد اهداف خود، راهبرد متناسبی را اتخاذ کند.

منابع و مآخذ

1. Afesorgbor, S. K. and R. Mahadevan (2016). The Impact of Economic Sanctions on Income Inequality of Target States, *World Development*, 83.
2. Beladi, H. and R. Oladi (2015). On Smart Sanctions, *Economics Letters*, 130.
3. Charumbira, M. (2008). "Applying the Gravity Model to Trade Flow in Country Under Sanctions: Case of Zimbabwe (1998-2006)", Department of Political and Administration, Redeemers University, Nigeria.
4. Drezner, Daniel W. (1999). *The Sanction Paradox: Economic Statecraft and International Relations*, Cambridge Studies in International Relations, No. 65. Cambridge: Cambridge University Press.
5. Eftekhari, Z. and S. Rahimi (2014). Preana: Game Theory Based Prediction with Reinforcement Learning. *Natural Science*, 6(13).
6. Evans, G. and J. Newnham (1998). *The Penguin Dictionary of International Relations* London: Penguin Books.
7. Epstein, J. M. (2006). *Generative Social Science, Studies in Agent-Based Computational Modeling*, Princeton University Press.
8. Feder, S. (1987). *Factions and Policon: New ways to Analyze Politics, Inside CIA's Private World: Declassified Articles from the Agency's Internal Journal*, 1992.
9. Fudenberg, Jean Tirole (1995). *Game theory*. The MIT Press.
10. Howitt, P. (2012). "What Have Central Bankers Learned from Modern Macroeconomic Theory? ". *Journal of Macroeconomics*, 34(1), 11-22.
11. Hufbauer, Gary Clyde, Jeffrey J. Schott, Kimberly Ann Elliott and Barbara Oegg. (2007). *Economic Sanctions Reconsidered*, 3d ed. Washington, Peterson Institute for International Economics.
12. Jesse, E. (2011). *Forecasting the Future of Iran*. RAND Institute.

13. Kaempfer, W. H. and A. D Lowenberg (2007). "The Political Economy of Economic Sanctions", *Handbook of Defense Economics*, 2.
14. Katzman, K. (2015). *Iran Sanctions*, Congressional Research Service.
15. Keynes, J.M. (1936). *The General Theory of Employment, Interest and Money*, Harcourt Brace Jovanovich, New York.
16. Mesquita, B. D. (1984). "Forecasting Policy Decisions: an Expected Utility Approach to Post-Khomeini Iran", *Political Science and Politics*, 17(2).
17. --- (1997). "A Decision Making Model: Its Structure and Form", *International Interactions*, 23(3-4).
18. --- (2010). *The Predictioneer's Game: Using the Logic of Brazen Self-Interest to See and Shape the Future*, Random House Incorporated.
19. --- (1984). "The Conflict Forecasting Project", Defense Technical Information Center (DTIC): University of Rochester Department of Political Science.
20. --- (2011). *Applications of Game Theory in Support of Intelligence Analysis*, *Intelligence Analysis: Behavioral and social Scientific Foundations*, 57–82, Washington, DC: The National Academies Press.
21. Mesquita, B. B. D., D. Newman and A. Rabushka (1985). *Forecasting Political Events: The Future of Hong Kong*, Yale University Press.
22. Mesquita, B. B. D. and D. Lalman (1992). *War and Reason*, Yale University Press.
23. Mesquita, B. B. D. and F. N. Stokman (Eds.). (1994). *European Community Decision Making: Models, Applications and Comparisons*, Yale University Press.
24. Murphy, M. K. (1998). "Consensus Development Methods and Their Use in Clinical Guideline Development", *Health Technology Assessment*, 2(3).
25. Nash J. (1950). The Bargaining Problem. *Econometrica, Journal of the Econometric Society*.
26. Nephew, R. (2018). *The Art of Sanctions: A View from the Field*, Columbia University Press.
27. Neuenkirch, M. and F. Neumeier (2016). "The Impact of US Sanctions on Poverty",

Journal of Development Economics, 121.

28. --- (2015). "The Impact of UN and US Economic Sanctions on GDP Growth", *European Journal of Political Economy*, 40.
29. Oechslin, M. (2014). "Targeting Autocrats: Economic Sanctions and Regime Change", *European Journal of Political Economy*, 36.
30. Powell, C. (2003). "The Delphi Technique: Myths and Realities", *Journal of Advanced Nursing*, 41(4).
31. Rowe, David M. (2000). "Economic Sanctions, Domestic Politics and the Decline of Rhodesian Tobacco", 1965-79: In Steve Chan and A. Cooper Drury (Eds), *Sanctions as Economic Statecraft: Theory and Practice*, Macmillan.
32. Shahabi, S., H. Fazlalizadeh, J. Stedman, L. Chuang, A. Sharifabrizi and R. Ram (2015). "The Impact of International Economic Sanctions on Iranian Cancer Healthcare", *Health Policy*, 119 (10).
33. Somerville, Jerry A (2008). "Effective Use of the Delphi Process in Research: Its Characteristics, Strengths and Limitations", Oregon: Corvallis.
34. Taghavi, M, B. Shayegani, F. Gaffari, M. Abdolali and A. Niakan Lahiji (2012). "Does Gravity Model Work for the Selection of Trade Partners Among SCO Members? The Case Study of Iran", *Journal of American Science*, 8 (10).
35. Ueng, B. (2012). Applying Bruce Bueno de Mesquita's Group Decision Model to Taiwan's Political Status, A Simplified Model, *The Visible Hand: A Cornell Economics Society Publication*, Ithaca, NY.
36. Whang, T. (2010). "Structural Estimation of Economic Sanctions: From Initiation to Outcomes", *Journal of Peace Research*, 47(5).
37. Williams, P.L. and C. Webb (1994). "The Delphi Technique: A Methodological Discussion", *Journal of Advanced Nursing*, 19 (1).

تأملی بر خوانش فیلسوفان اصالت فایده از بازدارندگی کیفر مرگ

عبدالرضا جوان جعفری بجنوردی* و زهرا فرهادی آلاشتنی**

نوع مقاله: علمی پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۶	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۴	شماره صفحه: ۲۴۱-۲۱۵
------------------------	------------------------	-----------------------	---------------------

مکتب معرفتی اصالت سودمندی با تأکید بر اصل تداعی معانی، درصدد افزایش رنج‌ها و کم کردن منافع احتمالی ناشی از ارتکاب بزه است. این مکتب فکری با گزینش نگاه ابزاری به کیفرها، از جمله کیفر مرگ، نیل به بیشترین منفعت اجتماعی در نتیجه تحمیل کیفر را خواستار است. در همین راستا، از دیرباز تاکنون فایده‌گرایان ابقاگرا و الغاگرا تلاش‌های فکری و فلسفی متعددی برای کشف چارچوبی اخلاقی برای توجیه تحمیل و یا مخالفت با تحمیل کیفر مرگ کرده‌اند. بررسی انتقادی نظریات هر یک از این دو گروه، نشان از وجود آشفتگی‌های فلسفی و یا عملی بسیاری برای نیل به اهداف فایده‌گرایی دارد. مقاله حاضر از روش توصیفی - تحلیلی بهره برده و با استفاده از متون مرجع فایده‌گرایان، مطالعات آماری و اسناد و مدارک، پس از تبیین نظریات فایده‌گرایان ابقاگرا و الغاگرا به ارزیابی انتقادی کیفر مرگ از دریچه بازدارندگی پرداخته است. نگرش انتقادی به سودمندی کیفر مرگ، به اصلاح و تعدیل قوانین کیفری دارای مجازات مرگ مبتنی بر اصالت فایده، کارآمد شدن کیفر اعدام، افزایش تأثیر بازدارنده آن و دستیابی به هدف اصلی مکتب اصالت فایده، یعنی منفعت اجتماعی، کمک خواهد کرد. از این رو، همسویی یا عدم همسویی کیفر مرگ با اصول فلسفه اصالت فایده را تبیین می‌کنیم و به ارزیابی انتقادی آنها می‌پردازیم و در آخر معیاری جدید برای حل این تعارضات، یعنی ضرورت کاربست نگاه فلسفی ترکیبی به کیفر مرگ، را ارائه می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: بازدارندگی؛ کیفر مرگ؛ اصالت فایده؛ ابقاگرایان؛ الغاگرایان؛ فلسفه کیفر

* دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)؛

Email: javan-j@um.ac.ir

** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد؛

Email: z.farhadialashti@gmail.com

مقدمه

کیفر، این نهاد آکنده از درد و رنج، با محروم کردن افراد از حقوق و آزادی‌های به رسمیت شناخته شده فرصت زندگی اجتماعی و پیشرفت را از آنها سلب می‌کند. از این رو یکی از دغدغه‌های مهم فیلسوفان کیفر، تبیین توجیهی اخلاقی برای مشروعیت بخشی تحمیل آن است. تا آنجا که جفری مورفی، فیلسوف معاصر اخلاق‌گرا، بر این باور است که یکی از ارکان پنج‌گانه فلسفی خواندن یک نظریه کیفری، ارائه توجیهی اخلاقی از ضرورت اعمال آن است (Murphy, 1987: 510). در همین راستا، فیلسوفان واپس‌نگر^۱ و پیامدگرا^۲ هر یک توجیهات متفاوتی برای تبیین مشروعیت اخلاقی تحمیل کیفر ارائه داده‌اند. پیامدگرایان، با گزینش رویکردی ابزاری^۳ در قبال کیفر، تنها دلیل توجیه اخلاقی تحمیل کیفر برای ارتکاب عملی در گذشته را در حصول اهدافی در آینده - اعم از بازدارندگی، ناتوان‌سازی و یا اصلاح - می‌پندارند. در مقابل، واپس‌گرایان، کیفر را پاسخی به خطای گذشته بزهکار دانسته و بر این باورند که بزه ذاتاً نکوهیده و عدالت ذاتاً پسندیده است. در این بین، نوع سومی از نظریات که غالباً با نام نظریات ترکیبی شناخته می‌شوند، درصدد جمع میان دو گروه پیشین هستند. به‌عنوان مثال، به باور هارت، مانعی برای بهره‌گیری از رهیافت‌های فایده‌گرایی و سزاگرایی وجود ندارد. به نظر وی، مقتن باید کل نگر باشد و نگرشی فایده‌گرایانه برگزیند، اما قاضی باید جزء‌نگر باشد و با نگرشی سزاگرایانه به صدور حکم بپردازد (حسینی و صابری تولایی، ۱۳۹۳: ۹۲؛ Hart, 1960: 9).

کیفر مرگ، به‌عنوان شدیدترین مصداق تحمیل درد و رنج، از دیرباز در کانون توجه اندیشمندان قرار داشته و نظریات واپس‌گرایی، پیامدگرایی و ترکیبی سعی در یافتن مبانی برای توجیه تحمیل یا مخالفت با آن کرده‌اند. با گذشتن از عصر روشنگری و قیام در برابر اختیارات مطلقه کلیسا برای سلب حیات افراد، اندیشه سزاگرایی رو به افول نهاد و پیامدگرایان با داعیه اصلاح و ارباب بزهکاران به عرصه نظام عدالت کیفری گام نهادند. آنان با پیروی از بنیان معرفتی این اندیشه، اخلاق را در سایه اصل «بیشترین شادی»^۴ تفسیر

1. Non- Consequentialist
2. Consequentialist
3. Instrumental Approach
4. Greatest Happiness Principle

کرده و بر این باورند که اعمال ارمغان آورنده بیشترین شادی برای تعداد فراوانی از افراد، اخلاقی قلمداد خواهند شد (Bentham, 1789: 8). قانونگذار کیفری نیز باید با گام نهادن در مسیر دستیابی به بیشترین شادی و سعادت همگانی، کیفرهای منتج به بیشترین منفعت را برگزیند. به عقیده فایده‌گرایان، کیفر مرگ خود شراست و تنها هدف تحمیل آن باید پیشگیری از شر بیشتر باشد.

از اواخر دهه ۱۹۷۰، تکثر اخلاقی جوامع به ایجاد تغییرات چشمگیری در مبانی توجیه اخلاقی کیفر مرگ، به‌ویژه فایده‌گرایی، منجر شد. افزایش جرائم نفرت‌انگیز، جنگی و تروریستی در دهه‌های اخیر از یک سو و ازسوی دیگر لغو مجازات مرگ در اتحادیه اروپا و ۱۰۱ کشور در سایر قاره‌ها، افکار عمومی جامعه جهانی را نسبت به بازدارندگی کیفر مرگ حساس کرد. به این ترتیب این سؤال مطرح می‌شود که آیا در عصر حاضر نظریه بازدارندگی یارای پاسخگویی به زوایای ناشناخته و مبهم توجیه کیفر مرگ را دارد و می‌توان از آن به‌عنوان یگانه قرائت صحیح توجیه‌کننده کیفر مرگ بهره برد؟ از این رو درصددیم تا در مقاله حاضر، در قالب دو قسمت، به سؤالات و ابهامات بنیادین درباره بازدارندگی کیفر مرگ در دنیای معاصر بپردازیم. بنابراین در قسمت اول از دریچه اندیشمندان فایده‌گرا، به کیفر مرگ نگرسته و ضمن آشنایی با جدیدترین تلاش‌های نو فایده‌گرایان برای ابقای کیفر مرگ، با نگاهی انتقادی آرا و اندیشه‌های آنان را با محک فلسفی می‌سنجیم. سپس در قسمت دوم، با توجه به موج نوین نظرهای ابقاگرایان قائل به بازدارندگی کیفر مرگ، درصدد بررسی این مهم هستیم که آیا کارکرد بازدارنده کیفر مرگ در مقام عمل و به دور از بحث‌های انتزاعی و فلسفی قابل دستیابی است و یا با ملاحظاتی همراه هست؟

۱. کیفر مرگ به مثابه نهادی ضروری یا غیر ضروری در آرای قائلین به اصالت سودمندی

نبود اجماع نظری قائلین به اصالت سودمندی پیرامون حصول بیشترین سعادت اجتماعی در نتیجه تحمیل کیفر مرگ، منجر به تولید قرائت‌های متعددی از فایده‌مندی این کیفر شده است. گرانیگاه تمام این نظریات، تأکید بر ارائه قرائتی عقلانی بوده و ضرورت و یا عدم ضرورت تحمیل کیفر مرگ را از این دریچه بررسی می‌کند. با توجه به اینکه، هرگونه

بررسی انتقادی بازدارندگی کیفر مرگ نیازمند آشنایی و تحلیل انتقادی قرائت‌های گوناگون ابفاگرایان و الغاگرایان فایده‌گراست، در این قسمت برآنیم تا به بررسی نقاط قوت و همچنین ضعف اندیشه‌های آنان بپردازیم.

۱-۱. الغاگرایان فایده‌گرا

بنام، اندیشمند پیشرو فایده‌گرایی، در نخستین سال‌های عمر علمی‌اش به مخالفت نسبی با کیفر مرگ پرداخت و تحمیل آن را در برخی از موارد پذیرفت. تا آنجا که، ناتوانی وی از ارائه استدلالی فایده‌گرایانه برای تبیین ضرورت الغای کیفر مرگ در اثر معروفش با نام توجیه کیفر (۱۷۷۵)^۱ به پذیرش تحمیل آن در برخی از موارد منجر شد (Bedau, 1983: 1036). به عقیده وی در صورت تصمیم جامعه و یا مقنن بر ضرورت حفظ کیفر مرگ به سبب کارکرد بازدارندگی‌اش، باید آن را «برای آن دسته از جرائمی که به ورود بیشترین شوک به احساسات عمومی منجر می‌شوند، یعنی قتل‌های مشدد، به‌ویژه زمانی که هلاکت شمار زیادی از افراد را در پی دارند، اجرا کرد» (Bentham, 2018: 450). وی چندین سال بعد (۱۸۳۱)، با رویگردانی از موضوع پیشین خود، به‌طور قاطع با کیفر مرگ مخالفت کرد (Ibid.) و با رد سودمندی آن اذعان داشت که «مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌ها و تعصبات مبتنی بر کج‌فهمی‌ها، اشتباهات، سنت و عواملی از این قبیل، منجر به پذیرش کیفر مرگ توسط مردم و قانونگذاران شده و چشمان آنان را در قبال مزایای بی‌شمار کیفر حبس نابینا کرده است» (Bedau, 1983: 1055).

بکاریا نیز مشروعیت کیفر را نه در پرتو تحمیل رنج و عذاب بر مجرم، بلکه با هدف پیشگیری از تکرار اشتباهات گذشته توسط وی و پیشگیری از ارتکاب این اعمال توسط سایر تابعان قانون جستجو می‌کند. وی ضمن مخالفت با تحمیل کیفرهای ددمنشانه، بر قابلیت تأثیرگذاری بلندمدت کیفر بر روح و روان مجرم و سایر بزهکاران بالقوه تأکید می‌کند. وی با بی‌رحمانه خواندن کیفر مرگ، معتقد است که فوریت اجرای کیفر مرگ و عدم تکرار آن در زمان، مانع دستیابی به هدف بازدارندگی می‌شود. از این رو، با ناکارآمد خواندن این

1. See for Bentham, 2012

کیفر؛ محرومیت از آزادی و کار اجباری را جایگزین‌های مناسبی برای آن می‌داند. از نظر وی «قوی‌ترین مانع برای پایان بخشیدن به جرم و جنایت، نه مراسم هولناک، اما آنی مرگ تبه‌کار، بلکه رنج و عذاب انسان محروم از آزادی است» (بکاریا، ۱۳۸۹: ۷۲). در این راستا، تأثیر مجازات حبس ابد از لحاظ جلوگیری از ارتکاب جرم را به مراتب بیشتر از مجازات اعدام می‌داند و معتقد است کار اجباری، شدت مطلوب برای منصرف کردن راسخ‌ترین اراده‌ها را دارد. بکاریا از تأثیر اشتباهات قضایی و عدم امکان جبران این اشتباهات در کاهش تأثیر بازدارندگی عام کیفر مرگ نیز غافل نبوده است.

۲-۱. ابقاگرایان فایده‌گرا^۱

ریشه‌های تمسک به سودمندی تحمیل کیفر مرگ را می‌توان در اندیشه‌های فلاسفه باستان مشاهده کرد. فصل مشترک نظریه‌های آنان، بازدارندگی عام این کیفر و صیانت از منافع عمومی جامعه است. به عنوان نمونه، افلاطون با نفی اراده آزاد بزهکاران، اولویت را بر اصلاح و بازگرداندن آنان به جامعه می‌دانست و فقط در صورت اصلاح‌ناپذیر بودن و یا مقاومت آنها در برابر تدابیر بازپرورانه، تحمیل کیفر برای بازداشتن بزهکاران بالقوه را الزامی می‌دانست (افلاطون، ۱۳۶۷: ۲۳۱۵). سنکا،^۲ فیلسوف رواقی رومی نیز با تأکید بر کارکرد اصلاحی و ارعایی کیفر، هرگونه قرائت سزاگرایانه را نفی می‌کرد. از نگاه وی، با تحمیل کیفر مرگ بر مرتکبان جرائم سنگین، می‌توان از ارتکاب چنین تبه‌کاری‌هایی در آینده پیشگیری کرد (Braund, 2009: 361).

به‌رغم ورود به عصر نسانس، بسیاری از فایده‌گرایان ابقاگرا همچنان به دلایل فلاسفه باستان استناد می‌کردند. به عنوان نمونه، جان لاک، با مجاز شمردن کیفر مرگ بر اساس قوانین طبیعی، بر این باور بود که برای پیشگیری از تهدید حیات سایر آدمیان، همان‌گونه که حیوان درنده را برای حفظ جانمان از بین می‌بریم، قاتل را نیز باید از میان برداریم (لاک، ۱۳۹۱: ۱۶). جان استوارت میل

1. Retentionism

2. Seneca

نیز با محدودسازی موارد تحمیل کیفر مرگ به قتل‌های مشدد^۱، بر این باور بود که درد حاصل از مرگ سریع در مقایسه با زندگی طولانی و دلهره‌آور حبس ابد بهتر است (Mill, 1868: 268). همچنین، خوفناک بودن کیفر مرگ برای تماشاگران و درعین حال، اجرای سریع آن بر بزهکار، همان هدفی است که از تحمیل کیفر انتظار می‌رود (Ibid., 269). عدم توانایی قرائت‌های یاد شده برای پاسخگویی به انتقادات جدید، زمینه ظهور نوفایده‌گرایان ابقاگرا را مهیا کرد. آنان با دوری از استدلال‌های اندیشمندان کلاسیک، درصدد توجیه سودمندی کیفر مرگ در قالب قرائت‌های نوینی برآمدند. در این قسمت به تحلیل مهمترین این قرائت‌ها خواهیم پرداخت.

۱-۲-۱. نئوبنتامی‌ها: اقتصاد بازدارندگی کیفر مرگ

سنت فکری بنتام در طول زمان دستخوش تغییرات و بازنگری‌های بسیاری شده است. برخی از اندیشمندان پیرو بنتام، که به آنها نئوبنتامی‌ها^۲ گفته می‌شود، با بهره‌گیری از مبانی اصالت فایده، درصدد محاسبه سود و زیان کیفر مرگ از منظر مطالعات آماری برآمدند و برخلاف وی، لزوماً موضعی الغاگرا اتخاذ نکرده‌اند. اولریش، یکی از نخستین اقتصاددانان نئوبنتامی، با بررسی همبستگی بین تعداد قتل‌های مستوجب مرگ و کیفر اعدام در بازه زمانی سال‌های ۱۹۶۷-۱۹۳۳ در آمریکا، متوجه شد که اجرای هر یک کیفر مرگ، حفظ جان هشت بزه‌دیده بالقوه را در پی خواهد داشت (Ehrlich, 1975). گری بکر، دیگر اقتصاددان معروف آمریکایی، نیز با اجتناب از استدلال‌های اخلاقی مبتنی بر حسن یا قبح تحمیل کیفر مرگ (Becker, 1968: 170)، بزه را عملی انتخابی و فرایند تصمیم‌گیری برای ارتکاب آن را مبتنی بر محاسبات هزینه - فایده می‌پندارد. وی با استناد به تحقیقات پاسنر، وجود همبستگی منفی بین اجرای کیفر مرگ و کاهش ارتکاب قتل را تأیید می‌کند (Ibid., 2006: 1).^۳ نتایج بررسی‌های آماری حاکی از آن است که

1. Atrocious Cases of Aggravated Murder

2. Neo-Benthamism

۳. پاسنر، با بررسی مجدد نتایج تحقیقات محققان پیش از خود (فرا داده)، عوامل مؤثر در تأیید بازدارندگی کیفر مرگ را شناسایی کرد. وی بعدها از همکاران بکر شد و با یکدیگر به تحکیم بنیان‌های نظریه‌شان پرداختند.

اجرای هر یک کیفر مرگ، پیشگیری از قتل سه بزه دیده بالقوه را به دنبال دارد (Becker and Posner, 2009: 254). بکر، با طرد استدلال‌های انتزاعی فلسفی تأکید می‌کند که در صورت فقدان نتایج آماری پیش‌گفته شده، به جرگه‌الغاگرایان می‌پیوست و ماهیتی انتقام‌جویانه برای آن قائل می‌شد. از جدیدترین رهیافت‌های نئوبنتامی‌های ابقاگرا می‌توان به نجات جان هجده بزه‌دیده بالقوه در نتیجه یک فقره اعدام (Melusky and Pesto, 2017: 152) یا پیشگیری از پنج فقره قتل در نتیجه یک اعدام (Mocan and Gittings, 2003: 474) اشاره کرد.

در مقابل، تحقیقات بسیاری نیز در نقاط دیگری از جهان فقدان همبستگی منفی بین اعدام و کاهش جرائم مستوجب قتل را به اثبات رسانده‌اند. تاجایی که به موجب برخی از پژوهش‌ها، همبستگی مثبت بین کیفر مرگ و ارتکاب جرائم مستوجب مرگ (http://Deathpenaltyinfo, 2016) و یا فقدان همبستگی (NRC and DBASSE, 2012: 2) قابل مشاهده است. با تمسک به نتایج متضاد پژوهش‌های میدانی نئوبنتامی‌های ابقاگرا و الغاگرانمی‌توان قاطعانه از توجیه و یا عدم توجیه اقتصادی بازدارندگی کیفر مرگ حمایت کرد، چرا که چه بسا تحمیل کیفر مرگ در جامعه‌ای در بازه زمانی خاصی، منجر به پیشگیری از ارتکاب جرائم مستوجب مرگ شود، در حالی که با توجه به زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی موجود در جوامع دیگر، همین کیفر موجبات التهاب جامعه را فراهم کند و حتی منجر به ظهور جرائم کمانه‌ای نیز شود. همچنین، در بسیاری از موارد نمی‌توان به نتایج آماری اکتفا کرد و عوامل متعدد بسیاری در صحت نتایج ارائه شده دخیل هستند. به‌عنوان نمونه، خطاهایی نظیر اشتباهات محاسباتی، برنامه‌نویسی، طرح‌های مطالعاتی نامناسب، تأکید بر متغیرهای ابزاری نامعتبر از جمله عوامل دستیابی به نتایج نامعتبر هستند. همچنین، در برخی از مواقع مشکلات اجتماعی و اقتصادی سهم بسزایی در افزایش قتل در جامعه دارند. در چنین شرایطی، افزایش نرخ قتل ارتباطی با بازدارندگی کیفر مرگ ندارد و فلسفه آن را باید در شرایط گفته شده جستجو کرد. بنابراین، حتی در صورت ارزیابی سنجیده نرخ ارتکاب جرائم و تغییرات آنها، حصول اطمینان از وجود همبستگی بین کاهش ارتکاب جرم به سبب تحمیل کیفرهای هراس‌آمیز دشوار خواهد بود (Hudson, 2003: 22).

۱. این بررسی با هدف مقایسه تأثیر بازدارنده مجازات مرگ برای کاهش جرم قتل در ایالات دارای مجازات مرگ و ایالات بدون مجازات مرگ از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۶ انجام شد. نتایج این بررسی حاکی از آن است که در این بازه زمانی، نرخ قتل در ایالات دارای مجازات مرگ، بیشتر از ایالات فاقد این مجازات بوده است.

۲-۲-۱. عقل سلیم: تجربه مبنای بازدارندگی

نتایج آماری متشکلت نئوبینتامی‌های ابفاگرا، برخی از فایده‌گرایان را به پایبندی به سنت فکری فیلسوفان کلاسیک بازدارندگی سوق داد. آنان با اتکا بر تجربیات مشترک نوع بشر،^۱ قرائتی نوین از سودمندی بر مبنای مفهوم عقل سلیم^۲ خلق کردند. به عقیده این گروه، افراد عادی نیز می‌توانند همانند اندیشمندان نظریه‌پرداز شوند و با توجه به قرائت آنان از توجیه کیفر، بنیان‌های فلسفی نوینی را پایه‌گذاری کردند. هارجن، یکی از بنیانگذاران این فلسفه، بر این باور است که: «کنشگران عقل سلیم نیز همچون اندیشمندان در بساخت واقعیت کاملاً سهیم هستند... و به همین دلیل، برای مطالعه واقعیات نکوهیده زندگی روزمره آنان، یعنی نتایج بساخت‌های آنان، باید با این بساخت‌ها به‌عنوان یکی از اقسام نظریات برخورد کنیم که همان عقل سلیم است» (Hartjen, 1981: 437).

آنان با رد یافته‌های آماری نافی بازدارندگی کیفر مرگ، به شواهد آماری مبتنی بر عقل سلیم برای تأیید بازدارندگی این کیفر در مقایسه با احکام حبس ابد اشاره می‌کنند (Pojman and Reiman, 1998: 38-39). قائلین به این رویکرد بر این باورند که کیفر مرگ، و نه حبس ابد، ارزشمندترین دارایی انسان را نشانه می‌گیرد. انسان عادی در چنین موقعیتی آگاهانه و یا ناآگاهانه شدت و احتمال نوعی تحمیل توبیخ را با تمایل به ارتکاب بزه و احتمال نوعی نیل به خواسته خود از طریق ارتکاب بزه را مورد محاسبه قرار می‌دهد و درصدد افزایش لذت و کاهش رنج برمی‌آید (Nisbett and Ross, 1980:30). آنان ضمن برحذر داشتن قانونگذاران و سیاستگذاران از پیروی از تحقیقات میدانی نافی بازدارندگی کیفر مرگ، بر این باورند که بین عقل سلیم افراد نوعی و بسیاری از این آمارها تضاد وجود دارد. چرا که اشتباهات روش‌شناختی، گرایش‌های سیاسی و جایگاه علمی پژوهشگران مجالی برای اعتماد به داده‌های ناشی از پژوهش‌های علوم اجتماعی باقی نمی‌گذارد.

به‌رغم گسترش استدلال‌های فلسفی مبتنی بر این قرائت، انتقادات جدی نیز بر آن وارد است. اول آنکه، استناد به دانش نوعی بشر برای بازدارندگی بیشتر کیفر مرگ در مقایسه با حبس ابد همواره صحیح نیست. چرا که شدت هراس ناشی از تحمیل کیفر مرگ در برخی از موارد به اندازه حبس ابد

1. Common Human Experience
2. Common Sense

است. برخی از بزهکاران، کیفر مرگ را همچون حبس ابد می‌دانند و در محاسبات عقلانی خود، احتمال دستگیری و کیفر مرگ را نیز پیش‌بینی می‌کند. درعین حال، آنان احتمال بازنگری کیفر مرگ و صدور حکم حبس ابد و نهادهای ارفاقی نظیر تعلیق را نیز در نظر می‌گیرند. بنابراین با اجتناب از تعمیم، باید بین انواع جرائم تفاوت قائل شد. به عنوان نمونه، چه بسا عقل سلیم احتمال عدم بخشش ناشی از حکم قصاص نفس را بیشتر از جرائم مرتبط به مواد مخدر بداند. مصداق بارز این امر را می‌توان در اظهارات اخیر دادستان تهران مبنی بر برخورداری شمار قابل توجهی از محکومان به اعدام یا حبس ابد جرائم مواد مخدر به عفو مشاهده کرد (خبرگزاری تابناک، ۱۳۹۷).

۳-۲-۱. بهترین شرط بندی: بزه دیده مداری کیفر مرگ

از جدیدترین تلاش‌های نوفایده‌گرایان ابقاگرا می‌توان به قرائت بهترین شرط بندی^۱ اشاره کرد. قائلین به این رویکرد، با رد ارزش ذاتی تحمیل کیفر مرگ، تنها فرض سودمندی تمسک به این کیفر را حمایت از بزه‌دیدگان بالقوه برمی‌شمردند. این قرائت با بهره‌گیری از دو گزاره، حالات متفاوت حفظ جان و یا مرگ محکوم به قتل، بزهکاران و بزه‌دیدگان بالقوه را به تصویر می‌کشد (جدول ۱). این گزاره‌ها عبارتند از:

۱. وجود کیفر مرگ: در صورت فقدان تأثیر ارعابی، حیات بزهکار بیهوده سلب شده است.
۲. عدم وجود کیفر مرگ: در صورت فقدان تأثیر ارعابی، جان بزهکار هدر نرفته است. در غیر این صورت، قربانیان بالقوه در آینده به قتل خواهند رسید (Haag, 1995: 133-134).

جدول ۱. مدل مفهومی هاگ

فرض عدم بازدارندگی	فرض بازدارندگی	
حفظ جان: هیچکس	حفظ جان: بزهکاران و بزه‌دیدگان بالقوه	سودمند
مرگ: بزهکار	مرگ: بزهکار	
حفظ جان: بزهکار	حفظ جان: بزهکار	ضرر سودمند
مرگ: هیچ کس	مرگ: بزهکاران و بزه‌دیدگان بالقوه	

هاگ بر آن است که حفظ جان بزهکار محکوم به قتل بر حفظ جان بزه‌دیده‌گان بالقوه رجحانی ندارد. از این رو، در مدل پیشنهادی اش ارزش کمتری برای جان بزهکار در نظر گرفته است. به عقیده وی، حفظ جان قاتل (+۵) امتیاز و اعدام وی (-۵) امتیاز دارد. در مقابل حفظ جان بزه‌دیدگان بالقوه قتل (+۱۰) و قتل آنان (-۱۰) امتیاز دارد. با تخصیص حداقل امتیاز برای نجات جان بزه‌دیدگان بالقوه در نتیجه اعدام قاتل، حداقل جان دو نفر حفظ خواهد شد. در نتیجه، اعدام قاتلان به سبب حفظ جان دیگران سودمند است (Pojman and Reiman, 1998: 40-41).

با وجود تلاش هاگ انتقاداتی جدی بر قرائت وی وارد است. اول آنکه، عدم تعیین مبانی امتیازگذاری برای جان بزهکار و بزه‌دیدگان این پرسش را برمی‌انگیزد که چگونه می‌توان برای حفظ جان قاتل بالفعل امتیازی نصف قتل بزه‌دیدگان بالقوه در نظر گرفت؟ (Conway, 1974: 269-270).

دوم آنکه، عدم ارتکاب جرائم مستوجب مرگ همواره به سبب تأثیر بازدارنده این کیفر نیست و عوامل کنترل درونی نظیر پایبندی به اصول اخلاقی، باورهای مذهبی و جایگاه اجتماعی نیز در عدم ارتکاب این جرائم سهیم هستند. همچنین، چه بسا بزهکاران بالقوه از وجود کیفر مرگ برای جرائم خاصی آگاهی نداشته باشند. در این حالت نیز عدم ارتکاب قتل به علت تأثیر بازدارنده کیفر نبوده است. به عنوان نمونه، گردشگر غیرمسلمانی که از مجازات قانونی قصاص برای جرم قتل عمد در ایران آگاه نیست، مرتکب قتل نمی‌شود. در چنین حالتی نمی‌توان با استناد به نظر هاگ قائل بر آن بود که کیفر مرگ سبب پیشگیری از جرم قتل شده است. در نهایت آنکه، قرائت هاگ صرفاً به توجیه کیفر مرگ برای محکومین به قتل اختصاص دارد و حتی بر فرض صحت ادعای وی نیز نمی‌توان از آن برای توجیه کیفر مرگ در سایر جرائم بهره گرفت.

۲. انتقادات وارد بر بازدارندگی کیفر مرگ

رشد و بالندگی فلسفه اصالت سودمندی بیشتر از فایده‌گرایان، مرهون تلاش‌های منتقدان آن است (فرح‌بخش، ۱۳۹۲: ۹۷). تلاش‌های نوفایده‌گرایان ابقاگرا برای ارائه قرائت‌های نوین از بازدارندگی کیفر مرگ نیز مدیون انتقادات جریانات رقیب‌الغاگرای فایده‌گرا و همچنین سزاگراست. نگرش‌های انتقادی به قرائت‌های سودمندی کیفر مرگ، با فراهم کردن امکان

بازشناسی محدودیت‌های عملی و نظری اتخاذ این کیفر، آنان را در دستیابی به هدف اصلی خود، یعنی منفعت اجتماعی، یاری می‌رسانند. از این رو در این قسمت برآنیم تا با محک بنیان‌های نظری اصالت فایده، و نه سایر مکاتب، به تحلیل تأثیر بازدارنده کیفر مرگ و طرح انتقادات نوین بپردازیم.

۱-۲. تشکیک ارباب در جرائم ایدئولوژیک

از دیرباز از کیفر مرگ به عنوان ابزاری برای ایجاد هراس در بزهکاران بالقوه جرائم علیه امنیت عمومی، سیاسی و تروریستی استفاده می‌شده است. شاید در مورد تأثیر بازدارنده کیفر مرگ برای جرائم علیه اشخاص اختلاف نظر کمتری بین فایده‌گرایان وجود داشته باشد، اما تأثیر بازدارنده آن برای جرائم ایدئولوژیک و یا تروریستی مورد شک است (UN Human Rights Council, 2015) به ویژه، زمانی که حاکمان، مرتکبان جرائم سیاسی را تحت لوای جرائم علیه امنیت و یا اقدامات تروریستی قرار می‌دهند. در این حالت علاوه بر فقدان تأثیر بازدارندگی عام بر بزهکاران بالقوه، امکان تبدیل مرتکب به قهرمان عمومی و پیروی از خط‌مشی وی نیز وجود دارد. در این حالت اعدام فضیلت پنداشته می‌شود و در برخی از موارد از آن به عنوان شهادت تعبیر می‌شود. نمونه بارز این امر می‌تواند در جریان نهضت‌های انقلابی مشاهده کرد. بیشتر قوانین، هرگونه اقدام برای تغییر حاکمیت‌ها را در زمره جرائم علیه امنیت عمومی قرار می‌دهند. بعضی از کشورها، علاوه بر پیش‌بینی کیفرهایی نظیر حبس ابد، حتی اعدام را نیز برای مرتکبان این جرائم پیش‌بینی می‌کنند. اما مردمانی که خواهان حق تعیین سرنوشت خود هستند و حکومت‌شان را غاضب و ناحق می‌پندارند، هراسی از تحمیل این کیفرها بر خود راه نمی‌دهند. آنان مرگ در راه آزادی را شهادت نامیده و همگان را شایسته رسیدن به این عنوان نمی‌دانند. بنابراین در باور آنان مرگ در راه آزادی سود مطلق و عملی منطقی است. بنیادگرایان اسلامی همچون داعش و القاعده شاهد حال بارزی برای این دسته از جرائم هستند. زیرا به رغم آگاهی از اجرای کیفر مرگ در صورت دستگیری، با منطق ایدئولوژیک به ارتکاب جرم می‌پردازند و هرگونه مرگ در این راه را شهادت و موجب رستگاری ابدی می‌پندارند.

۲-۲. عقلانیت محدود^۱

نظریه بازدارندگی با تأکید بر رکن عقلانیت، بزهکاران را افرادی عاقل و محاسبه‌گر می‌پندارد. اما سؤالی که در این رابطه مطرح می‌شود این است که نقش عقلانیت و میزان آگاهی که فرد از جرم و شرایط ارتکاب آن دارد، به چه میزانی است؟ آیا همه بزهکاران افراد کاملاً منطقی و عقلانی هستند و در زمان ارتکاب جرم رفتاری عقلانی از خود به نمایش می‌گذارند؟ نظریه پردازان سنتی بازدارندگی، با اعتقاد بر عقلانیت کامل^۲ بر این باورند که همه افراد به رغم تفاوت‌هایشان درک یکسانی از جهان پیرامون خود دارند و قابلیت ارزیابی کامل شرایط و پیش‌بینی وقایع پیش‌رو را دارند و در برابر کنش‌های یکسان، واکنش‌های مشابهی از خود بروز می‌دهند. در حالی که از عقلانیت محدود و به عبارتی از محدودیت‌های شناختی، احساسی و بشردوستی در فرایند محاسبه‌گری پیش از ارتکاب بزه غفلت ورزیده‌اند. به عقیده هربرت الکساندر سایمون^۳، واضح مفهوم عقلانیت محدود، «زمانی که فرد در هنگام تصمیم‌گیری با محدودیت اطلاعاتی، گستردگی مسئله، محدودیت‌های شناختی ذهن و محدودیت زمانی مواجه باشد و در چنین شرایطی تصمیم بگیرد، عقلانیت محدودی خواهد داشت. در این حالات، تصمیم‌گیرنده به جای راه‌حل بهینه در پی دستیابی به راه‌حلی رضایت‌بخش است» (Simon, 1997: 292). با توجه به این مفهوم، در قسمت اول محدودیت فرضیه محاسبه‌گری عقلانی در مورد جرائم گوناگون موجب مرگ را بررسی خواهیم کرد و در قسمت دوم، به بررسی این مهم می‌پردازیم که آیا همه بزهکاران بالقوه‌ای که در صدد ارتکاب جرائم مستوجب مرگ هستند، افرادی عاقل و محاسبه‌گر هستند؟

۲-۲-۱. به اعتبار جرم

نظریه‌پردازان بازدارندگی، با تکیه بر تحلیل عقلانی کامل جرم و شرایط ارتکاب پیش از اقدام به آن، بر این باورند که منافع احتمالی اندک و هزینه‌های احتمالی فراوان بزهکاران

1. Bounded Rationality

2. Perfect Rationality

3. Herbert Alexander Simon

را از ارتکاب جرم باز خواهد داشت. غفلت فایده‌گرایان ابقاگرا از محاسبه و ارزیابی شرایط حاکم بر ارتکاب جرم، آنان را از جرائم مخل محاسبه عقلانی بازداشته است. گفتنی است که جرائم مستلزم مجازات مرگ را می‌توان از حیث عقلانیت ارتکاب آنها به جنایات ابزاری^۱ و اعلامگرا - احساسی^۲ تقسیم کرد. جنایات ابزاری «با هدف بهبود وضعیت اجتماعی و یا مالی بزهکار ارتکاب می‌یابند». در حالی که جرائم اعلامگرا - احساسی، «با هدف خروج از وضعیت ناامیدکننده کنونی، ارتکاب یافته» (Siegel and Senna, 2005: 70) و غالباً بدون برنامه‌ریزی و در اثر احساساتی نظیر خشم، ترس و ناامیدی واقع می‌شوند.^۳

در جرائم ابزاری، جرم به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به هدفی به‌کار می‌رود. به‌عنوان مثال، هدف فروشنده مواد مخدر، دستیابی به ثروت فراوان است و یا سارق با هدف کسب مال مورد نظر خود، اقدام به سرقت آن می‌کند. بزهکاران برای ارتکاب این دسته از جرائم غالباً محاسبه‌گری می‌کنند و چنانچه منافع حاصل از ارتکاب بزه بیشتر از مضرات آن باشد، مبادرت به انجام آن می‌کنند. در مقابل، در جرائم اعلامگرا، بزهکار بدون سبق تصمیم و در حالت روحی غیرمتعادل مرتکب جرم می‌شود. نمونه بارز این مورد جرائم هیجانی^۴ هستند. در جرائم هیجانی، بزهکار به‌علت قرار گرفتن در شرایط روانی ویژه، به محض وقوع کنش، واکنشی طبیعی از خود بروز داده و به محاسبه‌گری نمی‌پردازد. «بزهکاران هیجانی در غالب موارد از روی بی‌احتیاطی - و نه لزوماً به صورت عمدی - رفتار کرده و اغلب به دنبال هیجان هستند» (Marsh, 2006: 61). بسیاری از انواع قتل‌ها، ضرب و جرح‌های حین منازعه (Hudson, 2003: 22)، جرائمی که در اثر توهین و تمسخر به مهاجم یا سرخوردگی از شرایط اجتماعی و اقتصادی به وقوع می‌پیوندند در زمره جرائم اعلامگرا قرار دارند. از این‌روست که به باور برخی از جرم‌شناسان «بسیاری از بزهکاران محاسبه‌گر و پلید نیستند، بلکه بی‌بضاعت و سرخورده هستند. آنان در مناطق نابسامان شهر رشد یافته‌اند و فاقد حمایت‌های اجتماعی و منابع اقتصادی موجود برای قشر ثروتمند جامعه هستند» (Siegel and Welsh, 2011: 92). بنابراین نظام عدالت کیفری در چنین مواردی

1. Instrumental Crimes

2. Expressive Crimes

۳. برخی بر این عقیده‌اند که تمایز بین جرائم ابزاری و جرائم رسا همچون جرائم ناگهانی و جرائم با سبق تصمیم قبلی است.

4. Impulsive Offences

باید درصدد رفع نابرابری‌های طبقاتی جامعه و یا دشوار کردن شرایط پیش‌جنایی و نه توسل به منطق بازدارندگی از طریق تحمیل کیفرهای خشن باشد.

«براساس دکترین بازدارندگی، با استفاده از تهدید ضمانت‌اجراهای قانونی، می‌توان از جرائم ابزاری پیشگیری کرد. درحالی‌که، ضمانت‌اجراهای احتمالی تأثیر بازدارنده چندانی بر جرائم اعلام‌گرا ندارند» (Godwin, 2000: 106). بنابراین، درصورت افزایش هزینه‌های ارتکاب جرائم ابزاری و به عبارتی مداخله در مرحله پیش‌جنایی، می‌توان از قسمتی از این جرائم پیشگیری کرد. انتقادی که به مفهوم محاسبه‌گری قبل از ارتکاب جرم وارد است، در اینجا بسیار مشهود است. بسیاری از جرائم مستوجب مجازات مرگ، به‌ویژه جرائم مستوجب قصاص نفس، جرائم آبی و بدون سبق تصمیم هستند و قدرت تصمیم‌گیری منطقی بزهکار در آن شرایط کم شده و فارغ از نتایج احتمالی مبادرت به ارتکاب جرم می‌کند. ارتکاب جرم قتل در حال خشم کمتر از حد جنون، هیجان‌زدگی و یا نمونه‌هایی از این قبیل، قدرت تصمیم‌گیری بزهکار را مختل می‌کند. به‌عنوان نمونه، فردی که به‌دلیل توهین‌های متوالی دیگری، عنان از کف داده و توهین‌کننده را به قتل می‌رساند، در آن لحظه به مجازات مرگ نمی‌اندیشد و به همین دلیل است که کیفر مرگ بروی تأثیر بازدارنده نداشته و مرتکب قتل می‌شود. قتل‌های ناموسی نیز در زمره بارزترین نمونه‌های عدم محاسبه‌گری بزهکاران جرائم مستوجب مجازات مرگ است. بیشتر مرتکبان این نوع از قتل‌ها به عواقب ناشی از عمل نمی‌اندیشند و تحت تأثیر احساسات توأم با خشم، انتقام و هیجان مرتکب قتل می‌شوند. همچنین، اعمال مجازات اعدام بر بزهکاری که در حالات گفته شده مستحق مجازات مرگ شناخته می‌شود، خاصیت بازدارندگی عام خود را هم از دست می‌دهد و چه بسا افکار عمومی شدت مجازات فوق را قبول نکنند و آن را ناعادلانه پنداشته و بزهکار را مستحق مجازات خفیف‌تر (نظیر حبس) بدانند.

۲-۲-۲. به اعتبار مجرم

یکی از مهمترین انتقادات وارده بر نظریه بازدارندگی، تعمیم محاسبه‌گری به تمام گروه‌های بزهکاران است. عقلانیت مورد نظر نظریه ارباب با تسری به همه بزهکاران، آنان را افرادی

عاقل^۱ و محاسبه‌گر^۲ می‌پندارد. درحالی‌که بسیاری از بزهکاران از منطق سود و زیان مورد نظر نظریه بازدارندگی پیروی نمی‌کنند. اگرچه این دسته از بزهکاران مشمول عوامل رافع یا موجهه مسئولیت کیفری نمی‌شوند، اما در واقع بزهکاران محاسبه‌گر مورد نظر این نظریه نیز نیستند. در این قسمت به معرفی برخی از بزهکاران فاقد این صفات و احتمال عدم بازدارندگی مجازات مرگ بر آنها می‌پردازیم.

دسته نخست بزهکارانی هستند که به علت بیماری‌های شدید روحی - روانی قابلیت کنترل رفتار خود را ندارند. افراد دائم‌الخمر، مصرف‌کنندگان روان‌گردان‌ها و افراد دارای نابهنجاری‌های شخصیتی که قدرت ارزیابی شان مختل شده از جمله این بزهکاران هستند. به‌عنوان مثال، فردی متعلق به طبقات فرودست جامعه و فاقد فرصت‌های اجتماعی برای جابه‌جایی طبقاتی به گروه‌های متوسط، موظف به بیگاری برای کارفرمای خود و دریافت جزئی از حقوقش است. شرایط نامساعد اجتماعی، روزه‌های امید را بر روی وی بسته‌اند و برای تأمین معاش خود مبادرت به قتل کارفرما و سرقت اموال وی می‌کند. دسته دوم، بزهکاران طماع^۳ هستند. از نظر این گروه از بزهکاران، سود حاصل از ارتکاب جرم همواره بر ضرر و زیان ناشی از آن برتری دارد (Siegel, 2011: 125) و به همین دلیل برای به‌دست آوردن منافع حاصل از جرم، به طمع می‌افتند. به‌عبارت‌دیگر، منافع حاصل از ارتکاب جرم، با تحریک حس تطمیع این دسته از افراد و اخلاص در قدرت محاسبه‌گری آنان به برآورد اشتباه احتمال کشف جرم و دستگیری منجر می‌شود. نمونه بارز این مورد، جرائم اقتصادی منجر به مجازات مرگ است. برخی از بزهکاران اقتصادی با وجود اطلاع از مجازات مرگ برای جرائم اقتصادی کلان و صدور احکام متعدد، خود را باهوش‌تر از محکومین سابق پنداشته و خطر کشف جرم و دستگیری را کوچک می‌شمارند. مرتکبین جرائم جنسی موجب مجازات مرگ نیز در این گروه جای می‌گیرند. برخی از این افراد، با تصور فانتزی‌های مورد نظر خود در بزه‌دیده، به ارتکاب جرم تحریک شده و قدرت محاسبه‌گری آنها مختل می‌شود.

-
1. Rational
 2. Calculator
 3. Greedy Criminals

دسته سوم، بزهکاران بی‌باک^۱ هستند. این دسته از بزهکاران «معمولاً به دنبال خطر و نه پرهیز از آن» هستند (یزدیان جعفری، ۱۳۹۱: ۷۹) و چه بسا برای نیل به اهدافشان تنها به تغییر شیوه ارتکاب جرم مبادرت و گمان بر «دور زدن قانون» می‌کنند. به‌عنوان نمونه، فردی که به دلیل کینه‌ای قدیمی، قصد به قتل رساندن دیگری از طریق غرق کردن وی در دریا را داشته است، فقط شیوه ارتکاب خود را تغییر داده و از طریق مسموم کردن بزه دیده به هدف خود می‌رسد.

۳-۲. بی‌هزینه شدن ارتکاب سایر جرائم

شدت مجازات‌ها همواره اثر اراعی نخواهد داشت، بلکه چنانچه از حد خاصی بیشتر شود، اثر معکوس خواهد گذاشت. از این رو، باید در زمان جرم‌انگاری توجه ویژه‌ای به اصل تناسب مجازات با کیفر شود. اهمیت رعایت این اصل در جرائم مستوجب کیفر مرگ دوچندان است. تعیین کیفر مرگ برای جرائم با شدت اندک، موجب بی‌هزینه شدن ارتکاب سایر جرائم برای بزهکار می‌شود. زیرا، «نظام عدالت کیفری پیشتر تمامی سرمایه‌ها و دارایی‌های مجرم را با اعمال چنین مجازات شدیدی از وی گرفته است. بنابراین، مجرم با این تفکر مرتکب جرم می‌شود که دیگر چیزی برای از دست دادن نخواهد داشت» (جوان جعفری و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۶). اعمال مجازات شدید و نامتناسب با جرم ارتكابی، نه تنها بزهکار را از ارتکاب جرم باز نمی‌دارد (بازدارندگی خاص) بلکه منجر به ایجاد جرائم مرتبط و حاشیه‌ای نیز می‌شود. در این حالت بزهکار با تمام قوا، به ارتکاب جرم می‌اندیشد و برای دستیابی به هدف مورد نظر از هیچ‌گونه تلاشی دریغ نخواهد کرد. این وضعیت برای آن دسته از جرائمی که مجازات مرگ به صورت ناعادلانه برای آنها پیش‌بینی شده، نیز قابل مشاهده است. چرا که، در این حالت مقنن بالاترین دارایی بزهکار، یعنی حیات وی را هدف گرفته است. بنابراین با بی‌هزینه شدن سایر جرائم دارای مجازات کمتر از مرگ، هراسی از ارتکاب آنها به خود راه نخواهد داد. مثال کلاسیکی که در این باره وجود دارد، تعیین مجازات مرگ برای سارقان است. «در صورت تعیین کیفر

مرگ برای سارقین، آنان در صدد قتل شهود نیز برمی آیند، زیرا کیفر مرگ جانشان را هدف می‌گیرد» (Farrow and Zerbe, 2013: 167).

نمونه بارز این امر در کشورمان را می‌توان در مواد (۴ و ۸) قانون سابق مبارزه با مواد مخدر مشاهده کرد. بند «۶» ماده (۸) این قانون برای کسانی که بیش از سی گرم هروئین، مورفین، کوکائین و دیگر مشتقات شیمیایی مورفین و کوکائین را وارد کشور می‌کردند یا مبادرت به ساخت، تولید، توزیع، صدور، ارسال و خرید و فروش این مواد می‌کردند و یا آنها را در معرض فروش قرار می‌دادند یا نگهداری، مخفی یا حمل می‌کردند و برای اولین بار مرتکب این جرم نشده بودند، حکم اعدام پیش‌بینی کرده بود. تعیین حدنصاب بیشتر از سی گرم در مقایسه با عمل ارتكابی، مجازات متناسبی برای این جرائم به نظر نمی‌رسید. نتیجه تعیین چنین مجازاتی، اعلام جنگ به بزهکاران جرائم مواد مخدر بود. نمونه بارز این مشکلات در جرائم قاچاق مواد مخدر به چشم می‌خورد. در این حالت بزهکار با خود می‌اندیشد حالا که برای بیش از سی گرم چنین مجازاتی وجود دارد، چرا مبادرت به ارتكاب جرم قاچاق مواد مخدر به میزان یک یا چند تن نکند؟ یکی از نتایج بی‌هزینه شدن ارتكاب جرم برای قاچاقچیان مواد مخدر، وقوع درگیری‌های مسلحانه و استفاده از سلاح‌های سنگین در این درگیری‌ها و شهادت شمار زیادی از ضابطین بود.

۴-۲. اشتباهات قضایی

نظام‌های کیفری بر پایه توانایی‌های محدود انبای بشر برای قضاوت بنا شده‌اند. اگرچه محدودیت این توانایی‌ها نباید مانع از برقراری نظم و امنیت عمومی شود، اما در صورت مطرح بودن بالاترین ارزش مورد حمایت قانون، یعنی جان افراد، نمی‌توان بر آنها سرپوش گذاشت. در صورت محکومیت به کیفر حبس و یا جزای نقدی در نتیجه اشتباهات قضایی، امکان جبران خسارت و اعاده وضع به حالت سابق وجود خواهد داشت، در حالی که اجرای احکام اشتباه مجازات مرگ، راهی بدون بازگشت خواهد بود. به موجب یکی از آخرین تحقیقات، احتمالاً از هر ۲۵ حکم مرگ یک بی‌گناه (۴ درصد) به این مجازات محکوم شده است (Gross, 2014). همچنین نتایج حاصل از بررسی ۷۴۸۲ پرونده مجازات مرگ از سال

۱۹۷۳ تا ۲۰۰۴ حاکی از آن است که حداقل ۸۳ نفر (۴/۱ درصد) از محکومین به مرگ اشتباهاً به این کیفر محکوم شده‌اند. علاوه بر این موارد باید به یاد داشت که احتمالاً تعداد زیادی از افرادی که به طور اشتباهی به مجازات مرگ محکوم شده‌اند، هرگز شناسایی نشده و حکم مرگ در مورد آنها اعمال می‌شود (Ibid.).

انتقادات فراوان در این زمینه، برخی از نوفایده‌گرایان ابقاگرا را به اتخاذ موضعی جدید واداشت. آنان با تأیید اشتباهات قضایی در صدور احکام اعدام، وجود چنین اشتباهاتی را نظیر سایر اشتباهات قضایی پنداشته‌اند. به باور این دسته از افراد، مزایای اخلاقی تحمیل کیفر مرگ بر بزهکاران مستحق این کیفر بیشتر از مضرات اخلاقی ناشی از موارد اندک اعدام افراد بی‌گناه است و جامعه در محاسبه‌ای عقلانی منافع را بر مضرات ترجیح خواهد داد (Haag and Conrad, 1986: 226). آنان بر این عقیده‌اند که همه‌روزه تعداد زیادی از افراد بی‌گناه در اثر تصادفات، سوانح کاری حین ساختمان‌سازی و یا برق‌رسانی جان خود را از دست می‌دهند، با این حال، از ادامه فعالیت‌های موجد این اتفاقات دست نمی‌کشیم، زیرا مزایای ناشی از انجام این فعالیت‌ها بسیار بیشتر از مضرات آنهاست. در نتیجه، به رغم وجود اشتباهات قضایی، مزایای اجرای عدالت با وجود صدور احکام اشتباه مرگ، بیشتر از مضرات ناشی ترک آن خواهد بود (Cullagh, 2005: 162). این موضع از سه جهت قابل انتقاد است. اول آنکه اگرچه که شاید همگان از صدور احکام اشتباه کیفر مرگ آگاهی نیابند، اما به مرور زمان و با پخش اخبار و تحقیقات ناشی از این امر، اثر بازدارنده این مجازات‌ها از بین خواهد رفت. زیرا فرض بر این است که بازدارندگی کیفر به واقعیت داشتن جرم ارتكابی منوط است. در غیر این صورت، تابعین قانون، مجازات را منصفانه نمی‌دانند و با محکومین همزادپنداری می‌کنند. دوم آنکه، اجرای احکام اشتباه کیفر مرگ حتی می‌تواند موجب کاهش و یا خنثی‌سازی تأثیر بازدارنده احکام صحیح شود تا جایی که با افزایش اشتباهات قضایی، اثر بازدارندگی عام احکام صحیح کیفر مرگ نیز در معرض دستخوش قرار می‌گیرد و این گمان را برای افراد ایجاد می‌کند که چه بسا این دسته از محکومین نیز بی‌گناه باشند. آخر آنکه، مرگ حتی یک بی‌گناه با هیچ توجیه و فایده‌ای قابل پذیرش نیست.

۵-۲. قطعیت اندک مجازات مرگ

بکارها بر این باور بود که قطعیت مجازات از شدت اجرای آنها مهمتر است و این پیام را به بزهکاران بالقوه مخابره می‌کند که در صورت ارتکاب جرم مصون از مجازات نخواهند بود. فایده‌گرایان کیفر را زمانی بازدارنده می‌پندارند که بدون هیچ‌گونه ملایمتی، دقیقاً اجرا شود و برای نیل به این هدف باید از اعطای هرگونه نهادهای تقلیل‌دهنده مجازات، همچون تخفیف، تعلیق، آزادی مشروط و عفو اجتناب کرد. زیرا «حتمی بودن عقوبتی حتی معتدل، همیشه تأثیر شدیدتر از ترس از مجازاتی موحش که امید رهایی در آن راه دارد برجای می‌گذارد» (بکارها، ۱۳۸۹: ۸۶). فایده‌گرایان بر این باورند که تأثیر بازدارنده مجازات مرگ برای پیشگیری از جرائم احتمالی، منوط به اجرای آن است و نباید هیچ احتمالی برای برخورداری بزهکاران از نهادهای حمایتی برای لغو کیفر مرگ وجود داشته باشد. اما، شواهد حاکی از آن است که عدم قطعیت مجازات مرگ نسبت به سایر مجازات‌ها بسیار بیشتر است. حساسیت موضوع این مجازات، یعنی جان افراد، یکی از دلایل عمده عدم قطعیت آن است.

در اغلب پرونده‌ها صدور حکم براساس امارات، شواهد و قرائن صورت می‌گیرد و در بسیاری از موارد به علت تعارض ادله با یکدیگر، دستیابی به حقیقت برای مقام تعقیب، صدور حکم بدوی و تجدیدنظر بسیار دشوار و زمان‌بر است. وجود چنین ابهاماتی گاه‌ها به اجتناب از صدور حکم مرگ و تعیین کیفری دیگر منجر می‌شود. به‌عنوان نمونه براساس پژوهش انجام شده توسط مرکز اطلاع‌رسانی مجازات مرگ ایالات متحده آمریکا میزان اعدام‌های اجرا شده برای محکومان منتظر اعدام در زندان‌ها بسیار اندک است (DPIC, 2019) درحالی‌که بنابر اصول بنیادین نظریه بازدارندگی، کیفرها باید اجرا شوند نمونه‌ای دیگر این مورد را می‌توان در جرائم مواد مخدر در کشورمان مشاهده کرد. بنابر آمارهای رسمی در فاصله زمانی بین سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۸، در مجموع ۸۹۹۷ نفر از بزهکاران محکوم به اعدام شده‌اند (ساک، ۱۳۸۰: ۱۹۷). همچنین براساس آمار منتشر شده از سوی اداره مطالعات و پژوهش‌های ستاد مبارزه با مواد مخدر تعداد محکومان به اعدام در فاصله سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶ حدود پنج هزار نفر بوده است که از این تعداد به‌طور میانگین ۴۵/۵ درصد در مرحله رسیدگی در دادستانی

کل و دیوان عالی کشور تأیید و اجرا و بقیه نقض شده‌اند (قناد، ۱۳۷۹: ۲۱۶). چه بسا یکی از دلایل رشد روزافزون جرائم مواد مخدر مستحق مرگ، آسودگی خاطر بزه‌کاران با توجه به رویه موجود برای عدم شمول کیفر اعدام در قالب نهادهایی چون عفو و یا تخفیف باشد. نتایج حاصل از سرشماری قضایی کشوری نیز همین آن است که به رغم کیفر مرگ، شمار بزه‌کاران مواد مخدر همچنان در حال افزایش است و قاچاقچیان و عوامل توزیع‌کننده مواد مخدر با آگاهی از عدم قطعیت این کیفر، اجرا نشدن آن را در محاسبات خود می‌گنجانند (جدول ۲). در مقابل، عدم امکان استفاده از نهادهای مخففه مجازات برای کیفر ثابت قصاص، به‌استثنای موارد خاص تبدیل اجباری و یا اختیاری، در صورت وجود دیگر مؤلفه‌های نظریه بازدارندگی می‌تواند بازدارندگی جزئی از ارتکاب قتل‌های بالقوه آتی را در پی داشته باشد.

جدول ۲. دستگیرشدگان در ارتباط با انواع مواد مخدر کشف شده به تفکیک جرم

سال	جمع کل	قاچاقچیان و عوامل توزیع‌کننده مواد مخدر
۱۳۷۵	۱۳۹۵۰۲	۵۷۸۳۹
۱۳۸۰	۳۱۶۳۹۱	۱۱۳۳۱۷
۱۳۸۵	۴۲۶۸۰۹	۱۳۳۳۳۲
۱۳۹۰	۲۷۲۵۶۸	۲۵۲۱۹۷
۱۳۹۱	۲۶۵۲۰۶	۲۲۱۸۸۰
۱۳۹۲	۲۷۸۳۵۱	۲۳۱۲۸۷
۱۳۹۳	۳۵۴۴۰۹	۲۶۷۳۹۶
۱۳۹۴	۳۵۹۰۹۵	۲۴۴۳۴۶

مأخذ: مرکز آمار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۷.

۲-۶. سرعت پایین اجرای مجازات مرگ

براساس نظریه بازدارندگی، یکی از ارکان سه‌گانه دستیابی به تأثیر ارعابی کیفر، اجرای سریع آن پس از صدور حکم قطعی است. بکار یا براین باور بود که «هرچه زمان میان تبه‌کاری و کیفر

کوتاه‌تر باشد، تداعی دو مفهوم جرم و کیفر در ذهن قوی‌تر و پایدارتر خواهد بود، به نحوی که یکی را علت و دیگری را معلول ضروری و حتمی به‌شمار می‌آورد» (همان: ۸۴). گذر زمان می‌تواند به کم‌رنگ شدن خاطره جرم ارتكابی و حتی فراموش کردن آن توسط مردم منجر شود و در این حالت هدف ارباب محقق نخواهد شد. اما، برگشت‌ناپذیری حیات سلب شده در کیفر مرگ به طولانی شدن فرایند تحقیقات مقدماتی، صدور حکم، تجدیدنظرخواهی و فرجام‌خواهی از این حکم منجر می‌شود. تاجایی که، چه بسا افرادی به مدت یک دهه و حتی بیشتر در انتظار اجرای کیفر مانده‌اند. به‌عنوان نمونه براساس آمار فاصله زمانی بین صدور حکم تا اجرای کیفر مرگ برای محکومان آمریکایی در انتظار کیفر قتل در سال ۲۰۱۵، بسیار زیاد است تا آنجاکه برخی از محکومان بیش از بیست سال در انتظار اجرای کیفر مرگ هستند. در جریان پرونده معروف فورمن علیه جورجیا^۱ در سال ۱۹۷۲، قضات دادگاه عالی آمریکا به همین دلیل از صدور کیفر مرگ برای مرتکب جرم تجاوز مخالفت کردند. به‌نظر آنان «یک فرد محاسبه‌گر با خود می‌اندیشد که خطر کیفر مرگ برای جرائم تجاوز یا قتل بسیار دور و غیرمتمحمل است و احتمال بسیار کمی برای اعمال کیفر مرگ برای این جرائم سنگین در آینده وجود دارد، در مقابل، خطر اعمال کیفر حبس بلندمدت برای این جرائم بسیار نزدیک و شدید است» (U.S. Supreme Court, 1972: 408).

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

گستره تاریخ بشری همواره صحنه تقابل آرای اندیشمندان و فلاسفه در مورد کیفر مرگ بوده و هر اندیشمندی به‌زعم خود، یار نظام عدالت کیفری شده و درصدد ارائه قرائتی فلسفی از ضرورت ابقا و یا الغای این کیفر برآمده است. در بین سه‌گانه نظریات پیشینه‌گرا، پیامدگرا و ترکیبی، پیامدگرایان حجم وسیعی از نظریات فلسفی در مورد توجیه اخلاقی «چرایی تحمیل کیفر مرگ» را به خود اختصاص داده و بیشترین تأثیر را بر سیاستگذاران کیفری گذاشته‌اند. گروهی از آنان، با گزینش رویکرد ابقاگرا، کیفر مرگ را به مثابه شری ضروری پنداشته و

1. Furman Georgia

تحمیل آن را برای نیل به بیشترین شادی ضروری می‌شمارند. با این حال، تلقی کیفر مرگ به‌عنوان ابربازار معین نظام عدالت کیفری در پیشگیری از بزهکاری، پاشنه آشیل نظریات این گروه از فلاسفه است. زیرا علوم اثباتی یافته‌های متناقض فراوانی در مورد دستیابی به بیشترین سعادت اجتماعی در نتیجه تحمیل کیفر مرگ ارائه داده‌اند. همچنین الغاگرایان کیفر مرگ را به‌عنوان یک کل در نظر گرفته و سعی در رد آن دارند. آنان با رد و یا تشکیک در کارکرد بازدارنده کیفر، بر این باورند که هزینه‌های ناشی از تحمیل آن بر مزایای احتمالی پیشی می‌گیرد. در حالی که، کارکرد بازدارنده کیفر مرگ در مورد برخی از جرائم و یا بزهکاران بالقوه قابل بحث است و نمی‌توان حکمی کلی برای همه انواع بزهکاران و بزه‌ها صادر کرد. این‌گونه به نظر می‌رسد که ابقاگرایان و الغاگرایان فایده‌گرا هر کدام توانسته‌اند تا حدودی ابعاد صحیحی از موضوع را بشکافند. عرف، سنت فکری و شرایط اجتماعی حاکم بر جوامع در زمره مؤلفه‌های تأثیرگذار بر دستیابی به کارکرد بازدارندگی کیفرها هستند. چه بسا کیفر مرگ در جامعه‌ای منجر به پیشگیری از جرائم احتمالی شود و در نتیجه سودمند باشد، در حالی که در بستر اجتماعی دیگر، خطرآفرین بوده و هزینه‌های بی‌شماری بر نظام عدالت کیفری و حتی حاکمیت سیاسی تحمیل کند.

به‌رغم آرای فراوان و تلاش‌های بی‌پایان فایده‌گرایان، موفقیت چشمگیری در ارائه توجیهی جامع از ضرورت اخلاقی کیفر مرگ حاصل نشده است. تاجایی که، نگرستن به کیفر مرگ از دریچه انحصاری اصالت فایده، بر شمار پرسش‌های بی‌پاسخ ضرورت توجیه سلب حیات می‌افزاید. امکان دارد پیروی از سنت فکری فیلسوفان قائل به نظریات ترکیبی، همچون هارت، در اینجا کارآمد باشد و بتوان با استفاده از آن از شمار ابهامات کم کرد. البته، در نظام‌های حقوقی مبتنی بر شریعت، در برخی از موارد تمسک توأمان به این نظریات ممکن نبوده و گاه باید از یکی از اضلاع این سه‌گانه فلسفی چشم‌پوشی کرد. آن دسته از جرائم انگشت‌شماری که اجماعاً به موجب شریعت مستحق کیفر مرگ هستند، باید بر مبنای عدالت استحقاقی پاسخ داده شوند. اما، در بقیه موارد، می‌توان کاربرد ترتیبی دو معیار سزاگرایی برای توجیه نخستین تحمیل کیفر مرگ

۱. گفتنی است که پیشنهاد نویسندگان مقاله حاضر، متفاوت از نظریه ترکیبی پروفیسور هارت است. برای آشنایی با نظریه ایشان رجوع کنید به (Hart, 1960).

و سپس سودمندی برای تحمیل آن را پیشنهاد کرد. مقنن، در چنین مواردی در گام اول ملزم به بررسی مشروعیت اخلاقی تحمیل کیفر مرگ و سپس ارزیابی منافع و مضرات احتمالی ناشی از اجرای آن است و در صورت تجمیع هر دو معیار، مبنای اخلاقی تحمیل کیفر مرگ محقق می‌شود. اما، همان‌گونه که فایده‌گرایان نیز بارها اذعان داشته‌اند، اجرای کیفر در مقام عمل بدون آسیب به اهداف اصالت‌فایده، نیازمند رعایت مؤلفه‌های بسیار فراوانی است و چشم‌پوشی و یا غفلت از هر یک از آنها، موجب اخلال در تأثیر بازدارنده کیفر مرگ خواهد شد.

علت تمسک به رویکرد سزاگرایانه، به عنوان سرآغاز توجیه دستیازی به کیفر مرگ در مدل پیشنهادی آن است که به‌رغم فقدان همبستگی و یا وجود همبستگی منفی بسیار ضعیف بین تحمیل کیفر مرگ و ارتکاب جرائم مستوجب سلب حیات، روح عدالت‌خواهی جامعه در چنین مواردی خواهان رعایت اصل تناسب و تمسک به سزای عادلانه است. در چنین مواردی، مرگ در قبال جرائم منجر به مرگ، چه بسا موجب تشفی خاطر بزه‌دیدگان غیرمستقیم این جرائم (به‌عنوان نمونه خانواده و یا جامعه محلی) شود. در همین راستا، سیاستگذاران کیفری موظف به شناخت مهمترین این موارد (از طریق نظرسنجی‌ها، فرآیند و...) و تعیین کیفر برای آنهاست. با این حال، بازگشت به سزاگرایی به‌عنوان مبنای نخستین توجیه تحمیل کیفر مرگ، باید موردی باشد و زمانی می‌توان سلب حیات دیگری را مشروع دانست که معیارهای مناسبی اتخاذ شود. به‌عنوان نمونه، معیار خطرآفرینی مبنایی برای سلب حیات محکومان، از دیرباز تاکنون دستاویزی برای حکومت‌ها فراهم کرده تا با تمسک به آن به تصفیه مخالفان خود در غالب جرائم سیاسی و امنیتی بپردازند.

منابع و مآخذ

۱. افلاطون (۱۳۶۷). دوره آثار افلاطون، ترجمه محمدحسن لطفی، جلد چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
۲. بکاریا، سزار (۱۳۸۹). جرائم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، چاپ ششم، تهران، میزان.
۳. جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا، زهرا فرهادی آلاشتی و سیدمحمدجواد ساداتی (۱۳۹۵). «بازدارندگی و سنجش آن در فلسفه کیفر»، پژوهشنامه حقوق کیفری گیلان، سال هفتم، ش ۲.
۴. حسینی، سیدمحمد و علی صابری تولایی (۱۳۹۳). «توجیه مجازات: بررسی یک نظریه ترکیبی»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۶۷.
۵. ساکی، محمدرضا (۱۳۸۰). جرائم مواد مخدر از دیدگاه حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل، تهران، خط سوم.
۶. فرح‌بخش، مجتبی (۱۳۹۲). جرم‌نگاری فایده‌گرایانه، تهران، میزان.
۷. قناد، فاطمه (۱۳۷۹). «بررسی تناسب میان جرم و مجازات در جرائم مواد مخدر در نظام حقوقی ایران»، همایش بین‌المللی علمی-کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، جلد اول، نشر روزنامه رسمی کشور.
۸. یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۹۱). چیرایی و چگونگی مجازات، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۹. لاک، جان (۱۳۹۱). رساله‌ای درباره حکومت، ترجمه حمید عضدانلو، تهران، نشر نی.
۱۰. مرکز آمار جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۷). «دستگیرشدگان در ارتباط با انواع مواد مخدر کشف شده به تفکیک نوع جرم»، قابل بازیابی در:

DastgirShodegan_Mavad_Mokhader <https://www.amar.org.ir>.

11. Becker, Gary S. (1968). "Crime and Punishment: An Economic Approach," in *Journal of Political Economy*, 76 (2).
12. --- (2006). *On the Economics of Capital Punishment. Economists' Voice*.www.bepress.com/ev.
13. Becker, Gary S and Richard A Posner (2009). *Uncommon Sense: Economic Insights, from Marriage to Terrorism*, The University of Chicago Press.

14. Bedau, Hugo Adam (1983). Bentham's Utilitarian Critique of the Death Penalty, *In Crim, L. and Criminology*.
15. Bentham, Jeremy (2012). *The Rationale of Punishment*, Forgotten Books.
16. --- (2018). *The Works of Jeremy Bentham* (volume 11), Forgotten Books.
17. ---. (1789). *An Introduction to the Principles of Morals and Legislation*, Jonathan Bennett.
18. Braund, Susanna (2009). *Seneca: De Clementia*, Oxford University Press.
19. Conway, D. A. (1975). Capital Punishment and Deterrence, Some Considerations in Dialogue.
20. Ehrlich, Isaac (1975). "The Deterrent Effect of Capital Punishment: A Question of Life and Death", *In The American Economic Review*, 65(3).
21. Farrow, Scott and O. Zerbe. Richard. (2013). *Principles and Standards for Benefit-Cost Analysis*, Edward Elgar Pub.
22. Godwin, Grover Maurice (2000). *Criminal Psychology and Forensic Technology: A Collaborative Approach to*.
23. Gross, R. (2014). "Rate of False Conviction of Criminal Defendants: Who Are Sentenced to Death", *Proceedings of the National Academy of Sciences*, the United States of America, (Article).
24. Hart, H., (1960). "Prolegomenon to the Principles of Punishment", *Proceedings of the Aristotelian Society*, Vol. 60.
25. Haag, Van den (1995). On Deterrence and the Death Penalty, *In Punishment and the Death Penalty: The Current Debate*, eds. R. M. Baird and S. E. Rosenbaum. Prometheus Books.
26. Haag, Van den and Conrad Ernest and Phillips John (1983). *The Death Penalty: A Debate*.
27. Hartjen, Clayton A (1981). "Crime as Commonsense Theory" *in Criminology*.
28. Hart, H. L. A. (1968). *Punishment and Responsibility*, Oxford University Press.
29. Hudson, B.)2003(. *Understanding Justice, An Introduction to Ideas, Perspectives*

and Controversies in Modern Penal Theory, Open University Press.

30. <https://deathpenaltyinfo.org/deterrence-states-without-death-penalty-have-had-consistently-lower-murder-rates>.
31. <https://deathpenaltyinfo.org/execution-list-2015>.
32. Marsh, I. (2006). *Theories of Crime*, Routledge.
33. Melusky, Joseph Anthony and Keith A. Pesto (2017). *The Death Penalty: A Reference Handbook*.
34. Mill, John Stuart (1868). "Speech in Favor of Capital Punishment in", *The Collected Works of John Stuart Mill, Vol. XXVIII*. Public and Parliamentary Speeches.
35. Murphy, Jeffrie G. (1987). "Does Kant Have a Theory of Punishment?" In *Columbia Law Review*, Vol. 87, No. 3.
36. Mocan, H. Naci and R. Kaj Gittings (2003). "Getting off Death Row: Computed Sentences and the Deterrence Effect of Capital Punishment", *Journal of Law and Economics*, Vol. XLVI.
37. National Research Council and Division of Behavioral and Social Sciences and Education (NRC and DBASSE) (2012). *Deterrence and the Death Penalty*, National Academies Press.
38. Nisbett, Richard and Lee Ross (1980). *Human Inference: Strategies and Short Comings of Social Judgment*, Prentice-Hall.
39. Pojman, L. P and J. Reiman (1998). *The Death Penalty: For and Against*, Rowman and Littlefield Publishers.
40. Siegel, Larry J. and, J. Joseph Senna (2005). *Introduction to Criminal Justice*: Wadsworth Publishing.
41. Siegel, L and B. Welsh (2011). *Juvenile Delinquency: The Core*. Wadsworth Cengage Learning.

42. Simon, Herbert Alexander (1997). *Models of Bounded Rationality*, Vol. 3, Empirically Grounded Economic Reason, The MIT Press.
43. U.S. Supreme Court, *Furman v. Georgia*, 408 U.S. 238 (1972). *Furman v. Georgia*, No. 69-5003, Argued January 17, 1972, Decided, 408 U.S. 238. Page 408. Available at <https://supreme.justia.com/cases/federal/us/408/238/case.html>.
44. www.tabnak.ir/fa/news/877666/.
45. UN Human Rights Council, High-level Panel Discussion on the Question of the Death Penalty: Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights, 16 July 2015, A/HRC/30/21, available at: <https://www.refworld.org/docid/55d2fb064.html> [accessed 27 November 2019].

کاربست روش تلفیقی SWOT-DEMATEL در مدیریت یکپارچه حریم شهر تهران

نوبخت سبحانی*، مریم بیرانوندزاده**، سینا سلمانزاده*** و احدالله احمدی پرگو****

نوع مقاله: علمی پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۲۷	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۳	شماره صفحه: ۲۷۱-۲۴۳
------------------------	-------------------------	-----------------------	---------------------

تحقق مدیریت یکپارچه حریم شهری یکی از علل اصلی مؤثر بر یکپارچگی ساختار مدیریت شهری است. پژوهش حاضر با هدف بررسی جایگاه مدیریت یکپارچه حریم شهر تهران به روش توصیفی - تحلیلی تدوین شده و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تلفیقی SWOT-DEMATEL استفاده شده است. با استفاده از نظرات کارشناسان و خبرگان، مهمترین نقاط ضعف، قوت، فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی مدیریت یکپارچه حریم شهر تهران جامعه استخراج شدند. نتایج تحقیق در بخش $D+R$ ، بین عوامل داخلی نشان می‌دهد که افزایش ناپایداری زیست محیطی با کسب بیشترین امتیاز ۷/۸۸ و عدم تطبیق محدوده پیشنهادی با قوانین موجود با کسب امتیاز ۷/۴۰ در جایگاه اول و دوم واقع شده‌اند و اثرگذاری بیشتری در کاهش مدیریت یکپارچه این پهنه دارند. در بخش قوت‌ها نیز نتایج گویای آن است که عملیات‌سازی حریم مصوب پایتخت در طرح جامع شهر تهران و تنوع بسترهای محیطی در توسعه گردشگری با بیشترین وزن‌های حاصل از دیمتل در جایگاه‌های اول و دوم واقع شده‌اند و اثرگذاری بیشتری در مدیریت آن دارند. از سوی دیگر نتایج عوامل خارجی نشان می‌دهد که عدم یکپارچگی در مدیریت پهنه در جایگاه اول و عدم هماهنگی میان تصمیم‌گیران، مجریان و تصمیم‌سازان در مدیریت یکپارچه حریم پایتخت از عمده‌ترین و اثرگذارترین تهدیدات پیش روی محدوده مطالعاتی است. در نهایت از مهمترین فرصت‌های پیش رو می‌توان به مؤلفه‌های حمایت طرح‌های توسعه شهر تهران از پهنه مذکور و وجود مناطق گردشگری در این محدوده اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: ساختار مدیریتی؛ مدیریت یکپارچه؛ SWOT-DEMATEL؛ حریم؛ تهران

* دانش‌آموخته دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: n.sobhani65@gmail.com

** دانش‌آموخته دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی؛

Email: Beyranvand28@gmail.com

*** کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، گروه برنامه‌ریزی، طراحی شهری و منطقه‌ای، دانشکده معماری و شهرسازی،

دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران؛

Email: sinasalmanzadehiran@gmail.com

**** کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران؛

Email: ahadahmadipargoo@gmail.com

مقدمه

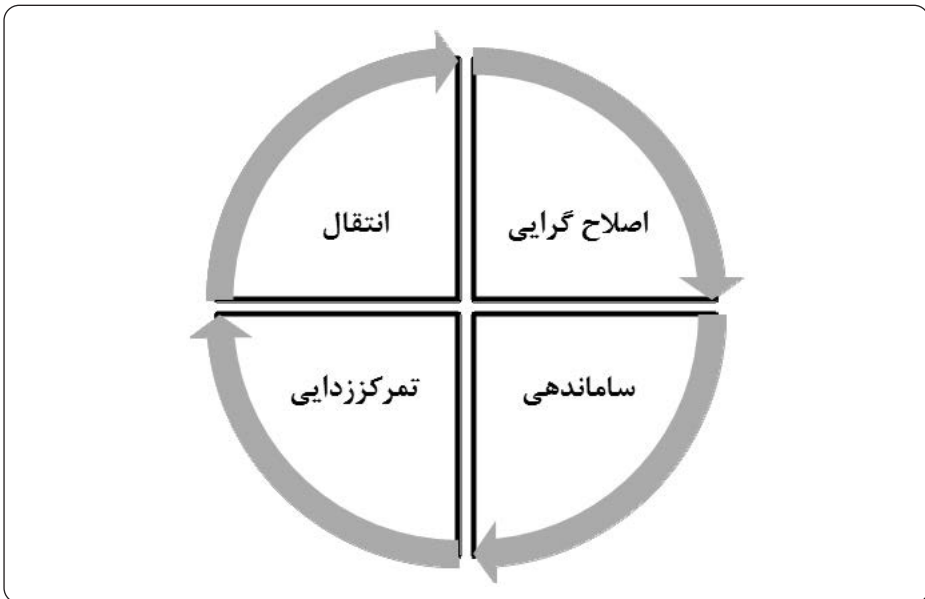
در اوایل قرن نوزدهم تنها ۵ درصد از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کردند، اما امروزه بیش از نیمی از جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی می‌کنند (Eppler, Fritsche and Laake, 2015: 1) و این رشد گسترده اغلب غیرقابل تنظیم است. در نتیجه رشد نامتوازن شهرنشینی بیش از حد؛ آلودگی، فقر، زاغه‌نشینی، افزایش سطح خشونت، تغییرات ساختار اجتماعی، نابرابری و... به وجود می‌آید (Sharifi, 2009: 9). حدود سه میلیارد نفر از جمعیت جهان در نتیجه رشد سریع جمعیت و تغییرات سریع تکنولوژی در حومه شهرها زندگی می‌کنند و انتظار می‌رود تقریباً تا سی سال آینده جمعیت کشورهای در حال توسعه در مناطق شهری متمرکز شوند (Cohen, 2006: 63). رشد و گسترش شهرها به همراه مهاجرت (Liu and Phinn, 2003: 37) بر افزایش دامنه و وسعت سکونتگاه‌ها تأثیر دارد (Chunyang and et al., 2016: 44) و تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی آن تحت تأثیر قرار می‌گیرد (Zhang and et al., 2011: 126; Thuo and Daniel, 2010) و ساختار فضایی آنها دچار تغییر و تحول می‌شود (Garcia-López, 2010: 119; Tieshan and et al., 2012). در نهایت این امر باعث شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی (Kirk, 2004: 1)، تغییر کاربری اراضی (Sudhira and Ramachandra, 2007: 2; Briassoulis, 2009: 129) و تخریب محیط زیست می‌شود (Szigetia, Toth and Szabo, 2017: 111).

در میان کشورهای در حال توسعه، ایران از رشد شهرنشینی نسبتاً بالایی برخوردار است (بردی آنامرادنژاد، ۱۳۹۵: ۹۴). یکی از اساسی‌ترین الزامات توسعه شهرنشینی تأثیرات آن بر نواحی اطراف است. در واقع ناحیه پیرامون شهری به شدت تحت تأثیر فعالیت‌های شهری قرار دارد. افزایش جمعیت شهری در این نواحی باعث شده تا مزارع و باغات اطراف شهرها به محل‌های مسکونی، صنعتی و خدماتی و نظایر آن تبدیل شوند (انوری و دریاباری، ۱۳۹۷: ۲۱۶) و مشکلاتی نظیر ایجاد مناطق ناهمگون از لحاظ کالبدی و رشد بی‌قواره شهری را به دنبال داشته باشد (Pacion, 2003: 291; Wolfel, 2002: 486). براینده این امر توسعه نامتوازن و بروز مشکلات در سطح کلان‌شهرها به دلیل تمرکز فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و... از یک سو (Dascher, 2000: 178) و محرومیت و انزوای مناطق حاشیه‌ای از سوی دیگر، مقوله‌ای است که از حدود چهل سال پیش

در کشور به ارث مانده است (زیاری، فتوحی مهربانی و فرهادی خواه، ۱۳۹۵: ۲). شهر تهران به دلیل تراکم بالای جمعیت و فعالیت، بدون در نظر گرفتن توان محیطی و اکولوژیکی و نبود نظام کارآمد مدیریتی در ارتباط با عملکردهای گوناگون با مشکلات فراوانی دست به گریبان شده است (بافرانی و پروانه مهدوی، ۱۳۹۴). چشم انداز کنونی این شهر مبین توسعه فضایی ناهمگون و توزیع نامتعادل جمعیت و فعالیت های اقتصادی است که در پی تمرکز بیش از حد فعالیت های صنعتی، خدماتی و اداری متصور شده است. این تراکم تهران را به کانون سیاسی و اقتصادی تبدیل کرده و آسیب های فراوانی را در مسیر توسعه آن و سایر نقاط کشور قرار داده است (داوودی، ۱۳۸۹: ۱).

برای مواجهه با مشکلات ناشی از تمرکز جمعیت و فعالیت ها در تهران معمولاً راهبردهایی به شرح شکل ۱ ارائه شده است.

شکل ۱. راهبردهای کاهش جمعیت و تمرکز فعالیت از پایتخت



از مهمترین مسائلی که کلان شهر تهران از دیرباز با آن روبه‌رو بوده است بحث توسعه همه‌جانبه و بدون برنامه شهر در اطراف خود است. توسعه شهر تهران در طول دوره‌های گذشته تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله مباحث مربوط به امور مالیاتی و عوارض شهری، فعالیت بسازبفروش‌ها و شرکت‌های مستقل، افراد مهاجر و کم‌بضاعت و همچنین سیاست‌های شهرک‌سازی و یا پروژه‌های مربوط به نوسازهای دولتی و... قرار گرفته است. از این‌رو هرروز شاهد دست‌اندازی ساخت‌وسازهای مجاز و غیرمجاز در اطراف و حریم تهران بوده‌ایم که عمده آنها فاقد بافت منظم و متصل به فضای اصلی شهر هستند.

چنین وضعیتی - فقدان پایداری اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی - امکان توسعه پایدار حریم کلان‌شهر تهران را از بین برده است. از آنجاکه در مناطق کلان‌شهری حریم بخش بلافصل شهر بوده و در ارتباط مستقیم و دوسویه (مرکز - پیرامونی) با آن است، توسعه پایدار کلان‌شهر تهران بدون توسعه پایدار حریم آن ممکن نخواهد بود (امینی، زیاری و فرجی، ۱۳۹۶: ۸۸). بنابراین برای سامان دادن به اوضاع تهران، نقش برنامه‌ریزان و توسعه‌دهندگان در کنترل و مدیریت منابع انسانی و فیزیکی برای پاسخگویی به نیازهای مردم از اهمیت بسیاری برخوردار است (میره‌ای و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۶).

هدف از این مقاله تحلیل و ارزیابی روش تلفیقی SWOT-DEMATEL در مدیریت یکپارچه حریم شهر تهران در نظر گرفته شده است. از این‌رو تحقیق حاضر سعی بر آن دارد به بررسی وضعیت مدیریت یکپارچه حریم شهر تهران بپردازد.

۱. مبانی نظری

حریم شهری عبارت است از حد کالبدی موجود شهر و توسعه آتی در دوره طرح جامع و تا تهیه طرح مذکور در طرح هادی شهر که ضوابط و مقررات شهرسازی در آن لازم‌الاجراست. محدوده شهر حدودی از فضاهای شهری است که بتوان در آن حدود به انجام خدمات شهری و برنامه‌ریزی خدماتی پرداخت. این محدوده اغلب از طرف شهرداری و مسئولین امور شهری تعیین می‌شود. حریم شهری تنها محدود به شهر نیست، بلکه می‌تواند شامل یک ناحیه کامل براساس موقعیت آن در شهر، متفاوت باشد. حومه شهری یکی از سه مفهوم اصلی

است که برای تعریف مناطق شهری و جمعیت‌های آن استفاده می‌شود. دو مفهوم دیگر تراکم شهری و ناحیه شهری هستند. در برخی کشورها و مناطق شهری، حریم‌های شهری که برای تعیین حدود شهر استفاده می‌شوند، بسیار گسترده و در برخی مناطق بسیار کوچک هستند. اگر با کمی دقت، صداقت و روشن‌بینی به مسائل و مشکلات روزافزون مدیریت شهری نگریسته شود، می‌بینیم که بخش عمده معضلات و مشکلات شهری، از «عدم رعایت حریم» ناشی شده و می‌شوند. از مشکلات ملموس و فاش شده مانند وضعیت ترافیک گرفته، که بخش عمده‌ای از آن حاصل عدم رعایت حریم محل‌های تعیین شده پارک‌سوار و یا عدم رعایت حریم‌های تعیین شده در قوانین رانندگی نشئت می‌گیرد تا علل پنهان مسائل زیربنایی مانند طغیان‌ها، سیلاب‌ها و آبگرفتگی معابر شهری که ریشه در عدم رعایت حریم جوی‌ها و انهار و آب‌روها و ازکارافتادگی تدریجی این شبکه دارد (Ben Amer, 2014: 9).

سازمان ملل متحد هر دو سال یک بار برآورد و پیش‌بینی‌های جمعیت‌های شهری و روستایی تمامی کشورهای جهان را با عنوان «چشم‌انداز جهانی شهرنشینی» انجام می‌دهد و بر این اساس حریم‌های شهری را برای کشورهای مختلف مشخص می‌کند. عبارت ترکیبی از «شهر» به معنای «منطقه اجرایی یکپارچه شده»، و «حریم» به معنای «محدود به یک چیز مشخص یا مکان» است (Catharina Pinheiro Cordeiro dos Santos Lim and Boucinhas, 2016: 1-3). حریم شهری در بعضی شهرها به یک فضای بسیار پویا تبدیل شده است. به منظور حفظ اراضی برای توسعه موزون شهرها با رعایت اولویت حفظ اراضی کشاورزی، باغات و جنگل‌ها، هرگونه استفاده برای احداث ساختمان‌ها و تأسیسات در داخل حریم شهر تنها در چارچوب ضوابط و مقررات مصوب طرح‌های جامع و هادی امکان‌پذیر خواهد بود. ادغام الگوهای شهری چندمرکزی و ظهور قطب‌های شهری باعث بالا بردن پرسش‌های اساسی برای برنامه‌ریزان می‌شود. برنامه‌ریزی فضایی نیاز به تعریف رویکردهای مداخله و ابزاری برای پرداختن به پویایی فضای جدید در زمان رشد اقتصادی ضعیف و بازارهای املاک و مستغلات دارد. حریم شهری به حالت‌های ایجاد شده در فضای شهری اشاره دارد که دارای سه ویژگی اصلی هستند. اول اینکه حریم شهری در یک بازه زمانی بلندمدت زیرسایه فرایندها و ابزارها، فضاهایی را خلق می‌کنند که همیشه در حال تغییر و پیشرفت است. دوم، آنها اغلب منطق‌های حاکم بر املاک قانونی، کار رسمی، مقررات دولتی و سرمایه‌داری بازار

را مورد بررسی قرار می‌دهند. سوم، حریم‌های شهری از طریق اقداماتی که شهروندان و برنامه‌ریزان شهری اعمال می‌کنند، حالت‌های جدیدی از سیاست را در داخل شهرها تولید می‌کنند (Savini, 2015: 5). از این رو، حریم همیشه و همه‌جا محتوایی یکسان نداشته است (رهنما، خاکپور و عباس‌زاده، ۱۳۹۴: ۳۶۴) که از آن با عنوان «مرزهای توسعه شهری»، «مرزهای خدمات شهری» و «کمربند سبز» یاد می‌کنند (Pendall, Martin and Fulton, 2002; Bengstone, Fletcher and Nelson, 2004). در حالت کلی می‌توان گفت که حریم برای مهار توسعه شهرها و مدیریت آنها در نظر گرفته می‌شود (توفیق، ۱۳۹۱: ۴۰).

۲. مدیریت یکپارچه حریم کلان شهرها

مدیریت یکپارچه، فرایندی برای توسعه یک مدل کسب‌وکار است که نه تنها اولویت‌های مالی یک شرکت را در برمی‌گیرد بلکه شامل اندازه‌گیری‌ها برای عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و اداری است. کاربردهای مدیریت یکپارچه نامحدود هستند، به طوری که هر سازمان دولتی، خصوصی و غیرانتفاعی می‌تواند از فرایند یکپارچه‌سازی داده‌های مدیریت و گزارش‌های سالیانه آنها، نقش‌های کارکردی و تصمیم‌گیری استفاده کند. این مدیریت یکپارچه فرصت‌های جدیدی را برای بهبود، توسعه و ایجاد ارزش‌ها فراهم می‌کند. تعاریف بسیاری برای مفهوم مدیریت یکپارچه وجود دارد، اما موضوع مشترک بین همه این تعاریف یک رویکرد مدیریتی جامع و متقابل است که ارتباط بین انسان‌ها، اقتصاد و محیط‌زیست را روشن می‌کند. یک گرایش رو به رشد در مدیریت یکپارچه وجود دارد که در تمامی سازمان‌های سراسر جهان در حال اجراست. این گرایش نیز در محیط‌های کسب‌وکار و برنامه‌های آموزشی مدیریت به‌عنوان راهی برای اطمینان از اینکه نسل بعدی مدیران از فرصت‌هایی که از طریق یک رویکرد یکپارچه نشان داده می‌شوند وجود دارد. این رویکرد تفکر خلاقانه را در افراد ترویج می‌دهد و آنها را با فرصت یادگیری نحوه استفاده از داده‌های مدیریت یکپارچه برای بهینه‌سازی عملکرد در هر صنعت آشنا می‌کند. در مدیریت یکپارچه، پایداری یک معیار اساسی برای تصمیم‌گیری سازمانی است و می‌تواند در همه حوزه‌های کارکردی یک سازمان ادغام شود، این پایداری به ابزارهای تصمیم‌گیری قدیمی برای مدیریت کمک می‌کند و به‌عنوان ابزار ارزیابی جدید برای تصمیم‌گیری استفاده می‌شود.

مدیریت یکپارچه مفهومی تعریف اجتماعی است که به صورت تفسیرهای مختلف درک می‌شود. با این حال، به طور گسترده بیان شده که مدیریت یکپارچه «فرایندهای غیرخطی و اتصال بین مسائل مختلف» را در یک زمینه مدیریتی تشخیص می‌دهد. مدیریت یکپارچه به گونه‌ای تعریف شده است که هر قسمتی از یک سازمان را در برمی‌گیرد تا نیازها و انتظارات تمامی سهامداران از همه منابع برآورده شوند. ویژگی‌های مدیریت یکپارچه تصمیم‌گیری مبتنی بر اتفاق نظر، کارایی بهینه و تنوع در سیستم‌ها هستند. مدیریت یکپارچه در رویکرد خود برای متعادل کردن منافع بالقوه و زیان‌هاست (Sroufe, 2017: 321).

مدیریت یکپارچه اهداف متعددی دارد که در ذیل به دو مورد از آنها اشاره می‌شود:

۱. تشویق مسئولان، پژوهشگران و افراد حرفه‌ای برای اتخاذ رویکردی متقابل و فراگیر برای ترویج اعتبار و پتانسیل خلاقانه دیدگاه‌های مختلف برای بهبود وضع سازمان‌ها و شرایط اقتصادی،
۲. ایجاد ظرفیت‌های لازم برای تصمیم‌گیری مسئولانه و آگاهانه از طریق طراحی برنامه‌های آموزشی میان‌رشته‌ای.

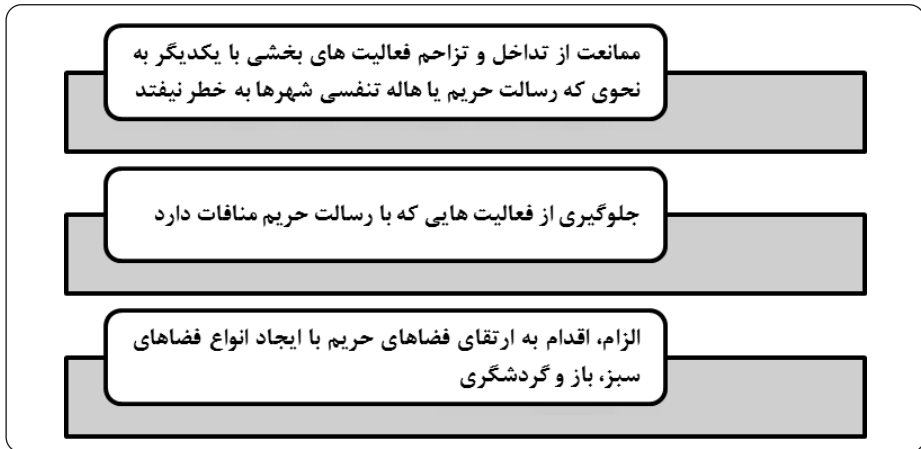
رویکردهای مختلف برای مدیریت یکپارچه یعنی ISO, 9001; ISO, 14001; OHSAS, 18001 و SA, 8000 با سطوح مختلف آرمان‌های سازمانی پدید آمده‌اند. تمایل فزاینده سازگاری بین این استانداردها راه را برای تفسیر مدیریت یکپارچه درباره چگونگی درک جنبه‌های مختلف اهداف سازمان‌ها هموار کرده است. مدیریت یکپارچه، سیستمی است که سازمان‌ها برای مدیریت همه امور فرایندی خود به کار می‌گیرند تا بتوانند به اهداف سازمان دست یابند و به طور متوازن اهداف ذی‌نفعان خود را برآورده کنند. مدیریت یکپارچه تمام اجزای یک کسب‌وکار را به صورت یک سیستم واحد درمی‌آورد تا فرایند مدیریت و اجرای عملیات‌های سازمانی را ساده‌تر کند. سیستم‌های مدیریت کیفیت، مدیریت محیط‌زیست و مدیریت ایمنی به صورت یک سیستم واحد درآمده و در قالب مدیریت یکپارچه مدیریت می‌شوند (Jorgensen, 2006: 713).

این تعابیر همه گویای این است که سیستم برنامه‌ریزی و مدیریت قادر نخواهد بود ماهیت شهرها و مناطق شهری را بدون جامع‌نگری و یکپارچه‌سازی تصمیم‌ها و سیاست‌های عوامل مختلف هدایت کند (برک‌پور، ۱۳۹۰: ۱۲۱). اگر مدیریت مؤثر، منسجم و جامع یا یکپارچه‌ای در حریم ایجاد نشود، دیری نخواهد پایید که تمام فضاهای باارزش آن از بین خواهد رفت. مدیریت یکپارچه

در حریم به این معناست که سازمانی ترجیحاً عمومی و غیردولتی وابسته به شهرداری تهران به نام سازمان مدیریت حریم، بر همه فعالیت‌های محدوده حریم و کاربری‌های زمین‌های آن، نظارت فراگیر داشته باشد. مدیریت جامع لزوماً جانشین مدیریت بخشی نمی‌شود، بلکه برنامه‌ها و اقدامات مدیریت‌های بخشی را با یکدیگر هماهنگ می‌کند. البته اگر این برنامه‌ها و اقدام‌ها با رسالت اصلی حریم منافات داشته باشند، مانع آن هم می‌شود (انوری و دریاباری، ۱۳۹۷: ۳۴۰).

وظیفه اصلی سازمان مدیریت حریم به این شرح است.

شکل ۲. وظیفه اصلی سازمان مدیریت حریم



مأخذ: ضرابی و جمالی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۲۲۵.

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که توسعه سریع شهرنشینی در کشورهای توسعه یافته باعث گسترش شهر به مناطق اطراف شده است. اما رشد سریع شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه باعث شده که مناطق اطراف شهرها و روستاهای حریم آنها مورد هجوم شهرنشینی قرار گیرد و زندگی ساکنان شهرها و حاشیه‌ها را تحت تأثیر قرار دهد و چالش‌های پیچیده‌ای را برای طراحان شهری به وجود آورد (Hope, 1986: 185). از جمله می‌توان به ظهور فعالیت‌های غیرقانونی (Allen, 2003)، آلودگی‌های زیست‌محیطی (Tacoli, 1998)، تخریب محیط زیست (Allen and et al., 1999) و افزایش چشم‌اندازهای پراکنده اشاره کرد (Low Choy and et al., 2008).

بنابراین، حریم پایتخت در معرض تصمیم‌ها و سیاست‌های چندگانه قرار دارد: الف) سیاست‌هایی ازسوی عوامل بخش دولتی که هر یک در حوزه سیاستگذاری منفرد دارای قدرت هستند، ب) تصمیم‌های افراد و گروه‌ها در بخش خصوصی (و گاه در بخش عمومی) که به دنبال بیشینه کردن منافع اقتصادی خود هستند. پیگیری چنین منافع چندگانه و گاه متضادی، نشان از امکان بالقوه بروز ناهماهنگی میان آنها دارد (ابراهیم‌نیا و عبدی دانشپور، ۱۳۹۶).

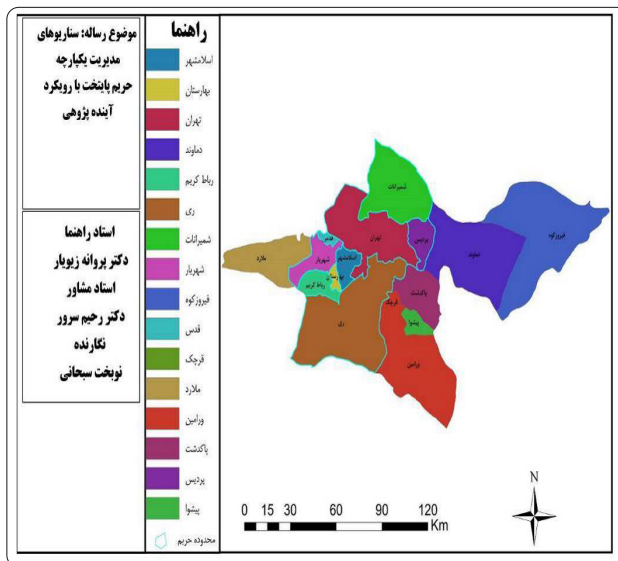
ازاین‌رو، مدیریت یکپارچه شهری به‌عنوان یکی از ضرورت‌های امروزی در مدیریت شهرها ازجمله حریم هستند، زیرا مسائل شهرها و حریم آنها به‌صورت سیستماتیک و مرتبط هستند و مدیریت آنها نیز باید در اختیار یک سازمان یا ارگان خاص (همکاری‌های سایر سازمان‌های مرتبط و درگیر) باشد. با ایجاد و ساختار مناسب و مدیریت هماهنگ و یکپارچه شهری در محدوده و حریم شهرها، برنامه‌ها و طرح‌ها به‌صورت یک‌دست و منظم انجام می‌شود که علاوه بر صرفه‌جویی در وقت و هزینه باعث خواهد شد که طرح‌ها نیز باکیفیت انجام شود. درواقع تجربه بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه نشان داده است که رسیدن به سطحی از توسعه اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی و درواقع رسیدن به توسعه پایدار در محدوده و حریم شهرها قبل از هر چیز مستلزم سیستم مدیریت شهری یکپارچه در سطوح مختلف سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجراست تا از این طریق بتواند اجزا و عناصر سازنده سیستم مدیریت شهری را در ارتباط با هم دیده و از هرگونه تک‌بعدی عمل کردن به دور باشد تا از این رهگذر قادر به پاسخگویی به نیازهای روزافزون شهرها و حل‌وفصل مشکلات و مسائل رو به رشد آنها باشد (محمدی، ۱۳۸۷: ۳۳).

۳. شناخت محدوده

برای نخستین بار در طرح جامع تهران در سال ۱۳۴۷، حریم شهر تهران تعیین شد. در طرح جامع شهر تهران در سال ۱۳۸۶، ضرورت ساماندهی حریم تهران و تعیین حریمی وسیع‌تر برای تنظیم رابطه کالبدی، اقتصادی و اجتماعی بین اراضی پیرامون و شهر تهران را ضروری دانسته و حریم کلان شهر تهران به‌عنوان نقش‌هاله شهری و عملکرد زیست‌محیطی و تنفس‌گاهی شهر تهران مطرح شده است. در حال حاضر حریم شهر، گستره‌ای به وسعت حدود ۵۹۱۸ کیلومتر

مربع معادل ۱۰ برابر وسعت شهر و ۴/۰ درصد وسعت کل کشور است که ۱۴ درصد جمعیت کشور را در خود جا داده است که فقط ۱۲۰۰ کیلومتر از آن، در اختیار و نظارت مستقیم شهرداری تهران است. برای این اساس شکل‌گیری هرگونه شهر و شهرستان جدید در آن ممنوع شده است. ساماندهی حریم تهران از جمله طرح‌های موضوعی سند طرح جامع است که پس از حدود ۱۰ سال از ابلاغ طرح جامع در سال ۱۳۹۵ صرفاً با تصویب پهنه‌بندی حریم در شورای عالی شهرسازی و معماری کشور ابلاغ شد، اما هنوز موضوع نحوه مدیریت یکپارچه حریم که مهمترین چالش فراروی مجموعه شهری تهران است بلا تکلیف باقی مانده است. در اسناد طرح راهبردی حریم پایتخت، حدود ۱۷ درصد مساحت حریم به پهنه کشاورزی و باغداری، ۲۳ درصد به پهنه اندوختگاه‌های محیط‌زیست، ۲۴ درصد به پهنه عناصر طبیعی و ۲ درصد به پهنه صنعتی اختصاص داده شده است. همچنین ۱۵ درصد نیز برای پهنه سکونتگاهی در نظر گرفته شده و مساحت باقی مانده حریم به دو پهنه پردیس‌های موضوعی و تجهیزات اختصاص داده شده است (شهرداری تهران، ۱۳۹۴). در نقشه ذیل موقعیت مکانی محدوده مورد مطالعه نشان داده شده است.

نقشه ۱. موقعیت و محدوده حریم پایتخت



مأخذ: شهرداری تهران، ۱۳۹۴.

۴. روش تحقیق

نوع تحقیق مقاله حاضر کاربردی، روش به کار رفته توصیفی-تحلیلی و محدوده مکانی مورد مطالعه حریم شهر تهران است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش SWOT-DEMATEL استفاده شده است. روش دیمتل^۱ مبتنی بر گراف های جهت داری (دیاگراف های) است که می توانند عوامل دخیل را به دو گروه علت و معلول تفکیک کنند. این دیاگراف ها رابطه وابستگی میان عناصر یک سیستم را به تصویر می کشند، به طوری که اعداد روی هر دیاگراف، بیانگر شدت تأثیریک عنصر بر عنصر دیگر است (Wu and Lee, 2007). با توجه به مؤلفه های مورد سنجش در این تحقیق، رویکرد قالب توصیفی-تحلیلی است. این تحقیق از لحاظ هدف کاربری است. در بخش نحوه گردآوری اطلاعات از دو روش کتابخانه ای و پیمایشی استفاده شده است. با توجه به عوامل، در نهایت تعداد چهل نفر از (شامل اساتید دانشگاه، کارشناسان و متخصصان حریم)، برای شرکت و همکاری در فرایند پژوهش انتخاب شده است (قابل ذکر است که با توجه به در دسترس نبودن تعداد پاسخگویان در حوزه های مورد مطالعه تعداد چهل نفر به عنوان جامعه آماری انتخاب شدند). در همین راستا، متغیرهای مورد مطالعه، به صورت عوامل داخلی و خارجی (نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید) را با استفاده از نظرهای خبرگان و اساتید دانشگاه ها در پرسشنامه ای به صورت مقایسه دوه دوایی مورد ارزیابی قرار گرفتند. در این روش برای بررسی میزان تأثیر عوامل بر همدیگر از روش دیمتل استفاده شد. بعد از پر کردن این پرسشنامه در قالب لیکرت به صورت اعداد ۱، ۲، ۳ و ۴ ارزشگذاری شد.

۴-۱. الگوریتم دیمتل

گام های روش دیمتل به شرح ذیل است:

گام اول: جمع آوری نظریات پاسخگویان و محاسبه میانگین ماتریس Z ,

$$Z_{ij} = \frac{1}{m} \sum_{i=1}^m X_{ij}^k$$

گام دوم: محاسبه اولیه و نرمالیزه کردن ماتریس D،

$$D = \lambda * Z$$

$$[D_{ij}]_{n \times n} = \lambda [Z_{ij}]_{n \times n}$$

$$\lambda = \min \frac{1}{\max_{1 \leq i \leq n} \sum_j \frac{n}{j} = 1[z_{ij}]}, \frac{1}{\max_{1 \leq i \leq n} \sum_j \frac{n}{j} = 1[z_{ij}]}$$

گام سوم: استخراج ماتریس رابطه کل T،

$$\lim_{m \rightarrow \infty} D^m = \{0\}_{n \times n}$$

$$= D(I + D^1 + D^2 + \dots + D^{m-1})$$

$$T = D(I - D)^{-1}(I - D)(I + D^1 + D^2 + \dots + D^{m-1})$$

$$= D(I + D)^{-1}(I + D^m)$$

$$= D(I - D)^{-1}$$

گام چهارم: محاسبه مجموع از سطر و ستون از ماتریس T،

$$r = [r_i]_{n \times 1} = (\sum_i^n = 1 T_{ij})_{n \times 1},$$

$$c = [c_i]_{1 \times n} = (\sum_i^n = 1 T_{ij})'_{1 \times n},$$

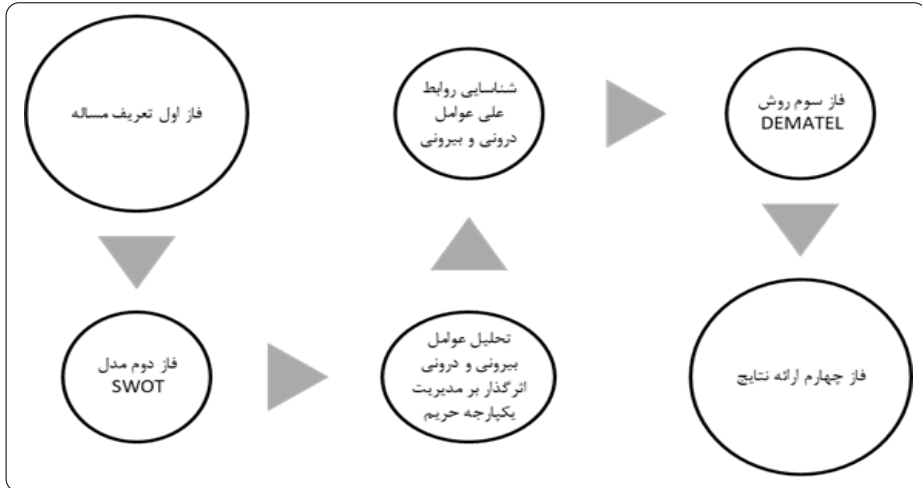
گام پنجم: تنظیم مقدار آستانه (A)،

$$\alpha = \frac{\sum_i^n = 1 \sum_j^n = 1 \{t_{ij}\}}{N}$$

گام ششم: ساخت نمودار علی و معلولی (12: Detcharat Sumrit and Anuntavoranich, 2013).

در این قسمت مراحل انجام پژوهش به صورت شکل ۳ ترسیم شد.

شکل ۳. وضعیت کلی روش انجام پژوهش



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۵. یافته‌های تحقیق

برای تحلیل وضع حریم و ساختار مدیریتی حریم تهران مهمترین نقاط ضعف، قوت، فرصت و تهدیدات پیش روی محدوده مورد مطالعه با نظر خبرگان استخراج شد. نتایج تحقیق به شرح جداول زیر آمده است.

جدول ۱. شناسایی عوامل داخلی و خارجی

ضعف هماهنگی در اجرا و سیاستگذاری در محدوده حریم پایتخت	W1	ضعف
افزایش ناپایداری زیست محیطی در حریم	W2	
وجود دو ساختار مدیریت دولتی و بخش عمومی در حریم پایتخت	W3	
افزایش بی‌رویه جمعیت در حریم	W4	
انواع قلمروهای مدیریتی	W5	
افزایش اسکان‌های غیررسمی در حریم پایتخت	W6	
عدم تطبیق محدوده پیشنهادی حریم کلان‌شهر تهران با قوانین موجود	W7	
مدیریت بخشی در سطوح حریم کلان‌شهر تهران	W8	
افزایش سکونتگاه‌های خرد در پیرامون پایتخت	W9	

S1	توسعه کمربند سبز در جهت کنترل سکونتگاه‌ها	قوت
S2	تنوع بسترهای محیطی در توسعه گردشگری	
S3	مدیریت یکپارچه شهرهای اطراف کلان شهر تهران به دلیل قرارگیری در محدوده حریم	
S4	اجرائی شدن کمربند فضای سبز برای گسترش بی‌رویه حریم پایتخت	
S5	عملیات‌سازی حریم مصوب پایتخت در طرح جامع شهر تهران	
S6	محیطی نسبتاً آرام و کم‌صدا و به‌دور از هیاهوی شهری	
S7	هدایت و کنترل ساخت‌وسازها در حریم به‌استناد قانون شهرداری‌ها	
S8	وجود اراضی گسترده برای زراعت و کشاورزی	
S9	وجود تنوع عملکردی در حریم پایتخت	
T1	عدم یکپارچگی در مدیریت حریم	تهدید
T2	سکونت بالایی از جمعیت کلان شهر تهران در حریم	
T3	توسعه بی‌ضابطه شهرها و روستاهای واقع در محدوده حریم	
T4	نابودی اراضی کشاورزی و سکونتگاه‌های روستایی در محدوده حریم پایتخت	
T5	لطمه خوردن هویت‌های کالبدی بر اثر ساخت‌وسازهای سریع	
T6	تغییر کاربری با دید و نگرش اقتصادی	
T7	تحولات فضایی و کالبدی سریع به‌واسطه جمعیت‌پذیری بالا	
T8	دخالت سازمان‌های مختلف در پیرامون حریم پایتخت	
T9	تمرکز فعالیت‌ها در کانون‌های خاص حریم	
T10	عدم هماهنگی بین تصمیم‌گیران و مجریان و تصمیم‌سازان در مدیریت یکپارچه حریم پایتخت	
O1	حفظ و صیانت و حمایت طرح‌های توسعه شهر تهران از پهنه‌های حریم	فرصت
O2	ساماندهی ساخت‌وساز و جلوگیری از تخریب اراضی کشاورزی و محیط‌زیست	
O3	توجه هرچه بیشتر به مفهوم حریم در دهه‌های اخیر با برگزاری انواع همایش ملی و بین‌المللی	
O4	کاهش مشکلات اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، مدیریتی و... در پهنه حریم با اجرائی شدن مدیریت یکپارچه حریم	
O5	وجود مناطق گردشگری در محدوده حریم	
O6	تدقیق جایگاه مدیریت یکپارچه حریم در قانون برنامه پنجم	
O7	همگرایی و توجیه نسبی سازمان‌ها و نهادها در حفظ و صیانت از حریم	
O8	وجود مناطق حفاظت شده جاجرود و پارک‌های ملی به لحاظ منظر و چشم‌انداز مطلوب حریم	
O9	پذیرش رویکرد کمربند سبز در حفظ و صیانت از حریم	
O10	وجود اراضی باز و بایر در پهنه جنوبی نسبت به پهنه شمالی	
O11	عزم دولت و سازمان‌ها در راستای دستیابی به توسعه متوازن در حریم	

۵-۱. شناسایی روابط علی و معلولی در نقاط ضعفها

جمع عناصر هر سطر (Di) نشان دهنده میزان تأثیرگذاری آن عامل بر عامل‌های دیگر است. جمع عناصر ستون (Ri) برای هر عامل نشان دهنده میزان تأثیرپذیری آن عامل از عامل‌های دیگر است. محور افقی (Ri+Di)، میزان تأثیر و تأثر عامل مورد نظر است. به عبارتی هرچه مقدار بردار افقی بیشتر باشد، آن عامل تعامل بیشتری با عامل‌های دیگر دارد. محور عمودی (Ri-Di)، قدرت تأثیرگذاری هر عامل را منعکس می‌کند. اگر این عامل مثبت باشد، متغیر علی و اگر منفی باشد، معلول محسوب می‌شود.

جدول ۲. شناسایی روابط علی معلولی در نقاط ضعفها

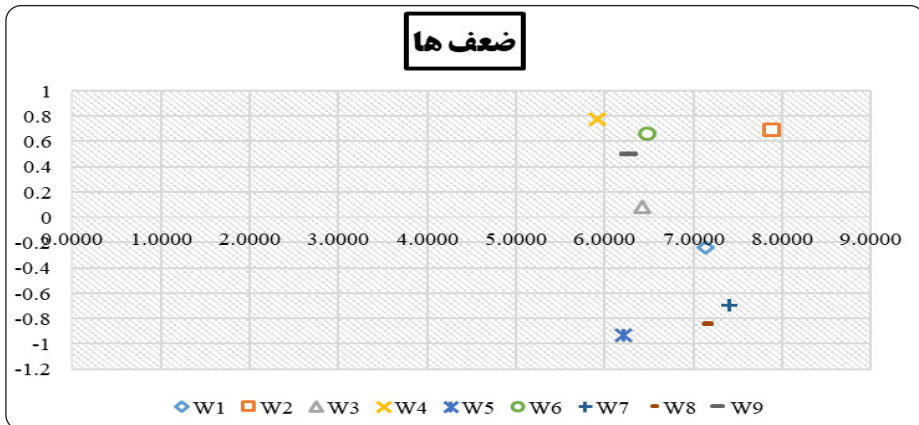
ضعفها	Di	Ri	محور افقی		رتبه	
			Di+Ri	Di-Ri		
ضعف هماهنگی در اجرا و سیاستگذاری در محدوده حریم پایتخت	W1	۳,۴۴۹۲	۳,۶۸۶۳	۷,۱۳۵۵	-۰,۲۳۷۱	۶
افزایش ناپایداری زیست محیطی در حریم	W2	۴,۲۹۰۸	۳,۵۹۶۵	۷,۸۸۷۲	۰,۶۹۴۳	۲
وجود دو ساختار مدیریت دولتی و بخش عمومی در حریم پایتخت	W3	۳,۲۵۶۲	۳,۱۷۴۵	۶,۴۳۰۸	۰,۰۸۱۷	۵
افزایش بی‌رویه جمعیت در حریم	W4	۳,۳۵۰۳	۲,۵۷۳۴	۵,۹۲۳۷	۰,۷۷۶۸	۱
انواع قلمروهای مدیریتی	W5	۲,۶۳۹۳	۳,۵۷۰۹	۶,۲۱۰۲	-۰,۹۳۱۶	۹
افزایش اسکان‌های غیررسمی در حریم پایتخت	W6	۳,۵۶۸۳	۲,۹۰۸۹	۶,۴۷۷۲	۰,۶۵۹۴	۳
عدم تطبیق محدوده پیشنهادی حریم کلانشهر تهران با قوانین موجود	W7	۳,۳۵۵۶	۴,۰۵۲	۷,۴۰۷۵	-۰,۶۹۶۴	۷
مدیریت بخشی در سطوح حریم کلانشهر تهران	W8	۳,۱۳۸۲	۳,۹۸۲۵	۷,۱۲۰۷	-۰,۸۴۴۳	۸
افزایش سکونتگاه‌های خرد در پیرامون پایتخت	W9	۳,۳۸۳	۲,۸۸۵۸	۶,۲۶۸۸	۰,۴۹۷۲	۴

مأخذ: همان.

باتوجه به جدول فوق دو محور مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که محور بردار افقی (Di+Ri) بیانگر میزان تأثیر و تأثر آن عامل است. بااین حال، عوامل ضعف مانند (افزایش ناپایداری زیست محیطی در حریم، عدم تطبیق محدوده پیشنهادی حریم کلانشهر تهران با قوانین موجود و ضعف هماهنگی

در اجرا و سیاستگذاری در محدوده حریم پایتخت) با بیشترین امتیاز به ترتیب (۷/۸۸، ۷/۴۰ و ۷/۱۳) در جایگاه اول تا سوم واقع شده‌اند و نشان از میزان تأثیرگذاری آنها بر سایر مؤلفه‌هاست. در محور عمودی (Ri-Di)، قدرت تأثیرگذاری هر عامل را نشان می‌دهد. به طوری که اگر مقدار (Ri-Di) مثبت باشد متغیر یک متغیر علی و اگر منفی باشد معلول محسوب می‌شود. در همین راستا مؤلفه‌ها از لحاظ علی و معلولی مشخص شدند (نمودار ۱).

نمودار ۱. نمودار علی ضعیف‌های پیش روی حریم کلانشهر تهران



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

با توجه به شکل فوق، از عوامل علی می‌توان به افزایش بی‌رویه جمعیت در حریم، افزایش ناپایداری زیست‌محیطی در حریم، افزایش اسکان‌های غیررسمی در حریم پایتخت، افزایش سکونتگاه‌های خرد در پیرامون پایتخت و وجود دو ساختار مدیریت دولتی و بخش عمومی در حریم پایتخت اشاره کرد که بیشترین تأثیرگذاری را بر سایر عوامل دارند و نشان‌دهنده میزان اهمیت هر یک از آنها با توجه به امتیازات کسب شده است. از سوی دیگر در گروه معلول، ضعف هماهنگی در اجرا و سیاستگذاری در محدوده حریم پایتخت، انواع قلمروهای مدیریتی، عدم تطبیق محدوده پیشنهادی حریم کلانشهر تهران با قوانین موجود و مدیریت بخشی در سطوح حریم کلانشهر تهران اشاره کرد که بیشترین

اثربخشی را از سایر عوامل دارند که در بین این عوامل انواع قلمروهای مدیریتی با توجه به کسب امتیاز (۰/۹۳۱-) از هیچ شاخصی اثر نمی پذیرد و از عوامل های علی اثر می پذیرد.

۲-۵. شناسایی روابط علی و معلولی در نقاط قوت ها

در جدول فوق نیز مقدار عوامل (Di+Ri) و (Di-Ri) محاسبه شد که بر این اساس در (Di+Ri) مؤلفه عملیات سازی حریم مصوب پایتخت در طرح جامع شهر تهران با بیشترین امتیاز (۷/۶۷) در جایگاه اول از لحاظ میزان اثرگذاری بر سایر مؤلفه ها دارد که بیانگر اهمیت آن در بین سایر مؤلفه های فرصت است که پیش روی حریم کلانشهر تهران است و باید برنامه ریزی بیشتری روی این مؤلفه با توجه به بیشترین اثرگذاری صورت گیرد تا مدیریت و برنامه ریزی بهتری روی آن انجام شود.

جدول ۳. شناسایی روابط علی معلولی در نقاط قوت ها

رتبه	محور عمودی	محور افقی	Ri	Di	مؤلفه ها	
					Di+Ri	Di-Ri
۳	۰,۲۱۱۸	۶,۱۳۳۷	۲,۹۶۰۹	۳,۱۷۲۸	توسعه کمربند سبز در جهت کنترل سکونتگاه ها	
۲	۰,۲۳۲۷	۷,۰۶۰۸	۳,۴۱۴۱	۳,۶۴۶۷	تنوع بسترهای محیطی در توسعه گردشگری	
۸	-۰,۲۹۷۴	۷,۰۹۰۲	۳,۶۹۳۸	۳,۳۹۶۴	مدیریت یکپارچه شهرهای اطراف کلانشهر تهران ب دلیل فرارگیری در محدوده حریم	
۶	-۰,۱۴۲۳	۶,۵۵۵۴	۳,۳۴۸۸	۳,۲۰۶۵	اجرائی شدن کمربند فضای سبز برای گسترش بی رویه حریم پایتخت	
۹	-۰,۸۶۵۶	۷,۶۷۱۴	۴,۲۶۸۵	۳,۴۰۲۹	عملیات سازی حریم مصوب پایتخت در طرح جامع شهر تهران	
۵	۰,۰۵۴۹	۶,۷۵۹۱	۳,۳۵۲۱	۳,۴۰۷۰	محیطی نسبتاً آرام و کم صدا و به دور از هیاهوی شهری	
۷	-۰,۲۱۷۹	۷,۰۵۱۹	۳,۶۳۴۹	۳,۴۱۷۰	هدایت و کنترل ساخت وسازها در حریم به استناد قانون شهرداری ها	
۱	۰,۸۵۱۷	۶,۳۷۷۱	۲,۷۶۲۷	۳,۶۱۴۴	وجود اراضی گسترده برای زراعت و کشاورزی	
۴	۰,۱۷۲۲	۶,۲۲۱۵	۳,۰۲۴۷	۳,۱۹۶۹	وجود تنوع عملکردی در حریم پایتخت	

این بردار (Di-Ri) قدرت تأثیرگذاری هر عامل را به نمایش می‌گذارد. در صورتی که اگر مقدار (Di-Ri) مثبت باشد، متغیر یک متغیر علی محسوب می‌شود. و اگر منفی باشد، معلول است. بنابراین برای به نمایش گذاشتن فرصت‌ها از لحاظ علی و معلولی از دیاگرام زیر استفاده شده است (نمودار ۲).

نمودار ۲. نمودار علی قوت‌های پیش روی حریم کلانشهر تهران



مأخذ: همان.

در نمودار فوق، عوامل علی و معلولی مشخص شده‌اند که بر این اساس در عوامل علی می‌توان به (توسعه کمربند سبز در جهت کنترل سکونتگاه‌ها، تنوع بسترهای محیطی در توسعه گردشگری، محیطی نسبتاً آرام و کم‌صدا و به دور از هیاهوی شهری، وجود اراضی گسترده برای زراعت و کشاورزی و وجود تنوع عملکردی در حریم پایتخت) اشاره کرد که بیشترین اهمیت و اثرگذاری را بر سایر مؤلفه‌ها دارند و در بین این مؤلفه‌های علی؛ وجود اراضی گسترده برای زراعت و کشاورزی با کسب امتیاز (۵/۸۵) در جایگاه اول از لحاظ اثرگذاری قرار دارد و بیشترین اهمیت را در بین مؤلفه‌های علی دارد.

از سوی دیگر در گروه معلول، می‌توان به مدیریت یکپارچه شهرهای اطراف کلانشهر تهران به دلیل قرارگیری در محدوده حریم، اجرایی شدن کمربند فضای سبز برای گسترش

بی‌رویه حریم پایتخت، عملیات‌سازی حریم مصوب پایتخت در طرح جامع شهر تهران و هدایت و کنترل ساخت‌وسازها در حریم به‌استناد قانون شهرداری‌ها اشاره کرد که بیشترین اثرپذیری را در مدیریت حریم کلانشهر تهران نسبت به سایر مؤلفه‌ها دارند.

۳-۵. شناسایی روابط علی و معلولی در نقاط تهدیدها

در جدول زیر نیز مقدار عوامل (Di+Ri) مورد ارزیابی قرار گرفت که در آن مؤلفه‌های تهدید مانند (عدم یکپارچگی در مدیریت حریم) بیشترین امتیاز را به‌دست آورده و در جایگاه اول واقع شده است و سایر مؤلفه‌ها مانند (عدم هماهنگی بین تصمیم‌گیران و مجریان و تصمیم‌سازان در مدیریت یکپارچه حریم پایتخت و تغییر کاربری با دید و نگرش اقتصادی) در جایگاه‌های بعدی از لحاظ میزان اهمیت قرار دارند.

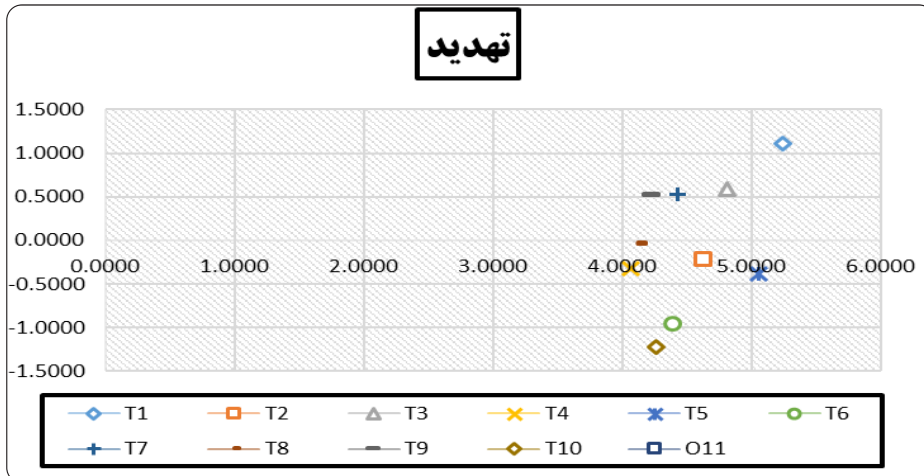
جدول ۴. شناسایی روابط علی و معلولی در نقاط تهدیدها

رتبه	محور عمودی	محور افقی	Ri	Di	تهدید
					Di+Ri
۱	۱,۲۸۲۸	۵,۶۷۵۸	۲,۱۹۶۵	۳,۴۷۹۳	عدم یکپارچگی در مدیریت حریم
۹	-۰,۶۵۰۳	۵,۱۸۵۴	۲,۹۱۷۸	۲,۲۶۷۵	سکونت بالایی از جمعیت کلانشهر تهران در حریم
۶	-۰,۱۲۸۸	۴,۹۴۴۴	۲,۵۳۶۶	۲,۴۰۷۸	توسعه بی‌ضابطه شهرها و روستاهای واقع در محدوده حریم
۵	-۰,۰۱۸۸	۴,۷۱۳۲	۲,۳۶۶۰	۲,۳۴۷۲	نابودی اراضی کشاورزی و سکونتگاه‌های روستایی در محدوده حریم پایتخت
۱۰	-۰,۷۹۴۸	۵,۳۶۹۷	۳,۰۸۲۲	۲,۲۸۷۴	لطمه خوردن هویت‌های کالبدی بر اثر ساخت‌وسازهای سریع
۷	-۰,۴۴۴۳	۴,۵۱۸۰	۲,۴۸۱۲	۲,۰۳۶۸	تغییر کاربری با دید و نگرش اقتصادی
۴	۰,۱۱۷۵	۴,۸۱۹۷	۲,۳۵۱۱	۲,۴۶۸۶	تحولات فضایی و کالبدی سریع به‌واسطه جمعیت‌پذیری بالا
۳	۰,۴۹۷۵	۴,۷۵۸۱	۲,۱۳۰۳	۲,۶۲۷۸	دخالت سازمان‌های مختلف در پیرامون حریم پایتخت
۲	۰,۷۴۶۶	۵,۲۵۲۸	۲,۲۵۳۱	۲,۹۹۹۷	تمرکز فعالیت‌ها در کانون‌های خاص حریم
۸	-۰,۶۰۷۴	۵,۵۱۴۴	۳,۰۶۰۹	۲,۴۵۳۵	عدم هماهنگی بین تصمیم‌گیران و مجریان و تصمیم‌سازان در مدیریت یکپارچه حریم پایتخت

مأخذ: همان.

با توجه به جدول فوق، نمودار علی تهدیدات حریم کلانشهر تهران به‌صورت ذیل نشان داده شده است (نمودار ۳).

نمودار ۳. نمودار علی تهدیدهای پیش روی حریم کلانشهر تهران



مأخذ: همان.

مقدار (Di-Ri) شاخص‌های علت (تأثیرگذار) هستند و در صورت منفی بودن به گروه معلول (تأثیرپذیر) تعلق دارند. با توجه به نمودار (Di-Ri) مؤلفه‌های تهدید مانند (عدم یکپارچگی در مدیریت حریم، تحولات فضایی و کالبدی سریع به واسطه جمعیت‌پذیری بالا، دخالت سازمان‌های مختلف در پیرامون حریم پایتخت، تمرکز فعالیت‌ها در کانون‌های خاص حریم و عدم هماهنگی بین تصمیم‌گیران و مجریان و تصمیم‌سازان در مدیریت یکپارچه حریم پایتخت) می‌توان نام برد که جزء عناصر علت و تأثیرپذیر به دلیل مثبت بودن آنهاست.

همچنین براساس نمودار (Di-Ri) مؤلفه‌های (سکونت بالای جمعیت در حریم کلانشهر تهران، توسعه بی‌ضابطه شهرها و روستاهای واقع در محدوده حریم، نابودی اراضی کشاورزی و سکونتگاه‌های روستایی در محدوده حریم پایتخت، لطمه خوردن هویت‌های کالبدی بر اثر ساخت‌وسازهای سریع و تغییر کاربری با دید و نگرش اقتصادی) اشاره کرد که به علت منفی بودن جز شاخص‌های اثرپذیر از سایر مؤلفه‌های است.

۴-۵. شناسایی روابط علی و معلولی در نقاط فرصت‌ها

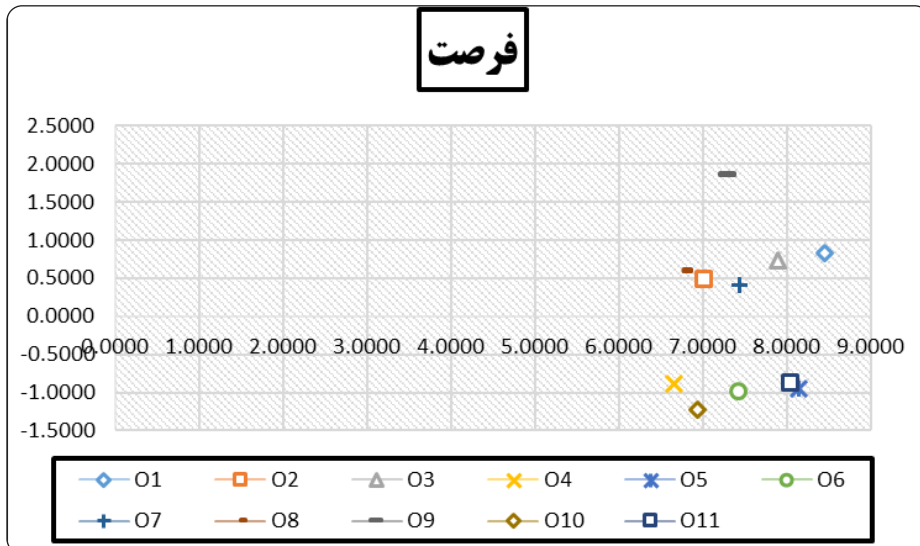
در جدول زیر نیز مقدار عوامل (Di+Ri) و (Di-Ri) مورد سنجش قرار گرفت که در ستون

افقی (Di+Ri) مؤلفه‌های حفظ و صیانت و حمایت طرح‌های توسعه شهر تهران از پهناهای حریم با کسب امتیاز (۸/۴۴) در جایگاه نخست واقع شده و نشان‌دهنده مقدار اهمیت و جایگاه آنها در بردار فوق است. همچنین مؤلفه‌های کاهش مشکلات اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، مدیریتی و... در پهنا حریم با اجرایی شدن مدیریت یکپارچه حریم در جایگاه آخر واقع شده است.

جدول ۵. شناسایی روابط علی و معلولی در نقاط فرصت‌ها

فرصت‌ها	Di	Ri	محور افقی		رتبه
			Di+Ri	Di-Ri	
O1	۴,۶۳۷۹	۳,۸۱۰۸	۸,۴۴۸۸	۰,۸۲۷۱	۲
O2	۳,۷۴۱۶	۳,۲۵۹۸	۷,۰۰۱۳	۰,۴۸۱۸	۵
O3	۴,۳۱۱۸	۳,۵۷۹۱	۷,۸۹۰۹	۰,۷۳۲۷	۳
O4	۲,۸۸۸۶	۳,۷۶۸۴	۶,۶۵۷۰	-۰,۸۷۹۸	۸
O5	۳,۵۹۰۹	۴,۵۴۸۶	۸,۱۳۹۵	-۰,۹۵۷۷	۹
O6	۳,۲۲۰۱	۴,۱۹۹۲	۷,۴۱۹۴	-۰,۹۷۹۱	۱۰
O7	۳,۹۱۹۹	۳,۵۰۹۸	۷,۴۲۹۷	۰,۴۱۰۱	۶
O8	۳,۶۸۴۳	۳,۰۸۵۱	۶,۷۶۹۴	۰,۵۹۹۲	۴
O9	۴,۵۷۲۶	۲,۷۰۹۱	۷,۲۸۱۷	۱,۸۶۳۵	۱
O10	۲,۸۵۵۰	۴,۰۷۴۶	۶,۹۲۹۶	-۱,۲۱۹۵	۱۱
O11	۳,۵۸۲۳	۴,۴۶۰۵	۸,۰۴۲۸	-۰,۸۷۸۲	۷

نمودار ۴. نمودار علی فرصت های پیش روی حریم کلانشهر تهران



مأخذ: همان.

مقدار (Di-Ri) یا شاخص های علی (تأثیرگذار) یا معلول (اثرپذیر) هستند. اگر شاخص ها مثبت باشند علی، و اگر منفی باشند، معلول است. با این حال در بین شاخص هایی که علی هستند می توان به (حفظ و سیانت و حمایت طرح های توسعه شهر تهران از پهنه های حریم، ساماندهی ساخت و ساز و جلوگیری از تخریب اراضی کشاورزی و محیط زیست، توجه هرچه بیشتر به مفهوم حریم در دهه های اخیر با برگزاری انواع همایش ملی و بین المللی، همگرایی و توجه نسبی سازمان ها و نهادها در حفظ و سیانت از حریم، وجود مناطق حفاظت شده جاجرود و پارک های ملی از لحاظ منظر و چشم انداز مطلوب حریم و پذیرش رویکرد کمربند سبز در حفظ و سیانت از حریم) اشاره کرد که با توجه به مثبت بودن آنها در مقدار (Di-Ri) بیشترین نقش و تأثیرگذاری را دارند و مابقی شاخص ها با کسب امتیازهای منفی جز شاخص های اثرپذیر هستند که از جمله آنها می توان به (کاهش مشکلات اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، مدیریتی و... در پهنه حریم با اجرایی شدن مدیریت یکپارچه حریم، وجود مناطق گردشگری در حدوده حریم، تدقیق جایگاه مدیریت یکپارچه

حریم در قانون برنامه پنجم، وجود اراضی باز و بایر در پهنه جنوبی نسبت به پهنه شمالی و عزم دولت و سازمان‌ها در راستای دستیابی به توسعه متوازن در حریم) اشاره کرد.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

رشد سریع شهرنشینی از یک طرف و عدم وجود سیاست‌های درست و طراحی نامناسب شهری، از طرف دیگر همراه با سایر عوامل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی باعث تغییر شکل و توسعه بی‌نظمی مناطق حریم کلانشهرها شده و زمینه مناسبی را برای رشد اسکان غیررسمی به وجود آورده است. در سال‌های اخیر شهرهای اقماری در اراضی پایتخت، حریمی برای توسعه آینده خود پیش‌بینی کرده‌اند که گاه با حریم شهر هم‌جوار تداخل و تعارض دارد و گاه تا خیابان‌ها و بزرگراه‌های معرف مرز محدوده شهر تهران نیز پیش آمده‌اند. قرائن نشان می‌دهد که ساخت‌وسازهای غیرمجاز در حریم تهران همچنان ادامه دارد. تحت چنین شرایطی در حریم پایتخت به دلیل ضعف مدیریت واحد و یکپارچه برای سازمان‌دهی مشکلات مذکور باعث شده که کنترل، مدیریت و هدایت چنین سیستم پیچیده‌ای در وضع موجود و هدایت و مدیریت آن با برنامه‌ریزی مناسب در آینده با مشکلات و دشواری‌های عدیده‌ای روبه‌رو شود. این مسائل و مشکلات در محدوده وضع موجود، نشان از کم‌وکاستی‌های نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری و عدم توجه به حفظ و صیانت از حریم پایتخت و اراضی آن است. مطالعه، نقاط ضعف، قوت، فرصت و تهدیدات پیش روی مدیریت یکپارچه شهری نشان داد؛ افزایش ناپایداری زیست‌محیطی در حریم، عدم تطبیق محدوده پیشنهادی حریم کلانشهر تهران با قوانین موجود و ضعف هماهنگی در اجرا و سیاستگذاری در محدوده حریم پایتخت از نقاط ضعف حریم پایتخت هستند. از نقاط قوت موجود در محدوده حریم، توسعه کمربند سبز در جهت کنترل سکونتگاه‌ها، تنوع بسترهای محیطی در توسعه گردشگری، محیطی نسبتاً آرام و کم‌صدا و دور از هیاهوی شهری، اراضی گسترده برای زراعت و کشاورزی و وجود تنوع عملکردی در حریم پایتخت است، عوامل اصلی که مدیریت یکپارچه حریم را تهدید می‌کند عبارت‌اند از: عدم یکپارچگی در مدیریت حریم، عدم هماهنگی بین تصمیم‌گیران، مجریان و تصمیم‌سازان در مدیریت

یکپارچه حریم پایتخت و تغییر کاربری با دید و نگرش اقتصادی. کاهش مشکلات اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، مدیریتی و... در پهنه حریم با اجرایی شدن مدیریت یکپارچه حریم، وجود مناطق گردشگری در حدوده حریم، تدقیق جایگاه مدیریت یکپارچه حریم در قانون برنامه پنجم، وجود اراضی باز و بایر در پهنه جنوبی نسبت به پهنه شمالی و عزم دولت و سازمان‌ها در راستای دستیابی به توسعه متوازن در حریم از فرصت‌های پیش روی محدوده حریم است که با تحقق مدیریت یکپارچه حریم می‌توان به‌عنوان نقاط فرصت تلقی کرد. بر همین مبنا، با توجه به شرایط موجود و یافته‌های حاصل می‌توان نتیجه گرفت که عدم وجود مدیریت یکپارچه در نظام توسعه مطلوب فضاهای شهری و حریم آنها یکی از عوامل عمده و چالش برانگیز در حوزه نظام برنامه‌ریزی شهری تبدیل شده است. بنابراین تا زمانی که مدیریت هماهنگ و یکپارچه در مجموعه شهری تهران شکل نگیرد این اتفاقات در حریم و شهرهای اقماری واقع در آن، موجب بروز مشکلات زیادی برای شهر خواهد شد. با توجه به یافته‌های مطالعه حاضر پیشنهادهایی برای برون‌رفت از وضعیت حال حاضر ارائه می‌شود:

- برخورد جدی و همه‌جانبه سازمان‌ها و نهادها با هرگونه ساخت‌وساز غیرمجاز در حریم پایتخت،
- تقویت انسجام و یکپارچگی سازمان فضایی شهر و منطقه کلانشهری تهران،
- افزایش مدیریت یکپارچه در حریم شهر تهران برای کاهش هرگونه بورس‌بازی و سوداگری،
- ساماندهی و صیانت از محدوده و جلوگیری از هرگونه گسترش شهر،
- فراهم کردن امکانات نظارت بر ساخت‌وساز در حریم تهران.

منابع و مآخذ

۱. ابراهیم نیا، وحیده و زهرا عبدی دانشپور (۱۳۹۶). «سیاستگذاری در بزرگ‌شهر تهران: روش‌های واکاوی دوگانه یکپارچگی و غیریکپارچگی»، *نشریه‌های هنرهای زیبا*، دوره ۲۲، ش ۱.
۲. امینی، مهدی، یوسفعلی زیاری و عبدالرضا فرجی (۱۳۹۶). «بررسی و تطبیق راهبردهای مدیریت پایدار حریم کلانشهرها؛ تهران و کلانشهرهای جهانی»، *سرزمین*، سال چهاردهم، ش ۵۴.
۳. انوری، نعمت‌الله و سیدجمال‌الدین دریاباری (۱۳۹۷). «بررسی مسائل مدیریتی حریم کلان‌شهر تهران در ارتباط با روند فعلی و آتی تحولات کالبدی و جمعیتی»، *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، دوره ۱۰، ش ۳۸.
۴. بافرانی، جمال و زهرا پروانه مهدوی (۱۳۹۴). «راهبردها سیاست‌ها و ملاحظات ناظر بر ساماندهی و آمایش درونی منطقه دوازده تهران»، *مجموعه مقالات همایش تمرکززدایی و ساماندهی پایتخت*.
۵. بردی آنامرادنژاد، رحیم (۱۳۹۵). «تحلیلی بر برنامه‌ریزی فضایی و الگوی توسعه شهرنشینی در ایران»، *نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، دوره هفتم، ش ۲۶.
۶. برک‌پور، ناصر و ایرج اسدی (۱۳۸۸). *مدیریت و حکمروایی شهری*، تهران، انتشارات معاونت دانشجویی دانشگاه هنر.
۷. توفیق، فیروز (۱۳۹۱). «در حاشیه طرح راهبردی حریم پایتخت (تهران)»، *دوماهنامه شهرنگار*، ش ۵۶ و ۵۷.
۸. داوودی، سیدمجید (۱۳۸۹). «امکان‌سنجی جابه‌جایی و انتقال مراکز سیاسی، اداری و اقتصادی پایتخت به خارج از تهران، بررسی مقدماتی ابعاد موضوع»، *دفتر مطالعات سیاسی*، شماره مسلسل ۱۰۳۴۶.
۹. رهنما، محمدرحیم، براتعلی خاکپور و غلامرضا عباس‌زاده (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر قانون تعاریف محدوده و حریم بر ساختار کالبدی - فضایی آینده شهرها (نمونه موردی: شهر مشهد)»، *فصلنامه مدیریت شهری*، ش ۴۰.
۱۰. زیاری، کرامت‌الله، باقر فتوحی مهربانی و حسین فرهادی خواه (۱۳۹۵). «بررسی راهکارهای ساماندهی و تمرکززدایی از تهران و طراحی لگوی بهینه»، *آمایش سرزمین*، دوره هشتم، ش ۱.
۱۱. سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور (۱۳۹۴). *طرح بازنگری ساختار نظام مدیریت و مالیه کلانشهر تهران*، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، شهرداری تهران.
۱۲. شهرداری تهران، اداره کل حریم شهر (۱۳۹۴).
۱۳. ضرابی، اصغر و مهدی جمالی‌نژاد (۱۳۸۹). «بررسی نقش مدیریت هماهنگ شهری در تحقق بخشی میزان امنیت اجتماعی، مورد پژوهشی: استان اصفهان»، *مجله مدیریت شهری*، ش ۲۶.

۱۴. عبدی دانشپور، زهره و مسعود تارانتاش (۱۳۹۵). «تحلیل اثرات گسترش برنامه‌ریزی نشده کلانشهرها بر محیط طبیعی پیرامون: رویکردی ویژه به منطقه کلانشهری تهران»، *باغ نظر*، سال سیزدهم، ش ۴۳.
۱۵. میره‌ای، محمد، امیر فتحی، سهراب امیریان و حاتم پرنیان (۱۳۹۵). «بررسی و تعیین اولویت‌های ساماندهی پایتخت در ایران»، *مجله جغرافیا و پایداری محیط*، ش ۱۸.
۱۶. محمدی، کاوه (۱۳۸۷). «مدیریت شهری یکپارچه و اهداف ایران ۱۴۰۰»، *ماهنامه شهرداری‌ها*، سال نهم، ش ۹۲.
17. Allen, Adrian, L.A, da Silva, Nilvo and Enrico Corubolo (1999). "Enviromental Problems Oprotunities of the Peri-Urban Interface and Their Impact Upon The Poor", Strategic Environmental Planning and Management for the Peri-urban Interface Research Project, Development Planning Unit (DPU) University College London.
18. Allen, Adriana (2003). "Environmental Planning and Management of the Peri-urban Interface: Perspectives on an Emerging Field", *Environment and Urbanization*, Vol. 15 No. 1, <http://eau.sagepub.com/content/15/1/135>.
19. Amoateng, Paul, Patrick B. Cobbinah and Kwasi Owusu- Adade (2013). "Managing Physical Development in Peri- urban Areas of Kumasi, Ghana: a Case of Abuakwa", *Journal of Urban and Environmental Engineering*, Vol. 7.
20. Ben Amer, Sara (2014). "Scenario Modelling as a Tool for Planning Sustainable Urban Energy Systems", *Journal Urban Futures-Squaring Circles: Europe, China and the World in 2050*.
21. Bengston, D. N. and Y. C. Youn (2006). "Urban Containment Policies and the Protection of Natural Areas: the Case of Seoul's Greenbelt", *Ecology and Society*, 11 (1), 3, <http://www.ecologyandsociety.org/vol11/iss1/art3>.
22. Bengston, D. N., J. Fletcher and K. Nelson (2004). "Public Policiesfor Managing Urban Growth and Protecting Open Space: Policyinstruments and Lessons Learned in the United States", *Landscape and Urban Planning*, 69.

23. Brankica Milojevic (2018). "Integrated Urban Planning In Theory and Practice", <https://www.researchgate.net/publication/325714737>
24. Briassoulis, H (2009). "Factors Influencing Landuse and Land-Cover Change", Land Cover, Land Use and The Global Change, *Journal of Encyclopaedia Of Life Support Systems (EOLSS)*, Vol. 1.
25. Chunyang, H., A. Zhang, O. Huang and Y Zhao (2016). "Assessing the Potential Impacts of Urban Expansion on Regional Carbon Storage by Linking the LUSD Urban and In Vest Models", *Journal of Environmental Modelling and Software*, Vol. 75.
26. Cohen Barney (2006). "Urbanization in Developing Countries: Current Trends, Future Projections and Key Challenges for Sustainability", *Journal Tecnology in Society*, Vol. 28.
27. Detcharat Sumrit and Pongpun Anuntavoranich (2013). "Using Dematel Method to Analyze the Causal Relations on Technological Innovation Capability Evaluation Factors in Thai Technology-Based Firms", *International Transaction Journal of Engineering, Management, Applied Sciences Technologies*.
28. Dascher, K. (2000). "Are Politics and Geography Related? Evidence from a Crosssection of Capitalcities", *Public Choice*, Vol. 105.
29. Eppler, Ulrike, Uwe R Fritsche and Sabine Laaks (2015). "Urban-Rural Linkages and Global Sustainable Land Use, Berlin", Globalands, IINAS (International Institute For Sustainability Analysis and Strategy), Berlin, Darmstadt, No. 4-75.
30. Garcia-López, M.A. (2010). "Population Suburbanization in Barcelona, 1991–2005: Is its Spatial Structure Changing?", *Journal of Housing Economics*, Vol. 19.
31. H. Jorgensen, Tine (2006). "Integrated Management Systems - Three Different Levels of Integration", *Journal of Cleaner Production*, Vol. 14.

32. Hope, K. R. (1986). "Urbanization and Economic Development In The Third World", *Cities*, Vol. 3.
33. Kirk, M (2004). Ensuring Efficient Land Management In Peri-Urban Areas, World Bank Report, www.inweb18.worldbank.org/ESSD/essdext.nsf.
34. Liu, Y. and S.R. Phinn (2003). "Modelling Urban Development With Cellular Automata Incorporating Fuzzy-Set Approaches", *Computers, Environment and Urban Systems*, Vol. 27.
35. Low Choy, Darryland Sutherland, Cassara and Gleeson, Brendan and Dodson Jago (2008). "Change and Continuity in Peri-Urban Australia: Peri-Urban Futures and Sustainable Development", Monograph 4, Urban Research Program, Griffith University.
36. Pacione, M. (2003). "Urban Geography, A Global Perspective", 2th, London, Routledge.
37. Pendall, Rolf, Janathan Martin and William Fulton (2002). *Holding the Line: Urban Containment in the United States*, Washington, D.C: The Brooking Institution.
38. Pinheiro Cordeiro dos Santos Lima, Catharina and Caio Boucinhas (2016). "Challenges of the Urban Peripheral Landscapes", *Urbe, Rev, Bras, Gest, Urbana*, Vol. 8.
39. Savini, Federico (2015). *Urban Peripheries: Reflecting On Politics and Projects In Amsterdam, Milan and Paris*, Environment and Planning C Government and Policy, Vol. 33.
40. Sharifi Vandad (2009). "Urban Mental Health in Iran: Challenges and Future Directions", *Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences (IJPBS)*, Vol. 3.
41. Sroufe, Robert (2017) "Integration and Organizational Change Towards Sustainability", *Journal of Cleaner Production*, Vol. 162.
42. Stefan Siedentop, Stefan Fina, Angelika Krehl (2016). "Greenbelts in Germany's Regional Plans an Effective Growth Management Policy?", *Landscape And Urban Planning*, Vol. 145.

43. Sudhira, H.S. and T.V Ramachandra (2007). "Characterising Urban Sprawl from Remote Sensing Data and Using Landscape Metrics"; 10th *International Conference on Computers in Urban Planning and Urban Management*, Iguassu Falls, PR Brazil.
44. Szigetia C, G. Toth and D R. Szabo (2017). "Decoupling – Shifts In Ecological Footprint Intensity of Nations in Thelast Decade", *Ecological Indicators Journal*, Vol. 72.
45. Tacoli, Cecilia (1998). "Rural-Urban Interactions: A Guide To The Literature", *Environment and Urbanization*, Vol. 10, No. 1.
46. Thuo, Aggrey and Maina Daniel (2010). Community and Social Responses to Land use Transformations in the Nairobi Rural-urban Fringe, Kenya, Field Actions Science Reports, Institut Veolia Environnement (Kenya), No. 1867-8521.
47. Tieshan, S., H. Zhenhai,. W. Lanlan and L. Guoping (2012). "Suburbanization and Subcentering of Population in Beijing: Metropolitan Area: A Nonparametric Analysis", *Chinese Geographical Scienc*, Vol. 22.
48. Wolfel, R. L (2002). "North to Astana: Nationalistic Motives for the Movement of the Kazakh Capital", *Nationalities Papers*, Vol. 30.
49. Wu, W.W., Y.T. Lee (2007). "Developing Global Managers' Competencies Using The Fuzzy DEMATEL Method", *Expert Systems With Applications*, Vol. 32.
50. Zhang, Q., Y. Ban, J. Liu and Y. Hu (2011). "Simulation and Analysis Of Urban Growth Scenarios for the Greater Shanghai Area", *Computers, Environment and Urban Systems*, Vol. 35.

تحول فقر در استان ایلام طی برنامه‌های دوم تا پنجم توسعه: با تأکید بر آثار سیاست هدفمندی یارانه‌ها

باقر درویشی* و فرشته محمدیان**

نوع مقاله: علمی پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۲۹	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۳	شماره صفحه: ۳۰۵-۲۷۳
------------------------	-------------------------	-----------------------	---------------------

هدف این مقاله بررسی فقر در چهار حوزه وسعت، توزیع، شدت و سیاستگذاری در مناطق شهری و روستایی استان ایلام است. در این پژوهش با به‌کارگیری داده‌های هزینه و درآمد خانوارها، شاخص‌های فقر سرشمار، شکاف فقر، کشش فقر، هدفمندی ثابت سرانه و مدت زمان فقر طی برنامه‌های دوم تا پنجم توسعه برآورد شدند. نتایج نشان می‌دهد که تغییرات ساختاری ایجاد شده در برنامه‌های چهارم و پنجم متفاوت از برنامه‌های قبل است به‌عنوان مثال برای اولین بار میزان فقر مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری شده و تنها در این دوره در هر دو منطقه جغرافیایی فقر افزایش یافته است. بررسی فقر سرشمار براساس مشخصه‌های خانوارها نشان می‌دهد که بعد از هدفمندی نه تنها وضعیت رفاهی هیچ گروهی از خانوارها بهبود نیافته، بلکه خانوارهای غیرآسیب‌پذیر نیز آسیب‌پذیر شده‌اند. در مورد سیاستگذاری کاهش فقر، میزان اثرگذاری رشد بر فقر در مناطق روستایی بیش از ۱/۵ برابر مناطق شهری است و اندازه‌گیری مدت زمان فقر نشان می‌دهد که خانوارهای با شکاف فقر حداکثری را تنها با نرخ‌های رشد ۱۲ درصدی در دوره ۱۰ ساله می‌توان از فقر رهایی بخشید. براساس نتایج شاخص هدفمندسازی ثابت سرانه حتی با دوبرابر کردن یارانه‌ها همچنان ۳۶ و ۳۰ درصد از خانوارهای روستایی و شهری فقیر خواهند بود. بنابراین با ادامه سیاست‌های کنونی امکان تعدیل فقر وجود ندارد و رفع آن نیازمند حمایت‌های اجتماعی گسترده‌تری است که مستلزم بازنگری در سیاست‌های حمایتی و روش‌های شناسایی فقر است.

کلیدواژه‌ها: فقر سرشمار؛ شکاف فقر؛ هدفمندی ثابت سرانه؛ مدت زمان خروج از فقر؛ استان ایلام

* استادیار گروه اقتصاد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول)؛
Email: ba.darvishi@ilam.ac.ir

** استادیار گروه اقتصاد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام؛
Email: f.mohamadian@ilam.ac.ir

مقدمه

فقر یکی از بحث‌برانگیزترین آسیب‌های اجتماعی در کشورهای در حال توسعه است که گسترش آن ثبات سیاسی و اجتماعی جامعه را به خطر می‌اندازد. موضوع فقر و اندازه‌گیری آن در ادبیات اقتصادی جایگاه ویژه‌ای دارد و در دهه‌های اخیر در سیاستگذاری‌های اقتصادی کشورها اهمیت بیشتری یافته است. در کشور ما فراهم کردن شرایط مناسب زندگی برای تمام اقشار جامعه وظیفه اصلی کارگزاران و مسئولین اقتصادی کشور است (راغفر و ابراهیمی، ۱۳۸۶، ۵۶). علاوه بر این مسئله فقر و رفاه اقشار آسیب‌پذیر به صراحت در اصل‌های (۳، ۲۱، ۲۹، ۳۱ و ۴۳) قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲). با این حال، برنامه‌های مبارزه با فقر همان اندازه که به کارایی سیاستگذاری و نحوه اجرای برنامه نیاز دارند، به شناخت ابعاد مختلف پدیده فقر، دلایل و پیامدهای آن نیز نیازمندند. چندبعدی بودن فقر موجب شده تعاریف متعددی با توجه به جنبه‌های مختلف آن ارائه شود و تاکنون اجماعی در مورد مفهوم آن شکل نگرفته است. فقر می‌تواند از ابعاد مختلفی مانند فقر آموزش، فقر سلامت، فقر سرپناه، فقر غذایی و... مورد ارزیابی قرار گیرد. همچنین در بررسی فقر سه بحث اساسی وسعت و توزیع فقر، شدت و عمق فقر و سیاستگذاری برای کاهش فقر مطرح است.

در این پژوهش بُعد درآمدی فقر مورد توجه است و به سه بحث اساسی وسعت و توزیع فقر، شدت و عمق فقر و سیاستگذاری برای کاهش آن می‌پردازد. هدف مطالعه حاضر بررسی تحول فقر در مناطق شهری و روستایی استان ایلام طی دوره ۱۳۷۴-۱۳۹۵ برای پاسخ به این سؤالات است، وسعت و شکاف فقر در مناطق شهری بیشتر است یا مناطق روستایی؟ وسعت و شکاف فقر در طی زمان برای مناطق مختلف چگونه تحول یافته است؟ کدام یک از مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارها بیشترین و کمترین تأثیر را بر فقر دارند؟ اهمیت نسبی هر یک از مشخصه‌ها چگونه است؟ آیا فقر روستایی و شهری از مؤلفه‌ای یکسان تأثیر می‌پذیرند یا تأثیر مؤلفه‌ها در مناطق مختلف متفاوت است؟ هدفمندی یارانه‌ها چه تأثیری بر میزان فقر شهری و روستایی داشته است؟ برای تعدیل کامل فقر به چه میزان پرداخت نقدی در ماه نیاز است؟ آیا با سیاست‌های کنونی می‌توان در کوتاه‌مدت خانوارها را از فقرهایی بخشید؟ در نهایت در این زمینه رشد اقتصادی چه تأثیری خواهد

داشت؟ برای پاسخ به این سؤالات؛ مقاله به این صورت سازمان یافته است، بخش اول به پیشینه پژوهش اختصاص می‌یابد، بخش دوم به مبانی نظری و بخش سوم به روش تحقیق می‌پردازد، در بخش چهارم تحلیل یافته‌های تحقیق و در بخش پنجم نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی ارائه می‌شود.

۱. پیشینه پژوهش

مطالعات انجام شده در زمینه فقر را می‌توان به دو دسته کلی مطالعات ملی و مطالعات منطقه‌ای تقسیم کرد. براساس موضوع پژوهش حاضر مطالعات منطقه‌ای ارزیابی می‌شوند، از جمله عمرانی، فرج‌زاده و دهمرده (۱۳۸۸) به بررسی عوامل تعیین‌کننده فقر و تغییرات رفاه میان خانوارهای روستایی سیستان (شهرستان زابل) در دوره ۱۳۸۳-۱۳۷۶ پرداخته‌اند. نتایج نشان داد سن سرپرست، ترکیب سنی فرزندان و مجذور بُعد خانوار از مهمترین عوامل تعیین‌کننده فقر در مناطق روستایی شهرستان زابل است. پیریایی و شهسوار (۱۳۸۸) با به‌کارگیری خط فقر نسبی و شاخص‌های فقر سرشمار، نسبت شکاف درآمدی، شدت فقر، سن و کاکوانی به بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی استان فارس در دوره ۱۳۸۶-۱۳۷۴ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنان نشان می‌دهد که خط فقر سالیانه خانوارها در مناطق شهری بیش از مناطق روستایی بوده و شاخص‌های فقر در این مناطق در دوره مورد بررسی، روندی نزولی داشته است. زیبایی و باقری (۱۳۹۱) نیز با تهیه نقشه جغرافیایی فقر در مناطق شهری استان فارس و بررسی عوامل موثر بر آن، با استفاده از رهیافت اقتصادسنجی فضایی و اطلاعات ۳۲۰ خانوار شهری در سال ۱۳۸۴ نشان دادند که متغیرهای میانگین اندازه خانوار، جنسیت سرپرست خانوار، درصد خانوارهای دارای مسکن و نوع شغل تأثیر معناداری بر فقر دارند. رشیدی و ناجی‌میدانی (۱۳۹۲) با هدف بررسی وضعیت فقر و توزیع درآمد در دوره ۱۳۹۱-۱۳۸۵ برای مناطق شهری استان خراسان؛ با به‌کارگیری شاخص‌های فقر نسبی، سن، کاکوانی، فاستر، گریر و توربک و فقر سرشمار نشان دادند که در دوره مورد بررسی، فقر نسبی کاهش یافته و اگر یارانه توزیع شده در استان به صورت هدفمند صرفاً به فقرا تخصیص داده می‌شد قادر به حذف فقر نسبی بود. افتخاری، کرمی و نوری‌پور (۱۳۹۱) با استفاده از

خط فقر مطلق و شاخص‌های فقر سرشمار و شکاف فقر به بررسی وضعیت فقر در مناطق روستایی کهگیلویه و بویراحمد پرداختند. نتایج نشان‌دهنده فقر سرشمار ۳۲ درصدی است و فاکتورهای سن سرپرست، دسترسی به خدمات درمانی، وضعیت مسکن، آب لوله‌کشی، حمام، سطح تحصیلات و داشتن ابزارآلات کشاورزی بر فقر تأثیر داشته‌اند. افتخاریان و سلیمی‌فر (۱۳۹۳) با بررسی وضعیت فقر مناطق شهری کرمان با به‌کارگیری شاخص‌های فقر سرشمار، شکاف فقر و سن در دوره ۱۳۹۱-۱۳۸۵ نتیجه گرفتند که وضعیت فقر رو به بهبود بوده و خط فقر مناطق شهری استان کرمان کمتر از متوسط کشور است. یاسوری و امامی (۱۳۹۷) نیز با روش پیمایشی و مدل‌سازی معادلات ساختاری به بررسی وضعیت فقر در دهستان سراوان شهرستان رشت پرداختند. آنان با نمونه‌گیری تصادفی از جامعه‌ای به حجم ۴۲۳۳ خانوار و آزمون‌های آماری نشان دادند که خانوارها از نظر بُعد اقتصادی فقیر هستند و عمده‌ترین دلایل فقر؛ فضای ناکافی مسکن برای کودکان، آسیب‌پذیری در مقابل سیل و زلزله و فروش محصولات کشاورزی به صورت غیرمستقیم به دلالت است.

مطالعه حاضر به بررسی تحولات فقر در برنامه‌های دوم تا پنجم توسعه در استان ایلام می‌پردازد. برخلاف مطالعات پیشین که براساس مقایسه مقادیر مطلق شاخص‌های فقر به بررسی تفاوت‌ها بین مناطق شهری و روستایی و تحولات فقر در طی زمان پرداخته شده است، در مقاله حاضر تفاوت‌ها و تغییرات فقر براساس فاصله اطمینان آماری مقایسه شده‌اند. نوآوری دیگر مطالعه این است که شاخص‌های کشش‌های فقر، هدفمندی ثابت سرانه و مدت زمان ماندن در فقر که نقش مهمی در سیاست‌گذاری دارند را بررسی می‌کند و در نهایت تأثیر هدفمندی یارانه‌ها را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

۲. مبانی نظری

چندبُعدی بودن پدیده فقر سبب ارائه تعاریف متفاوت و فقدان اجماع در مورد مفهوم فقر شده است. آدام اسمیت^۱ فقر را به‌عنوان ناتوانی در تأمین نیازها تعریف و نیازها را به دو دسته

1. Adam Smith

نیازهای اساسی و غیراساسی تقسیم می‌کند که به وسیله عادات و رسوم جامعه تعیین می‌شوند (حبیب‌پور، ۱۳۷۸: ۶۱). سن^۱ (۱۹۸۱) فقر را به صورت محرومیت از قابلیت‌های اساسی، حقوق بشر، آزادی انتخاب و فرصت‌های برابر تعریف می‌کند و اظهار می‌دارد که تمام تعاریف صورت گرفته در مورد فقر به نوعی به محرومیت اشاره دارد که یک مفهوم نسبی براساس زمان و مکان است.

به‌طور کلی فقر به دو دسته کلی عینی و ذهنی تقسیم می‌شود. منشأ فقر عینی اطلاعاتی است که از مشاهدات مستقیم حاصل می‌شود و به دو صورت فقر مطلق و فقر نسبی قابل اندازه‌گیری است. فقر مطلق بر پایه درآمد لازم برای تأمین حداقل معاش یا نیازهای اساسی شکل گرفته و به‌عنوان محرومیت یا ناتوانی فرد در کسب حداقل استانداردهای زندگی تعریف می‌شود. این تعریف از فقر مطلق با آخرین مطالعه بوت و روانتری^۲ مرتبط است. آنان از پیشگامان مطالعه در زمینه فقر مطلق در انگلستان هستند و فقر مطلق را به صورت ناتوانی در کسب ضروریاتی که برای حفظ کارایی جسمانی فرد لازم است، در نظر می‌گیرند (Kakwani, Khandker and Son, 2003: 1). اما این حداقل معاش ثابت نبوده و ممکن است از یک کشور به کشور دیگر تغییر کند. وسایل و امکاناتی که در یک کشور در شرایط تاریخی خاص از حیات یک ملت، حالت لوکس و تجملی دارند ممکن است در کشورهای دیگر یا مرحله دیگر حیات همان کشور نیاز اساسی تلقی شوند. می‌توان از تعدادی نیاز اساسی مانند نیاز به غذا، لباس، مسکن، درمان و... که عدم دسترسی به حداقلی از آنها ادامه حیات افراد را به مخاطره می‌اندازد، به‌عنوان معیارهای فقر مطلق استفاده کرد. در عمل به علت وابستگی این نیازها به عادات، آداب و رسوم، شرایط اقلیمی و ارزش‌های فرهنگی، یافتن حداقلی که در همه کشورها قابل استفاده باشد، بسیار دشوار خواهد بود.

در مقابل فقر مطلق، فقر نسبی قرار دارد که به صورت ناتوانی در دستیابی به سطح معیشت خاصی که در جامعه فعلی، یک فرد برای خود مطلوب تشخیص می‌دهد، تعریف

1. Sen

2. Booth and Rowntree

شده است (اضروم چیلر، ۱۳۸۴: ۱۳). این نوع فقر را با توجه به جامعه مورد بررسی ارزیابی می‌کنند. از دیدگاه فقر نسبی، فرد زمانی فقیر محسوب می‌شود که در مقایسه با سایر افراد جامعه در موقعیت محرومیت قرار داشته و دارای عدم مزیت (به صورت مالی یا اجتماعی) باشد (Haughton and Khandker, 2009: 43). رویکرد فقر نسبی، بیشتر معیاری از توزیع نسبی درآمدها و نابرابری است. بنابراین در تعریف فقر نسبی به نابرابری در توزیع درآمد و ثروت بیش از میزان مطلق درآمد افراد توجه می‌شود (خالدی و پرمه، ۱۳۸۴: ۶۶). طبقه‌بندی افراد فقیر و غیرفقیر براساس معیار فقر نسبی بستگی به درجه توسعه نیافتگی جامعه مورد بررسی دارد و نمی‌تواند برای جوامع مختلف یکسان باشد. بنابراین فردی که در یک جامعه فقیر محسوب می‌شود، در جامعه دیگر لزوماً جزء فقرا دسته‌بندی نمی‌شود. فقر علاوه بر جنبه‌های قابل مشاهده، دارای جنبه‌های ذهنی نیز هست. برخلاف فقر عینی که ملاک سنجش آن حداقل معیشت است که براساس درآمد، هزینه و یا سایر شاخص‌های عینی محاسبه می‌شوند، در فقر ذهنی قضاوت شخص از وضعیت و موقعیت خویش در جامعه ملاک سنجش قرار می‌گیرد و فقر به صورت عدم رضایت فرد از موقعیت اجتماعی و اقتصادی وی تعریف می‌شود. افرادی هستند که با داشتن درآمد بالاتر از خط فقر، خود را فقیر تصور می‌کنند. در تحلیل فقر ذهنی، اطلاعات مرتبط با عقاید افراد و خانوارها و وضعیت آنها به کار گرفته می‌شود. این روش فهم فقر تحت تأثیر دیدگاه ذهنی است که خانوارها در مورد موقعیت مالی خویش دارند و در مقابل رویکرد عینی است که در آن فقط متغیرهای قابل مشاهده و قابل اندازه‌گیری مورد استفاده قرار می‌گیرند. این نوع فقر، قضاوت هر فرد در مورد ارضای نیازهای وی به میزان کافی و غیرکافی است و در آن، برآورده شدن نیازهایی فراتر از نیازهای اساسی مطرح است (Ibid.: 60).

در تحلیل پدیده فقر یکی از پرسش‌های اساسی این است که چگونه می‌توان افراد فقیر را از غیرفقیر بازشناخت؟ در پاسخ ابتدا باید آستانه‌ای از درآمد را تعریف کرد که یک خانوار برای رسیدن به سطح معینی از استاندارد زندگی نیاز دارد که همان خط فقر است. خانوارهایی که از منابع کافی برای رسیدن به آن سطح از رفاه برخوردار نباشند، فقیر تلقی می‌شوند. بنابراین یکی از مهمترین گام‌های تحلیل پدیده فقر، تعیین خط فقر است.

راوالیون خط فقر را به صورت مخارجی که یک فرد در زمان و مکان معین برای دسترسی به یک سطح حداقل رفاه متحمل می‌شود، تعریف می‌کند (3: Ravallion, 1998). در واقع می‌توان خط فقر را حداقل فاصله گروه‌های جامعه از نظر برخورداری یا برخوردار نبودن از حداقل نیازهای اساسی و یا مقدار مشخصی از درآمد در واحدی از زمان دانست. با این توضیح، می‌توان گفت خط فقر آستانه تمیز فقرا و غیرفقرا خواهد بود.

همانند مفهوم فقر، خط فقر نیز دارای تعاریف و مفاهیم متفاوتی از قبیل مطلق، نسبی و ذهنی است که انتخاب هر یک از آنها تفاوت‌های چشمگیری در میزان سنجش فقر در جامعه به دنبال دارد و در سیاست‌های عملی فقرزدایی حائز اهمیت است. خط فقر مطلق عبارت است از مقدار درآمدی که با توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... جامعه مورد بررسی برای تأمین حداقل نیازهای افراد مانند غذا، پوشاک، مسکن و... لازم است، یا حداقل شرایطی (مانند حداقل میزان درآمد، تحصیلات، مسکن و...) است که عدم تأمین آن موجب می‌شود تا فرد مورد بررسی فقیر در نظر گرفته شود. این روش تعیین خط فقر را روش نیازهای اساسی نیز می‌گویند (ابوالفتحی قمی، ۱۳۷۱: ۱۰). گاهی اوقات برای تعیین خط فقر مطلق از روش حداقل درآمد لازم برای تأمین نیازهای اساسی استفاده نمی‌شود، بلکه حداقل ویژگی‌های کیفی نظیر حداقل کالری و پروتئین دریافتی روزانه، حداقل سطح زیربنای واحد مسکونی سرانه، حداقل میزان تحصیلات سرپرست خانوار، حداقل تعداد افراد باسواد خانوار و... در نظر گرفته می‌شود. در صورتی که هر یک از افراد جامعه این ویژگی‌ها را نداشته باشند، فقیر محسوب می‌شوند (خدادادکاشی، حیدری و باقری، ۱۳۸۴: ۲۰۶). خط فقر نسبی به صورت درصد معینی از درآمد جامعه و یا به شکل یک مرز درآمدی که درصد معینی از افراد جامعه پایین‌تر از آن قرار می‌گیرند، تعریف می‌شود. فقر نسبی در واقع به شرایطی اطلاق می‌شود که فرد درآمد مورد نیاز برای دسترسی به سطح زندگی متوسط جامعه و برخورداری از متوسط رفاه جامعه را نداشته باشد. بنابراین خط فقر نسبی عبارت است از معادل ریالی مخارجی که فرد برای دسترسی به متوسط سطح زندگی جامعه نیاز دارد.

در رابطه با خط فقر نسبی، تعداد افراد فقیر به موقعیت نسبی هر فرد یا خانوار در درون جامعه وابسته است. خطوط فقر نسبی معمولاً شاخص‌هایی را به کار می‌برند که مبتنی بر

شاخص‌های پولی نظیر درآمد و مخارج هستند. روش‌های عملی برای اندازه‌گیری خط فقر نسبی عبارت از روش معکوس ضریب انگل، روش مبتنی بر ۵۰ یا ۶۰ درصد میانه توزیع مخارج و روش مبتنی بر ۵۰ یا ۶۶ درصد نما (مد) توزیع مخارج است. انتخاب خط فقر نسبی موجب می‌شود که همواره در جامعه عده‌ای از افراد به‌عنوان فقیر معرفی شوند.

در نهایت خط فقر ذهنی بر پایه پاسخ افراد به این سؤال است که از نظر شما حداقل درآمد لازم برای ادامه حیات چقدر است؟ در این حالت می‌توان از طریق آمارگیری این پرسش را مطرح کرد که شما چه سطحی از درآمد را به‌عنوان حداقل در نظر می‌گیرید؟ در واقع این سؤال، سطحی از درآمد را جستجو می‌کند که فرد با درآمد با کمتر از آن قادر به پاسخگویی به نیازهای خود نیست. بر این اساس از نظر سؤال‌شونده، هر فرد که درآمدش کمتر از حداقل درآمد باشد، فقیر تلقی می‌شود. پاسخ به پرسش فوق از فردی به فرد دیگر و برحسب بُعد خانوار متفاوت خواهد بود.

بعد از اندازه‌گیری خط فقر مسئله نهایی اندازه‌گیری میزان فقر در جامعه مورد بررسی است. در این زمینه سه بحث اساسی مطرح می‌شود یکی وسعت فقر است، در این مورد به این سؤال پاسخ داده می‌شود که چند درصد از مردم جامعه فقیر هستند. بحث بعدی، توزیع فقر است که این مورد به بررسی ویژگی‌های افراد فقیر و شرایط زندگی آنها می‌پردازد. برای انجام این مهم می‌توان توزیع افراد فقیر برحسب متغیرهای مختلف اقتصادی و اجتماعی (مانند سن، جنسیت، سطح تحصیلات، وضعیت شغلی، مسکن و...) و یا درصد افراد فقیر در مناطق مختلف جغرافیایی (شهری، روستایی، شهرستان‌های مختلف استان و...) را مشخص کرد. هدف اصلی این قسمت مشخص کردن آسیب‌پذیرترین گروه از نظر وسعت فقر است. مسئله سوم، بحث شدت و عمق فقر است. معیارهای سنجش شدت و عمق فقر اجازه می‌دهند تا درجه و شدت فقری که مردم از آن رنج می‌برند را مشخص کرد. در این روش به جای مشخص کردن تعداد افرادی که از فقر رنج می‌برند، درجه رنجی که آنان می‌کشند سنجیده می‌شود.

۳. روش تحقیق

در بررسی فقر سه بحث اساسی مطرح می‌شود، یکی وسعت و توزیع فقر است که درصد افراد

فقر را در کل جمعیت مشخص می‌کند و به بررسی ویژگی‌های افراد فقیر می‌پردازد. دوم، شدت و عمق فقر و سوم، سیاست‌گذاری برای کاهش فقر است. برای هدف‌گذاری درست در این زمینه آگاهی از میزان تأثیر رشد و مبالغ مختلف پرداخت‌های انتقالی بر میزان فقر می‌تواند کمک‌کننده باشد. دانش مرتبط با مدت زمانی که فقرا در فقر به سر می‌برند نیز در زمینه شناسایی فقر گذرا و مزمن اهمیت دارد که تعدیل هر یک سیاست‌های خاص خود را می‌طلبد. در ادامه ابتدا شاخص‌های لازم برای بررسی سه بحث اساسی فوق، سپس داده‌ها و روش محاسبه خط فقر مطلق معرفی خواهد شد.

۳-۱. معرفی شاخص‌ها

شاخص فقر: در ادبیات مربوطه، شاخص‌های فقر زیادی ارائه شده، اما در این تحقیق به دو دلیل شاخص فقر فوستر، گریور و توربیک^۱ انتخاب شده است. اول، تجزیه‌پذیری این شاخص است و دوم، این شاخص همه اصول موضوع یک شاخص مطلوب فقر را برآورده می‌کند و به صورت زیر محاسبه می‌شود.

$$F(\alpha) = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q \left(\frac{z - y_i}{z} \right)^\alpha \quad (1)$$

در این رابطه z خط فقر، y_i درآمد فرد i ام و α میزان تنفر و گریز از فقر در جامعه است. این شاخص برای مقادیر $\alpha=0$ ، $\alpha=1$ و $\alpha=2$ به ترتیب سه شاخص فقر سرشمار، شکاف فقر و شدت فقر را نتیجه می‌دهد. علاوه بر این هر گاه جامعه مرکب از n فرد یا خانوار را به m زیرگروه که تعداد اعضای هر زیرگروه n_i باشد، تقسیم کنیم، شاخص $F(\alpha)$ به صورت زیر تجزیه می‌شود.

$$F(\alpha) = \sum_{j=1}^m \left(\frac{n_j}{n} \right) F_j(\alpha) \quad (2)$$

کشش های فقر نسبت به رشد و نابرابری: در مدل کاکوانی، خاندکر و سان^۱ کشش کل فقر (δ) به این صورت محاسبه می شود.

$$\delta = \eta + \zeta \quad (۳)$$

در این رابطه η کشش فقر خنثی نسبت به رشد است که درصد تغییر در فقر به ازای ۱٪ تغییر در رشد متوسط درآمد را اندازه گیری می کند به شرط آنکه در فرایند رشد نابرابری تغییر نکند. مقدار این کشش همیشه منفی است و به صورت زیر محاسبه می شود.

$$\eta = \frac{1}{\theta} \int_0^H \frac{\partial P}{\partial x} x(p) dp \quad (۴)$$

در رابطه فوق H فقر سرشمار است که درصد افراد فقیر از کل جمعیت را نشان می دهد. $X(p)$ درآمد افراد در صدک P ام و θ شاخص فقر عمومی (میانگین محرومیت در سطح جامعه) است که به صورت زیر محاسبه می شود.

$$\theta = \int_0^z p(z, x) f(x) dx \quad (۵)$$

در رابطه فوق z خط فقر، x درآمد فرد، $f(x)$ تابع چگالی x و $P(z, x)$ شدت محرومیت تحمل شده توسط یک فرد با درآمد x است که فوستر، گریو و توربک آن را به صورت ذیل تعریف کرده اند.

$$p(z, x) = \left(\frac{z-x}{z}\right)^\alpha \quad (۶)$$

در این رابطه $z-x$ شکاف فقر است، که برای بیان شدت یا عمق فقر استفاده می شود و براساس تفاوت درآمد فرد یا خانوار فقیر از خط فقر تعیین می شود، $\frac{z-x}{z}$ نسبت شکاف فقر و α پارامتر تنفر از فقر است.

در رابطه (۳)، ζ کشش فقر نسبت به نابرابری است که چگونگی تغییرات فقر ناشی از تغییرات در نابرابری در طول دوره ای که با رشد همراه است را بیان می کند و به صورت ذیل محاسبه می شود.

$$\zeta = \frac{1}{\theta\gamma} \int_0^H \frac{\partial p}{\partial x} x(p) d \ln(L'(p)) dp \quad (7)$$

که $\hat{L}(p)$ مشتق اول تابع لورنزا است.

اگر توزیع‌های درآمد در سال‌های ابتدایی و انتهایی به ترتیب دارای میانگین‌های درآمد μ_1 و μ_2 با منحنی‌های لورنز $L_1(p)$ و $L_2(p)$ باشند، تخمین کشش فقر کل به صورت زیر است.

$$\theta = \theta(z, \mu, L(p)) \quad (8)$$

$$\hat{\delta} = (\text{Ln}[\theta(z, \mu_2, L_2(p))] - \text{Ln}[\theta(z, \mu_1, L_1(p))]) / \hat{\gamma}$$

در رابطه فوق z خط فقر مطلق، μ متوسط درآمد جامعه و $L(p)$ تابع لورنز (ارتباط بین نسبت تجمعی دارندگان درآمد یا جمعیت و نسبت تجمعی درآمد دریافت شده توسط جمعیت است، به شرط آنکه گروه‌های جمعیتی برحسب میزان درآمد به شکل صعودی مرتب شده باشند) است که با استفاده از مدل بتای کاکوانی (۱۹۸۰) برآورد می‌شود. $\hat{\gamma}$ نرخ رشد متوسط درآمد است و به صورت زیر محاسبه می‌شود.

$$\hat{\gamma} = \text{Ln}(\mu_2) - \text{Ln}(\mu_1) \quad (9)$$

$$\hat{\delta} = \hat{\eta} + \hat{\zeta}$$

با توجه به روش تجزیه فقر کاکوانی (۲۰۰۰) می‌توان $\hat{\eta}$ و $\hat{\zeta}$ را به صورت زیر برآورد کرد.

$$\hat{\eta} = \frac{1}{2} [\text{Ln}(\theta(z, \mu_2, L_1(p))) - \text{Ln}(\theta(z, \mu_1, L_1(p))) + \text{Ln}(\theta(z, \mu_2, L_2(p))) - \text{Ln}(\theta(z, \mu_1, L_2(p)))] / \hat{\gamma} \quad (10)$$

$$\hat{\zeta} = \frac{1}{2} [\text{Ln}(\theta(z, \mu_1, L_2(p))) - \text{Ln}(\theta(z, \mu_1, L_1(p))) + \text{Ln}(\theta(z, \mu_2, L_2(p))) - \text{Ln}(\theta(z, \mu_2, L_1(p)))] / \hat{\gamma}$$

شاخص هدفمندی ثابت سرانه: در مورد شاخص هدفمندی سؤال اصلی این است که با پرداخت مبلغ معینی به فقرا به صورت سرانه ثابت، میزان فقر چه تغییری می‌کند؟ داکلوس و آرازا (۲۰۰۶) اثر اضافه شدن مبلغ ثابتی به درآمد هر فرد در درون گروه جمعیتی k (در

اینجا شهری یا روستایی) که آن را هدفمندی ثابت سرانه^۱ گویند، بر شاخص فقر آن زیرگروه جمعیتی را به صورت زیر اندازه‌گیری کرده‌اند.

$$LST = -\alpha p(k, z, \alpha - 1) \quad \text{if } \alpha \geq 1 \quad (11)$$

$$LST = -f(k, z) \quad \text{if } \alpha = 0 \quad (12)$$

در رابطه فوق z نشان‌دهنده خط فقر، k نماد زیرگروه جمعیتی مربوطه، $P(k, z, \alpha - 1)$ شاخص فقر فوستر، گریو و توربک برای زیرگروه جمعیتی k و $f(k, z)$ نیز تابع چگالی درآمدهای زیرگروه جمعیتی k در سطح درآمد برابر با خط فقر (یعنی z) است.

شاخص مدت زمان لازم برای خروج از فقر^۲: تعداد سال‌هایی که یک فرد در فقر زندگی می‌کند یا مدت زمانی که طول می‌کشد تا یک فرد با درآمد زیر خط فقر درآمدش به خط فقر برسد به وسیله شاخص مدت زمان لازم برای خروج از فقر اندازه‌گیری می‌شود.

$$TTXP_g^j = \frac{\ln(z) - \ln(y_j)}{g} \quad (13)$$

در این رابطه $TTXP_g^j$ مدت زمان لازم برای خروج فرد j از فقر است با فرض اینکه نرخ رشد درآمد حقیقی وی g باشد. $\ln(z)$ و $\ln(y_j)$ نیز به ترتیب نشان‌دهنده لگاریتم طبیعی خط فقر و درآمد فرد j است.

۲-۳. دوره زمانی و داده‌ها

دوره زمانی پژوهش سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۹۵ است که به زیردوره‌های برنامه دوم (۱۳۷۴-۱۳۷۸)، برنامه سوم (۱۳۷۹-۱۳۸۳)، برنامه چهارم (۱۳۸۴-۱۳۸۸) و برنامه پنجم (۱۳۸۹-۱۳۹۵) تقسیم شده است. مطابق این تقسیم‌بندی امکان بررسی تحول فقر طی برنامه‌های توسعه و در سال‌های قبل و بعد از هدفمندی یارانه‌ها (سال‌های قبل و بعد از ۱۳۸۹) ممکن می‌شود. داده‌های پژوهش از محل داده‌های خام هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی استان ایلام تهیه شده است.

1. Lump-Sum Targeting (LST)
2. Time Taken to Exit of Poverty

۳-۳. روش محاسبه خط فقر

با وجود روش‌های متعددی برای اندازه‌گیری خط فقر در ادبیات مربوطه، در این پژوهش خط فقر مطلق انتخاب شده است. در واقع خط فقر مطلق برخلاف خط فقر نسبی و ذهنی، میزان درآمد یا هزینه لازم برای تأمین نیازهای اساسی خانوار را اندازه‌گیری می‌کند که تمرکز دولت‌ها در سیاست‌های فقرزدایی نیز بر تأمین همین نیازهاست. برای محاسبه خط فقر مطلق کل از روش ارشانسکی به شرح زیر استفاده می‌شود.

$$\begin{aligned} TAP &= FAP \cdot \left(\frac{FC + NFC}{FC} \right) \\ &= FAP \cdot \left(1 + \frac{NFC}{FC} \right) \\ &= FAP + FAP \cdot \frac{NFC}{FC} \end{aligned} \quad (۱۴)$$

در رابطه فوق TAP خط فقر مطلق کل، FAP خط فقر مطلق غذایی، FC و NFC به ترتیب هزینه کل خوراک و غیرخوراکی است که برای محاسبه خط فقر خوراکی از سبد پیشنهادی انستیتو تغذیه ایران استفاده می‌شود. در روش ارشانسکی برای سنجش $\frac{NFC}{FC}$ (مخارج غیرخوراکی به خوراکی) عدد ۰/۵ را در نظر می‌گیرند، بعضی محققان نیز از یک سوم خط فقر خوراکی به عنوان خط فقر غیرخوراکی استفاده می‌کنند، در این مطالعه به جای عدد ارشانسکی میانگین هندسی نسبت هزینه غیرخوراکی به خوراک تنها برای ۳ دهک اول هزینه‌ای (که فقرا به مفهوم فقر مطلق در این دهک‌ها قرار دارند) در پنج سال اخیر به کار می‌رود.

۴. یافته‌های تحقیق

در این قسمت برای برآورد و تحلیل شاخص‌ها، ابتدا خط فقر مطلق سرانه محاسبه می‌شود. سپس براساس دو شاخص فقر سرشمار و شکاف فقر، تفاوت مناطق شهری و روستایی در یک نقطه زمانی و در طی زمان مورد بررسی قرار می‌گیرد. شاخص‌های فقر نیز براساس مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارها ارائه می‌شوند. همچنین شاخص‌های کشش‌های فقر نسبت به نابرابری و رشد، هدفمندی ثابت سرانه و مدت زمان ماندن در فقر برآورد و تحلیل خواهند شد.

۴-۱. خط فقر، فقر سرشمار و شکاف فقر

نتایج محاسبه خط فقر مطلق سرانه سالیانه و ماهیانه مناطق شهری و روستایی استان در جدول ۱ نشان می‌دهد که خط فقر مطلق سرانه ماهیانه شهری و روستایی به ترتیب از ۶۱۲۲۳ و ۹۵۶۲۷ ریال در سال ۱۳۷۴ به ۲۲۵۵۰۴ و ۳۰۸۲۲۲۱ ریال در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته و همواره خط فقر شهری بالاتر از خط فقر روستایی بوده به طوری که مقدار متوسط نسبت خط فقر شهری به روستایی برابر با ۱/۴۶ است اما در سال‌های ۱۳۸۸ به بعد فاصله بین خط فقر شهری و روستایی کاهش یافته و این نسبت از ۱/۵۷ برابر در سال ۱۳۸۸ به ۱/۳۷ برابر در سال ۱۳۹۵ رسیده است.

جدول ۱. خط فقر مطلق سرانه سالیانه و ماهیانه مناطق شهری و روستایی استان (به ریال)

نسبت خط فقر شهری به روستایی	خط فقر سرانه ماهیانه		خط فقر سرانه سالیانه		سال
	شهری	روستایی	شهری	روستایی	
۱,۵۶	۹۵۶۲۷	۶۱۲۲۳	۱۱۴۷۵۲۴	۷۳۴۶۷۴	۱۳۷۴
۱,۴۴	۱۹۱۲۵۴	۱۳۲۶۴۹	۲۲۹۵۰۴۹	۱۵۹۱۷۹۳	۱۳۷۸
۱,۴۱	۲۱۵۱۶۱	۱۵۳۰۵۷	۲۵۸۱۹۳۰	۱۸۳۶۶۸۴	۱۳۷۹
۱,۶۱	۳۹۴۴۶۲	۲۴۴۸۹۱	۴۷۳۳۵۳۸	۲۹۳۸۶۹۵	۱۳۸۳
۱,۶۱	۴۴۲۲۷۵	۲۷۵۵۰۳	۵۳۰۷۳۰۰	۳۳۰۶۰۳۲	۱۳۸۴
۱,۵۷	۸۴۸۶۹۰	۵۴۰۸۰۲	۱۰۱۸۴۲۷۸	۶۴۸۹۶۱۸	۱۳۸۸
۱,۴۲	۹۶۸۲۲۴	۶۸۳۶۵۵	۱۱۶۱۸۶۸۴	۸۲۰۳۸۵۷	۱۳۸۹
۱,۴۳	۱۴۵۷۲۷۷	۱۰۲۰۳۸۰	۱۷۴۸۷۳۱۹	۱۲۲۴۴۵۶۲	۱۳۹۰
۱,۴۱	۱۹۳۶۷۲۱	۱۳۷۲۴۱۱	۲۳۲۴۰۶۴۷	۱۶۴۴۸۹۳۷	۱۳۹۱
۱,۴	۲۴۱۶۱۶۵	۱۷۲۴۴۴۳	۲۸۹۹۳۹۷۴	۲۰۶۹۳۳۱۰	۱۳۹۲
۱,۳۹	۲۵۴۴۵۹۱	۱۸۳۴۱۳۳	۳۰۵۵۹۰۸۹	۲۲۰۰۹۶۰۱	۱۳۹۳
۱,۳۸	۲۶۷۷۰۱۷	۱۹۴۳۸۲۴	۳۲۱۲۴۲۰۴	۲۳۳۲۵۸۹۱	۱۳۹۴
۱,۳۷	۳۰۸۲۲۲۱	۲۲۵۵۰۴۰	۳۶۹۸۶۶۴۶	۲۷۰۶۰۴۸۳	۱۳۹۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

شاخص فقر سرشمار مناطق شهری و روستایی در جدول ۲ آمده است. میزان فقر سرشمار (درصد افراد فقیر از کل جمعیت هر منطقه)، تفاوت فقر شهری و روستایی و فرضیه برابری فقر سرشمار در مناطق شهری و روستایی در هر سال را آزمون می‌کند. مطابق جدول ۲ روند فقر سرشمار شهری در برنامه‌های دوم و سوم نزولی بوده به طوری که از بیشترین مقدار خود به میزان ۶۰/۲۰ درصد در سال ۱۳۷۴ به کمترین میزان خود ۱۲/۸۸ درصد در سال ۱۳۸۴ کاهش یافته، اما از آغاز برنامه چهارم به بعد روند این شاخص صعودی بوده و به ۴۰/۲۴ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. فقر سرشمار روستایی نیز طی برنامه‌های دوم و سوم روند نزولی داشته و پس از آن تا پایان برنامه پنجم روندی صعودی دارد. مقایسه شاخص فقر سرشمار در مناطق شهری و روستایی نشان می‌دهد که جز در سال‌های ابتدای برنامه چهارم و پنجم در مابقی سال‌های دوره مورد بررسی فقر سرشمار مناطق شهری تفاوت معناداری با مناطق روستایی دارد و میزان فقر سرشمار در مناطق شهری بیش از مناطق روستایی است. نکته جالب اینکه در طول سال‌های برنامه پنجم (متناظر با سال‌های اجرای برنامه هدفمندی یارانه‌ها) برای اولین بار میزان فقر مناطق روستایی بیش از فقر در مناطق شهری است.

جدول ۲. میزان فقر سرشمار شهری و روستایی و تفاوت آنها در دوره ۱۳۷۴ - ۱۳۹۵

برنامه	سال	میزان فقر سرشمار (به درصد)		تفاوت فقر شهری و روستایی $H_0 = P_U - P_R = 0$	
		شهری	روستایی	diff	آماره t
برنامه دوم	۱۳۷۴	۶۰,۲۰	۳۴	۲۶,۱	۶,۵
	۱۳۷۸	۳۷,۴۷	۲۵,۵۱	۱۱,۹۶	۲,۳۶
برنامه سوم	۱۳۷۹	۲۶,۰۴	۱۳,۹۷	۱۲,۰۷	۲,۸۳
	۱۳۸۳	۱۳,۶۹	۷,۸۴	۵,۸۵	۱,۷۴
برنامه چهارم	۱۳۸۴	۱۲,۸۸	۹,۰۴	۳,۸۴	۱,۲۶
	۱۳۸۸	۲۰,۴۷	۱۳,۵۳	۶,۹۴	۲,۰۴
برنامه پنجم	۱۳۸۹	۳۲,۷۰	۲۷,۵۳	۵,۱۷	۱,۲۹
	۱۳۹۵	۴۰,۲۴	۵۲,۲۴	-۱۲	-۳,۰۴

مأخذ: همان.

شاخص شکاف فقر (متوسط درصد فاصله نسبی درآمد افراد از خط فقر) در مناطق شهری و روستایی طی برنامه‌های دوم تا پنجم توسعه در جدول ۳ آمده است. بررسی این شاخص نشان می‌دهد شکاف فقر در مناطق شهری طی سال‌های برنامه‌های دوم و سوم روند کاهشی داشته است به طوری که از بیشترین میزان خود ۲۴/۳۹ درصد در سال ۱۳۷۴ به کمترین میزان خود ۲/۵۲ درصد در سال ۱۳۸۴ رسیده، اما از آغاز برنامه چهارم به بعد روند این شاخص صعودی است. شاخص شکاف فقر در مناطق روستایی نیز روندی مشابه مناطق شهری دارد. اگرچه بیشترین میزان شکاف فقر شهری در سال ۱۳۷۴ بوده، اما بیشترین مقدار شکاف فقر روستایی در سال پایانی برنامه پنجم توسعه رخ داده است. مقایسه شکاف فقر در مناطق شهری و روستایی نشان می‌دهد که جز در سال‌های پایان برنامه سوم، ابتدای برنامه چهارم و پنجم در مابقی دوره مورد بررسی شکاف فقر مناطق شهری همواره از شکاف فقر روستایی بیشتر بوده و تفاوت معناداری با آن دارد. نکته جالب اینکه در طول سال‌های برنامه پنجم (متناظر با سال‌های اجرای برنامه هدفمندی یارانه‌ها) برای اولین بار شکاف فقر مناطق روستایی بیش از شکاف فقر مناطق شهری است.

جدول ۳. میزان شکاف فقر شهری و روستایی و تفاوت آنها طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۷۴

تفاوت فقر شهری و روستایی $H_0 = P_U - P_R = 0$			میزان شکاف فقر (به درصد)		سال	برنامه
prob	آماره t	diff	روستایی	شهری		
۰,۰۰۰	۸,۱	۱۴,۷۱	۹,۷	۲۴,۳۹	۱۳۷۴	برنامه دوم
۰,۰۰۱	۳,۳۴	۶,۵۹	۷,۰۱	۱۳,۶۰	۱۳۷۸	
۰,۰۱۲	۲,۵۳	۳,۴۳	۲,۷۹	۶,۲۲	۱۳۷۹	برنامه سوم
۰,۱۴۴	۱,۴۶	۱,۴۱	۱,۸۱	۳,۲۲	۱۳۸۳	
۰,۶۱۳	۰,۵۱	۰,۴۷	۲,۰۵	۲,۵۲	۱۳۸۴	برنامه چهارم
۰,۰۰۹	۲,۶۲	۲,۹۱	۲,۳۳	۵,۲۴	۱۳۸۸	
۰,۶۷۳	۰,۴۲۳	۰,۵۴	۶,۹۸	۷,۵۲	۱۳۸۹	برنامه پنجم
۰,۰۵۱	-۱,۹۵	-۲,۸۸	۱۴,۲۱	۱۱,۳۳	۱۳۹۵	

مأخذ: همان.

برای بررسی وضعیت مناطق شهری و روستایی طی زمان فرضیه برابری شاخص‌های فقر در سال انتها و ابتدای هر برنامه آزمون شده که معناداری آن با تفاوت مثبت (منفی) نشان‌دهنده افزایش (کاهش) شاخص در آن برنامه است. نتایج آزمون این فرضیه برای شاخص فقر سرشمار مناطق روستایی در جدول ۴ آمده است که نشان می‌دهد به جز برنامه چهارم در سایر برنامه‌ها تغییر فقر سرشمار روستایی معنادار بوده، اما در برنامه‌های دوم و سوم کاهش و در برنامه پنجم افزایش یافته است.

جدول ۴. میزان فقر سرشمار مناطق روستایی و تفاوت فقر در سال انتها و ابتدای هر برنامه

برنامه	میزان فقر سرشمار (به درصد)		تفاوت فقر سرشمار روستایی سال آخر از سال اول برنامه $H_0 = P_{t2} - P_{t1} = 0$	
	سال اول	سال آخر	diff	آماره t
برنامه دوم (۱۳۷۸-۱۳۷۴)	۳۴,۱۳	۲۵,۵۱	-۸,۶۱	-۱,۸۸
برنامه سوم (۱۳۷۹-۱۳۸۳)	۱۳,۹۷	۷,۸۴	-۶,۱۳	-۱,۸۴
برنامه چهارم (۱۳۸۴-۱۳۸۸)	۹,۰۴	۱۳,۵۳	۴,۴۹	۱,۵۱
برنامه پنجم (۱۳۸۹-۱۳۹۵)	۲۷,۵۳	۵۲,۲۴	۲۴,۷۱	۶,۴۰

مأخذ: همان.

نتایج مربوط به آزمون فرضیه مذکور برای شاخص شکاف فقر مناطق روستایی طی برنامه‌های دوم تا پنجم توسعه در جدول ۵ آمده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که شکاف فقر روستایی به جز در برنامه چهارم در سایر برنامه‌ها معنادار بوده، اما در برنامه‌های دوم و سوم کاهش و در برنامه پنجم افزایش یافته است.

جدول ۵. میزان شکاف فقر مناطق روستایی و تفاوت فقر در سال انتها و ابتدای هر برنامه

تفاوت فقر روستایی سال آخر از سال اول برنامه $H_0 = P_{t2} - P_{t1} = 0$			میزان شکاف فقر (به درصد)		برنامه
prob	آماره t	diff	سال آخر	سال اول	
۰,۱۱۰	-۱,۶۱	-۲,۶۷	۷,۰۱	۹,۶۹	برنامه دوم (۱۳۷۴-۱۳۷۸)
۰,۲۵۹	-۱,۱۳	-۰,۹۸	۱,۸۱	۲,۷۹	برنامه سوم (۱۳۷۹-۱۳۸۳)
۰,۷۶۶	۰,۲۹۷	۰,۲۸	۲,۳۳	۲,۰۵	برنامه چهارم (۱۳۸۴-۱۳۸۸)
۰,۰۰۰	۵,۲۳	۷,۲۳	۱۴,۲۱	۶,۹۸	برنامه پنجم (۱۳۸۹-۱۳۹۵)

مأخذ: همان.

نتایج آزمون فرضیه برابری فقر سرشمار در سال انتها و ابتدای هر برنامه برای شاخص فقر سرشمار مناطق شهری در جدول ۶ نشان می دهد در تمام برنامه ها تغییر فقر سرشمار شهری معنادار بوده با این تفاوت که طی برنامه های دوم و سوم کاهش داشته اما در برنامه های چهارم و پنجم افزایش یافته است.

جدول ۶. میزان فقر سرشمار مناطق شهری و تفاوت فقر در سال انتها و ابتدای هر برنامه

تفاوت فقر روستایی سال آخر از سال اول برنامه $H_0 = P_{t2} - P_{t1} = 0$			میزان شکاف فقر (به درصد)		برنامه
prob	آماره t	diff	سال آخر	سال اول	
۰,۰۰۰	-۵	-۲۲,۷۳	۳۷,۴۷	۶۰,۲۰	برنامه دوم (۱۳۷۴-۱۳۷۸)
۰,۰۰۴	-۲,۸۸	-۱۲,۳۵	۱۳,۶۹	۲۶,۰۴	برنامه سوم (۱۳۷۹-۱۳۸۳)
۰,۰۲۸	۲,۲۰	۷,۵۹	۲۰,۴۷	۱۲,۸۸	برنامه چهارم (۱۳۸۴-۱۳۸۸)
۰,۰۶۷	۱,۸۴	۷,۵۴	۴۰,۲۴	۳۲,۷۰	برنامه پنجم (۱۳۸۹-۱۳۹۵)

مأخذ: همان.

نتایج مربوط به آزمون فرضیه برابری شکاف فقر در سال انتها و ابتدای هر برنامه برای مناطق شهری در جدول ۷ نشان می‌دهد که شکاف فقر شهری در تمام برنامه‌ها معنادار بوده، اما در برنامه‌های دوم و سوم کاهش داشته و در برنامه‌های چهارم و پنجم افزایش یافته است.

جدول ۷. میزان شکاف فقر مناطق شهری و تفاوت فقر در سال انتها و ابتدای هر برنامه

تفاوت فقر شهری سال آخر از سال اول برنامه $H_0 = P_{t2} - P_{t1} = 0$			میزان شکاف فقر (به درصد)		برنامه
prob	آماره t	diff	سال آخر	سال اول	
۰,۰۰۰	-۵,۱۱	-۱۰,۸	۱۳,۶۰	۲۴,۳۹	برنامه دوم (۱۳۷۴-۱۳۷۸)
۰,۰۳۵	-۲,۱۱	-۳	۳,۲۲	۶,۲۲	برنامه سوم (۱۳۷۹-۱۳۸۳)
۰,۰۱۳	۲,۴۷	۲,۷۲	۵,۲۴	۲,۵۲	برنامه چهارم (۱۳۸۴-۱۳۸۸)
۰,۰۰۶	۲,۷۸	۳,۸۱	۱۱,۳۳	۷,۵۲	برنامه پنجم (۱۳۸۹-۱۳۹۵)

مأخذ: همان.

برای ارائه تصویری روشن از وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی استان ایلام، میزان فقر سرشمار مناطق شهری و روستایی براساس مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارها (که در واقع توزیع فقرا به تصویر می‌کشد) در جداول ۸ و ۹ آمده است. براساس نتایج جدول ۸ برای خانوارهای روستایی، اگر مبنای مقایسه برای تأثیرگذاری یک مشخصه بر فقر، مقایسه فقر خانوارهای دارای آن مشخصه با فقر کل جمعیت باشد، بُعد خانوار همواره بر میزان فقر تأثیرگذار بوده و در تمام سال‌های مورد بررسی میزان فقر خانوارهای پنج نفره و بیشتر از فقر کل جمعیت بیشتر است. درباره مشخصه جنسیت سرپرست، در برنامه‌های دوم و سوم همواره میزان فقر خانوارهای با سرپرست زن از خانوارهای با سرپرست مرد و کل خانوارها بیشتر است؛ در حالی که در برنامه‌های چهارم و پنجم عکس نتایج فوق صادق است. در زمینه سن سرپرست خانوار، آسیب‌پذیرترین خانوارها گروهی هستند که سن سرپرست آنها در محدوده ۳۶ تا ۵۰ سال قرار دارد.

در مورد سطح تحصیلات، در تمام سال‌های مورد بررسی میزان فقر خانوارهای با سرپرست دارای تحصیلات دانشگاهی برابر صفر است به جز در سال آخر برنامه پنجم که شاهد افزایش شدید فقر در بین این دسته از خانوارها تا سطح ۳۵ درصد هستیم آسیب‌پذیرترین خانوارها، خانوارهای با سرپرست بی‌سواد هستند. براساس محل فعالیت سرپرست و وضعیت مسکن خانوار، میزان فقر در بین خانوارهای شاغل در بخش صنعت و سایر گروه فعالیت‌های طبقه‌بندی نشده بیش از دیگر خانوارهاست و از نظر مسکن نیز الگوی مشخصی از فقر براساس وضعیت مسکن مشاهده نمی‌شود.

جدول ۸. فقر سرشمار مناطق روستایی استان ایلام به تفکیک مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارها

مشخصه	ابعاد / وضعیت مشخصه							
	برنامه پنجم		برنامه چهارم		برنامه سوم		برنامه دوم	
	۱۳۹۵	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۴
بُعد خانوار	چهار نفره و کمتر							
	۴۲	۱۱	۶	۴	۴	۸	۱۱	۲۲
پنج نفره و بیشتر								۳۵
جنسیت سرپرست خانوار	زن							
	۴۴	۲۹	۸	۱	۲۱	۲۸	۲۸	۴۹
مرد								۳۴
سن سرپرست خانوار	کمتر یا مساوی ۳۵ سال							
	۴۵	۲۳	۱۴	۳	۷	۷	۱۰	۲۹
	۳۶ تا ۵۰ سال							
بالای ۵۰ سال								۳۲
تحصیلات سرپرست خانوار	بی‌سواد							
	۵۹	۳۱	۱۸	۸	۹	۱۷	۲۹	۳۵
	زیردیپلم و دیپلم							
تحصیلات دانشگاهی								۳۶
محل فعالیت سرپرست خانوار	کشاورزی							
	۴۹	۲۸	۱۲	۱۲	۷	۱۰	۲۴	۳۱
	صنعت							
	۵۷	۳۸	۲۶	۸	۱۶	۳۰	۳۴	۴۶
خدمات								۳۱
سایر								۵۹
وضعیت اسکان خانوار	مالک							
	۵۲	۲۷	۱۳	۹	۸	۱۴	۲۷	-
	مستأجر							
سایر								-
سایر								۵۶
خط فقر سرشمار برای کل جمعیت								
	۵۲	۲۸	۱۴	۹	۸	۱۴	۲۶	۳۴

مأخذ: همان.

میزان فقر سرشمار مناطق شهری استان به تفکیک مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارها در جدول ۹ نشان می‌دهد که مشابه مناطق روستایی در مناطق شهری نیز بُعد خانوار همواره بر میزان فقر تأثیرگذار بوده و در تمام سال‌های مورد بررسی میزان فقر خانوارهای پنج‌نفره و بیشتر، از فقر کل جمعیت بزرگتر است. درباره جنسیت سرپرست به‌طور مشخص نمی‌توان نتیجه‌گیری کرد. در زمینه سن سرپرست خانوار، بیشترین میزان فقر مربوط به خانوارهایی است که سن سرپرست آنها در محدوده سنی ۳۶ تا ۵۰ سال قرار دارد. در مورد سطح تحصیلات آسیب‌پذیرترین خانوارها، خانوارهای با سرپرست بی‌سواد هستند. براساس محل فعالیت سرپرست و وضعیت مسکن خانوار، میزان فقر در بین خانوارهای شاغل در بخش صنعت و سایر گروه فعالیت‌های طبقه‌بندی نشده بیش از دیگر خانوارهاست و از نظر مسکن نیز در مقایسه با میزان فقر کل جمعیت، الگوی مشخصی از فقر براساس وضعیت مسکن مشاهده نمی‌شود، اما از نظر میزان فقر در بین مالکان، مستأجران و سایر شیوه‌های تأمین مسکن (در برابر خدمت یا رایگان) در اکثر سال‌ها، میزان فقر در بین خانوارهای با وضعیت استیجاری بیشتر از دو گروه دیگر است.

جدول ۹. فقر سرشمار مناطق شهری استان ایلام به تفکیک مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارها

برنامه پنجم		برنامه چهارم		برنامه سوم		برنامه دوم		ابعاد/ وضعیت مشخصه	مشخصه
۱۳۹۵	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۴		
۲۶	۸	۷	۳	۴	۱۱	۱۱	۲۹	چهارنفره و کمتر	بُعد خانوار
۵۳	۴۰	۲۵	۱۵	۱۶	۲۸	۴۰	۶۳	پنج‌نفره و بیشتر	
۴۲	۱۹	۲۸	۲۱	۷	۲۴	۳۷	۷۸	زن	جنسیت سرپرست خانوار
۴۰	۳۳	۲۰	۱۲	۱۴	۲۶	۳۷	۶۰	مرد	
۳۰	۲۲	۲۱	۹	۳	۱۷	۱۴	۵۳	کمتر یا مساوی ۳۵ سال	سن سرپرست خانوار
۳۵	۳۰	۲۰	۱۴	۸	۲۵	۳۸	۶۱	۳۶ تا ۵۰ سال	
۴۷	۳۵	۲۱	۱۳	۲۷	۳۱	۴۷	۶۲	بالای ۵۰ سال	

برنامه پنجم		برنامه چهارم		برنامه سوم		برنامه دوم		ابعاد / وضعیت مشخصه	مشخصه
۱۳۹۵	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۴		
۴۶	۴۹	۲۹	۲۴	۲۸	۳۸	۵۲	۷۳	بی سواد	تحصیلات سرپرست خانوار
۵۳	۳۱	۱۹	۱۰	۶	۲۲	۳۳	۵۹	زیردیپلم و دیپلم	
۹	۲	۷	۰	۰	۱۶	۱۸	۹	تحصیلات دانشگاهی	
۵۶	۳۶	۹	۲۳	۲۷	۹	۴۴	۵۹	کشاورزی	محل فعالیت سرپرست خانوار
۵۲	۵۰	۳۳	۲۰	۱۳	۴۶	۵۱	۶۵	صنعت	
۲۴	۲۳	۱۷	۵	۱۱	۱۸	۳۲	۵۷	خدمات	
۴۶	۲۹	۲۴	۱۹	۱۵	۴۱	۴۳	۷۲	سایر	
۴۱	۳۳	۲۰	۱۳	۱۵	۲۶	۳۷	-	مالک	وضعیت اسکان خانوار
۳۴	۳۶	۲۵	۱۳	۷	۳۱	۳۹	-	مستأجر	
۴۱	۱۸	۱۶	۹	-	۲۰	۳۸	-	سایر	
۴۰	۳۳	۲۰	۱۳	۱۴	۲۶	۳۷	۶۰	خط فقر سرشمار برای کل جمعیت	

مأخذ: همان.

برای بررسی تأثیر هدفمندی یارانه‌ها بر میزان فقر مناطق شهری و روستایی استان به تفکیک مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارها، متوسط فقر سرشمار در سال‌های قبل از هدفمندی (۱۳۷۴-۱۳۸۸) و سال‌های بعد از هدفمندی (۱۳۹۰-۱۳۹۵) در جدول ۱۰ مقایسه شده‌اند. نتایج تفصیلی فقر سرشمار براساس مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارهای شهری و روستایی نشان می‌دهد که بعد از هدفمندی نه تنها برای هیچ گروهی از خانوارها فقر بهبود نیافته، بلکه برای گروه‌های مختلف خانوار میزان فقر در نقاط روستایی و شهری استان به شدت افزایش یافته است.

جدول ۱۰. فقر سرشمار مناطق شهری و روستایی استان ایلام به تفکیک مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارها

مشخصه	ابعاد/ وضعیت مشخصه	فقر سرشمار در سال‌های قبل از هدفمندی یارانه‌ها		فقر سرشمار در سال‌های بعد از هدفمندی یارانه‌ها	
		روستایی	شهری	روستایی	شهری
بُعد خانوار	چهار نفره و کمتر	۸	۸	۲۶	۴۲
	پنج نفره و بیشتر	۲۷	۱۶	۵۳	۵۹
جنسیت سرپرست خانوار	زن	۲۶	۱۴	۴۲	۴۴
	مرد	۲۴	۱۵	۴۰	۵۳
سن سرپرست خانوار	کمتر یا مساوی ۳۵ سال	۱۴	۹	۳۰	۴۵
	۳۶ تا ۵۰ سال	۲۳	۱۷	۳۵	۵۰
	بالای ۵۰ سال	۳۰	۱۲	۴۷	۵۵
تحصیلات سرپرست خانوار	بی سواد	۳۸	۱۷	۴۶	۵۹
	زیردیپلم و دیپلم	۱۹	۱۴	۵۳	۵۱
	تحصیلات دانشگاهی	۸	۲	۹	۳۴
محل فعالیت سرپرست خانوار	کشاورزی	۲۳	۱۴	۵۶	۴۹
	صنعت	۳۳	۲۳	۵۲	۵۷
	خدمات	۱۸	۸	۲۴	۴۹
	سایر	۳۱	۲۲	۴۶	۵۹
وضعیت اسکان خانوار	مالک	۲۱	۱۳	۴۱	۵۲
	مستأجر	۱۹	۳	۳۴	۵۹
	سایر	۱۷	۱۶	۴۱	۵۶
خط فقر سرشمار برای کل جمعیت		۲۴	۱۵	۴۰	۵۲

مأخذ: همان.

۲-۴. کشش‌های فقر، هدفمندی و مدت زمان فقر

هدف مهم سیاست‌گذاری در هر مطالعه مرتبط با فقر، هدف‌گذاری در راستای کاهش این معضل اقتصادی و اجتماعی است. برای هدف‌گذاری درست آگاهی از میزان تأثیر رشد و مبالغ مختلف پرداخت‌های انتقالی بر میزان فقر می‌تواند کمک‌کننده باشد. دانش مرتبط با مدت زمانی که فقرا در فقر به سر می‌برند نیز در زمینه شناسایی فقر گذرا و مزمن اهمیت دارد که تعدیل هر یک سیاست‌های

خاص خود را می‌طلبید. در راستای تحقق اهداف مذکور، ابتدا کَشش فقر نسبت به رشد و نابرابری، سپس تأثیر پرداخت مبالغ مشخص به فقرا بر میزان فقر بررسی و در نهایت مدت زمان ماندن در فقر محاسبه می‌شود. نتایج حاصل از کَشش فقر نسبت به رشد و نابرابری^۱ برای مناطق شهری و روستایی براساس داده‌های سال ۱۳۹۵ در جدول ۱۱ آمده است. نتایج بیانگر آن است که در مناطق شهری و روستایی رشد ۱ درصدی متوسط درآمد بیش از ۱/۵ درصد فقر سرشمار را کاهش می‌دهد، به‌عنوان مثال اگر رشد متوسط درآمد‌ها ۱۰ درصد باشد فقر سرشمار روستایی و شهری به ترتیب به میزان ۱۵/۶ و ۱۶/۷ درصد کاهش خواهد یافت. رشد اقتصادی همواره نسبت به نابرابری خنثی نبوده و اغلب باعث افزایش آن می‌شود. در این زمینه نتایج نشان می‌دهد که ۱ درصد رشد ضریب جینی در مناطق شهری و روستایی به ترتیب به میزان ۰/۳۳ و ۰/۹ درصد فقر سرشمار را افزایش می‌دهد. در نهایت می‌توان گفت که هیچ‌یک از عوامل رشد و نابرابری به تنهایی تعیین‌کننده میزان کاهش در فقر نیستند، بلکه براین‌دین دو، نتیجه را تعیین می‌کند که آن را کَشش کل فقر نسبت به رشد می‌نامند.

جدول ۱۱. کَشش فقر نسبت به رشد و نابرابری برای مناطق شهری و روستایی براساس داده‌های سال ۱۳۹۵

منطقه جغرافیایی	نوع کَشش	مقدار کَشش	آماره t	حد پایین	حد بالا	نتیجه
روستایی	کَشش فقر نسبت به رشد	-۱,۵۶	-۱۱,۱۴	-۱,۸۳	-۱,۲۹	معنادار در سطح ۹۵ درصد
	کَشش فقر نسبت به نابرابری	۰,۳۳	۳,۷۹	۰,۱۶	۰,۵۰	معنادار در سطح ۹۵ درصد
شهری	کَشش فقر نسبت به رشد	-۱,۶۷	-۱۱,۲۶	-۱,۹۹	-۱,۳۹	معنادار در سطح ۹۵ درصد
	کَشش فقر نسبت به نابرابری	۰,۹۰	۵,۹۳	۰,۶۰	۱,۲۰	معنادار در سطح ۹۵ درصد

مأخذ: همان.

یکی از ارکان مهم سیاستگذاری که در هر مطالعه مرتبط با فقر به‌کار می‌رود، انجام پرداخت‌های نقدی برای تعدیل فقر است. در این راستا مبلغ ریالی لازم که باید به‌صورت ماهیانه

۱. کَشش فقر نسبت به رشد نشان می‌دهد که ۱ درصد رشد متوسط درآمد‌ها با فرض ثابت بودن نابرابری چقدر فقر سرشمار را کاهش می‌دهد و کَشش فقر نسبت به نابرابری نشان می‌دهد که ۱ درصد افزایش در نابرابری چه تأثیری بر فقر سرشمار دارد.

به هر خانوار با ابعاد مختلف پرداخت شود تا روی خط فقر قرار گیرد در جداول ۱۲ و ۱۳ برای نقاط شهری و روستایی استان محاسبه شده است. شکاف فقر ماهیانه یک خانوار روستایی به ریال براساس بُعد خانوار در سال ۱۳۹۵ در جدول ۱۲ نشان می‌دهد که به طور متوسط درآمد ماهیانه خانوارهای پنج نفره به میزان ۲۹۲۳۸۷۴ ریال زیر خط فقر قرار دارد. مقدار حداقل، حداکثر و میانه شکاف فقر این خانوارها نیز به ترتیب ۷۵۱۲۳، ۶۵۶۸۱۱۸ و ۲۶۰۲۱۲۳ ریال است^۱. نتایج شکاف فقر خانوارهای شهری در جدول ۱۳ نیز نشان می‌دهد که به طور متوسط درآمد ماهیانه خانوارهای پنج نفره به میزان ۳۹۲۶۱۷۷ ریال زیر خط فقر قرار دارد. مقدار حداقل، حداکثر و میانه شکاف فقر این خانوارها به ترتیب ۷۱۱۸۶، ۱۱۰۰۰۰۰ و ۲۸۸۲۶۰۵ ریال است. بنابراین برای اطمینان از حذف فقر در بین حداقل ۵۰ درصد از خانوارهای روستایی و شهری باید مبلغی برابر با مقدار میانه (به ترتیب ۲۶۰۲۱۲۳ و ۲۸۸۲۶۰۵ ریال) به همگی پرداخت شود و برای اطمینان از حذف فقر در بین همه خانوارها باید ماهیانه مبلغی برابر با حداکثر شکاف فقر به همگی پرداخت شود که مبلغ آن در سال ۱۳۹۵ برای خانوارهای روستایی و شهری به ترتیب ۶۵۶۸۱۱۸ و ۲۸۸۲۶۰۵ ریال است.

جدول ۱۲. شکاف فقر ماهیانه یک خانوار روستایی براساس بُعد خانوار در سال ۱۳۹۵ (به ریال)

بُعد خانوار	میانگین	میان	حداقل	حداکثر
۱	۶۷۶۴۴۲٫۷	۶۵۴۷۵۷٫۹	۶۶۰۴۰٫۲۵	۱۱۸۳۶۷۵
۲	۱۱۶۳۶۳۶	۱۰۸۶۶۸۳	۹۲۶۸۲٫۵	۲۹۹۰۱۸۳
۳	۱۳۶۳۴۹۹	۱۳۴۹۴۱۶	۳۶۳۹۰٫۲۵	۲۹۶۳۰۲۴
۴	۲۶۲۹۶۹۳	۲۶۵۸۴۴۸	۱۰۲۸۶۵	۵۸۰۵۱۹۹
۵	۲۹۲۳۸۷۴	۲۶۰۲۱۲۳	۷۵۱۲۲٫۹۱	۶۵۶۸۱۱۸
۶	۳۴۰۹۵۸۲	۲۹۷۳۵۴۸	۳۰۴۶۴٫۵	۷۵۷۹۲۱۴
۷	۴۴۱۵۷۴۸	۳۹۴۶۵۰۴	۸۱۷۷۲۱٫۹	۸۷۶۹۳۸۹
۸	۶۶۳۸۰۴۴	۶۹۲۴۹۸۱	۲۳۹۲۷۹۴	۹۹۰۰۲۳۰

مأخذ: همان.

۱. به این معنا که خانوار با شکاف حداقل دارای بهترین وضعیت و خانوار با حداکثر شکاف دارای بدترین وضعیت از نظر فقر در بین خانوارهای مورد بررسی است. خانوار با شکاف فقر میانه نیز خانواری است که ۵۰ درصد خانوارهای فقیر دارای وضعیتی بهتر از او و ۵۰ درصد نیز در وضعیتی بدتر از وی قرار دارند.

جدول ۱۳. شکاف فقر ماهیانه یک خانوار شهری براساس بُعد خانوار در سال ۱۳۹۵ (به ریال)

بُعد خانوار	میانگین	میانه	حداقل	حداکثر
۱	۹۶۲۲۸۲٫۳	۱۲۳۸۶۰۵	۴۷۴۷۰٫۵	۱۶۰۰۷۷۲
۲	۱۳۴۰۰۴۹	۱۴۰۹۰۴۳	۳۲۴۴۴۱	۳۰۰۹۱۲۴
۳	۲۰۰۰۴۱۲	۱۰۰۶۹۴۶	۱۲۴۹۴٫۵	۵۹۸۸۹۱۲
۴	۳۴۲۰۶۶۲	۳۰۲۷۰۲۶	۷۲۴۰۲	۷۸۱۰۰۸۶
۵	۳۹۲۶۱۷۷	۲۸۸۲۶۰۵	۷۱۱۸۵٫۸۴	۱۱۰۰۰۰۰۰
۶	۴۷۴۶۲۵۸	۴۱۶۱۷۵۸	۹۲۴۴۸۹	۱۱۱۳۰۰۰۰۰
۷	۷۱۹۰۲۵۱	۸۳۴۰۴۱۸	۱۹۰۱۰۴۳	۱۱۲۰۰۰۰۰
۸	۷۹۸۷۵۹۳	۷۹۵۱۷۱۸	۴۹۰۳۰۹۸	۱۱۱۰۰۰۰۰

مأخذ: همان.

در زمینه هدفگذاری فقر یکی از سیاست‌هایی که از سال ۱۳۸۹ دنبال شده پرداخت یارانه ماهیانه ۴۵۵۰۰۰ ریال به هر عضو خانوار است که در سال ۱۳۹۲ مقدار یارانه خانوارهای تحت پوشش نهادهای حمایتی دوبرابر شد. در جدول ۱۴ تأثیر این سیاست بر میزان فقر سرشمار و شکاف فقر خانوارهای شهری و روستایی استان بررسی شده است.

جدول ۱۴. تأثیر دوبرابر کردن یارانه‌ها بر فقر سرشمار و شکاف فقر خانوارها براساس داده‌های سال ۱۳۹۵

منطقه جغرافیایی	نوع شاخص فقر	مقدار شاخص در سال ۱۳۹۵ (به درصد)	میزان کاهش در شاخص در اثر دوبرابر کردن یارانه (درصد)
روستایی	فقر سرشمار	۵۲	-۱۶
	شکاف فقر	۱۴	-۱۰
شهری	فقر سرشمار	۴۰	-۱۰
	شکاف فقر	۱۱	-۶

مأخذ: همان.

نتایج جدول ۱۴ نشان می‌دهد که دوبرابر کردن یارانه‌ها هرچند شکاف فقر را به میزان قابل توجهی کاهش می‌دهد و به ترتیب در مناطق روستایی و شهری از ۱۴ و ۱۱ درصد به ۴ و ۵ درصد می‌رسد، اما میزان فقر سرشمار (یعنی درصد خانوارهای در فقر) همچنان قابل توجه است. بعد از اجرای این سیاست در مناطق روستایی و شهری به ترتیب ۳۶ و ۳۰ درصد خانوارها فقیر خواهند بود. از آنجاکه سیاست اجرا شده توسط دولت همه خانوارها را دربر نمی‌گیرد و معمولاً تمام فقرا توسط دولت شناسایی نشده‌اند در عمل نتیجه حاصل از این سیاست بر فقر ضعیف‌تر از ارقام مذکور است.

سیاست‌گذاری در زمینه فقر مستلزم شناخت نوع فقر (فقر مزمن و گذرا) است^۱. یکی از شاخص‌هایی که اطلاعات مفیدی در مورد فقر مزمن و گذرا ارائه می‌کند، شاخص مدت زمان ماندن در فقر است که نتایج محاسبه این شاخص براساس نرخ‌های رشد حقیقی پیش فرض و وضعیت شکاف فقر خانوار در جدول ۱۵ ارائه شده است.

جدول ۱۵. تعداد سال‌های ماندن زیر خط فقر براساس نرخ‌های رشد حقیقی پیش فرض و وضعیت شکاف فقر خانوار

تعداد سال‌های ماندن در زیر خط فقر براساس نرخ‌های رشد حقیقی پیش فرض								وضعیت شکاف فقر خانوار
نرخ رشد ۱۲ درصد		نرخ رشد ۹ درصد		نرخ رشد ۶ درصد		نرخ رشد ۳ درصد		
روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	کمترین شکاف فقر
۱۰	۹	۱۴	۱۲	۲۱	۱۸	۴۲	۳۶	بالاترین شکاف فقر
۳	۳	۳	۳	۵	۵	۱۰	۱۰	شکاف فقر متوسط

مأخذ: همان.

۱. فقر گذرا یا کوتاه مدت فقری است که در اثر گرفتار شدن خانوار در حوادث اقتصادی و اجتماعی (بیکاری، خشکسالی، زکود اقتصادی و...) ایجاد می‌شود و خانواده با گذراندن دوره کوتاه در فقر دوباره به وضعیت رفاهی قبلی برمی‌گردد. در مقابل فقر مزمن، فقر ساختاری و طولانی مدتی است که معلول ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و نهادی یک کشور است و گاهی بدون حمایت‌های گسترده دولت در نسل‌ها نیز برطرف نمی‌شود.

نتایج جدول ۱۵ نشان می‌دهد که خانوارهای با حداقل شکاف فقر را می‌توان با نرخ‌های رشد معمول ۳ درصد از فقررها کرد و حتی با این نرخ رشد می‌توان خانوارهای با شکاف فقر متوسط را نیز در یک بازه ۱۰ساله از فقر نجات داد. مسئله اصلی خانوارهای با شکاف فقرهای بزرگ هستند که تنها با نرخ‌های رشد ۱۲ درصدی آن هم در طی یک بازه زمانی ۱۰ساله می‌توان آنها را از فقر رهایی بخشید. با توجه به اینکه به دلیل نابرابری در برخورداری از فرصت‌های رشد کلان معمولاً نرخ رشد درآمد فقرا به میزان نرخ رشد اقتصادی کشور نخواهد بود بنابراین در به‌کارگیری نتایج فوق باید محتاط بود. برای ارائه تصویری واضح از این مسئله وضعیت نرخ رشد حقیقی سالیانه درآمد فقرا در جدول ۱۶ ارائه شده است.

جدول ۱۶. نرخ رشد حقیقی سالیانه درآمد فقرا طی دوره ۱۳۸۹-۱۳۹۵

نرخ رشد حقیقی سالیانه درآمد فقرا		وضعیت شکاف فقر خانوار
شهری	روستایی	
-۳	۰	کمترین شکاف فقر
-۱	-۵	بالاترین شکاف فقر
۰	-۱	شکاف فقر متوسط

مأخذ: همان.

نتایج بیانگر آن است که با این نرخ‌ها نه تنها فقرا از فقر رهایی نخواهند یافت، بلکه هر سال وضعیت رفاهی آنان بدتر از قبل خواهد شد. نرخ رشد بالا و منفی برای خانوارهای شهری با کمترین شکاف فقر باعث می‌شود که شکاف فقر این خانوارها در طی زمان عمیق و عمیق‌تر شود.

۵. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

در بررسی فقر سه بحث اساسی مطرح است: وسعت و توزیع فقر، شدت و عمق فقر و

سیاستگذاری برای کاهش فقر. در این پژوهش مباحث فوق با به‌کارگیری داده‌های هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی استان ایلام و شاخص‌های فقر فوستر، گریو و توربک، کشش‌های فقر نسبت به رشد و نابرابری، هدفمندی ثابت سرانه و مدت زمان فقر در طی دوره زمانی ۱۳۹۵-۱۳۷۴ مورد بررسی قرار گرفته است. نوآوری مقاله در این است که برخلاف مطالعات قبلی که براساس مقایسه مقادیر مطلق شاخص‌های فقر به بررسی تفاوت‌ها بین مناطق شهری و روستایی و تحولات فقر در طی زمان پرداخته‌اند، در مطالعه حاضر تفاوت‌ها و تغییرات فقر براساس فاصله اطمینان آماری مقایسه شده‌اند و نوآوری دیگر اینکه در این مطالعه شاخص‌های کشش‌های فقر، هدفمندی ثابت سرانه و مدت زمان ماندن در فقر را که نقش مهمی در سیاستگذاری دارند نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

نتایج نشان می‌دهد که جز در سال‌های ابتدای برنامه چهارم و پنجم در مابقی سال‌های دوره مورد بررسی فقر سرشمار و شکاف فقر مناطق شهری تفاوت معناداری با مناطق روستایی دارد و مقدار آنها در مناطق شهری بیشتر است. نکته جالب اینکه در طول سال‌های برنامه پنجم (متناظر با سال‌های اجرای برنامه هدفمندی یارانه‌ها) برای اولین بار میزان فقر مناطق روستایی بیش از فقر در مناطق شهری است. نتایج حاصل از بررسی تغییرات فقر مناطق شهری و روستایی در طی زمان نیز نشان می‌دهد که در برنامه‌های دوم و سوم میزان فقر سرشمار و شکاف فقر در مناطق شهری و روستایی روند نزولی، اما طی برنامه‌های چهارم و پنجم روندی صعودی داشته است. در اغلب برنامه‌ها (به جز در برنامه سوم و چهارم) میزان تغییرات شاخص‌ها از نظر آماری معنادار است. بنابراین برنامه‌های توسعه باعث تغییر معنی‌داری در شاخص‌های فقر (فارغ از جهت تغییر آن) شده‌اند. در زمینه تأثیر هدفمندی یارانه‌ها بر فقر سرشمار در مناطق شهری و روستایی استان، نتایج تفصیلی فقر سرشمار براساس مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارها نشان می‌دهد که بعد از هدفمندی برای هیچ گروهی از خانوارها فقر بهبود نیافته و برای گروه‌های مختلف خانوار میزان فقر سرشمار به شدت افزایش یافته است. هدفمندی همچنین باعث تغییرات ساختاری شده است به طوری که در سال‌های بعد از هدفمندی حتی خانوارهای با سرپرست مرد، با سرپرست دارای تحصیلات دانشگاهی و خانوارهای صاحبخانه نسبت

به قبل آسیب پذیر شده‌اند و برای اولین بار میزان فقر در مناطق روستایی بر فقر در مناطق شهری فزونی یافته است.

در مورد سیاستگذاری در زمینه کاهش فقر نتایج بیانگر آن است که میزان اثرگذاری رشد بر فقر در مناطق روستایی بیش از ۱/۵ برابر مناطق شهری است. در این زمینه نتایج حاصل از مدت زمان ماندن در فقر براساس نرخ‌های رشد فرضی بیانگر آن است که خانوارهای با شکاف فقر حداکثری را تنها با نرخ‌های رشد ۱۲ درصدی آن هم در یک بازه زمانی ۱۰ ساله می‌توان از فقرهایی بخشید. درحالی‌که داده‌های واقعی بیانگر رشد حقیقی منفی درآمد این خانوارها در سال‌های بعد از هدفمندی است. نتایج حاصل از شاخص هدفمندی ثابت سرانه نیز بیانگر آن است که حتی با دوبرابر کردن یارانه‌ها نیز همچنان درصد خانوارهای در فقر مناطق روستایی و شهری به ترتیب ۳۶ و ۳۰ درصد خواهند بود. بنابراین برای اطمینان از حذف فقر در بین تمام خانوارها برای یک خانوار پنج نفره باید ماهیانه مبلغی برابر با حداکثر شکاف فقر به همگی پرداخت شود که مبلغ آن در سال ۱۳۹۵ برای خانوارهای شهری و روستایی به ترتیب ۶۵۶۸۱۱۸ و ۲۸۸۲۶۰۵ ریال است.

نتایج مذکور بیانگر آن است که تعدیل فقر در استان ایلام در کوتاه‌مدت و حتی میان‌مدت به وسیله سیاست‌های رشد محور با نرخ‌های رشد تجربه شده قابل حل نیست و نیازمند حمایت‌های جامع‌تر اجتماعی است. از طرف دیگر بعد از هدفمندی، تغییرات ساختاری اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای رخ داده که خانوارهای غیر آسیب‌پذیر قبل از هدفمندی در معرض فقر قرار گرفته‌اند و در حال حاضر نه تنها برای خانوارهای با سرپرست زن و بی‌سواد شکاف فقر عمیق‌تر شده است، بلکه خانوارهای با سرپرست مرد و دارای تحصیلات دانشگاهی نیز در معرض فقر قرار دارند.

منابع و مآخذ

۱. ابوالفتحی قمی، ابوالفضل (۱۳۷۱). درآمدی بر شناخت شاخص‌های نابرابری درآمد و فقر، تهران، مرکز آمار ایران.
۲. ارضروم چیلر، نسربین (۱۳۸۴). «گزارش پژوهشی ابعاد گوناگون فقر در ایران»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، اداره بررسی و سیاست‌های بازرگانی، مجموعه پژوهش‌های اقتصادی، شماره گزارش ۲۷.
۳. افتخاری، سیدفرخ، آیت‌اله کرمی و مهدی نوری‌پور (۱۳۹۱). «بررسی وضعیت فقر در مناطق روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد»، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، دوره ششم، ش ۱.
۴. افتخاریان، یونه و مصطفی سلیمی‌فر (۱۳۹۳). «بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری استان کرمان و مقایسه آن با کل کشور»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال چهاردهم، ش ۵۴.
۵. انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع کشور (۱۳۸۳). ارزش غذایی کالاهای خوراکی، تهران.
۶. پیرایی، خسرو و محمدرضا شهسوار (۱۳۸۸). «بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی استان فارس»، پژوهشنامه اقتصادی، سال نهم، ش ۳.
۷. حبیب‌پور، کرم (۱۳۷۸). «دور باطل فقر روستایی»، دوماهنامه علمی ترویجی جهاد (ماهنامه جهاد سابق)، سال ۸، ش ۴۸-۴۷.
۸. خالدی، کوهسار و زورار پرمه (۱۳۸۴). «بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران (۱۳۸۲-۱۳۷۵)»، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ش ۴۹.
۹. خداداد کاشی، فرهاد، خلیل حیدری و فریده باقری (۱۳۸۴). «برآورد خط فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۶۳»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ش ۱۷.
۱۰. راغفر، حسین و زهرا ابراهیمی (۱۳۸۶). «فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۶۸»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، ش ۲۴.
۱۱. روستایی، شهرپور، محسن احدنژاد، اکبر اصغری زمانی و علیرضا زنگنه (۱۳۹۱). «الگوی تطبیقی گسترش فقر در شهر کرمانشاه در دوره ۸۵-۱۳۷۵»، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال سوم، ش ۱۲.
۱۲. رشیدی، پیام و علی‌اکبر ناجی‌میدانی (۱۳۹۲). «بررسی شاخص‌های فقر در مناطق شهری استان

- خراسان رضوی (۹۱-۱۳۸۵)»، فصلنامه اقتصاد و الگوسازی، سال چهارم، ش ۱۴ و ۱۵.
۱۳. زیبایی، منصور و مهرداد باقری (۱۳۹۱). «تعیین عوامل مؤثر بر فقر در استان فارس: کاربرد روش اقتصادسنجی فضایی»، مجله اقتصاد کشاورزی، دوره ششم، ش ۱.
۱۴. عمرانی، محمد، ذکریا فرج‌زاده و مجید دهمرده (۱۳۸۸). «عامل‌های تعیین‌کننده فقر و تغییرات رفاهی خانوارهای روستایی منطقه سیستان»، مجله علمی-پژوهشی تحقیقات اقتصاد کشاورزی، دوره اول، ش ۲.
۱۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ همراه با اصلاحات ۱۳۶۸ (۱۳۸۲). تنظیم محمدعلی عبدالهی، انتشارات نشاط.
۱۶. یاسوری، مجید و سیده فاطمه امامی (۱۳۹۷). «سنجش وضعیت فقر در نواحی روستایی (نمونه موردی: دهستان سراوان شهرستان رشت)»، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال هجدهم، ش ۸۴.
17. Booth, C. (1889). *Descriptive Map of London Poverty*, Published by London Topographical Society, ISBN: 0902087207.
18. Duclos and Araar (2006). *Poverty and Equality: Measurement, Policy and Estimation With DAD Package*, Published By Springer, New York, NY 10013, ISBN: 10: 0-387-25893-0 (HB).
19. Haughton and Khandker (2009). *Handbook on Poverty and Inequality*, the International Bank for Reconstruction and Development, the World Bank, ISBN: 978-0-8213-7613-3.
20. Kakwani, Nanak (1980). "On a Class of Poverty Measures", *Econometrica*, 48.
21. ----- (2000). *Poverty, Inequality and Wellbeing with Focus on Mindanao*, Asian Development Bank.
22. ----- (2003). *Issues in Setting Absolute Poverty Line*, Poverty and Social Development Papers, Asian Development Bank.
23. Kakwani, N., Sh. Khandker and H. Son (2004). *PRO-Poor Growth: Concepts and Measurement with Country Case Studies*, International Poverty Center, United Nations Development Program, Working Paper No. 1.

24. Ravallion, Martin. (1998). Poverty Lines in Theory and Practice, LSMS Working Paper, No. 133, Washington D.C, The World Bank.
25. Rowntree, B S (1901). *Poverty, a Study of Town Life*, MacMillan, London.
26. Rowntree, S. (1941). "Poverty and Progress: A Second Social Survey of York", *The Economic Journal*, Vol. 51, No. 204.
27. Sen, Amartya Kumar (1981). *Poverty and Famines, an Essay on Entitlement and Deprivation*, Clarendon Press, Oxford, U.K.

گفتمان سیاست جنایی در رساله حقوق امام سجاد (ع)؛ بازشناسی گفتمان کیفری شریعت

سیدمحمدجواد ساداتی*

نوع مقاله: علمی پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۲۳	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۴	شماره صفحه: ۳۰-۳۷
------------------------	-------------------------	-----------------------	-------------------

نظریه کیفری شریعت در شمار اثرگذارترین منابع قانونگذاری کیفری ایران قرار دارد. این اثرگذاری، تنها به واسطه آمیختگی ساختار قدرت با نظریه سیاسی مذهب در ایران نیست. تأثیرگذاری نظام کیفری شریعت بر قانونگذاری کیفری در ایران بیش از هر چیز ناشی از این است که ارزش‌ها و هنجارهای مذهبی در جریان انباشت تاریخی تبدیل به بخش جدایی‌ناپذیر از خرده‌نظام فرهنگی در جامعه ما شده‌اند. به واسطه این وابستگی گسست‌ناپذیر، قرائتی که از نظریه کیفری مذهب ارائه می‌شود، نقش بسیار مهمی در سیاستگذاری کیفری ایفا می‌کند.

در کنار سایر متون فقه کیفری، رساله حقوق امام سجاد (ع) نیز در شمار منابعی است که می‌توان از بطن آن نشانه‌هایی از گفتمان کیفری شریعت را جستجو کرد. رساله حقوق، نظامی فراگیر از تکالیف و حقوق متقابل را به تصویر می‌کشد که تمامی شئون حیات مادی و معنوی انسان را دربر گرفته‌اند. بازشناسی گفتمان این نظام در هم‌آمیخته از حقوق و تکالیف، نقش مهمی در شناخت واقعی نظریه کیفری شریعت ایفا خواهد کرد.

تلاش پژوهش حاضر آن است تا با تکیه بر روش تحقیق «تحلیل محتوا»، زمینه را برای شناسایی گفتمان کیفری شریعت از بطن متون رساله حقوق فراهم آورد. رهاورد شناسایی این گفتمان، دگرگونی قرائت‌ها از نظریه کیفری مذهب خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: گفتمان کیفری شریعت؛ رساله حقوق؛ سیاست جنایی اسلامی؛ ارزشگذاری بنیادین؛ جریان ایدئولوژیک
مبنا: متغیرهای چهارگانه

*استادیار گروه حقوق، دانشگاه فردوسی مشهد؛

Email: mj.sadati@um.ac.ir

مقدمه

قرائتی که از نظریه کیفری شریعت ارائه می‌شود، مهمترین نقش را در سیاستگذاری کیفری در جامعه ما ایفا می‌کند. این وابستگی گسست‌ناپذیر از یک سو ریشه در آمیختگی پدیدار سیاست با نظریه سیاسی مذهب داشته و از سوی دیگر نشئت گرفته از پیوندهای پیچیده و عمیق ارزش‌های موجود در نظام فرهنگی مذهب با ارزش‌های انباشت شده و تقدس یافته اجتماعی در ایران است. بر این اساس چيستی قرائت از نظریه کیفری شریعت نقشی بسیار مهم در قانونگذاری کیفری ایفا می‌کند. این مسئله که کدام الگوی ارزشگذاری پشتوانه نظریه کیفری شریعت است، و آیا در سیاست جنایی اسلامی تقسیم‌بندی جرائم یا شکل مجازات‌ها دارای موضوعیت هستند و اینکه آیا نظریه کیفری شریعت تمایلی گسترده برای کنترل اجتماعی از طریق گسترش دامنه جرم‌انگاری‌ها دارد؛ همه و همه مؤلفه‌هایی تأثیرگذار در دگرگونی‌های کیفری در ایران پس از انقلاب اسلامی بوده‌اند.

شناسایی سیاست جنایی اسلامی از طریق مراجعه به متونی که به طراحی نظام قواعد، حقوق و تکالیف می‌پردازند میسر می‌شود. رساله حقوق امام سجاد (ع) را باید در شمار این متون شرعی دانست. بررسی دقیق نظامی که امام (ع) دنبال ترسیم آن بوده‌اند؛ و البته در کنار ادراک سایر متون اسلامی می‌تواند ما را به قرائتی مطلوب از نظریه کیفری شریعت نزدیک کند.

اهمیت پرداختن به رساله حقوق امام سجاد (ع) و نقش آن در شکل‌گیری قرائتی صحیح از سیاست جنایی اسلامی از آن رو که نظامی به هم پیوسته از حقوق و تکالیف را ایجاد می‌کند؛ نظامی که ۵۱ حق را در هفت دسته طبقه‌بندی می‌کند: حق خداوند، حق نفس و اعضای بدن، حق افعال عبادی، حق فرمانروایان و رعایا، حق خویشاوندان، حقوق برخی اصناف اجتماعی و سرانجام حقوق مالی. فراگیری این نظام حقوق و تکالیف زمینه‌های استخراج یک سیاست جنایی همه‌جانبه را فراهم می‌آورد. مقصود از این سیاست جنایی همه‌جانبه، شیوه‌ای از فرهنگ کنترل همه‌جانبه رفتارهای نابهنجاری است که نظم و انسجام اجتماعی را در معرض مخاطره قرار می‌دهند. شماری از این رفتارهای نابهنجار، تنها در مرحله پیش‌جنایی (انحراف) قرار داشته و فاقد وصف کیفری است. برخی دیگر نیز با عبور از مرزهای

رفتار پیش‌جنایی، مبین یک پدیده جنایی (بزه) هستند. یک سیاست جنایی منسجم؛ رسالت بررسی، کنترل و پاسخ‌دهی به تمامی این رفتارها را در هر دو سطح پیش‌گفته برعهده دارد. همچنین «بر پایه سه ارزش حقوقی - سیاسی آزادی، قدرت و برابری و رویکرد حاکمیت بر جامعه مدنی سیاست جنایی به سیاست جنایی مختلط (دمکراتیک) متشکل از دولت و جامعه مدنی (دولتی - جامعه‌وی)، سیاست جنایی دولتی اقتدارگرا و اقتدارگرایی فراگیر و سیاست جنایی جامعه‌وی تقسیم می‌شود» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶: ۵۶۸).

چنین به نظر می‌آید که بتوان نظام فراگیری از حقوق و تکالیف که امام (ع) در رساله به تصویر کشیده‌اند را در قالب یک سیاست جنایی عقلانی مورد بررسی قرار داد. اما مسئله بسیار مهم‌تر آن است که مطالعه این نظام فراگیر زمینه را برای شکل‌گیری قرائتی صحیح از نظریه کیفری شریعت و به دنبال آن سیاست جنایی اسلامی فراهم می‌آورد. فهم متعارف و مرسوم ما از نظریه کیفری مذهب، ادراکی که در قالب متون فقهی و یا قوانین کیفری پس از انقلاب انعکاس داده شده، تنها قرائتی از سیاست جنایی شریعت هستند. بنابراین، می‌توان با بازبینی متون معتبری همچون رساله حقوق، به قرائتی متفاوت از نظریه کیفری مذهب دست یافت. قرائتی که البته سنت ائمه معصومین نیز تأییدکننده آن هستند.

به این ترتیب، آنچه در این پژوهش به دنبال آن هستیم؛ بحث در این باره است که آیا می‌توان نظام حق و تکلیف مطرح شده در رساله حقوق را به مثابه یک سیاست جنایی منسجم مورد شناسایی قرار داد؟ پاسخ به این پرسش، البته مستلزم دستیابی به پاسخی قابل اتکا در خصوص شماری از پرسش‌هاست: اول اینکه رساله کدام ارزش بنیادین مورد توجه در قلمرو سیاست جنایی را به عنوان ارزش مورد نظر خویش برگزیده است؟ جریان ایدئولوژیک مبنا در نظام مورد توجه رساله چیست؟ چه الگویی از میان الگوهای مرسوم سیاست جنایی را می‌توان برای رساله در نظر داشت؟

برای نیل به مقصود، در نخستین گام به مفهوم و چارچوب‌های مرسوم سیاست جنایی می‌پردازیم. بدون تردید، برای شناسایی سیاست جنایی رساله حقوق، ابتدا باید به ادراکی دقیق از مفهوم سیاست جنایی، متغیرهای موجود در این قلمرو و جریان‌های ایدئولوژیک مبنا دست یافت. از این رو بررسی اجمالی مفهوم مرسوم سیاست جنایی امری

گریزناپذیر است. به‌ویژه آنکه پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا از رهگذر بحث درخصوص سیاست جنایی رساله حقوق، زمینه را برای ارائه قرائتی متفاوت از نظریه کیفری مذهب فراهم کند. در گام دوم نیز نظام حقوق و تکالیف رساله حقوق را مورد بررسی قرار می‌دهیم. ضرورت پرداختن به این موضوع از آن روست که شکل‌گیری یک تصویر دقیق از این نظام به هم پیوسته، زمینه‌ساز ترسیم سیاست جنایی رساله می‌شود. در نهایت نیز به شناسایی مدل مطلوب سیاست جنایی در رساله خواهیم پرداخت. پیمودن این گام‌ها، نه تنها تصویری دقیق از سیاست جنایی رساله حقوق در ذهن ما ایجاد می‌کند، بلکه، موجب شکل‌گیری قرائتی متفاوت از نظریه کیفری شریعت نیز می‌شود. درحقیقت، تلاش پژوهش حاضر آن است تا از چارچوب مرسوم سیاست جنایی برای توصیف قرائت مقرون به واقع از نظریه کیفری شریعت استفاده کند. به همین منظور در موارد متعدد، سنت حکمرانی امام علی (ع) نیز مورد بررسی قرار گرفته و نشان داده خواهد شد که چطور قرائت پیش‌گفته از سوی سنت ایشان تأیید می‌شود.

۱. مفاهیم بنیادین در مدل‌شناسی سیاست جنایی

سیاست جنایی را در معنای موسع و درعین حال قابل اتکای آن می‌توان چنین تعریف کرد: «کلیه اقدام‌های سرکوبگرانه (کیفری و غیرکیفری) و پیشگیرانه با ماهیت‌های مختلف که دولت و جامعه مدنی هر یک به صورت مستقل و یا با مشارکت سازمان یافته یکدیگر، از آنها در قالب روش‌های مختلف به منظور سرکوبی بزهکاری و بزهکاران و نیز پیشگیری از بزهکاری و انحراف استفاده می‌کنند» (لازرژ، ۱۳۹۶: ۱۷)^۱. با اتکا بر این تعریف، چهار متغیر بنیادین سیاست جنایی را می‌توان بازشناخت. تفکیک انحراف از بزه و تفکیک پاسخ‌های دولتی از واکنش‌های جامعه‌ی، متغیرهایی هستند که در قلمروی سیاست جنایی مورد توجه قرار می‌گیرند.

در کنار متغیرهای گفته شده، باید توجه داشت که جریان‌های ایدئولوژیک مبنا در

۱. همچنین رک: علی حسین نجفی ابرندآبادی، «سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی»، سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی، به کوشش امیرحسین نیازپور، انتشارات میزان، ۱۳۹۷، ص ۴۵۵.

سیاست جنایی، همواره براساس سه ارزش بنیادین «آزادی»، «برابری» و «قدرت» شکل می‌گیرند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶: ۵۶۸). درحقیقت، «برحسب اینکه دولت‌ها برای اداره امور کشور، از جمله امر سرکوبی و پیشگیری از بزهکاری، به کدام یک از سه محور اصلی «آزادی، برابری و قدرت» بیشتر بها می‌دهند» (لازرژ، ۱۳۹۶: ۴۳)؛ می‌توان به مدل‌بندی سیاست جنایی اقدام کرد. به‌عنوان نمونه، توجه به آزادی به معنای به رسمیت شناختن حداکثر حقوق برای شهروندان است. با پیروی از این ارزش، عقیده بر آن است که قلمروی مداخله دولت باید تا کمترین میزان کاهش یابد و در مقابل بیشترین مقدار از آزادی‌های افراد، مورد توجه قرار گیرد. جرم‌انگاری مضیق، تکیه بر اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، دولت‌مادون قانون و... از خصوصیات مدل تابع آزادی است. ازاین‌رو، به هر میزان که از ارزش آزادی گذر کرده و به سوی برابری و در نهایت قدرت، به‌عنوان ارزش غالب حرکت کنیم؛ به همان میزان اقتدارگرایی سیاسی افزایش یافته و مداخله حداکثری را در حقوق و آزادی‌های شهروندان شاهد خواهیم بود. سه جریان ایدئولوژیک مینا را می‌توان از همین روش مورد شناسایی قرار داد (همان، ۲۰). این جریان‌ها عبارت‌اند از: جریان ایدئولوژیک لیبرال، جریان ایدئولوژیک مساوات‌طلب و جریان ایدئولوژیک اقتدارگرایی فراگیر (توتالیتار). جریان لیبرال را می‌توان با شاخص پیروی از ارزش آزادی شناسایی کرد. مفهوم لیبرالیسم پیش از آنکه در قلمروی سیاست جنایی مورد توجه باشد، در گستره نگرش‌های انسان‌شناختی مورد تأکید قرار گرفته است. در جریان لیبرال تلاش می‌شود تا تفسیری تجربی و برداشتی این جهانی از انسان به‌عنوان شهروند جوامع مدرن ارائه شود. تمایلات اومانستی متولد شده در نتیجه این‌گونه از فهم انسان و ماهیت وجودی او، در نهایت موجب می‌شود تا آزادی، به‌مثابه مهمترین ارزش در حیات انسان، مورد تأکید قرار گیرد (مشکی، بی‌تا: ۸۴). همین نگرش و ادراک، موجب شکل‌گیری سیاست جنایی لیبرال در قلمروی پاسخ به پدیده پیش‌جنایی و جنایی می‌شود (شاگری گلپایگانی، ۱۳۸۵: ۵۸).

جریان ایدئولوژیک مساوات‌طلب، از نقد تاریخی لیبرالیسم سربرمی‌آورد. «این جریان، مفهوم دولت لیبرال، ادعای بی‌طرفی و مفهوم آزادی را، مقولاتی بین‌الذهانی می‌داند و مدعی است که در دولت لیبرال، همواره اقلیت‌ها، حقوق و کرامت انسانی‌شان، در مقابل

منافع اکثریت به فراموشی سپرده می‌شود» (همان، ۵۹). ایجاد پیکربندی تبعیض‌آمیز اجتماعی بر مبنای دستیابی به ابزار تولید، انقیاد طبقات فرودست توسط سرمایه‌داران و... در شمار ویژگی‌هایی است که مساوات‌طلبان برای شناسایی جریان ایدئولوژیک لیبرال مورد توجه قرار می‌دهند (برلین، ۱۳۸۶: ۱۷۲؛ مالوری، ۱۳۸۸: ۳۱۲؛ پولیستر، ۱۳۹۰: ۱۲۶).

جریان سوم، یعنی اقتدارگرایی فراگیر یا توتالیترا باید نقطه مقابل جریان ایدئولوژیک لیبرال دانست. مشروعیت مداخله حداکثری در آزادی‌های افراد از طریق تمرکز بر پاسخ‌های دولتی، بی‌توجهی به تفکیک انحراف از بزه، جرم‌انگاری موسع و... سیاست جنایی اقتدارگرایی فراگیر را شکل می‌دهند. تلاش برای استقرار جامعه یکپارچه و مکانیک، حذف جامعه طبقاتی و جایگزین کردن جامعه توده‌ای، تمرکز قدرت و حاکمیت بر رویکردهای پلیسی برای کنترل اجتماعی مؤثر را در شمار آثار تحقق حکومت توتالیترا می‌توان دانست (آرنت، ۱۳۶۳: ۳۰۸).

با بهره‌گیری از همین جریان‌های ایدئولوژیک مبناست که مدل‌های سیاست جنایی تبیین می‌شوند. در این باره می‌توان دو مدل عمده سیاست جنایی دولتی و سیاست جنایی جامعه‌ی را شناسایی کرد (لازرز، ۱۳۹۶: ۹۰ و ۱۱۰). مدل‌های دولتی سیاست جنایی نیز خود به سه مدل جزئی‌تر دولت اقتدارگرا، دولت اقتدارگرایی فراگیر و دولت - جامعه مردم‌سالار تقسیم می‌شوند. در مدل دولت اقتدارگرا؛ اگرچه تفکیک میان انحراف و بزه انجام می‌شود اما پاسخ به هر دو پدیده دولتی است. بنابراین در مدل اقتدارگرا، مشارکت جامعه‌ی مورد توجه نیست (همان، ۹۲). در مدل اقتدارگرایی فراگیر، نه تنها جامعه مدنی هیچ نقشی در فرایند پاسخ به نابهنجاری‌ها ندارد، بلکه تفکیکی میان بزه و انحراف نیز صورت نمی‌گیرد (همان، ۹۴). در تقابل با اشکال پیش‌گفته سیاست جنایی، در مدل دولت - جامعه لیبرال، تفکیک میان بزه و انحراف صورت گرفته و دولت تنها صلاحیت پاسخ به پدیده بزهکارانه را دارد. در مدل دولت - جامعه مردم‌سالار واکنش در برابر انحراف، در قلمروی اختیارات جامعه مدنی است (همان، ۹۶).

با توجه به مطالب فوق می‌توان دریافت که ارزش‌های بنیادین آزادی، برابری و قدرت در کنار عواملی همچون شناسایی متغیرهای چهارگانه دولت - جامعه مدنی و بزه - انحراف، مبنایی برای تعیین مدل‌های سیاست جنایی هستند. از این‌رو نظر به آنکه هم‌اکنون در

پی بازشناسی گفتمان سیاست جنایی رساله حقوق هستیم، توجه به ارزش‌های بنیادین، متغیرهای چهارگانه و جریان‌های ایدئولوژیک مبنا برای فهم مدل مورد نظر در رساله اهمیت بسیاری دارد.

۲. ارزشگذاری بنیادین و جریان ایدئولوژیک مبنا در رساله حقوق

در نخستین گام باید این پرسش را مطرح کرد که آیا رساله حقوق از خصوصیات بنیادین سیاست جنایی در برداشت مرسوم آن برخوردار است؟ به تعبیر دیگر آیا می‌توان قرائتی از سیاست جنایی با بهره‌گیری از متن رساله ارائه داد؟ پاسخ به این پرسش مستلزم این بررسی است که آیا می‌توان ارزش‌های بنیادین مورد نظر در سیاست جنایی را از منطوق و محتوای رساله بازشناخته و سپس جریان ایدئولوژیک مبنای رساله را مورد شناسایی قرار داد؟ آیا می‌توان اثری از متغیرهای چهارگانه سیاست جنایی در این رساله یافت؟ از آن گذشته شناسایی نظامی منسجم از حقوق و تکالیف نیز از ضرورت‌های بررسی وجود و یا عدم وجود سیاست جنایی در متون مختلف است.

۲-۱. رساله حقوق و نظام فراگیر حقوق و تکالیف

درباره نظام حقوق و تکالیف امام (ع) در مقدمه رساله چنین می‌فرمایند: «بدان! در هر جنبشی که بجنبی و در هر آرامشی که بیارامی و در هر جایی که فرود آیی و هر اندامی از اندام خود را که بجنبانی و هر ابزاری را که به‌کارگیری خدا را بر تو حقوقی هست که تو را فراگرفته‌اند»^۱ (صحتی سردرودی، ۱۳۹۱: ۱۱۹). مقصود از این گزاره آن است که همواره نظامی از حقوق و تکالیف، تمامی شئون حیات انسان را فراگرفته و همه رفتارهای شهروندان در قالب یک قاعده حقوقی قابل تعریف است.

ایشان حدود پنجاه حق را به‌صورت مستقیم و ۱۰ حق را به‌صورت تلویحی مورد شناسایی قرار داده و معتقدند این قواعد حقوقی که برخوردار از فلسفه و مبنای معینی

۱. گفتنی است متن عربی رساله از منابع مختلف از جمله پایگاه اطلاعاتی آیت‌ا... مکارم و نیز کتاب شرحی بر رساله حقوق امام سجاد (ع) استخراج شده است.

در ارتباط با فلسفه و بنیان حقوق از نگاه شریعت هستند؛ تمام وضعیت‌های زندگی بشر را احاطه کرده‌اند. فراتر آنکه، امام در این رساله تصریح می‌کنند که شمار قواعد حقوقی محدود به این موارد نبوده و مقتضیات زمان و مکان، موجب آفرینش قواعد حقوقی نوینی خواهد شد: «دیگر حقوقی است که با سنجش شرایط و اوضاع و احوال؛ و دگرگونی اسباب و ابزار پیش می‌آیند» (همان، ۱۱۸).

اعتقاد به گستردگی و فراگیری نظامی از حقوق و تکالیف در تمامی شئون حیات انسان، دارای گونه‌ای از انطباق با مفهوم سیاست جنایی است. زیرا در قلمروی سیاست جنایی نیز سخن از پاسخ‌دهی به تمامی رفتارها، اعم از منحرفانه و یا بزهکارانه به میان می‌آید که بیانگر عدول از قاعده‌ای حقوقی است که پیشتر و در جریان توزیع حقوق و تکالیف تولید شده است. درحقیقت، نخست یک قاعده حقوقی وضع شده و حقوق و به مناسبت آن، تکلیفی را مورد شناسایی قرار می‌دهد. نقض این قاعده توسط یک شهروند، ممکن است در قالب بزه و یا انحراف قرار گیرد که در شمار موضوعات سیاست جنایی هستند. از این رو، نظامی از حقوق و تکالیف، به خودی خود، موضوع سیاست جنایی است. باور به فراگیری این نظام و اعتقاد به امکان دگرگونی این نظم براساس مقتضیات زمان و مکان از دیگر نشانه‌هایی است که با تکیه بر آنها می‌توان به شناسایی قرائتی از سیاست جنایی در رساله حقوق اقدام کرد.

درباره فرایند دگرگونی‌پذیری حقوق و تکالیف باید توجه داشت که جنبش‌های انقطاعی سیاست جنایی نیز موضوع این دگرگونی هستند. ممکن است هم‌اکنون حقوقی برای فردی شناسایی شده و سپس حقوق مذکور از وی سلب شود. به این ترتیب، این امکان وجود دارد که در جریان این دگرگونی، انحراف به بزه مبدل شده و یا بزه، وصف انحراف بیابد. بنابراین از آن جهت که متون ارائه شده در رساله از یک نظم حقوقی برخوردار است؛ می‌توان از سیاست جنایی مورد توجه در این نظم حقوقی سخن به میان آورد.

۲-۲. رساله حقوق و ارزش‌گذاری‌های بنیادین

در این گام باید به شناسایی ارزش بنیادین رساله پرداخت. قبلاً گفتیم که سه ارزش آزادی،

برابری و قدرت، تعیین‌کننده مدل‌های سیاست جنایی هستند. چنانکه تبعیت از ارزش آزادی، سیاست جنایی را به سوی برداشت‌های آزادی‌مدار سوق داده و مبنا قرار دادن ارزش قدرت، موجب تولد سیاست جنایی اقتدارگرا می‌شود.

پیش از آنکه به بررسی چپستی «ارزش مبنا» در رساله حقوق بپردازیم، باید توجه داشت که رساله نیز به خودی خود بخشی از نظم حقوقی شریعت بوده و بنابراین برای شناخت نظام حقوقی مورد توجه در رساله، باید به بازشناسی نظم حقوقی شریعت پرداخت. شریعت به معنای مجموعه‌ای از احکام و قواعد ساختارمند برای هدایت انسان به سوی سعادت است که مبتنی بر اراده تشریحی خداوند است. نظر به آنکه بخش قابل توجهی از جریان هدایت و سعادت انسان در ارتباط با خصیصه اجتماعی بودن او تعریف شده و این خصیصه نیاز به وجود نظم حقوقی را موجب می‌شود، شریعت نیز باید از نظام حقوقی فراگیر برخوردار باشد. به‌ویژه، حمایت از ارزش‌ها و هنجارهای موجود در دیگر خرده‌نظام‌های شریعت ضرورت وجود خرده‌نظام فراگیر حقوقی را بیش از پیش آشکار می‌کند. بنیاد این نظام حقوقی اراده تشریحی خداوند است (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۷۵؛ جعفری تبریزی، ۱۳۷۹: ۳۰؛ حسینی، بی تا: ۱۱).^۱ قرآن کریم نیز به‌عنوان مهمترین منبع قانونگذاری در اسلام که اراده تشریحی خداوند در آن ظهور یافته است؛ بیان می‌کند که صلاحیت قانونگذاری تنها در اختیار خداوند است (انعام: ۷۱). امام سجاد (ع) نیز در رساله برای باورند که بزرگترین حقوق، حق الله است: «... و بزرگترین حقوقی که خدای تبارک و تعالی برای خویش بر تو واجب ساخته «حق الله» است که اساس همه حقوق است و حقوق دیگر، شاخه‌هایی از آن است» (صحتی سردرودی، ۱۳۹۱: ۱۲۸). ایشان به هنگام تفصیل و تشریح حقوق، پیش از همه حق الله را بیان کرده و می‌فرمایند: «بزرگترین حق خدا بر تو این است که او را پرستی و چیزی را همسان او نسازی...» (همان، ۱۲۹).

انحصار قدرت قانونگذاری در قلمروی اختیارات خداوند، در کنار اعتقاد به اندیشه «ربوبیت الهی» (میراحمدی، ۱۳۸۵: ۱۳)، نشانگر نگرش ویژه شریعت در خصوص مفهوم مادی قدرت (قدرت بشر) است. آیات متعددی از قرآن کریم به دنبال نفی قدرت انسان بر انسان و

۱. رک: محمدتقی مصباح یزدی، حقوق و سیاست در قرآن، جلد اول، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹.

طرح اندیشه «حاکمیت الهی» بوده و به این ترتیب منشأ حکومت و حاکمیت را اراده خداوند می‌داند. در آیه ۵۷ سوره مبارکه انعام آمده است: «حکم و فرمان تنها از آن خداوند است». از آنچه پیشتر گذشت، می‌توان دریافت که از نگاه شریعت، قدرت در بُعد جسمانی و هندسی یا همان ساختار سیاسی یا قدرت یک انسان بر انسان دیگر نه تنها دارای اصالت نبوده، بلکه به شدت نفی می‌شود. این مسئله، به وضوح نشانگر نفی اقتدارگرایی در ساختار سیاسی است. در حقیقت از نگاه شریعت؛ اقتدار و قدرت منحصر در اراده خداوند بوده و حاکمان در حکومت اسلامی، تنها مأذون از طرف خداوند هستند.

قابل درک است که نفی اصالت قدرت در بُعد بشری و انحصار در اراده خداوند، نه به معنای انکار قدرت سیاسی به عنوان یک واقعیت اجتماعی، بلکه در راستای جلوگیری از ایجاد هر جلوه‌ای از اقتدارگرایی، تسلط طبقه‌ای از انسان‌ها بر دیگران و البته ممانعت از تولید نظام طبقاتی در اجتماع بر مبنای مناسبات قدرت است. به این ترتیب ارائه قرائت اقتدارگرا از نظریه سیاسی مذهب؛ انحرافی جدی از توصیف اسلام در خصوص قدرت سیاسی محسوب می‌شود. این نفی اقتدارگرایی به مثابه یک اصل انکارناپذیر در استقرار نظام سیاسی اسلامی به شمار می‌آید. شاید بتوان چنین ادعا کرد که شکل ساختار سیاسی در شریعت در محدوده منطقه الفراغ^۱ قرار داشته و در اسلام، شکل ساختار سیاسی فاقد موضوعیت است. با این حال قرائت‌های مختلفی که از نظریه سیاسی مذهب ارائه می‌شود، نباید به تولید هیچ جلوه‌ای از اقتدارگرایی منجر شوند.^۲

از این رو در شریعت هرگونه اقتدارگرایی سیاسی که در قلمرو سیاست جنایی، در شکل دولت‌های اقتدارگرا و اقتدارگرای فراگیر بروز می‌یابد؛ نفی می‌شود. نفی سیاست جنایی اقتدارگرا تولیدکننده آثاری از این قبیل است: نفی دولت ورای قانون، لزوم پایبندی به اصول محدودکننده قدرت نظیر اصل قانونی بودن جرائم، مجازات‌ها و دادرسی عادلانه کیفری،

۱. رک: محمد باقر صدر، اقتصاد ما یا بررسی‌هایی درباره مکتب اقتصادی اسلام، ترجمه محمد کاظم بجنوردی، مؤسسه انتشارات اسلامی، ۱۳۵۰.

۲. برای مطالعه قرائت‌های مختلفی از دولت در اسلام رک: داود فیرحی، نظام سیاسی و دولت در اسلام، چاپ ششم، انتشارات سمت، ۱۳۸۷.

لزوم تفکیک نهاد تولیدکننده قوانین از هسته اصلی قدرت سیاسی، نفی تمایل گسترده برای مداخله حداکثری در آزادی‌های شهروندان، منع جرم‌انگاری مداخله‌جویانه و فراگیر و... در یک برداشت، اقتدارگرایی به معنای انحصار قدرت و خود را همتراز با اراده خداوند تلقی کردن است. امری که با تکیه بسیار بر اصل بنیادین توحید پیوسته نفی می‌شود. امام (ع) نیز یکی از حقوق خداوند را در رساله خویش، «حق توحید» دانسته و بدین ترتیب به نفی هرگونه اقتدارگرایی مادی و یا اصالت دادن به قدرت به‌عنوان یک ارزش بنیادین پرداخته‌اند. امام (ع) به هنگام بحث درباره حق مدیر چنین می‌فرماید: «اما حق پرورش‌دهنده تو با توانایی این است که بدانی تو را برای آزمون او نهاده‌اند و او با آن قدرتی که خدا برای او، بر تو قرار داده، گرفتار است...» (صحتی سردرودی، ۱۳۹۱: ۱۷۹). امام (ع) بر این باورند که قدرت و حکومت، غنیمت و طعمه نبوده و فقط آزمونی است از سوی خداوند برای دارندگان آن و توفیق در این آزمایش دشوار در گروی امتثال از اراده خداوند است.

ایشان آنگاه که به طرح حقوق ملت و مردمان می‌پردازند؛ اصالت قدرت را نفی کرده و بر این عقیده‌اند که قدرت، امانتی است از سوی خداوند بر دوش دارندگان آن تا با تمسک به این امانت، مسیر سعادت تابعان شریعت، هموار شود. «اما حقوق زیردستانی که با توانایی رعایت حال آنها را می‌کنی این است که بدانی تو به دلیل توانایی فزون‌تری که بر آنها داری سرپرستی آنان را پذیرفته‌ای... پس واجب است که در میان ملت به عدالت کار کنی و برای آنان مانند پدری که مهربان است باشی و نادانی آنان را ببخشی و در کیفر دادنشان شتاب نکنی. چقدر جای حق‌شناسی است این شوکت و قدرت برتری که خدا به تو داده...» (همان، ۲۳۴).

ایشان، حتی به هنگام بحث در خصوص حق جان و اعضای بدن نیز اقتدارگرایی مادی را نفی می‌کنند. امام (ع) درباره حق جان چنین می‌فرماید: «حق جان بر تو این است که تمام توانش را در فرمانبرداری از خدا به کارگیری تا حق زبانت را به جای آری و حق گوشت را برسانی و حق چشمت را بپردازی و حق دستت را بسپاری و حق پایت را بگذاری و...» (همان، ۱۳۵). مقصود از این فرمایشات آن است که تمامیت جسمانی و معنوی انسان، تنها باید برای فرمانبرداری از قدرت مطلق، یعنی خداوند به کارگرفته شود و البته این برداشت خود تأکیدی دیگر بر نفی اقتدارگرایی و اطاعت مطلق از بشر است.

البته ممکن است چنین پنداشته شود که قرائت پیش‌گفته، تنها برداشتی انتزاعی از متون شرعی است. در مقابل آیین حکومت‌مندی امام علی (ع) به‌وضوح گویای نفی شاخصه‌هایی است که موجب تولید و تداوم قدرت اقتدارگرا می‌شوند. امکان استیضاح حاکمان توسط مردم نمونه‌ای برجسته از این آیین است که سیره سیاسی ایشان را از اقتدارگرایی دور می‌کند. ایشان در نامه خود به مالک چنین می‌فرمایند: «اگر رعیت بر تو گمان ستم برد عذر خود را آشکارا با آنان در میان بگذار و با این کار آنان را از بدگمانیشان خارج کن، که بدین رفتار خود را به عدالت خوی و عادت می‌دهی... آنان را نیز به حق استوار می‌کنی»^۱. همچنین می‌توان به رفتار ایشان در خصوص مسئله ابوالاسود دثلی اشاره کرد. امیرالمؤمنین (ع)، پس از انتصاب وی به قضاوت، در پایان همان روز نصب، ابوالاسود را به واسطه تندخویی و رفتار خشونت‌آمیز با مردم عزل کرد و به همین علت او به قاضی یک‌روزه مشهور شد (منقری، ۱۴۰۴: ۱۰۷؛ یعقوبی، بی‌تا: ۲۰۵)^۲.

به‌عنوان نمونه می‌توان به این اندیشه امام (ع) اشاره کرد که مخالفت با حکومت در صورت خروج آن از مدار شریعت در شمار وظایف مردم است. ایشان هنگامی که عبدالله ابن عباس را به حکومت بصره انتخاب کردند چنین بیان داشتند: «ای مردم من عبدالله ابن عباس را به‌عنوان جانشین خود بر شما حاکم و والی قرار دادم. سخن او را بشنوید و از امر او مادام که در اطاعت خدا و رسول اوست اطاعت کنید و اگر بدعتی نهاد یا از حق رویگردان شد به من اطلاع دهید تا او را از حکومت کردن بر شما عزل کنم»^۳. امکان استیضاح حاکم اسلامی توسط مردم، لزوم پاسخگویی او در برابر جامعه، لزوم تمکین وی از قانون شریعت و... همه و همه گزاره‌هایی‌اند که قرائت اقتدارگرا از نظریه سیاسی اسلام را نفی می‌کنند.

نفی قدرت به‌عنوان یکی از ارزش‌های بنیادین مطرح در قلمروی سیاست جنایی، موجبات توجه به دیگر ارزش‌ها را فراهم می‌آورد. در قلمروی شریعت، اگرچه ارزش برابری همواره مورد تأکید است، اما با مفهوم مرسوم برابری در سیاست جنایی که در نهایت، پیروی از آن موجب استقرار دولت

۱. نامه امام علی (ع) به مالک اشتر.

۲. برای مطالعه بیشتر رک: سیدحسن قریشی، «سیره علوی در برخورد با افراد و گروه‌ها»، فرهنگ کوثر، ش ۶۱، ۱۳۸۴.

۳. شیخ مفید، *الجمال*، ترجمه و تحقیق سیدعلی میرشریفی، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۱، ص ۴۲۰.

اقتدارگرا می‌شود، چند تفاوت بنیادین دارد. اول آنکه، عدالت به‌عنوان یک اصل بنیادین همواره مورد تأکید شریعت بوده است (جعفری تبریزی، ۱۳۷۹: ۳۷؛ حسینی کوهساری، ۱۳۷۸: ۸۷). اسلام با گذار از برابری مطلق که خود نوعی انحراف از فطرت انسانی محسوب می‌شود، عدالت را جایگزین آن کرده و به‌این ترتیب جلوه متعالی‌تری از برابری را به نمایش می‌گذارد. فراتر آنکه، در مفهوم مرسوم سیاست جنایی، پیروی از ایده برابری به استقرار دولت اقتدارگرا می‌انجامد. در مقابل، نه تنها شریعت، اقتدارگرایی را در تمامی اشکال آن و به این دلیل که ناقض «حق توحید» است نفی می‌کند؛ بلکه عدالت را ابزار قدرت نمی‌داند. عدالت درحقیقت، لگامی بر پای قدرت تلقی شده تا از اقتدارگرایی و انحصارگرایی جلوگیری به عمل آید. بنابراین باید توجه داشت آنچه که از آن با عنوان اهمیت برابری در شریعت یاد می‌شود، تفاوت‌هایی بنیادین با مفهوم برابری در برداشت رایج از سیاست جنایی دارد. برابری در مفهوم مرسوم سیاست جنایی رویه‌ای است که در دولت‌های اشتراکی اقتدارگرا نظیر شوروی مورد توجه بوده است.

در قلمروی شریعت، در تقابل با بی‌اعتباری قدرت، همواره ارزش آزادی دارای اصالت بوده است. درحقیقت، ارزش و اعتبار شریعت و جوهر آن را باید در اصل اخلاقی آزادی جستجو کرد. «... جوهر دین، کنش آزادانه و ارتباط آگاهانه با امر مطلق به‌مثابه آفریننده و پروردگار جهانیان است. این امر هرگز با تحمیل و اجبار به پیروی و نفی انتخاب آزاد آن‌گونه که در نظام‌های اقتدارگرا رایج است، سازگار نیست» (نوبهار، ۱۳۹۲: ۱۱۳). همچنین تحقق اصل آزادی که در شریعت، پیوسته به‌عنوان یک اصل ریشه‌دار در اخلاق آرمانی مورد توجه است؛ در شمار تکالیف حکومت سیاسی قرار دارد (میراحمدی، ۱۳۸۵: ۸۵). قرآن کریم نیز در آیاتی متعدد، به تشریح مقصود خویش از آزادی پرداخته و سپس بر اهمیت این ارزش اخلاقی تأکید کرده است. آیه ۶۴ سوره آل عمران، پس از تأکید بر حق توحید، چنین می‌فرماید: «نباید هیچ‌یک از افراد بشر، به استثمار و نفی آزادی دیگران پرداخته و بشر برابر با خود را به بردگی بکشاند» (مطهری، ۱۳۸۸: ۴۳)^۱.

امام (ع) نیز در رساله، به هنگام بحث درباره حق نماز، ارزش آزادی اراده را صریحاً مورد

تأکید قرار می‌دهند. البته پیشتر نیز در این باره مطالبی ارائه شد که امتثال از دستورات شریعت، فقط زمانی دارای ارزش است که پشتوانه آن، عمل توأم با اراده باشد. از همین رو، امام حق نماز به عنوان یک عبادت را با تأکید بر ارزش آزادی مورد توجه قرار داده است. ایشان همچنین در خصوص حق آزادی با ارائه معنای وسیعی از مفهوم آزادی، کرامت و عزت انسانی را تنها در گروهی برخوردار از موهبت آزادی دانسته‌اند (صحتی سردرودی، ۱۳۹۱: ۲۹۱).

آنچه گفته شد؛ تلاش برای فهم ارزش بنیادین مورد توجه در رساله و در برداشتی وسیع‌تر، در قلمروی نظام کیفری شریعت بوده است. بنابراین در رساله حقوق در تقابل قدرت، برابری و آزادی؛ جانب ارزش آزادی نگاه داشته شده است. برای ادراک توصیف شریعت از ارزش آزادی می‌توان بر مفهوم توحید و نفی اقتدارگرایی نیز تکیه کرد. از این رو هدف از آزادی، نفی اقتدارگرایی و تأکید بر اصل عدم ولایت است. خداوند انسان را آزاد آفریده و او را مسلط بر جان، مال و آزادی خویش قرار داده است. هر شکلی از ولایت و سلطه که ناقض این آزادی فطری باشد؛ از نگاه شریعت امری ناپسند به شمار می‌آید. فقها برای تأکید بر این برداشت از آزادی از اصل «عدم ولایت و سلطه یکی بر دیگری» بهره می‌گیرند (نراقی، ۱۳۷۵: ۱۸۶). تأکید امیرالمؤمنین علی (ع) بر آزادی مردم در انتخاب حاکم، نمونه دیگری از سیره ایشان است که نشان می‌دهد ارزش بنیادین مورد توجه در شریعت، گذار از اقتدارگرایی و تمایل به آزادی است. ایشان به هنگام پذیرش حکومت، در مسجد کوفه، چنین فرمودند: «ای مردم این امر حکومت امر شماست هیچ‌کس جز آنکه شما او را امیر خود گردانید حق امارت و حکومت بر شما را ندارد» (محسنی، ۱۳۸۴: ۱۳۹).

با بهره‌گیری از این مباحث می‌توان به شناسایی جریان ایدئولوژیک مبنا در رساله اقدام کرد. توضیح آنکه، پیروی از ارزش‌های سه‌گانه، هر یک موجب آفرینش یک جریان ایدئولوژیک مبنا می‌شود (شاکری گلپایگانی، ۱۳۸۵: ۵۶). برابری، موجب تولید اقتدارگرایی با محوریت مساوات‌طلبی مطلق می‌شود. تقدیس قدرت، اقتدارگرایی فراگیر را می‌آفریند. در نهایت پاسداشت آزادی، جریان ایدئولوژیک آزادی‌مدار را تولید می‌کند که البته برخلاف برداشت رایج نمی‌توان آن را در شکل لیبرال مرسوم خلاصه کرد. به این معنا که پیروی از ارزش آزادی، باعث جریان آزادی‌گرا می‌شود که ایدئولوژی لیبرال، تنها یکی از برداشت‌های این جریان است.

۳. شناسایی متغیرهای چهارگانه مبنا و مدل سیاست جنایی در رساله حقوق

برای توصیف سیاست جنایی رساله حقوق، شناسایی متغیرهای چهارگانه دولت - جامعه مدنی و بزه - انحراف امری ضروری است. از این رو قبل از مدل شناسایی سیاست جنایی، به بحث در خصوص متغیرهای چهارگانه مبنا در رساله می‌پردازیم.

۳-۱. رساله حقوق و متغیرهای چهارگانه مبنا

در قلمروی سیاست جنایی، متغیرهای مبنا دلالت بر لزوم تفکیک بزه از انحراف و تقسیم واکنش در برابر آنها به پاسخ‌های دولتی و جامعه‌ی دارد (لازرژ، ۱۳۹۶: ۸۵). هم‌اکنون، بر همین اساس به بررسی متغیرهای رساله حقوق می‌پردازیم.

پیش از طرح بحث باید توجه داشت که رساله، با به تصویر کشیدن نظامی از حقوق و تکالیف، جلوه‌ای از عدالت توزیعی (عدالت به هنگام توزیع حقوق و تکالیف) را ارائه داده است. لزوم امتثال در برابر تکالیف، به معنای لزوم تحمیل ضمانت اجرا در برابر نقض حقوق دیگران است. بنابراین، اگرچه در متن رساله، به تفصیل سخنی از واکنش در برابر نقض حقوق به میان نیامده؛ اما این یک استنباط عقلانی است که تکلیف به رعایت حقوق، خود به معنای تحمیل ضمانت اجرا در برابر عدم توجه به این تکلیف است.

در تقابل با دیدگاه دلماس مارتی که بر این باورند: نمی‌توان تفکیکی میان حوزه دولتی و مدنی (دولت و جامعه مدنی در تعبیر سیاست جنایی) در پاسخ به رفتارهای نابهنجار در شریعت اسلام ارائه داد (دلماس مارتی، ۱۳۹۳: ۲۷۹-۲۷۷)، شواهد متعددی را می‌توان مطرح کرد که گویای تفکیک پاسخ‌های دولتی و جامعه‌ی است. «انبوهی از تعالیم اسلامی با شناسایی حوزه عمومی جدا از دولت و جامعه مدنی سازگار است. از جمله کارکردهای طبیعی و فضیلت‌مندانه جامعه مدنی، کنترل بزهکاری است. تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر که ترجمان اخلاق مسئولیت است به معنای آن است که اسلام به کنترل اجتماعی از طریق افکار عمومی اهمیت می‌دهد...» (نوبهار، ۱۳۹۲، ۱۱۵). فراتر آنکه تا حدود بسیار زیادی، سیاست جنایی اسلام را می‌توان قلمرویی مشارکتی دانست. مشارکت وسیع مراجع جامعه‌ی در پاسخ به پدیده جنایی و پیش‌جنایی در سیاست جنایی اسلام، در ارتباط با سه ویژگی بنیادین این سیاست است:

۱. طبقه‌بندی رفتارهای ناقض هنجارها به حق‌الله و حق‌الناس و سپس تجویز شیوه‌هایی خاص برای به جریان افتادن فرایند پاسخ‌دهی به جرائم حق‌الناسی،
 ۲. اعتماد به ایمان نشئت گرفته از شریعت اسلام و تأکید بر مسئله خودکنترلی و خوداصلاحی،

۳. طبیعت مذهبی هنجارهای لازم‌الاتباع در اسلام که نوعی مسئولیت همگانی درباره امر به معروف و نهی از منکر (به‌عنوان جلوه‌ای از سیاست جنایی مشارکتی) را تجویز می‌کند (حسینی، ۱۳۹۰: ۲۰۵).
 توضیح آنکه، اعطای نقش فعال به بزه‌دیده به‌عنوان بخشی از جامعه مدنی برای مدیریت فرایند رسیدگی کیفری در جرائم حق‌الناسی و لزوم امر به معروف و نهی از منکر در خصوص انحرافات، نمودی از مشارکت‌پذیری سیاست جنایی اسلام است.

در رساله حقوق نیز، علاوه بر تکلیف دولت به پاسداری از عدالت و در نتیجه واکنش در برابر رفتارهای ناقض عدالت، از مقوله مشارکت اجتماعی سخن به میان آمده است. فراتر آنکه، امام (ع) یکی از تکالیف جامعه مدنی را خیرخواهی برای حکومت (حق مدیر) توصیف کرده‌اند که از آن به لزوم «النصیحه لائمہ المسلمین» تعبیر شده است (صحتی سردرودی، ۱۳۹۲: ۱۸۰). به عبارت دیگر، مشارکت اجتماعی در تمامی امور نه تنها در شمار حقوق اجتماع قرار دارد؛ بلکه نوعی تکلیف نیز برای جامعه محسوب می‌شود. علاوه بر آنکه این تکلیف خود به معنای نفی اقتدارگرایی است (از طریق تقسیم مسئولیت‌های اجتماعی)؛ لزوم تفکیک میان تکالیف جامعه مدنی از دولت در انجام امورات اجتماعی (از جمله پاسخ در برابر نابهنجاری‌ها به‌عنوان یکی از اقسام مسائل اجتماعی) را نیز مورد تأکید قرار می‌دهد. همچنین، امام (ع) تفکیک میان متغیرهای چهارگانه را در هنگام بحث در خصوص حقوق مجرمان و منحرفان به تصویر می‌کشند. ایشان می‌فرمایند: «و اما حق کسی که از دست او با گفتاری یا کرداری به تو بدی رسیده باشد این است که اگر او در این کار عمدی هم داشته باشد عفو کردن تو را برارنده تراست زیرا در عفو، آن بهره‌ای است که هم قصد بد را از دل او می‌کند و هم به زیبایی او را و بسیاری از مردم را که مانند او باشند ادب می‌کند چرا که خداوند می‌گوید: «و کسی که پس از ستم دیدن داد ستاند از آن کسانی است که بر آنان ایرادی نیست» یا آنجا که خداوند گوید: «و کسی که شکیبایی کند و درگذرد بی‌گمان از آن

کارهایی کرده که بایسته است» (شورا: ۴۱-۴۳). و همچنین می‌فرماید: «و اگر کیفر می‌دهید چنان کیفر دهید که خود کیفر شدید و اگر شکیبایی کنید همان کرده‌اید که شکیباییان را برانده‌تر است» (نحل: ۱۲۶). و این همه وقتی است که قصد و غرضی در کار باشد ولی اگر قصدی در کار نباشد، نباید به قصد داد ستانی از وی به او ستم کرده باشی تا خود به عمد، بر اشتباهی که داشته مجازاتش کنی. دیگر اینکه با او مدارا کنی تا با لطیف‌ترین صورتی که می‌توانی پاسخش دهی...» (صحتی سردرودی، ۱۳۹۲: ۳۹۵).

کلام امام (ع) اطلاق در گناه و انحراف دارد. چرا که بدی؛ هم بزه و هم انحراف را دربرمی‌گیرد. قابل درک است که کمترین معنای بدی، در گفتمان سیاست جنایی انحراف است. بنابراین خطاب به انحراف در سخنان امام (ع) مسلم است. همچنین آیه مورد استفاده توسط حضرت (آیه ۱۲۶ سوره نحل) در شمار آیاتی است که فقها از آن شرط مماثلت در قصاص را افاده کرده‌اند. از این رو می‌توان کلام امام (ع) را ناظر به جرم دانست. شکل نوین این مشارکت اجتماعی در خصوص امور مربوط به عدالت را می‌توان دارای دو بُعد دانست. بُعد اول به هنگام توزیع حقوق و تکالیف که مبنای عدالت است. این فرایند، هم‌اکنون در قالب تصویب قوانین و مقررات از طریق قوه مقننه بروز و ظهور یافته است. مشارکت اجتماعی برای انتخاب قانونگذاران، خود جلوه‌ای از مداخله جامعه مدنی در امر توزیع حقوق و تکالیف است. بُعد دوم نیز، پاسخ به نقض عدالت است که به دو شکل انحراف و بزه جلوه می‌کند. واکنش در برابر نقض عدالت هم‌اکنون از طریق قوه قضائیه اعمال می‌شود. تجویز مشارکت اجتماعی، به معنای رفع انحصار مراجع دولتی در واکنش به رفتار ناقض هنجار است که در اشکال مختلفی همچون، مشارکت بزه‌دیده و حتی جامعه مدنی در فرایند دادرسی کیفری (برای پاسخ به بزه) و لزوم امر به معروف و نهی از منکر (برای پاسخ به انحراف) مورد توجه قرار گرفته است.

۳-۲. مدل‌شناسی سیاست جنایی رساله حقوق

خصوصیات مورد توجه در رساله، مدل سیاست جنایی را از اقتدارگرایی و نیز اقتدارگرایی فراگیر دور کرده و به مدل آزادی‌مدار نزدیک می‌کند. پاسداری از ارزش بنیادین آزادی،

تبعیت از جریان ایدئولوژیک مبنای آزادی مدار و تفکیک میان دولت - جامعه مدنی و بزه - انحراف از نشانه‌های گفتمان سیاست جنایی آزادی‌گراست (لازرژ، ۱۳۹۶: ۹۶).

خصوصیات دیگری را نیز می‌توان برای گفتمان سیاست جنایی در رساله حقوق مورد شناسایی قرار داد که این گفتمان را بیش از پیش به مدل آزادی مدار نزدیک می‌کند. نخستین ویژگی، توجه به اصل دولت مادون قانون است. چنان‌که قبلاً گفته شد از نگاه شریعت، حکومت و قدرت امانتی از سوی خداوند بر دوش دارندگان آن بوده و ایشان مکلف به اجرای احکام شریعت در جامعه اسلامی هستند. در رساله حقوق نیز به تبعیت از این نگاه در هنگام بحث درباره حقوق مدیر و یا ملت، سخن از لزوم تمکین حکومت در برابر فرامین شریعت به میان آمده است. همین برداشت، اندیشه دولت مادون قانون و لزوم تبعیت دولت را از اصل قانون‌مندی تقویت می‌کند. درحقیقت احکام و قوانین شریعت، بیشتر حدود صلاحیت‌ها و تکالیف دولت‌ها را معین کرده و ایشان مکلف به تبعیت از این مسیر معین شده هستند (بهزادی، ۱۳۵۱: ۱۶۴). فراتر از آن احکام شریعت حتی مرز ممنوعیت رفتارها را نیز به روشنی ترسیم کرده و به این ترتیب، اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها را مورد توجه قرار داده است. قواعدی همچون قبح عقاب بلا بیان نیز تأکیدی مجدد بر لزوم پایبندی به اصل قانونی بودن و عدم مشروعیت توسعه جرم‌انگاری از طریق تمسک به قیاس است (نوبهار، ۱۳۹۲: ۱۲۸).

اگرچه در رساله، به صراحت سخنی از اندیشه تفکیک قوا به میان نیامده است؛ اما تأکید بر اصل قانونمندی دولت در قلمروی احکام شریعت، امکان استنباط این اصل را تقویت می‌کند. باید توجه داشت که شریعت نسبت به ساختار حکومت سیاسی و شیوه‌های اعمال اقتدار گزاره‌هایی خاص را تولید نکرده است. البته این سکوت به معنای نقص شریعت نیست، بلکه دولت اسلامی یک پدیده وابسته به زمان و مکان است که در جریان نباشد تاریخی و دگرگونی تجربیات، امکان ارائه قرائت‌های متفاوت از آن وجود دارد.^۱ باین حال ساختار سیاسی نباید موجب تمرکز قدرت و اقتدارگرایی شود. زیرا در این صورت،

۱. برای مطالعه یک دیدگاه در این خصوص رک: فیرحی، نظام سیاسی و دولت در اسلام، چاپ ششم، انتشارات

ارزش بنیادین آزادی و البته اصل بسیار اساسی توحید نفی می‌شود. حضور امیرالمؤمنین در دادگاه قاضی‌ای که خود به‌عنوان رئیس حکومت، وی را منصوب کرده است نیز گواهی بر پذیرش امر تفکیک قوا به‌عنوان یک دریافت عقلانی در شریعت اسلام است.

اصل کمینه جرم‌انگاری از دیگر نتایج تمایل سیاست جنایی شریعت به سوی ارزش بنیادین آزادی است. در قلمروی سیاست جنایی، نتیجه این اصل منع مداخله حداکثری از طریق جرم‌انگاری است.^۱ اصل عدم ولایت «بیانگر آن است که تحدید آزادی‌های مردم به هر شیوه‌ای از جمله در قالب جرم‌انگاری امری خلاف اصل است که تنها در صورت وجود دلایل و مقتضیات کافی می‌توان به آن تن داد» (همان، ۱۳۹۰: ۱۰۶). از آن گذشته، شریعت برای هدایت انسان بیش از آنکه بر عملکردهای خرده‌نظام کیفری تکیه کند، از حوزه جرم‌انگاری حداکثری و کیفرگذاری فراگیر گذر کرده و در پی تقویت عملکردهای خرده‌نظام فرهنگی بوده است. در نتیجه، رسالت هدایت و اصلاح بیش از هر چیز بر دوش چرخه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهاست و نه لزوماً جرم‌انگاری رفتارها و تحمیل مجازات به کسانی که مرتکب جرم می‌شوند. تلاش برای جرم‌انگاری تمامی اشکال نقض هنجارها و ارزش‌ها و به دنبال آن، گسترش غیرضروری دامنه افعال ممنوعه کیفری در سیاست جنایی اسلامی امری نادرست به‌شمار می‌آید. با تکیه بر این برداشت، می‌توان بسیاری از افعالی که هم‌اکنون در نظام کیفری ما مجرمانه تلقی می‌شوند را جرم‌زدایی کرد. در مقابل از ارزش‌های پشتوانه این افعال از طریق عملکردهای خرده‌نظام فرهنگ می‌توان حمایت کرد. نمونه بارز این قبیل جرم‌انگاری‌ها را در تبصره ماده (۶۳۸) قانون مجازات اسلامی و در جرم‌انگاری بی‌حجابی می‌توان جستجو کرد.

کیفیت واکنش‌ها در برابر رفتارهای ناقض هنجار را می‌توان از دیگر ویژگی‌های گفتمان سیاست جنایی رساله دانست. امام (ع) در بخش‌های متعددی از رساله؛ پرهیز از کیفرگرایی حداکثری و در مقابل کمینه مداخله و تمسک به روش پیشگیرانه و اصلاحی را مورد توجه قرار داده‌اند. ایشان، یکی از حقوق هم‌کیشان را مدارا کردن با بدی‌های آنان و اصلاح کردن آنان دانسته‌اند. در باور امام (ع)

۱. برای مطالعه یک دیدگاه مشابه رک: مهدی مهریزی و وهاب دانش‌پژوه، «قرآن و جرم‌انگاری حداکثری»، مجله فقه و حقوق اسلامی، سال هفتم، ش ۱۲، ۱۳۹۵.

حق اصلاح، در شمار حقوق هم‌کیشان قرار دارد (صحتی سردرودی، ۱۳۹۱: ۳۶۱). همچنین موقع بحث در خصوص حقوق مجرمان و منحرفان، عفو کردن و پرهیز از تحمیل مجازات بر آنان را از حقوق ایشان دانسته‌اند (همان، ۳۵۹). حتی حق بر آموزش و تربیت که در گفتمان جرم‌شناختی، پیشگیری رشد‌مدار نام دارد را نیز در شمار حقوق خردسالان محسوب کرده‌اند (همان، ۳۴۱).^۱ سنتی که امیرالمؤمنین علی (ع) پس از جنگ جمل بنا نهادند، نمونه‌ای آشکار از تمایل ایشان برای جانبداری از صلح و پرهیز از کیفرگرایی است. ایشان پس از غائله جمل، در تقابل صلح و مجازات عادلانه، جانب صلح را نگاه داشته و اعلام عفو عمومی کردند (نهج‌البلاغه، نامه ۲۹). پرهیز از تحمیل مجازات، در حالی که عدالت چنین اقتضا می‌کند، انعکاسی غیرقابل انکار از تمایل ائمه معصومین برای بهره‌گیری از ابزارهای غیرکیفری در هدایت تابعان شریعت است؛ مسئله‌ای که رساله حقوق نیز با ادبیات مختلف بر آن تأکید می‌کند.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

رساله حقوق امام سجاد (ع) را می‌توان به مثابه بخشی از متون دینی تلقی کرد که امکان شناسایی گفتمان سیاست جنایی اسلامی از طریق آن امکان‌پذیر است. ضرورت دستیابی به ادراکی قابل اعتماد از گفتمان سیاست جنایی شریعت از آن رو مهم است که فهم این گفتمان تأثیر قابل توجهی بر دگرگونی رویه‌های عملی کیفری و البته سیاستگذاری در حوزه جرم‌انگاری و کیفرگذاری دارد. آنچه هم‌اکنون در منابع فقهی و رویه‌های قانونگذاری ایران از آن با عنوان سیاست جنایی اسلامی یاد می‌شود، تنها قرائتی خاص از نظریه کیفری مذهب است که در زمان و شرایطی خاص پدیدار شده است. در مقابل تولد قرائت آزادی‌گرا، زمینه را برای دگرگونی‌های قابل توجه در ادراک ما از سیاست جنایی شریعت فراهم می‌آورد. موضوعیت نداشتن شکل مجازات‌ها، تأکید بر اصل کمینه جرم‌انگاری، توجه به اراده کیفری وجدان جمعی، تجربه‌گرایی در قلمرو کیفرگذاری و... در شمار نتایج این دگرگونی قرار دارند.

۱. علاوه بر رساله حقوق، امام سجاد (ع) در صحیفه سجادیه نیز در دعا‌های متعددی بر لزوم توبه (دعای ۳۱) و نیز لزوم خطاپوشی در صورت مشاهده جرم و انحراف دیگران (دعای ۳۴) تأکید کرده‌اند.

به نظر می‌آید که رساله، با پیروی از نگرش بنیادین شریعت در قلمروی ارزشگذاری‌های اخلاقی، در تقابل آزادی، برابری و قدرت، جانب آزادی را نگاه داشته و زمینه را برای ارائه قرائت آزادی‌مدار از نظریه کیفری مذهب فراهم آورده است. تأکید امام (ع) بر «حق توحید» و منشأ قدرت بودن اراده خداوند، نشان از نفی اصالت قدرت مادی و سلطه تام یک انسان بر دیگری است. پذیرش آزادی به‌عنوان ارزش بنیادین، جریان ایدئولوژیک مبنای آزادی‌مدار را موجب می‌شود. چنین برداشتی از ارزش مبنا در شریعت نه تنها مانعی جدی برای شکل‌گیری قرائت اقتدارگرا از قدرت سیاسی است، بلکه تضمین‌کننده اصولی همچون منع مداخله حداکثری، جرم‌انگاری محدود، توجه به مقتضیات زمان و مکان برای جرم‌انگاری و تعیین شکل مجازات‌ها نیز خواهد بود. از آن گذشته، پیروی از اندیشه دولت‌مادون قانون، امکان پذیرش تفکیک قوا به‌عنوان یک برداشت عقلانی و گرایش به پاسخ‌های غیرسرکوبگر را می‌توان از دیگر نشانه‌هایی دانست که گفتمان سیاست جنایی رساله را به گفتمان آزادی‌مدار نزدیک می‌کند. در نهایت، باید توجه داشت که سنت عملی ائمه معصومین و به‌ویژه امام علی (ع)، تأییدکننده قرائتی است که در این پژوهش از سیاست جنایی اسلامی ارائه می‌شود.

منابع و مآخذ

۱. آرنز، هانا (۱۳۶۳). *توتالیتاریسم (حکومت ارباب، کشتار و خفقان)*، ترجمه محسن ثلاثی، سازمان انتشارات جاویدان.
۲. احمدی، علی اصغر (۱۳۹۱). *عدالت اجتماعی در نهج البلاغه*، انتشارات بوستان کتاب.
۳. برلین، آیزایا (۱۳۸۶). *کارل مارکس*، چاپ اول، تهران، نشر ماهی.
۴. بهزادی، حمید (۱۳۵۱). «نظریه حکومت قانونی در دموکراسی و نظام سیاسی اسلام»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، ش ۱۰ و ۱۱.
۵. پولیستر، ژرژ (۱۳۹۰). *اصول مقدماتی فلسفه*، بازیابی شده از پایگاه اینترنتی کتابناک.
۶. جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۷۹). *عدالت و ستم (تلخیصی از کتاب ترجمه و تفسیر نهج البلاغه)*، گردآوری، تنظیم و تلخیص محمدرضا جوادی، چاپ دوم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵). *فلسفه حقوق بشر*، مرکز نشر اسرا.
۸. حسینی، سیدابراهیم (بی تا). «نظام حقوقی اسلام، مبانی، منابع ساختار و امتیازات»، *مجله معرفت*، ش ۱۰۶.
۹. حسینی، سیدمحمد (۱۳۹۰). *سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران*، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. حسینی کوهساری، سیداسحاق (۱۳۷۸). «رابطه عدالت و حقوق در اسلام»، *مجله مجتمع آموزش عالی قم*، سال اول، ش ۴.
۱۱. دلماس مارتی، مری (۱۳۹۳). *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات میزان.
۱۲. شاکری گلپایگانی، طوبی (۱۳۸۵). *سیاست جنایی اسلامی*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۳. شیخ مفید (۱۳۷۱). *الجمال*، ترجمه و تحقیق سیدعلی میرشریفی، مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۴. صحتی سردودی، محمد (۱۳۹۱). *شرحی بر رساله حقوق امام سجاد (ع)*، انتشارات فقه الثقلین.
۱۵. صحیفه کامله سجادیه (۱۳۸۵). ترجمه محسن غرویوان و عبدالجواد ابراهیمی، چاپ چهاردهم، انتشارات الهادی.
۱۶. صدر، محمدباقر (۱۳۵۰). *اقتصاد ما یا بررسی‌هایی درباره مکتب اقتصادی اسلام*، ترجمه محمدکاظم بجنوردی، جلد اول، مؤسسه انتشارات اسلامی.

۱۷. فیرحی، داود (۱۳۸۷). *نظام سیاسی و دولت در اسلام*، چاپ ششم، انتشارات سمت.
۱۸. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۱۹. قریشی، سیدحسن (۱۳۸۴). «سیره علوی در برخورد با افراد و گروه‌ها»، فرهنگ کوثر، ش ۶۱.
۲۰. لازرزی، کریستین (۱۳۹۶). *درآمدی بر سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ ششم، انتشارات میزان.
۲۱. مالوری، فیلیپ (۱۳۸۸). *اندیشه‌های حقوقی*، ترجمه مرتضی کلانتریان، چاپ دوم، نشر آگه.
۲۲. محسنی، علی (۱۳۸۴). «امام علی (ع) و رویکرد مردمی به مقوله حکومت و خاستگاه آن»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی دانش سیاسی، ش ۱.
۲۳. مشکی، مهدی (بی تا). «تاریخ شکل‌گیری لیبرالیسم»، *رواق اندیشه*، ش ۳۲.
۲۴. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹). *حقوق و سیاست در قرآن*، جلد اول، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). *آزادی معنوی*، چاپ چهل و سوم، انتشارات صدرا.
۲۶. منقری، نصرابن مزاحم (۱۴۰۴). *وقع صفین*، منشورات مکتبه المرعشی النجفی، الطبعة الثانية.
۲۷. مهریزی، مهدی و وهاب دانش‌پژوه (۱۳۹۵). «قرآن و جرم‌انگاری حداقلی»، *مجله فقه و حقوق اسلامی*، سال هفتم، ش ۱۲.
۲۸. میراحمدی، منصور (۱۳۸۵). «مناسبات قدرت و شریعت در سیره نبوی»، *نشریه علوم سیاسی* (دانشگاه باقرالعلوم (ع))، ش ۳۵.
۲۹. نامه امیرالمؤمنین به مالک اشتر.
۳۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۶). *سیاست جنایی*، در *دانشنامه علوم جنایی اقتصادی*، به کوشش امیرحسین نیازپور، انتشارات میزان.
۳۱. --- (۱۳۹۷). *سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی*، در *سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی*، به کوشش امیرحسین نیازپور، انتشارات میزان.
۳۲. نراقی، احمد ابن محمد (۱۳۷۵). *عوائد الایام*، مکتب الاعلام الاسلامی.
۳۳. نوبهار، رحیم (۱۳۹۲). «مدل‌شناسی سیاست جنایی اسلام»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۶۱.
۳۴. --- (۱۳۹۰). «اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری»، *آموزه‌های حقوق کیفری*، ش ۱.

۳۵. --- (بی تا). «جستاری در دلایل نقلی تقسیم بندی حد - تعزیر»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۶۷.

۳۶. نهج البلاغه، پایگاه اطلاعاتی حجت الاسلام حسین انصاریان.

۳۷. یعقوبی، احمد ابن ابی یعقوب (بی تا). تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر.

38. www.erfan.ir.

39. www.ketabnak.com.

40. www.normagazine.org.

41. <https://makarem.ir>.

قماربازی در فضای مجازی از نظر حقوق کیفری

مهدی چگنی* و سیداحمد موسوی**

نوع مقاله: علمی پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۲۶	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۱۸	شماره صفحه: ۳۵۸-۳۳۱
------------------------	-------------------------	------------------------	---------------------

گسترده‌گی و پیشرفت فضای مجازی مانند سایر دستاوردهای بشر در کنار منافع غیرقابل انکار آن، مشکلات و معایبی نیز ایجاد می‌کند که بسیاری از این موارد منفی، در اکثر کشورها با عنوان جرائم رایانه‌ای جرم‌انگاری شده‌اند. یکی از استفاده‌های نابه‌جا که موجب اختلال در نظم عمومی و اقتصادی می‌شود؛ «شرط‌بندی» یا «گروبنندی»های اینترنتی است که به اشکال مختلف اعم از مستقل و یا وابسته به یک موضوع دیگر مانند مسابقات ورزشی در حال فراگیر شدن در دنیا است. در بعضی از کشورها این رفتار با عنوان «قماربازی آنلاین» جرم محسوب می‌شود، این در حالی است که در قانون مجازات اسلامی فقط شیوه‌های سنتی و فیزیکی با عناوینی مانند «قماربازی» «خرید و فروش و نگهداری، تولید و توزیع، وارد کردن ابزار قمار و اداره و خدمت در قمارخانه‌ها» جرم اعلام شده و برای آنها مجازات تعیین شده است. اما در شرایط کنونی و به دلیل گسترش شرط‌بندی‌های اینترنتی چه در ارتباط با بازی‌های فیزیکی و چه بازی‌های رایانه‌ای و تأسیس قمارخانه‌های مجازی؛ بررسی ماهیت، شرایط و مشروعیت یا عدم مشروعیت این رفتارها از منظر حقوق کیفری و قانونگذاری در این باره امری لازم است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که قوانین حقوقی ایران مانند ماده (۷۰۵ تا ۷۱۱ ق.م.ا) نمی‌تواند قابل تعمیم به قمار اینترنتی باشد و لزوم تدوین قوانین مستقل در این خصوص ضروری به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: قمار؛ شرط‌بندی؛ آنلاین؛ فضای مجازی؛ قمار اینترنتی

* استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی (نویسنده مسئول)؛

Email: Mahdi.chegeni@abru.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فقه و حقوق جزا، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی؛

Email: ahmadmosavi72@yahoo.com

مقدمه

امروزه شاید کمتر کسی باشد که موضوع شرط‌بندی‌های اینترنتی را نشنیده باشد به‌ویژه جوانان و کاربرانی که اوقات خود را در محیط سایبری سپری می‌کنند و بعضی هم در این‌گونه شرط‌بندی‌ها شرکت می‌کنند. اما به راستی جایگاه قانونی این‌گونه شرط‌بندی‌ها چیست؟ به عبارت دیگر عملکرد سایت‌های شرط‌بندی منطبق با کدامین عنوان مجرمانه است و آیا می‌توان شرط‌بندی‌های اینترنتی را جرم دانست؟

فضای مجازی با معرفی نسل جدیدی از بازی‌های رایانه‌ای که بیشتر با عنوان «بازی‌های دیجیتال» شناخته می‌شوند، موجب تحولی شگرف در صنعت سرگرمی شده و کارکردهایی فراتر از تفریح و بازی در آن ایجاد کرده است. بازی‌های رایانه‌ای که در محیط مجازی اینترنت به صورت برخط (آنلاین) انجام می‌شوند به بازی‌های جهانی تبدیل شده‌اند، از این‌رو از مقوله بازی و سرگرمی فراتر رفته و ویژگی‌های مهم بودن را نیز در خود جای داده‌اند. همین ویژگی‌های جهانی بودن بازی‌های دیجیتال، در بحث سیاستگذاری عمومی، فرصت‌ها و تهدیدهایی را فراروی تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی قرار داده است.

باینکه برنامه‌ریزی درباره بازی‌های دیجیتال در ایران از رونق و توجه لازم برخوردار نشده و نسبت به وضعیت موجود در دنیا، همچنان حوزه مغفول و کم‌اهمیتی برای سیاستگذاران کلان‌کشوری به حساب می‌آید، اما در بین عموم مردم و به‌ویژه در میان رده‌های سنی پایین با اقبال و استقبال گسترده‌ای مواجه شده است. فقدان چارچوب قانونی لازم برای مواجهه با پدیده‌های نوظهوری همچون بازی‌های آنلاین، سبب طرح چالش‌ها و تردیدهایی در خصوص جواز یا عدم جواز شرع یا قانون برای افراد می‌شود.

براساس اظهارات فرمانده پلیس فتای وقت در سال ۱۳۹۲ بیش از سیصد سایت شرط‌بندی اینترنتی در داخل کشور شناسایی شده است (www.mehrnews.com). با گسترش و نفوذ شبکه اینترنت در مناطق روستایی و دورافتاده کشور به صورت متعارف تعداد این سایت‌ها نیز بیشتر شده است. هرچند اعلام دقیق آمار این سایت‌ها از وظایف پلیس فتاست، اما آمار جدیدی از این سایت‌ها اعلام نشده است. از سوی دیگر گسترش

شرکت در شرط بندی های اینترنتی و بازی های شرطی در فضای سایبری در بین قشرهای مختلف جامعه از دانش آموزان گرفته تا بسیاری از بزرگسالان موجب تشدید اعتیاد به این نوع بازی ها و زیان های فراوان اقتصادی و مالی برای این اشخاص و خانواده هایشان شده است. بنابراین مداخله قانونگذار در این موضع، هرچند دیراست اما ضروری است. درباره بررسی جرم قمار از طریق فضای مجازی تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است اما از تحقیقات هم راستا با مقاله حاضر می توان به مقاله عبدی پورفرد و وصالی ناصح (۱۳۹۵) اشاره کرد که به بررسی ابعاد فقهی و حقوقی بازی های رایانه ای پرداختند و نشان دادند که مهمترین ابعاد فقهی و حقوقی بازی های برخط، ابتدا بحث مشروعیت و قانونی بودن خود بازی ها و سپس وضعیت حقوقی معاملات درون بازی است. بنابر ضرورت های ذکر شده فوق این سؤالات مطرح می شود که آیا قمار از طریق فضای مجازی (اینترنت و شبکه های اجتماعی) در ایران به خوبی جرم انگاری شده است و می توان قوانین موجود در زمینه قمار (ماده های ۷۰۵ تا ۷۱۱ قانون مجازات اسلامی) را به قماربازی در فضای مجازی هم تعمیم داد؟

به همین منظور در مقاله پیش رو ابتدا به مبحث قمار و قمار دیجیتال پرداخته می شود. در ادامه رویکرد فقه و حقوق ایران و حقوق بین الملل نسبت به مسئله قمار رایانه ای ارزیابی خواهد شد، سپس به مسئله شرط بندی اینترنتی پرداخته و بررسی می شود که آیا شرط بندی اینترنتی نیز یکی از ابعاد قمار در فضای مجازی است یا خیر، در نهایت نیز جمع بندی و نتیجه گیری کلی بحث ارائه خواهد شد.

۱. «بازی» و «قمار» در فرایند تحول دیجیتال

امروزه و در عصر فناوری اطلاعات، صنعت بازی و سرگرمی نیز همچون سایر عرصه های بشری متأثر از فناوری اطلاعات و فناوری دیجیتال، به سوی «دیجیتالی شدن»^۱ سوق پیدا کرده اند. فرایندی که از آن با عناوینی همچون «تغییر دیجیتال»،^۲ «انقلاب دیجیتال»^۳ یا

1. Digitalization

2. Digital Change

3. Digital Revolution

«تحول دیجیتال»^۱ یاد می‌کنند. اصطلاح‌های «بازی دیجیتال» و «قماربازی دیجیتال» خروجی این فرایند هستند که لازم است پیش از پرداختن به حکم فقهی و حقوقی آنها، تعریف و شناسایی شوند.

۱-۱. مفهوم‌شناسی بازی دیجیتال

از نظر لغوی «بازی» عبارت است از سرگرمی، مشغولیت، ورزش، تفریح، رفتار کودکانه و غیرجدی و یا هر کاری که مایه سرگرمی باشد. واژه بازی در زبان عربی معادل «لعب» و گاهی (لهو و لعب) به معنای هر نوع حرکت، جنبش، فعالیت یا تمرین برای سرگرمی، تفریح یا ورزش تعریف شده است (قرشی، ۱۳۷۱: ۸۷). بازی در زبان انگلیسی معادل Game است و همین معانی را دارد (Hornby, 2007: 235). از نظر اصطلاحی و عرفی برای واژه بازی تعاریف متعددی ارائه شده که در هر کدام بر مبنای رویکرد خاصی به مفهوم بازی توجه شده است. طبق برخی از این تعاریف بازی «مجموعه‌ای از حرکت‌ها و فعالیت‌های جسمی و ذهنی است که موجب شادی، سرزندگی، لذت و ارتباط با دیگران می‌شود» (غلامی، ۱۳۸۹: ۳۲) یا اینکه بازی «هرگونه تفریح و فعالیتی است که به قصد سرگرمی و مشغولیت که با میل و اختیار انجام می‌شود و انگیزه آن دست یافتن به فایده، محصول یا نتیجه‌ای به‌خصوص نباشد» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۱) در نهایت «بازی عبارت است از هرگونه فعالیت داوطلبانه‌ای که برای تفریح و خوشی و بدون توجه به نتیجه نهایی، صورت می‌گیرد» (احمدوند، ۱۳۹۰: ۳۹).

بازی‌های دیجیتال در واقع نوعی از «بازی‌های رایانه‌ای»^۲ محسوب می‌شوند، اما به سبب ویژگی‌های خاصی که دارند کاملاً با آنها تفاوت دارند. «بازی رایانه‌ای به هر نوع بازی گرافیکی و یا متنی گفته می‌شود که از طریق رایانه‌ها (یا سایر وسایل الکترونیک) مجهز به پردازشگر یا میکروکنترل‌های مخصوص انجام می‌شود» (Kent and Williams, 2015). بازی‌های رایانه‌ای بیشتر به صورت تک نفره یا دونفره انجام می‌شوند و بازی هم‌زمان بازی‌کنندگان با یکدیگر محدود به وسایل و سیستم‌هاست.

1. Digital Transformation
2. Computer Games

بازی‌های دیجیتال که با عناوین دیگری همچون «بازی‌های اینترنتی»^۱، «بازی‌های برخط»^۲، «بازی‌های شبکه‌ای (وب)»^۳ یا «بازی‌های سایبری»^۴ نیز شناخته می‌شود، نوعی از بازی‌های رایانه‌ای هستند که در فضای مجازی اینترنت و به صورت برخط، با امکان حضور بازی‌کنندگان متعدد انجام می‌شوند (7: Stefan and etal., 2015).

۱-۲. قماربازی دیجیتال

قمار واژه‌ای عربی است که در معنای «گرو قرار دادن پول یا مالی در ضمن بازی» و یا «بازی با آلات مخصوصی که در آن شرط شده باشد که به برنده چیزی بدهند» مورد استعمال قرار گرفته است (ابن منظور، ۱۴۱۹: ۳۶). در زبان فارسی نیز قمار عبارت است از انجام یک عمل برمبنای شرط‌بندی که به موجب آن یکی از طرفین ملزم به پرداخت مال معین و یا انجام عمل خاصی برای شخص برنده می‌شود (دهخدا، ۱۳۹۷). همین مفهوم در زبان انگلیسی با واژه Gambling شناخته می‌شود و عبارت است از تعهد به دادن یا گرفتن پول یا هر چیز باارزشی در وقوع یا عدم وقوع یک رویدادی که نتیجه آن نامعلوم و مبتنی بر شانس است (Black's Law Dictionary, 2017: 441). همان‌طور که از تعاریف پیداست، مفهوم «قمار» همواره با مفهوم «بازی» همراه بوده و هر جا سخن از بازی به میان آمده معمولاً بحث قمار نیز مطرح شده است. همراه بودن واژه «بازی» در کنار «قمار»، آن را از یک عمل مجاز و مشروع تبدیل به یک عمل غیرقانونی و نامشروع به نام «قماربازی» می‌کند.

امروزه و در عصر فناوری اطلاعات، اصطلاح «قماربازی» با واژه «دیجیتال» نیز هم‌نشین شده و موجب پیدایش اصطلاح نوظهوری با عنوان «قماربازی دیجیتال»^۵ شده است. «قماربازی دیجیتال» که با عناوینی همچون «قماربازی برخط»^۶ یا «قماربازی اینترنتی»^۷

-
1. Internet Games
 2. On Line Games
 3. Net Games/Web Games
 4. Cyber Games
 5. Digital Gambling
 6. On Line Gambling
 7. Internet Gambling

نیز شناخته می‌شود، در واقع نسخه اینترنتی قمار سنتی به حساب می‌آید، به عبارت دیگر، وصف دیجیتال حامل مفهوم و ماهیت تازه و متفاوتی برای قماربازی نیست، بلکه از تغییر در شکل، شیوه و بستر انجام قماربازی حکایت دارد.

۲. حکم‌شناسی قماربازی دیجیتال

از منظر فقه و حقوق شاید اولین و مهمترین موضوعی که در خصوص پدیده‌های نوظهور باید مورد توجه قرار گیرد، مشروعیت یا قانونی بودن آنهاست؛ چراکه مسبوق به سابقه نبوده‌اند و قانونگذاران نیز نسبت به آنها هیچ اقدام تقنینی و مواجهه‌ای نداشته‌اند. این امر تا حد زیادی درباره بازی‌های دیجیتال صادق است؛ بنابراین پرسش اصلی و اولیه در مورد بازی‌های دیجیتال این است که حکم فقه و قانون را جویا شویم. در این‌گونه موارد رویه بر این است که آن پدیده نوظهور را با نهادهای مشابهی که جایگاه حقوقی آنها در احکام فقهی و قوانین موضوعه به روشنی ترسیم شده است، مقایسه و سنجش شود و در صورت وجود تشابه در عناصر ذاتی بین آنها، احکام، مقررات و ماهیت سنتی بر آن پدیده نوظهور مترتب شود. در فقه و حقوق ایران مقوله «بازی» به طور عام و بازی‌های رایانه‌ای و (دیجیتال) به طور خاص عنوان و جایگاه مستقلی ندارند، اما احکام و مقررات بازی ذیل عنوان «قمار» یا «قماربازی» مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، تبیین جایگاه فقهی و حقوقی مقوله بازی به طور عام و بازی دیجیتال به عنوان یک پدیده نوظهور به طور خاص، ذیل احکام فقهی و مقررات قانونی قمار و قماربازی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۲-۱. قمار در فقه

در قرآن کریم سه آیه وجود دارد که به طور مستقیم به قمار اشاره کرده‌اند به گونه‌ای که دلالت این آیات بر حرمت قمار امری مسلم و مورد اجماع تمامی مذاهب اسلامی است. در آیه ۲۱۹ سوره بقره خداوند در خصوص قمار می‌فرماید «درباره شراب و قمار از تو سؤال می‌کنند، بگو: در آنها گناه و زیان بزرگی است؛ و منافی (از نظر مادی) برای مردم دربردارد؛ (ولی) گناه آنها از نفعشان بیشتر است». هرچند این آیه دلالت مستقیم بر حرمت قمار ندارد؛ اما در دو آیه دیگر به صراحت به حرمت این رفتار اشاره شده است و این عمل را از

اعمال شیطان می‌داند؛ آیات شریفه ۹۰ و ۹۱ سوره مائده نیز به حرمت قمار دلالت می‌کند و می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه پلیدند [و] از عمل شیطانند پس از آنها دوری گزینید باشد که رستگار شوید». همچنین «همانا شیطان می‌خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد پس آیا شما دست برمی‌دارید». میسر از ماده یسر گرفته شده که به معنای سهل و آسان است، و از آنجاکه قمار در نظر بعضی از مردم وسیله آسانی برای نیل به مال و ثروت است به آن میسر گفته شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۱۸). از منظر فقهی نیز قمار از حرمت برخوردار است، اگرچه در منابع فقهی بحث مستقلی در خصوص بازی مشاهده نمی‌شود اما در ابواب مختلف و به مناسبت‌های مرتبط، احکام و قواعدی در مورد بازی و حکم فقهی آن وجود دارد. بحث بازی و احکام آن عمدتاً درباره قمار مورد توجه فقها قرار گرفته است. بحث جایگاه فقهی بازی‌های دیجیتال، با این پیش فرض که این نوع بازی‌های رایانه‌ای نیز در مقوله بازی‌ها قرار می‌گیرند، مورد توجه فقه قرار می‌گیرند. در فقه حرمت یا حلیت بازی با دو معیار صریح و شفاف که عبارت‌اند از «نوع ابزارآلات بازی» و «شرط یا قرارداد برد و باخت»^۱ در سنجه تشخیص قرار گرفته‌اند. به این ترتیب فقها بازی‌ها را در چهار گروه طبقه‌بندی کرده‌اند (طارمی، ۱۳۹۳: ۴۶۰):

الف) بازی با ابزارآلات قماری همراه با قرارداد برد و باخت،

ب) بازی با ابزارآلات قماری بدون قرارداد برد و باخت،

ج) بازی با ابزارآلات غیرقماری همراه با قرارداد برد و باخت،

د) بازی با ابزارآلات غیرقماری بدون قرارداد برد و باخت.

در این میان، حرمت بازی‌های گروه اول که هر دو شرط حرمت را دارا هستند، یعنی هم با وسایل و شیوه‌های رایج و شناخته شده قمار و هم با شرط برد و باخت صورت می‌گیرند و

۱. گروبنندی (شرط‌بندی) قراردادی است بین دو طرف که یکی امر معینی را اثبات و دیگری نفی می‌کند و تعهد می‌کنند که هر یک درست گفته باشد مال معینی را دیگری به او بدهند یا اینکه وقوع واقعه‌ای را پیش بینی و تعهد کنند که هر کدام درست گفته باشد مال معینی را از طرف مقابل دریافت کند. قمار عبارت است از قراردادی بین دو یا چند شخص که بازی مخصوصی می‌کنند و هر یک از آنها برنده شد دیگران مال معینی را به او بدهند.

حلیت گروه چهارم که فاقد هر دو شرط مذکور هستند، مورد اجماع و اتفاق تمام فقها قرار گرفته است. در مورد بازی‌های گروه دوم و سوم که هر کدام واجد یکی از شروط حرمت هستند، اگرچه اجماع فوق حاصل نیست و گروهی صرف استفاده از ابزارآلات قماری (انصاری، ۱۳۷۵: ۱۹۳) و گروهی نیز صرف شرط‌بندی را موجب حرمت بازی می‌دانند (خویی، ۱۳۷۱: ۳۵۴). اما اکثریت فقها در مورد این دو گروه از بازی‌ها نیز قائل به حرمت هستند.^۱ بنابراین، می‌توان گفت دو عامل سبب قماری شدن و به تبع آن حرمت بازی در فقه می‌شود؛ یکی «استفاده از ابزارآلات قمار» و دیگری «شرط برد و باخت» در بازی است (خمینی، ۱۳۸۰: ۲۸۴).

فقها به طور مشخص به نوع خاصی از بازی‌ها اشاره نکرده‌اند، بلکه در صدد بوده‌اند تا ضوابط معینی برای تشخیص حرمت یا حلیت تمام انواع آنچه در حیطة و قلمروی بازی و سرگرمی قرار می‌گیرد، ارائه کنند (خامنه‌ای، ۱۳۸۸: ۱۹۸). در نتیجه می‌توان گفت این احکام قابل تعمیم به انواع بازی‌ها اعم از رایانه‌ای یا غیررایانه‌ای (از جمله بازی‌های دیجیتال) نیز خواهد بود و تفاوتی از این نظر بین بازی‌های قمار سنتی با بازی‌های رایانه‌ای از طریق اینترنتی و به صورت برخط وجود ندارد. در نتیجه باید پذیرفت که انواع بازی‌های دیجیتال مادامی که مشمول دو شرط مذکور نشوند، از نظر شرع مبین اسلام منعی در انجام آنها وجود نخواهد داشت.

۲-۲. حقوق ایران

در حقوق ایران نیز همانند فقه، مقوله بازی به طور عام و بازی رایانه‌ای به طور خاص عنوان و جایگاه مستقلی ندارند و مقررات حاکم بر بازی‌ها را باید ذیل مقررات قمار و شرط‌بندی مطالعه کرد. قانون مجازات اسلامی ایران در مواد (۷۰۵ الی ۷۱۱) به موضوع قمار و مقررات حاکم بر آن پرداخته است.^۲ در قانون مجازات اسلامی، قمار به بازی‌هایی اطلاق می‌شود که

۱. حکم بازی با ابزارهای رایج قمار که صرفاً به منظور تفریح و سرگرمی صورت می‌گیرند، با اختلاف نظر فقها همراه شده است. نظر مشهور با استناد به نهی مطلق آلات قماری در احادیث و روایات، قائل به حرمت این گروه از بازی‌ها هستند، بنابراین قصد و هدف بازی‌کنندگان را مؤثر نمی‌دانند.

۲. در قانون مجازات اسلامی ایران در بخش تعزیرات قماربازی با آلات و وسایل مخصوص به قماربازی (ماده ۷۰۵)، خرید و فروش، حمل و نگهداری (ماده ۷۰۶) و ساختن وسایل و ابزارآلات قماری (ماده ۷۰۷) جرم به حساب می‌آیند و از این رو تمام اسباب و نقود متعلق به قمار حسب مورد معدوم یا به عنوان جریمه ضبط می‌شوند (ماده ۷۰۹).

با آلات و وسایل مخصوص به قماربازی انجام می‌شود. ماده (۷۰۵) قانون مجازات اسلامی در این باره مقرر می‌دارد: «قماربازی با آلات و وسایل مخصوص به قماربازی با هر وسیله‌ای ممنوع و مرتکبین آن به یک تا ۶ ماه حبس و یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم و در صورت تجاهر به قماربازی به هر دو مجازات محکوم می‌شوند». همان‌طور که مشاهده می‌شود شرط قماربازی شدن و در نتیجه مجرمانه شدن بازی، «قماربازی با آلات و وسایل مخصوص به قماربازی یا هر وسیله‌ای ممنوع» است؛ قانونگذار در این مواد تنها به ذکر «قماربازی» اکتفا کرده زیرا برد و باختی که لازمه قمار شدن رفتار می‌شود در قماربازی مستتر است.

علاوه بر این، در قانون مدنی هم قمار و شرط‌بندی نامشروع شناخته شده است. طبق ماده (۶۵۴) قانون مدنی «قمار و گروپندی باطل و دعاوی راجع به آن مسموع نخواهد بود». این بدان معناست که قمار و گروپندی در زمره معاملات نامشروع قرار گرفته و از این رو، نه تنها دعاوی راجع به آن مسموع نیست؛ بلکه هر نوع دادوستد یا پرداختی در این زمینه نیز باطل است. در قوانین ذکر شده قمار به‌طور کلی نامشروع و غیرقانونی اعلام شده است و از نوع یا شکل خاصی از قمار (به‌عنوان مثال قمار اینترنتی یا برخط) صحبتی به میان نیامده است. این امر حاکی از آن است که تفاوتی از این حیث بین قماربازی با روش‌های سنتی (در دنیای واقعی) و قماربازی‌های عصر فناوری از طریق رایانه و اینترنت (در فضای مجازی) وجود ندارد. بنابراین چنانچه هر یک از بازی‌های مجازی با ابزار آلات و وسایل قمار یا با شرط‌بندی صورت گیرند، مشمول مقررات مذکور می‌شوند.

از منظر فقه و حقوق مدنی هر معامله، قرارداد و یا هر رابطه دیگری که قمار محسوب شود، باطل و غیرقابل استناد است، در نتیجه درآمد ناشی از آن نیز نامشروع بوده که در اصل (۴۹) قانون اساسی نیز به لزوم رسیدگی و اثبات نامشروع بودن این اموال و تعیین تکلیف این موارد پرداخته شده است.

مسئله اصلی این است که با توجه به اصول مختلف حقوقی مانند اصل قانونی بودن جرم و مجازات، تفسیر مضیق قوانین کیفری و برخی از قواعد فقهی مانند قبح عقاب بلایان، تا زمانی که قانونگذار به صراحت، رفتاری را جرم‌انگاری نکرده و برای آن مجازات تعیین نکند آن رفتار قابل مجازات نیست. بنابراین چنانچه رفتاری مصداق قمار، یا تأسیس قمارخانه مجازی

باشد، به همان دلایلی که قمار فیزیکی جرم‌انگاری شده است، باید توسط قانونگذار جرم‌انگاری شده و برای مرتکبین آن مجازات در نظر گرفته شود. بنابراین ماده (۷۰۵ ق.م.ا) قابل تعمیم به فضای مجازی نیست، زیرا این ماده تنها قمار سنتی با وسایل قمار را جرم دانسته و مطابق اصل قانونی بودن جرم نمی‌توان از آن در خصوص فضای مجازی استفاده کرد.

ممکن است این سؤال به ذهن متبادر شود که وقتی قانونگذار اقدام به جرم‌انگاری قمار (فیزیکی) کرده است دیگر نیازی به تقنین جدید و جرم‌انگاری (قمار در فضای مجازی) یا تأسیس کازینوهای مجازی) نداریم، پاسخ این سؤال را با توجه به همان اصول و قواعد فقهی و حقوقی مورد نظر متوجه می‌شویم. اگر این استدلال را بپذیریم با رفتار دوگانه قانونگذار مواجه خواهیم شد، زیرا در موارد متعددی که یک رفتار در فضای حقیقی جرم بوده است قانونگذار بسیاری از همین عناوین را در فضای مجازی به صورت مجزا در قانون مجازات جرائم رایانه‌ای جرم‌انگاری کرده است، حتی در برخی موارد قانونگذار در فضای مجازی نسبت به فضای حقیقی جلوتر رفته است و رفتارهایی را در فضای مجازی جرم‌انگاری کرده که در فضای حقیقی جرم‌انگاری نشده است مانند معاونت در خودکشی.

براساس آنچه گفته شد باید عنوان کرد که مواد ۷۰۵ تا ۷۱۱ قانون مجازات اسلامی را تنها در مواردی می‌توان مورد استناد قرار داد که قمار بودن بازی واقع شده باشد و با توجه به الفاظ به‌کار رفته در مواد گفته شده مانند وسایل قمار، دایر کردن قمارخانه، خدمت کردن در آن و همچنین عدم موضوعیت قمار اینترنتی در زمان تصویب این قانون معلوم می‌شود که قانونگذار اشکال سنتی و فیزیکی قمار را جرم‌انگاری کرده است. از این مواد نمی‌توان در خصوص قماربازی اینترنتی و سایت‌های پیش‌بینی مسابقات ورزشی استفاده کرد، زیرا در این سایت‌ها هیچ‌کدام از شروط قمار بودن بازی اتفاق نمی‌افتد؛ در حالی که نفس کار را می‌توان قمار دانست. در مورد جایگاه فقهی و حقوقی بازی‌ها (به‌طور عام) و بازی‌های مجازی (به‌طور خاص) باید گفت در فقه و از نظر حکم تکلیفی، عدم مشروعیت یا حرمت هر نوع بازی منوط به همراه شدن با شرایط قمار خواهد بود. در حقوق «قرارداد برد و باخت» یا همراه شدن با «آلات قمار» و از نظر حکم وضعی غیرقانونی بودن یا به‌عبارت دیگر، مجرمانه بودن بازی‌ها و حرام بودن معاملات مرتبط با آنها صرفاً به استفاده از ابزار آلات رایج

قمار منوط است. بنابراین آن دسته از بازی‌های مجازی که فاقد دو شرط مذکور باشند، هم شرعاً حلال و هم قانوناً مجاز خواهند بود.

عنصر مادی قماربازی سنتی که در قانون تعزیرات مورد اشاره قرار گرفته است؛ از دو بخش رفتار فیزیکی و شرایط و اوضاع و احوال ارتکاب جرم تشکیل شده است. رفتار فیزیکی این جرم انجام بازی فیزیکی (قماربازی سنتی) است، شرکت مستقیم مرتکب در انجام رفتار فیزیکی یا به عبارت دیگر مباشرت مرتکب از لوازم ارتکاب این جرم است. قمار بازی از نظر نتیجه جرمی مطلق است به این معنا که برای ارتکاب این جرم، صرف مداخله در عملیات اجرایی عنصر مادی کفایت می‌کند و اینکه قماربازی به برد یا باخت منجر شود تأثیری در ارتکاب این جرم ندارد.

۳-۲. حقوق خارجی

مواردی که در فقه اسلامی و حقوق کیفری به عنوان قمار مطرح می‌شوند در حقوق اکثر کشورها و در بیشتر موارد به عنوان یک نوع بازی یا مسابقه مطرح شده‌اند. در برخی کشورها این موارد جرم‌انگاری شده و یا به دو بخش مجاز و غیرمجاز تقسیم شده‌اند. به همین دلیل در ادبیات حقوقی این کشورها از الفاظی استفاده شده که معادل کلمه «بازی» در زبان فارسی هستند، به عنوان مثال در حقوق فرانسه برای واژه قمار از کلمه *Jeu d argent* استفاده شده و در بعضی از کشورها صراحتاً از لفظ قمار *Gambling* استفاده شده است. مطالعه اجمالی قوانین بازی (قماربازی) در حقوق خارجی حاکی از اتخاذ یک رویکرد سنتی تقریباً واحد در تقسیم بازی از حیث قانونی یا غیرقانونی بودن آن است. از این منظر بازی‌ها در دو گروه کلی جای گرفته‌اند: گروه اول «بازی‌های مبتنی بر شانس»^۱ هستند که با «شرط‌بندی»^۲ همراه بوده و در بیشتر نظام‌های حقوقی مشمول عنوان مجرمانه قمار قرار می‌گیرند. گروه دوم «بازی‌های مبتنی بر مهارت»^۳

1. Game of Chance/ Game Subject to Chance

2. Bet or Wager

3. Game of Skill

هستند که چون برد و باختی در آنها وجود ندارد شرط بندی نیز منتفی بوده و مجاز محسوب می شوند (Barker, 2012).

در حال حاضر با ورود بازی های رایانه ای به فضای مجازی، ملاک تشخیص قانونی بودن این نوع بازی ها اهمیت و ضرورت بیشتری یافته است. بر این اساس بیشتر نظام های ملی حقوقی به منظور تفکیک «بازی های قماری» از «بازی های غیرقماری» در فضای مجازی یا به طور مستقل اقدام به وضع قوانین جدیدی در این خصوص کرده و یا قوانین سنتی پیشین خود را اصلاح کرده اند. به عنوان نمونه استرالیا در سال ۲۰۰۱ با هدف قانونمندی سازی قمار در فضای مجازی «قانون قمار تعاملی»^۱ را تصویب و انواع قمار اینترنتی که در آنها شرط بندی و پول واقعی ردوبدل شود را ممنوع کرده است.

کشور هند که قمار و قماربازی را طبق «قانون قماربازی عمومی» مصوب سال ۱۸۶۷ جرم دانسته و فقط به صورت محدود آن هم در برخی از ایالات مجاز شناخته است، با تصویب «قانون فناوری اطلاعات» در سال ۲۰۰۰ رویکرد سخت گیرانه تری نسبت به بازی ها و قمار شدن آنها در فضای مجازی در پیش گرفته است. در همین راستا، انواع بازی های قمار آنلاین، به استثنای «بخت آزمایی» یا «لاتاری»، در هندوستان جرم شناخته می شوند (Williams, 2014).

در ادامه برای بررسی دقیق تر وضعیت قماربازی اینترنتی در قوانین کیفری سایر کشورها، قوانین مربوط به کشورهای مصر و آلمان از کشورهای دارای نظام حقوقی نوشته و ایالات متحده آمریکا از کشورهای کامن لا بررسی خواهند شد.

۱-۳-۲. قمار در حقوق کیفری مصر

قانون مصر چون از نظر نظام حقوقی مانند ایران از نظام حقوق نوشته برخوردار است بررسی می شود. همچنین به دلیل متأثر بودن از مبانی و منابع اسلامی از یک طرف و تأثیر حقوق فرانسه در حقوق این دو کشور از طرف دیگر باعث اشتراکات متعددی در نظام حقوقی این مصر و ایران شده است.

در قوانین مصر قمار اینترنتی و شرط‌بندی در فضای مجازی مستقیماً جرم‌انگاری نشده است، اما در ماده (۲۷) قانون مجازات جرائم اینترنتی مصر مصوب پنجم ژوئن ۲۰۱۸ بعد از ذکر عناوین مجرمانه به صورت کلی به جرم‌انگاری رفتارهای مجرمانه سنتی که در قانون جرائم اینترنتی ذکر نشده‌اند اقدام کرده و ارتکاب رفتارهای مجرمانه که به موجب سایر قوانین قابل مجازات است از طریق اینترنت و فضای مجازی را این‌گونه جرم‌انگاری کرده است: «هرکس اقدام به ایجاد، اداره و یا استفاده از سایت و یا حساب مجازی در شبکه اینترنت کند که هدف آن ارتکاب و یا تسهیل هر جرمی که از نظر قانون قابل مجازات است باشد، غیر از جرائمی که در قانون جرائم اینترنتی ذکر شد، به حداقل دو سال حبس و جزای نقدی از ۱۰۰ هزار تا ۳۰۰ هزار جنیه و یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد».

در ماده (۳۵۲) قانون مجازات مصر قمار سنتی جرم‌انگاری شده است و فقط به یکی از انواع جدید آن معروف به لاتاری (بخت‌آزمایی) به صورت مطلق در ماده (۳۵۳) اشاره شده و مجازات قمار سنتی برای آن نیز تعیین شده است. در خصوص بخت‌آزمایی، ابزار و روش آن مورد توجه قرار نگرفته است که چه از طریق ابزارهای فیزیکی باشد و چه مجازی، اما در ماده قبل الفاظ استفاده شده دلالت بر مصادیق فیزیکی قمار است.

بنابراین با توجه به مواد (۳۵۲) قانون مجازات مصر و ماده (۲۷) قانون جرائم اینترنتی؛ ایجاد، اداره و یا استفاده از سایت‌هایی که در واقع کازینوی مجازی است دارای مجازات است و مجازات مذکور در ماده (۲۷) قانون جرائم اینترنتی برای مرتکبین اعمال خواهد شد.^۱

۱. در قانون مجازات مصر در باب دوازدهم قماربازی و بخت‌آزمایی و معاملات با شماره معروف به لاتاری در ماده (۳۵۲) آورده شده: «هرکس محلی را برای قماربازی آماده کند و مردم را برای این عمل به آنجا دعوت کند، مرتکب و کلیه کارکنان در محل مذکور به مجازات حبس و جزای نقدی که بیشتر از هزار جنیه نباشد محکوم می‌شوند. کلیه وجوه و اسباب و آلات موجود در محل قماربازی مذکور ضبط و حکم به مصادره آنها صادر می‌شود». همچنین در ماده (۳۵۳) تصریح شده است: «هرکس بدون اجازه دولت چیزی را در شرایط فروش به شماره معروف به لاتاری قرار دهد، کلیه وجوه و اسباب و آلات موضوع شماره لاتاری از طرف دولت ضبط و مرتکب به همین مجازات مقرر در ماده قبل محکوم می‌شود».

۲-۳-۲. قمار در حقوق جزای آلمان

در قانون مجازات آلمان، انواع قماربازی و شرط‌بندی‌های سنتی با عنوان کلی «سودجویی قابل کیفر در مورد شرط‌بندی غیرقانونی» جرم‌انگاری شده است.^۱ گفتنی است در این کشور برخی سایت‌ها مجوز فعالیت در زمینه شرط‌بندی در مسابقات ورزشی را داشته و اقدام کردن بدون مجوز در این زمینه جرم محسوب می‌شود. در قانون آلمان قمار در فضای مجازی فقط محدود به شرط‌بندی مسابقات ورزشی و اسب‌دوانی و همچنین شرط‌بندی‌های قرعه‌کشی در کازینوهای آنلاین دارای مجوز قانونی مجاز بوده و در غیر این موارد، شرط‌بندی آنلاین ممنوع است. در آلمان با اجرای پیمان بین‌ایالتی در مورد بازی‌ها، در ۱ ژانویه ۲۰۰۸، همه بازی‌های آنلاین و شرط‌بندی در این کشور، به استثنای شرط‌بندی در مسابقه اسب‌دوانی ممنوع

۱. در ماده (۲۸۴) قانون مجازات آلمان که به سازمان‌دهی شرط‌بندی غیرقانونی می‌پردازد آمده است: «الف) هرکسی که بدون اجازه مقام دولتی ذی‌صلاح، به‌طور علنی، اقدام به سازمان‌دهی فعالیت در زمینه شرط‌بندی کند یا وسایل مربوط به آن را دسترس عموم قرار دهد، به مجازات حبسی که بیشتر از دو سال نخواهد بود با جریمه مالی محکوم خواهد شد. ب) شرط‌بندی در کلوب‌ها یا انجمن‌های خصوصی که در آن شرط‌بندی به‌طور دائمی برگزار می‌شود، به‌عنوان شرط‌بندی علنی محسوب خواهند شد. ج) هرکس در موارد مندرج در بند «الف» فوق به‌صورت حرفه‌ای یا به‌عنوان عضوی از یک گروه تبهکار که هدف آن ادامه ارتکاب چنین جرائمی است، مرتکب جرم شود به مجازات سه ماه تا پنج سال محکوم خواهد شد. د) هرکسی که تبلیغات در زمینه شرط‌بندی براساس مندرجات بند «الف» و «ب» گفته شده اقدام کند، به مجازات حبسی که بیشتر از یک سال نخواهد بود یا جریمه مالی محکوم خواهد شد». همچنین ماده (۲۸۵) که مربوط به شرکت در شرط‌بندی غیرقانونی است قانونگذار آلمان عنوان داشته: «هرکس که در شرط‌بندی علنی ماده (۸۴) شرکت کند، به مجازات حبسی که بیشتر از ۶ ماه نخواهد بود یا جریمه‌ای که بیشتر از یکصد و هشتاد واحد روزانه نباشد، محکوم خواهد شد». ماده (۲۸۷) سازمان‌دهی قرعه‌کشی با بخت‌آزمایی‌های غیرقانونی: «۱) هرکس، بدون کسب اجازه از مقام دولتی ذی‌صلاح، اقدام به برگزاری قرعه‌کشی یا بخت‌آزمایی در مورد اموال غیرمنقول یا منقول کند، یا به‌ویژه، پیشنهاد انعقاد قرارداد شرط‌بندی در خصوص قرعه‌کشی‌ها یا بخت‌آزمایی‌های عمومی را دهد یا پیشنهاد انعقاد چنین قراردادی را بپذیرد، به مجازات حبسی که بیشتر از دو سال نخواهد بود یا جریمه مالی محکوم خواهد شد. ۲) هرکس که اقدام به تبلیغات در زمینه قرعه‌کشی‌ها یا بخت‌آزمایی‌های عمومی مندرج در بند «۱» فوق کند، به مجازات حبسی که بیشتر از دو سال نخواهد بود یا جریمه مالی محکوم خواهد شد».

شد. البته این رفتار دولت آلمان مورد اعتراض اتحادیه بازی‌های آنلاین و شرط‌بندی اروپا قرار گرفت. در نهایت به درخواست این اتحادیه اروپایی با این استدلال که چنین قوانین سخت‌گیرانه نقض قوانین اتحادیه اروپاست، دادگاه اروپایی در سال ۲۰۱۰ تصریح کرد که صنعت قمار انحصاری در آلمان باید آزاد شود. ایالت شیلسیگ - هالستون^۱ تنها دولت ایالتی آلمان است که قمار آنلاین را مجاز اعلام کرده است. البته پس از صدور این رأی در آلمان از سال ۲۰۱۲، اپراتورهای کازینو می‌توانند برای قمار آنلاین در این کشور مجوز درخواست کنند.

۳-۲-۳. شرط‌بندی‌های اینترنتی در ایالت متحده آمریکا

قانون اجرای شرط‌بندی اینترنتی غیرقانونی مصوب سال ۲۰۰۶ آمریکا، شرکت‌های شرط‌بندی را از پذیرش آگاهانه پرداختی‌ها در ارتباط با مشارکت اشخاصی که از اینترنت استفاده می‌کنند منع می‌کند. این رفتار با عنوان «معاملات محدود شده» طبق همه قوانین ایالتی یا فدرال غیرقانونی محسوب می‌شود.

در تمامی ایالت‌های این کشور به جز ایالت‌های پورتوریکو، نوادا، دلاویر، نیوجرسی و پنسیلوانیا، قماربازی آنلاین (قماربازی اینترنتی) جرم بوده که شامل پوکر^۲، کازینو^۳ و شرط‌بندی مسابقات ورزشی^۴ می‌شود. مرتکب این جرائم به پنج سال حبس جنایی، جزای نقدی و محرومیت از شرکت در قمار (مجاز) محکوم می‌شود.

در چهارده سال گذشته قمار آنلاین سروصدای زیادی در دنیا ایجاد کرده است، به طوری که به مشتریان اجازه می‌دهد به راحتی در خانه، محل کار و مکان‌های عمومی بازی کنند.

بیش از چهارصد شرکت مختلف در ۴۸ حوزه قضایی، ۲۱۰۰ سایت قمار آنلاین را ثبت کرده‌اند و نشان می‌دهند حدود بیست میلیارد دلار درآمد داشته‌اند. اکثر این حوزه‌های

1. Schleswig-Holstein

2. Poker

3. Casino

4. Sports Betting

قضایی در آنتیل هلند، مالت، رزرو کانواک موهک در کانادا، جبل الطارق، انگلستان و استرالیا فعالیت می‌کنند (Wood and Williams, 2009).

در مطالعه‌ای از بازیکنان پوکر آنلاین، وود و گیفتس دریافتند که تقلب نگرانی عمده برای مشتریان است. بازیکنان معتقد بودند که ربات‌های پوکر که توسط سایت‌های قمار اداره می‌شوند، آنها را فریب می‌دهند و ویروس‌های کامپیوتری بعضی از بازیکنان را قادر می‌کند تا روش‌های بازی بازیکنان را در بازی پیش‌بینی کنند (Wood and Griffiths, 2008).

در بررسی دیگری وود و ویلیامز متوجه شدند که صحت عدالت در بازی‌ها و شناسایی موارد غیرقانونی در مکان‌های قمار، نگرانی عمده بازیکنان بوده است (Wood and Williams, 2009). در این راستا انجمن بازی‌های رایانه‌ای آمریکا در سال ۲۰۰۶ گزارش داد، حدود ۵۰ درصد از بازیکنان آنلاین کازینو معتقدند که ارائه‌دهندگان اینترنت آنها را فریب می‌دهند و ۴۶ درصد اصرار دارند که بازیکنان در بازی فریب خورده‌اند. یک نظرسنجی بین‌المللی از بیش از ۱۰ هزار بازیکن اینترنت نشان داد که حدود یک سوم از آنها با ارائه‌دهندگان قمار اختلاف نظر داشتند و از فرایندهای شکایت ناراضی بودند (Parke and et al., 2007).

مک‌میلان و روج در یک بررسی متوجه شدند که ارائه‌دهندگان قمار نیز قربانی جنایاتی مانند جاسوسی سایبری و تیم کامپیوتری و اکنش اضطراری هستند (McMullan and Rege, 2007). یک مؤسسه حقوقی گزارش کرده است که ارائه‌دهندگان قمار اغلب عاملان و قربانیان برنامه‌های فیشینگ بین‌المللی، کلاهبرداری‌های سرقت هویت و عملیات پولشویی هستند. گسترش چشمگیر قمار اینترنتی در دهه گذشته به این معنا بود که از دور و نزدیک مقادیر زیادی پول نقد الکترونیکی توسط مردم در حساب‌های قمار آنلاین و یا در قالب جوایز مسابقات بزرگ ردوبدل می‌شود. بازی‌های تقلبی همواره از یک سایت قمار به سایت دیگر در گردش است که به دنبال فرصت‌های شرط‌بندی ورزشی، مسابقات کارت،

۱. فیشینگ نامی است که مجرمان سایبری آن را به تلاش‌هایی که در جهت فریب دادن کاربران برای سرقت اطلاعات حساس و مالی انجام می‌شود، انتساب داده‌اند. کلمه Phishing بسیار مشابه با Fishing است، زیرا تاکتیک‌های مختلفی را برای طعمه و تلاش برای به دام انداختن قربانیان انتخاب می‌کنند. منظور از اطلاعات حساس، هر چیزی که مربوط به شماره تأمین اجتماعی، رمز عبور، شماره حساب بانکی، اطلاعات کارت‌های اعتباری، شماره پین‌کد، آدرس خانه، حساب‌های رسانه‌های اجتماعی، تاریخ تولد، نام و نام خانوادگی والدین است.

بازی‌های کازینو، قرعه‌کشی‌ها و سایر رویدادهایی است که جمعیت آنلاین را جذب می‌کند. هکرها اپراتورهای تازه‌کار را درحالی‌که کسب‌وکار خود را در شبکه راه‌اندازی می‌کنند از بین می‌برند و از شرکت‌های تجاری که نرم‌افزار را طراحی کرده و مکان‌های قمار را اداره می‌کنند و همچنین از غریبه‌ها و شرکای مجازی که از طریق پورتال‌های اینترنتی آنها عبور کرده‌اند، سرقت می‌کنند.

۴-۳-۲. شرط‌بندی اینترنتی در رویه قضایی آمریکا

از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۸، دادگاه‌های ایالتی و فدرال ایالات متحده شرکت‌های قمار همچون بورس ورزشی جهانی، شرکت بازی‌های تعاملی بین‌المللی، کازینو تراشه طلایی، کازینو بهشت، کازینو طلای مدرن و... را متهم و به مجازات نقدی و حبس محکوم کردند و برای جنایاتی از جمله توطئه برای نقض قانون، تقلب مالیاتی، قمار غیرقانونی، پولشویی، قاچاق کردن و فساد سازمانی تبرئه شدند. درحالی‌که بسیاری از این پیگیری‌های قانونی برای مشارکت یا فعال کردن تفریحات غیرقانونی با استفاده از خطوط تلفن و رایانه در اینترنت بود که چندین ساختار پیچیده شامل عناصر رسمی سازمان یافته جنایی داشتند.

با توجه به این مسائل کاربران، ارائه‌دهندگان و طراحان سایت‌های قمار آنلاین برای ابراز نگرانی درخصوص حفاظت از اطلاعات خصوصی بازیکنان، درستی و صداقت در فرایند انجام بازی و امنیت وب‌سایت‌ها دلیل خوبی دارند، زیرا قمار اینترنتی می‌تواند زمینه خوبی برای وقوع جرائم و بزه‌های مختلف باشد. (Ibid., 2010)

۳. وضعیت حقوقی شرط‌بندی‌های اینترنتی

گروهی بر این باورند که در شرط‌بندی‌های اینترنتی به‌رغم مشکلات جدی حاصل از آن و اینکه وجوه کلانی را بدون هرگونه تلاش و زحمت عائد گردانندگان این‌گونه سایت‌ها می‌کنند و زمینه مراجعه مالباختگان زیادی را به‌عنوان شاکی به دستگاه قضائی فراهم می‌کند، با نبود عنصر قانونی مواجه هستیم.

ممکن است این‌طور تصور شود که شرط‌بندی‌های اینترنتی نوعی قمار است و عنصر

قانونی آن را ماده (۷۰۵) قانون مجازات اسلامی می‌دانند که مقرر می‌دارد: «قماربازی با هر وسیله‌ای ممنوع و مرتکبین آن به یک تا ۶ ماه حبس یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شوند». نظر به اینکه قانونگذار تعریفی از قمار ارائه نکرده است باید گفت نوعی توافق است بین دو یا چند نفر که با انجام بازی مخصوص و بر مبنای اتفاق، شانس و تصادف و البته برخی مهارت‌ها، برنده بازی مال معینی را از دیگران دریافت می‌دارد. با توجه به این تعریف و تطبیق آن با آنچه که سایت‌های شرط‌بندی مسابقات ورزشی انجام می‌دهند؛ نمی‌توان شباهتی را بین عنصر مادی (قماربازی) که عنوان می‌دارد بازی کردن با آلات قمار برای برد و باخت و تجاهر به قماربازی از عناصر و ارکان لازم تشکیل‌دهنده بزه موضوع ماده (۷۰۵) قانون تعزیرات مجازات قائل شد. همچنین ضرورتی ندارد که انجام عمل قمار، منتج به نتیجه شود و فقط بازی کردن برای تحقق این جرم کافی است. شرط تحقق بزه قماربازی، این است که مرتکب خود در قماربازی شرکت کند. با عملکرد این‌گونه سایت‌ها می‌توان فهمید چرا کاربران مراجعه‌کننده به این‌گونه سایت‌ها عملاً بازی خاصی انجام نمی‌دهند، بلکه پس از پرداخت مبلغی نتیجه یک بازی خاص را حدس زده و در صورتی که باخت با آنان یار باشد و حدسشان درست از کار درآید مال معینی را دریافت می‌کنند. به نظر نویسندگان مقاله شرط‌بندی‌های اینترنتی در مسابقات ورزشی را نمی‌توان بر اساس قوانین موجود همچون ماده (۷۰۵) قانون تعزیرات مجازات اسلامی قماربازی محسوب کرد، بر این اساس قانونگذار باید به صورت مستقل برخی از مصادیق این نوع شرط‌بندی‌ها را جرم‌انگاری کند همچنان که موارد مجاز را نیز باید به وضوح اعلام کند.

ممکن است گفته شود شرط‌بندی‌های اینترنتی نوعی کلاهبرداری اینترنتی است و عنصر قانونی آن را ماده (۱۳) قانون جرائم رایانه‌ای دانسته که مقرر می‌دارد: «هرکس به طور غیرمجاز از سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی با ارتکاب اعمالی از قبیل وارد کردن، تغییر، محو، ایجاد یا متوقف کردن داده‌ها یا مختل کردن سیستم وجه یا مال یا منفعت یا خدمات یا امتیازات مالی برای خود یا دیگری تحصیل کند، علاوه بر رد مال به صاحب آن به حبس از یک تا پنج سال یا جزای نقدی از بیست تا یکصد میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد».

همان طور که ملاحظه می‌شود عنصر مادی جرم (تحصیل مال به طور غیرمجاز از طریق سیستم رایانه‌ای) یا همان به اصطلاح کلاهبرداری اینترنتی وارد کردن یا تغییر دادن یا محو کردن یا ایجاد کردن یا متوقف کردن و یا مختل کردن سیستم رایانه‌ای یا مخابراتی است آن هم به طور غیرمجاز که در نتیجه آن مال یا منفعت یا خدمات یا امتیاز مالی تحصیل شود. اما این رفتارهای مجرمانه نیز با آنچه که ما در سایت‌های شرط‌بندی شاهد هستیم چندان تطابقی ندارد، زیرا این‌گونه سایت‌ها عمدتاً بدون ارتکاب اعمال فوق صرفاً با ایجاد یک وب‌سایت مثلاً با موضوع حدس زدن نتایج فلان مسابقه ورزشی و جوهری را از کاربران دریافت کرده و سپس به برنده یا همان کسی که حدسش درست از کار درآمده مبلغی را می‌پردازند. بر این اساس به نظر نویسندگان مقاله حاضر، شرط‌بندی اینترنتی از مصادیق تحصیل مال به طور غیرمجاز از طریق سیستم رایانه‌ای نیست، زیرا همان طور که گفته شد عنصر مادی مندرج در این ماده با عملکرد این‌گونه سایت‌ها تطابقی ندارد.

این فرضیه هم که شرط‌بندی اینترنتی را مصداق کلاهبرداری سنتی بدانیم، قابل پذیرش نیست به این معنا که فرد یا افرادی با ایجاد یک سایت اینترنتی و دادن وعده‌های واهی مانند پرداخت جایزه به برنده و جوه کلانی را از کاربران دریافت می‌کنند. شکی نیست اگر در جریان یک رفتار متقلبانه نظیر آنچه که در ماده (۱) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری آمده، مالی برده شود جرم کلاهبرداری محقق شده است؛ اما محل بحث زمانی است که یک وب‌سایت در محیط سایبری ایجاد می‌شود و بدون آنکه مرتکب رفتارهای متقلبانه فوق شود و جوهری را در قبال حدس زدن و پیش‌بینی نتیجه فلان بازی ورزشی دریافت و سپس جوایزی را طبق آنچه که وعده داده است به برندگان اعطا کند. به بیان ساده‌تر اگر یک سایت اینترنتی بدون ارتکاب افعال مذکور در ماده (۱۳) قانون جرائم رایانه‌ای و نیز در ماده (۱) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری صرفاً در قبال پیش‌بینی نتیجه مسابقات ورزشی و جوهری را از کاربران دریافت کند و در آخر مبالغی را به برندگان اعطا کند آیا باز هم مرتکب عمل مجرمانه شده است یا خیر؟!

تنها گزینه باقی‌مانده استناد به ماده (۲) قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری یعنی تحصیل مال از طریق نامشروع است. اما با توجه به مبانی و اهداف

جرم‌انگاری، رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات، قاعده قبح عقاب بلابیان و اینکه یکی از فواید جرم‌انگاری اعلام جنبه ضدازرشی یک رفتار است رعایت حقوق شهروندی نیز ایجاب می‌کند که شهروندان مصادیق رفتارهای غیرقانونی و قابل مجازات را بدانند. در مورد قلمرو تحصیل مال از طریق نامشروع دیدگاه‌های متفاوتی از سوی حقوق‌دانان ابراز شده است. مطابق دیدگاه اول، تحصیل مال از طریق نامشروع را باید در چارچوب ماده (۲) ق. ت. م. م. ا. ا. ک تحلیل کرد. مطابق این دیدگاه قانونگذار به دنبال پوشش مصادیق صدر ماده بوده و با این عنوان راه را بر سوءاستفاده‌کنندگان از امتیازات و موافقت‌نامه‌های اصولی و... بسته است. براساس دیدگاه دوم قانونگذار با این عنوان به دنبال پوشش مصادیق خاصی بوده که نزدیک به ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری هستند، اما نمی‌توان آنها را مشمول یکی از این سه جرم دانست و با این سبک جرم‌انگاری راه بر این دسته از مجرمین هم بسته خواهد شد. اما دیدگاه سوم برخلاف دو دیدگاه قبلی کلیتی به مراتب بیشتر از دو حالت قبلی برای جرم تحصیل مال از طریق نامشروع قائل است و با این توصیف، همان‌طور که گفته شد تحصیل مال از طریق نامشروع هر نوع تحصیل عامدانه مال دیگری از طریق توسل به طرق غیرقانونی است که فاقد ضمانت اجرای کیفی در سایر مقررات است. از میان این سه دیدگاه، دیدگاه سوم در رویه‌های قضایی پذیرفته است. این دیدگاه تحصیل مال از طریق نامشروع را جرم دانسته است و می‌توان چنین استدلال کرد که دریافت کردن وجه از طریق قماربازی رایانه‌ای تحصیل مال از طریق نامشروع است، اما در عنصر مادی جرم قمار بیان شده است که «ضرورتی ندارد که انجام عمل قمار، منتج به نتیجه شود و فقط بازی کردن برای تحقق این جرم کافی است». یعنی برای تحقق قماربازی، صرف ارتکاب رفتار مادی آن به همراه سوءنیت مرتکب کفایت می‌کند چه فرد برنده باشد چه بازنده، زیرا قماربازی یک جرم مطلق است که تحقق یا عدم تحقق نتیجه مورد نظر مرتکب تأثیری در وقوع آن ندارد. نظر پذیرفته شده در رویه قضایی در تفسیر ماده (۲) قانون ت. م. م. ا. ا. ک، نظری منطقی و مطابق اصول حقوقی است ولی با توجه به آنچه ذکر شد این ماده را نیز بنابر اصل قانونی بودن جرم و مجازات نمی‌توان به ماده (۲) قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری در مورد مطلق جرم قماربازی مستند کرد، زیرا زیربنای استناد به این ماده،

ارتکاب عامدانه همراه با سوءنیت رفتار نامشروعی است که ضمن شباهت با برخی عناوین مجرمانه با هیچ‌یک از جرائم موجود در قوانین لازم‌الاجرا مطابقت ندارد، اما نتیجه این رفتار عامدانه تحصیل مال از طریق نامشروع است.

وجه تمایز مسئله شرط‌بندی‌های اینترنتی در برخی از مصادیق می‌تواند نزدیک قمار باشد و در برخی دیگر از مصادیق هم مطابق برخی احکام شرعی است و برخی از فقها نیز راهکارهایی برای پیشگیری از قماری شدن شرط‌بندی‌ها و پیش‌بینی نتایج مسابقات ورزشی ارائه کرده‌اند، موجب تفاوت مبنایی و موضوعی عمیقی شده که در حال حاضر و تا زمانی که این رفتارها جرم‌انگاری نشده‌اند، درآمدهای ناشی از این رفتارها را نمی‌توان مشمول تحصیل مال از طریق نامشروع دانست. البته در صورت جرم‌انگاری شرط‌بندی‌های اینترنتی چنانچه قانونگذار تکلیف درآمدهای ناشی از آن را معلوم کند، مانند آنچه که در خصوص قمار سنتی در ماده (۷۰۹) تعزیرات سال ۱۳۷۵ تصریح شده است: «تمام اسباب و نقود متعلق به قمار حسب مورد معدوم یا به‌عنوان جریمه ضبط می‌شود» دیگر نوبت به استناد به ماده (۲) ق. ت. م. م. ا. ا. ک نمی‌رسد.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با گسترش تکنولوژی‌های نوین مانند رایانه، تلفن همراه، اینترنت و امثال آن و فراگیر شدن آنها در دنیا، زمینه وقوع بسیاری از جرائم نیز تغییر کرده به‌گونه‌ای که در بسیاری از موارد این ابزارها خود موجب تحول ماهیت، شرایط و اوضاع و احوال جرائم می‌شود. قمار در شکل سنتی خود در بسیاری از کشورها یک رفتار مجرمانه بوده که در قوانین کیفری

۱. یکی از مخالفان حرمت مطلق شرط‌بندی آیت‌الله شیخ حسین حلی از فقهای معاصر هستند، اینکه افراد برای یک امری پول بپردازند و در آخر قرعه‌کشی شود و یک نفر همه این پول‌ها را ببرد اشکالی نیست و به قضیه ولایت‌عهدی امام رضا (ع) استناد می‌کنند که در حضور امام (ع)، مأمون ظرفی خواست و مقداری سکه طلا در آن نهاد و دستور داد این ظرف را با ظرف‌های خالی مخلوط کنند و سپس در بین حاضران در مجلس تقسیم کنند، هرکس ظرف محتوی سکه را گرفت آن اموال متعلق به خودش است (حلی، ۱۴۱۵: ۵۳).

همچنین سید محسن طباطبائی حکیم، صلح اوراق بخت‌آزمایی را جایز دانسته‌اند، اما خرید و فروش آن را جایز نمی‌دانند (حکیم، ۱۴۱۰: ۱۷).

مختلف، تأسیس، اداره، خدمت کردن در قمارخانه‌ها، تشویق به حضور در این اماکن و انجام قماربازی با استفاده از آلات قمار جرم‌انگاری شده‌اند. در قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ به رفتارهای مجرمانه مرتبط با قمار پرداخته شده است، اما همان‌طور که در این پژوهش نشان داده شد مواد مذکور به دلایلی از جمله اصل قانونی بودن جرم و مجازات و عدم تفسیر موسع قوانین کیفری قابل تعمیم به قمار اینترنتی، شرط‌بندی‌های در حال گسترش در فضای مجازی و رفتارهای مرتبط با پیش‌بینی مسابقات ورزشی نیست. در برخی از کشورها مانند مصر و آلمان؛ قمار آنلاین (اینترنتی)، بخت‌آزمایی (لاتاری‌های آنلاین) ممنوع است ولی پیش‌بینی مسابقات اسب‌دوانی استثنا شده و افراد می‌توانند از طریق سایت‌های مجاز در این موارد شرکت کنند. در ایالات متحده آمریکا تنها در چند ایالت محدود قماربازی اینترنتی مجاز است و در سایر ایالت‌ها این رفتارها جرم و قابل مجازات است. در برخی دیگر از کشورها، برگزاری قمار اینترنتی تنها در انحصار برخی اشخاص حقوقی مجاز است که ملزم به رعایت قوانین و مقررات بازی‌های قمار و شرط‌بندی هستند. همچنین به‌منظور جلوگیری از سوءاستفاده از اطلاعات اشخاص شرکت‌کننده در این سایت‌ها مانند اطلاعات حساب‌های بانکی و یا سایر اسرار هویتی شرکت‌کنندگان، فقط استفاده از سایت‌های مجاز قماربازی جرم نیست. همچنین با توجه به لزوم وجود دو شرط برد و باخت و استفاده از آلات قمار برای قماری شدن بازی‌ها از این مواد نمی‌توان در خصوص سایت‌های پیش‌بینی مسابقات ورزشی استفاد کرد، زیرا در این سایت‌ها هیچ‌یک از شروط وقوع قماری بودن بازی رخ نمی‌دهد؛ درحالی‌که نفس رفتار و نتیجه آن را می‌توان قمار دانست. همچنین مشخص شد که شرط‌بندی‌های اینترنتی مسابقات ورزشی را نمی‌توان براساس عنصر مادی جرم قمار، مصداق قمار دانست و در صورت صلاحدید قانونگذار باید با عنوان مستقلی جرم‌انگاری شود.

در خصوص اموال ناشی از این رفتارها با توجه به عدم وجود نص قانونی که دلالت بر مجرمانه بودن این نوع رفتارها داشته باشد، امکان استناد به ماده (۲) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری نیز با اصل قانونی بودن جرم و مجازات و اصل برائت نیز تعارض داشته و قابل اعمال نیست. البته در صورت جرم‌انگاری قمار اینترنتی

و سایر رفتارهای مرتبط با آن مانند پیش بینی نتایج مسابقات ورزشی و یا شرط بندی های اینترنتی، چنانچه قانونگذار در خصوص اموال ناشی از این جرائم سکوت کند؛ می توان به ماده (۲) قانون ت. م. ا. ک. استناد کرد، هرچند که شایسته است قانونگذار ضمن جرم انگاری این رفتارها، تکلیف اموال ناشی از آنها را نیز با ضبط به عنوان جریمه، مشخص کند. آنچه که در این جرائم به عنوان رفتار فیزیکی مطرح است نفس شرکت اشخاص در آنهاست و مهم نیست که شرکت کننده، برنده شود یا بازنده بلکه صرف شرکت در قمار اینترنتی یا شرط بندی های آنلاین باید مورد توجه قرار گرفته شود. همچنین شرایط و اوضاع و احوال عنصر مادی این جرائم، غیرمجاز بودن رفتار است که قانونگذار بر آن تأکید می کند و مصادیق مجاز شرط بندی یا پیش بینی نتیجه برخی مسابقات ورزشی از شمول این جرائم خارج می شوند. عنصر روانی این جرائم عمد است. از آنجاکه این جرم یک جرم مطلق بوده صرف سوء نیت عام (علم به موضوع و عمد در ارتکاب رفتار فیزیکی) برای تکمیل عنصر روانی کفایت کرده و قصد برنده شدن یا نشدن در تحقق این جرم مداخله ای ندارد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که قوانین موجود در زمینه قمار در کشور قابل تعمیم به قماربازی اینترنتی، پیش بینی نتایج مسابقات ورزشی و شرط بندی در فضای مجازی نیست.

از این رو به قانونگذار پیشنهاد می شود ضمن توجه به گسترش رو به رشد این پدیده در کشور، حرمت قمار و آثار زیان بار آن بر اقتصاد و جامعه و به منظور پیشگیری از دیگر جرائم مرتبط با فضای مجازی که در سایت های قماربازی آنلاین و بخت آزمایی و شرط بندی بستر مناسبی دارند، همچنین با توجه به اصله البرائت و توجه به تأثیر شرایط مکان و زمان در احکام، علاوه بر جرم انگاری قمار اینترنتی، شرط بندی های آنلاین، تأسیس، اداره، تبلیغ و عضویت در سایت های مذکور و تعیین دقیق مصادیق و شرایط آنها، موارد مجاز این رفتارها مانند امکان شرط بندی در برخی مسابقات ورزشی و یا استفاده از راهکارهای فقهی که مانع قماری شدن پیش بینی مسابقات و امثال آن می شود را نیز تصریح کند.

بر این اساس مواد قانونی پیشنهادی برای تصویب در مجلس شورای اسلامی به این

شرح است:

۱. ایجاد، اداره، رهبری یا استفاده از هر نوع سامانه الکترونیکی، مخابراتی یا اینترنتی

که از کاربران مبالغی را چه به صورت آنلاین و چه از طریق درگاه‌های الکترونیک و یا هر نوع دریافت وجه یا خدمات مالی مانند شارژ خطوط ارتباطی و امثال آن برای شرکت در بازی، پیش‌بینی مسابقات ورزشی و یا شرط‌بندی همراه باشد و شرکت‌کنندگان با علم به احتمال برد و باخت خود در این سامانه‌ها شرکت کنند، ممنوع و جرم است.

۲. مؤسسان، مدیران یا رهبران این سامانه‌ها به حبس درجه پنج و محرومیت استفاده از خدمات این سامانه‌ها به مدت دو سال محکوم می‌شوند. اشخاصی که با علم به موضوع و احتمال برد و باخت از این سامانه‌ها استفاده می‌کنند به حبس تعزیری درجه ۶ و یا جزای نقدی از بیست میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال محکوم می‌شوند.

۳. شرط‌بندی و پیش‌بینی نتیجه مسابقات اسب‌دوانی، تیراندازی و شنا که توسط سامانه‌های دارای مجوز قانونی انجام می‌شود مجاز بوده و مشمول مجازات‌های فوق نمی‌شود.

تبصره: آیین‌نامه اجرایی این ماده ظرف سه ماه از ابلاغ این قانون توسط وزارتخانه‌های ارتباطات و فناوری و اطلاعات، شورای عالی فضای مجازی، وزارت ورزش و امور جوانان و کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه مذکور در ماده (۲۲) قانون مجازات جرائم رایانه‌ای تنظیم و ابلاغ می‌شود.

۴. اموال، وجوه و وسایلی که در نتیجه جرائم فوق کسب می‌شوند به‌عنوان جرمه ضبط می‌شود.

۵. مجازات مرتکبین در صورت تکرار جرائم فوق به میزان حداکثر به‌علاوه نصف مجازات قانونی افزایش می‌یابد.

منابع و مآخذ

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۹). *لسان العرب*، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع).
۲. ابوجیب، سعدی (۱۴۰۸). *القاموس الفقهي لغة واصطلاحاً*، چاپ اول، سوریه، دمشق، دارالفکر.
۳. احمدوند، محمدعلی (۱۳۹۰). *روان شناسی بازی*، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۴. امامی، حسن (۱۳۸۱). *حقوق مدنی*، چاپ هشتم، تهران، انتشارات اسلامیة.
۵. انصاری، مرتضی (۱۳۷۵). *کتاب المکاسب*، چاپ اول، تبریز، چاپ طاهر خوشنویس.
۶. حکمت نیا، محمود (۱۳۸۷). *مبانی مالکیت فکری*، چاپ سوم، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۷. حکیم، سید محسن طباطبائی (۱۴۱۰). *منهاج الصالحین*، چاپ اول، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۸. حلی، حسین (۱۴۱۵). *بحوث فقهیه*، چاپ چهارم، قم، المنار.
۹. خامنه ای، سیدعلی (۱۳۸۸). *اجوبه الاستفتائات*، چاپ اول، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۱۰. خمینی، روح الله (۱۳۸۰). *استفتائات*، چاپ اول، قم، انتشارات اسلامی.
۱۱. خوبی، ابوالقاسم (۱۳۷۱). *مصباح الفقه*، تقریرات درس به قلم محمدعلی توحیدی، قم.
۱۲. سبحانی، جعفر (۱۳۹۶). «تقریرات درس خارج فقه».
۱۳. شهیدی، مهدی (۱۳۸۲). *تشکیل قراردادها و تعهدات*، چاپ چهارم، تهران، انتشارات مجد.
۱۴. صدر، محمدباقر (۱۴۲۴). *اقتصادنا*، چاپ اول، قم، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصی للامام الشهدید الصدر.
۱۵. طارمی، حسن (۱۳۹۳). *دانشنامه جهان اسلام*، چاپ اول، تهران، مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی.
۱۶. عبدی پور فرد، ابراهیم و مرتضی وصالی ناصح (۱۳۹۶). «ابعاد فقهی و حقوقی بازی های مجازی»، راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ششم، ش ۲۳.
۱۷. غلامی، امیر (۱۳۸۹). *فرهنگنامه کودک و نوجوان*، چاپ اول، تهران، شرکت تهیه و نشر فرهنگنامه کودکان و نوجوانان.
۱۸. قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*، چاپ اول، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۱۹. قلی زاده نوری، فرهاد (۱۳۸۹). *فرهنگ تشریحی اصطلاحات کامپیوتری مایکروسافت*، چاپ اول، تهران، نشر آذر.
۲۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۲). *دوره مقدماتی حقوق مدنی، اموال و مالکیت*، چاپ دوم، تهران، نشر دادگستر.
۲۱. کاشف الغطا، محمدحسین (۱۳۵۹). *تحریرالمجله*، چاپ اول، نجف اشرف، المکتبه المرتضویه.

۲۲. لغتنامه دهخدا، سایت رسمی مؤسسه لغتنامه دهخدا.
۲۳. مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). *بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی*، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات حکمت.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۹). *تفسیر نمونه*، چاپ ۳۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۸۱). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)*، چاپ اول، قم، مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی، مرکز پژوهش‌های غدیر.
26. Badenhorst, P. J, M. Pienaar Juanita and Hanri Mostert (2006). *The Law of Property, 5th Edition*, Durban, LexisNexis/Butterworth.
27. Balkin, J. M. and S. N. Beth (2006). *The State of Play: Law, Games and Virtual Worlds*, New York, New York University Press.
28. Barker Valerie (2012). "A Generational Comparison of Social Networking Site use: The Influence of Age and Social Identity", *International Journal of Aging and Human Development*, 74.
29. Bolter, J. D. and G. Richard (2000). *Remediation: Understanding New Media*, USA, MIT Press.
30. Castronova, E. (2005). *Synthetic Worlds: The Business and Culture of Online Games*, Chicago, the University of Chicago Press.
31. Djibouti, D., J. Alvarez and P. Jean (2015). *Classifying Serious Games*, France, University of Toulouse.
32. Garner, Bryan (2004). *Black Law Dictionary*, 8th Edition, London Publisher Thomson Reuters.
33. Hornby, A.S. (2007). *The Oxford Advances Learners*, London, Oxford University Press.
34. Kent, A. and J. Williams (2015). *Encyclopedia of Microcomputers*, London and CRC Press, Taylorand Francis.
35. Makdisi, J (2005). *Islamic Property Law: Cases and Materials for Comparative Analysis with the Common Law*, USA: Carolina Academic Press.

36. Maradino, G. Veloso (2008). "Virtual Property Rights: A Modern Usufruct of Intangibles", *Philippine Law Journal*, Vol. 82, No. 4.
37. McMullan, J. and A. Rege (2007). "Cyber-Extortion at online Gambling Sites: Criminal Organization and Legal Challenges", *Gaming Law Review*, 11 (6).
38. ---.(2010). Online Crime and Internet Gambling, *Journal of Gambling Issues*, Department of Sociology and Criminology, Saint Mary's University, Halifax, N.S. and School of Criminal Justice, Rutgers University, Newark, New Jersey, U.S.A.
39. Parke, J., J. Rigbye, A. Parke, R.T.A Wood, J. Sjenitzer and Vaughan Williams (2007). The Global online Gambler Report: An Exploratory Investigation in to the Attitudes and Behaviours of Internet Casino and Poker Players. E-Commerce and online Gaming Regulation and Assurance (ECOGRA), Retrieved.
40. Stefan G and Minhua M and Janice B. H. and, Manuel, F., Viktor, W., (2015). Serious Games, Switzerland: Springer International Publishing Switzerland.
41. Steven J. H. (2007). "Claims to Virtual Property", *Harvard Journal of Law and Technology*, Vol. 20, No. 2.
42. Wiemeyer, V. (2015). *Serious Games*, Switzerland, Springer International Publishing.
43. Williams, Chris(2014). "The State of Online Play", RMA, Retrieved.
44. Wood, R.T and R.J. Williams (2009). *Internet Gambling: Prevalence, Patterns, Problems and Policy Options*, Final Report Prepared for the Ontario Problem Gambling Research Centre, Guelph.
45. Wood, R.T., R.J Williams and P. Lawton (2007). "Why do Internet Gamblers Prefer online Versus Land-based Venues?", *Journal of Gambling*, Issues, 20.
46. Wood, R.T.A. and M.D Griffiths (2008). "Why Swedish People Play online Poker and Factors That Can Increase or Decrease Trust In Poker Web Sites: A Qualitative Investigation", *Journal of Gambling*, Issues, 21.

47. Worth, N. (2014). "Personality and Behavior in a Massively Multiplayer Online Role-playing Game", *Computers in Human Behavior*, Vol. 3, No. 8.
48. www.mehrnews.com.
49. [www/http://icps.ut.ac.ir](http://icps.ut.ac.ir).

تبیین جامعه‌شناختی قانون‌گریزی در بین شهروندان ایرانی (فرا تحلیل پژوهش‌های موجود)

طاها عشایری* و فاطمه نامیان**

نوع مقاله: علمی پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۳	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۱۸	شماره صفحه: ۳۸۵-۳۵۹
------------------------	------------------------	------------------------	---------------------

قانون وظیفه کنترل و نظارت برکنش شهروندان در تعامل اجتماعی را برعهده دارد و دارای دو پایه مهم سنت و هنجار است. قانون‌ها متناسب با نظام جغرافیایی و خرده‌فرهنگ‌های اجتماع فرق می‌کنند. گریز از قانون و تخطی از هنجارهای قانونی در اکثر فرهنگ‌ها وجود داشته و تنها تفاوت آنها در کم‌وکیف عبور از قانون است. پژوهش فعلی قصد دارد به این پرسش پاسخ دهد که علل مهم گریز از قانون در بین شهروندان ایرانی کدام بوده و چرا تمایل به عبور از قانون در بین شهروندان وجود دارد؟

سازوکار اجرای پژوهش فراتحلیل است. هدف این روش؛ انسجام بخشی، مرور نظام‌مند و یکدست‌سازی مطالعات انجام شده در یک حوزه معین پژوهشی است. جامعه آماری مقاله حاضر هجده پژوهش است که دوازده سند نمونه پژوهشی با هدف ترکیب و شناسایی میزان تأثیر آن انتخاب شدند.

یافته‌های تحلیلی پژوهش حاکی از این است که قانون‌گریزی به‌عنوان متغیر وابسته، تأثیرپذیر از متغیرهای فردگرایی (۳۸۸)، سرمایه‌ای (۴۰۷)، سیاسی (۳۱۰)، فرهنگی (۰/۳۹۸)، قانونی (۰/۳۴۶)، کنترلی (۰/۳۲۲)، آنومی بی‌هنجاری (۰/۵۲۶) و جمعیتی (۰/۲۶۸) بوده است و در مجموع متغیرهای فوق توانسته‌اند $Effect\ Size = 0/233$ ، $Z = 7/166$ و $sig = 0/000$ از قانون‌گریزی را تبیین کنند.

تخطی از قانون یک مسئله مهم اجتماعی در جامعه محسوب می‌شود و برحسب نتایج پژوهش، به‌شدت از عوامل سرمایه‌ای (اجتماعی، فرهنگی و سیاسی) و وضعیت کنترل اجتماعی تأثیر می‌پذیرد. به این معنا با افزایش میزان عوامل سرمایه‌ای و تقویت نظام کنترلی (رسمی و غیررسمی) می‌توان میزان قانون‌گرایی در سطح کلان، میانه و خرد را افزایش داد.

کلیدواژه‌ها: قانون؛ سرمایه اجتماعی؛ نظام کنترلی؛ آنومی اجتماعی؛ سرمایه سیاسی

* دکتری علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه کاشان؛

Email: t.ashayeri@gmail.com

** کارشناس ارشد علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)؛

Email: namianfatemeh@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

قانون به عنوان یک قاعده رسمی، توسط نمایندگان رسمی و مشروع مردم وضع می‌شود که دارای ضمانت اجرایی است (فکور، ۱۳۷۸: ۹۴). قانون‌گریزی به تخطی از قانون و هنجارهای قانونی حاکم بر اجتماع اطلاق می‌شود (علمی، ۱۳۸۵: ۱۲). قانون در اصطلاح جامعه‌شناسی، برای بررسی تعامل افراد با جامعه و مبارزه با بزهکاری اجتماعی به کار می‌رود و لازمه تداوم نظم اجتماعی، سرمایه اجتماعی و نهادینه شدن الگوی حکمرانی مطلوب است. هدف اصلی حکمرانی، بهبود رفاه اجتماعی و کاهش تضاد و تنش اجتماعی بین جامعه مدنی و دولت است که این امر با توسل به قانون‌گرایی یعنی شفافیت، اعتماد سیاسی، پاسخگویی، مشارکت مدنی و تعهد اخلاقی نسبت به قانون جامعه امکان‌پذیر می‌شود (Zaleski, 2008). وبر، در سال ۱۹۹۰، قانون را دستاورد قدرت توسط حاکمان برای اعمال نظارت بر شهروندان می‌داند. دیگر جامعه‌شناسان مانند امیل دورکیم در کتاب تقسیم‌کار اجتماعی به دو جامعه مکانیکی و ارگانیکی اشاره و مطرح می‌کند که قانون برای تنبیه خاطی و بزهکاران به کار می‌رود. در جوامع سنتی؛ وجدان جمعی، مدافع نظم بوده و دوره ارگانیکی، قوانین حقوقی با تأکید بر شخصیت و آزادی فردی به دنبال کنترل جامعه است. در دوره مدرنیته دورکیمی، اخلاق حرفه‌ای در جامعه آفریده می‌شود که وظیفه عمده آن، آموزش هنجار و قوانین برای افراد و اصلاح مجرم‌ها و بازگرداندن آنها به سامان نظم اجتماعی است. دورکیم عبور از سنخ جامعه سنتی به جامعه مدرن را نوعی گذر از یک قانون قهری به قانون اجتماع‌محور، پیشگیرانه، جامعه‌پذیر و اصلاحی می‌داند (Gad, 2003: 141). نظم اجتماعی موضوع محوری جامعه‌شناسی است. مشکل نظم اجتماعی وقتی ایجاد می‌شود که موجود انسانی هم در حالت فردی و هم اجتماعی، خواسته‌ای متعارض با جمع داشته باشد. اگر برمبنای اهداف فردی تصمیم بگیرد به دلیل منافع شخصی خود، نظم اجتماعی را نقض می‌کند و اگر افراد به گروه‌های دیگر پیوند اجتماعی داشته باشد دیگر به دنبال نفع شخصی نیست، بلکه نظم شهروندی و قوانین جامعه را رعایت می‌کند (Banfield, 1958: 4). برای حفظ نظم اجتماعی افراد و گروه‌ها بایستی برای دستیابی به اهداف اجتماعی

و حفظ آن به‌طور هماهنگ با هم عمل کنند (Olson, 1965: 31). نظم اجتماعی به شرایطی اشاره دارد که جوامع از طریق آن ثبات‌شان را حفظ کرده و قادر می‌شوند که با محیط و فعالیت فرهنگی سازگاری داشته باشند. مردم نیز باید فعالیت‌های خود را برای دستیابی به اهداف عمومی با جامعه هماهنگ و سازگار کنند تا در یک زندگی اجتماعی با همدیگر به‌طور مؤثر تعامل اجتماعی داشته باشند (Hechter and Horne, 2001: 13). در نظریه تضادگرایی مثل کارل مارکس، نظم اجتماعی برای حفظ منافع و خواسته‌های طبقه مسلط به‌کار می‌رود. در نظریه کارکردی دورکیم، نظم اجتماعی به دنبال ایجاد ثبات در جامعه از طریق تقویت وجدان جمعی است (Crossman, 2013: 45). در انسجام مکانیکی، به دلیل شدت نظارت وجدان جمعی، عبور از قانون با مجازات و تنبیه همراه است. وجود نظام سلسله‌مراتبی، تصلب هنجارها و سیطره هیجان‌های عمومی در صورت خدشه به نظم و بی‌احترامی به قانون، با واکنش عمومی مواجهه شده و مجازات می‌شود. به دلیل اینکه مردم به شدت درگیر نظام اخلاقی هستند، قانون سرکوبگر این نوع واکنش را وضع می‌کند و چنین قانونی نیز به نوبه خود بازتابش مادی وجود یک وجدان جمعی قوی است و جامعه به واسطه انسجام مکانیکی یکپارچه می‌ماند (ریتزر، ۱۳۹۱: ۴۸). رابرت مرتن، قانون‌گزینی را به تضاد بین اهداف اجتماعی و ساختار فرهنگی جامعه و فشارهای اجتماعی ناشی از آن نسبت می‌دهد. در هر جامعه‌ای، اهداف موفقیت که به لحاظ فرهنگی تعریف شده هستند و ابزارهای مشروع گوناگونی که دستیابی به این اهداف را ممکن می‌کنند، وجود دارند. وقتی راه‌های مشروع دستیابی به این اهداف برای کسانی محدود باشد، این محدودیت، فشاری ساختی میان وسایل و اهداف را به وجود می‌آورد و با توجه به پذیرش یا عدم پذیرش ارزشیابی (که آنها برای هدف یا ابزارهای رسیدن به آن قائل‌اند)، عکس‌العمل‌هایی از خود بروز می‌دهند (ترنر، ۱۳۹۰: ۳۵۲). میشل فوکو به امر خودکنترلی اشاره دارد. خودکنترلی همان مراقبت درونی است که براساس آن، وظایف محول انجام و رفتارهای ناهنجار و غیرقانونی ترک می‌شود و بی‌آنکه نظارت یا کنترل خارجی در بین باشد، فرد تلاش خود را صرف انجام کاری می‌کند که به عهده‌اش گذاشته شده و مرتکب کنش نادرستی از قبیل کم‌کاری، قانون‌گزینی، تخلف، فردگرایی و نابهنجاری‌ها

نمی‌شود (پیروز، ۱۳۸۴: ۳۱۷ به نقل از فکور، ۱۳۷۸: ۱۶). دورکیم، ریشه قانون‌گریزی را در ضعف وجدان جمعی و نبود گروه حرفه‌ای می‌داند که به بی‌هنجاری و آنومی ناشی از گذار از سنت به مدرنیته برمی‌گردد. در جامعه، وقتی بی‌هنجاری یا قانون‌گریزی رخ می‌دهد که بین ساختار اجتماعی و فرهنگ، بین توانایی‌ها از نظر ساختاری خلق شده مردم جهت عمل در راستای هدف‌ها و هنجارهای فرهنگی و خود هنجارها و هدف‌ها یک مجموعه قطع ارتباط‌ها انجام می‌شود (ریتزر، ۱۳۹۱: ۴۱۰). به اعتقاد پارسونز، جامعه‌پذیری سازوکاری هست که به نظام اجتماعی کمک می‌کند تا تعادل خود را نگه دارد. در اندیشه پارسونز، بیشتر بر آموزش فرهنگی تأکید می‌شود. وی نظم اجتماعی و انسجام و همبستگی را برای قانون امری مهم می‌داند (عشایری و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۱). قانون شالوده مهم نظم اجتماعی و توسعه تلقی می‌شود و میزان رعایت آن امری دیالکتیکی بین عاملیت (سطح خرد - کنشگری) و ساختار اجتماعی (سطح کلان - نهادی) است و قانون‌گریزی فرایندی حاصل کنش و برهم‌کنش بین دو این امر محسوب می‌شود. وضعیت قانون و نگرش به آن در جداول زیر ارائه شده است.

جدول ۱. وضعیت رعایت قانون در سطح جامعه

موارد	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
مردم	۱۱/۴	۲۲/۷	۴۴/۴	۱۸/۵	۳
مسئولان و بستگان آنها	۱۸/۸	۲۷/۹	۳۹/۹	۱۲/۱	۱/۲
ثروتمندان	۲۹	۳۰/۹	۳۰/۸	۷/۷	۱/۵
دستگاه‌های حکومتی - دولتی	۱۸/۱	۲۲/۳	۴۱/۱	۱۴/۵	۴

مأخذ: پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش ایرانیان، ۱۳۹۴.

در جدول ذیل وضعیت کلی قانون‌گرایی در سطح جامعه از منظر پاسخگویان ذکر شده است.

جدول ۲. وضعیت کلی قانون‌گرایی در سطح جامعه

موارد	فراوانی مطلق	فراوانی درصدی	فراوانی درصدی خالص
کاملاً مخالف	۱۰۸۹	۷,۳	۷,۴
مخالف	۴۳۰۳	۲۸,۹	۲۹,۲
تا حدودی	۵۷۷۵	۳۸,۷	۳۹,۲
موافق	۲۸۱۳	۱۸,۹	۱۹,۱
کاملاً موافق	۷۳۹	۵	۵
پاسخ معتبر	۱۴۷۱۹	۹۸,۷	۱۰۰
بدون پاسخ	۱۸۷	۱,۳	-
جمع	۱۴۹۰۶	۱۰۰	-

مأخذ: همان.

جدول ۳. اجرای یکسان قانون در مورد مردم و مسئولان

موارد	فراوانی مطلق	فراوانی درصدی
کاملاً مخالف	۲۰۰۸	۱۳,۵
مخالف	۳۹۵۱	۲۶,۵
نه موافق نه مخالف	۵۲۴۸	۳۵,۲
موافق	۳۰۱۵	۲۰,۲
کاملاً موافق	۵۳۹	۳,۶
پاسخ معتبر	۱۴۷۶۱	۹۹
بدون پاسخ	۱۴۵	۱
جمع	۱۴۹۰۶	۱۰۰

مأخذ: همان.

جدول ۴. امکان دستیابی به حق ضایع شده از طریق قانونی

فرآوانی درصدی	فرآوانی مطلق	موارد
۱۰٫۸	۱۶۱۷	خیلی کم
۱۴٫۸	۲۲۰۶	کم
۴۶٫۲	۶۸۹۱	تا حدودی
۲۴	۳۵۸۲	زیاد
۳٫۳	۴۹۳	خیلی زیاد
۹۹٫۲	۱۴۷۸۹	پاسخ معتبر
۰٫۸	۱۱۷	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۴۹۰۶	جمع

مأخذ: همان.

درواقع شالوده اساسی نظام اجتماعی تعامل مبتنی بر نظم و قواعد رفتاری است. هنجارها به صورت هنجارهای رسمی و یا هنجارهای غیررسمی به نظم بخشی زندگی اجتماعی انسان می پردازند. هنجارهای رسمی در قالب قواعد و قوانین و هنجارهای غیررسمی در قالب عرف های جاری به کار گرفته می شوند. در ایران، پژوهش های متعددی درباره ارتباط با علل قانون گریزی انجام شده است، اکثر این پژوهش ها با روش پیمایشی به تبیین این مسئله پرداخته اند. پژوهش های تجربی، ضمن داشتن یافته های مناسب، دارای پراکندگی و عدم انسجام در بخش یافته های پژوهش هستند. این پژوهش قصد دارد با نگاهی به آثار انجام شده درباره قانون گریزی، به یک جمع بندی مناسب علمی دست یابد تا بتوان به تصمیم جامع درباره ریشه های مهم قانون گریزی شهروندان دست یافت. از این رو هدف اصلی پژوهش این است که چه عواملی بر قانون گریزی شهروندان تأثیرگذار بوده و به چه میزان قانون گریزی را تبیین کرده اند.

جدول ۵ پیشینه تجربی پژوهش قانون گریزی شهروندان را نشان می دهد.

جدول ۵. پیشینه تجربی پژوهش

کد	عنوان	نویسنده(گان)
۱	قانون‌گزیزی و پیوندهای اجتماعی (مطالعه موردی: شهر اهواز)	میرزایی و دیگران (۱۳۹۶)
۲	بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر قانون‌گزیزی شهروندان استان اردبیل	عشایی و دیگران (۱۳۹۴)
۳	بررسی میزان گرایش به قانون‌گزیزی و رابطه آن با میزان مشارکت اجتماعی	میرفردی و فرجی (۱۳۹۴)
۴	بررسی میزان قانون‌گزیزی و عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با آن	پورتنقی (۱۳۹۴)
۵	تبیین جامعه‌شناختی قانون‌گزیزی رانندگان وسایل نقلیه سبک	کوهی و دیگران (۱۳۹۳)
۶	تبیین عوامل تأثیرگذار بر قانون‌گزیزی در سازمان	احمدنیا چنیجانی و دیگران (۱۳۹۲)
۷	قانون‌گزیزی به مثابه آنومی اجتماعی	فیروزجائیان و هاشمی (۱۳۹۱)
۸	عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان قانون‌گزیزی در روابط اجتماعی	مختاری، قهرمانی و قدرتی (۱۳۹۱)
۹	نظریه ازهم‌گسیختگی نهادی و قانون‌گزیزی	حیدری، رضادوست و فروتن‌کیا (۱۳۹۱)
۱۰	قانون‌گزیزی (تحلیلی از منظر نظریه عدالت رویه‌ای)	فیروزجائیان (۱۳۸۹)
۱۱	میزان، نوع و عوامل مؤثر بر قانون‌گزیزی	رضایی (۱۳۸۴)
۱۲	ارتباط فقر با قانون‌گزیزی و شکل‌گیری آسیب اجتماعی	کلانتری، ربانی و صداقت (۱۳۸۴)

مأخذ: همان.

۱. مبانی و دیدگاه‌های نظری پژوهش

اولین قانون شهروندی به ۳۰۰۰ قبل از میلاد مسیح در مصر باستان به عنوان کد اخلاقی برای تشخیص رفتارهای معارض و غیرمعارض برمی‌گردد. قانون نظامی از قواعد اجباری توسط حاکمیت برای مدیریت رفتار شهروندان برای تطابق با اهداف جامعه است (Stewart and Burgess, 1996). قانون در لغت به معنای رسم، دستور، مقیاس و طرز آمده است (عمید، ۱۳۹۰: ۹۳۶). قانون مجموعه قواعد حقوقی عام و کلی است. قانون کانونی است که در آن مصالح جمعی اجتماع تمرکز یافته و با دید وسیع بر روابط بین افراد نگریسته می‌شود. به زعم ژان ژاک روسو قانون همان شرایط اجتماعات ملی است و ملتی که خود از قانون اطاعت می‌کند، سازنده قانون است؛ زیرا کسانی که عضو اجتماع هستند باید این قانون را تنظیم کنند (طاهری، ۱۳۷۹: ۲۲۴).

۱-۱. قانون‌گریزی

قانون‌گریزی همان رعایت نشدن قوانین و مقررات اجتماعی است. عدم پرداخت عوارض و مالیات، عدم توجه به قوانین راهنمایی و رانندگی، تشکیل گروه‌های فشار، دزدی‌های کوچک و بزرگ، حق دیگران را نادیده انگاشتن، توجه نکردن به حفظ بهداشت خیابان و اماکن عمومی، بی‌توجهی به آلودگی صوتی، عدم حفظ سلامت اماکن و آسیب رساندن به اتوبوس‌ها و وسایل نقلیه عمومی، از بین بردن حرمت افراد جامعه و موارد بی‌شمار دیگر که در حال گسترش است (ماهرویی، ۱۳۸۱: ۲۵). قانون‌گریزی به نادیده گرفتن قانون در رسیدن به اهداف مورد نظر و استفاده از روش‌های غیرمرسوم و غیرقانونی در جامعه اشاره دارد (عشایری و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۴). قانون‌گریزی رفتاری است که از مخالفت با قوانین رسمی جامعه نشئت می‌گیرد و قانون‌گریز کسی است که با رفتار خود به صورت آگاهانه و از روی عمد قوانین رسمی جامعه را نادیده می‌گیرد (محسنی، ۱۳۸۸: ۶۷). با توجه به اینکه همه افراد جامعه در طول زندگی خود از چند قاعده رسمی تخطی می‌کنند و کسانی هم هستند که دائماً قوانین را نادیده می‌گیرند. بر این اساس دو نوع قانون‌گریزی در جامعه وجود دارد:

الف) قانون‌گریزی سخت: شامل شدیدترین نوع عدول از قواعد و قوانین رسمی است که دائماً برخی افراد مرتکب آن می‌شوند و زمینه‌ساز بی‌نظمی‌هایی در جامعه می‌شوند.
ب) قانون‌گریزی نرم: در مقابل قانون‌گریزی سخت، قانون‌گریزی نرم وجود دارد که شامل سطحی‌ترین جرائم است.

بنابراین قانون‌گریزی طیفی از رفتار است که از قانون‌گریزی دائمی، خشن و شدید (مثل سرقت، قتل و...) تا قانون‌گریزی گاه‌گاهی، غیرخشن و ضعیف (مثل ندادن مالیات، عبور از چراغ قرمز و...) را در بر می‌گیرد (فیروزجائیان، ۱۳۸۹: ۳۸۵). آنچه مسلم است اینکه افراد کمتری در هر جامعه مرتکب قانون‌گریزی از نوع اول می‌شوند، در حالی که همه افراد جامعه به نوعی مرتکب قانون‌گریزی از نوع دوم می‌شوند. به طوری که این نوع رفتار در جامعه به شکل عادت و امری معمول و حتی پذیرفته شده از دیدگاه عموم مردم درآمده است (پورتقی، ۱۳۹۴: ۳).

۱-۲. نظریه بی‌سازمانی اجتماعی

کانون و اساس نظریه بی‌سازمانی، مقررات و رعایت آن در جامعه است. در صورت عدم اجرای

رعایت مقررات و قوانین در جامعه، نظریه بی‌سازمانی اجتماعی در سه نوع بی‌هنجاری، ستیز فرهنگی و اختلال شکل می‌گیرد (احمدی، ۱۳۸۴: ۴۳). برخی اجتماعات به دلیل اختلال در فرایندهای رسمی و غیررسمی کنترل اجتماعی، قادر به خودتنظیمی مؤثر نیستند. این شرایط به مختل شدن ساختار سازمانی محله منجر می‌شود که سست شدن پیوندهای ساکنان نسبت به همدیگر و نسبت به اجتماع را به دنبال خواهد داشت. در نتیجه برخی از ساکنان به طور طولانی مدت از کنترل‌های اجتماعی هنجاری پیروی نخواهند کرد؛ زیرا این اجتماعات بی‌سازمان قادر به درک ارزش‌های مشترک ساکنان و حل مسائل مختلف نیستند. به این دلیل که آنها نمی‌توانند وفاق مربوط به ارزش‌ها، هنجارها، نقش‌ها و یا توافق‌های سلسله‌مراتبی را در میان اعضایشان ایجاد یا حفظ کنند. نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی، جامعه را یک نظام پیچیده و پویا می‌داند که بخش‌های مختلف آن از طریق قواعد و مقررات اجتماعی با یکدیگر هماهنگ و منظم می‌شوند و هنگامی که مسئله‌ای یک بخش از نظام را تغییر می‌دهد، سایر بخش‌های آن نیز باید خود را با آن هماهنگ و سازگار کنند. از نگاه این نظریه، مسائل اجتماعی محصول درهم‌ریختگی سازمان اجتماعی و فرهنگی است. نظریه بی‌سازمانی اجتماعی بر رابطه بین ساختار روابط همسایگی، کنترل اجتماعی و جرم متمرکز است. اغلب نظریه‌ها بر نوع مردم و گروه‌های مردمی در تبیین جرم متمرکزند. این نظریه بر تأثیر نوع مکان و انواع متفاوت روابط همسایگی در ایجاد شرایط جرم و بزهکاری تمرکز دارد. در یک تعریف مفهومی بی‌سازمانی اجتماعی به ناتوانی اجتماع در فهم و درک اهداف عمومی و حل مشکلات عمومی و به ناتوانی در حفظ کنترل اجتماعی مؤثر اشاره دارد (عباسی اسفجیر، فیروزجائیان و رحمانی، ۱۳۸۹: ۱۲۶). یکی از نظریه‌های مهم بی‌سازمانی اجتماعی، بحث کنترل اجتماعی است.

۱-۳. نظریه کنترل اجتماعی

نظریه‌های کنترل اجتماعی به طور کامل متأثر از آثار دورکیم است. به نظر وی شاید در جامعه‌ای که هم‌بستگی اجتماعی قوی است؛ اعضا با هنجارهای مشترک هم‌نوا شوند، ولی در جامعه‌ای که هم‌بستگی اعضای آن ضعیف است احتمال بزهکاری مردم بیشتر است (مظفری‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۴۶). فرض اصلی نظریه این است که بیشتر مردم، به دلیل کنترل درونی و هم‌کنترل بیرونی با ارزش‌ها

و هنجارهای اجتماعی (قانون اجتماع) هم‌نوایی می‌کنند (Hirschi, 1969: 16). وی هم‌نوایی و عدم هم‌نوایی با قانون را با چهار عامل پیوستگی، درگیر بودن، تعهد و اعتقاد مرتبط می‌داند. علت مهم قانون‌گرایی در پیوستگی اجتماعی است. میزان قدرت پیوستگی‌ها یا گروه‌هایی که فرد به افراد مهم دیگر (والدین، دوستان یا مدل‌های نقش) یا به نهادها (مدرسه و باشگاه‌ها)، دارد، می‌تواند مانع از قانون‌گریزی شود. دومین مورد، درگیر بودن به معنای درجه فعالیت (زمان و انرژی) مناسب برای رفتار رایج و یا غیررایج است. آنهایی که اغلب درگیر فعالیت رایج هستند، وقت کمتری برای درگیر شدن در قانون‌گریزی دارند (کاظمی‌پور ثابت، رضایی و رضانی فر، ۱۳۹۴: ۱۸۹). تعهد، ارائه‌کننده میزانی از سرمایه‌گذاری است که می‌تواند اشکالی نظیر میزان تحصیلات، شهرت خوب یا ایجاد یک کار تجاری را شامل شود. کسانی که از نظر تعهد به جامعه عادی مشکل دارند، اگر به واسطه درگیر شدن در قانون‌گریزی دستگیر شوند، چیز بیشتری را از دست خواهند داد. آخرین مورد یعنی اعتماد، در واقع نوعی قدردانی از قواعد جامعه به دلیل عادلانه بودن آنهاست؛ یعنی فرد به قواعد و هنجارها احترام می‌گذارد و نوعی تعهد اخلاقی ایجاد می‌شود، در اینجا عنصر اساسی احترامی است که برای نظام ارزشی مشترک وجود دارد (ویلیامز، ۱۳۹۲: ۲۰۹). در جامعه‌ای که همبستگی اجتماعی ضعیف است، احتمال بیشتری وجود دارد که مردم از قانون منحرف شوند (رابرتسون، ۱۳۹۰: ۷۵). نظریه کنترل، دوشیوه را برای کنترل اجتماعی و بازداشتن افراد جامعه از کج‌رفتاری و قانون‌گریزی معرفی کرده است:

الف) کنترل اجتماعی غیررسمی: نظارت اعضای خانواده، دوستان، بستگان و آشنایان،
ب) کنترل قانونی: نظارت نهادهای دولتی، قانونی، انتظامی و قضایی (کاظمی‌پور ثابت، رضایی و رضانی فر، ۱۳۹۴: ۱۹۰).

کنترل غیررسمی با عنصر شرم‌نده‌سازی همراه است. شرم‌نده‌سازی نوعی ابراز عدم تأیید اجتماعی رفتاری خاص، برای تحریک ندامت در شخص خلاف‌کار است. بریتوییت از دو نوع شرم‌نده‌سازی صحبت می‌کند:

الف) شرم‌نده‌سازی جداکننده: در این حالت فرد کج‌رفتار از جامعه هم‌نویان تبعید می‌شود.
ب) شرم‌نده‌سازی پیونده‌دهنده: ضمن درک احساس کج‌رفتار و نادیده گرفتن تخلف وی و حتی ابراز احترام به او، نوعی تقصیر در او ایجاد کرده، در نهایت او را از ادامه کج‌رفتاری باز می‌دارد و از بازگشت او به جمع هم‌نویان استقبال می‌کند. سبب اصلی گریز از قانون،

فقدان کنترل اجتماعی است. پیوندهای اجتماعی، نظارت قضایی و انتظامی و نظارت‌های همسایگی و اجتماع نقش بازدارندگی در هنجارشکنی افراد دارد. این امر، اعضای اجتماع را به پایبندی به عرف، هنجار و درگیری اجتماعی سوق می‌دهد و هم‌نوایی با هنجارهای اجتماعی را نه نوعی تضاد و مانع، بلکه به مثابه تسهیلگر اهداف اجتماعی تلقی می‌کند. پیوند میان فرد و جامعه، مهمترین سبب هم‌نوایی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فرد است و ضعف این پیوند یا نبود آن عامل اصلی کج‌رفتاری است (صدیق سروستانی، ۱۳۹۰: ۷۸).

جدول ۶. تلفیق نظریه سرمایه اجتماعی و نظریه پیوستگی اجتماعی

مؤلفه	وجود سرمایه اجتماعی شناختی	فقدان سرمایه اجتماعی شناختی
تعلق	تصوری که فرد نسبت به دیگران از خود دارد، تعلقات اجتماعی، خانوادگی، حرفه‌ای و محله‌ای	بی‌هویتی، بیگانگی اجتماعی و در خلأ اجتماعی خود را پنداشتن
تعهد	وفاداری و الزام عملی به اصول اخلاقی و مذهبی	مهم نبودن اهداف اجتماعی و ضوابط و اصول اخلاقی
مشغولیت	عضویت انجمنی و داشتن فراغت جمعی مثبت	خود را عضو جامعه ندانستن و در انزوا زیستن
باور	ایمان و باور به اصول دینی و اخلاقی	پوچ‌انگاری
نتیجه	عدم ارتکاب جرم	ارتکاب جرم

مأخذ: غفاری، ۱۳۹۲: ۶۹.

۲. روش پژوهش

روش مورد استفاده در پژوهش حاضر، فراتحلیل انجام شده با استفاده از شیوه کمی‌سازی اندازه اثر^۱ است. همه پژوهش‌های انجام شده و مقالات در مجلات معتبر، جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل داده‌اند. در ابتدای کار، روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری گلوله برفی، در نظر گرفته شد. از مجموع هجده مقاله تعداد ۶ مقاله به دلایل، فقدان ابزار معتبر به لحاظ نامرتب بودن با هدف پژوهش و اشکال در روش‌شناسی کنار گذاشته و در نهایت دوازده نمونه تجزیه تحلیل شد. در فراتحلیل، هدف بررسی اندازه اثر است. منظور از اندازه اثر، توانایی

1. Effect Size

مطالعه تأثیر متغیرهای مستقل بر وابسته و همچنین تبیین وضعیت متغیرهای اثرگذار و واسط بر متغیر وابسته است. اندازه اثر، میزانی است که حضور پدیده مورد نظر در جامعه را نشان داده و برای آن دو خانواده r و d وجود دارد. در خانواده (d) سه عنصر مهم و نسبتاً مشابه یعنی (d) کوهن (۱۹۷۷)، (g) هدگز (۱۹۸۷) و دلتای گلاس وجود دارد. با توجه به اینکه (d) کوهن از بقیه اندازه اثرها پرکاربردتر است در این پژوهش استفاده می‌شود. همچنین در جدول پیشنهادی کوهن اندازه اثرهای بین $۰/۲$ تا $۰/۵$ کوچک، $۰/۸$ متوسط و بزرگتر از $۰/۸$ بزرگ تفسیر می‌شود.

۳. یافته‌های پژوهش

ویژگی روشی پژوهش‌های تجربی به طور خلاصه در جدول ۷ آمده است.

جدول ۷. ویژگی روشی مطالعات تجربی قانون‌گریزی

کد	روش بررسی	فن پژوهش	شیوه نمونه‌گیری	جامعه آماری	حجم نمونه
۱	پیمایش (کمی)	پرسشنامه	طبقه‌ای تصادفی	-	۳۹۱
۲	پیمایش (کمی)	پرسشنامه	تصادفی سیستماتیک	۳۰۰۰	۱۴۵۰
۳	پیمایش (کمی)	پرسشنامه	تصادفی طبقه‌ای - چندمرحله‌ای	۶۰۰۰۰	۳۸۱
۴	پیمایش (کمی)	پرسشنامه	خوشه‌ای	۶۶۷۴۹۹	۳۸۴
۵	پیمایش (کمی)	پرسشنامه	تصادفی طبقه‌ای	۲۰۰۰	۳۵۰
۶	پیمایش (کمی)	پرسشنامه	تصادفی	۷۳	۶۲
۷	پیمایش (کمی)	پرسشنامه	خوشه‌ای چندمرحله‌ای	-	۴۰۰
۸	پیمایش (کمی)	پرسشنامه	خوشه‌ای چندمرحله‌ای	۸۸۴۹۵۴	۳۷۷
۹	پیمایش (کمی)	پرسشنامه	طبقه‌ای	۲۰۰۰۰	۴۰۰
۱۰	پیمایش (کمی)	پرسشنامه	خوشه‌ای چندمرحله‌ای	-	۴۰۰
۱۱	پیمایش (کمی)	پرسشنامه	تصادفی چندمرحله‌ای	-	۸۰۷
۱۲	پیمایش (کمی)	پرسشنامه و مصاحبه	خوشه‌ای چندمرحله‌ای	۷۲۰۰۰۰	۶۷۰

مأخذ: همان.

در جدول ۸، ویژگی‌های پژوهش‌ها برحسب نوع پژوهش، حوزه مطالعاتی، ویژگی نمونه، سال اجرای پژوهش، مکان و قلمرو پژوهش، روش و نویسندگان مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۸. ویژگی مکانی، سال و نوع پژوهش تجربی

موارد	جزئیات	فراوانی	فراوانی معتبر
نوع پژوهش	مقاله	۱۱	۹۱٫۷
	پایان‌نامه	۱	۸٫۳
حوزه مطالعاتی	علوم اجتماعی	۱۱	۹۱٫۷
	مدیریت	۱	۸٫۳
ویژگی نمونه	زن	۰	۰
	مرد	۱	۸٫۳
	زن و مرد (مشترک)	۱۱	۹۱٫۷
سال اجرای پژوهش	۱۳۹۶	۱	۸٫۳
	۱۳۹۴	۳	۲۵
	۱۳۹۳	۱	۸٫۳
	۱۳۹۲	۱	۸٫۳
	۱۳۹۱	۳	۲۵
	۱۳۸۹	۱	۸٫۳
	۱۳۸۴	۲	۱۶٫۷
	تهران	۳	۲۵
مکان و قلمرو پژوهش	ارومیه	۱	۸٫۳
	شیراز	۱	۸٫۳
	اردبیل	۱	۸٫۳
	اهواز	۲	۱۶٫۷
	تبریز	۱	۸٫۳
	یاسوج	۱	۸٫۳
	زاهدان	۱	۸٫۳
	اهر	۱	۸٫۳
روش	کمی	۱۲	۱۰۰
	کیفی	۰	۰
	ترکیبی	۰	۰
نویسنده اصلی پژوهش	عضو هیئت علمی و دکترای تخصصی	۱۹	۵۷٫۶
	دانشجوی دکترا و فوق‌لیسانس	۱۴	۴۲٫۴

۳-۱. سنخ‌شناسی نظری - تجربی پژوهش قانون‌گزینی

قانون انعکاس فرهنگ و هنجار یک اجتماع است و به معنای هم‌نوایی افراد با آیین‌های رسمی بوده و تخطی از آن مجازات اجتماعی را در پی دارد. ضمن داشتن جنبه تنبیهی در عدول از عنصر قانون، همیشه کج‌روانی هستند که به قانون پشت پا زده و از آن عبور می‌کنند. نظریه‌هایی که در پژوهش‌های ایرانی، به تفسیر و تبیین قانون‌گزینی پرداخته‌اند در ادامه آمده است.

جدول ۹. سنخ‌شناسی نظری - تجربی پژوهش قانون‌گزینی

نظریه	تعداد	فراوانی
نظم اجتماعی	۲	۵٫۹
کنترل اجتماعی	۵	۱۴٫۷
فرهنگ شهروندی	۱	۲٫۹
جامعه‌پذیری	۳	۸٫۸
آنومی اجتماعی	۹	۲۶٫۶
محرومیت نسبی	۳	۸٫۸
بوم‌شناختی	۱	۲٫۹
انتخاب عقلانی	۲	۵٫۹
فردگرایی	۱	۲٫۹
عدالت اجتماعی	۵	۱۴٫۷
سیستم‌ها	۲	۵٫۹
جمع	۳۴	۱۰۰

مأخذ: همان.

محققان برای تبیین امر قانون‌گزینی از نظریات متنوع و متعددی مانند (نظم، کنترل، فرهنگ شهروندی، جامعه‌پذیری، آنومی، محرومیت نسبی، بوم‌شناختی، انتخاب عقلانی، فردگرایی، عدالت اجتماعی و سیستم‌ها) کمک گرفته‌اند تا بتوانند این امر را در جامعه تحلیل کنند و به کشف زوایای مختلفی دست یابند. در بین این موارد پرکاربردترین نظریه تبیین‌کننده مسئله قانون‌گزینی، نظریه آنومی اجتماعی (۲۶٫۶ درصد) کنترل و عدالت اجتماعی هر یک با ۱۴٫۷، بیشترین کاربرد را

در بین محققان اجتماعی داشته و توانسته در مقایسه با سایر نظریات تبیین‌کننده بهتری برای امر قانون‌گزیزی به‌عنوان یک پدیده‌ای خارج از دنیای فردی افراد و مرتبط با زیست اجتماعی باشد.

۳-۲. خصیصه پژوهش قانون‌گزیزی در ایران

اطلاعات جمعیتی قانون‌گزیزی در ایران در جدول ۱۰ ارائه شده است.

جدول ۱۰. خصیصه ویژگی جمعیت شناختی پژوهش قانون‌گزیزی

نوع	صفت	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۵۵,۶۶
	زن	۴۴,۳۴
وضع تأهل	مجرد	۴۲,۷۴
	متأهل	۵۷,۲۶
قانون‌گزیزی	بالا	۳۵
	متوسط	۳۰
	پایین	۳۵
تحصیلات	دیپلم و زیر دیپلم	۱۱,۱۲
	دانشگاهی	۸۸,۸۸
قومیت	ترک	۹
	بختیاری	۲۸
	عرب	۲۷
	کرد	۱۹
	فارس	۱۷

مأخذ: همان.

۳-۳. مطالعات تجربی قانون‌گزیزی در ایران

در ایران پژوهش‌ها امر قانون‌گزیزی را تبیین کرده‌اند که در ادامه شرح داده شده است.

جدول ۱۱. ویژگی‌های پژوهش‌های قانون‌گزینی

ردیف	نام پژوهشگر	سال پژوهش	حجم نمونه	روش پژوهش	مکان پژوهش
۱	میرزایی و دیگران	(۱۳۹۶)	۳۹۱	پیمایش (کمی)	اهواز
۲	عشایری و دیگران	(۱۳۹۴)	۱۴۵۰	پیمایش (کمی)	اردبیل
۳	میرفردی و فرجی	(۱۳۹۴)	۳۸۱	پیمایش (کمی)	یاسوج
۴	پورتنقی	(۱۳۹۴)	۳۸۴	پیمایش (کمی)	ارومیه
۵	کوهی و دیگران	(۱۳۹۳)	۳۵۰	پیمایش (کمی)	اهر
۶	احمدنیا چینیجانی و دیگران	(۱۳۹۲)	۶۲	پیمایش (کمی)	زاهدان
۷	فیروزجائیان و هاشمی	(۱۳۹۱)	۴۰۰	پیمایش (کمی)	تهران
۸	مختاری، قهرمانی و قدرتی	(۱۳۹۱)	۳۷۷	پیمایش (کمی)	شیراز
۹	حیدری، رضادوست و فروتن‌کیا	(۱۳۹۱)	۴۰۰	پیمایش (کمی)	اهواز
۱۰	فیروزجائیان	(۱۳۸۹)	۴۰۰	پیمایش (کمی)	تهران
۱۱	رضایی	(۱۳۸۴)	۸۰۷	پیمایش (کمی)	وزارتخانه‌ها
۱۲	کلانتری، ربانی و صداقت	(۱۳۸۴)	۶۷۰	پیمایش (کمی)	تبریز

مأخذ: همان.

۴-۳. تعاریف مفاهیم اصلی پژوهش

- **فردگرایی منفی:** فردگرایی منفی به معنای ترجیح اهداف و منافع شخصی بدون توجه به منافع اجتماع است. هرچه میزان فردگرایی منفی بیشتر، احتمال زیر پا گذاشتن قوانین اجتماع برای کسب سود شخصی نیز بیشتر می‌شود.

- **بی‌تفاوتی اجتماعی:** بی‌تفاوتی در واقع به بی‌توجهی مدنی شهروندان نسبت به قوانین، هنجارها و ارزش‌های مشترک اجتماعی مربوط است. هرچه میزان بی‌توجهی و بی‌تفاوتی در جامعه بیشتر باشد به همان میزان نقش و اهمیت قانون بین شهروندان نیز کمتر خواهد شد.

- **مشارکت اجتماعی:** مشارکت اجتماعی بیانگر میزان درگیری افراد در اجتماع است. هرچه سطح مشارکت اجتماعی افراد بیشتر باشد، به همان اندازه نسبت به قانون، هم‌نوابی بیشتری خواهد داشت.

- **اعتماد تعمیم‌یافته:** اعتماد تعمیم‌یافته به معنای داشتن ایمان و باور به درستی، صداقت و اخلاقی بودن اعضای جامعه است. به همین دلیل هرچه نگرش‌ها نسبت به هم‌نوعان مثبت‌تر باشد، به همان میزان هم تلاش در جهت رعایت قوانین و موازینی که زمینه‌های این اعتماد و نگرش را فراهم می‌آورد، بیشتر خواهد بود.

- **پیوند اجتماعی:** پیوند اجتماعی، به معنای دل‌بستگی، مشارکت، تعهد و حس اتحاد بین مردم است. اندازه پیوندها قوی‌تر باشد، به همان اندازه هم تلاش در جهت رعایت قوانین به منظور حفظ این پیوندها بیشتر می‌شود.

- **سرمایه اقتصادی:** بیان‌کننده دارایی‌های مادی افراد است که پایگاه، منزلت، شأن و طبقه اجتماعی‌شان را مشخص می‌کند؛ بنابراین میزان سرمایه اقتصادی افراد تعیین‌کننده رعایت میزان قوانین در جامعه است. هر اندازه افراد سرمایه اقتصادی بالاتری داشته باشند، تمایل کمتری به تخطی از قوانین به منظور رسیدن به خواسته‌های مادی دارند.

- **سرمایه فرهنگی:** سرمایه فرهنگی به معنای دانش، آگاهی و سطح تحصیلات است که دارای سه مؤلفه نهادینه، تجسم‌یافته و نمادین است و یکی از مهمترین سرمایه‌های موجود در حفظ منزلت اجتماعی قانون محسوب می‌شوند. افرادی که از سرمایه فرهنگی بالایی برخوردار باشند به راحتی آداب و رسوم، قواعد و قوانین دیگران را می‌پذیرند و کمتر از آن تخطی می‌کنند.

- **اعتماد سیاسی:** به معنای اعتماد شهروندان به نهادهای سیاسی و حکومتی است. وجود اعتماد سیاسی باعث قانون‌گرا شدن شهروندان و طبقه‌های مختلف جامعه می‌شود.

- **انسجام سیاسی:** انسجام سیاسی به معنای داشتن همدلی اجتماعی، هم‌نوایی، یکپارچگی جامعه و اتحاد است. هرچه سطح انسجام سیاسی جامعه افزایش یابد، به همان میزان قانون‌گریزی کمتری می‌شود.

- **سنت‌گرایی:** به معنای داشتن باورهای سنتی، وابستگی به علایق خویشاوندسالارانه به جای شایسته‌سالاری و توجه به لیاقت و تخصص در اجتماع است، هرچه افراد سنت‌گراتر باشند، به همان میزان قانون‌گریزتر خواهند بود.

- **فقر فرهنگی:** به معنای نداشتن آگاهی فرهنگی، اجتماعی و فقدان دانش اجتماعی بوده و به نوعی بیانگر پایین بودن میزان دانش و اطلاعات اجتماعی افراد است. هرچه سطح فقر فرهنگی بیشتر باشد، افراد به جای قانون به سمت سنت، عرف و روابط عرفی بازمی‌گردند.

- **دین‌داری:** دین‌داری به معنای داشتن تقید به عقاید و باورهای دینی و متعهد بودن به قوانین دینی است. نظام دینی، عنصر مهمی در کنترل افراد و واداشتن آنها به هم‌نوایی با قانون است. هرچه افراد دین‌دارتر، به همان میزان قانون‌گراتر خواهند بود.

- **میزان آگاهی از قانون:** آگاهی از قانون همان شناخت و دانش اجتماعی افراد از قانون،

حقوق و وظایف شهروندی است. افراد آگاه از قانون به علت فهم کارکرد مهم قانون در تعادل و انسجام و توسعه جامعه، کمتر به قانون‌گریزی دست می‌زنند.

- **جایگاه اجتماعی پایین قانون:** ارج و منزلت قانون و هنجارهای اجتماعی بستگی به میزان پذیرش و مقبولیت آن از سوی شهروندان یک جامعه دارد. جامعه وقتی به ارزش‌های نهادینه شده بیشترین توجه و التزام را دارد که برای آن ارج و اعتبار قائل باشد. میزان اقتدار قانون بستگی به جایگاه منزلتی آن در جامعه دارد. با تضعیف منزلت اجتماعی قانون و بی‌توجهی عمومی به رعایت آن، قانون‌گریزی در بدنه جامعه رسوخ یافته و بی‌هنجاری و دورزدن قانون متداول می‌شود.

- **ضعف عملکرد نظام قضایی:** نظام قضایی، نهادی است که مجری قانون در اجتماع است. عملکرد ضعیف نظام قضایی در برخورد با قانون‌گریزان، مجرمان و مفسدان اجتماعی؛ باعث رسوخ بی‌اعتباری و بی‌کارکردی قانون در اجتماع شده و زمینه قانون‌گریزی شهروندان را فراهم می‌آورد.

- **میزان استفاده از رسانه:** رسانه‌ها، نقش کنترلی قوی در اجتماع دارند، هرچه سطح استفاده از رسانه به مثابه ابزار کنترل در بین شهروندان توسعه یابد، به همان میزان سطح خودکنترلی و رعایت قانون نیز بیشتر می‌شود.

- **کنترل اجتماعی:** شرط تداوم نظم جامعه وجود عنصری از نظارت یا بازدارندگی در جامعه است. جامعه از دو نظارت اجتماعی درونی و بیرونی تشکیل یافته است. نظارت درونی شامل تعهد، باور و دلبستگی عاطفی به قوانین جامعه بوده و نظارت بیرونی شامل تلاش همه نهادهای اجتماعی، انتظام پلیسی، نهادهای دولتی و جامعه مدنی در هم‌نوایی با قوانین جامعه است. فقدان نظارت یا تضعیف در نظارت بر شهروندان، منجر به آزادی و بی‌بندباری در نظم‌پذیری می‌شود.

- **بیگانگی شغلی:** بیگانگی شغلی نوعی بی‌علاقگی به شغل در سازمان اشاره دارد که فرد رغبت چندانی به شغل مورد نظر نداشته و دچار روزمرگی در شغل خود شده است. هرچه احساس بیگانگی شغلی بیشتر، به همان میزان پایبندی به قانون کمتر می‌شود.

- **انزجار اجتماعی - سیاسی:** نوعی بی‌تفاوتی نسبت به وضعیت سیاسی و اجتماعی است. هرچه افراد به نظام سیاسی و اجتماعی، احساس ناخوشایند، انزجار و تنفر بیشتری داشته باشند، تمایل کمتری به رعایت قوانین خواهند داشت.

جدول ۱۲. ضریب همبستگی، سطح معناداری و شدت اثر پژوهش

اثرگذاری	سطح شدت	فرض ناهمگونی		گزارش آماری			نوع اثر	متغیر	
		sig	Q	sig	Z	Effect Size			
فردگرایی	کم	۰,۰۰۱	۱۵,۸۵۹	۰,۰۰۰	۴,۷۸۲	۰,۲۷۶	تصادفی	فردگرایی منفی	
	متوسط	۰,۰۰۰	۱۹,۷۴۹	۰,۰۰۰	۷,۳۸۰	۰,۳۶۸	تصادفی	بی‌تفاوتی اجتماعی	
	متوسط	۰,۰۰۲	۲۴,۳۶۷	۰,۰۰۰	۱۱,۵۴۲	۰,۳۸۸	تصادفی	اثر کل فردگرایی	
سرمایه‌ای	متوسط	۰,۰۱۰	۶,۶۶۲	۰,۰۰۰	۴,۳۶۲	۰,۳۸۷	تصادفی	مشارکت اجتماعی	
	متوسط	۰,۰۰۰	۳۲,۶۲۱	۰,۰۰۰	۵,۶۲۲	۰,۳۷۹	تصادفی	اعتماد تعمیم‌یافته	
	کم	۰,۰۰۰	۰,۰۱۰	۰,۰۰۰	۶,۶۵۳	۰,۲۳۶	تصادفی	پیوند اجتماعی	
	کم	۰,۰۰۰	۲۰,۹۴۱	۰,۰۰۰	۴,۹۱۵	۰,۲۹۶	تصادفی	سرمایه اقتصادی	
	متوسط	۰,۰۰۰	۵۹,۱۴۵	۰,۰۰۰	۹,۳۲۴	۰,۴۱۵	تصادفی	سرمایه فرهنگی	
	متوسط	۰,۰۰۳	۶۷,۳۴۱	۰,۰۰۱	۱۰,۲۵۸	۰,۴۰۷	تصادفی	اثر کل متغیر سرمایه‌ای	
	کم	۰,۰۷۵	۱,۷۶۳	۰,۰۰۰	۷,۰۵۹	۰,۲۰۱	ثابت	اعتماد سیاسی	سیاسی
متوسط	۰,۰۰۱	۷۴,۳۶۲	۰,۰۰۶	۲۰,۲۳۷	۰,۳۴۵	تصادفی	انسجام سیاسی		
متوسط	۰,۲۶۳	۱,۲۳۸	۰,۰۰۱	۹,۶۴۱	۰,۳۱۰	ثابت	اثر کل متغیر سیاسی		
فرهنگی	کم	۰,۹۱۵	۰,۱۷۷	۰,۰۰۰	۷,۵۹۶	۰,۱۹۳	ثابت	سنت‌گرایی	
	کم	۰,۰۰۰	۲۵,۵۳۵	۰,۰۰۸	۱,۶۰۸	۰,۲۵۵	تصادفی	فقر فرهنگی	
	متوسط	۰,۰۰۰	۲۷,۴۸۷	۰,۰۰۱	۳,۲۸۲	۰,۳۱۵	تصادفی	دین‌داری	
متوسط	۰,۰۰۳	۳۴,۹۵۲	۰,۰۰۰	۱۴,۵۹۶	۰,۳۹۸	تصادفی	اثر کل متغیر فرهنگی		
قانونی	کم	۰,۰۰۷	۷,۳۷۷	۰,۰۱۳	۲,۴۷۳	۰,۱۵۶	تصادفی	میزان آگاهی از قانون	
	متوسط	۰,۰۳۳	۴,۵۶۰	۰,۰۰۰	۸,۰۹۳	۰,۴۵۱	تصادفی	جایگاه اجتماعی پایین قانون	
	متوسط	۰,۰۰۰	۲۱,۸۹۶	۰,۰۰۰	۹,۶۴۲	۰,۳۴۶	تصادفی	اثر کل متغیر قانونی	
کنترلی	کم	۰,۰۰۰	۳۴,۵۴۱	۰,۰۰۰	۴,۲۱۰	۰,۲۶۹	تصادفی	ضعف عملکرد نظام قضایی	
	کم	۰,۲۸۶	۱,۱۴۰	۰,۰۰۰	۴,۶۲۵	۰,۱۷۰	ثابت	میزان استفاده از رسانه	
	کم	۰,۰۰۰	۰,۹۸۵	۰,۰۰۰	۱۱,۳۲۲	۰,۲۵۹	تصادفی	کنترل اجتماعی	

سطح اثرگذاری	فرض ناهمگونی		گزارش آماری			نوع اثر	متغیر
	sig	Q	sig	Z	Effect Size		
متوسط	۰,۰۰۹	۱۴,۳۸۵	۰,۰۰۳	۹,۱۰۷	۰,۳۲۲	تصادفی	اثر کل متغیر کنترلی
متوسط	۰,۰۰۰	۲۳,۰۴۱	۰,۰۰۰	۱۱,۱۹۶	۰,۴۹۱	تصادفی	آنومی
کم	۰,۰۰۴	۴۵,۷۹۶	۰,۰۰۳	۷,۲۵۱	۰,۲۵۴	تصادفی	بی‌هنجاری
زیاد	۰,۰۰۲	۶۹,۷۴۶	۰,۰۰۰	۱۸,۵۹۶	۰,۵۲۶	تصادفی	اثر کل متغیر آنومی - بی‌هنجاری
کم	۰,۰۰۰	۱۸,۹۵۲	۰,۰۰۴	۲,۶۳۷	۰,۰۴۹	تصادفی	جنسیت
کم	۰,۰۰۰	۹۷,۹۶۸	۰,۰۱۱	۲,۵۳۲	۰,۱۲۷	تصادفی	وضع تأهل
کم	۰,۰۰۰	۱۴,۶۵۸	۰,۰۰۳	-۰,۱۷۳	۰,۱۵۶	تصادفی	نوع شغل (دولتی و غیردولتی)
کم	۰,۰۰۰	۱۸,۶۲۷	۰,۰۰۷	۶,۸۴۵	۰,۲۶۸	تصادفی	اثر کل متغیر جمعیتی
کم	۰,۰۰۰	۱۱۶,۴۴۴	۰,۰۰۰	۷,۱۶۶	۰,۲۳۳	تصادفی	اثر کل پژوهش

نتایج حاصل از جدول ۱۲ نشان می‌دهد:

اثر کل متغیر فردگرایی: $Effect\ Size = ۰,۳۸۸$

- متغیر فردگرایی منفی در سطح $P-Value = ۰/۰۰۰$ دارای تأثیر معناداری بر قانون‌گریزی بوده و توانسته $۰,۲۷۶$ درصد از تغییرات قانون‌گریزی را تبیین کند.

- متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی در سطح $P-Value = ۰/۰۰۰$ دارای تأثیر معناداری بر قانون‌گریزی بوده و توانسته $۰,۳۶۸$ درصد از تغییرات قانون‌گریزی را تبیین کند.

اثر کل متغیر سرمایه‌ای: $Effect\ Size = ۰,۴۰۷$

- متغیر مشارکت اجتماعی در سطح $P-Value = ۰/۰۰۰$ دارای تأثیر معناداری بر قانون‌گریزی بوده و توانسته $۰,۳۸۷$ درصد از تغییرات قانون‌گریزی را تبیین کند.

- متغیر اعتماد تعمیم‌یافته در سطح $P-Value = ۰/۰۰۰$ دارای تأثیر معناداری بر قانون‌گریزی بوده و توانسته $۰,۳۷۹$ درصد از تغییرات قانون‌گریزی را تبیین کند.

- متغیر پیوند اجتماعی در سطح $P-Value = ۰/۰۰۰$ دارای تأثیر معناداری بر قانون‌گریزی بوده و توانسته $۰,۲۳۶$ درصد از تغییرات قانون‌گریزی را تبیین کند.

- متغیر سرمایه اقتصادی در سطح $P\text{-Value} = 0/000$ دارای تأثیر معناداری بر قانون‌گزیزی بوده و توانسته ۰٫۲۹۶ درصد از تغییرات قانون‌گزیزی را تبیین کند.

- متغیر سرمایه فرهنگی در سطح $P\text{-Value} = 0/000$ دارای تأثیر معناداری بر قانون‌گزیزی بوده و توانسته ۰٫۴۱۵ درصد از تغییرات قانون‌گزیزی را تبیین کند.

اثر کل متغیر سیاسی: $\text{Effect Size} = 0,310$

- متغیر اعتماد سیاسی در سطح $P\text{-Value} = 0/000$ دارای تأثیر معناداری بر قانون‌گزیزی بوده و توانسته ۰٫۲۰۱ درصد از تغییرات قانون‌گزیزی را تبیین کند.

- متغیر انسجام سیاسی در سطح $P\text{-Value} = 0/006$ دارای تأثیر معناداری بر قانون‌گزیزی بوده و توانسته ۰٫۳۴۵ درصد از تغییرات قانون‌گزیزی را تبیین کند.

اثر کل متغیر فرهنگی: $\text{Effect Size} = 0,398$

- متغیر سنت‌گرایی در سطح $P\text{-Value} = 0/000$ دارای تأثیر معناداری بر قانون‌گزیزی بوده و توانسته ۰٫۱۹۳ درصد از تغییرات قانون‌گزیزی را تبیین کند.

- متغیر فقر فرهنگی در سطح $P\text{-Value} = 0/008$ دارای تأثیر معناداری بر قانون‌گزیزی بوده و توانسته ۰٫۲۵۵ درصد از تغییرات قانون‌گزیزی را تبیین کند.

- متغیر دین‌داری در سطح $P\text{-Value} = 0/001$ دارای تأثیر معناداری بر قانون‌گزیزی بوده و توانسته ۰٫۳۱۵ درصد از تغییرات قانون‌گزیزی را تبیین کند.

اثر کل متغیر قانونی: $\text{Effect Size} = 0,346$

- متغیر میزان آگاهی از قانون در سطح $P\text{-Value} = 0/013$ دارای تأثیر معناداری بر قانون‌گزیزی بوده و توانسته ۰٫۱۵۶ درصد از تغییرات قانون‌گزیزی را تبیین کند.

- متغیر جایگاه اجتماعی پایین قانون در سطح $P\text{-Value} = 0/000$ دارای تأثیر معناداری بر قانون‌گزیزی بوده و توانسته ۰٫۴۵۱ درصد از تغییرات قانون‌گزیزی را تبیین کند.

اثر کل متغیر کنترلی: $\text{Effect Size} = 0,322$

- متغیر ضعف عملکرد نظام قضایی در سطح $P\text{-Value} = 0/000$ دارای تأثیر معناداری بر قانون‌گزیزی بوده و توانسته ۰٫۲۶۹ درصد از تغییرات قانون‌گزیزی را تبیین کند.

- متغیر میزان استفاده از رسانه در سطح $P\text{-Value} = 0/000$ دارای تأثیر

معناداری بر قانون‌گزیزی بوده و توانسته ۰٫۱۷۰ درصد از تغییرات قانون‌گزیزی را تبیین کند.

- متغیر کنترل اجتماعی در سطح $P\text{-Value} = ۰/۰۰۰$ دارای تأثیر معناداری بر قانون‌گزیزی بوده و توانسته ۰٫۲۵۹ درصد از تغییرات قانون‌گزیزی را تبیین کند.

اثر کل متغیر انومی - بی‌هنجاری: $Effect\ Size = ۰٫۵۲۶$

- متغیر بیگانگی شغلی در سطح $P\text{-Value} = ۰/۰۰۰$ دارای تأثیر معناداری بر قانون‌گزیزی بوده و توانسته ۰٫۴۹۱ درصد از تغییرات قانون‌گزیزی را تبیین کند.

- متغیر احساس انزجار اجتماعی - سیاسی در سطح $P\text{-Value} = ۰/۰۰۳$ دارای تأثیر معناداری بر قانون‌گزیزی بوده و توانسته ۰٫۲۵۴ درصد از تغییرات قانون‌گزیزی را تبیین کند.

اثر کل متغیر جمعیتی: $Effect\ size = ۰٫۲۶۸$

- متغیر جنسیت در سطح $P\text{-Value} = ۰/۰۰۴$ دارای تأثیر معناداری بر قانون‌گزیزی بوده و توانسته ۰٫۰۴۹ درصد از تغییرات قانون‌گزیزی را تبیین کند.

- متغیر وضع تأهل در سطح $P\text{-Value} = ۰/۰۱۱$ دارای تأثیر معناداری بر قانون‌گزیزی بوده و توانسته ۰٫۱۲۷ درصد از تغییرات قانون‌گزیزی را تبیین کند.

- متغیر نوع شغل در سطح $P\text{-Value} = ۰/۰۰۳$ دارای تأثیر معناداری بر قانون‌گزیزی بوده و توانسته ۰٫۱۵۶ درصد از تغییرات قانون‌گزیزی را تبیین کند.

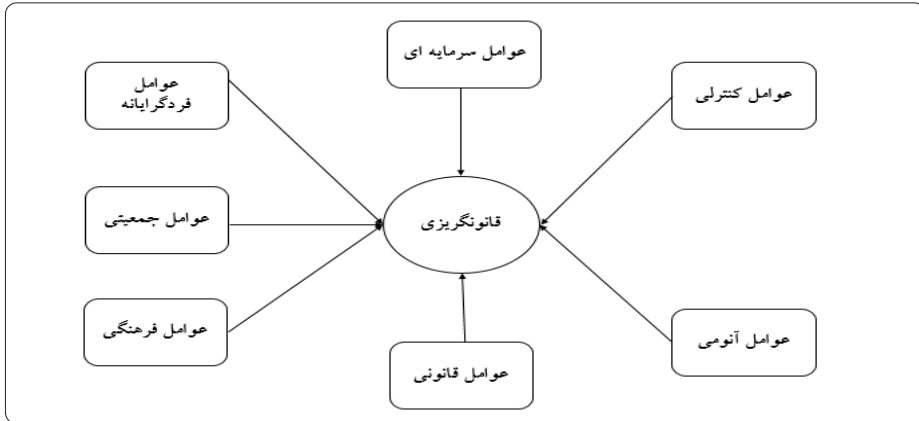
- به‌طور کلی میزان اندازه اثر ترکیبی مجموع متغیرهای مستقل معنادار بر متغیر وابسته قانون‌گزیزی برابر با ۰٫۲۳۳ است، به این معنا که این متغیرها توانسته‌اند ۲۳ درصد از تغییرات متغیر قانون‌گزیزی را تبیین کنند و ۷۷ درصد از تغییرات نیز مربوط به خطا، آثار بیرونی و سایر عواملی است که در مدل پیش‌بینی نشده است.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

قانون، عنصر مهم نگهداشت تمامی نظام‌های سیاسی محسوب می‌شود و دارای ضمانت اجرایی است که شهروندان یک جامعه ملزم به رعایت آن هستند و هرگونه تخطی و سرپیچی از آن با عنوان قانون‌گزیزی مطرح می‌شود. تخطی از قوانین و مقررات اجتماعی امری است

که در جوامع بشری یافت می‌شود و معمولاً همه افراد هم‌نوا با قانون نیستند. در ایران هم مطالعات تاریخی (سفرنامه‌های تاریخی) و مطالعات پرسشنامه‌ای (پژوهش تجربی) نشان می‌دهد که در بین شهروندان، کج‌راهه و عبور از قانون با اهداف و توجیه‌های مختلفی انجام می‌شود. پژوهش فعلی برای رسیدن به یک جمع‌بندی مناسب درباره علت‌های اصلی قانون‌گزیزی شهروندان نتایج تجربی مطالعات پیمایش قانون‌گزیزی را در سطح کشور؛ جمع‌آوری و در قالب فراتحلیل ترکیب و به آن انسجام بخشیده است. برای دستیابی به این هدف که چه عواملی بر قانون‌گزیزی مؤثر بوده، دوازده سند پژوهشی را با استفاده از روش فراتحلیل ترکیب و اندازه اثر (میزان ضریب تأثیرگذاری متغیر مستقل بر وابسته) را برآورده کرده است. نتایج توصیفی نشان می‌دهد به لحاظ جنسیت جامعه آماری مرد (۵۵٫۶۶)، زن (۴۴٫۳۴)، مجرد (۴۲٫۷۴)، متأهل (۵۷٫۲۶)، دیپلم و زیر دیپلم (۱۱٫۱۲) و دانشگاهی (۸۸٫۸۸) هستند. قومیت ترک (۹)، بختیاری (۲۸)، عرب (۲۷)، کرد (۱۹) و فارس (۱۷) درصد هستند. سطح کلی قانون‌گزیزی در ایران ۳۵ درصد بالا، ۳۰ درصد متوسط و ۳۵ درصد پایین است. در مجموع می‌توان گفت که میزان گرایش به قانون‌گزیزی نسبتاً بالاست. یافته‌های تحلیلی پژوهش نشان می‌دهد که متغیرهای فردگرایی (۰٫۳۸۸)، سرمایه‌ای (۰٫۴۰۷)، سیاسی (۰٫۳۱۰)، متغیرهای فرهنگی (۰٫۳۹۸)، قانونی (۰٫۳۴۶)، کنترلی (۰٫۳۲۲)، آنومی - بی‌هنجاری (۰٫۵۲۶) و جمعیتی (۰٫۲۶۸) بر قانون‌گزیزی شهروندان تأثیرگذار بوده است. بر این اساس نتایج این پژوهش با دیدگاه‌های نظری احمدی (۱۳۸۴)، برنارد و دیگران (۱۳۹۲)، هیرشی (۱۹۶۹)، ترنر (۱۳۹۰)، رابرتسون (۱۳۹۰)، ریتزر (۱۳۹۱) همسو بوده و به لحاظ نظری بی‌سازمانی اجتماعی و نظریه کنترل اجتماعی امر قانون‌گزیزی در ایران را تبیین می‌کنند؛ و با نتایج تجربی میرزایی و دیگران (۱۳۹۶)، عشایری و دیگران (۱۳۹۴)، میرفردی و فرجی (۱۳۹۴)، پورتنقی (۱۳۹۴)، کوهی و دیگران (۱۳۹۳)، احمدنیا چنیجانی و دیگران (۱۳۹۲)، فیروزجائیان و هاشمی (۱۳۹۱)، مختاری، قهرمانی و قدرتی (۱۳۹۱)، حیدری، رضادوست و فروتن‌کیا (۱۳۹۱)، فیروزجائیان (۱۳۸۹)، رضایی (۱۳۸۴) و کلانتری، ربانی و صداقت (۱۳۸۴) همسو بوده و آن را تأیید می‌کند. متناسب با یافته‌های پژوهش می‌توان مدل نهایی قانون‌گزیزی را به شرح زیر ترسیم کرد.

شکل ۱. مدل نهایی ریشه قانون‌گزینی در ایران



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

- با توجه به یافته‌های پژوهش در ادامه پیشنهادهای کاربردی و پژوهشی ارائه می‌شود:
- تقویت اعتماد سیاسی مردم نسبت به نهادهای اجتماعی و قانون،
 - برخورد جدی با قانون‌گريزان و ترمیم اعتماد مردم نسبت به عملکرد نهادهای مجری قانون،
 - آموزش اهمیت قانون حقوق شهروندی در مدارس و نهادهای آموزشی،
 - استفاده از رسانه‌های جمعی درباره ایثارگری و تفکر جمع‌گرایی و نقش مسئولیت و تعهد اجتماعی شهروندان نسبت به قانون و یکدیگر،
 - بهبود وضعیت سرمایه اجتماعی مردم، نهادها و ارگان‌ها نسبت به همدیگر،
 - کاهش فاصله اجتماعی بین مردم، قانون و نهادهای اجرایی،
 - افزایش پاسخگویی و شفافیت نسبت به وقایع اجتماعی،
 - انجام مطالعه بارویکرد اکتشافی، دلفی و کیفی در بین متخصصان جامعه درباره علت قانون‌گزینی،
 - مطالعه تاریخ جامعه ایرانی از دوره‌های تاریخی گذشته تا به امروز و فهم و علت‌کاوی مسئله قانون و گریز از آن،
 - انجام مطالعات پیمایشی در سطح ملی، استانی و خرد متناسب با نظام خرده فرهنگ جغرافیایی و سنت‌های اجتماعی در ارتباط با گریز از قانون،
 - تبیین مردم‌شناختی و انسان‌شناختی فهم مردم از قانون و علت احساس تعارض با آن.

منابع و مآخذ

۱. احمدنیا چنیجانی، اکرم، امیرحمزه سالارزائی، نورمحمد یعقوبی، نجمه مهدی‌بیگی و آریتا گرگیج (۱۳۹۲). «تبیین عوامل تأثیرگذار بر قانون‌گریزی در سازمان»، فصلنامه علمی-پژوهشی حقوق‌اداری، سال اول، ش ۲.
۲. احمدی، حبیب (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی انحرافات، تهران، سمت.
۳. برنارد، تامس (۱۳۹۲). جرم‌شناسی نظری ولد، ترجمه علی شجاعی، تهران، نشر دادگستر.
۴. پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش ایرانیان (۱۳۹۴). «طرح ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان»، گزارش کشوری، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۵. پورتنقی، پروین (۱۳۹۴). «بررسی میزان قانون‌گریزی و عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با آن در بین شهروندان (۱۸-۶۵) ساله شهر ارومیه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز.
۶. پیروز، علی‌آقا (۱۳۸۴). مدیریت در اسلام، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم.
۷. ترنر، جانانان اچ (۱۳۹۰). مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی، ترجمه محمد فولادی و محمدعزیز بختیاری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۸. حیدری، آرش، کریم رضادوست و شهروز فروتن‌کیا (۱۳۹۱). «نظریه‌ازهم‌گسیختگی نهادی و قانون‌گریزی»، مسائل اجتماعی ایران، سال سوم، ش ۲.
۹. رابرتسون، یان (۱۳۹۰). درآمدی بر جامعه با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ستیز و کنش متقابل نمادین، ترجمه حسین بهروان، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۰. رضایی، محمد (۱۳۸۴). «میزان، نوع و عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، ش ۳.
۱۱. ریتزر، جورج (۱۳۹۱). نظریه جامعه‌شناختی معاصر: ریشه‌های کلاسیک آن، ترجمه خلیل میرزایی و علی بقایی سرابی، تهران، جامعه‌شناسان.
۱۲. صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران، انتشارات آن.
۱۳. طاهری، ابوالقاسم (۱۳۷۹). تاریخ اندیشه‌های سیاسی در غرب، تهران، قومس.
۱۴. عباسی اسفنجیر، علی‌اصغر، علی فیروزجائیان و علی رحمانی (۱۳۸۹). «محل‌ها و روابط همسایگی، مکانیسمی ساختاری در ایجاد جرم»، مجله امنیت، سال اول، ش ۲.
۱۵. عشایری، طاها، الهام عباسی، علیرضا نطقی کاشانی و نرگس پیرحیاتی (۱۳۹۴). «بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر قانون‌گریزی شهروندان استان اردبیل»، فصلنامه پژوهش‌های دانش‌انتظامی، سال هفدهم.

۱۶. علمی، محمود (۱۳۸۵). «بررسی پایداری مردم به قانون مداری و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، پایان نامه کارشناسی ارشد، معاونت پژوهشی، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز.
۱۷. عمید، حسن (۱۳۹۰). فرهنگ عمید، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۸. غفاری، غلامرضا (۱۳۹۲). سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی، تهران، نشر جامعه‌شناسان.
۱۹. فکور، علی (۱۳۷۸). «قانون؛ قانون‌گرایی و گروه‌های اجتماعی»، نشریه فرهنگ عمومی، ش ۲۰.
۲۰. فیروزجائیان، علی اصغر (۱۳۸۹). «قانون‌گرایی (تحلیلی از منظر نظریه عدالت رویه‌ای)»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، ش ۴۲.
۲۱. فیروزجائیان، علی اصغر و سیدضیا هاشمی (۱۳۹۱). «قانون‌گرایی به مثابه انومی اجتماعی»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، سال اول، ش ۱.
۲۲. کاظمی پور ثابت، شهلا، حسین رضایی و حدیثه رضانی فر (۱۳۹۴). «سنجش نگرش جامعه‌میزبان به گسترش آسیب‌های اجتماعی ناشی از توسعه گردشگری در شهر همدان»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره هشتم، ش ۱.
۲۳. کلانتری، صمد، رسول ربانی و کامران صداقت (۱۳۸۴). «ارتباط فقر با قانون‌گرایی و شکل‌گیری آسیب اجتماعی»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، ش ۱۸.
۲۴. کوهی، کمال، سعید تمنا، جواد حسن‌پور و عبدالهادی میرزایی (۱۳۹۳). «تبیین جامعه‌شناختی قانون‌گرایی رانندگان وسایل نقلیه سبک»، فصلنامه مطالعات پژوهشی راهور، سال سوم، ش ۱۰.
۲۵. ماهروی، ابوالحسن (۱۳۸۱). «حقوق و تکالیف شهروندی و قانون‌گرایی شهروندان»، نشریه عدالت، دوره دوم، ش ۳.
۲۶. محسنی، رضاعلی (۱۳۸۸). «رابطه قانون‌گرایی با کاهش جرائم»، ماهنامه د/درسی، سال نهم، ش ۵۱.
۲۷. مختاری، مریم، مریم قهرمانی و حسین قدرتی (۱۳۹۱). «عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان قانون‌گرایی در روابط اجتماعی (مورد مطالعه افراد ۱۸ سال به بالای ساکن در شهر شیراز)»، فصلنامه دانش انتظامی، سال چهاردهم، ش ۲.
۲۸. مظفری زاده، سجاد (۱۳۹۱). ترمینولوژی جرم‌شناسی، تهران، بهینه فراگیر.
۲۹. میرزایی، ابراهیم، یعقوب احمدی، احمد بخارایی و هوشنگ ناییبی (۱۳۹۶). «قانون‌گرایی و پیوندهای اجتماعی (مطالعه موردی: شهر اهواز)»، جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هشتم، ش ۳.

۳۰. میرفردی، اصغر و فروغ فرجی (۱۳۹۴). «بررسی میزان گرایش به قانون‌گریزی و رابطه آن با میزان مشارکت اجتماعی و میزان کنترل اجتماعی در شهر یاسوج»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و هفتم، شماره پیاپی (۶۲)، ش ۲.

۳۱. نیازی، محسن و طاها عشایری (۱۳۹۴). *نزاع دسته‌جمعی در جوامع عشایری ایران*، تهران، سخنوران.

۳۲. نیازی، محسن، محمد نصرآبادی کارکنان و طاها عشایری (۱۳۹۵). *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران، نشر سخنوران.

33. Banfield, Edward. C. (1958). *The Moral Basis of a Backward Society*, Glencoe, IL, The Free Pres.

34. Crossman, A. (2013). "Sociological Theories", available at <http://sociology.about.com/od/Sociology101/tp/Major-Sociological-Frameworks>, No. 41.

35. Gad, Barzilai (2003). *Communities and Law, Politics and Cultures of Legal Identities*, The University of Michigan Press, Harvard University Press.

36. Hechter, M. and C. Horne (2001). *Theories of Social Order*, Stanford University Press.

37. Hirschi, T. (1969). *Causes of Delinquency, Berkeley and Los Angeles*, University of California Press.

38. Olson, Mancur (1965). *The Logic of Collective Action*, Cambridge, Mass, Harvard University Press.

39. Stewart and Burgess (1996). "Collins Dictionary of Law", *Harper Collins Publishers*, No. 49.

40. Zaleski, Pawel (2008). Tocqueville on Civilian Society. A Romantic Vision of the Dichotomic Structure of Social Reality, *jstor Journal*, Vol. 50, No. 78.

فرم اشتراک

خوانندگان محترمی که مایل به اشتراک هستند می‌توانند حق اشتراک خود را به شماره حساب سیبا ۲۰۰۸۰۰۲۹۰۴۲۷۰، به نام تمرکز وجوه درآمد عمومی مرکز پژوهش‌ها نزد بانک ملی شعبه بلوار کشاورز کد ۱۹۰ واریز و اصل سند بانکی را به همراه برگ تکمیل شده اشتراک به نشانی دفتر فصلنامه ارسال فرمایند.

بهای اشتراک: درخواست سالانه ۴ شماره ۸۰۰,۰۰۰ ریال + هزینه پستی هر شماره ۴,۰۰۰ ریال.

ضمناً برای مشترکین قبلی تا اتمام حق اشتراک آنها فصلنامه به نرخ سابق ارسال خواهد شد.

نشانی: تهران، خیابان پاسداران، روبه‌روی پارک نیاوران (ضلع جنوبی)، پلاک ۸۰۲، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر امور مشترکین.

فرم درخواست اشتراک

به پیوست حواله بانکی به مبلغ ریال ارسال می‌شود، خواهشمند است

به تعداد ۴ یا ۸ شماره فصلنامه مجلس و راهبرد را به نام

به نشانی زیر ارسال فرمایید:

نام و نام خانوادگی: شغل: تحصیلات:

نشانی:

کد پستی: تلفن: دورنگار:

E-mail:

شیوه‌نامه نگارش مقاله

۱. ساختار مقاله باید مطابق یک روش علمی شناخته‌شده باشد و چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، متن ساختارمند، نتیجه‌گیری و منابع و مأخذ نیز داشته باشد و روش تحقیق شامل موضوع تحقیق، اهداف تحقیق، فرضیه‌ها یا سؤالات تحقیق و ادبیات موضوع به صورت مختصر ولی روشن و در حد امکان در بخش مقدماتی (مقدمه مقاله) ارائه شود.
 ۲. چکیده حداکثر دارای ۳۰۰ واژه و دربردارنده عنوان و موضوع مقاله، روش تحقیق و مهم‌ترین نتایج و فهرستی از کلیدواژه‌ها (حداکثر ۱۰ واژه) باشد و به‌طور جداگانه ضمیمه مقاله شود و در پاورقی رتبه‌بندی دانشگاهی، دانشگاه محل خدمت و پست الکترونیکی مؤلف (نویسنده مسئول) و دیگر همکاران احتمالی ارائه شود.
 ۳. ارسال ترجمه انگلیسی عنوان مقاله، چکیده و کلیدواژه‌ها نیز همراه مقاله ضرورت دارد.
 ۴. مقاله در قالب صفحه A4 با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها و میان سطرها حروفچینی شود.
 ۵. ارسال مقاله از طریق ثبت نام در سایت فصلنامه به آدرس <http://nashr.majles.ir> انجام شود.
 ۶. حجم مقاله ارسالی باید بین ۳۰۰ تا ۸۰۰ کلمه باشد (۱۰ تا ۱۵ صفحه قطع A4 با احتساب چکیده‌های فارسی و انگلیسی).
 ۷. مقاله ارسالی نباید در هیچ مجله داخلی یا خارجی چاپ و یا به سایر مجلات فرستاده شده باشد.
 ۸. فصلنامه مجلس و راهبرد در اصلاح و ویرایش مقالات آزاد است.
 ۹. در مقابل اطلاعات، آمارها و هرگونه ادعایی، منبع به صورت درون‌متنی آورده و در پایان نیز مرجع کامل آن ذکر شود. این بند شامل جدول‌ها و نمودارها نیز می‌شود.
- منابع فارسی: نام خانوادگی مؤلف، سال نشر؛ صفحه؛ مثال (فرهادی، ۱۳۷۶: ۶۵).
- منابع لاتین: صفحه؛ سال نشر، نام خانوادگی مؤلف؛ مثال (Smith, 1995: 18).
- در صورت تکرار پی در پی (بدون فاصله) منابع، به ذکر کلمه «همان» با شماره صفحه و در لاتین "Ibid." نیز به همین ترتیب اکتفا شود.
- چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال بیش از یک اثر منتشر شود آن آثار، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار، از یکدیگر متمایز شوند.
۱۰. ذکر معادل غیرفارسی واژه‌های تخصصی، اسامی افراد یا مکان‌ها در پاورقی ضروری است.
 ۱۱. در پایان مقاله، فهرست الفبایی منابع فارسی و لاتین (کتابنامه) به صورت زیر ارائه شود (ابتدا منابع فارسی و عربی و سپس منابع لاتین) همچون مثال‌های زیر:
 - الف. کتاب: نام خانوادگی و نام نویسنده (تاریخ چاپ). نام کتاب، نام مترجم، محل انتشار، نام ناشر، شماره چاپ، جلد.
 - ب. مقاله مندرج در مجلات: نام خانوادگی و نام نویسنده (سال انتشار). «عنوان مقاله»، نام نشریه، دوره نشریه، شماره نشریه.

خلاصہ انجلیسی مقالات

Sociological Explanation of Law-breaking among Iranian Citizens: A Meta-Analysis Approach

Taha Ashayeri and Fatemeh Namian

The law has been responsible for controlling and monitoring the citizen actions in social interaction, as well as it has two important pillars of norm and tradition. Regarding geographical system and subcultures of the community, the laws vary. Flouting the law and violation of legal norms have existed in most cultures but the quality and quantity of violations have been made all differences. The present study aims to answer the following questions: 1) what are the main causes of flouting the law among Iranian citizens? 2) why is there a tendency to flout the law among citizens?

This research has been conducted based on the quantitative meta-analysis. The objective of this method is to integrate, systematically review and harmonize studies in the framework of the same research field. The statistical population consists 18 studies that 12 samples of the research documents were selected with the aim of composition and identification of its effect size. The findings shows that law-breaking as a dependent variables influenced by some variables such as individualism (0.388), Capital (0.407), Political (0.310), Cultural (0.398), Legal (0.346), Control (0.322), Anomie (0.526) and population (0.268). In sum, statistically speaking, the above-mentioned variables demonstrate law-breaking as follow: ($Z = 7.166$, $\text{sig} = 0.000$) (Effect size=0.233).

law-breaking is one of the most important social issues in the society. According to the results, it is strongly influenced by capital (social, cultural and political) factors as well as social control status. That is, the extent of legislation can be increased at the macro, middle and micro levels by increasing the amount of capital factors as well as strengthening the controlling system (formal and informal).

Keywords: *Law (Legislation); Social Capital; Control System; Social Anomie; Political Capital*

Cyberspace Gambling from the Perspective of Criminal Laws

Mahdi Chegeni and Seyed Ahmad Mousavi

Although the development of cyberspace like other human achievements has undeniable benefits, it creates many problems which have been criminalized as "computer crimes" in most countries. One of these misuses which interferes the public and economic orders is Internet (online) betting which is being widespread all over the World in various forms, whether independent or dependent on another issue such as sport competitions. In some countries, this behavior is criminalized as "online gambling" while according to the Islamic Penal Code, only traditional and physical procedures such as "gambling" as well as "purchase, sale, custody, production and distribution of gambling tools" also providing services in casinos have been criminalized as well as sentenced punishments. But with respect to the current circumstances as well as due to the widespread of Internet (online) betting, whether in the field of physical or computer games as well as the establishment of virtual casinos, it is necessary to examine the nature, conditions and legitimacy of these behaviors from the perspective of criminal laws and legislations. Results indicate that existing laws and regulations such as 705 – 711 Articles of the Islamic Penal Code cannot be generalized to online gambling. Hence, it seems that the codification of some absolute laws in this regard should be put in to the agenda.

***Keywords:** Gambling; Betting; Online; Cyberspace; Internet (Online) Gambling*

Penal Policy Discourse from the Perspective of Imam Sajjad's Treaties of Rights Risalat al-Huquq; Recognition of Sharia Penal Policy Discourse

Seyed Mohammadjavad Sadati

Penal policy of Sharia has important role in the Iranian penal legislation. This impact is not just because of the deep relationship between Sharia and political structure in our society. The effectiveness of Sharia penal policy on the Iranian penal legislation process is originated from the fact that religious norms and values in the historical accumulation process have become an integral part of cultural subsystem in our society. Due to deep relationship between Islamic norms and values and cultural subsystems, the Islamic penal policy has deep and extensive impacts on criminalization as well as penalization in our criminal policy discourse. Imam Sajjad's Treaties of Rights is one of rich sources that we can realize the penal policy discourse of Sharia through scrutinizing it. His Treaties of Rights is a coherent system of rights and duties which cover all material and spiritual aspects of life. Recognition of penal policy of this book can help us understanding the penal policy discourse of Sharia. Indeed, we can find out the penal policy of Sharia through the identification of Imam Sajjad's Treaties of Rights on penal policy .discourse

***Keywords:** Sharia Penal Theory; Islamic Penal Policy; Fundamental Valuation; Ideological Process; Quadruple Variables*

Evolution of Poverty in Ilam Province During the Second to Fifth Development Plans: The Emphasis on the Effects of Targeted Subsidies Policy

Bagher Darvishi and Fereshteh Mohammadian

The present study aims to evaluate poverty in rural and urban areas of Ilam Province in regards of four various fields including extent, distribution, severity and policy making. In this connection, using expenditure and income data of the households during, per-capita poverty, poverty gap, lump-sum targeting and time taken to exit of poverty indices (during the 2nd-5th development plan) were estimated. Results show that structural reforms had been occurred in the fourth and fifth development plans are different in comparison with the previous plans. For instance, poverty level in rural areas has been more increased than urban areas for the first time as well as only in this period, poverty was increased in both mentioned areas. The evaluation of per-capita poverty index based on household characteristics show that after conducting targeted subsidies plan, not only the problem of poverty is not removed in each household, but also vulnerability level has been increased in non-vulnerable households. Average exit time measure of poverty shows that households which are suffering from maximum poverty gap can be gotten rid of poverty only by a 12% growth rate, during a period of 10 years. According to the results of lump-sum targeting index, 36% of rural households as well as 30% of urban households will be poor even through a double increment of subsidies. Therefore, it is obvious that current policies could not help in poverty modification but poverty elimination needs for wider social supports which requires to review of supportive policies and poor identification methods.

Keywords: *Per-capita Poverty; Poverty Gap; Lump-Sum Targeting; Time Taken to Exit Poverty; Ilam Province*

The Application of a SWOT-DEMATEL Syncretistic Method to Integrated Management of Urban Boundary of Tehran

Nobakht Sobhani, Maryam Beyranvandzadeh, Sina Salmanzadeh and Ahadollah Ahmadi Pargoo

The realization of an integrated management of urban boundary is one of the main factors affecting on an integration of urban management structure. This study aims to investigate an integrated management status of (urban boundary of) Tehran which have been conducted through descriptive-analytical method. The key strengths, weaknesses (cons and pros), opportunities, and threats of an integrated management of urban boundary of Tehran were identified by using experts' and elites' point of views. According to the results of the D+R research among internal factors, environmental volatility increase (7, 88 score) as well as inconsistency of (rules and) regulations on the proposed urban boundary with the existing laws (7.40 score) have been ranked the first and second respectively. Also, these factors have greater impact on the reduction of an integrated management of this area. But, results of strengths show that (Capital Operations Approved by the Tehran Master Plan) and (Diversification of Environmental Platforms of Tourism Development) as two major factors which can also play more effective roles in the mentioned management have been ranked the first and second respectively through using DEMATEL Method. But, results of external factors indicate that disintegrated management of the area as well as discoordination between the authorities or decision makers on the integrated management of the urban boundary of Tehran are known as the most serious threats facing the case study. Consequently, the most important opportunities include the supportive components of Tehran development plans as well as the expansion of tourism in this area.

***Keywords:** Management Structure; Integrated Management; SWOT-DEMATEL; (Urban) Boundary; Tehran*

A Survey of Utilitarian Philosophers' Reading on Capital Punishment Deterrence

Abdolreza Javan Jafari Bojnourdi and Zahra Farhadi Alashti

The intellectual movement of utilitarianism focuses on the association of ideas with the aim of maximizing pains but minimizing possible benefits of committing a crime. This school of thought considers punishment as an instrument, including capital punishment as well as seeks to achieve the greatest social benefits in terms of imposing punishments. Therefore, remainist utilitarians as well as abolitionists have made numerous intellectual and philosophical efforts to provide a moral or philosophical justification in a bid to justify imposition or disimposition capital punishment a several years ago. Critical analysis of these two groups exhibits serious philosophical or practical challenges of utilitarian goals as well as makes the necessity of hybrid philosophical approach to capital punishment. We are going to analyze capital punishment through using utilitarian (philosophers') reference texts critically. Hence, the present research aims to analyze the utilitarian (philosophers') different perceptions and readings about the imposition of capital punishment as well as explain serious problems and challenges facing capital punishment deterrence through emphasizing the utilitarianism school, not others.

Keywords: *Deterrence; Capital Punishment; Utilitarianism; Abolitionists; Retainists; Philosophy of Punishment*

Action) as well as effective actors' on the sanctions game against Iran should continue bargaining in a Cartesian Coordinate System not confrontation and capitulation. Finally, this game will be stabilized after eight rounds of JCPOA negotiation are held. Over the periods, the orientation of US and its alignments in the Middle East region are shifted towards accepting (position of) other actors to continue Nuclear Deal (JCPOA) negotiation. But the limited orientation of some of the domestic agents might be considered as a credible threat in US–Iran standoff.

Keywords: Sanctions; Game Theory; Mechanism Design; Agent-based Modeling; Computer Simulation; Artificial Intelligence

The Analysis of Actors' Behaviors in the US Sanctions against Iran: An Agent-Based Approach

Kobra Sangari Mohazab, Hosein Raghfar and Mirhosein Mousavi

The sanctions which have been imposed against Iran by foreign countries and some international bodies have been considered as one of the most important economic challenges facing our country in recent years. The sanction consists of a set of planned measures which have been taken by one or more governments in order to curtail economic relations of the target state as well as exert pressure on it for different economic and political reasons. The accompaniment of other major economic and political actors with the boycotting state will play an effective role in achieving its objectives. This coordination aggravates the complexities of actors' relations in the international sanctions environment. Therefore, the method of agent-based approach and game theory are used to analyze the problem of sanctions as well as predict the possible equilibrium in these relations. Due to the networking and breadth of the issue of sanctions as well as looking for the optimal solution to widespread interactions arising from competition, coordination and negotiation, an agent-based approach is used in this paper. Presenting a multidisciplinary approach including game theory, agent-based systems, artificial intelligence and mechanism design in order to analyze the complicated problems of the US sanctions against Iran as well as providing results of the simulation of actors' behaviors, the paper attempts to introduce a new approach to modeling of political-economic phenomena. To this end, actors as well as their effective features on the sanctions game, scope of the game strategies have been identified as well as the simulation of actors' behaviors have been conducted within the (above) mentioned framework. Results of the simulation of the actors' behaviors on the proposed spectrum which includes two extremes of capitulation and confrontation shows that dominant strategy in the current situation is only emphasizing on the maintenance of the current nuclear deal/agreement formally known as JCPOA (Joint Comprehensive Plan of

Monitoring the Spatial Distribution of Poverty in Iran's Provinces

Hosein Nazmfar, Ali Eshghei Chahar Borj and Saide Alavi

The main objective of development is to eradicate poverty in each society as well as make a plan for its eradication. Realization of this major issue requires understanding the status quo and choosing poverty probability index. In this connection, the present study aims to measure the spatial distribution of poverty in different provinces of our country in order to provide more realistic planning for the eradication of poverty. A descriptive-analytical research method (with the practical aim) has been used. Since the poverty is a multidimensional phenomenon, 18 economic, social, cultural and physical indicators have been used to analyze the poverty in this paper. Analytic Network Process (ANP) has been used to express the relative importance of each index as well as PROMETHEE method and GAIA Data Processing have been used to analyze the data. Results of the research show that Zanjan, Yazd, East Azarbaijan, Mazandaran and South Khorasan Provinces are the richest but Kerman, Khuzestan, Kermanshah, Lorestan, Sistan and Baluchestan, Kohkiluyeh and Boyer Ahmad Provinces are known as the poorest provinces of the country. The spatial distribution of poverty in Iran's territorial zone implies that most of the poor provinces are located in both southeastern and western regions of our country.

Keywords: *Poverty; Spatial Distribution; PROMETHEE; Iran's Provinces*

Legislative Failures of an Efficient Jury in the Iranian Legal System

Mohsen Sharifi

Unfortunately the Jury's role has been appeared insignificant in the Iranian legal system yet despite that it has a long and more than one hundred years of experience in this system. Also, the Jury's competence is too limited to deal with political and press crimes as well as it is uncertain whether the Jury can exercise jurisdiction over making decision on negative political offences- the government's crimes or its officials against the citizens' fundamental rights- under the late-stalled Act on political crimes (2016). Furthermore, members of the Jury is chosen by the government rather than the people (the public will) as well as judicial procedures for the Jury's advisory or mandatory opinions have been changeable or chaotic in different eras. Although the Jury's Act on how to choose members and composition of the Jury enacted in 2003 could be taken the progressive step to remove some pitfalls of the previous regulations (on how to choose the number and composition of the jury), but it was abolished under the Act on the Jury's assignment of the press which was ratified in 2008. This paper criticizes some Jury's approvals as well as reveals that the consequences of such aimless criminal policy are taken into account as an institution that its judicial deficiencies must be considerably identified. Finally, the article proposes appropriate solutions in a bid to overcome (such problems) or mitigate unneglectable barriers.

Keywords: *The Jury; Political Crime; Press Crime; Criminal Procedure*

Social Strategies of Urban Entrepreneurship Development

Mojtaba Babaei Hazejan, Ali Pirannejad, Bahman Khodapanah and Seyedeh Reyaneh Lajevardi

Developed cities can be taken advantages of urbanization (phenomenon) as a "path to progress and development", not as a challenge or crisis through using modern urban management methods. In this connection, urban entrepreneurship has effective impact on urban communities through transforming serious challenges (of urban society) into the significant opportunities such as employment growth rate, citizens' income, reduction of the number of crimes caused by unemployment and poverty, the enhancement of citizens' self-sufficiency and etc... . Hence, the research aims to realize the appropriate social environment for the development of urban entrepreneurship phenomenon in order to identify social barriers facing this phenomenon in Tehran through using the qualitative research method. Then, 45 codes (in open coding phase) and 7 codes (in axial coding phases) which includes social tolerance, social responsiveness, social imaging, social sensitivity, social regulation, local identification and knowledge explicitness have been identified respectively through conducting 18 in-depth socio-economic experts. Finally, according to the findings of the research, some solutions have been proposed such as social empowerment and streaming.

Keywords: *Urban Entrepreneurship; Urban Community; Urbanization; Creative City; Empowerment; Streaming*

An Application of Dynamic Generalized Gravity Model for Analyzing the Effect of Political Instability on Trade Integration of the Islamic Countries

Hamid Azizmohammadlou

In the current era, Islamic countries are facing numerous challenges in various fields especially in the economic area which most of them are originated from political issues. One example is trade integration between these countries that it is not sustainable in spite of the numerous similarities between them. The paper analyzes the role of political instability on trade integration of Muslim countries through applying a dynamic generalized gravity model as well as using chosen data of 16 Asian Muslim countries, including Iran during 2001- 2015. Findings which have been obtained through estimating dynamic generalized gravity model as well as panel reveal that some factors such as GDP, population, economic structure similarity and common language between countries have positive effect but geographical distance has negative impact on trade integration of the chosen countries. The coefficient of political instability on dynamic gravity model was estimated negative which shows that increasing political instability has weakened the trade integration of Muslim countries during the mentioned period. Regarding its considerable significance of political stability on trade integration, it is recommended that Muslim countries as well as OIC to take appropriate measures to eliminate political instability in these countries in order to facilitate the preconditions of trade integration improvement.

Keywords: *Trade Integration; Political Instability; Dynamic Generalized Gravity Model; Islamic Countries*

The Conceptualization of Justice in the Iranian Educational System: A Case Study of Pre-University Textbooks

Ghodsi Bayat and Marziyeh Ghasemi

This study investigates the place of "justice" as one of the fundamental and challenging terms of politics and ethics which have been considered by philosophers, social scientists, and policy makers. Also, the paper considers vital role of the curriculum contents of different educational systems in forming the mental patterns, beliefs and values of the young generation of the society. This paper aims to understand how to conceptualize the justice in the Iranian educational system through using a qualitative textual analysis method. The statistical population includes all pre-university textbooks. The research findings show that school textbooks are addressed the issue of "justice" in the form of eight general themes (such as religious orientation, history orientation, differentiation, consequentialism, power and justice ratio, aesthetic and ethical issues, thinking/contemplation and patterning) in the Books of History, Religion and Life and (Persian) Literature in Primary/Elementary Schools as well as Economics, Sociology and Social Education Books which are taught in High Schools, also Social Education, Religious education, Persian Literature and Arabic Books in Secondary Schools. The overarching themes in respect of contents are based on religious and historical dimensions while there is little logical relation between the justice discourses in the Secondary Education Levels and before. Therefore, it is of high importance that the concepts such as justice which is rooted in our values, doctrines and laws are taken into consideration. Consequently, it is suggested that curriculum contents of educational system are reviewed in order to maintain the consistency as well as concentration of the texts books' contents in accordance with the objectives of Iran's 20-Year Vision Plan, (6) Development Plans (of the Islamic Republic of Iran) and education sector development plan.

***Keywords:** Justice; Educational System; Qualitative Analysis; Secondary and Elementary School Textbooks*

English Abstracts

Publisher: Majlis Research Center

Director in Charge: Ghasemi, M.

Editor-in-Chief: Sobhani, H.

Managing Editor: Khoei, S. M.

Editorial Board:

Afshin, H. (Associate Professor, Faculty of Mechanical Engineering Sharif University)

Beygzade, E. (Professor, Faculty of Law, Shahid Beheshti University)

Daneshfard, K. (Professor, Faculty of Management, Islamic Azad University Science and Research Branch)

Esmacili, M. (Professor, Faculty of Private and Islamic Law, University of Tehran)

Jalali, K. (Expert and Assistant Professor, Faculty of Political Science, Islamic Azad University)

Ghasemi, M. (Expert and Assistant Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabatabaee University)

Masoudi Asl, I. (Associate Professor, Majlis Research Center)

Naderan, E. (Associate Professor, Faculty of Economics, University of Tehran)

Sadeghy Moghadam, M.H. (Professor, Faculty of Private and Islamic Law, University of Tehran)

Sadra, A. (Professor, Faculty of Political Science, University of Tehran)

Sobhani, H. (Professor, Faculty of Economics, University of Tehran)

Taghizadeh, F. (Associate Professor, Faculty of Physics, Yasouj University)

Editorial Advisory Board: Abdoli, Gh; Abdollahi, M. R; Alizadeh Aghdam, M. B; Aminizadeh, M; Ansari, H; Barzegar, S; Bayat, Gh; Bazargan Harandi, A; Eftekhari, A; Fotros, M. H; Ghasemi, M; Hasani, M. H; Khaleghi, A; Kiani, A; Mohseni, F; Morjaei, S.H; Najafi Abrandabadi, A. H; Nazmfar, H; Nili Ahmadabadi, M. R; Parsamehr, M; Raghfar, H; Salehi, M. Kh; Sarikhani, A; Shahhoseni, S; Sharifi, M; Yousef Sheykhrobat, M. R; Zaranejad, M.

According to Letter No 3/27-958, Dated 14 March 2012 of the Ministry of Science, Research and Technology the Quarterly has been Accredited as a Scientific - Research Journal.

Majlis Research Center,

No. 802, Southern of Niavaran Park, Pasdaran St. Tehran, Iran

Publication (Ahmadi, Z): +9821-75183283

Fax: +9821-75183186

Subscription: +9821-75183149

nashr.majles.ir

mrcmag@majles.ir

rc.majles.ir

Editor: Atarodi, N.

English Editor: Ghasemi Naraghi, S.

Lay Out: Jadidi, A.

• The Views Expresse in Majlis & Rahbord are those of the Authors and not Necessarily those of the Editors or MRC.

• All or Parts of the Articles in this Quarterly maybe Freely Quoted our Reprinted, but Acknowledgment is Requested.